

آموزش مصوّر احکام

احکام عبادات

مطابق با فتاوای مرجع عالی قدر حضرت آیت الله العظمی خامنه ای (مدظله العالی)

بسم الله الرحمن الرحیم



آموزش مصوّر احکام

طبق فتاوای حضرت آیت‌الله‌العظمی خامنه‌ای دام‌ظله

مجموعه‌ی مسائل و استفتائات پیرامون احکام

تکلیف، طهارت، وضو، غسل، تیمّم، نماز، مسجد و روزه

با توضیحات تصویری، جدول و اینفوگرافیک

فقه روز

وابسته به انتشارات انقلاب اسلامی

سرشناسه خامنه‌ای، علی، رهبر جمهوری اسلامی ایران، ۱۳۱۸ .

عنوان و نام پدیدآور آموزش مصوّر احکام، طبق فتاوای حضرت آیت‌الله‌العظمی خامنه‌ای دام ظله

(مجموعه مسائل و استفتائات پیرامون احکام تکلیف، طهارت، وضو، غسل و...)/

تهیه و تنظیم موسسه‌ی اطلس تاریخ شیعه (کانون نشر احکام).

مشخصات نشر تهران؛ انتشارات انقلاب اسلامی، نشر فقه روز، ۱۳۹۳.

مشخصات ظاهری ۴۳۲ص؛ مصوّر.

شابک ۹۷۸-۶۰۰-۹۳۱۳۳-۶-۵

قیمت ۲۸۰۰۰۰ ریال

وضعیت فهرست نویسی فیپا

موضوع فقه جعفری ـ رساله‌ی عملیه

شناسه افزوده موسسه‌ی پژوهشی فرهنگی انقلاب اسلامی، دفتر حفظ و نشر آثار حضرت آیت‌الله العظمی خامنه‌ای دام ظله

انتشارات انقلاب اسلامی، نشر فقه روز.

شناسه افزوده موسسه‌ی فرهنگی- هنری اطلس تاریخ شیعه، کانون نشر احکام

رده بندی کنگره ۱۳۹۳ ۲آ۸خ/۹/BP۱۸۳

رده بندی دیویی ۲۹۷/۳۴۲۲

شماره کتابشناسی ملی ۳۴۸۵۴۳۵



تهیه و تنظیم

موسسه‌ی اطلس تاریخ شیعه (کانون نشر احکام)

ناشر

فقه روز (وابسته به انتشارات انقلاب اسلامی)

شمارگان

۵۰۰۰ نسخه

نوبت چاپ

هشتم، زمستان ۱۳۹۶

قیمت

۲۸۰۰۰ تومان

شابک

۹۷۸-۶۰۰-۹۶۱۳۳-۶-۵

تهران، خیابان جمهوری اسلامی، خیابان فلسطین جنوبی، کوچه‌ی هلالی، شماره‌ی ۲۶

تلفن: ۶۶۴۱۰۶۴۹ - ۶۶۴۸۳۶۹۵ - تلفن مرکز پخش: ۶۶۴۸۳۹۷۵ - ۰۹۱۹۵۵۹۳۷۳۲

سامانه پیامکی: ۱۰۰۰۲۰۱۲۰ - صندوق پستی: ۶۱۳ - ۱۳۱۸۵

پست الکترونیکی: info@book-khamenei.ir

پایگاه اطلاع رسانی و عرضه‌ی مجازی: www.book-khamenei.ir

مقدمه

برقراری نظام جمهوری اسلامی به تعبیر رسای بنیانگذار آن، حضرت امام خمینی ﷺ، از نعمت‌های بزرگ الهی بر مردم این سرزمین و تمامی مستضعفین جهان بوده است. مروری بر تاریخ پرافتخار این نهضت و شکل‌گیری نظام مقدّس جمهوری اسلامی به روشنی نقش و تأثیر اصل مترقّی ولایت فقیه و رهبری حکیمانه‌ی حضرت امام ﷺ و پس از آن حضرت آیت الله العظمی سیّدعلی خامنه‌ای، رهبر معظّم انقلاب اسلامی، را در هدایت انقلاب در کوران حوادث گوناگون روزگار نشان می‌دهد. مؤسسه‌ی پژوهشی فرهنگی انقلاب اسلامی که وظیفه‌ی حفظ و نشر آثار مقام معظّم رهبری را بر عهده دارد، در انجام همین وظیفه به انتشار کتابهای موضوعی به منظور نشر بیانات، دیدگاه‌ها و رهنمودهای معظّمٌ‌له در مقاطع، مناسبت‌ها و موضوعات مختلف می‌پردازد.

فراگیری تکالیف شرعی و احکام اسلامی در زوایای مختلف زندگی ـ به ویژه اموری که همه روزه با آن سر و کار داریم ـ یک ضرورت و وظیفه‌ی دینی برای عمل است؛ عملی که ضامن سعادت، جلب رحمت الهی و کامیابی دنیوی واخروی است.

از این رو کاربرد روش‌های نو و جاذبه‌های نوشتاری و هنری در عرضه‌ی مسائل مورد نیاز، برای یادگیری «باید و نبایدهای عملی»، بیش از دیگر امور اهمیّت دارد.

کتاب حاضر شامل احکام فقهی در موضوع عبادات مطابق با فتاوای رهبر معظّم انقلاب اسلامی حضرت آیت الله العظمی خامنه‌ای (مدّظلّه العالی) است که به کوشش موسسه‌ی اطلس تاریخ شیعه تهیه و تنظیم شده و از سوی نشر فقه روز وابسته به انتشارات انقلاب اسلامی عرضه می‌شود.

آموزش مصوّر احکام مجموعه مسائل و استفتائات پیرامون احکام تکلیف، طهارت، وضو، غسل، تیمم، نماز، مسجد و روزه است که با استفاده از تصاویر و با رویکرد آموزشی در اختیار خوانندگان قرار می‌گیرد.

«موسسه‌ی فرهنگی، هنری اطلس تاریخ شیعه» به‌عنوان تهیه کننده‌ی این اثر با سپاس از تلاش‌های پژوهشگران محترم حوزه‌های علمیه و نظر به قابلیّت فراوانی که پس از پیروزی انقلاب در گسترش احکام اسلامی پیش روست، برای کاستی زدایی از برخی نگاشته‌ها و روزآمد سازی شیوه‌ی نگارش و برخورداری از قالبی جذاب و بدیع، همراه با پاسخ به پرسش‌های نوپدید فقهی، از سال ۱۳۸۷ بر تدوین و تنظیم کتاب حاضر مطابق با فتاوای حضرت آیت الله العظمی خامنه‌ای (مدّظلّه العالی) که اولین جلد از مجموعه‌ی چند جلدی آموزش مصوّر احکام می باشد، همت گماشت.

مراحل اجرای پروژه

پس از شش سال کار پژوهشی و استفاده از ۴۰۰۰۰ نفرساعت، کتاب آماده چاپ گردید که مراحل اصلی کار بدین شرح است.

۱. بررسی و بازنگری طرح و کارشناسی‌های بایسته

۲. هم‌اندیشی و هماهنگی محقّقان در مسیر طرح با نظارت و راهنمایی ناظر آن

۳. شناسایی کتب فقهی و منابع دستِ اوّل مرتبط با موضوع کتاب، گردآوری استفتائات جدید و پرسش‌های متداول، نیز بررسی مقالات فقهی و تحقیقات موجود در پایگاه‌های اطلاع‌رسانی و...

۴. فیش‌برداری موضوعی از منابع و استفتائات مورد نیاز

۵. بازنگری و بازنگاری فیش‌ها

۶. دسته‌بندی پرسش‌ها و استفتائات جدید و بررسی نواقص محتوایی

۷. ارائه‌ی شرح تصاویر انتخاب شده به عکاس و تصویرگر برای آماده‌سازی تصاویر مربوط

۸. بازنگری و مقابله‌ی مجدد پاسخ‌ها و استفتائات با منابع اصلی و فرعی و توجه ویژه به مستندسازی فتاوا

۹. طرّاحی و چینش کتاب به صورت جذاب و ابتکاری و با رعایت مؤلّفه‌های هنری.

ویژگی‌های کتاب

۱.بهره‌وری از منابع دست اوّل

اساس کار گروه، بررسی دقیق منابع دستِ اوّلِ فارسی و عربی بوده که مورد تأیید دفتر مقام معظّم رهبری است؛ اَعَم از اَجْوِبَةُ الاستفتائات، استفتائات جدید، استفتائات موجود در پایگاه‌های اطلاع‌رسانی و استفتائات کتبی موجود در بایگانی مؤسسه‌ی اطلس تاریخ شیعه.

۲. غنی‌سازی مسائل و استفتائات

برآن بوده‌ایم که در مسائل مورد نیاز مُکَلَّفین عزیز، به ویژه پاسخ به پرسش‌های نو و مورد نیاز آنان، نظرات مقام معظّم رهبری گردآوری شود. از این رو در این مجموعه بیش از ۴۰۰۰ استفتای جدید مورد استفاده گردیده و سعی شده بیشتر به بیان احکام تکلیفی «واجب و حرام» و احکام وضعی «باطل و صحیح» بسنده شود.

۳. روان سازی متن

روزآمدسازی واژه‌ها و یادکردهای فقهی، حذف اصطلاحات نامتعارف و استفاده از چارچوب‌های گوناگون با عنوان «توجّه»، «نکته» و «پرسش» برای توضیح برخی واژه‌ها و آشنایی مخاطب با برخی مصادیق احکام، از نکات در خورِ توجّه در این طرح است که برای نخستین بار صورت می‌گیرد.

۴. استفاده از داستان‌های اخلاقی و نکته‌های آموزنده و علمی

گاه متناسب با موضوع، داستان یا نکته‌ای خواندنی از زندگی اهل بیت﷈ و علمای ربّانی با عنوان «بیاموزیم»، همچنین حکمت و چرایی برخی از احکام یا نکته‌های آموزنده‌ی اخلاقی، نیز یادسپاری‌هایی برای پیشگیری از وسوسه در احکام آمده که به تشویق و راهنمایی خواننده می‌پردازد.

۵. ارائه‌ی قانون کلّی

در مواردی که حکم فقهی را می‌توان به گونه‌ی قاعده‌ای کلّی بیان کرد، مسأله را با عنوان «قانون کلّی» در کادر آورده‌ایم تا خواننده در موارد مشابه بتواند به آن مراجعه کند.

۶. تصاویر آموزشی و نمودارهای کاربردی

از نوآوری‌ها و جاذبه‌های قابل توجه در این طرح، بهره‌وری از تصاویر و نقاشی‌های آموزشیِ دقیق و کارشناسی شده و همچنین جدول‌ها و نمودارهای کاربردی در کنار متن است.

۷. طرّاحی شایسته

امروزه توجّه به جذّابیت‌های بصری و هنری در کنار متن و گزاره‌های کتاب، از نکات بسیار مهم آموزش، به ویژه ایجاد انگیزه برای مطالعه به شمار می‌رود؛ از این رو بهره‌گیری از افراد خلاّق، استفاده از جاذبه‌ها و طرح‌های هنری از جمله ویژگی‌های مهم در کتاب حاضر می‌باشد.

۸. پیوندها

به کارگیری پیوندها و ارجاعات مناسب که مخاطب می‌تواند برای دیگر پرسش‌های خود در موضوع مورد نظر، به سایر بخش‌های کتاب مراجعه کند.

۹.خلاصه‌ی فصل

چکیده و خلاصه‌ای از مطالب هر بخش که در جمله‌هایی کوتاه و روان، ارائه شده است.

۱۰.فرهنگ اصطلاحات و لغات

از ویژگی‌های شاخص این کتاب ارائه‌ی اصطلاح نامه‌ای با معانی سلیس و روان از واژگان دشوار فقهی در پایان کتاب است.

همچنین تدوین اثر به نحوی انجام گرفته است که نفع آن عام و بهره‌گیری از آن برای همگان آسان باشد.

گفتنی است این مجلد اولین جلد از مجموعه‌ی کتب «آموزش مصوّر احکام» است و مجلدات بعدی در موضوعات احکام پزشکی، بانوان، ورزشی، رسانه، عزاداری، نو تکلیفان و... به زودی عرضه خواهد شد.

سپاس

از همه‌ی عزیزانی که با راهنمایی خود ما را نسبت به کامل‌تر شدن این مجموعه یاری کردند، تشکر و قدردانی می‌کنیم؛ به ویژه استادان محترمی که نقش و سهمی مؤثرتر داشتند:

حجة الاسلام والمسلمین ابوالفضل بنایی کاشی مدیر محترم مؤسسه‌ی اطلس تاریخ شیعه که نقش مؤثر در آماده‌سازی این اثر ایفا کردند.

حجة الاسلام والمسلمین محمد علی برکتین که در تنظیم موضوعات و کنترل عناوین و پیوندها نظارت داشته، با راهنمایی و ایده‌های نو، جاذبه‌های ویژه‌ای را در ساختار کتاب پدید آورند.

حجة الاسلام والمسلمین محمدحسین فلاح‌زاده ناظر محتوایی کتاب که با رهنمودهای سازنده‌ی خویش، بیش از پیش ما را در تکمیل کتاب یاری نمودند.

همچنین از همکاری مدیریت و طلاب محترم مدارس علمیّه‌ی معصومیّه ﷺ (قم)، شیخ الاسلام (قزوین)، امام صادق ﷺ (قزوین) وجامعة الزهرا ﷺ (قم) سپاس گزاریم.

در پایان از تلاش‌های اعضای کانون نشر احکام آقایان: علیرضا محمدی نژاد، احسان نوروزی، محمدرضا عظیمیان، سیدمهدی خضری، مرتضی کیان، سیدمرتضی حسینی، علی عباسی، سیدشمس‌الدین موسی کاظم، ابوذر عباسی، علی اکبر صمدی، محمد حامد کولجی، حسین یوسفی، حسین حبیبی، و همچنین رحیم حسین‌آبفروش[مدیر هنری]، ابوالقاسم جوپاری [طراح و گرافیست] و ترانه هاشم‌نیا[تصویرگر] که به تهیه و تنظیم این اثر پرداختند، تشکر و قدردانی می‌شود.

از پیشگاه خدای منان، دوام توفیق همه‌ی این بزرگواران را در خدمت به مکتب اهل بیت ﷺ مسألت می‌کنیم.

و سخن پایانی اینکه پیشنهادها وانتقادهای سازنده‌ی شما دانش‌پژوهان و خوانندگان گرامی بر غنای این اثر خواهد افزود.

و من الله التوفیق

فقه روز

بسمه تعالی

عمل به این رساله (آموزش مصوّر احکام)

مجزی و مبرء ذمّه است ان شاء الله.





نشان شناسی کتاب

[م] و [س]: به جای مسأله از حرف «م» و به جای سؤال از حرف «س» استفاده شده است.

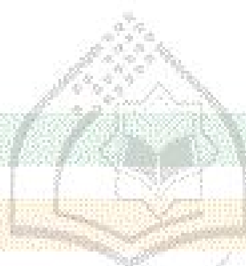
عنوان اوّل

عنوان دوّم

عنوان سوّم

عنوان چهارم

عنوان پنجم



نکته

قانون کلی

توجه

پرسش

دانستنی

بیاموزیم

خلاصه‌ی فصل

فهرست

تکلیف

طهارت

وضو

غُسل

تیمُّم

نماز

مسجد

روزه

اصطلاح‌نامه

تکلیف

طهارت



وضو

غسل

تیمّم

نماز

مسجد



روزه

تکلیف

اهمیّت تَکْلیف

اهمیّت تکلیف از منظر مقام معظّم رهبری دام‌ظله

«اگر ما به احکام اسلامی عمل بکنیم، اگر جامعه‌ی اسلامی، ایمان اسلامی را همراه با عمل به مقرّرات و قوانین الهی تعقیب بکند، همان چیزی اتفاق خواهد افتاد که بشریّت در طول تاریخ به دنبال آن بوده است؛ یعنی چه؟ یعنی آسایش و رفاه مادّی همراه با تکامل و پیشرفت و عُروج معنوی».[1]

«معنای تقوا این است که هر آنچه را خدای متعال بر انسان تکلیف کرده است، انجام بدهد. واجبات را به‌جا آورد و محرّمات را ترک کند. این اوّلین مرتبه تقواست. محرّمات الهی را باید شناخت و دور و برِ آن نچرخید و نگشت».[2]

«بزرگی می‌گفت کسی به من مراجعه کرده و پرسیده: چه کار کنم که خدمت حضرت(صاحب الزمان) برسم؟ ایشان گفت: «من به او گفتم شما اگر به واجبات عمل و از محرّمات اجتناب کنید و کمی مراقب خودتان باشید، حضرت پیش شما می‌آیند؛ شما لازم نیست زحمت بکشید و پیش حضرت بروید». راهی که برای انتفاع از آن بزرگوار پیش پای ما گذاشته‌اند، راهِ تهذیب نفس است، راهِ مخصوصی نیست؛ همان راهی است که برای تکامل نفس، برای آدمِ خوب شدن، برای نورانی شدن دل انسان و انعکاس جلوه‌ی جمال الهی در آن، جلوی پای انسان گذاشته‌اند، خصوصاً شما که جوانید و دل‌هایتان پاک است، آمادگی دارید و برایتان خیلی آسان‌تر است».[3]

«عدالت، آزادی و آزادگی و بهجت روح انسانی در عمل به احکام دین، تحقق می‌یابد و نیازهای اصلی انسان، تنها به برکت دین خداست که تأمین می‌شود؛ بنابراین به جز دین خدا، هیچ‌کدام از ایسم‌های پر زرق و برق و مکتب‌های جهانی نمی‌تواند بشریت را نجات دهد».[4]

اهمیّت یادگیری احکام شرعی

م . واجب است مُکَلَّف[5] احکام و مسائلی را که انجام تکالیف شرعی روزمرّه وابسته به دانستن آن است فرا بگیرد، مانند مسائل اصلی نماز و روزه و طهارت و برخی معاملات و غیر آن، و اگر یاد نگرفتن احکام به ترک واجب یا ارتکاب حرام بیانجامد گناهکار خواهد بود.

۱. حدیث ولایت، ج ۷، ص ۶۲.
۲. دیدار با فرماندهان رده‌های مقاومت نمونه بسیج و جمعی از دانشجویان و طلاب بسیجی، ۱۳۷۰/۸/۳۰.
۳. دیدار با جوانان نخبه، ۱۳۸۲/۱۱/۲۱.
۴. دیدار با جمع زیادی از روحانیون، فضلا، وعاظ و ائمه جماعات ، ۱۳۷۸/۱/۲۳.
۵. مُکَلَّف: کسی که به حدّ تکلیف و بلوغ رسیده؛ انسانی که بالغ و عاقل است. [برای آشنایی با واژگان فقهی به بخش اصطلاح‌نامه رجوع کنید].

عمل به احکام

راه‌های عمل به احکام

م . راه‌های عمل به احکام الهی، اجتهاد، تقلید و یا احتیاط است و با تکیه بر عقل نمی‌توان به احکام شرعی دست یافت.

راه‌های عمل به احکام دین

اجتهاد	اجتهاد یعنی بدست آوردن و استخراج احکام شرعی و قوانین الهی از مدارک و منابعی که اعتبار آن‌ها نزد فقیه ثابت شده است.
احتیاط	احتیاط یعنی عمل کردن به گونه‌ای که مُکَلَّف مطمئن شود وظیفه‌ی شرعی خود را انجام داده؛ مثلاً کاری را که بعضی از مجتهدین حرام می‌دانند و بعضی دیگر حرام نمی‌دانند به جا نیاورد و کاری را که بعضی واجب می‌دانند و بعضی دیگر واجب نمی‌دانند، انجام دهد. احتیاط ممکن است به یکی از صورت‌های زیر باشد: **الف: ترک عمل** (در صورتی که عده‌ای از مراجع آن کار را جایز و عدّه‌ای منع کنند، کسی که می‌خواهد احتیاط کند باید آن عمل را ترک کند). **ب: انجام عمل** (در صورتی که عدّه‌ای از مراجع ترک آن عمل را جایز و عدّه‌ای انجامش را لازم بدانند، کسی که می خواهد احتیاط کند باید آن عمل را انجام دهد). **ج: تکرار عمل** (در صورتی که عدّه‌ای از مراجع، انجام یک بار آن عمل را کافی و عده‌ای کافی ندانند، کسی که می خواهد احتیاط کند باید آن عمل را تکرار کند).
تقلید	تقلید یعنی مراجعه به مجتهد جامع الشرایط در احکام دین، و به عبارت دیگر: طبق تشخیص و فتوای او اعمال شرعی را به جا آوردن.

اقسام احکام

م . مجموعه دستورهای دین، که وظیفه‌ی انسان‌ها را در زندگی و کارهای روزمرّه مشخص می‌کند و به آنها «احکام» گفته می‌شود، پنج دسته هستند:

احکام پنج‌گانه

واجب	کاری که باید انجام داد و ترک آن گناه دارد. مانند نماز خواندن و روزه گرفتن.
حرام	کاری که نباید انجام داد و انجام آن گناه دارد. مانند دروغ گفتن و دزدی.
مستحب	کاری که انجام دادن آنها بهتر است و ثواب دارد. مانند مسواک زدن و گفتن «بسم الله» در ابتدای غذا.
مکروه	کاری که انجام ندادن آن بهتر است و ترک آن ثواب دارد. مانند خوردن غذای داغ و فوت کردن به غذا.
مباح	کاری که انجام دادن و انجام ندادن آن به خودیِ خود نه ثواب دارد و نه گناه. مانند راه رفتن و نشستن. البته اگر کارِ مُباح را با نیّتی الهی انجام دهیم، ثواب می‌بریم؛ مانند درس خواندن برای خدمت به جامعه‌ی اسلامی.

شرایط تکلیف

م . افرادی که دارای این شرایط باشند، مُکَلَّف به تکالیف شرعی خواهند بود:



نشانه‌های بلوغ

م . نشانه‌های بلوغ در پسران و دختران سه چیزاست و البته هریک از این سه نشانه، به تنهایی علامت بلوغ و رسیدن به حدّ تکلیفِ شرعی محسوب می‌شود:



توجه

به دلیل این‌که هر سال قَمری ۱۰ روز و ۲۱ ساعت از سال شمسی کمتر است، سنّ بلوغ بر مبنای سال شمسی بدین‌گونه است:

در پسر _ ۱۴ سال و ۶ ماه و ۲۲روز و **در دختر** _۸ سال و ۸ ماه و ۲۷ روز.

تاریخ تولّد ثبت شده در شناسنامه، ملاک و میزان در بلوغ شرعی نیست؛ مگر آن که با تاریخ تولّد واقعی مطابقت داشته باشد.

م . رشد جسمی یا فکری به معنای بالغ شدن نیست؛ هر چند معمولاً در پسران رشد فکری و بلوغ با هم حاصل می‌شود و در دختران با رسیدن به سن بلوغ، این رشد پیدا نمی‌شود. به هرحال اگر نوجوانی به حدّ رشد فکری رسیده، ولی از نظر شرعی نابالغ است، تکلیفی ندارد.

۱. با توجه به این شرایط: کودکان، افراد دیوانه و کسانی که قدرت بر انجام واجبات ندارند، مُکلّف نبوده و عملی بر آن‌ها واجب یا حرام نیست.

اهمیّت تَقْلید

ضرورت و لزوم تقلید در احکام

نیازمندی‌هایی که انسان در محیط زندگی خود دارد و فعالیت‌هایی که برای رفع آنها باید انجام دهد، به قدری زیاد است که یک انسان معمولی قادر به شمردن نام آنها هم نیست، تا چه‌رسد به این‌که در همه‌ی آنها تخصص پیدا کرده و اطلاع کافی به دست آورد.

از طرف دیگر چون انسان کارهای خود را از روی فکر و اراده انجام می‌دهد و در جایی که می‌خواهد تصمیم بگیرد، باید اطلاع کافی داشته باشد و اگر اطلاع کافی نداشته باشد، نمی‌تواند تصمیم بگیرد، لذا باید یا خود در کارهایش خُبره و صاحب‌نظر باشد یا از اهل خُبره و افراد آگاه و متخصّص بپرسد و با دستور آنان وارد مرحله‌ی عمل شود؛ چنان‌که برای معالجه بیماری‌ها به پزشک مراجعه می‌نماییم و برای نقشه‌ی ساختمان به مهندس ساختمان اعتماد می‌کنیم.

پس ما پیوسته جز در موارد بسیار ناچیزی، زندگی خود را با تقلید می‌گذرانیم.

نکته

دانشمندی که احکام دینی را از راه استدلال به دست می‌آورد، مجتهد و عملش را اجتهاد می‌گویند و کسی را که به مجتهد مراجعه می‌کند مُقلِّد و مراجعه به او را تقلید می‌نامند.

اسلام به پیروان خود دستور داده که معارف و احکام دینی را یاد بگیرند تا مرتکب اعمال خلاف شرع نشده و به عاقبت گناه گرفتار نیایند. البته منبع معارف و احکام الهی نیز چیزی جز کتاب خدا و سنّت پیغمبر ﷺ و ائمه‌ی هدی علیهم‌السلام نیست.

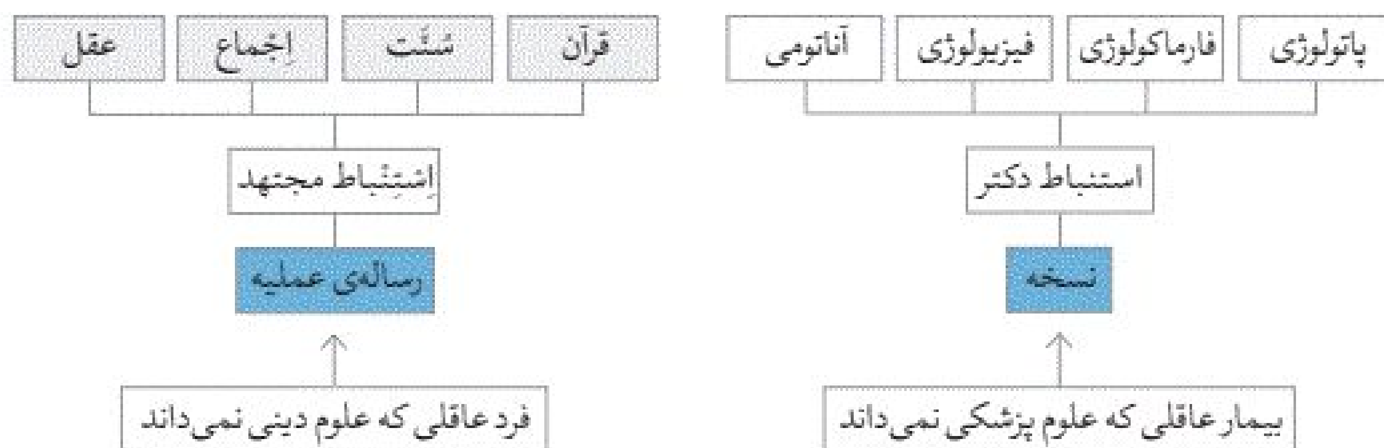
بدیهی است که به دست آوردن همه‌ی معارف دینی از کتاب و سنّت کار هرکسی نیست و برای همه‌ی افراد مسلمان میسّر نمی‌باشد؛ بلکه جز برای گروهی معدود امکان ندارد.

بنابراین طبعاً این دستور دینی به این صورت در می‌آید که عدّه‌ای از مسلمانان که توانایی به دست آوردن معارف و احکام را از راه استدلال ندارند، به کسانی که دستورهای دینی را با دلیل به‌دست آورده‌اند، مراجعه نموده و وظایف خود را انجام دهند.[1]

تقلید مشروع علاوه بر این که ادله‌ی شرعی دارد، در واقع، رجوع جاهل به عالم، غیر مجتهد به مجتهد و غیرمتخصص به متخصص است که اصلی عقلایی شمرده می‌شود و همواره در میان انسان‌ها وجود داشته و دارد و این‌گونه تقلید و پیروی‌های عاقلانه و منطقی محور زندگی انسان‌ها را در مسائل تخصصی تشکیل می‌دهد. از این رو، تقلید غیر مجتهد از مجتهد در احکام، رجوع کردن به متخصص است. به جهت آن که دریافت فروع دین یا احکام عملی، تخصصی است و در صورتی که انسان به درجه‌ی اجتهاد و قدرت استنباط احکام الهی نرسیده باشد، لازم است از مجتهد پیروی و تقلید نماید.

۱. آموزش دین، علّامه طباطبایی رحمه‌الله، ص ۲۵۶؛ پاسخ به پرسش‌های مذهبی، ص ۲۷۸.

گفتنی است که قدرت اجتهاد و پاسخ‌گویی به پرسش‌های دینی مردم، حاصل سال‌ها رنج و تلاش خستگی‌ناپذیر است، شیخ مرتضی انصاری رحمه الله یکی از مجتهدان عالی‌مقام و از مفاخر مکتب اسلام که راه پرفراز و نشیب اجتهاد را پیموده است، در کتاب رسائل می‌گوید: «رزقنا اللهُ الإجتهادَ الذی هُو أشدُّ مِن طولِ الجهاد»؛ خدا به ما توفیق اجتهاد دهد؛ اجتهادی که از جهادِ مداوم سنگین‌تر و پر زحمت‌تر است[1].



اجتهاد و تقلید از دیدگاه معصومان علیهم السلام

پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و امامان معصوم علیهم السلام علاوه بر گشودن باب اجتهاد به روی فقیهان و تشویق آنان به فتوا دادن بر محور قرآن و سُنَّت، عموم مردم را به مراجعه به فقیهان برای گرفتن پاسخ پرسش‌هایشان دعوت می‌کردند.

در حقیقت می‌توان گفت که باب تقلید و رجوع به فقیه را خودِ حضرات معصومین علیهم السلام بنیان نهاده و همواره به آن توصیه نموده‌اند.

عبدالله بنِ اَبی یَعفور می‌گوید: «به امام صادق علیه السلام عرض کردم: نمی‌توانم خدمت شما برسم و از شما سؤال کنم؛ در حالی که افرادی (شیعیانی) از اصحاب (شما) می‌آیند و پرسش دارند و من قادر به پاسخ دادن نیستم. حضرت فرمودند: چه چیز تو را از پرسش کردن از محمد بنِ مُسْلِم باز داشته است؟ او (مسائل دینی را) از پدرم آموخته و پدرم به ایشان اعتماد داشته است».[1]

علی بْنِ مُسَیِّب می‌گوید: «به حضرت رضا علیه السلام عرض کردم: منطقه‌ی ما منطقه‌ای دور است و توان آن را ندارم در همه‌ی اوقات نزد شما بیایم و مسائل دینی خود را از شما سؤال کنم. آن حضرت فرمود: زکریّا بْنِ آدَم قُمی مورد اطمینان ما در دین و دنیاست. علی بن مسیّب می‌گوید: هنگام بازگشت، نزد زکریّا بن آدم رفتم و مسائل مورد نیاز خویش را از او پرسیدم»[2]

دعوت ائمه به فراگیری مسائل شرعی و آموزه‌های دینی و نیز پرسش و تقلید از فتوای عالمان شیعه، دعوت به تقلیدی آگاهانه است؛ چرا که در بینش ایشان، حرکت بدون علم حرکتی است در بیراهه جهل. امام صادق علیه السلام در این‌باره می‌فرمایند: «هرکس بدون بینش و علم، کاری انجام

۱. شیخ طوسی، اختیار معرفة الرجال، ج ۱، ص ۳۸۳، ش ۲۷۳.
۲. بحار الأنوار، ج ۲، ص ۲۵۱.

دهد، همانند رونده‌ای است که در بیراهه حرکت می‌کند؛ هر چه سریع‌تر حرکت کند از مقصد دورتر می‌شود».[۱]

همچنین در سخنان امامان معصوم علیهم‌السلام به طور صریح اداره‌ی حکومت و هدایت مردم در امور شرعی به فقیهان سپرده شده است. امام حسین علیه‌السلام فرمودند: «رهبری مردم در امور اجتماعی و احکام اسلامی به دست علما و دانشمندان الهی است».[۲]

و در عصرِ غیبت امام زمان علیه‌السلام نیز طبق اَدِلّه‌ی عقلی و نقلی و به توصیه‌ی امامان معصوم علیهم‌السلام باب اجتهاد و تقلید باز خواهد بود و روند تقلید از نمایندگان آن بزرگواران ادامه خواهد داشت.

حضرت مهدی عجل‌الله‌تعالی‌فرجه در تَوْقیع[۳] شریف و معروف خود به اِسْحاقِ بْنِ یَعقوب به عنوان یک قاعده‌ی کلّی، این چنین می‌نگارد: «...در پیش آمدهایی که رخ می‌دهد، به راویان احادیث ما (فُقَها) مراجعه کنید که آنها حُجَّت من بر شمایند و من حجّت خدایم».[۴]

پیامدهای تقلید نکردن

۱. نفوذ اجانب: تاریخ ثابت کرده است که همواره یکی از موانع نفوذ اجانب و استعمارگران، پیروی از مجتهدان جامع الشرایط بوده است. آنان همواره سَدّی در برابر مطامع استعمارگران بوده‌اند.

۲. تحیّر و سرگردانی: از پیامدهای زیان‌بار تقلید نکردن، تحیّر و سرگردانی مُکَلَّفان است. آنان که خود مجتهد و کارشناس اسلام نیستند، در برابر پرسش‌های دینی نمی‌توانند پاسخ مناسبی بیابند و در حیرت و سرگردانی می‌مانند.

۳. بدعت و سلیقه گرایی: اگر پیروی از مجتهدان نباشد، هرکسی به دلخواه خود عمل خواهد کرد و بدعت و عقاید سست و بی‌پایه بر امور مردم حاکم می‌شود.

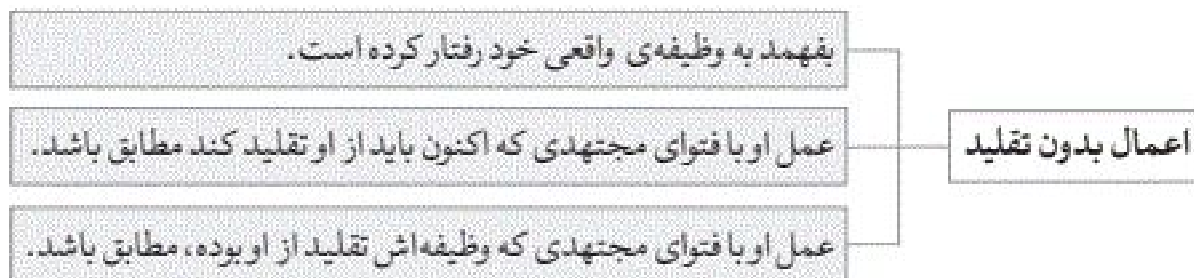
۴. بُطلان عمل: کسی که مجتهد نیست و در کارهای دینی خود از کارشناسان دینی پیروی نمی‌کند، اعمالش مبنای صحیحی ندارد و باطل است؛ حتی گاهی ممکن است برخلاف نظر و فتوای همه‌ی مراجع تقلید باشد. چنین کسی در اعمالش هیچ‌گونه حجّتی نزد خدای متعال ندارد؛ چرا که برای اعمال خود دلیل و برهانی ندارد.

۵. از دست دادن منافع احکام: تمام دستورهایی که در قرآن و سنّت آمده، در بردارنده‌ی منافع و خوبی‌هایی است؛ همان‌طور که در محرّمات و کارهای ناپسند مفاسدی نهفته است. پس اگر انسان در تمام صحنه‌های زندگی به دستورهای دینی گوش فرا دهد و از گناهان دوری کند، جان و وجودش جایگاه مصالح و خیرات می‌گردد و از مفاسد و بدی‌ها در امان خواهد ماند.

۱. کافی، ج ۱، ص ۴۳، باب من عمل بغیر علم.
۲. تحف العقول، ص ۲۳۸.
۳. تَوْقیع: در لغت به معنای فرمان، دستخط، امضا و در کتب شیعی به معنای نامه‌ها و فرمان‌هایی است که از طرف امام زمان عجل‌الله‌تعالی‌فرجه می‌رسیده. [برای آشنایی با واژگان فقهی به بخش اصطلاح‌نامه رجوع کنید].
۴. وسائل الشیعة، ج ۲۷، باب ۱۱، ح ۹.

اعمال بدون تقلید

م . اعمالی که انسان بدون تقلید انجام داده، در یکی از این سه صورت صحیح است:



م . تقلید در اصول دین و مسائل اعتقادی جایز نیست؛ بلکه انسان در اصول دین باید یقین به اصول اعتقادات داشته باشد.

توجه

مراد از تقلیدی نبودن اصول دین این است که هر کس باید عقاید دینی را با یقین و حجّت بپذیرد. رسیدن به این مرحله در افراد، متفاوت است. بیشتر انسان‌ها بر اساس همان فطرت اوّلیه، ایمان یقینی به وجود خداوند دارند و یا بر اساس عقل فطری خویش، براهینی بسیار ساده و درعین حال محکم، بر وجود خدا اقامه می‌کنند (مانند پیرزنی که از راه چرخ نخ‌ریسی بر وجود خدا دلیل آورد و پیامبر ﷺ آن را مورد تأیید قرار داد). بنابراین تحقیقی بودن اصول دین، لزوماً به معنای جست‌وجوی وسیع و بررسی همه‌ی ادلّه و شبهات پیرامون آنها و پاسخ به آنها نیست؛ البته برای برخی از افراد، چنین تحقیقاتی لازم است؛ زیرا دفاع عقلانی از دین و معارف دینی، متخصصان برجسته‌ای می‌طلبد. این مسأله همگانی نیست و هرکس در حدّ توانایی خود و مسائلی که با آن رو به رو میشود، نیازمند تحقیق است.

تقلید در مستحبّات و مکروهات

م . در مستحبّات و مکروهات نیز باید از مجتهد جامع الشرایط تقلید نمود.

تقلید در احکام ضروری دین

م . تقلید در مسائل ضروری و قطعی دین مانند اصل وجوبِ نماز، روزه، حجاب و ... صحیح نیست.

نکته

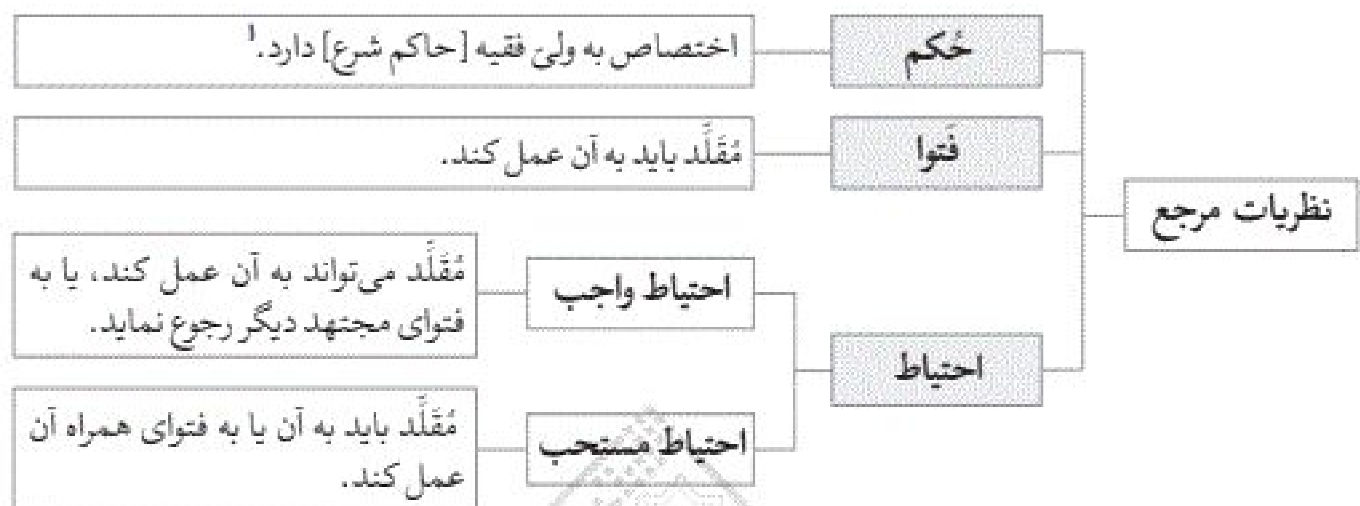
هر چیزی را که همه‌ی مسلمانان بدون تردید قبول دارند و جزء دین اسلام می‌شمارند و نیز حکمش برای همه‌ی آنان روشن است و هیچ‌گونه اختلافی در حکم شرعی آن ندارند، «ضروری دین» می‌نامند. حکم ضروریات، به صراحت در آیات و روایات ذکر شده است.

رجوع به فتوای مرجع دیگر

م . اگر مرجع تقلید در مسأله‌ای فتوا داده باشد، باید مطابق آن عمل کرد؛ ولی وقتی در آن مسأله احتیاط کرده باشد وظیفه‌ی مُکَلَّف به شرح زیر است:

احتیاط مستحب: مُقَلِّد باید به همان احتیاط یا به فتوای همراه آن عمل کند و نمی‌تواند در آن مسأله به مجتهد دیگر رجوع کند.

احتیاط واجب: مُقَلِّد می‌تواند به همان احتیاط عمل کند، یا به فتوای مجتهد دیگری که پس از آن مجتهد از دیگران اَعلَم است عمل نماید.



نکته

احتیاط واجب: اگر دلیل یک مسأله‌ی شرعی، به طور صد در صد برای مجتهد روشن باشد، درباره‌ی آن مسأله به صراحت فتوا می‌دهد؛ ولی گاه به عللی از فتوا و نظر دادن خودداری کرده و احتیاط می‌کند. این عمل یا به جهت آن است که دلیل مسئله، به خوبی و به طور صد در صد برای او روشن نیست و یا این‌که نظر او با همه یا بیشتر فقها تفاوت دارد و به دلیل رعایت احتیاط و تقوا، بر خلاف آنان فتوا نمی‌دهد و احتیاط می‌کند و یا به جهت عوامل دیگری که در کتاب‌های استدلالی ذکر شده است. این نوع خودداری از فتوا دادن را «احتیاط» گویند و در این مورد، مُقلِّد یا باید به این احتیاط عمل کند و یا به فتوای مجتهدی که بعد از او اَعلَم است، عمل نماید.

احتیاط مستحب: در جایی که مجتهد فتوای صریح دارد مثلاً بفرماید: یک بار تسبیحات أربعه در رکعت سوم و چهارم نماز کفایت می‌کند و با وجود آن احتیاط می‌کند و می‌گوید: احتیاط آن است که سه مرتبه بگویند؛ این را «احتیاط مستحب» می‌گویند. عمل به این احتیاط واجب نیست؛ بلکه مستحب است.

نتیجه: اگر مرجع تقلید در مسئله‌ای فتوا نداشت و احتیاط واجب نمود، مُقلِّد نمی‌تواند آن را ترک کند؛ بلکه می‌تواند به احتیاط واجب عمل نموده، یا در آن مسأله به مرجع تقلید دیگری ـ با رعایت «الأعلم فالأعلم»[2] ـ رجوع کند. اگر احتیاط مستحب داشت، ترک عمل برای مُقلِّد جایز است؛ اگر چه انجام دادن آن ثواب و پاداش دارد. بنابراین در احتیاط واجب، مُقلِّد بین عمل به احتیاط مرجع خود، یا رجوع به نظر مرجعی دیگر مُخَیَّر است؛ امّا در احتیاط مستحب مُقلِّد بین عمل به احتیاط مستحب، یا به فتوای همراه آن، مُخَیَّر است.

۱. همه‌ی مسلمانان باید از اوامر ولایی و دستورات حکومتی ولیّ‌فقیه اطاعت نمایند [مانند: حکم حضرت امام خمینی ره در مورد اعدام سلمان رُشدی مُرتَد].

۲. مقصود آن است که مُقلِّد می‌تواند به فتوای مجتهد دیگری که علمش از مرجع تقلید خودش کمتر و از مراجع دیگر بیشتر است، عمل کند. اگر مرجع دوم نیز در همان مسأله احتیاط واجب داشت، باز می‌تواند به مرجع سومی که علمش از مرجع دوم کمتر و از مراجع دیگر بیشتر است رجوع کند.

شرایط وجوب تقلید

م . بر هر مُکَلَّفی که به درجه‌ی اجتهاد نرسیده و طریقه‌ی احتیاط را نمی‌داند، واجب است از مجتهد تقلید کند.



قانون کلی

تمام مُکَلَّفان باید در احکام دین یا اجتهاد کنند یا احتیاط و یا تقلید.

توجه

هرکس بخواهد احتیاط کند، باید در آرای مجتهدانی که احتمال اعلم بودن آنان داده می‌شود احتیاط کند و دانستن نظرات ایشان نیاز به اطلاعات وسیعی دارد که برای افراد عادی مشکل است؛ افزون بر این‌که مراعات احتیاط موجب زحمت و صرف وقت بیشتری می‌گردد؛ از این رو تنها راه برای عموم مردم، همان تقلید از مجتهد است.

سنّ تقلید

تقلید قبل از دوران بلوغ

م . تقلید قبل از سن بلوغ صحیح است، اما واجب نیست.

توجه

این‌که گفته می‌شود نونهالان، قبل از بلوغ، تکلیف ندارند، به معنای باطل بودن اعمال و عبادات آنان نیست؛ بلکه اگر درست انجام دهند، اعمالشان صحیح است و در رشد و تکامل معنوی آنان نیز مؤثر است.
نونهالان، قبل از بلوغ، اگر مال یا حقی را از کسی ضایع کردند نسبت به حقّ‌الناس مسئول و ضامن هستند؛ بلکه اگر کسی پس از بلوغش مال یا حقی را از کسی ضایع کند، باید هم خدا و هم آن شخص را راضی نماید و اگر قبل از بلوغ باشد، راضی کردن آن شخص کافی است و نسبت به خدای متعال چون بالغ نبوده وظیفه‌ای ندارد.

۱. مکلف باید بالغ و عاقل باشد و همچنین قدرت انجام تکالیف شرعی را داشته باشد.

ملاک قدرت داشتن در تقلید

س . شرط تکلیف، قدرت داشتن است و بنده احساس می‌کنم که بر انجام خیلی از مسائل دینی قدرت ندارم:

الف) آیا تقلید بر من واجب است؟

ب) آیا همین که فردی نتواند به راحتی نماز بخواند یا روزه بگیرد، تکلیف از او برداشته می‌شود؟

ج) ملاک و معیار قدرت داشتن چیست؟

الف) مجرّدِ نداشتن قدرت موجب سقوط وظیفه‌ی تقلید نیست.

ب) موارد مختلف است و نماز در هیچ حالی ساقط نمی‌شود.

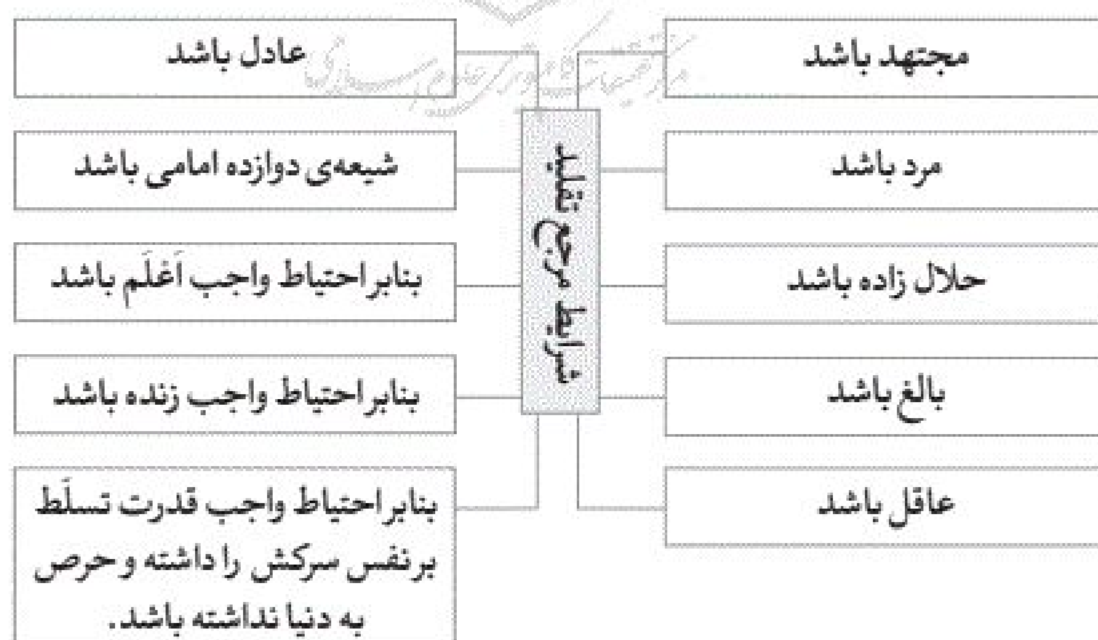
ج) تشخیص آن موکول به نظر عُرف است.

قانون کلی

خدای متعال کسی را که قادر به انجام کاری نباشد مُوَظَّف به آن کار نمی‌کند. لذا بعضی از واجبات را به هر میزان که قدرت دارد باید انجام دهد.

شرایط مرجع تقلید

م . شرایط مرجع تقلید عبارتند از:



توجه

در شرایط مرجع تقلید ، ملّیت و زبان و سنّ و سال مطرح نیست؛ لذا در تقلید از مجتهد جامع‌الشرایط، لازم نیست که کشور و محل سکونت او، با کشور و محل سکونت مُقلّدش یکی باشد یا سنّ او از سایر مجتهدان بیشتر باشد.

شک در بقای شرایط مرجع

م . تا زمانی که شرایط مرجعیت در مرجع تقلید وجود دارد و از بین نرفته است، می‌توان از وی تقلید نمود و اگر شخصی نسبت به مرجع تقلید خود دچار شک شود نباید به شک خود اعتنا کند و لازم است به تقلید از ایشان باقی بماند.

عدالت مرجع

م . اگر در عدالت مجتهدی شک داریم، جایز نیست از او تقلید کنیم.

پرسش

پرسش: عدالت در مرجع تقلید یعنی چه؟
پاسخ: عادل کسی است که واجبات را انجام داده و کارهای حرام را ترک می‌کند. از راه‌های شناخت عدالت می‌توان به شهادت دو نفر عادل، معاشرت مفید اطمینان، مشهور بودن به عدالت و به طور خلاصه از هر راهی که انسان اطمینان پیدا کند شخصی عادل است، کفایت می‌کند.

تقلید از مجتهد اَعْلَم

وجوب تقلید از اَعْلَم

م . بنابر احتیاط واجب باید از مجتهد اعلم تقلید نمود.



راه تشخیص مجتهد اَعْلَم

م . مجتهد جامع‌الشرایط را از سه راه می‌توان شناخت:
۱.خود شخص (مُقَلِّد) یقین کند؛ مثل آن‌که از اهل علم باشد و بتواند مجتهد اعلم را بشناسد.
۲.دو نفر عالم عادل، که می‌توانند مجتهد اعلم را تشخیص دهند اعلم بودن او را تصدیق نمایند، به شرط آن که با گفته‌ی دو عالم عادل دیگر معارض نباشد.
۳.از گفته‌ی عده‌ای از اهل علم ـ‌که می‌توانند اعلم را تشخیص دهندـ یقین[1] یا اطمینان پیدا شود.

نکته

کسانی که می‌توانند اَعلَم را تشخیص دهند [اهل خِبره] لازم نیست خودشان مجتهد باشند؛ ولی باید در حدّی از مرتبه‌ی علم باشند که بتوانند مجتهد را از غیر مجتهد و اعلم را از غیر اعلم تشخیص دهند.

۱. فرق علم (یقین) و اطمینان چیست؟
در علم اصلاً احتمال خلاف داده نمی‌شود؛ ولی در اطمینان، احتمال خلاف هم داده می‌شود که البته نزد عقلا قابل اعتنا نیست. به عبارت دیگر حالتی که انسان درباره‌ی وقوع یا عدم وقوع چیزی یک طرف را ترجیح می‌دهد؛ به گونه‌ای که موجب اعتماد و آرامش خاطر او می‌شود «وثوق» و «اطمینان» (قضاوت نزدیک به صد در صد) نام دارد؛ مثل این‌که اطمینان داشته باشد نماز صبح خوانده است؛ ولی علم و یقین به قضاوت صد در صد گفته می‌شود و آن حالتی است که انسان به هیچ وجه احتمال مقابل آن را نمی‌دهد؛ مثل این‌که یقین داشته باشد نماز صبح خوانده است.

توجه

- بر اساس تشخیص عقل و درایت خود، نمی‌توان مرجع تقلید انتخاب کرد؛ مگر این که شخصی خود از اهل علم باشد و بتواند مجتهد اعلم را بشناسد.

- پدر و مادر وظیفه دارند فرزند (تازه به تکلیف رسیده‌ی) خود را که باید مرجع تقلیدی انتخاب کند (و به خاطر دشوار بودن درک مسأله‌ی تقلید نمی‌تواند به تنهایی وظیفه‌ی خود را در این‌باره تشخیص دهد)، ارشاد و راهنمایی نمایند.

اختلاف نظر در مورد اَعْلَم

م . اگر عدّه‌ای از علما به اعلم بودن مجتهدی شهادت دهند و در مقابل آنها، گروهی شخص دیگری را اعلم بدانند، به طوری که تشخیص اعلم ممکن نباشد، دو حالت برای مُکَلَّف ایجاد می‌شود:

۱. احتمال اَعلمیّت یکی از مجتهدان را می‌دهد: بنابر احتیاط واجب از او تقلید کند.

۲. آنان را از نظر علمی با هم مساوی می‌داند: در این صورت می‌تواند از هر کدام به اختیار خود، تقلید کند.

پیروی از دیگران در تشخیص اَعْلَم

م . در تقلید، پیروی از یکدیگر درست نیست و هرکس در این امر مستقل است؛ لذا افراد خانواده در صورتی می‌توانند در تقلید از یک مجتهد جامع‌الشرایط از سرپرست خانواده تبعیت کنند که به صحّت و درستی تحقیق او در انتخاب اعلم اطمینان داشته باشند.

علم به اَعْلَم بودن مجتهد دیگر

م . اگر کسی تشخیص دهد که مجتهد دیگری از مرجع تقلید او اعلم است،بنابر احتیاط واجب به آن مجتهد رجوع کند. (و دیگر نمی تواند بر تقلید از مجتهد قبلی باقی بماند.)

تقلید از مجتهد میّت

م . تقلید ابتدایی از مجتهد میّت بنابر احتیاط واجب جایز نیست (یعنی کسی که تاکنون مرجع تقلیدی نداشته و اکنون بخواهد از مجتهدی تقلید کند بنابر احتیاط واجب باید از مجتهد زنده تقلید کند).

رعایت احتیاط پس از وفات مرجع

م . اگر مرجع تقلید انسان از دنیا برود، تا پیدا کردن مرجع زنده، باید به احتیاط عمل کند.

توجه

هرکس بخواهد احتیاط کند، باید در آرای مجتهدانی که احتمال اعلم بودن آنان داده می‌شود، احتیاط کند.

ترک تقلید از مجتهد زنده پس از فوت مرجع

م . اگر مرجع تقلید انسان از دنیا برود و از مرجع زنده تقلید نکند، حکم عمل شخص بدون تقلید را دارد.

باقی ماندن بر تقلید میّت

م . پس از فوت مرجع تقلید، نخست باید به مجتهد زنده اعلم مراجعه نمود؛ سپس مطابق نظر او در مسأله بقای بر میّت، عمل کرد. (یعنی اگر مجتهد زنده بقای بر میّت را اجازه می‌دهد، می‌تواند بر تقلید از مجتهد مُرده باقی بماند و گرنه جایز نیست).

م . بقا بر تقلید میّت جایز است، خواه میّت اعلم از زنده باشد یا هر دو مساوی باشند.

رجوع از فتوای مجتهد زنده به فتوای مجتهدی که از دنیا رفته

م . اگر در مسأله‌ای به فتوای مجتهدی عمل کند و بعد از مردن او در همان مسأله به فتوای مجتهد زنده رفتار نماید، دوباره نمی‌تواند آن را مطابق فتوای مجتهدی که از دنیا رفته انجام دهد.

نکته

هر شخصی که از مرجعی تقلید می‌کند، درتغییر مرجع خود واحکام آن نیز باید از نظر همان مرجع تبعیت نماید.

نقل فتوا

م . اگر شخصی فتوای مرجع‌تقلید را به طور اشتباه نقل کند، واجب است اشتباهِ خود را در صورت امکان برطرف سازد.

راه به دست آوردن فتوای مرجع

م . راه‌های به‌دست آوردن فتوای مرجع به این قرار است:

راه‌های به دست آوردن فتوای مرجع
شنیدن از خود او
شنیدن از دو نفر عادل
شنیدن از کسی که انسان به گفته‌ی او اطمینان دارد.
دیدن فتوا در رساله‌ای[1] که مورد اطمینان باشد.

توجه



با توجه به مسأله‌ی بالا، اگر برای انسان از طریق تلفن، سایت، جزوه، نشریه و یا وسیله‌ی دیگری که معتبر و منسوب به مرجع تقلید است، اطمینان به فتوای مرجع تقلید پیدا شود، برای او حجّت است و همچنین می‌تواند آن حکم شرعی را برای دیگران نیز بازگو نماید.

اعتبار اِسْتِفْتای اینترنتی

س .آیا عمل به جواب استفتائاتی که از طریق پست الکترونیکی (E-mail) ارسال می‌شوند، حُجّیت شرعی دارد؟

اگر اطمینان پیدا کنید، حجّیت شرعی دارد.



تغییر فتوای مرجع

م . تا انسان یقین نکند که فتوای مرجع تقلید وی عوض شده است، می‌تواند به آنچه در رساله نوشته شده عمل کند.

۱. رساله: کتابی که در آن مرجع تقلید، احکام شرعی را توضیح می‌دهد. یا به عبارتی دیگر آنچه را که از قرآن و حدیث استفاده کرده، در کتابی به نام «رساله‌ی احکام» یا «رساله‌ی توضیح المسائل» می‌نویسد.

تغییر دادن مرجع (عدول در تقلید)

م . تغییر دادن مرجع تقلید، شرایط و احکام مختلفی دارد که گاهی واجب، گاهی جایز و گاهی نیز حرام می‌باشد. جدول زیر می‌تواند شما را با حالت‌های مختلفی که مُکَلَّف در تغییر دادن مرجع تقلید و یا رجوع به فتوای مرجع دیگر با آن مواجه است آشنا نماید:

تغییر دادن مرجع تقلید[1]	در بعضی از مسائل	جایز	موردی که مجتهد اعلم در مسئله‌ای اصلاً فتوا و نظری ندارد
		جایز	مواردی که مجتهد اعلم در مسئله‌ای فتوا ندهد و با تعابیری نظیر: بنابر احتیاط واجب، مسأله محل تأمل است، مسأله محل اشکال است و امثال آن، نظر خود را در رساله‌اش بیان فرماید.
	در همه‌ی مسائل	واجب	یکی از شرایط مرجع جامع الشرایط از بین برود.
			مُقَلِّد متوجه بشود مرجعی که انتخاب کرده، دارای شرایط کافی برای تقلید نبوده است.
		جایز	رجوع از مجتهد میّت به مجتهد زنده
		جایز نیست	-رجوع کردن از مجتهد زنده به مجتهد زنده‌ی مساوی در مسائلی که آن مجتهد فتوا دارد بنابراحتیاط واجب جایز نیست. -بازگشتن به فتوای مرجع تقلیدی که از دنیا رفته، در صورتی که از فتوای ایشان به مرجع زنده عدول شود [مگر آن که فتوای میّت موافق احتیاط باشد.] -تقلید از مجتهد غیراعلم بنابراحتیاط واجب

نکته

تبعیض در تقلید یعنی مُکَلَّف بتواند در مسائلی که به هم مربوط نیست، از دو یا چند مجتهد که مساوی با هم هستند، تقلید کند.

تبعیض ابتدایی درتقلید اشکال ندارد و اگر اَعلمیّت هریک از آنان در مسائلی که مُکَلَّف بنا دارد در آن مسائل از او تقلید کند مُحْرَز شود بنابر احتیاط تبعیض در تقلید در صورت اختلاف فتوا در مسائل مورد نیاز مُقَلِّد، واجب است.

پرسش

پرسش: به چه کسی اَعلَم می‌گویند؟

پاسخ: اعلم کسی است که قواعد و مدارک یافتن پاسخ برای مسأله را بهتر می‌شناسد و بر نظایر آن مسأله و اخبار، اطلاعات بیشتری دارد. همچنین روایات و اخبار را بهتر می‌فهمد و به طور خلاصه، آن کسی که در استنباط احکام از دیگران، استادتر است.

۱. تغییر دادن مرجع تقلید در تمام یا برخی از احکام، «عدول» یا «رجوع» نامیده می‌شود. [برای آشنایی با واژگان فقهی به بخش اصطلاح‌نامه رجوع کنید].

تسلیم در برابر امر امام علیه‌السلام

عبدالله بن أبی یعفور از یاران برجسته و مورد احترام حضرت امام صادق علیه‌السلام است. او مفسّر قرآن بود و در مسجد کوفه درس قرآن داشت. می‌گوید: «روزی به امام صادق علیه‌السلام عرض کردم:

به خدا قسم اگر اناری را دو قسمت کرده و نیمی از آن را حلال و نیم دیگری را حرام بدانی، من تسلیم هستم! حلال شما را حلال و حرامتان را حرام می‌دانم. امام علیه‌السلام دوبار مرا دعا کرد و فرمود: خدا تو را مشمول رحمتش سازد».[1]

امام صادق علیه‌السلام درباره‌ی او فرمود:

«اَحدی همانند عبدالله بن ابی یعفور نیافتم که وصایای مرا پذیرفته و مُطیع امر من باشد.»[2]

۱. اختیار معرفة الرجال، ج ۲، ص ۵۱۸.

۲. معجم رجال الحدیث، ج ۸، ص ۳۷۷.

ولایت فقیه

جایگاه ولیّ‌فقیه در فقه شیعه

م . همه‌ی مسلمانان باید از اوامر ولایی و دستورات حکومتی ولیّ فقیه اطاعت نموده و تسلیم امر و نهی او باشند. این حکم شامل فقهای عظام هم می‌شود، چه رسد به مُقَلِّدان آنان.

برای نمونه می‌توان به حکم تاریخی حضرت امام خمینی رحمه‌الله در مورد اعدام سلمان رُشدی مُرْتَدّ اشاره کرد.

توجه

برای هیچ کس جایز نیست که با متصدّی امور ولایت به این بهانه که خودش شایسته‌تر است مخالفت نماید.

اطاعت از نماینده‌ی ولیّ‌فقیه

م . مخالفت با نماینده‌ی ولیّ فقیه در قلمرو اختیارات واگذار شده به او از طرف ولیّ فقیه حرام است.

سرپیچی از قوانین جمهوری اسلامی

م . مخالفت با قوانین دولت که به تصویب مجلس شورای اسلامی و فقهای شورای نگهبان رسیده باشد، جایز نیست.



تقلید در موارد تفاوت نظر ولیّ‌فقیه و مرجع تقلید

م . در مواردی که نظر ولّی فقیه با نظر مرجع تقلید متفاوت است، اگر اختلاف، در مسائل مربوط به اداره‌ی کشور و اموری که به عموم مسلمانان ارتباط دارد باشد، مثل دفاع از اسلام و مسلمین بر ضدّ کفّار و مستکبران متجاوز، باید نظر ولیّ امر مسلمین اطاعت شود و اگر در مسائل فردی محض باشد، هر مُکَلَّفی باید از فتوای مرجع تقلیدش پیروی نماید.

خلاصه‌ی فصل

• تقلید در لغت به معنای دنباله‌روی و پیروی از دیگری است و در اصطلاحِ فقه یعنی عمل کردن به دستور مجتهد.
• فرد عاقل، یا خود خُبره است و یا از اهل خُبره پرسش می‌کند.
• تقلید از متخصصان هر رشته در امور تخصصی مربوطه، حکم عقل است.
• بخشی از روایات معصومین ﷺ بیان‌گر اهمیّت، ضرورت و اعتبار اجتهاد و تقلید است.
• فلسفه‌ی تشریع، تقویت روح بندگی و تسلیم انسان‌ها در برابر خدا است.
• انگیزه‌ی صحیح عمل به دستورات الهی، اطاعت امر الهی است؛ نه منافع شخصی یا اجتماعی.
• پیامدهای تقلید نکردن: ۱.نفوذ اجانب؛ ۲.تحیّر و سرگردانی؛ ۳.بدعت و سلیقه گرایی؛ ۴.بُطلان عمل؛ ۵.از دست دادن منافع احکام.
• دانستن اصول دین از راه دلیل واجب است؛ اگر چه با ساده‌ترین دلایل باشد.
• تقلید در مسائل ضروری دین صحیح نیست.
• تقلید در موضوعات لازم نیست؛ مگر این‌که حکمِ حکومتی باشد.
• در احتیاط واجب، مُقَلِّد بین عمل به احتیاط مرجع خود، یا رجوع به نظر مرجعی که بعد از مرجع تقلیدِ خود، اعلم از دیگران است، مخیّر است.
• در احتیاط مستحب، مُقَلِّد بین عمل به احتیاط مستحب، یا به فتوای همراه آن، مخیّر است.
• تقلید بر کسی که مُکَلَّف، غیر مجتهد و غیر محتاط است، واجب است.
• تقلید یک مجتهد از دیگری حرام است.
• تقلید قبل از سنّ بلوغ صحیح است.
• مرجع تقلید باید مرد باشد.
• اگر در عدالت مجتهدی شک داریم، جایز نیست از او تقلید کنیم.
• تقلید از مجتهد اعلم بنابر احتیاط واجب، واجب است.
• هرکس در انتخاب مرجع تقلید خود مستقل است.
• تقلید ابتدایی از مجتهد فوت شده بنابر احتیاط واجب، جایز نیست.
• پس از فوت مرجع تقلید، باید به مجتهد زنده رجوع کرد.
• بقا بر میّت باید با اجازه‌ی مرجع تقلید زنده باشد.
• اِستِفتای اینترنتی، در صورتی که برای مُکَلَّف اطمینان بیاورد که فرستنده‌ی پاسخ، نظر مرجع تقلید را بیان کرده است، حجّت شرعی بوده و قابل عمل است.
• تغییر دادن مرجع تقلید، گاهی واجب، گاهی جایز و گاهی حرام است.
• اَعْلَم کسی است که در استنباط احکام الهی استادتر است.
• تقلید از دو یا چند مجتهد در صورت تساوی آنها در علم، در مسائلی که به هم مربوط نیست، جایز است.
• در مسائل مربوط به اداره‌ی کشور، نظر ولی فقیه بر همگان، مقدّم است.
• ولایت فقیه، یعنی حکومت فقیه عادل و دین شناس.

طهارت

معنا و اهمیّت طَهارَت

معنای طهارت

واژه‌ی طهارت به معنای پاکیزگی و نظافت است و «مُطَهِّرات»، جمع مطهِّره، در لغت یعنی پاک کننده‌ها، و در اصطلاح به چیزهایی گفته می‌شود که با شرایطی نجاسات را پاک می‌کنند.

اهمیّت طهارت و پاکیزگی

«مَا يُرِيدُ اللَّهُ لِيَجْعَلَ عَلَيْكُم مِّنْ حَرَجٍ وَلَٰكِن يُرِيدُ لِيُطَهِّرَكُمْ وَلِيُتِمَّ نِعْمَتَهُ عَلَيْكُمْ لَعَلَّكُمْ تَشْكُرُونَ»[1]

خدا نمی‌خواهد بر شما تنگ بگیرد؛ لیکن می‌خواهد شما را پاک و نعمتش را بر شما تمام گرداند؛ باشد که سپاس [او] به جا آورید.

به طور کلّی در آموزه‌های دینی، طهارت و پاکی بدن و محیط زندگی، اهمیّت بسیاری دارد و اهمیّتی که در اسلام به پاکیزگی داده شده، در هیچ آیین دیگری یافت نمی‌شود. پیغمبر گرامی اسلام ﷺ فرموده است: «اَلنَّظافَةُ مِنَ الایمانِ»[2]؛ نظافت و پاکیزگی نشانه ایمان است.

اسلام برای طهارت از کثیفی‌ها و آلودگی‌ها و همچنین از نجس‌ها و مُتَنَجِّس‌ها[3] دستورات فراوانی دارد و در احادیث معصومان ﷺ پاکیزگی و نظافت، یکی از ویژگی‌های مسلمانان و بندگان خوب خدا شمرده شده است.

اسلام گذشته از این‌که به طور عام به نظافت و پاکیزگی امر می‌کند به طور خاص نیز به مواردی از نظافت توصیه می‌نماید؛ مانند این‌که مستحب است انسان دست‌ها را پیش از غذا شسته و میوه را پیش از خوردن بشوید؛ از جای شکسته‌ی ظرف، آب نخورد و بعد از غذا خوردن، خلال نماید و همچنین جارو کردن خانه، پاکیزه نگاه داشتن راه‌ها و زیر درختان، از سفارش‌های بهداشتی اسلام به شمار می‌رود. در اسلام، حمام کردن به طور یک روز در میان، عملی مستحب شمرده می‌شود و جلوگیری از بو گرفتن بدن و لباس با شست‌وشوی آنها، بسیار توصیه شده است. همچنین بهداشت مو، ناخن، دهان و دندان و مسواک زدن مورد تأکید پیشوایان دین بوده و اعمالی پسندیده و مستحب به شمار می‌رود.

از بعضی روایات استفاده می‌شود که خوش بو نگه داشتن حلق (و دهان) با هر چیزی که ممکن باشد، مستحب است.

علاوه بر آنچه ذکر شد، آیین مقدس اسلام در ضمن یک سلسله مقررات دقیق، بهداشت جسمی را به طور کامل تأمین نموده است؛ مانند: نهی از خوردن خون، مُردار، گوشت بعضی از حیوانات، غذاهای سمّی و نهی از نوشیدن مُسْکِرات (چیزهای مست کننده) و آب‌های ناپاک، پرخوری، ضرر زدن به بدن و دستورهای دیگری که این مقدمه، گنجایش تفصیل آن را ندارد.

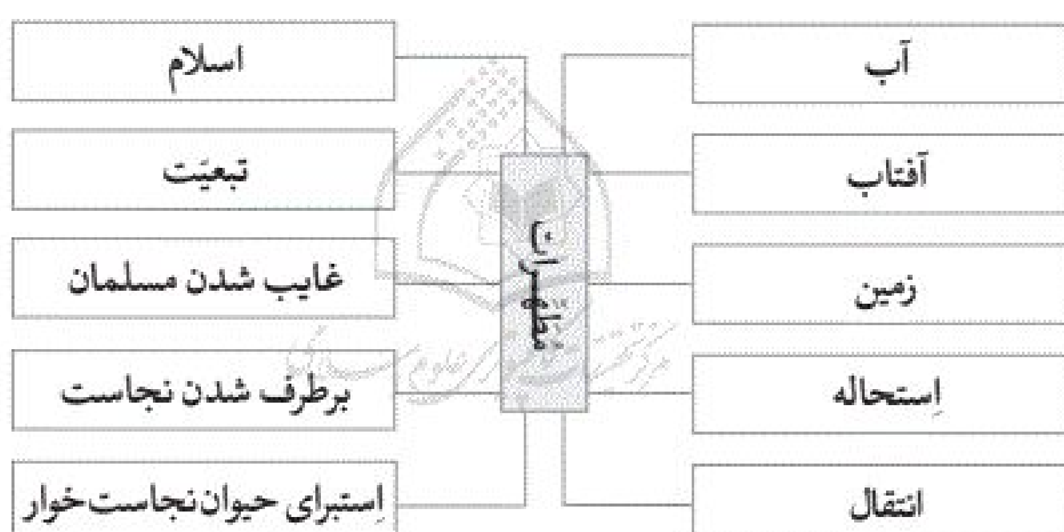
۱. مائده(۵): ۶.

۲. بحار الأنوار، ج ۵۹، ص ۲۹۱.

۳. اشیایی که به واسطه‌ی برخورد با شیء نجس، آلوده به نجاست شده‌اند را اشیای مُتَنَجِّس می‌نامند. [برای آشنایی با واژگان فقهی به بخش اصطلاح‌نامه رجوع کنید].

پاک کننده‌ها (مُطَهِّرات)

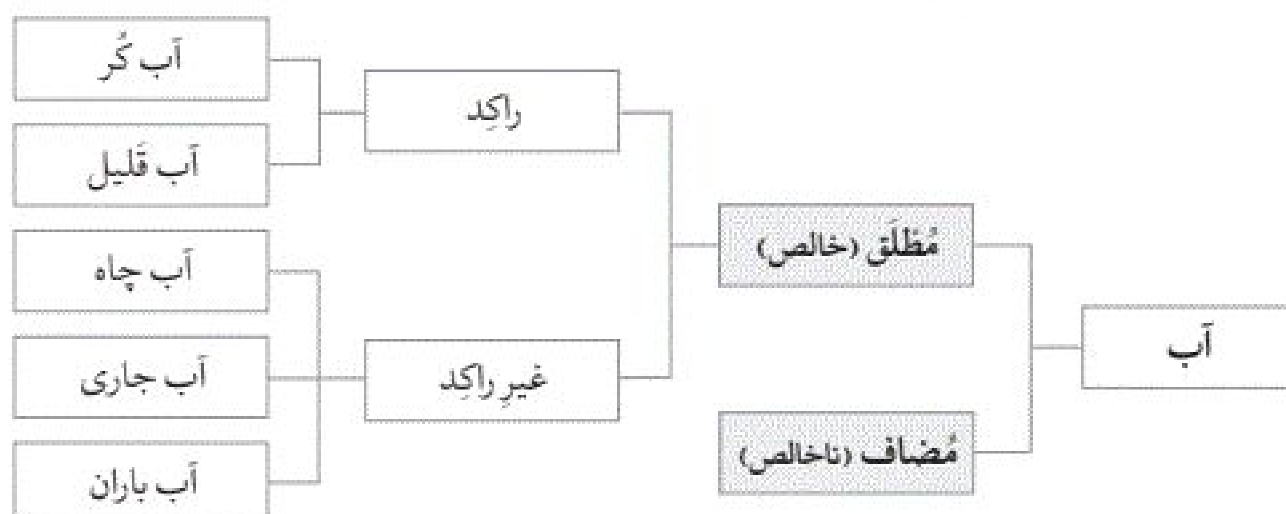
م . چیزهایی که نجاست را پاک می‌کند مُطَهِّرات گفته می‌شود و عبارتند از:



آب

اقسام آب

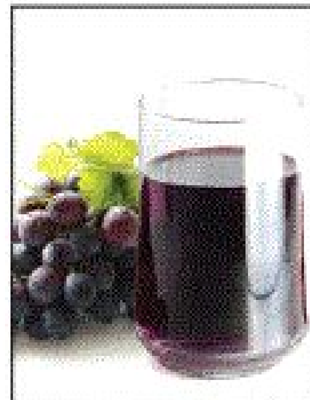
م . آب، بسیاری از چیزهای نجس را پاک می‌کند و اقسام مختلفی دارد:



آب مُضاف

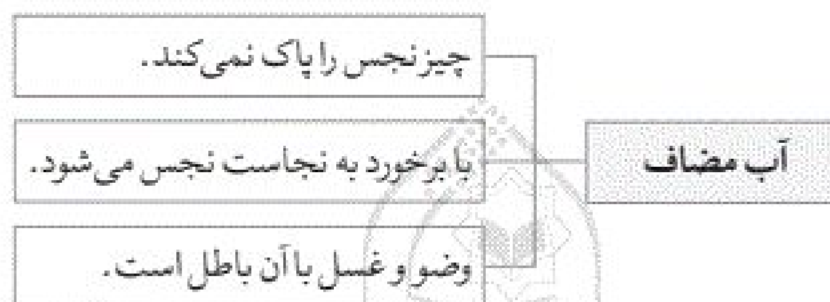
م . آب مضاف (ناخالص) آبی است که گفتن کلمه‌ی آب بر آن، به تنهایی و بدون قید اضافی صحیح نباشد؛ چه از چیزی گرفته شده باشد، مانند آب سیب، آب هندوانه و چه با چیزی مخلوط شده باشد، به قدری که دیگر به آن آب نگویند؛ مانند: شربت.


آب پرتقال


آب انگور


آب سیب


گلاب

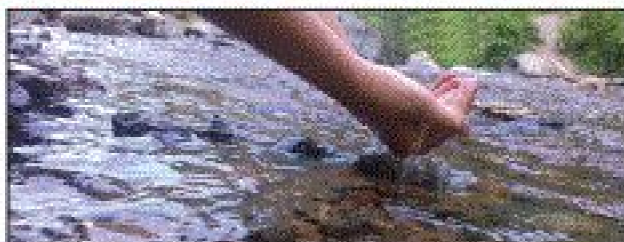


نکته

گرچه مایعاتی از قبیل شیر، نفت، بنزین و مانند آن، «آب مضاف» نامیده نمی‌شوند؛ امّا حکم آن را دارند و نجاسات را پاک نمی‌کنند.

توجه





۱. مجرّد گل آلود یا شور بودن یا کمی کُلر داشتن، موجب مضاف بودن آب نیست؛ بلکه در صورتی حکم آب مضاف را پیدا می‌کند که عُرف آن را آب خالص نداند.

۲. اگر کسی بخواهد از آب رودخانه برای شستن نجاست یا وضو استفاده کند بهتر است مقداری از آب را در مشت بگیرد تا از نزدیک مطلق بودن آن را تشخیص دهد؛ لذا همین‌که آب از فاصله‌ی دور، گل آلود به نظر برسد، نشانه‌ی مضاف بودن آن نیست.

آب مُطْلَق

م . آب مطلق (خالص) آبی است که گفتن کلمه‌ی آب بر آن به تنهایی و بدون هیچ قیدی درست باشد؛ مثل آب دریا و مانند آن.

شک در مطلق یا مضاف بودن آب

س . آبی که مضاف بوده و معلوم نیست مطلق شده یا نه، حکم چه آبی را دارد؟
حکم آب مضاف را دارد و پاک کننده‌ی چیز نجس نیست؛ وضو و غسل نیز با آن باطل است.

آب باران، آب چاه و آب جاری

م . آب یا از آسمان می‌بارد یا از زمین (مخزن زیرزمینی) می‌جوشد، یا نه می‌بارد و نه می‌جوشد. به آبی که از آسمان می‌بارد «باران» گویند، و آبی که از زمین می‌جوشد و جریان ندارد «آب‌چاه» است و اگر جاری شود، چه در روی زمین باشد و چه در زیر زمین، مثل آب‌چشمه و قنات، «آب‌جاری» گویند. و آبی که از زمین نمی‌جوشد و از آسمان نمی‌بارد، «آب راکد» است.


آب قنات

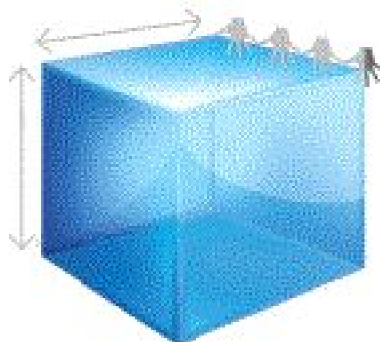

آب چشمه


آب چاه


آب باران

آب کُر

م . «کُر» مقدار آبی است که اگر در ظرفی که درازا و پهنا و گودی آن هریک، سه وجب و نیم است بریزند، آن ظرف را پُر کند. (تقریباً معادل ۳۸۴ لیتر)



توجه



معیار در وجب، وجب‌های معمولی و متوسّط است.

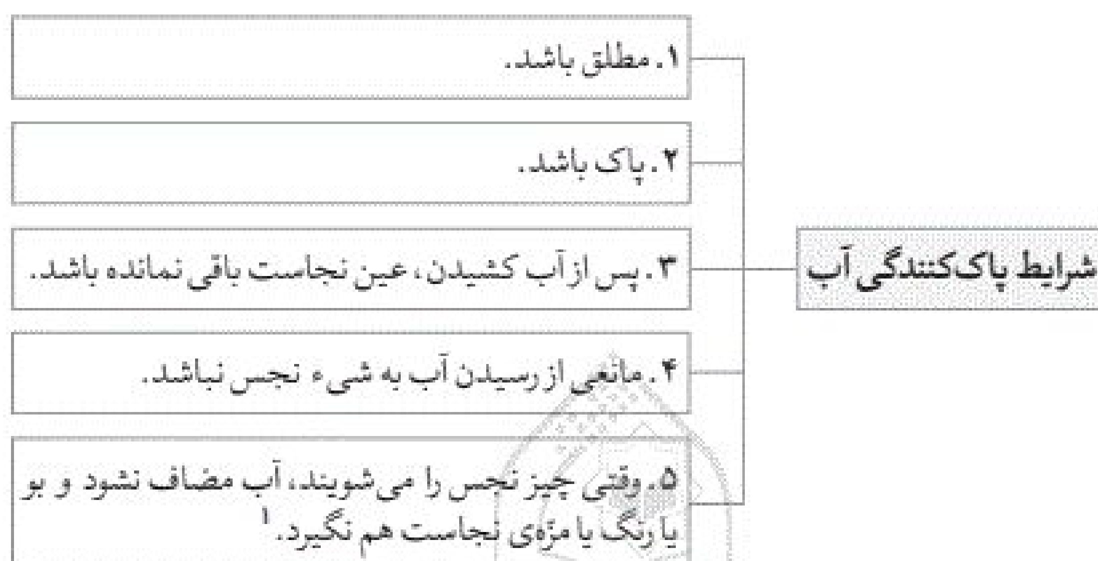
آب قلیل

م . آب قلیل، آبی است که از زمین نجوشد و از کُر کمتر باشد؛هرچند مقدار آن اندازه‌ی یک استکان کوچک یا کمتر باشد.

احکام آب‌ها

پاک‌کنندگی آب

م . آب، با دارا بودن شرایطی، بسیاری از چیزهای نجس را پاک می‌کند:



حکم آب مُطلق (خالص)

م . آب مطلق، چیز نجس را پاک می‌کند.

م . آب مطلق [به جز آب قلیل]، تا زمانی که بر اثر برخورد با نجاست، رنگ، بو، یا مزّه‌ی نجاست نگرفته باشد، پاک است.



۱. البته پاک شدن چیز نجس با آب قلیل، یعنی آب کمتر از کُر، شرط‌های دیگری هم دارد.

آب مشکوک (مُطلق یا مُضاف)

م . آبی که مطلق بوده و معلوم نیست مضاف شده یا نه، مانند آب مطلق است (چیز نجس را پاک می‌کند و وضو و غسل با آن صحیح است) و آبی که مضاف بوده و معلوم نیست مطلق شده یا نه، مانند آب مضاف است؛ یعنی چیز نجس را پاک نمی‌کند و وضو و غسل با آن باطل است.

آب مشکوک (کُر یا قلیل)

م . آبی که به اندازه‌ی کُر بوده و انسان شک می‌کند از کُر کمتر شده یا نه مانند آب کُر است (نجاست را پاک می‌کند و اگر نجاستی هم به آن برسد، نجس نمی‌شود، مگر آنکه بر اثر برخورد با نجاست بو یا رنگ یا مزه‌ی نجاست را بگیرد) و آبی که کمتر از کُر بوده (آب قلیل) و انسان شک کند که آیا به اندازه‌ی کُر شده یا نه، حکم آب کُر را ندارد.

نکته

آبی که قلیل یا کُر بودن آن مشکوک است و حالت قبلی آن نیز نامعلوم است، حکم آب قلیل را دارد.

موارد زیر پاک کننده نیستند:
تطهیر با آب مضاف
نان پختن از خمیر نجس
در صورت جوشیدن خون در آب گوشت و سایر غذاها
برطرف کردن نجاست از روی اجسام صیقلی و صاف مانند شیشه
پاک کردن اشیای نجس با تینر، بنزین، الکل و سایر مایعات (به جزآب)
دبّاغی کردن پوست مُردار و حیوانی که به طور شرعی ذبح نشده باشد
برطرف کردن و تمیز نمودن خون با آب دهان [البته منظور در بیرون دهان است]


پوست حیوان


بنزین، الکل و شیر


آب گوشت


خمیر

فرق آب‌ها

م . آب مُطلق (خالص) و مُضاف (ناخالص) تفاوت‌هایی با هم دارند:

تفاوت‌های آب مطلق و مضاف

- با آب مطلق می‌توان وضو و غسل انجام داد؛ برخلاف آب مضاف
- با آب مطلق می‌توان اشیای نجس را پاک نمود؛ برخلاف آب مضاف
- آب مضاف به مجرّد رسیدن به نجاست، نجس می‌شود؛ برخلاف آب مطلق (غیر قلیل)
- آب مطلق اگر نجس شود قابل تطهیراست؛ برخلاف آب مضاف [مگر آنکه در آب کُر یا جاری مُسْتَهْلَک گردد]

توجه

آب کُر و جاری، از نظر پاک‌کنندگی هیچ تفاوتی با هم ندارند.

چگونگی تطهیر با آب

تطهیر با آب کُر

م . پاک کردن چیز نجس با آب کُر دو مرحله دارد:

۱. برطرف کردن عین نجاست

۲. یک بار فرو بردن در آب کُر یا ریختن آب کُر بر آن

فرش و لباس و مانند آن که آب را به خود می‌گیرند و قابل فشردن است، چنانچه با آب کُر یا جاری هم شسته شوند، بنابر احتیاط واجب باید آب داخل آن گرفته شود.

توجه



مراحل آب کشیدن فرش نجس با آب کُر:



برطرف کردن عین نجس(به هر وسیله‌ای که امکان دارد مانند پارچه، سنگ یا آب)



یک بار ریختن آب کُر روی آن.



بنابر احتیاط واجب آب داخل آن گرفته شود؛ البته خارج کردن آب به مقدار معمول کافی است.

نکته

چنانچه هنگامی که آب کُر روی فرش نجس گرفته می‌شود اگر با دست یا وسیله‌ی دیگری آب داخل آن جا به جا شود کافی است و فشردن و بیرون آوردن آب‌های داخل فرش لازم نیست و لازم نیست حتماً لباس را فشار دهند؛ بلکه بعضی کارها در حکم فشار دادن است، مانند لگد کردن، مالیدن با دست، سرعتِ چرخش در ماشین لباسشویی یا هرگونه حرکت دادن، به طوری‌که آب داخل آن حرکت کند و از آن خارج شود.

تطهیر با آب لوله‌کشی

م . اگر چیز نجس را زیر شیر آبی که متّصل به کُر است بشویند، آبی که از آن می‌ریزد، اگر متّصل به کُر باشد و بو یا رنگ یا مزّه‌ی نجاست نگرفته باشد، پاک است.



تطهیر ظروف با آب کُر

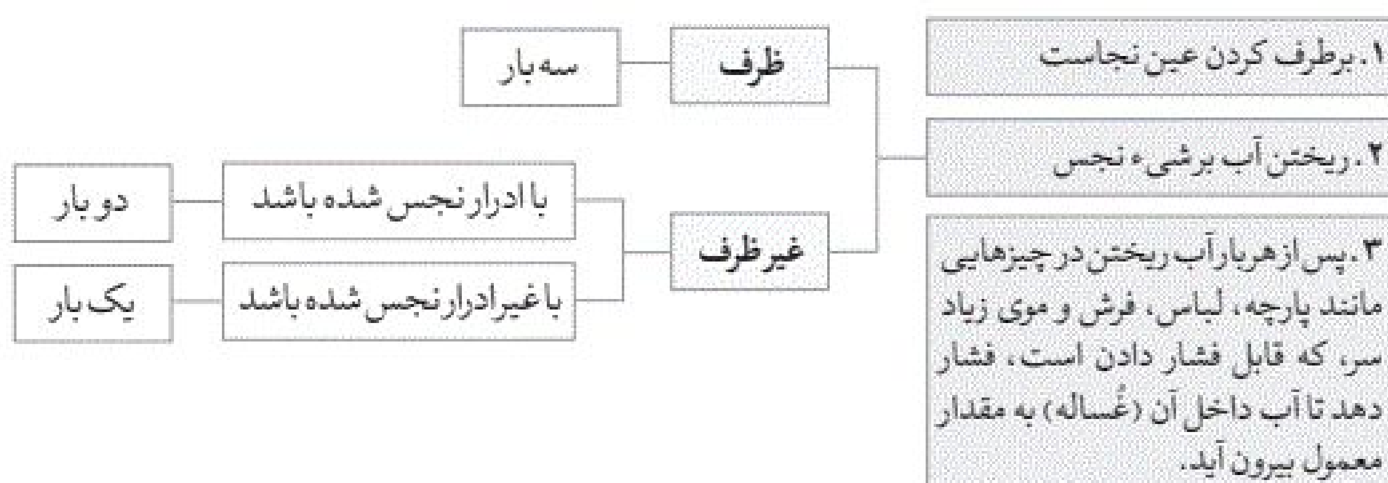
رجوع کنید به صفحه‌ی[۶۸].

تطهیر لباس با آب کُر

رجوع کنید به صفحه‌ی [۶۸ و ۷۱].

تطهیر با آب قلیل

م . پاک کردن چیز نجس با آب قلیل سه مرحله دارد:



مراحل تطهیر با آب قلیل:



برطرف کردن عین نجاست، به هر طریقی که ممکن باشد.



ریختن آب روی قسمتی که نجس شده است.





خارج کردن غُساله‌ی آبی که داخل فرش مانده است. (با دست یا هر وسیله‌ای که امکان دارد).



غُساله‌ی آب قلیل نجس است.

توجه

تطهیر با آب قلیل باید طبق شرایط ذکر شده باشد؛ لذا نمی‌توان نجاست اشیا را با دستمال مرطوب و اسفنج خیس برطرف نمود. (البته برطرف کردن عین نجاست به‌وسیله روش‌های فوق اشکالی ندارد؛ ولی شیء نجس را پاک نمی‌کند.)





تطهیر ظروف با آب قلیل

رجوع کنید به صفحه‌ی[۶۹ و ۷۱].

تطهیر لباس با آب قلیل

رجوع کنید به صفحه‌ی[۶۹].

تطهیر بدن با آب قلیل

رجوع کنید به صفحه‌ی[۶۹ و ۷۲].

تطهیر ظروف

تطهیر ظرف نجس با آب قلیل و کُر



توجه

در تطهیر ظروفی که سگ یا خوک آن را لیسیده یا چیز روان مثل آب و... از آن خورده تفاوتی وجود دارد که در صورت نیاز به مجموعه‌ی دوجلدی رساله‌ی مصوّر عبادات مراجعه شود.

نکته

مراد از ظرف وسایلی است که در آن چیز می‌خورند یا می‌پزند یا می‌شویند یا خمیر می‌کنند و...؛ مانند: کاسه، کوزه، دیگ، تشت، سماور، قوری، آب‌کش، نعلبکی، قابلمه و ...

ماندن رنگ

م. هر چیز نجس تا عین نجاست را از آن برطرف نکنند پاک نمی‌شود، ولی اگر بو یا رنگ نجاست در آن مانده باشد، اشکال ندارد. پس اگر خون را از لباس برطرف کنند و لباس را آب بکشند، اما رنگ خون در آن بماند، پاک می‌باشد [و باید از وسوسه اجتناب نمود].


باقی ماندن رنگ خون در پارچه


باقی ماندن رنگ خون در لباس

تطهیر لباس در خشک‌شویی

م . لباس‌هایی که برای شست و شو به خشک‌شویی داده می‌شود، اگر از قبل نجس نباشد، محکوم به طهارت است.

نکته

برخی از لباس‌ها در موقع تطهیر، از خود رنگ می‌دهند. اگر رنگ دادن لباس، باعث مضاف شدن آب نشود، لباس‌های نجس با (ریختن آب بر) آن‌ها، پاک می‌شود.

توجه





حکم پاک کنندگی ماشین لباس‌شویی‌های اتوماتیک

اگر عین نجس در لباس نماند و بعد از برطرف شدن آن دو مرتبه با آب قلیل شسته شود و آب را تخلیه کند، کافی است و در صورت اتصال به آب لوله (کُر) بعد از برطرف شدن عین نجاست با یک مرتبه آب‌گیری هم پاک می‌شود

در **ماشین لباس‌شویی دوقلو** که مخزن شست‌وشو و خشک‌کن جدا از یکدیگر است، باید قبل از قرار دادن لباس‌های نجس عین نجاست را از آن‌ها برطرف کنند و سپس در مخزن شست‌وشو که متصل به آب کُر است قرار دهند چون بنابر احتیاط واجب لازم است آب داخل لباس‌ها خارج شود، یا بنابر احتیاط واجب باید در حال اتصال به کر (باز بودن شیر آب) لباس را فشار دهند یا کاری کنند که آب داخل لباس خارج شود (برای مثال اگر ممکن است، دستگاه را روشن کنند تا با چرخش این کار انجام گیرد)؛ ولی اگر آب داخل دستگاه اتصال به کر ندارد، باید لباس‌ها را از آب خارج کنند و فشار دهند، سپس شیر آب را باز کنند که آب داخل مخزن با اتصال به کر، پاک شود و دو مرتبه این کار را انجام دهند تا لباس پاک شود.

تطهیر بدن

تطهیر بدن با آب قلیل

م . چنانچه بر اثر ادرار نجس شده باشد، پس از برطرف شدن عین نجاست، دو مرتبه آب بریزند.همچنین اگر بر اثر خون و مانند آن نجس شده باشد، پس از برطرف شدن عین نجاست، یک مرتبه آب ریختن کافی است.

نکته

موهای بلندی که نجس شده، هنگام شستشوی با آب قلیل باید فشار داده شود تا غُساله‌ی آن خارج گردد.

تطهیر بدن میّت

م . بدن انسان با خروج روح نجس می‌شود و پس از تمام شدن سه غسلِ میّت پاک می‌گردد؛ (لذا پس از برخورد دست خیس با بدن میّت باید دست را آب کشید).

توجه

اگر میّت را غسل نداده‌اند، کسی که پس از سرد شدن بدن میّت به مرده دست می‌زند، واجب است برای مسّ میّت غسل کند و نمی‌تواند بدون غسل نماز بخواند.

چگونگی تطهیر داخل بدن

م . اگر داخل بدن انسان (مانند داخل دهان و بینی) نجس شود، همین‌که نجاست از بین برود، پاک می‌شود؛ مثلاً اگر از لثه‌ها خون بیاید و در آب دهان از بین برود، یا خون را بیرون بریزد، دهان پاک است و آب کشیدن داخل آن لازم نیست.

توجه

داخل دهان بعد از برطرف شدن عین نجس[1]، خود به خود پاک می‌گردد. همچنین خونی که از لای دندان‌ها (لثه) بیرون می‌آید، اگر به واسطه‌ی مخلوط شدن با آب دهان از بین برود، پاک است.

خوردن و آشامیدن چیز نجس

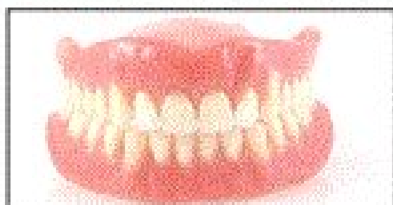
م . خوردن و آشامیدن چیز نجس حرام است اما در صورتی که این کار را کرد آب کشیدن داخل دهان لازم نیست.

تطهیر دندان مصنوعی

س . اگر به واسطه‌ی خونی شدن دهان، دندان مصنوعی نیز با خون تماس پیدا کند، آیا می‌توان بدون بیرون آوردن آن از دهان نسبت به تطهیر آن اقدام نمود؟

آری، بعد از زَوال عین نجاست، قابل تطهیر است.

نکته



لازم نیست دندان مصنوعی را برای آب کشیدن از دهان بیرون آورند؛ بلکه در داخل دهان نیز به راحتی می‌توان آن را تطهیر نمود.

نجس شدن دندان پُر شده

س . دندانم را پُر کرده‌ام و دهانم با خون لثه نجس شده؛ آیا پس از زایل شدن خون، دندان مذکور پاک است؟

اگر به گونه‌ای باشد که جزء دندان طبیعی محسوب شود حکم دندان طبیعی را دارد و آب کشیدن داخل دهان لازم نیست.

۱. نجاسات یازده چیزاست: ادرار، مدفوع، خون و... اینها را عین‌نجس می‌گویند و اگر چیزی به واسطه‌ی اینها نجس شود، آن را مُتنجّس [نجس شده] می‌گویند، مثلاً اگر دست خونی شود، به دست مُتنجّس گویند. [برای آشنایی با واژگان فقهی به بخش اصطلاح‌نامه رجوع کنید].

تطهیر زمین

۳. چگونگی تطهیر زمین با آب:

روش تطهیر زمین نجس	زمین سخت است (آب در آن نفوذ نکرده و جریان پیدا می‌کند)		**با آب قلیل** باید به قدری آب روی آن بریزند که جاری شود و چنانچه آبی که روی آن ریخته‌اند از سوراخی بیرون رود، همه‌ی زمین پاک می‌شود اگر آب قلیلی که روی نجاست ریخته‌اند، از سوراخی بیرون نرود یا نتوانند آن را به گودالی هدایت کنند و روی آن را با خاک پرکنند، می‌توانند آن را در جایی جمع کنند و سپس با پارچه، دستمال، وسیله مکنده یا ظرفی، آن آب را برداشته و بنابر احتیاط، دوباره آب قلیل روی آن بریزند و به صورت سابق جمع کنند تا پاک شود.
			با آب باران یا کُر یا جاری به مجرّد اتصال و رسیدن آب به همه جای آن پاک می‌شود و جریان هم لازم نیست و غساله آن هم اگرعین نجاست در آن نباشد، پاک است.
	زمین سست است (آب روی آن جریان پیدا نکرده و در آن نفوذ می‌کند.)	زمین خاکی است	**با آب باران یا کُر و جاری یا تابش خورشید** پاک می‌گردد.
			با آب قلیل قابل تطهیر نیست.
			زمین شنی است چون آبی که روی آن می‌ریزند از آن جدا شده، ظاهر آن حتی با آب قلیل هم قابل تطهیر است، ولی باطن آن(زیر ریگ‌ها) نجس می‌ماند.

توجه

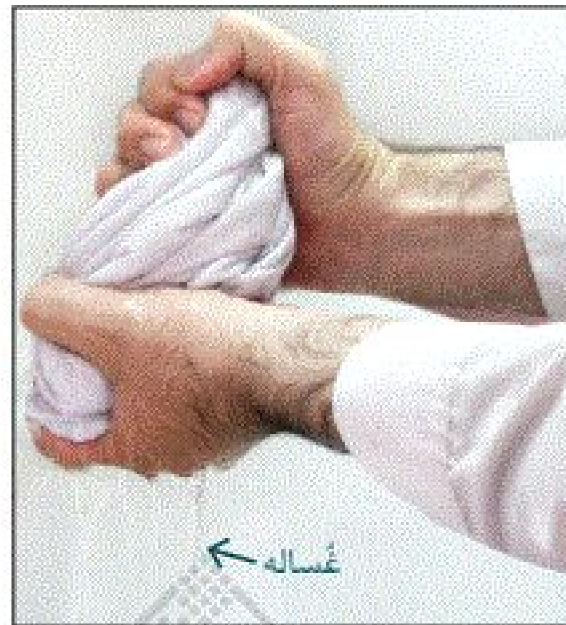
برای تطهیر نجاستی که روی زمین و سایر اشیا وجود دارد، لازم نیست مقدار زیادی آب ریخته شود؛ بلکه اگر به وسیله‌ی شلنگی که متصل به آب لوله‌کشی است، کمی آب روی نجاست جاری شود، به طوری که در ظاهر اثری از نجاست باقی نماند، پاک می‌شود و دقت زیاد لازم نیست.





غُساله

م . غُساله آبی است که معمولاً هنگام شستن و پس از آن، از چیزی که شسته می‌شود، خود به خود یا به وسیله فشردن می‌ریزد و چیزی هم که با غساله برخورد می‌کند، در صورتی که با آب قلیل باشد نجس است؛ بنابراین اگر غساله‌ی نجس، روی چیزی ترشّح کند، آن چیز نیز نجس می‌شود.



توجه

ترشّحات غُساله در حین تطهیر محل ادرار و مدفوع (آب استنجا[1]) اگر متّصل به کُر باشد، پاک است و اگر محل خروج مدفوع را با آب قلیل تطهیر نمایند، ترشّحات آن با شرایط زیر پاک است:

۱. بو یا رنگ یا مزّه‌ی نجاست نگرفته باشد.
۲. نجاستی از خارج به آن نرسیده باشد.
۳. نجاست دیگری مثل خون، با مدفوع بیرون نیامده باشد.
۴. ذره‌های مدفوع در آب پیدا نباشد.
۵. بیشتر از مقدار معمول، نجاست به اطراف مخرج نرسیده باشد.

۱. استنجا: تطهیر مخرج ادرار و مدفوع (به آب استفاده شده در تطهیر مخرج ادرار و مدفوع، آب استنجاء می‌گویند).

آفتاب

پاک‌کنندگی آفتاب

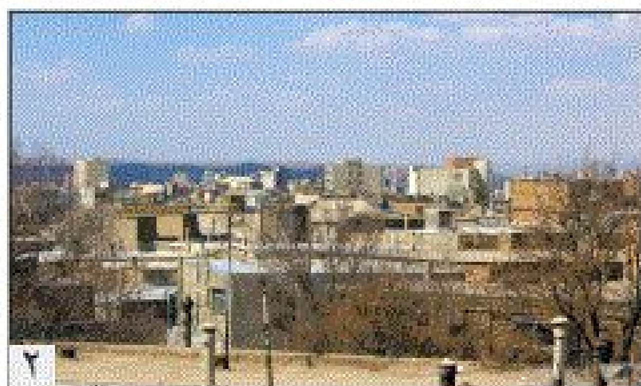
م . آفتاب بعضی چیزها را با شرایط خاصی که گفته خواهد شد پاک می‌کند.

چیزهای پاک‌شونده توسط آفتاب

م . چیزهایی که توسط آفتاب پاک می‌شوند:



زمین



پشت بام



گیاهان، سبزیجات، درختان



ساختمان و دیوار





چیزهایی که مانند در و پنجره در ساختمان به کار رفته و همچنین میخی که به دیوار کوبیده شده و جزو ساختمان حساب می‌شود.

شرایط پاک‌کنندگی آفتاب

شرایط پاک‌کنندگی آفتاب

۱. **چیز نجس، تَر باشد.** (اگر خشک باشد، باید آن را تَر کنند).

۲. **عین نجاست در آن نباشد** (اگر عین نجاست هست، قبل از تابش آفتاب باید برطرف شود).

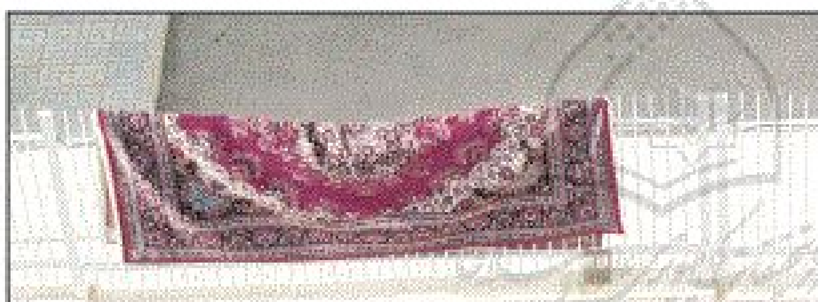
۳. **آفتاب به آن بتابد** (چیزی مانند ابر یا پرده، مانع تابش آفتاب نشود، ولی اگر ابر به قدری نازک باشد که از تابیدن جلوگیری نکند، اشکال ندارد.)

۴. **آفتاب به تنهایی چیز نجس را خشک کند** (اگر به واسطه‌ی وزش باد و تابش آفتاب (هر دو باهم) خشک شود، پاک نشده است).

۵. **آفتاب مقداری از بنا و ساختمان را که نجاست در آن فرو رفته، یک مرتبه خشک کند.**
پس اگر یک مرتبه بر زمین و ساختمان نجس بتابد و روی آن را خشک کند و دفعه‌ی دیگر با تابیدن زیر آن را هم خشک نماید، فقط روی آن پاک می‌شود و زیر آن نجس می‌ماند.

توجه

آفتاب، فرش و لباس نجس را پاک نمی‌کند.





زمین

پاک‌کنندگی زمین

م . زمین یکی از پاک‌کننده‌هاست و با شرایطی که گفته خواهد شد کف پا و ته کفش نجس را پاک می‌کند.

توجه

زمینِ آسفالت، پاک کننده‌ی ته کفش و پا نیست.



شرایط پاک‌کنندگی زمین

م . شرایط پاک‌کنندگی زمین مطابق با جدول ذیل می‌باشد:

شرایط پاک‌کنندگی زمین	
	۱. زمین پاک باشد.
	۲. زمین خشک باشد.
	۳. زمین باید خاک، سنگ و مانند این‌ها باشد. بنابراین با راه رفتن روی فرش، حصیر، چوب و سبزه، کف پا و زیر کفش پاک نمی‌شود.
	۴. به واسطه‌ی راه رفتن، نجس شده باشد.
	۵. چنانچه عین نجاست (مانند ادرار و خون) **یا چیز مُتَنَجِّس** (یعنی چیز پاکی که نجس شده، مانند گِل نجس)، **به کف پا یا زیر کفش چسبیده باشد، در اثر راه رفتن یا مالیدن به زمین برطرف شود.**

مقدار راه رفتن برای پاک شدن



م . کسی که بر اثر راه رفتن روی زمین، کف پا یا کفش او نجس شده، برای پاک شدن آن‌ها (بعد از برطرف شدن عین نجاست) هرگاه تقریباً اندازه‌ی **۱۰** قدم روی زمینِ خشک و پاک راه برود، کف پا و کفش او پاک می‌شود.

کسی که با دست و زانو راه می‌رود

م . نجاست دست یا زانوی کسی که با دست و زانو راه می‌رود و همچنین ته عصا، ته پای مصنوعی، نعل چهارپایان، چرخ اتومبیل، گاری و ویلچر، کفش اسکیت و مانند آن با راه رفتن و حرکت روی زمین خاکی، سنگی و آسفالت پاک نمی‌شود.













اِستحاله

تعریف استحاله

م . «استحاله» در لغت یعنی از حالی به حال دیگری درآمدن و دگرگون شدن. در احکام شرعی اگر چیزی به طوری تغییر کند که تبدیل به چیز دیگری شود و نام دیگری به آن داده شود، می‌گویند استحاله شده است؛ مانند چوبی که با سوختن خاکستر شود (خاکستر در نظر عُرف مردم غیر از چوب است) و شرابی که به سرکه تبدیل گردد یا سگی که در نمک‌زار بیفتد و تبدیل به نمک شود. امّا اگر تنها صورت آن عوض شود و جنس آن عوض نشود، مانند این که گندم، تبدیل به آرد شود یا شکر در آب حل شود، به آن استحاله نمی‌گویند.



تبدیل گندم نجس به آرد موجب تطهیر آن نمی‌شود.

توجه

برای تطهیر مواد نجس، مثل روغن نجس، صرف انجام فعل و انفعالات شیمیایی که خاصیت جدیدی به مواد ببخشد، کافی نیست (با این کار استحاله تحقق پیدا نمی‌کند.) همین‌طور به صرف جداسازی مواد معدنی آلوده و میکروب‌ها و غیر آن از آب‌های فاضلاب استحاله تحقق پیدا نمی‌کند؛ مگر این‌که عمل تصفیه با تبخیر آب و تبدیل دوباره‌ی بخار به آب انجام شود.

حکم استحاله

م . استحاله چیز نجس را پاک می‌کند.[1]

انتقال

تعریف انتقال

م . انتقال در لغت به معنای جابه‌جا شدن و از جایی به جای دیگر رفتن است و در اصطلاح شرعی:

اگر خون بدن انسان یا حیوانی که خون جهنده دارد، به بدن حیوانی که خون جهنده ندارد (مانند پشه) منتقل شود و خون آن حیوان محسوب شود، این را انتقال می‌گویند.

توجه

خونی که زالو از انسان می‌مکد، تا زمانی که خون زالو محسوب نمی‌شود پاک نیست.

۱. به شرطی که آن چیز دوم، خود از نجاسات نباشد. مثلاً اگر منی تبدیل به خون بسته(علقه) شود، پاک نیست و هر دو نجس هستند.

حکم انتقال

م . انتقال (با شرایطی که ذکر شد) باعث می‌شود که خون نجس پاک گردد.

اسلام

تعریف اسلام

م . «اسلام» در لغت یعنی تسلیم شدن و گردن نهادن و در احکام یعنی داخل شدن در دین اسلام با گواهی دادن زبانی (شهادتین) به این که خدا یکی است (أَشْهَدُ أَن لا إِلهَ إِلَّا الله) و حضرت محمّد ﷺ پیامبر خدا و خاتم انبیاست: (و أَشْهَدُ أَنَّ مُحَمَّداً رَسولُ الله).

حکم اسلام

م . همان طور که قبلاً گفتیم، کافر نجس است؛ ولی با ورود به دین اسلام و با گفتن شهادتین پاک می‌شود و بدن و آب دهان و بینی و عرق او پاک است.

اگر هنگام مسلمان شدن، عین نجاست بر بدن او بوده، باید آن را برطرف کند و جای آن را آب بکشد.

تَبَعِیَّت

تبعیّت و حکم آن

م . تبعیَّت در لغت یعنی پیروی و در اصطلاح یعنی چیز نجسی به واسطه‌ی پاک شدن چیز نجس دیگر، پاک شود.

نکته

نمونه هایی از تبعیّت

۱. کسی که چیزی را آب می‌کشد، بعد از پاک شدن آن، دست او هم که با آن چیز شسته شده پاک می‌شود؛ و نیاز به تطهیر مجدّد دست نیست.

اگر لباس را با آب قلیل آب بکشند و به اندازه‌ی معمول فشار دهند تا آبی که روی آن ریخته‌اند جدا شود، آبی که در آن می‌ماند پاک است.

۲. اگر شراب سرکه شود، ظرف آن هم پاک می‌شود، حتی جاهایی که هنگام جوش آمدن نجس شده است، اگر چه پشت ظرف باشد.

۳. پس از اتمام سه غسل میّت، تختی که میّت را بر آن خوابانده‌اند و دست غسّال و پارچه‌ای که بر میّت انداخته‌اند (لنگ) پاک می‌شود.

غایب شدن مسلمان و حکم آن

م . اگر انسان یقین داشته باشد که بدن یا لباس یا یکی از چیزهای شخص مسلمانی نجس است و مدتی آن مسلمان را نبیند و سپس ببیند که او با همان چیز که نجس بوده، رفتار چیز پاک را می‌کند (مثلاً لباسی نجس بوده که اکنون با آن نماز می‌خواند)، آن چیز محکوم به پاکی است؛ مشروط بر آن که صاحب آن چیز، از نجاست قبلی و از احکام طهارت و نجاست باخبر باشد.

برطرف شدن نجاست و حکم آن

م . اگر بدن حیوان یا منقار پرنده‌ای به عین نجس مثل خون، یا مُتَنَجِّس مثل آب نجس، آلوده شود، چنانچه آن‌ها برطرف شود، بدن حیوان پاک می‌شود. همچنین باطن بدن انسان، مثل توی دهان و بینی، با برطرف شدن عین نجاست پاک می‌شود.

اِستبرای حیوان نجاست‌خوار

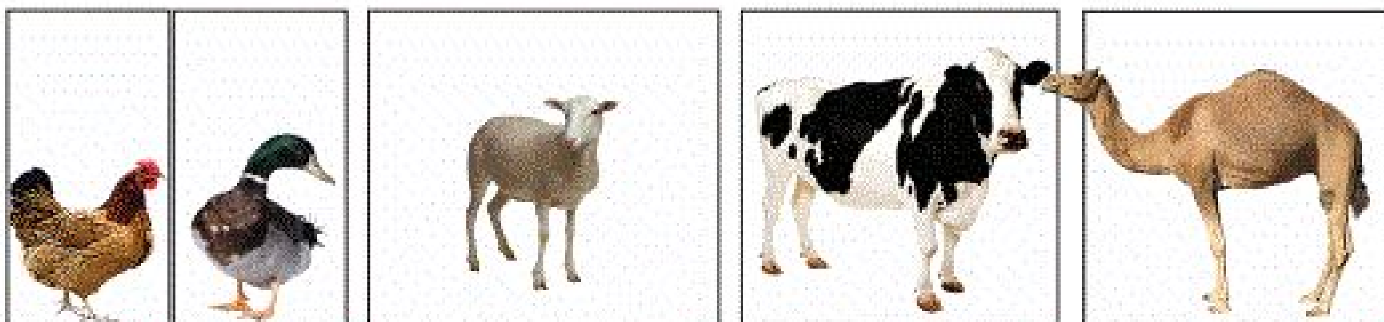
م . «اِستبرا» در لغت یعنی برائت جستن از نجاست، تهمت و مانند آن، و در این‌جا به این معناست که حیوان نجاست‌خوار را مدتی از خوردن نجاست بازدارند و غذای پاک به آن بدهند؛ از آن‌جا که این عمل موجب دوری حیوان از عنوان «نجاست‌خوار» می‌شود، آن را «استبرای حیوان نجاست‌خوار» گفته‌اند.

حکم و روش استبرای حیوان

م . ادرار و مدفوع حیوانی که به خوردن نجاست انسان عادت کرده، نجس است و اگر بخواهند پاک شود، باید آن را استبرا نمایند؛ یعنی تا مدتی که بعد از آن دیگر به آن نجاست‌خوار نگویند، نگذارند نجاست بخورد و غذای پاک به آن بدهند.

نکته

بنابر احتیاط واجب حیوانات زیر در مدت‌های ذکر شده باید استبرا شوند به شرطی که پس از این مدت، دیگر به آن‌ها نجاست‌خوار نگویند. و در سایر حیوانات همین اندازه که تا مدتی ادامه دهند که دیگر به آن‌ها نجاست‌خوار نگویند، کافی است.



۴۰ روز — ۲۰ روز — ۱۰ روز — ۵ روز — ۳ روز

احکام تَخَلّی (دست‌شویی رفتن)

تخلّی در لغت به معنای تُهی شدن، خالی شدن و رهایی یافتن است. و در اینجا به معنی اِدرار یا مدفوع کردن [قضای حاجت] می‌باشد. و بر انسان لازم است در این حالت اموری را رعایت کند؛ مانند: پوشیدن خود از دید دیگران، عدم قرار گرفتن در جهت قبله، توجه به مکان تخلّی و در نهایت تطهیر بعد از تخلّی.

حالت قرار گرفتن بدن

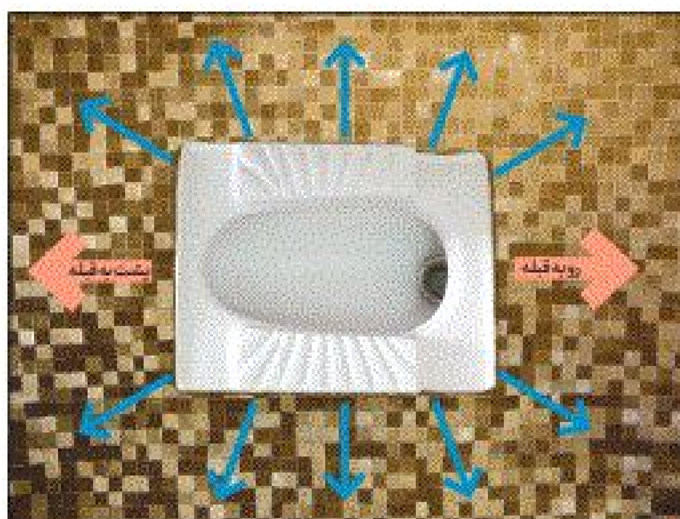
م . انسان نباید در حال ادرار کردن یا دفع مدفوع، طرف جلوی بدنش رو یا پشت به قبله باشد.

پرسش



پرسش: اگر کاسه‌ی توالتها در جهت مخالف سمتی که اعتقاد دارند قبله است، نصب شود و بعد از مدتی متوجه شویم که جهت کاسه با جهت قبله ۲۰ تا ۲۲ درجه تفاوت دارد. آیا تغییر جهت کاسه‌ی توالت واجب است یا خیر؟

پاسخ: انحراف از قبله به مقداری که «انحراف از سمت قبله» بر آن صدق کند، کافی است و اشکال ندارد.



قرار گرفتن بدن در این جهت اشکال دارد. (پیکان صورتی)

قرار گرفتن بدن در این جهت اشکال ندارد. (پیکان آبی)

توجه

۱. اگر ناچار و مضطر شد که رو به قبله یا پشت به آن بنشیند مخیّر است؛ هرچند احتیاط مستحب آن است که در این صورت پشت به قبله نماید، نه رو به قبله.

۲. استفاده از هر نوع توالت فرنگی ـ با رعایت قبله و دیگر واجبات تخلّی ـ جایز و بدون اشکال است.

پوشش بدن

م . انسان باید در هنگام تخلّی همچون دیگر مواقع، عَورَت (شرم‌گاه) خود را از کسانی که مُکَلَّفند (غیر از همسر خود) بپوشاند (هرچند مانند خواهر، برادر و مادر با او محرم باشند) و همچنین از دیوانه و بچه ممیّز باید عَورَت خود را بپوشاند.

مکان تخلّی

م . تخلّی در چهار مکان حرام است:

۱. در کوچه‌های بن‌بست

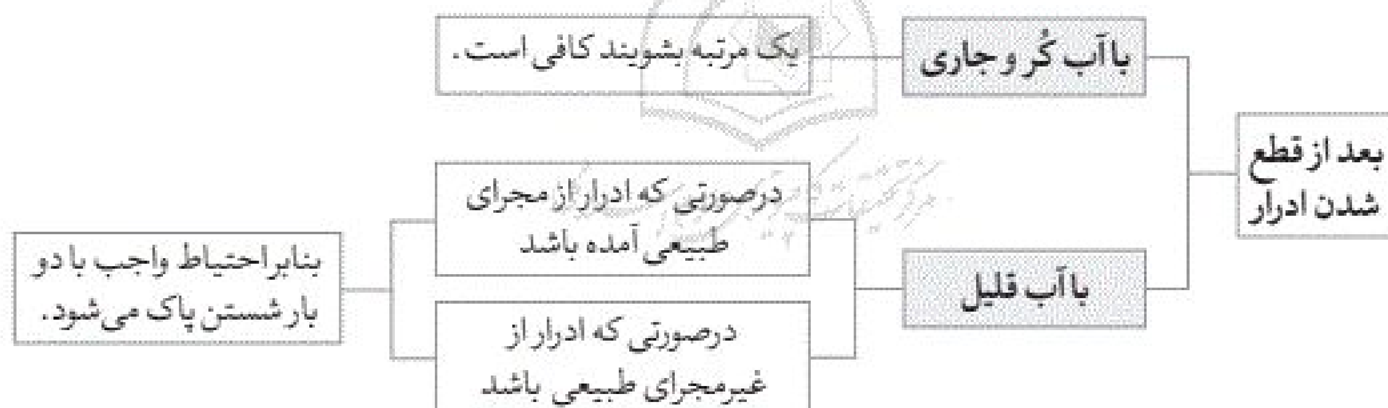
۲. در ملک کسی‌که اجازه‌ی تخلّی نداده است.

۳. در جایی که برای عدّه‌ی مخصوصی وقف شده؛ مثل بعضی مدرسه‌ها

۴. روی قبر مؤمن، یا هر محلّی که موجب بی‌احترامی نسبت به مؤمن یا یکی از مقدّسات شود.

تطهیر مَخرج ادرار

م . مخرج ادرار [محل خروج ادرار] جز با آب، پاک نمی‌شود و روش تطهیر آن به شرح زیر است:



توجه

- درصورتی که مخرج ادرار و مدفوع را با آب کُر و جاری (مانند شیرآب ساختمان) بشویند، ترشحات آن پاک است؛ مگر آن‌که بو یا رنگ یا مزه‌اش به رنگ و بو و مزه نجاست تغییر کرده باشد.

- در طهارت مخرج ادرار با آب قلیل نیز اگر شرایطی که در احکام غُساله تطهیر مخرج ادرار و مدفوع بیان شد رعایت شود، ترشحات آن پاک است.

- اگر بدانیم آب موجود در دستشوییِ قطار و غیره، قبلاً به اندازه کُر یا بیشتر بوده، و شک کنیم هنوز کُر است یا نه، می‌توانیم بنا را بر کُر بودن آن بگذاریم.

قانون کلی

مخرج ادرار با غیر آب پاک نمی‌شود.

تطهیر مَخرج مدفوع

م . مخرج مدفوع [محل بیرون آمدن مدفوع] را به دو گونه می‌توان تطهیر کرد:

۱. با آب بشویند تا نجاست از بین برود و پس از آن، آب کشیدن لازم نیست.

۲. با سه قطعه سنگ یا پارچه‌ی پاک و امثال آن (مانند کاغذ) نجاست را پاک کنند و اگر با سه قطعه، نجاست زایل نشد، با قطعات دیگر، آن را کاملاً پاک نمایند و به جای سه قطعه می‌توانند از سه طرف یک قطعه سنگ یا پارچه استفاده کنند.





توجه

مخرج مدفوع در سه صورت فقط با آب پاک می‌شود و با سنگ و مانند آن نمی‌شود آن را تطهیر کرد:

۱. چنانچه با مدفوع، نجاست دیگری، مثل خون بیرون آمده باشد.

۲. اگر از بیرون نجاستی به مخرج مدفوع رسیده باشد.

۳. چنانچه اطراف مخرج بیش از مقدار معمول آلوده شده باشد (به عبارت دیگر مدفوع از محل مخرج به جاهای دیگر رسیده باشد).

نکته

کسی که برای تطهیر محل مدفوع و ادرار به بیمار کمک می‌کند، نباید به عورت او نگاه کند و هنگام تطهیر بیمار باید از تماس دست با عورت جلوگیری شود.

مکروهات تخلّی

م . برخی از کارهایی که برای تخلّی مکروه است عبارتند از:



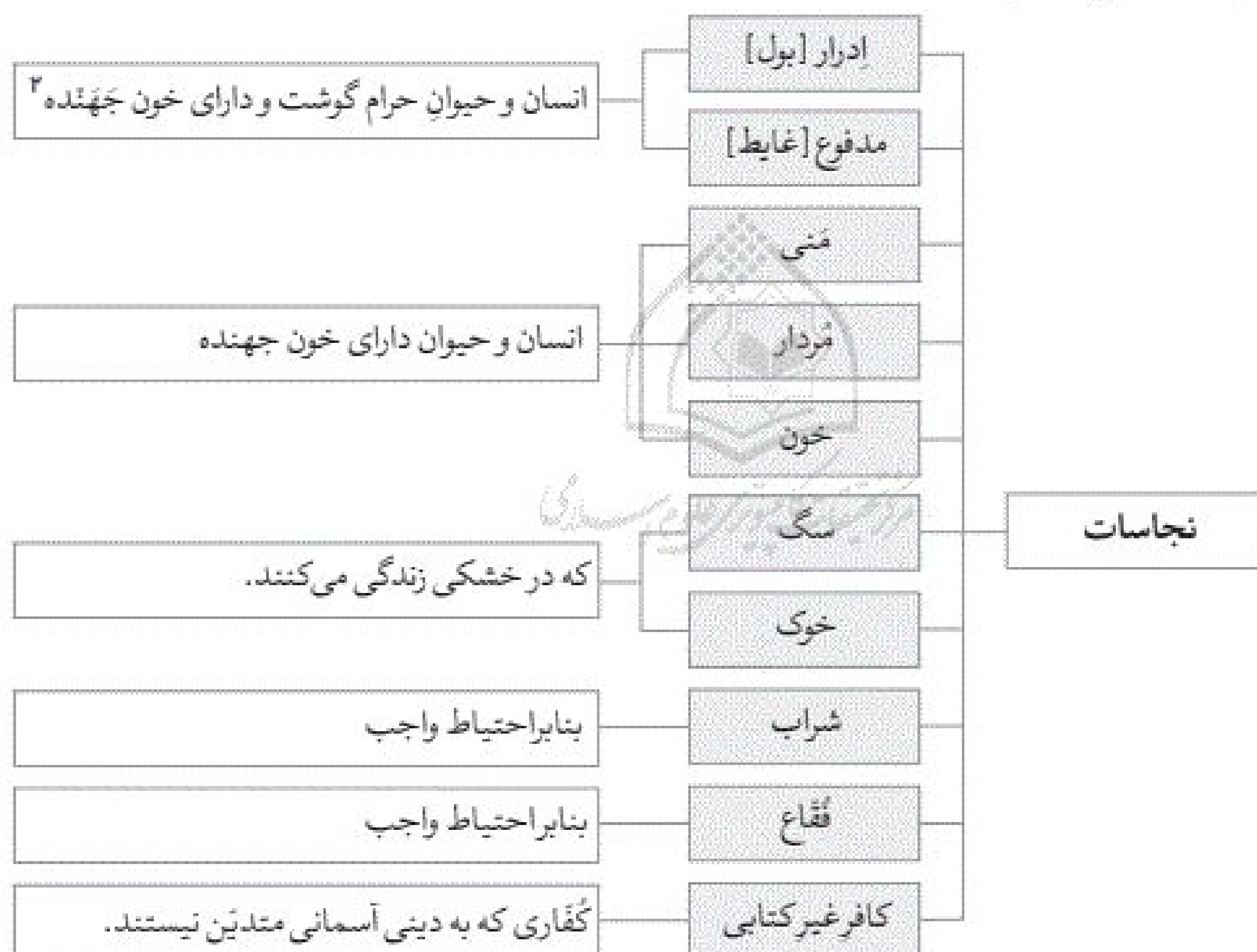
نجاسات[1]

قانون کلی

همه چیز محکوم به طهارت است، مگر چیزهایی که حکم به نجاستشان شده باشد.

انواع نجاسات

م . نجاسات عبارتند از:



قانون کلی

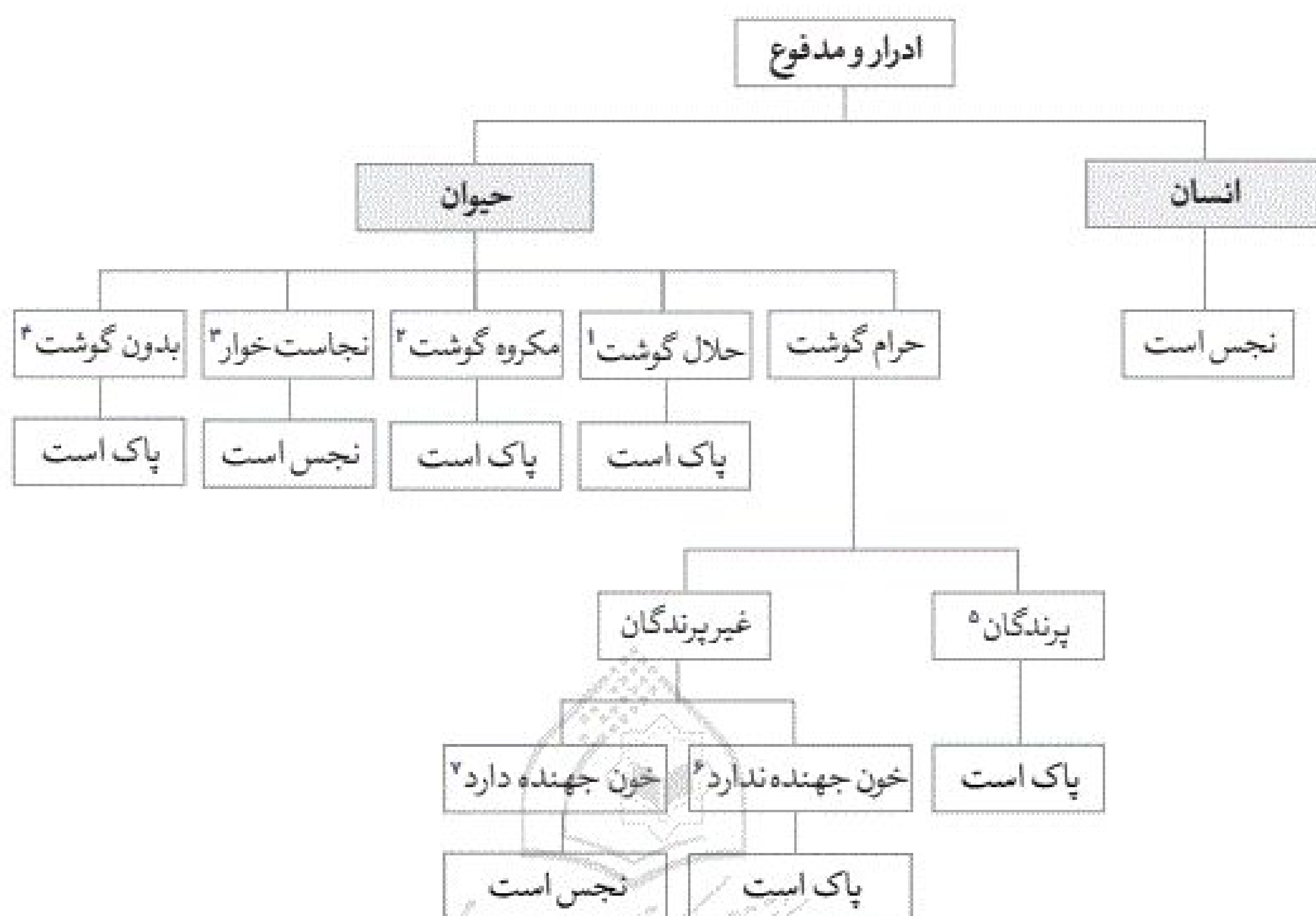
هر نجسی حرام است؛ ولی هر حرامی نجس نیست.

۱. منظور از «نجاست» در احکام شرعی، غیر از کثیفی است؛ چه بسا چیزی کثیف باشد اما نجس نباشد. و همچنین ممکن است چیزی نجس باشد اما کثیف نباشد. در احکام به چیزهایی نجس می‌گویند که صراحتاً حکم به نجاستشان شده باشد (مانند خون و...).

۲. به خون حیوانی که وقتی رگ آن را بِبُرند، خون از آن بپاشد، خون جَهَنده می‌گویند. [به بخش اصطلاح‌نامه رجوع کنید].

ادرار و مدفوع

م . ادرار و مدفوعِ انسان و سایر حیوانات از نظر نجاست و پاکی احکامی دارد که در جدول زیر بیان شده است:



مَنی

م . منیِ انسان و هر حیوانی که خون جهنده دارد، نجس است؛چه حلال گوشت باشد و چه حرام گوشت. البته این حکم در حیوان حلال گوشت مبنی براحتیاط وجوبی است.

۱. مانند گنجشک، گاو و گوسفند
۲. مانند اسب و الاغ
۳. مانند گوسفندی که عادت به خوردن نجاست انسان دارد.
۴. مانند مگس و پشه
۵. مانند کلاغ و طوطی
۶. مانند مار و سوسمار
۷. مانند گربه و خرگوش

تشخیص مَنی در مردان و زنان

م . راه تشخیص مَنی در مردان و زنان عبارت است از:



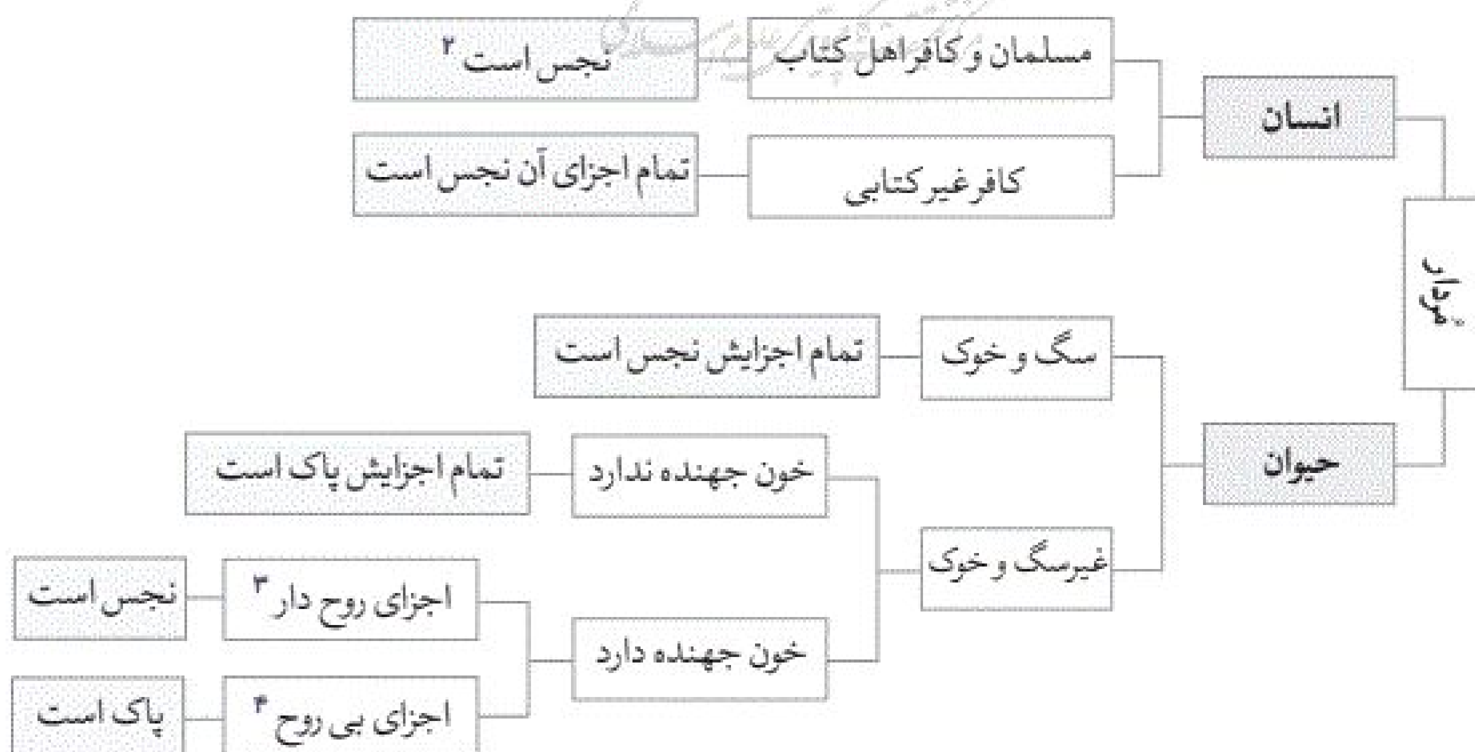
نکته

منی از راه بوییدن یا از روی رنگ ثابت نمی‌شود؛ بلکه باید همه‌ی علایم آن را دارا باشد؛ مگر آنکه انسان یقین پیدا کند که آنچه از او خارج شده، منی است.

مُردار

نجاست مُردار

م . مُردار انسان و حیوان از نظر نجاست و پاکی احکامی دارد که در جدول زیر آمده است:



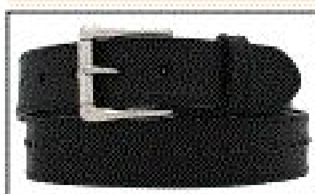
۱. حالت خوشایند جنسی که در هنگام اِرضای کامل غریزه به وجود می‌آید.

۲. به جز سه مورد: اجزای بی روح مانند ناخن و مو؛ شهید میدان جنگ؛ مسلمانی که او را غسل داده باشند.

۳. اجزای با روح مانند: گوشت و پوست نجس است، مگر حیوانی که به دستور شرع کشته شده باشد.

۴. اجزای بدون روح مانند: مو و شاخ.

قانون کلی



چیزی که معلوم نیست از اجزای حیوان دارای خون جهنده است یا حیوانی که خون جهنده ندارد (مانند کمربندی که معلوم نیست از پوست مار است یا غیر آن) پاک است.

اجزای جدا شده از بدن انسان و حیوان

م . حکم اجزای جدا شده از بدن انسان و حیوانِ غیر نَجِسُ‌الْعِیْن[1] عبارت است از:

اجزای جدا شده	**اجزای بی روح** (مانند مو و ناخن)	پاک است؛ چه از زنده جدا شده باشد و چه از مرده.			
	اجزای روح دار (مانند گوشت و پوست)	از انسان یا حیوان زنده‌ای جدا شده که خون جهنده دارد	از اجزائی که موقع افتادنشان رسیده است	پاک است. مانند: زگیل‌ها، جوش‌ها و پوست‌های مختصر لب ها	
			از اجزائی که موقع افتادنشان نرسیده است		بنا بر احتیاط واجب نجس است
		از مُردار جدا شده	از مُردار حیوانی که خون جهنده ندارد		پاک است
			از مُردار حیوانی که خون جهنده دارد		نجس است

نکته

مُردار به حیوانی می‌گویند که خودش مرده باشد، یا او را کشته باشند یا طبق دستور شرع ذبح نشده باشد.

پوست لب و جاهای دیگر

م . پوست مختصر لب و جاهای دیگر بدن -که در حال افتادن است- چنانچه جدا شود، پاک است.

توجه

اگر مقداری از پوست بدن که موقع افتادنش نرسیده، کنده شود، تنها همان پوستی که از بدن جدا شده، بنابر احتیاط واجب نجس است؛ ولی سطح بدن که این پوست از آن‌جا کنده شده، پاک می‌باشد.

۱. نجس‌العین: چیزی که اصالتاً نجس باشد؛ مانند: سگ و خوک (که خود نجس است؛ نه این که به واسطه‌ی برخورد با نجاست نجس شده است). و در مقابل، سایر چیزها غیرنجس‌العین هستند.

ذِبْح شرعی

تعریف ذبح شرعی

م . اسلام برای سر بریدن حیوانات، روشی خاص دارد که اگر مراعات نشود، گوشت حیوان، حتّی اگر حلال‌گوشت و از حیوانات اهلی باشد، پاک و حلال نمی‌شود و قابل خوردن نیست. این نوع سر بریدن را اصطلاحاً «ذِبْح شرعی» می‌گویند

اثر ذبح شرعی حیوان حرام‌گوشت

م . ذبح شرعی برخی حیوان‌های حرام‌گوشت نیز آثاری دارد و موجب پاک شدن پوست و گوشت آنها می‌شود؛ هرچند گوشتشان را حلال نمی‌کند؛برای مثال: اگر خرگوش به صورت شرعی ذبح شود، استفاده از پوست آن اشکال ندارد. از این رو تکثیر، پرورش و فروش چنین حیواناتی اگر برای منافع حلال ـ همچون بهره‌وری از پوست آنها برای کیف و کفش و کمربند و یا استفاده از گوشتشان برای خوراک حیوانات دیگر ـ باشد، اشکال شرعی ندارد. البته فروش گوشت آنها برای خوردن حتی به افرادی که به حرام بودن آن اهمیّت نمی‌دهند، جایز نیست.

ذبح غیر شرعی

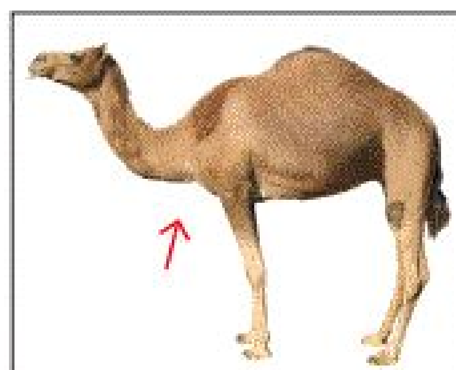
م . اگر حیوان حلال‌گوشت را برخلاف دستور شرع ذبح کنند، گوشت آن حرام و بدنش نجس می‌شود.

چگونگی ذبح حیوانات

م . دستور سر بریدن حیوان‌ها (به‌جز شتر) آن است که چهار رگ بزرگ گردن را از پایین برآمدگی زیر گلو به طور کامل ببرند، و اگر آنها را بشکافند کافی نیست.

چگونگی ذبح شتر

م . دستور کشتن شتر، این است که علاوه بر شرایط دیگر ذِبح، کارد یا چیز دیگری را که از آهن و برنده باشد، در گودیِ بین گردن و سینه‌اش فرو کنند که این عمل را «نَحْر» می‌گویند و اگر مانند گوسفند و سایر حیوانات آن را سر ببرند، حرام و نجس است.



شرایط ذبح حیوانات

شرایط ذبح حیوانات
مسلمان، حیوان را سر ببرد.
حیوان موقع ذبح رو به قبله باشد.
با ابزار آهنی حیوان را سرببرد.
موقع ذبح، بسم الله بگوید.
چهار رگ گردن حیوان، را ببرد.
پس از سربریدن، حیوان حرکتی بکند.

توجه

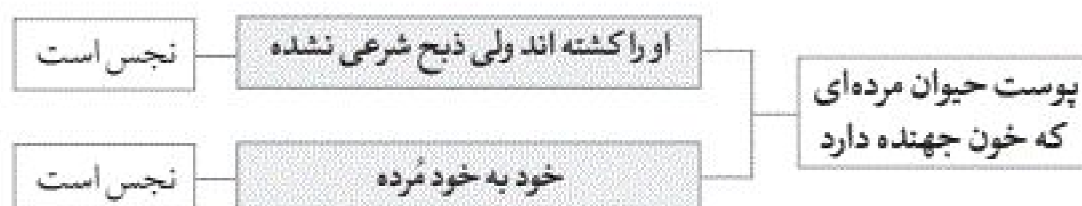
گفتن بسم الله (نام بردن اسم خدای متعال) یکی از شرایطی است که باید در هنگام سر بریدن حیوانات رعایت شود.

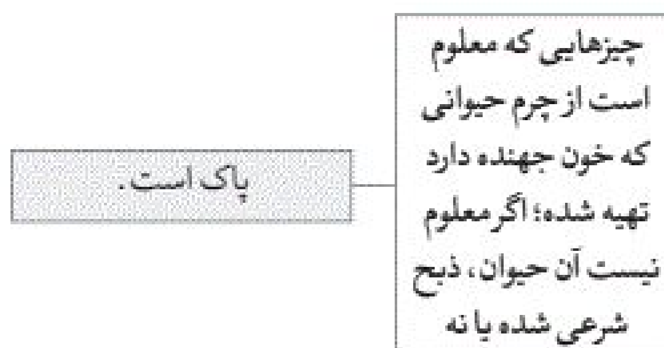
در بعضی کشتارگاه‌های صنعتی که ذبح مرغ را نیز با دستگاه انجام می‌دهند، برای آن دسته از مرغ‌ها که بعد از گفتن «بسم الله» با هم ذبح می‌شوند، گفتن یک بسم الله کفایت می‌کند و برای دسته‌ی دیگر باید بسم الله تکرار شود.



پوست مُردار یا حیوان ذبح نشده

م. احکام چرم و پوست حیوان مرده‌ای که خون جهنده دارد:





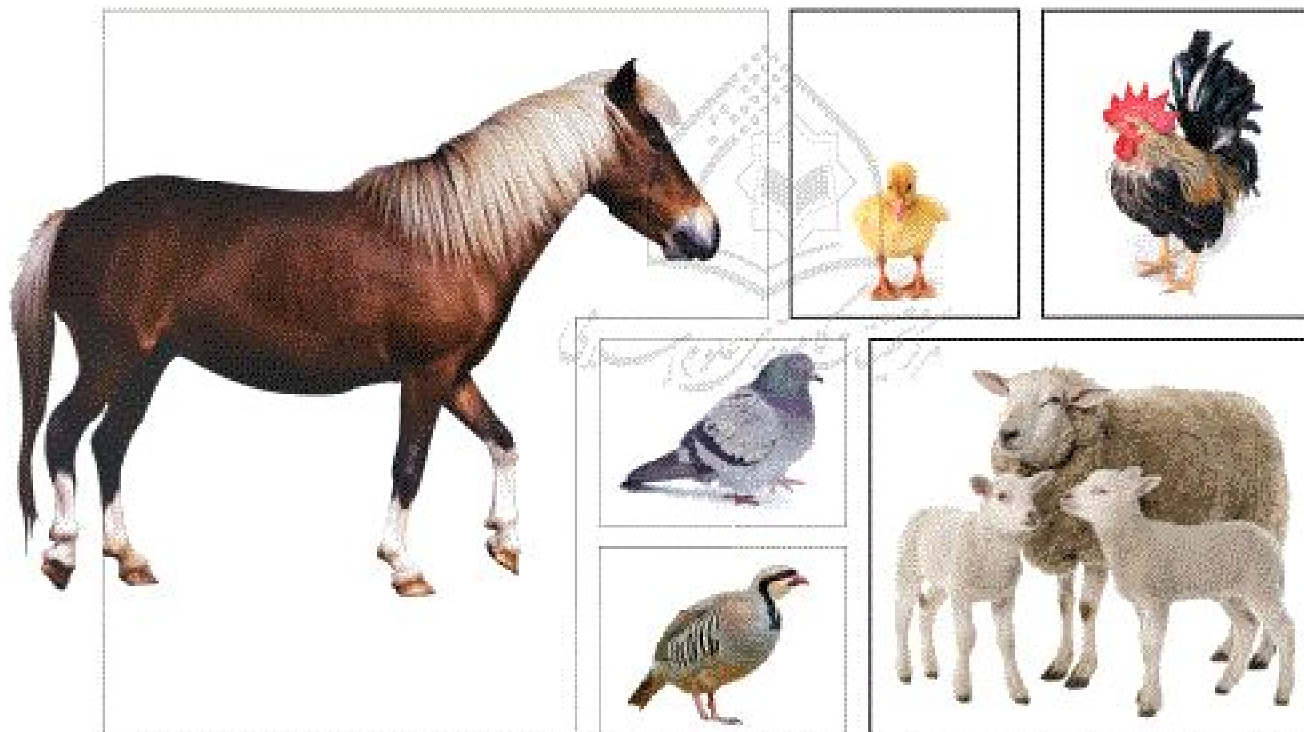
پوست مار

م . پوست مار پاک است.

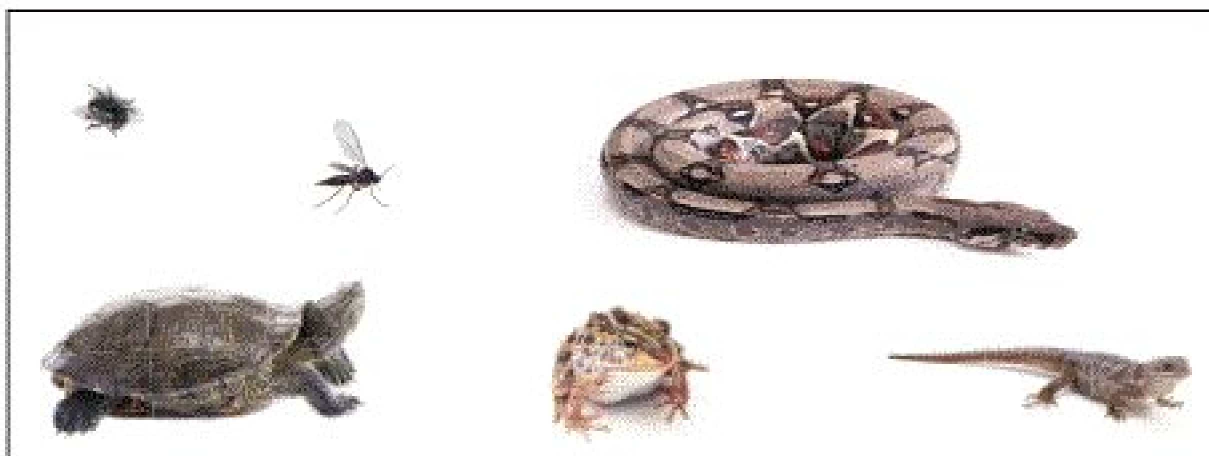


خون

م . خون انسان و هر حیوانی که خون جهنده دارد (یعنی حیوانی که اگر رگ آن را ببرند، خون ازآن با جهش خارج می‌شود) نجس است. و خون حیواناتی که خون جهنده ندارند، پاک است.



برخی از حیوان‌هایی که خونشان نجس است.



برخی از جانورانی که خونشان نجس نیست.

خون خشک

م . خونی که بر روی زخم خشک شده، نجس است و اگر مرطوب (رطوبت سرایت کننده) شود، نجاست را انتقال می‌دهد.

نکته

پوسته‌ای که روی زخم به وجود می‌آید، هرگاه استحاله گردد، یعنی تبدیل به پوست بدن یا شبیه آن شود، نجس نیست و اگر واقعاً خون است و با شست و شو از بین می‌رود، نجس است.

زردابه‌ی اطراف زخم

م . زردابه‌ای که در حال بهبودی زخم در اطراف آن پیدا می‌شود، اگر معلوم نباشد که با خون مخلوط است پاک می‌باشد.

خون زیر ناخن

م . خونی که به واسطه‌ی کوبیده شدن، زیر ناخن یا پوست می‌میرد، اگر طوری شود که دیگر به آن خون نگویند، پاک است.



خلط گلو و سینه

م . خلطی که از بینی یا گلو می‌آید، اگر خون داشته باشد، آن قسمتی که خون دارد، نجس و بقیه‌ی آن پاک است. پس اگر به بیرون دهان یا بینی برسد، مقداری را که انسان یقین دارد جای نجس اخلاط به آن رسیده، نجس است و محلی را که شک دارد جای نجس به آن رسیده یا نه، پاک می‌باشد.

خون مانده در بدن حیوان

م . خونی که پس از ذبح حیوان در بدن او می‌ماند، پاک است؛ ولی اگر به علت نفس کشیدن یا به واسطه‌ی این که سر حیوان در جای بلندی بوده، خون به بدن حیوان برگردد، آن خون نجس است.

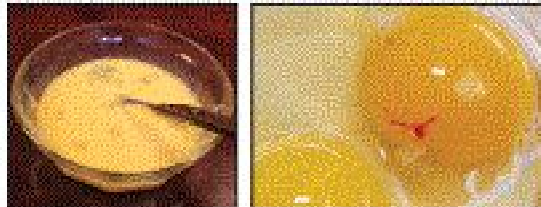
نکته

۱. خونی که در بدن حیوان باقی می‌ماند، اگرچه با شرایطی پاک است، ولی خوردن آن حرام است؛ مگر آن‌که جزء گوشت حساب شود یا هنگام پخت غذاهای آب‌دار مانند آب‌گوشت در آن مُستَهلَک[1] گردد.

۲. مایع قرمز رنگی که معلوم نیست خون است یا نه یا از حیوانی است که معلوم نیست خون جهنده دارد یا خیر و یا مشخص نیست که از حیوان است یا غیر حیوان، پاک است.

توجه

خونی که گاهی در تخم مرغ پیدا می‌شود، پاک است اما خوردن آن حرام است.[ولی اگر تخم مرغ را به هم بزنند به طوری که خون مُستَهلَک شود و قابل مشاهده نباشد، خوردن آن هم اشکال ندارد].



سگ و خوک

م . در بین حیوانات تنها سگ و خوک، نجس هستند و فرقی میان اجزای روح‌دار [مانند گوشت و پوست] و بی‌روح [مانند ناخن و مو] آن دو نیست.

نگه‌داری سگ

م . سگ‌بازی و آوردن آن به خانه، ماشین و خیابان، به شکلی که تقلید و ترویج فرهنگ بیگانگان باشد، جایز نیست.





نکته

آنچه نجس است سگ و خوکی است که در خشکی زندگی می‌کند و سگ و خوک دریایی و حیوانات مانند آنها همه پاکند.





۱. برای آشنایی با واژگان فقهی به بخش اصطلاح‌نامه رجوع کنید.

شراب و مایعات مست‌کننده

نجاست مُسْکرات[1]

م . بنابراحتیاط واجب مشروبات مست کننده‌ای که در اصل، مایع هستند نجس‌اند. و اگر ماده مست کننده‌ای از مایعات نباشد (مانند حشیش و بَنگ که در اصل جامد هستند) و با مخلوط شدن در آب یا مایع دیگر، به صورت مایع درآید، نجس نیست؛ اگرچه خوردن مواد مست‌کننده در هر صورت حرام است.

توجه

اگر انسان یقین نداشته باشدکه الکل به کاربرده شده در تزریقات و آزمایشگاه از الکل مایع و مست کننده تهیه شده، پاک است.

نکته

الکلِ صنعتی از مایع مست کننده تهیه نمی‌شود؛ بلکه از گازهای اتیل و استیل که از فرآورده‌های نفتی است به دست می‌آید. غِلْظَت این الکل آن قدر بالاست که باعث مسمومیّت می‌شود، نه مستی.

آب انگور جوشیده

م . آب انگور اگر جوش بیاید احکامی دارد که در جدول زیر می‌بینید:



توجه

در تمام موارد بالا اگر آب انگور پس از جوش آمدن، مست‌کننده باشد، بنابراحتیاط واجب نجس است و نوع جوش آمدن آن تأثیری ندارد.

نکته

به طور کلّی در خرید مواد غذایی لازم نیست تحقیق شود که در ساخت آن چه فرآیندی سپری شده است؛ لذا پرس‌وجو از به کار رفتن الکل در نوشیدنی‌های صنعتی از فروشندگان و تولیدکنندگان صنایع غذایی لازم نیست و فقط در صورت یقین به نجاست و حُرمت مواد غذایی پرهیز از آن واجب است.

۱. مُسکِر: مست‌کننده، آنچه سبب مستی شود.
۲. در ظرفی قرار گرفته و در اثر حرارت، به نقطه‌ی جوش برسد (مدتی در حال قُل زدن باشد).
۳. داخل ظرفی قرار گرفته و بی‌آنکه حرارت آتش به آن برسد، جوش بیاید.

توجه

انسان وقتی که با اشیای خارجی برخورد می‌کند:

۱. اگر می‌داند از اشیایی است که هم نوع پاک و هم نوع نجس دارد (مانند الکل)، ولی نمی‌داند از کدام قسم است: پاک است.

۲. اگر نمی‌داند از اشیایی است که هم نوع پاک و هم نوع نجس دارد (مانند الکل)، یا از غیر آن‌هاست: پاک است.

جوشیدن خرما، مویز و کشمش

م . اگر خرما، مویز و کشمش جوش بیاید، پاک است و خوردن آن‌ها حلال می‌باشد.





توجه

خوردن غذاهایی که به آن کشمش اضافه می‌کنند اشکالی ندارد؛ پختن یا سرخ کردن سایر مواد غذایی (مانند زرشک و آلبالو) همراه با برنج و یا به صورت جداگانه اشکالی ندارد.





فُقّاع

نجاست فقّاع

م . فقّاع که غالباً از جو گرفته می‌شود حرام و بنابر احتیاط واجب نجس است.



ماءالشعیر

م . آبی که برای خواص طبّی از جو می‌گیرند و به آن ماءُالشَّعیر می‌گویند، پاک است.

منع شراب‌خوار

چشم‌های «شُقْرانی»[1] نگران و منتظر شخص آشنا و به دنبال وسیله‌ای می‌گشت تا سهمی از بیت‌المال برای خود بگیرد. در این میان امام صادق علیه‌السلام را دید. جلو رفت و حاجت خویش را گفت. امام رفت و طولی نکشید که سهمی برای شُقرانی گرفته و با خود آورد. همین‌که آن را به دست شُقرانی داد، با لحنی ملاطفت‌آمیز این جمله را به وی گفت: «کار خوب از هرکس خوب است، ولی از تو به واسطه‌ی اِنتسابی که به ما داری و تو را وابسته به خاندان رسالت می‌دانند، خوب‌تر و زیباتر است و کار بد از هرکس بد است، ولی از تو به سبب همین اِنتساب زشت‌تر و قبیح‌تر است». امام صادق علیه‌السلام این جمله را فرمود و گذشت.

شقرانی با شنیدن این جمله دریافت که امام از راز او، یعنی شراب‌خواری، آگاه است و از این‌که با علم به شراب‌خواری وی، به او محبّت کرد و در ضمن این محبت، او را متوجّه عیبش نمود، نزد وجدانش بسیار شرمسار گشت و خود را ملامت نمود.[2]

۱. شقرانی را به لحاظ این که یکی از اجدادش برده بوده و رسول خدا او را آزاد کرده بود. و به طور طبیعی شقرانی هم آزادی را از او به ارث می‌برد. «مولی رسول‌الله» می‌گفتند؛ یعنی آزاد شده‌ی رسول خدا، و این به نوبه‌ی خود افتخار و انتسابی برای شقرانی محسوب می‌شد و از این نظر خود را وابسته‌ی به خاندان رسالت می‌دانست.

۲. الأنوار البهیة، محدث قمی، ص ۷۶؛ به نقل از ربیع الأبرار زمخشری ص۹۱.

کافر

تعریف کافر

م .کسی که توحید یا نبوّت یا یکی از ضروریّات دین اسلام، مانند نماز و روزه را انکار کند، یا معتقد به نقصی در رسالت رسول اکرم ﷺ باشد، کافر است و انکار هر یک از ضروریّات دین در صورتی باعث کفر می‌شود که به انکار رسالت یا تکذیب پیامبر اکرم ﷺ یا وارد دانستن نقصی به شریعت، منجر شود.

نکته

«کافر» در لغت یعنی پوشاننده، و از آن جاکه این شخص حق و حقیقت را در لابه‌لای پرده‌های جهل و انکار و خرافات می‌پوشاند، به وی «کافر» می‌گویند.

نجاست کافر

م .کافر نجس است.

اهل کتاب

م . نجاست ذاتی اهل کتاب معلوم نیست و محکوم به طهارت ذاتی هستند.

تعریف اهل کتاب

م . مقصود از اهل کتاب هر کسی است که اعتقاد به یکی از ادیان الهی داشته و خود را از پیروان پیامبری از پیامبران الهی علیهم‌السلام بداند و به یکی از کتاب‌های الهی که بر انبیاء علیهم‌السلام نازل شده، معتقد باشد مانند یهود، نصاری، زرتشتی‌ها؛ معاشرت با پیروان این ادیان با رعایت ضوابط و اخلاق اسلامی اشکال ندارد.

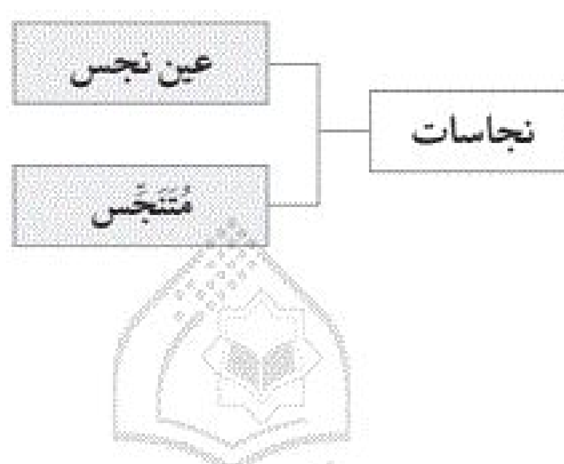
احکام نجاسات

طهارت و نجاست چیزها

م . بر اساس فقه اسلام، همه چیز در عالم پاک است؛ به جز دو مورد:

۱. چیزهایی که خود آن‌ها نجس هستند (عین نجاست)؛ مانند: خون، ادرار و شراب.

۲. چیزهایی که توسط یکی از نجس‌ها آلوده به نجاست می‌شوند (مُتَنَجِّس)؛ مانند: ظرف آبی که قطره‌ای خون در آن ریخته یا لباس مرطوبی که با شیء نجس برخورد کرده باشد.



عامل نجس شدن

ملاقات (برخورد)

م . یکی از راه‌های نجس شدن اشیا این است که با چیز دیگری که نجس است، برخورد کنند؛ به گونه‌ای که هر دوی آنها به طوری رطوبت داشته باشند که رطوبت یکی به دیگری سرایت کند.

قانون کلی

اگر چیز پاکی، به چیز نجس برسد و انسان شک کند که هر دو یا یکی از آن‌ها تر بوده یا نه، آن چیز پاک، نجس نمی‌شود.

نکته

۱. کثیفی با نجاست فرق می‌کند و انسان می‌تواند در صورت آلوده شدن لباس، برای رفع آلودگی، آن را شست و شو دهد.

۲. تا وقتی انسان یقین نکند که آب زباله بر اثر تماس با نجاست، نجس شده، لازم نیست لباس خود را آب بکشد.

احکام مُتَنَجِّس

م . مُتَنَجِّس اوّل، اگر باز با چیزی که پاک است تماس پیدا کند و یکی از آن‌ها تر باشد، آن چیز پاک را نجس می‌کند و باز مُتَنَجِّس دوم (این چیزی که بر اثر برخورد با مُتَنَجِّس، نجس شده است)، اگر با چیز پاکی برخورد نماید، بنابر احتیاط واجب آن را نجس می‌کند، ولی این مُتَنَجِّس سوم، هیچ چیزی را با برخوردِ خود، نجس نمی‌کند.

ملاقات چیز پاک با نجس

م . هرگاه شیء نجس با چیز پاکی برخورد کند، ممکن است یکی از حالت‌های زیر را داشته باشد:

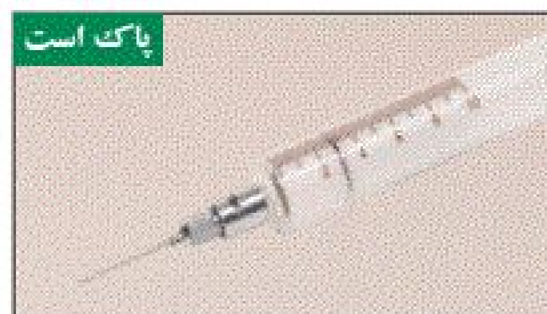
شیء پاک	چیزنجس	حکم
جامد بدون رطوبت	جامد بدون رطوبت	شیء پاک، نجس نمی‌شود.
مایع	مایع	شیء پاک، نجس می‌شود.
جامد بدون رطوبت		
جامد مرطوب	جامد بدون رطوبت	چنانچه رطوبت یکی به دیگری سرایت کند، شیء پاک نجس می‌شود.
جامد بدون رطوبت	جامد مرطوب	
جامد مرطوب		

برخورد با بدن میّت (قبل از غُسل)

م . اگر دست یا لباس انسان یا بدن میت، مرطوب باشد و با یکدیگر تماس داشته باشد و رطوبت یکی به دیگری سرایت کند، نجس می‌شود و باید محل تماس را تطهیر کند. اگر خشک باشد، بهتر (احتیاط مستحب) است محل تماس را بشوید.

اشیای فرو رفته در بدن

م . اگر چیزی وارد بدن شود و به نجاست برسد، ولی بعد از بیرون آمدن، آلوده به نجاست نباشد،پاک است.



آمپول خارج شده از بدن



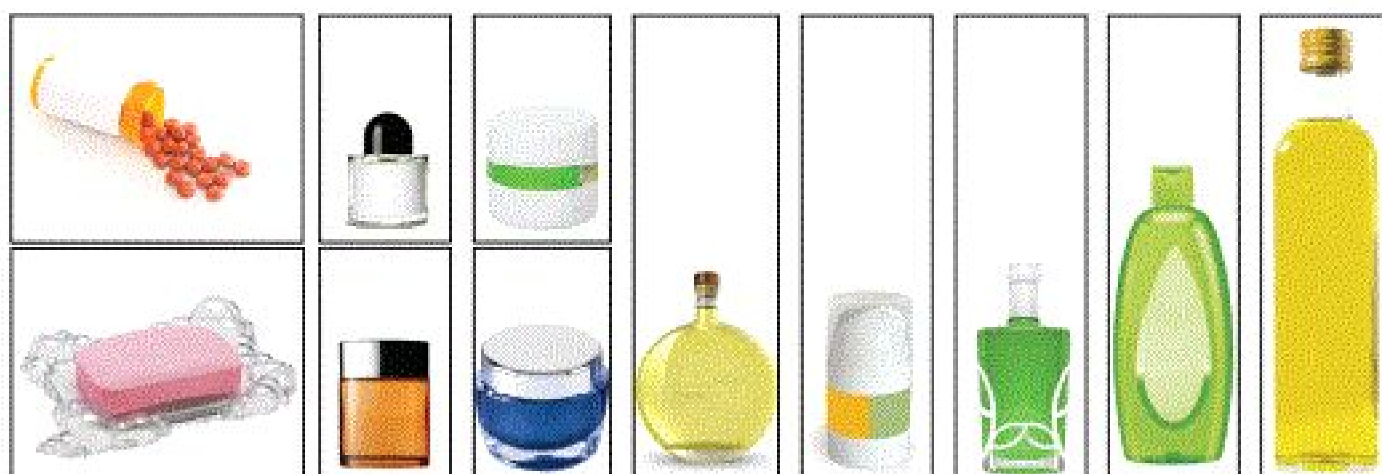
آمپول خارج شده از بدن

خونی شدن غذا در دهان

م . اگر غذا لای دندان مانده باشد و داخل دهان خون بیاید، آن غذا پاک است و اگر خون به غذا برسد بنابر احتیاط واجب نجس است.

عطرها و روغن‌های خارجی

م . عطر، روغن، صابون، واکس و داروهایی که از کشورهای غیر اسلامی وارد می‌شوند، اگر انسان یقین به نجاست آن‌ها نداشته باشد، پاک است.



شک در نجاست باطن اشیا

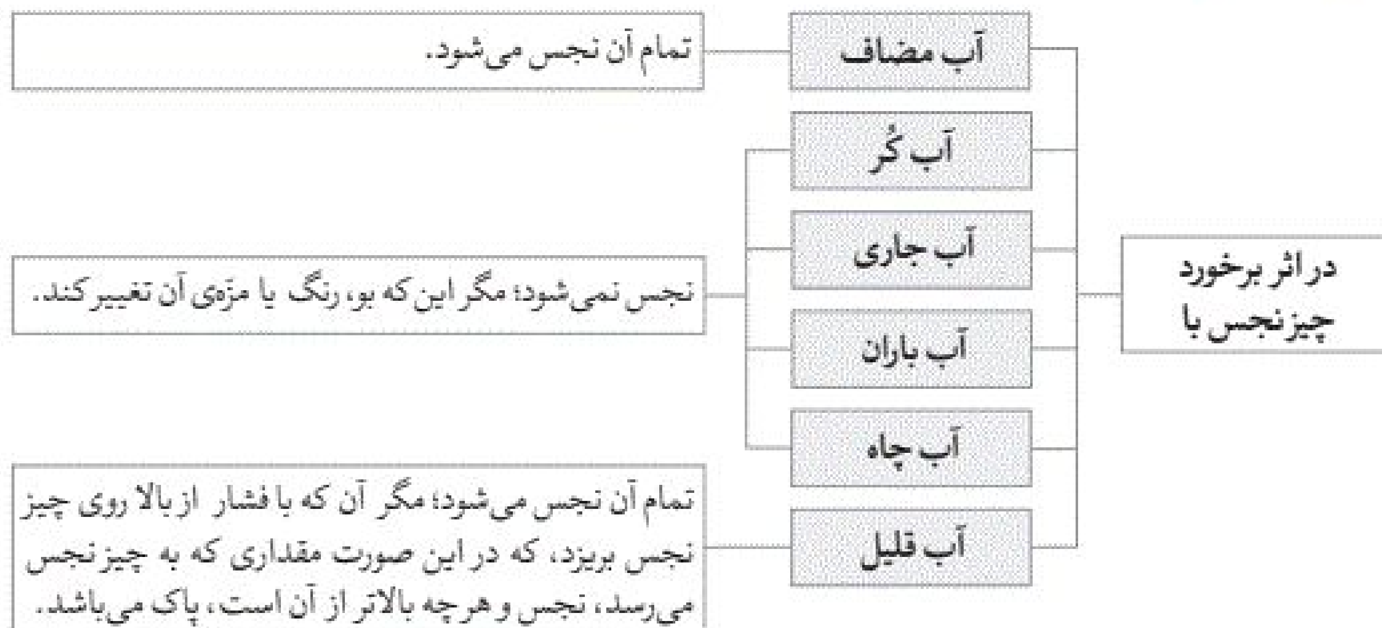
م . اگر انسان شک کند که آب نجس به باطن اشیا رسیده یا نه، باطن آن پاک است.

توجه



بعضی افراد در آب کشیدن چیز نجس افراط می‌کنند و بیش از اندازه آب مصرف می‌کنند؛ حتی اگر ظرف یا لباس، نجس هم نباشد باز روی آن آب می‌ریزند و طبق عادت، آن را چند بار آب می‌کشند؛ درحالی که اسراف و زیاده‌روی در مصرف حرام است. در واقع این افراد به رأی و نظر خود عمل می‌کنند، نه بر طبق فتوای مرجع تقلید!

چگونگی نجس شدن آب‌ها



قانون کلی

آبی که قبلاً پاک بوده و معلوم نیست نجس شده یا نه، پاک است و آبی که نجس بوده و معلوم نیست پاک شده یا نه، نجس است.

تغییر رنگ، بو و مزه‌ی آبها

م . اگر آب کُر، جاری، باران و چاه، به واسطه‌ی نجاستی، رنگ، بو یا مزّه‌اش تغییر کند، نجس می‌شود.

توجه

اگر بو، رنگ و مزَه آب به واسطه‌ی غیر نجاست تغییر کند، نجس نمی‌شود.

از بین رفتن رنگ و بوی نجاست با مواد شیمیایی

س . اگر رنگ و بو و طعم آب کُری که نجس شده است، به واسطه‌ی افزودن یک ماده شیمیایی به آب کُر از بین برود، آیا پاک می‌شود؟

پاک نمی‌شود.

نجس کردن اماکن و اشیای محترم

نجس کردن مساجد

م . نجس کردن زمین، سقف، بام و دیوار مسجد حرام است.

توجه

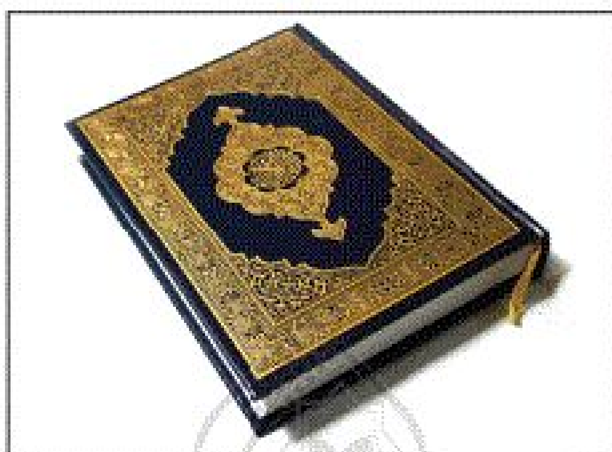
هرکس بفهمد مسجد نجس شده، وظیفه دارد فوراً نجاست را برطرف کند و تأخیر در تطهیر مسجد حرام است.

نجس کردن حرم اهل‌بیت علیهم‌السلام

م . اگر حرم پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وآله و امامان علیهم‌السلام نجس شود، چنانچه نجس ماندن آن بی‌احترامی باشد، تطهیر آن واجب است؛ بلکه بنابر احتیاط واجب اگر بی‌احترامی هم نباشد، باید آن را تطهیر کنند.

تطهیر جلد قرآن

م . نجس کردن خط و ورق قرآن حرام است و اگر نجس شود، باید فوراً آن را آب بکشند. همچنین اگر جلد قرآن نجس شود [در صورتی که بی احترامی به قرآن باشد] باید آن را آب بکشند.



نکته

نجس کردن هر چیزی که شرعاً احترامش واجب است، مانند قرآن، کتب ادعیه و روایات، تربت سیّدالشهدا، مسجد و حرم اهل بیت علیهم‌السلام حرام است.

استفاده از اشیای نجس

نجس شدن یکی از دو ظرف یا لباس

م . اگر انسان بداند که یکی از دو ظرف یا دو لباسی که از هر دوی آن‌ها استفاده می‌کند، نجس شده و نداند کدام است، باید از هر دو اجتناب کند.

نماز و طواف با بدن یا لباس نجس

م . از جمله واجبات نماز و طواف این است که لباس و بدن پاک باشد.

اگر کسی عَمْداً با لباس یا بدن نجس نماز بخواند، نمازش باطل است.[مگر مواردی که استثنا شده است.]

خوردن و آشامیدن چیز نجس

م . خوردن و آشامیدن چیز نجس حرام است.

آگاه نمودن دیگران از نجاست اشیا

آگاه کردن از خوردنی نجس

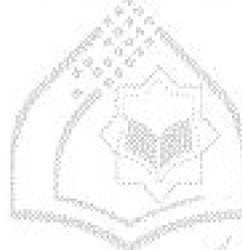
م . اگر انسان ببیند کسی بدون اطلاع چیز نجسی را می‌خورد، لازم نیست به او بگوید.

توجه

هرگاه میهمان یکی از اثاث‌های میزبانش را نجس کند، اطلاع دادن به میزبان در غیر از خوردنی و آشامیدنی و ظرف‌های غذا لازم نیست.

آگاه نمودن میهمان از نجاست غذا

م . اگر صاحب‌خانه در بین غذا خوردن بفهمد که غذا نجس است (مانند دیدن فضله‌ی موش در غذا) باید به میهمانان بگوید.



اثبات نجاست

راه‌های ثابت شدن نجاست	انسان به نجاست چیزی یقین کند.
	کسی که چیزی در اختیار اوست (مانند صاحب خانه، فروشنده و خدمت‌کار)، خبر دهد که آن چیز نجس است.
	دو نفر عادل گواهی دهند که چیزی نجس شده است.

شک در پاک یا نجس شدن

م . اگر چیزی پاک باشد، با گمان به نجاست، نجس نمی‌شود و محکوم به طهارت است.

توجه

هنگامی که به نجاست چیزی شک داریم، جست و جو و تحقیق برای علم پیدا کردن به نجاست آن لازم نیست (هرچند که اگر تحقیق کنیم، به طهارت یا نجاست آن علم پیدا می‌کنیم) و در هنگام شک، بنا بر طهارت گذارده می‌شود؛ مگر آن‌که قبلاً سابقه‌ی نجاست داشته باشد. بنابراین اگر در جای تاریکی، از زخم یا دُمل کسی رطوبتی بیرون آید که نمی‌داند خون است یا چیز دیگر، پاک است و تحقیق لازم نیست؛ مگر در صورتی که حکم شرعی چیزی را نداند؛ برای مثال: نداند عَرَق جُنُب از حرام[1] نجس است یا خیر، که در این صورت تحقیق لازم است.

۱. عرق جنب از حرام: عرقی که پس از آمیزش نامشروع یا استمنا از بدن خارج میگردد. [پاک است ولی احتیاط واجب این است که با این عرق نماز خوانده نشود.]

- منظور از «نجاست» در احکام شرعی، غیر از کثیفی است.
- ادرار و مدفوع حیوانات حلال گوشت پاک است.
- مَنی انسان و هر حیوانی که خون جهنده دارد، نجس است. البته این حکم در حیوان حلال گوش مبنی بر احتیاط است.
- مَنی حیوانی که معلوم نیست خون جهنده دارد یا نه، پاک است.
- پوست‌های مختصر لب و جاهای دیگر بدن ـ که به آسانی کنده می‌شود و در حال افتادن است ـ پاک است.
- خون انسان و هر حیوان دارای خون جهنده نجس است.
- خونی که پس از ذبح حیوان در بدن او می‌ماند، پاک است.
- سگ و خوکی که در خشکی زندگی می‌کنند، نجس هستند.
- الکل صنعتی از مایع مست کننده تهیه نمی‌شود؛ بلکه از گازهای اتیل و استیل به دست می‌آید.
- ماء الشعیر پاک است.
- به کسی که خداوند یا توحید یا نبوّت و یا یکی از ضروریّات دین اسلام، مانند نماز و روزه را انکار کند، کافر می‌گویند.
- تمام اشیا محکوم به طهارتند؛ مگر چیزهایی که به نجاستشان حکم شده است.
- اگر چیز پاکی به چیز نجس برسد و شک کند که هر دو یا یکی از آن‌ها تَر بوده یا نه، آن چیزِ پاک، نجس نمی‌شود.
- عطرها و روغن‌ها و داروهایی که از کشورهای غیر اسلامی وارد می‌شوند، اگر انسان یقین به نجاست آن‌ها نداشته باشد، پاک است.
- نجس کردن خط و ورق قرآن حرام است و اگر نجس شود، باید فوراً آن را آب بکشند.
- خوردن و آشامیدن چیز نجس حرام است.
- در صورتی که عُرف، آبی را مطلق بداند، حکم آب مطلق را دارد.
- «کُر» مقدار آبی است که اگر در ظرفی که درازا و پهنا و گودی آن هر یک، سه وجب و نیم است بریزند، آن ظرف را پُر کند.
- آب قلیل، آبی است که از زمین نجوشد و از کر کمتر باشد.
- آب مضاف چیز نجس را پاک نمی‌کند.
- هر چیز نجسی تا عین نجاست را از آن برطرف نکنند، پاک نمی‌شود.
- پاک کردن خون با پنبه موجب تطهیر بدن نمی‌شود.
- فرش و لباس در صورتی که نجس شوند، آفتاب نمی‌تواند آن‌ها را تطهیر کند.
- اگر چیزی طوری تغییر کند که جنس دیگری شود و نام دیگری بگیرد، می‌گویند «استحاله» شده است و استحاله چیز نجس را پاک می‌کند.
- انتقال (با شرایط مذکور) باعث می‌شود که خون نجس، پاک گردد.
- تبعیت یعنی چیز نجسی به واسطه‌ی پاک شدن چیز نجس دیگر پاک شود.
- کسی که چیزی را آب می‌کشد، بعد از پاک شدن آن چیز، دست او هم که با آن شسته شده پاک می‌شود.
- باطن بدن انسان، مثل داخل دهان و بینی، با برطرف شدن عین نجاست پاک می‌شود.
- در حال ادرار یا مدفوع نباید طرف جلو بدن (مثل شکم، سینه و زانوها) رو یا پشت به قبله باشد.
- مَخرج ادرار با غیر آب پاک نمی‌شود.

وضو



معنا و اهمیّت وُضو

معنای وضو

«وضو» در لغت به معنای نظافت و پاکیزگی و در اصطلاح عبارت است از شستن صورت و دست‌ها و مسح سر و پاها با شرایط و کیفیّت خاص. این عمل را از آن جهت که موجب پاکیزگی جسم و جان می‌شود «وضو» نامیده‌اند.



اهمیّت وضو

وضو یکی از مقدمه‌های واجب برای عبادت در پیشگاه خداوند مهربان است و شرط صحیح بودن نماز به شمار می‌رود؛ از این رو نمازگزار باید قبل از نماز وضو بگیرد و خود را برای انجام این عبادت بزرگ آماده کند؛ در برخی موارد نیز باید «غسل» کند؛ یعنی تمام بدن را بشوید، و هرگاه نتواند وضو بگیرد یا غسل کند، باید به جای آن، عملِ دیگری را به نام «تیمّم» انجام دهد.

با انجام تکالیف الهی علاوه بر این‌که رضایت خدای متعال جلب می‌شود، انسان مؤمن از آثار و برکاتی که عبادات برای جسم و روح او دارد، بهره‌مند خواهد شد. برای مثال: کسی که هر روز چند بار برای نماز وضو می‌گیرد، علاوه بر زدودن آلودگی از دست و صورت، به بدن نیز آرامش می‌دهد و خستگی و کسالت ناشی از کار روزانه و سستی خواب را از بین می‌برد، به چهره‌ی خود نشاط و روشنایی می‌بخشد و خود را آماده‌ی برطرف سازی آلودگی‌های روحی می‌کند؛ زیرا کسی که نماز را با توجه و حضور قلب می‌خواند، دارای چهره‌ای تابناک و رفتاری آرام و با وقار است.

در زمینه اهمیّت و آثار وضو نتایج زیادی از منابع اسلامی به دست می‌آید که برخی از آنها عبارتند از:

۱. وضو موجب طهارت بنده و زمینه‌ساز مناجات با خداست.

۲. وضو سبب نظافت ظاهری، رفع کسالت و پاکیزگی قلب است.

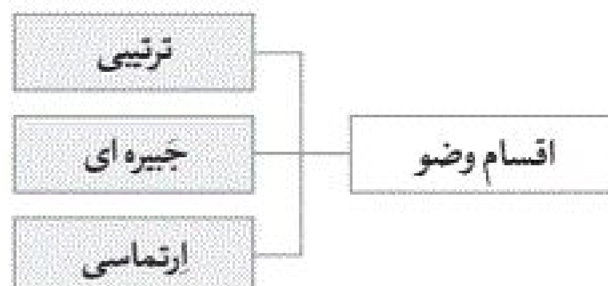
۳. با وضو گناهان همچون برگِ درختان پاییزی فرو می‌ریزد.

۴. وضو جزء ایمان است.

۵. وضو مانع نفوذ شیطان است.

اقسام وضو

م . وضو دارای اقسامی است که هر کدام احکام و شرایط ویژه‌ای دارد:



وضوی ترتیبی

م . به این صورت است که به نیّت وضو، صورت و دست‌ها شسته می‌شود و سپس مسح سر و پاها با رطوبت به جا مانده بر دست انجام می‌گیرد.

وضوی جَبیرِه‌ای

م . اگر روی زخمی که در اعضای وضو وجود دارد بسته است، جاهایی را که می‌توان شُست باید به طور معمول بشوید و روی زخمِ بسته شده، به جای شستن، دستِ تَر بکشد. به این وضو «وضوی جبیره‌ای» می‌گویند.



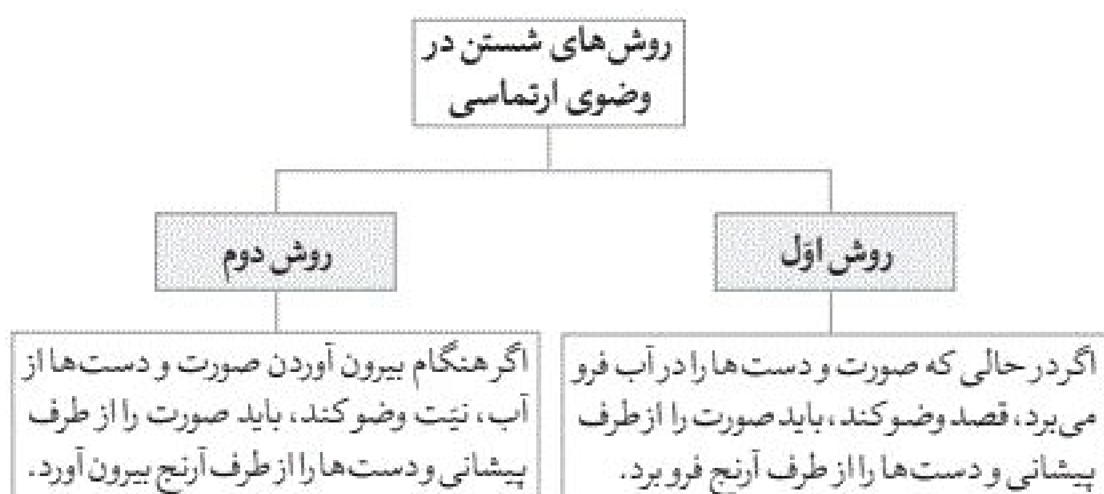
توجه

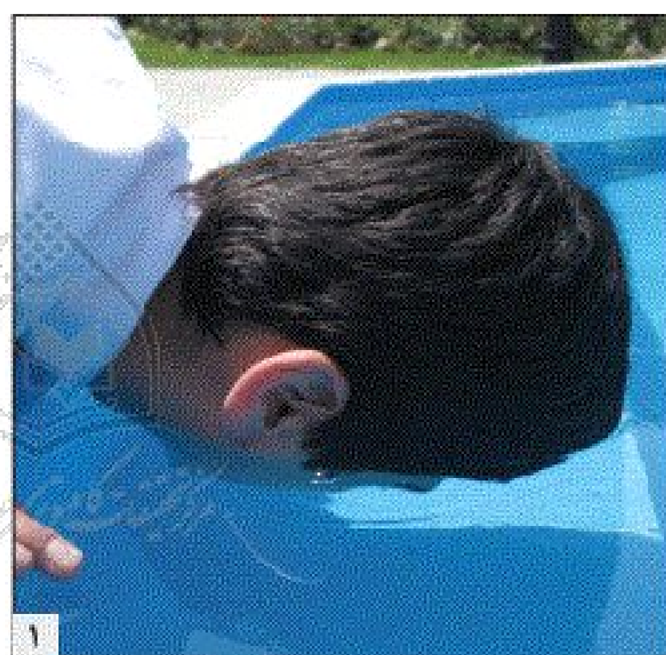
جبیره به چیزی می‌گویند که با آن زخم را می‌پوشانند یا شکستگی را می‌بندند؛ و همچنین دارویی که روی زخم و مانند آن می‌گذارند یا پارچه و چسبی که روی آن می‌بندند.

وضوی اِرتِماسی

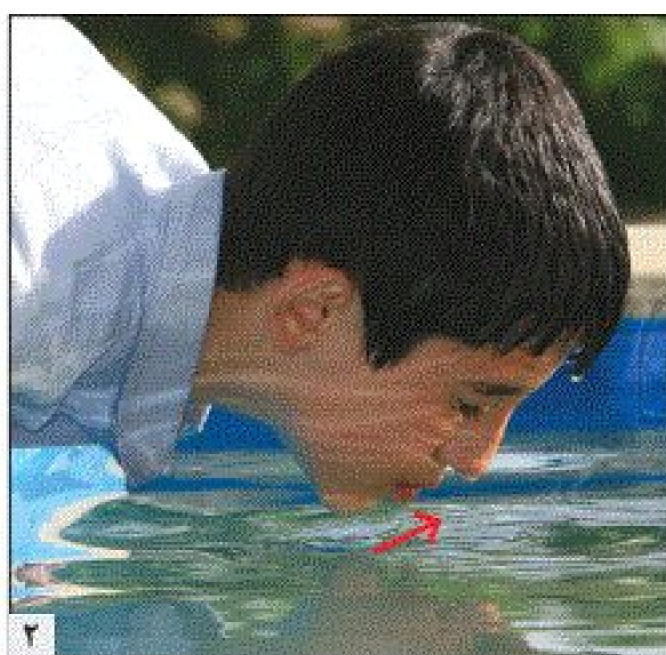
م . به این صورت است که انسان صورت و دست‌ها را به قصد وضو از بالا به پایین در آب فرو ببرد، یا ابتدا آنها را در آب فرو ببرد و سپس به قصد وضو از بالا به پایین از آب بیرون آورد و بعد از آن به ترتیب، سر و روی پاها را (با همان خیسیِ دست) مسح کند.

م . صورت و دست‌ها در وضوی ارتماسی (مانند وضوی ترتیبی) باید از بالا به پایین شسته شود؛ بنابراین:

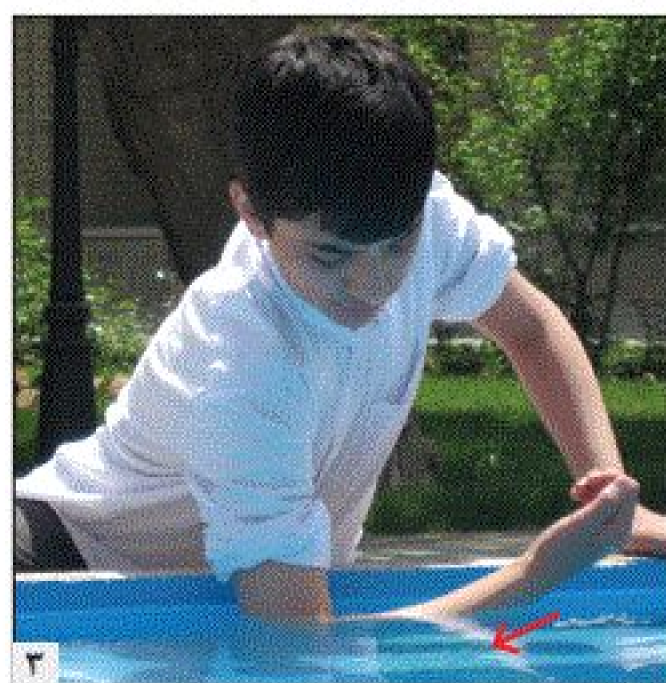




صورت را از بالا به پایین (از طرف پیشانی) وارد آب می‌کنیم.



خارج کردن کامل صورت از آب (از بالا به پایین)



فرو بردن دست در آب از بالای آرنج



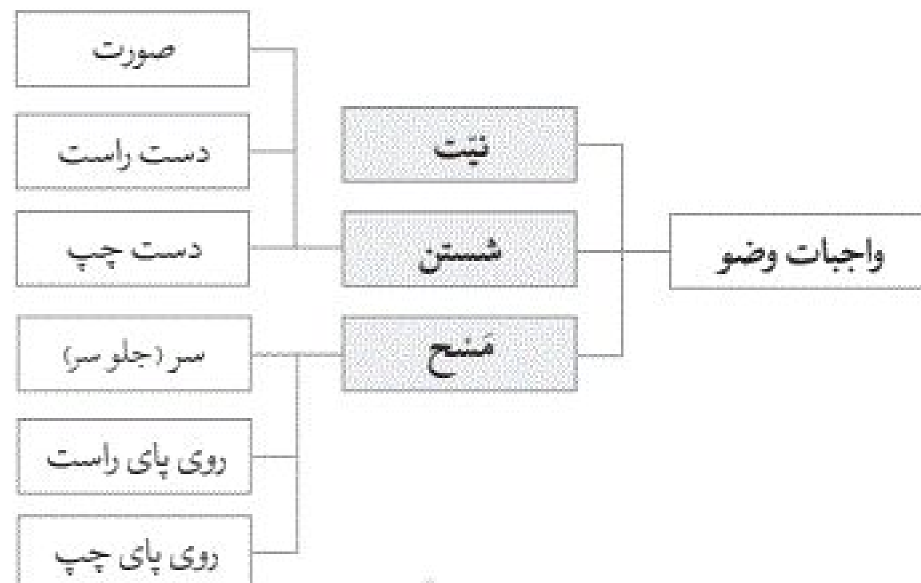
خارج کردن دست از آرنج تا انگشت ها

۵ و بعد از آن به ترتیب، سر و روی پاها را (با همان خیسی دست) مسح کند.

وضوی ترتیبی

چگونگی وضو و واجبات آن

م . در وضو، شستن صورت و دست‌ها و نیز مسح جلو سر و روی پاها واجب است و کیفیّت آن به ترتیب زیر است:



نیّت

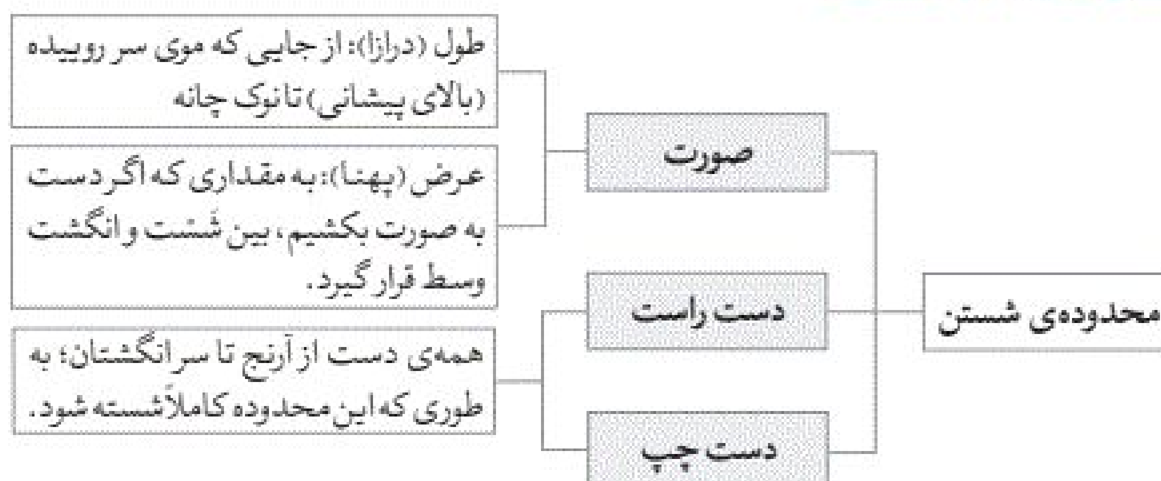
چگونگی نیّت

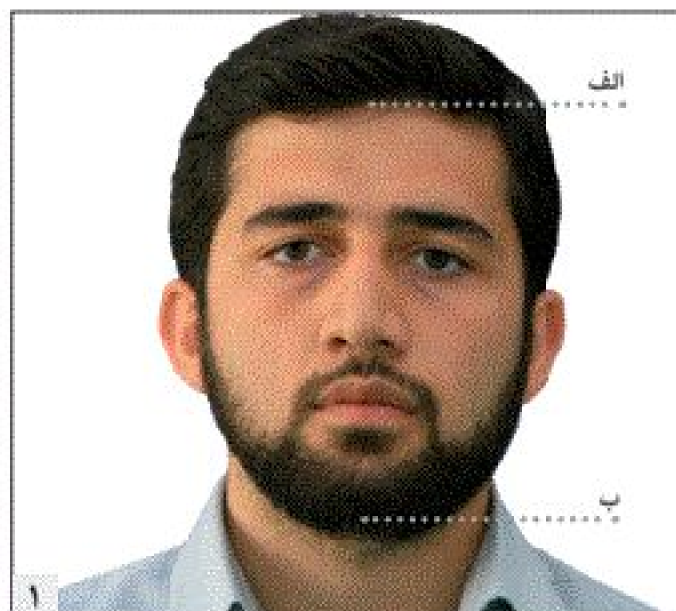
م . اوّلین چیز واجب در وضو، «نیّت» است؛ شخصی که می‌خواهد وضو بگیرد باید به قصد قربت (نزدیک شدن به خداوند و کسب رضایت او) و به این انگیزه که وضو دستور و فرمان خداست، آن را به جا آورد و نباید خدای ناکرده برای ریا (خودنمایی) و جلب توجه دیگران وضو بگیرد.

نکته

لازم نیست نیّت وضو را بر زبان جاری کند، یا از قلب بگذراند؛ بلکه تنها باید توجّه داشته باشد که وضو می‌گیرد و همین اندازه کافی است که اگر از او بپرسند: چه می‌کنی؟، بگوید: وضو می‌گیرم.

شستن صورت و دست‌ها

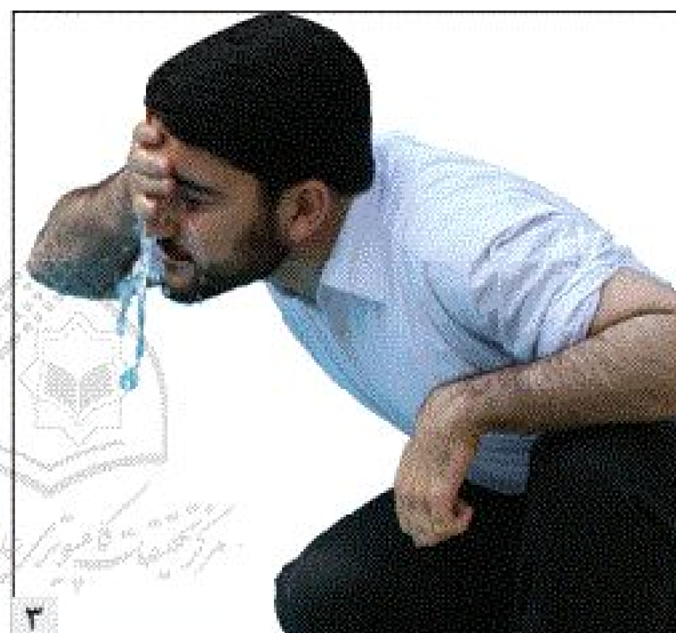




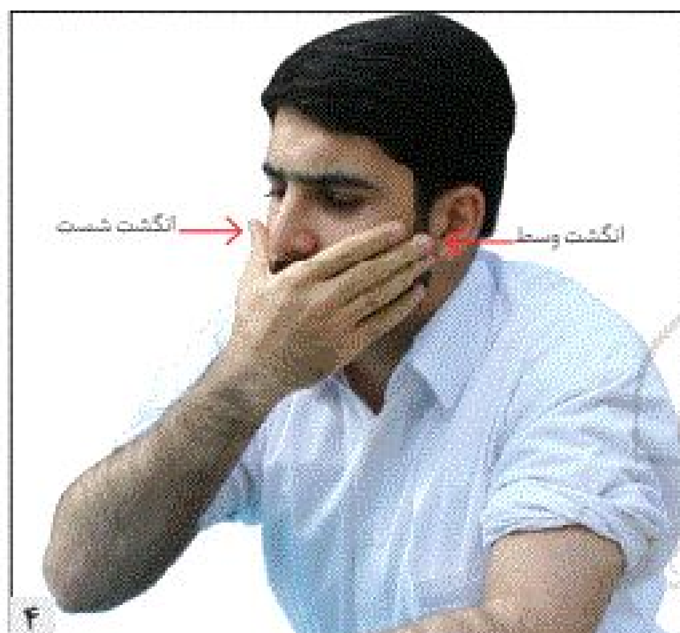
(الف) ابتدای محدوده‌ی شستن، (ب) انتهای محدوده‌ی شستن



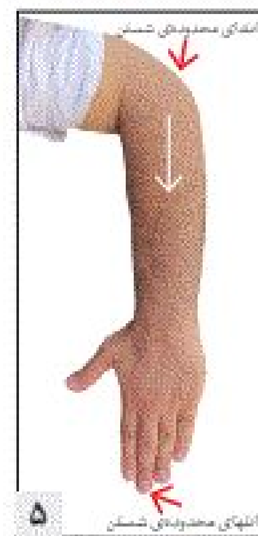
انتهای محدوده شستن صورت از جانب راست و چپ



در وضو، شستن صورت از جایی که موی سر روییده (رستن گاه) تا چانه و از بالا به پایین واجب است.



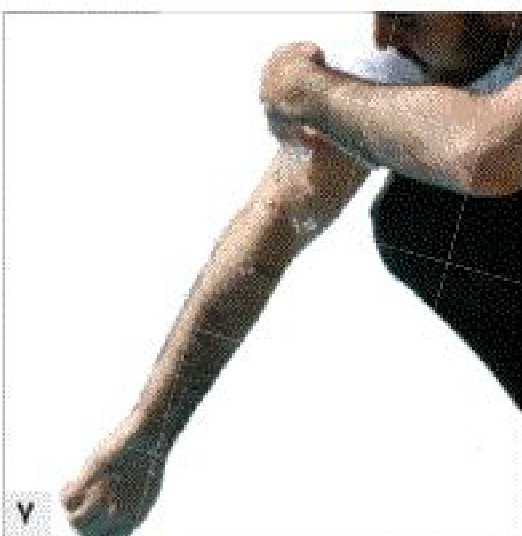
در وضو باید صورت از پهنا به مقداری که بین انگشت شست و وسط قرار می‌گیرد شسته شود؛ البته شستن زیر گلو لازم نیست.



محدوده و جهت شستن



شستن دست‌ها از نوک انگشتان تا مچ، در اوّل وضو، جزو وضو محسوب نمی‌شود؛ از این رو هنگام شستن دست راست و چپ باید آنها را از آرنج تا سر انگشتان شست.



همه‌ی دست باید از آرنج تا سر انگشتان و از بالا به پایین شسته شود و برای این که یقین کنند آرنج شسته شده، لازم است مقداری از بالای آرنج نیز شسته شود.

دفعات شستن

م . دفعات شستن صورت و دست‌ها در وضو طبق جدول زیر می‌باشد:



توجه

ملاک برای تعیین یک بار شستن، قصد انسان است. برای مثال اگر به قصد شستن مرتبه‌ی اوّل، چند مرتبه آب بریزد، اشکال ندارد و همه‌ی آنها شستنِ اوّل محسوب می‌شود. (البته نباید به اسراف بیانجامد).

وضوی زن و مرد

م . وضوی زن و مرد در کیفیّت و مقدار واجب آن فرقی ندارد و تنها تفاوت وضوی زن و مرد در شستن دست‌هاست؛ به این صورت که برای مرد مستحب است در شستنِ اوّل، آب را به پشت آرنج بریزد؛ ولی برای زن مستحب است آب را به داخل آرنج بریزد.

شستن دست‌ها

م . گاهی پیش از شستن صورت، دست‌ها را تا مچ می‌شویند؛ ولی این برای وضو کافی نیست و باید پس از شستن صورت، تمام دست راست و چپ را تا سر انگشتان شست‌وشو دهند و اگر فقط تا مچ را بشویند، وضو باطل است. در هنگام شستن دست‌ها باید بین انگشتان نیز شسته شود.

نکته

سه مرتبه شستن صورت و دست‌ها به قصد وضو حرام است؛ ولی وضو را باطل نمی‌کند؛ مگر این‌که دست چپ را سه مرتبه بشوید که در این صورت مسح اشکال پیدا می‌کند؛ زیرا مسح با آب خارجی (زاید) صورت می‌گیرد و در نتیجه وضو باطل می‌شود.

جهتِ شستن صورت و دست‌ها

م . در وضو باید صورت و دست‌ها از بالا به پایین شسته شود. اگر عَمْداً از پایین به بالا بشوید، وضوی او باطل است.

توجه

دست‌ها را باید از بالا به پایین بشویند؛ خواه اوّل قسمت بالای دست و سپس پایین آن را بشویند، یا این‌که ابتدا یک طرف دست را از بالا تا سر انگشتان و سپس طرف دیگر را از بالا تا سر انگشتان بشویند که عُرفاً بگویند: از بالا به پایین شسته است.

مسح موی سر

م . اگر موهای جلو سر به قدری زیاد است که به وسط صورت یا قسمت‌های دیگر سر می‌ریزد، مسح قسمت پایین موهای جلو سر (بُنِ موها) که نزدیک پوست سر است، کافی است.



کسانی که موهای جلوی سرشان بلندتر از معمول است باید فرق سر را باز کرده و مسح را در این محدوده انجام دهند.

توجه

مسح بر روی کلاه و کلاه گیس صحیح نیست.

شستن داخل بینی، لب و چشم

م . شستن داخل بینی و مقداری از لب و چشم که هنگام بستن دیده نمی‌شوند، واجب نیست؛ ولی برای آن که یقین کند از جاهایی که باید شسته شود چیزی باقی نمانده، واجب است مقداری از آنها را هم بشوید.



شستن موهای صورت و دست

م . اگر پوست صورت از لای ریش یا ابرو پیدا باشد. یعنی موها به قدری کم پشت باشد که پوست صورت دیده شود. باید آب وضو را به پوست برساند؛ ولی اگر پوست صورت پیدا نباشد، شستن مو کافی است و رساندن آب به زیر آن لازم نیست.



هنگام وضو شستن قسمت‌هایی از پوست صورت که از لای موها دیده می‌شود لازم است.



در قسمتی‌هایی که پوست صورت از لای موها دیده نمی‌شود شستن روی موها کافی است.

نکته

شکاف‌ها و ترک‌هایی که گاهی در دست‌ها به وجود می‌آید، اگر به گونه‌ای باشد که داخل آن دیده شود، شستن آن لازم است؛ وگرنه رساندن آب به آن لازم نیست.

مانع در اعضای وضو

وجود مانع در اعضا

م . اگر انسان احتمال دهد چیزی که مانع رسیدن آب است .مانند چسب .در ابرو، گوشه چشم و لب، روی ناخن یا دیگر اعضای وضو نمی‌گذارد آب وضو به آنها برسد، در صورتی که احتمال او در نظر مردم به جا باشد .مثل آن که بعد از گچ‌کاری احتمال دهد گچ به دست چسبیده .باید قبل از وضو وارسی کند تا اگر مانعی هست، آن را برطرف سازد.

توجه

رنگ مو، رنگ پوست میوه و رنگ خودکار اگر جرم ندارد یا جرم خیلی ضعیفی دارد که مانع از رسیدن آب به پوست نمی‌شود، برای وضو اشکال ندارد و مانع محسوب نمی‌شود.



رنگ حنا که مانع رسیدن آب به پوست نیست. رنگ خودکار که مانع رسیدن آب به پوست نیست. رنگی که مانع رسیدن آب به پوست است.

چرک زیر ناخن

س . اگر چرکی زیر ناخن باشد که مانع رسیدن آب می‌شود، آیا وضو صحیح است؟
اگر چرک ظاهر (مانع از رسیدن آب به پوست) نباشد، وضو صحیح است.

توجه

اگر زیر ناخن چرک (مانع) باشد، وضو اشکال ندارد؛ ولی وقتی که ناخن را می‌گیرند، باید برای وضو آن چرک را برطرف کنند (تا آب به پوست برسد).
همچنین اگر ناخن بیش از معمول بلند باشد، باید چرک زیر آن مقدار از ناخن را که از اندازه‌ی معمول بلندتر است (چنان‌چه آن چرک، مانع از رسیدن آب وضو به ناخن است) برطرف نمایند.

نکته

کوتاه کردن ناخن مستحب است؛ چون زیر آن چرک جمع می‌شود و موجب بیماری است.

وضو با انگشتر، النگو و ساعت

س. آیا بدون درآوردن انگشتر یا النگو و ساعت از دست، می‌توان وضو گرفت؟
در صورتی که آب از بالا به پایین زیر آنها برود، اشکالی ندارد.





وضو با کِرِمْ

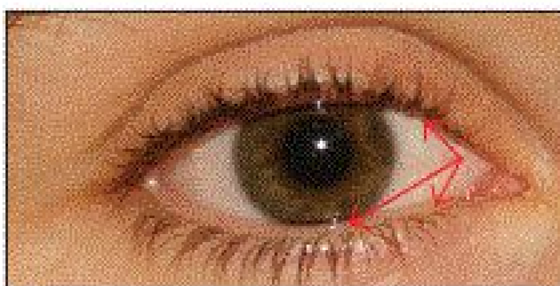
س. آیا کرم مالیدن به دست و صورت برای وضو اشکالی دارد؟
اگر مانع رسیدن آب به پوست نباشد، اشکال ندارد.

توجه

۱. اگر مقدار چربی و جرم کرم پوستی، نزدیک به چربی طبیعی پوست بدن باشد، برای وضو مانعی ندارد.
۲. اگر اعضای وضو چرب باشد، در صورتی که مقدار چربی کم بوده و مانع رسیدن آب به پوست نباشد، اشکالی ندارد و تشخیص این امر (مانع بودن یا نبودن) با نظر عُرف است.

وضو با مداد چشم، ریمل و پنکک

س. اثر مداد چشم، ریمل، پنکک، رژگونه، رُژلب، لاک ابرو، کرم سفید کننده، طرح روی ناخن و سایر مواد آرایشی که خانم‌ها در آرایش استفاده می‌کنند، هنگام وضو چه حکمی دارد؟
اگر جِرم داشته باشد، باید برطرف شود؛ ولی برطرف کردن مقداری که داخل چشم است، لازم نیست



جرم داشتن قسمت‌های داخل چشم مانع وضو نیست

نکته

باید به مژه هم آب برسد و اگر جرمی روی آن باشد، برای وضو برطرف شود؛ البته برای رسیدن آب به مژه‌ها در شرایط عادی دقت لازم نیست. زیرا آب به سرعت و به راحتی همه‌ی آن را فرا می‌گیرد.

وضو با چسب یا پانسمان روی چشم

رجوع کنید به صفحه‌ی[۱۴۶].

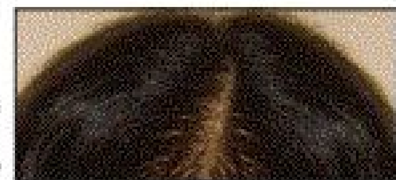
وضو با ژل یا روغن مو

س. مسح سر بر موهای روغن‌زده یا ژل‌زده چگونه است؟

اگر روغن به قدری زیاد نباشد که مانع از رسیدن آب وضو به روی موها یا بیخ آن و یا پوست سر باشد، اشکال ندارد. پس اگر روغن یا ژلِ مو به قدری است که در موقع مسح، آب به مو نمی‌رسد، وضو بر روی موها صحیح نیست و باید بر پوست یا بیخ موهای جلو سر مسح نمود؛ البته گاهی که موی سر به طور طبیعی چرب می‌شود، برخی خیال می‌کنند مانع از رسیدن رطوبت مسح است؛ در صورتی که این چربی مختصر برای مسح اشکالی ندارد و نباید بیش از حدّ دقت نشان داد که وسواس بیاورد.



نمونه‌ای از موی ژل زده که مانع مسح است.



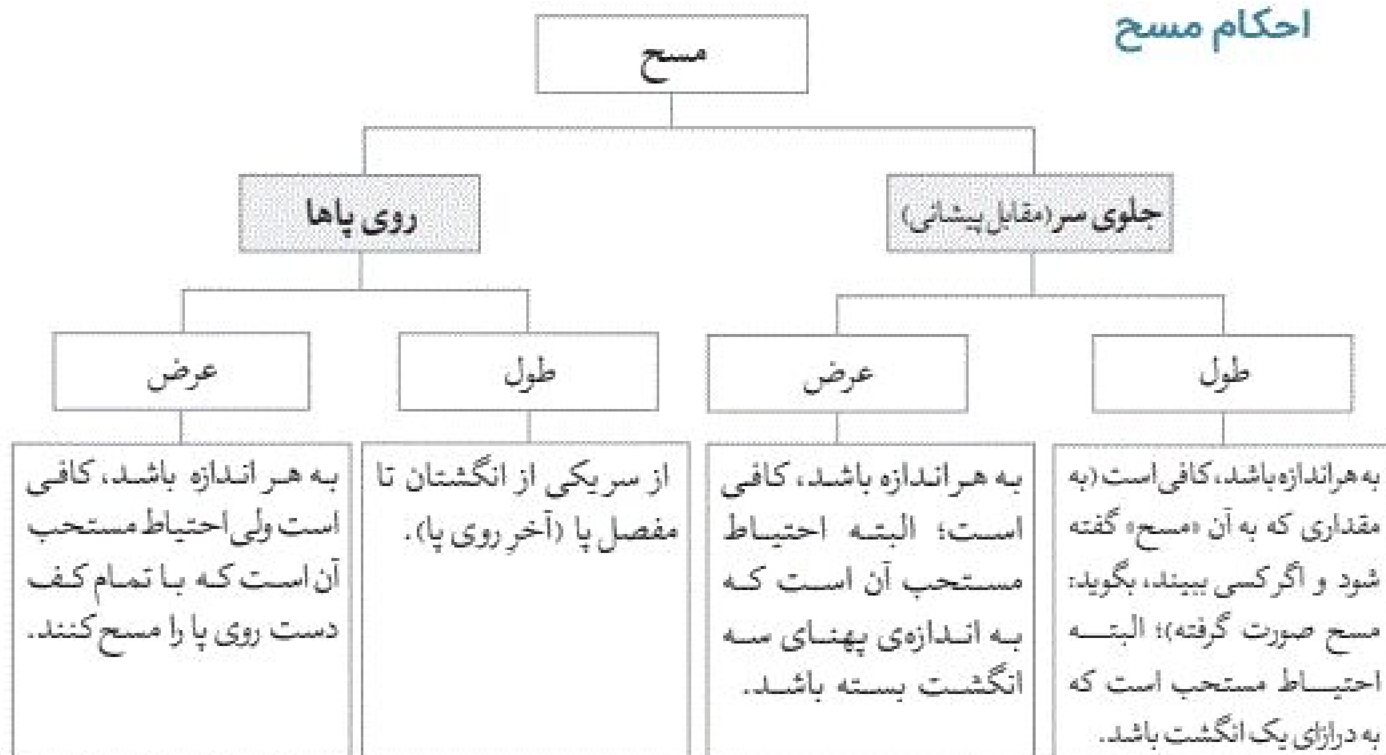
روغن یا ژل زیاد، مانع رسیدن آب مسح به مو بوده و برای وضو اشکال دارد. در این صورت باید انتهای موها یا پوست سر مسح شود، به شرطی که آن قسمت‌ها نیز آغشته به روغن نباشد.

وضو با خال‌کوبی و تاتو

م. خال‌کوبی و تاتو (تَتو) اگر تنها رنگ در زیر پوست است و مانع از رسیدن آب به ظاهر پوست نمی‌شود، برای وضو و غسل اشکالی ندارد؛ ولی اگر به صورت نقّاشی و موقّت است و روی پوست کشیده می‌شود باید برای وضو برطرف شود.

مسح

احکام مسح





ابتدای محدوده‌ی واجب مسح [از سر انگشت پا].



انتهای محدوده‌ی واجب مسح [مسح تا مَفْصَل پا].



مسح از سر هر یک از انگشتان صحیح است.





یک قسمت از چهار قسمت سر، که مقابل پیشانی است، جای مسح سر می‌باشد؛ یعنی اگر سر را، به چهار قسمت تقسیم کنیم، آن مقدار که مقابل پیشانی است و تقریباً یک چهارم سر می‌باشد، جای مسح است.

مسح با رطوبت اعضا

م . بعد از شستن هر دو دست، باید جلوی سر را با رطوبت آب وضو ـ که در دست مانده ـ مسح کند و پس از آن با همان رطوبت، روی پاها را مسح کند.

اگر رطوبتی در کف دست نمانده باشد، باید دست را با رطوبتی که در ریش و ابروست، مرطوب کند و مسح نماید.

مقدار رطوبت مسح

م . در مسح سر لازم نیست مسح بر پوست آن صورت بگیرد؛ بلکه اگر موی جلو سر مرطوب شود، صحیح است.

توجه

بعضی افراد گمان می‌کنند هنگام وضو گرفتن باید همه‌ی اعضای وضو خشک باشد یا بعد از وضو نمی‌توان اعضای وضو را شست؛ در حالی که تنها مواضع مسح (آن هم به اندازه‌ی مسح) در حین وضو باید خشک باشد و پس از وضو هم شستن اعضای وضو اشکالی ندارد.

خشک بودن جای مسح

م . جای مسح باید خشک باشد، ولی اگر تَر باشد و تَری آن به قدری کم باشد که بعد از مسح بگویند: از تَری کف دست است، اشکال ندارد؛ (یعنی به قدری تَر نباشد که رطوبتِ کف دست به جایی که مسح می‌شود اثر نکند، که در این صورت مسح باطل است).

نکته

در صورت برخورد آب مسح سر با صورت وضو صحیح است؛ ولی از آن‌جا که مسح پا باید با رطوبتی که از آب وضو در کف دو دست باقی مانده صورت بگیرد، باید هنگام مسح سر، دست به قسمت بالای پیشانی نرسد و با رطوبت صورت برخورد نکند (تا رطوبت دست با رطوبت صورت مخلوط نشود) و اگر در هنگام مسح سر، دست با پیشانی برخورد کرد، می‌تواند مسح پا را با قسمتی از کف دست که با آب صورت مخلوط نشده است، بکشد.



آبی که پس از شستن صورت و دست‌ها در دست باقی مانده و با آن مسح سر و پا انجام می‌شود، نباید قبل از پایان وضو (مسح سر و پاها) با آب صورت برخورد کند.

توجه

مسح موی مصنوعی

اگر موی کاشته شده، قابل برداشتن نبوده و یا ازاله‌ی آن مستلزم ضرر و مشقت باشد و با وجود موها قدرت بر رساندن رطوبت به پوست سر نباشد، مسح بر روی همین موها کافی است، و غسل نیز همین حکم را دارد.

بستن شیر آب هنگام وضو

م . مسح باید با آب اعضای وضو باشد. بنابراین اگر شخص هنگام شستن صورت و دست‌ها، به قصد وضو اقدام به باز و بسته کردن شیر آب کند، اشکال ندارد و به صحّت وضو لطمه‌ای نمی‌زند؛ ولی اگر پس از فراغت از شستن دست چپ و قبل از مسح با آن، دستش را روی شیر خیس بگذارد (به طوری که آب دست با آب خارج از وضو مخلوط شود) مسح اشکال دارد.

مسح بر مو

م . لازم نیست مسح سر بر پوست آن باشد؛ بلکه بر موی جلوی سر هم صحیح است و کسی که موی جلوی سرش به اندازه‌ای بلند است که اگر شانه شود، روی صورتش می‌ریزد یا به قسمت‌های دیگر سر (یکی از سه قسمت دیگر سر) می‌رسد، باید بُن (نزدیک به ریشه و پایین) موها را مسح کند یا فرق سر را باز و پوست سر را مسح کند. در این حالت، اگر موهایی را که بر صورت یا قسمت‌های دیگر سر می‌ریزد جلوی سر جمع کند یا به سمتِ جلوی سر شانه کند و بر آنها مسح نماید، یا بر موی قسمت‌های دیگر سر که جلوی سر قرار گرفته مسح کند، باطل است.(یعنی باید این شخص مجدداً مسح را به صورت صحیح انجام دهد).



مسح موی بلند

م . کسی که موهای جلوی سرش بلند است و آن را بالای سر جمع می‌کند،یا باید بُن موها را مسح کند یا فرق سر را باز کرده، پوستِ سر را مسح نماید.

مسح پای نجس

م . اگر تمام روی پا نجس باشد و نتواند برای مسح، آن را آب بکشد، باید تیمّم کند.

قانون کلی

نجس شدن اعضایی که شستن آنها تمام شده است، موجب بُطلان وضو نمی‌شود؛ بلکه اگر به قدر واجب مسح در کف دست رطوبتِ پاک باشد، می‌توان مسح را با همان قسمت انجام داد و اگر یک دست به طور کامل نجس شده، با دست دیگر می‌توان مسح را انجام داد. البته مسح سر، بنابر احتیاط واجب باید با دست راست انجام شود.

شرایط
شرایط وضو
شرایط آب وضو
شرایط ظرف وضو
شرایط زمان و مکان وضو
شرایط وضو گیرنده
مسائل اختصاصی

شرایط وضو



ترتیب

ترتیب در شستن و مسح

م . وضو باید به ترتیب زیر انجام شود:

۱. شستن صورت از بالای پیشانی تا سر چانه

۲. شستن دست راست از کمی بالای آرنج تا سر انگشتان

۳. شستن دست چپ از کمی بالای آرنج تا سر انگشتان

۴. مسح جلوی سر

۵. مسح روی پای راست

۶. مسح روی پای چپ.

توجه

وضو از دو بخش عُمده تشکیل می‌شود:

۱. شستن

۲. دست کشیدن (مَسح)

در شستن صرف غلبه‌ی آب بر محلّ کافی است و جاری شدن آب از محلّی به محلّ دیگر لازم نیست و همین که آب از نقطه‌ای به نقطه‌ی دیگر منتقل شود، حتی به کمک دست، کافی است و نیاز به آب ریختنِ زیاد نیست.

مسح در لغت به معنای مرور دادن و کشیدن است ـ مثل کشیدن دست بر سر یتیم ـ و در وضو یعنی کشیدن دستِ تَر بر جلوی سر و روی پا.

مُوالات

م . لازم است کارهای وضو به طور متعارف پی در پی انجام شود؛ بدین معنا که اگر میان آنها به قدری فاصله بیفتد که هنگام شستن یا مسح یک عضو، جاهای پیش از آن خشک شود، وضو باطل است.

نکته

راه رفتن در بین وضو اشکالی ندارد؛ برای مثال فردی که در حال وضو گرفتن است، می‌تواند پس از شستن صورت، چند قدم حرکت کند و سپس دست‌ها را بشوید؛ ولی نباید آن‌قدر زیاد حرکت کند که جاهای شسته قبلی خشک شود.

خوردن و آشامیدن در وضو

م . خوردن و آشامیدن در حال وضو اشکال ندارد؛ ولی بهتر است از کارهایی که حضور قلب را هنگام وضو از بین می‌برد، پرهیز شود.

استقلال

م . باید خود انسان شستن صورت و دست‌ها و مسح سر و پاها را انجام دهد و اگر دیگری او را وضو دهد یا در رساندن آب به صورت و دست‌ها و مسح به او کمک کند، وضو باطل است.

نایب گرفتن (کسی که خود نمی‌تواند وضو بگیرد)

م .کسی که باید نایب بگیرد، هر کدام از کارهای وضو را بتواند به تنهایی انجام دهد، نباید در آن از نایب کمک بگیرد؛ برای مثال: اگر وضعیّت او به گونه‌ای است که نمی‌تواند اعضای وضو را بشوید، ولی می‌تواند مسح سر و پا را خود انجام دهد، فقط باید برای شستن نایب بگیرد؛ نه مسح کردن.

توجه



آن‌چه موجب باطل شدن وضو می‌شود، وضو دادن توسط دیگری است؛ نه کمک در مقدمات آن؛ پس وقتی که دیگری آب بر دست و صورت ما بریزد و خودمان دست و صورت را بشوییم، اشکال ندارد؛ ولی اگر شخصی که آب را روی صورت و دست‌های ما می‌ریزد، به قسمت‌هایی که آب نرسیده آب برساند و با این کار قصد وضو دادن ما را داشته باشد، وضو باطل است.

شرایط آب وضو



طهارت

م . آب وضو باید پاک باشد (نجس نباشد).

مُباح بودن

م . آب وضو بایدمُباح باشد.

م . وضو با آب غَصَبی حرام است و اگر کسی با آبی که صاحب آن راضی نیست وضو بگیرد، وضویش باطل است.

توجه

مصرف آب (به اندازه‌ی معمول) و وضو گرفتن در مکان‌های عمومی . مثل حوض پارک‌ها و میدان‌ها و شیر آب کوچه و خیابان، موتور آب بین راه‌ها . و نیز در جایی که میهمان هستیم، به مقدار متعارف اشکالی ندارد و آب غصبی محسوب نمی‌شود، بلکه اجازه گرفتن نیز لازم نیست؛ ولی مصرف آب از شیر مخصوص مغازه‌ها که هزینه آن از کنتور آنها محاسبه می‌شود باید با اجازه صاحب مغازه باشد یا این‌که به نوعی رضایت او معلوم شود.

وضو با آبی که بهای آن پرداخت نشده

م . هر یک از مشترکان ساختمان‌های مسکونی و غیر مسکونی (تجاری، اداری و مانند آن)، از نظر شرعی، به مقداری که از امکانات مشترک استفاده می‌کنند، نسبت به هزینه‌ی خدمات و شارژ (از قبیل هزینه‌ی آب، تهویه، نگهبان، باغبانی و مانند آن) مدیونند و اگر پول آب را نپردازند، وضوی آنان باطل است.

مُطلق بودن

م . آب وضو باید خالص باشد (مضاف نباشد).



شرایط ظرف وضو

مُباح بودن ظرف

م. ظرف آب وضو باید مُباح باشد (غَصْبی نباشد). ولی اگر با دست از ظرف غصبی آب بردارد و وضو بگیرد، صحیح است.

شرایط زمان وضو

وضو قبل از اذان

م. اگر وقت نماز نزدیک باشد و به قصد آمادگی برای نماز وضو بگیرد، اشکال ندارد. البته می‌توان پیش از وقت به قصد قربت و داشتن طهارت وضو گرفت و با آن نماز خواند.

نکته

یک وضو برای کارهای مختلفی که نیاز به وضو دارد کافی است و لازم نیست هنگام وضو، اعمال مختلفی را که وضو برای آنها لازم است، در نیّت بیاورد (مثلاً می‌توان به نیّت تلاوت قرآن وضو گرفت و با آن نماز واجب را هم به جا آورد.)

فرصت کافی برای وضو

م. کسی که می‌خواهد برای نماز وضو بگیرد، باید وقت کافی برای وضو و نماز داشته باشد و اگر وقت نماز به قدری تنگ است که در صورت وضو گرفتن، نمی‌تواند همه‌ی نماز را در وقت بخواند و مقداری از آن در خارج وقت واقع خواهد شد، نباید وضو بگیرد و باید با تیمّم نماز بخواند.

توجه

البته اگر تیمّم ـ یا مقدمات آن مانند تهیه خاک تیمّم ـ برای فردی به اندازه‌ی وضو وقت می‌گیرد، باید وضو بگیرد.

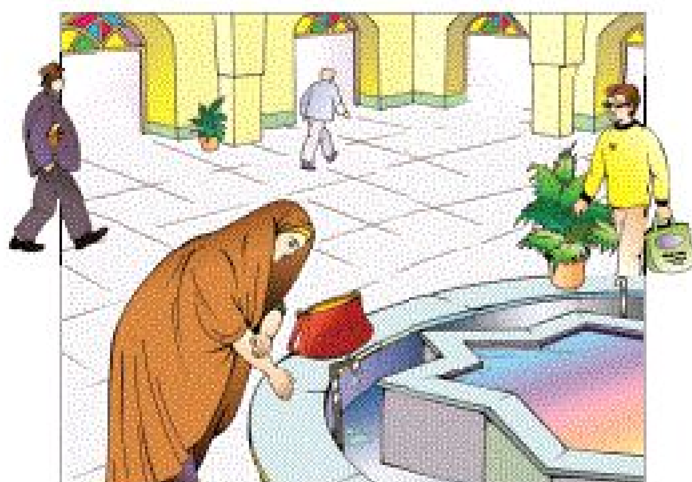
شرایط مکان وضو

مُباح بودن مکان و فضای وضو

م. اگر انسان بدون رضایت صاحب ملک وارد آن شود کار حرامی کرده است؛ امّا چنانچه در آن مکان وضو بگیرد، باطل نیست.

وضوی خانم‌ها در حضور نامحرم

م . وضو گرفتن زن در جایی که نامحرم، مواضعی را که زن باید از او بپوشاند می‌بیند، گناه است ولی وضویش صحیح است.



شرایط وضو گیرنده



جواز استعمال آب

م . وضو در صورتی صحیح است که استعمال آب برای فرد مانعی نداشته باشد. مثلاً کسی که می‌ترسد اگر آب را به مصرف وضو برساند، تشنه می‌ماند، نباید وضو بگیرد.

ضرر داشتن آب

م . یکی از شرایط صحیح بودن وضو، ضرر نداشتن استفاده از آب است.کسی که می‌ترسد اگر وضو بگیرد، مریض شود یا بیماری او شدیدتر شود و یا بهبودیش به تأخیر بیفتد، نباید وضو بگیرد؛ بلکه بر او واجب است تیمّم کند (و هر مدتی هم طول بکشد اشکال ندارد).

نکته

۱. در استعمال آب برای وضو، لازم نیست که انسان یقین به ضرر داشته باشد؛ بلکه اگر احتمال ضرر هم بدهد، چنان‌چه احتمال او در نظر مردم به جا باشد (و برایش ترس پیش بیاورد) باید تیمّم کند.

۲. اگر استفاده از آب، ضرری بسیار کم (که عُقلا به آن اهمیّت نمی‌دهند) به او برساند، باید وضو بگیرد یا غسل کند و تیمّم جایز نیست.

۳. اگر رساندن آب به صورت یا دست‌ها به مقدار کم (که وضو با آن صحیح باشد) ضرر ندارد، امّا بیش از آن ضرر دارد، باید با همان مقدار کم وضو بگیرد.

۴. احتمال ضرر استعمال آب، خواه با تشخیص خود فرد باشد یا سخن پزشک مورد اعتماد (اگر چه فاسق یا کافر باشد) کفایت می‌کند.

اطلاع از زیان آب پس از وضو

م. کسی که نمی‌داند آب برایش ضرر دارد، اگر وضو گرفت و بعد معلوم شد ضرر داشته، وضویش صحیح است.

اطلاع از ضرر نداشتن آب پس از نماز

م. کسی که به خاطر یقین یا ترس از ضررِ استعمال آب، به جای وضو تیمّم کرده است، باید به نکاتی که در جدول زیر آمده توجه نماید:

شخصی که در اثر یقین یا ترس از ضرر استعمال آب تیمّم کرده	اگر قبل از نماز بفهمد که آب برایش ضرر ندارد	تیمّم او باطل است و باید وضو بگیرد.
	اگر بعد از نماز بفهمد که آب برایش ضرر نداشته	بنابر احتیاط واجب باید وضو بگیرد یا غُسل کند و دوباره نماز را بجا آورد.

توجه

در مواردی که تهیّه‌ی آب گرم برای بیماری که نمی‌تواند با آب سرد وضو بگیرد ممکن نیست یا با سختی زیادی امکان دارد، باید تیمّم کند.

پاک بودن اعضای وضو

م. اعضای وضو در هنگام شستن و مسح کردن باید پاک باشند؛ ولی اگر جایی را که شسته یا مسح کرده، پیش از اتمام وضو نجس شود، وضو صحیح است. (البته پاک بودن از نجاست برای نماز واجب است).

توجه

به تن داشتن لباس نجس - اگر نجاست آن به اعضای وضو سرایت نکند- برای وضو گرفتن اشکالی ندارد؛ حتی اگر مقدار نجاست لباس زیاد هم باشد؛ امّا برای نماز باید لباس و بدن نمازگزار پاک باشد.



آب وضوی امام خمینی (ره)

دکتر بروجردی (داماد امام) می‌گوید:

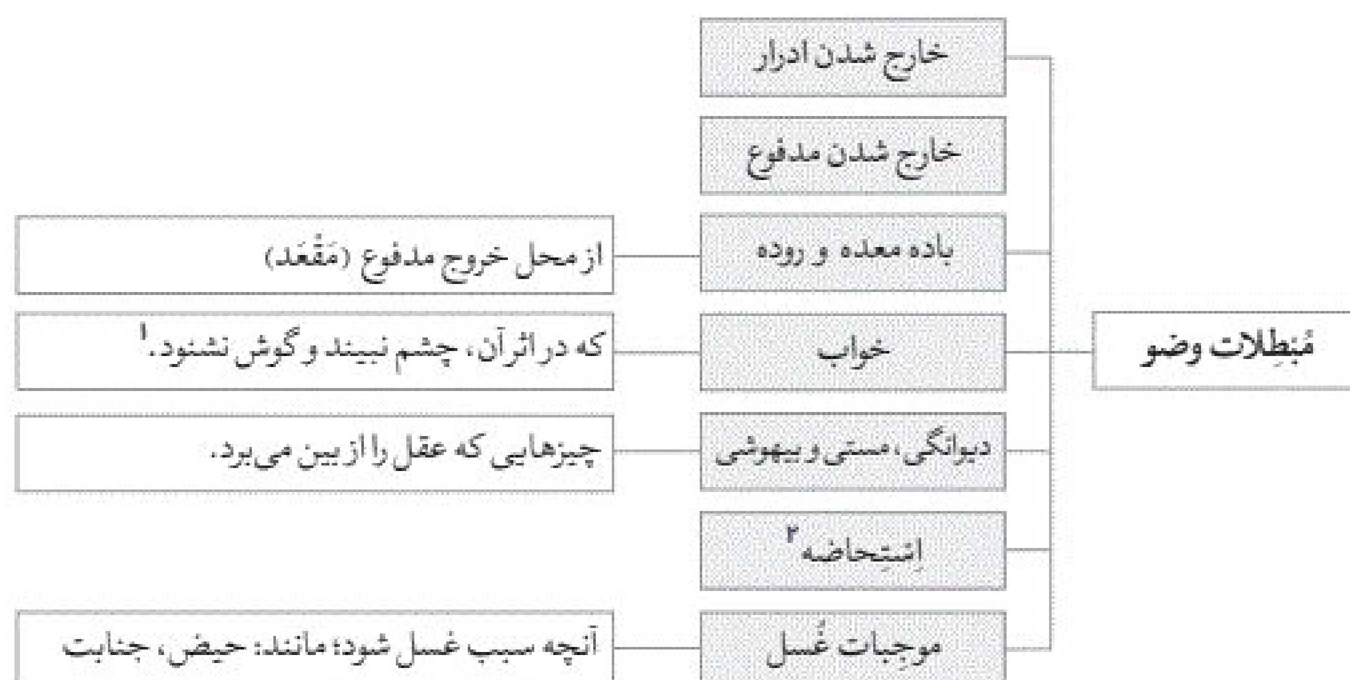
یک روز شیشه‌ی کوچک قرصی در دست پسرم دیدم که مایعی داخل آن بود. پرسیدم: این چیست؟

گفت: دوستان مدرسه‌ام از من خواسته بودند مقداری از آب وضوی امام را به عنوان تبرّک برای آنها ببرم. من هم هنگام وضو طشتی بردم و زیر دست پدر بزرگ گذاشتم؛ امّا آبی که از وضوی ایشان توی ظرف ریخت، آن قدر کم بود که ناچار شدم سرنگ بیاورم و با آن این شیشه را پُرکنم که تازه پُرهم نشد. به امام گفتم: آقا! آب وضوی شما همین است؟ لبخند زدند و گفتند: این باقی مانده‌ی آبِ واجبات وضوی من است.[1]

۱. مجله‌ی پاسدار اسلام، شماره ۲۲۲، خرداد ۱۳۷۹.

مُبْطِلات وضو (باطل‌کننده‌های وضو)

م . هفت چیز وضو را باطل می‌کند:



نکته

با پیش آمدن یکی از باطل‌کننده‌ها، وضوی کودک نابالغ هم (مانند افراد بالغ) باطل می‌شود.

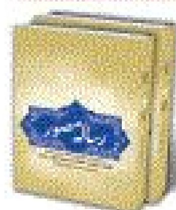
ادرار و مدفوع

م . یکی از باطل کننده‌های وضو خروج ادرار و مدفوع است.

رطوبت‌های بعد از وضو

م . اگر بعد از ادرار، اِستِبْرا[3] نکند و وضو بگیرد و پس از وضو، رطوبتی از او خارج شود که نداند ادرار است یا چیزی دیگر، وضوی او باطل است وهمچنین آن رطوبت در حکم بول بوده و نجس است.

توجه



۱. خارج شدن «مَذْی»، «وَدْی» و «وَدی» پس از وضو، باطل کننده‌ی وضو نیست. (برای شناخت این عناوین و مباحث مرتبط، به مجموعه‌ی دو جلدی رساله‌ی مصوّر عبادات مراجعه کنید).

۲. حمام کردن، وضو را باطل نمی‌کند.

۱. ولی اگر چشم نبیند و گوش بشنود، وضو باطل نمی‌شود.

۲. خونی که در غیرِحالت حیض و نفاس از زن خارج می‌شود استحاضه است. استحاضه وضو را باطل می‌کند و در برخی موارد نیازی به غسل ندارد. [برای آشنایی با واژگان فقهی به بخش اصطلاح‌نامه رجوع کنید].

۳. استبرا از ادرار، عملی است که بعد از انجام ادرار انجام می‌گیرد و در حقیقت مجرای ادرار را از آن خالی می‌کند.

باد معده

م . یکی دیگر از باطل‌کننده‌های وضو، خارج شدن باد معده و روده از محل خروج مدفوع است.

خواب

م . از چیزهایی که وضو را باطل می‌کند، خوابی است که به واسطه‌ی آن، چشم نبیند و گوش نشنود؛ ولی اگر چشم نبیند و گوش بشنود، وضو باطل نمی‌شود.

چیزهایی که عقل را از بین می‌برد

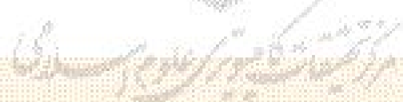
م . چیزهایی که عقل را از بین می‌برد، وضو را نیز باطل می‌کند؛ مانند: مستی.

دیوانگی و بی‌هوشی

م . از چیزهایی که وضو را باطل می‌کند، دیوانگی و بی‌هوشی است.

اِستِحاضه

م . یکی از خون‌هایی که از زن خارج می‌شود و وضو را باطل می‌کند، «اِستِحاضه» است. زن را موقع دیدن این خون «مُستَحاضه» گویند.



قانون کلی

هر خونی غیر از حیض، نفاس و خون زخم و دُمل که از رحم زن خارج شود، بنابر احتیاط واجب استحاضه است.

موجبات غسل

حِیض

م . «حیض» که به آن «عادت ماهانه» یا حالت «پریود» نیز گفته می‌شود، خونی است که غالباً در هر ماه چند روز از رحم زن خارج می‌شود. زن را هنگام دیدن این خون «حائض» می‌گویند و چنین شخصی در شرع مقدس اسلام احکامی دارد. یکی از موجبات غسل، حیض است و از این رو پس از دیدن خون حیض، وضو نیز باطل می‌شود.

نِفاس

م . از وقتی که اوّلین جزء بچّه از شکم مادر بیرون می‌آید، هر خونی که زن می‌بیند، اگر پیش از ده روز یا آخر ده روز قطع شود، خون «نِفاس» است و زن را در حال نِفاس «نَفسا» می‌گویند. چون این خون نیز سبب غسل می‌شود، وضو را باطل می‌کند.

مسِّ میّت (لمس کردن بدن میّت)

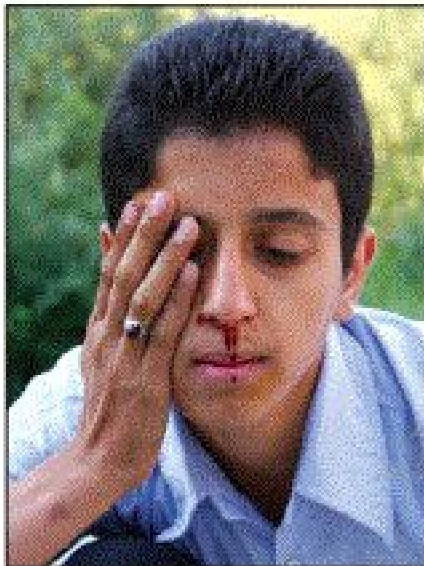
م . اگر کسی بدن انسان مرده‌ای را که سرد شده و غسلش نداده‌اند، لمس (مَس) کند ـ یعنی جایی از بدنش با آن تماس بگیرد ـ باید غسل مسِّ میّت نماید؛ چه با اختیار لمس کند یا بی‌اختیار؛ حتی اگر ناخن و استخوان او به ناخن و استخوان میّت برسد، باید غسل کند. پس چون مسِّ میّت از موجبات غسل است، وضو را نیز باطل می‌کند.

توجه

اگر شخصی جسد حیوان مرده‌ای را مس کند، غسل بر او واجب نیست. بنابراین، وضویش هم باطل نمی‌شود.

خون‌ریزی بینی و دهان

م . بیرون آمدن خون از بینی و دهان در حال وضو باطل‌کننده نیست.





چون هنوز شستن صورت تمام نشده، این فرد باید ابتدا خون را بشوید و پس از آن با پنبه‌ای مانع بیرون آمدن خون شود و سپس صورت را بشوید. در غیر این صورت وضو باطل است.

توجه

اگر سایر اعضای بدن ـ به جز اعضای وضو ـ در حال وضو خون ریزی داشته باشد، وضو اشکال ندارد.

کارهایی که باید برای آن وضو گرفت (غایات وضو)



نماز

م . یکی از مواردی که وضو گرفتن برای آن واجب است، نمازهای واجب (غیر از نماز میّت) می‌باشد.

قانون کلی

تمام نمازها باید با طهارت انجام شود؛ جز نماز میّت که بدون طهارت نیز صحیح است؛ یعنی لازم نیست شخصی که نماز میّت می‌خواند، با وضو باشد و همچنین اگر وظیفه‌اش برای نماز خواندن، غسل یا تیمّم است، برای نماز میّت لازم نیست غسل یا تیمّم کند و پاک بودن بدن و لباس نیز شرط صحّت نماز میّت نیست.

سجده و تشهّد فراموش شده

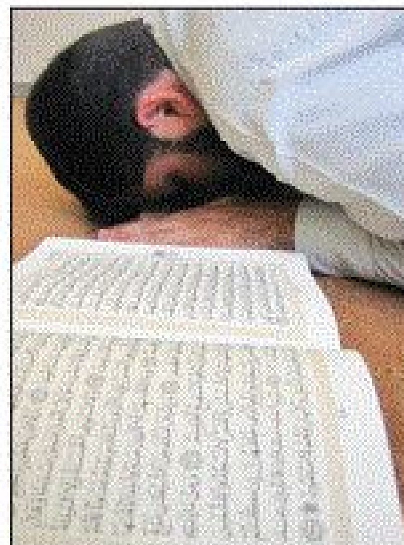
م . نمازگزار برای به جا آوردن سجده و تشهّد فراموش شده، پس از نماز باید وضو داشته باشد و اگر وضویش باطل شده دوباره وضو بگیرد.

سجده‌ی سَهْو

م . بنابر احتیاط مستحب - در صورتی که وضوی نمازگزار پس از نماز بر اثر یکی از مُبْطِلات باطل شده - برای سجده‌ی سَهْو وضو بگیرد.

سجده‌ی واجب قرآن

م. کسی که قرآن تلاوت می‌کند، هنگامی که به آیه‌ی سجده‌دار رسید، لازم نیست وضو داشته باشد یا رو به قبله شود و یا ذکر[۱] بگوید.



توجه

تنها شرط سجده‌ی واجب قرآن، سجده بر چیزهایی است که در نماز می‌توان بر آنها سجده کرد؛ مانند: خاک و چوب.

نکته

سوره‌هایی که سجده‌ی واجب دارند، از این قرارند:
- سوره‌ی سَجده، آیه‌ی ۱۵
- سوره‌ی فُصِّلَت، آیه‌ی ۳۷
- سوره‌ی نَجم، آیه‌ی ۶۲
- سوره‌ی عَلَق، آیه‌ی ۱۹.

طواف واجب

م. وضو شرط صحیح بودن طواف واجب خانه‌ی خداست و بدون آن، این طواف باطل است. منظور از طواف واجب، طوافی است که جزئی از اعمال حج یا عمره است (اگرچه آن حج یا عمره مستحب باشد)؛ ولی برای طواف مستحب (جدای از حج و عمره) وضو لازم نیست.

۱. گفتن ذکر در سجده‌ی واجب قرآن مستحب است و بهتر است بگوید: (لا إلهَ إلاّ اللهُ حَقّاً حَقّاً لا إله إلاّ اللهُ إیماناً و تَصدیقاً لا إله إلاّ اللهُ عبودیةً و رِقّاً، سجدتُ لکَ یا ربِّ تعبّداً و رِقّاً، لامُستَنکِفاً و لامُستَکبِراً بَل أنا عبدٌ ذلیلٌ خائفٌ مُستجیرٌ).

لمس کردن قرآن

م . مسّ نمودن خط قرآن -یعنی رساندن جایی از بدن به خط قرآن- برای کسی که وضو ندارد، حرام است.

توجه

تماس موی بدن انسان با خط قرآن بدون وضو اشکال ندارد.



تماس با کلمات و حروف قرآن

م . رساندن جایی از بدن به نوشته‌ی قرآن بدون وضو حرام است. این امر شامل همه‌ی کلمات و آیات قرآنی می‌شود؛ هرچند در کتاب دیگری یا در روزنامه، تابلو و غیر آن باشد.

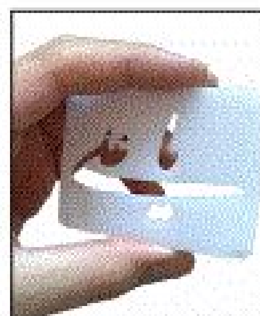


نکته

اگر آیه‌ای از قرآن یا نام معصومین علیهم السلام بر روی غذایی نوشته شده باشد، قبل از محو آن نمی‌توان بدون وضو آن را خورد.

تماس دهان (فضای داخلی دهان، لب‌ها و زبان) با نوشته‌ی اسمای مبارکه بر روی خوراکی، بدون وضو اشکال دارد و با هم زدن نوشته پیش از خوردن آن (به طوری که کلمه‌ی مبارکه از بین برود) اشکال بر طرف می‌شود.

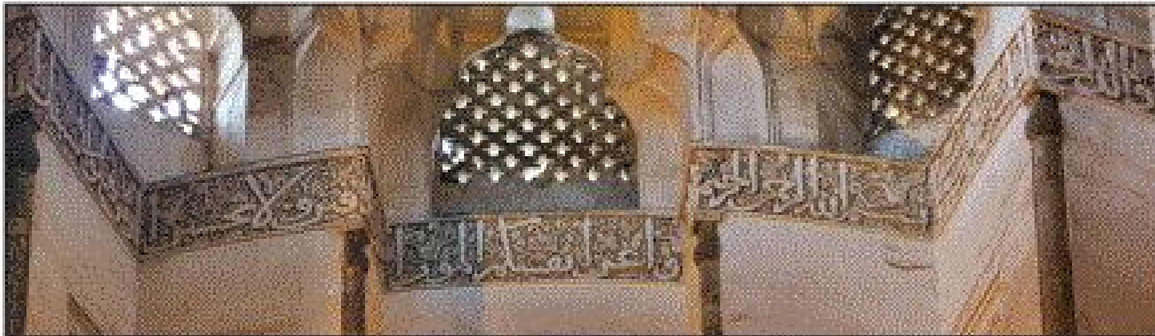




تماس دست با لبه‌ی داخلی قالب اسمای مبارکه بدون وضو اشکال دارد.

تماس با نوشته‌ی برجسته‌ی قرآنی

م . نوشته‌ی برجسته یا حک شده ـ مانند: سنگ قبر ـ و خط غیر متعارف ـ مانند خط کوفی و نوشته ی وارونه ـ کلمات قرآنی نیکو ـ مانند: مؤمن، صبر ـ یا کلمات غیر نیکو ـ مانند: ابلیس و شیطان ـ و نیز حروف ناخوانا ـ مانند: الف در «قالوا» ـ تفاوتی با سایر عبارت‌های قرآنی ندارد و دست زدن به همه‌ی این موارد بدون وضو حرام است.



چاپ آیات قرآن و روایات در روزنامه

م . چاپ و نشر آیات قرآن، احادیث معصومین علیهم السلام یا اسمای مبارکه در مجلّات و روزنامه‌ها حرام نیست؛ بلکه برخورد نادرست با این نوشته‌ها اشکال دارد. نباید روزنامه‌ای را که می‌دانیم در آن آیات قرآن و نام مبارک اهل بیت علیهم السلام وجود دارد، برای زیر انداز یا پیچیدن غذا استفاده کنیم و باید از قرار دادن آن در جایی که موجب بی احترامی است و نجس کردن و مسّ بدون وضوی آن خودداری کنیم.



سوزاندن نوشته‌ی قرآنی

م . سوزاندن آیات قرآن و اسامی مبارک ائمه‌ی معصومین ﷺ که ـ برای مثال ـ در روزنامه چاپ شده، جایز نیست؛ ولی در آب ریختن یا تبدیل آن به خمیر برای بازیافت و نیز دفن آن در جایی که بی‌احترامی نباشد اشکال ندارد.

م . هرگاه وجود آیات قرآن و نام‌های خداوند و معصومین ﷺ در کاغذی قطعی نباشد، سوزاندن و دور انداختن آن اشکال ندارد و جست‌وجو برای یافتن این موارد لازم نیست؛ ولی اگر کسی بداند که در ورقه‌ای چنین چیزی وجود دارد، هَتکِ حُرمَت[1] و سوزاندن آن جایز نیست.

تماس بدن با نام خدا

م . تماس بدن با اسم ذات ـ مانند الله ـ و اسم صفاتِ مخصوص خدا ـ مانند رَزّاق و خالِق ـ بدون وضو حرام است.

توجه



دست زدن به ترجمه‌ی قرآن، به هر زبانی باشد، بدون وضو اشکال ندارد؛ مگر ترجمه‌ی کلمه‌ی «الله».

در مورد نام مبارک انبیا ﷺ و پیامبر گرامی اسلام ﷺ که در ترجمه‌ی آیات نیز می‌آید به صفحه‌ی ۱۳۶ مراجعه کنید.

مسّ «باسمه‌تعالی» و «ا...»

م . لمس کردن «باسمه تعالی[2]» یا «ا...» که به جای کلمه‌ی «الله» می‌نویسند، اشکال ندارد (هر چند بهتر است که لمس نکنند).

توجه



آرم جمهوری اسلامی ایران که روی پرچم‌ها، سربرگ‌ها، نامه‌ها و... وجود دارد، چنانچه در نظر عُرف، اسم جلاله محسوب و خوانده می‌شود، مسّ آن بدون وضو حرام است.

۱. بی‌حرمتی. [برای آشنایی با واژگان فقهی به بخش اصطلاح‌نامه رجوع کنید].
۲. بسمه‌تعالی.

مَسّ نام انبیا، ائمّه و حضرت زهرا(س)

م . تماس با اسامی پیامبر(ص) و ائمه(ع) و حضرت زهرا(س) برای شخص بی‌وضو بنابر احتیاط واجب حرام است.

نکته

برخی بر اثر بی‌توجّهی، بر روی سنگ قبر ـ که زیر پا قرار می‌گیرد ـ آیات قرآن و اسمای جلاله را حک می‌کنند. چون این کار موجب هتک و بی‌احترامی می‌شود، باید از آن خودداری گردد. البته نوشتن اسامی افرادی که هم نام پیامبر و ائمه(ع) هستند اشکال ندارد؛ مگر این‌که به نام معصومان(ع) اضافه شده باشد، مانند: عبدالحسین و غلام‌علی.

نام	لقب	کنیه
محمد	مصطفی، امین، رسول، پیامبر اکرم	ابوالقاسم
علی	امیرالمؤمنین، مرتضی، حیدر	ابوالحسن
فاطمه	زهرا، بتول، سیّدة نساءالعالمین	امّ ابیها
حسن	مجتبی، سبط، زکی	ابومحمد
حسین	سیّدالشهدا، زکی، سبط	ابوعبدالله
علی	سجاد، زین العابدین، زاهد	ابوالحسن
محمد	باقر (باقرالعلوم)، شاکر، هادی	ابوجعفر
جعفر	صادق، فاضل، صابر	ابوعبدالله
موسی	کاظم، عبد صالح، فقیه	ابوالحسن
علی	رضا، رضی، وفی	ابوالحسن
محمد	تقی، جواد، زکی	ابوجعفر
علی	هادی، نقی، عسکری	ابوالحسن
حسن	عسکری، سراج، صامت	ابومحمد
محمد	مهدی، قائم، صاحب الزّمان، بقیّة الله	ابوصالح

توجه

دست زدن به لقب و کُنیه‌ی اهل بیت (چهارده معصوم(ع))

بنابر احتیاط واجب، لمس لقب ایشان نیز بدون وضو جایز نمی‌باشد؛ ولی لمس کنیه اشکال ندارد؛ البته اگر لمس کنیه موجب هتک حرمت و بی‌احترامی باشد، حرام است.

نکته

هر چند ممکن است روزانه هزاران مورد از اسمـــای مقدّسی که در مطبوعات چاپ می‌شود، پس از استفاده در جای مناسبی قرار داده نشود یا بر زمین بیفتد، با این حال نوشتن آیات قرآن یا اسم خداوند در روزنامه‌ها و مجلات اشکال ندارد، امّا همه‌ی افراد باید مراقب باشند بدون وضو لمس نکنند و بی‌احترامی به آنها نیز نشود.



انداختن آیات یا اسمای مبارکه در جوی‌ها

م. انداختن آیات قرآن یا اسمای مبارکه در نهرها، اگر در نظر عُرف اهانت شمرده نشود، اشکال ندارد.

تماس بدن با آیات و کلمات مقدّس

م. همه جای بدن، مانند لب و صورت (به جز مو) حکم دست را دارد و نباید با جایی که لمس آن بدون وضو جایز نیست، مستقیم تماس یابد؛ ولی اگر روی کاغذ، روکش باشد (مانند لایه‌های پلاستیکی «یووی» و «سلفون») تماس با آن اشکالی ندارد.

وضوی نذری

م. اگر کسی نذر کند وضو بگیرد یا کاری را نذر کند که باید با وضو انجام داده شود، مثلاً نذر کند قرآن بنویسد و دست بر نوشته‌ی قرآنی می‌گذارد، باید وضو بگیرد.

شک و فراموشی

شک در انجام وضو



شک در صحّت یا بُطْلان وضو

شک در صحّت یا بُطلان وضو	شک در باطل شدن اصل وضو	شک دارد وضویش باطل شده یا نه		به شک اعتنا نمی‌شود و بنا می‌گذارد که وضویش باقی است.
		می‌داند وضو گرفته و کاری که وضو را باطل می‌کند نیز از او سر زده (مثلاً ادرار کرده) ولی نمی‌داند کدام یک قبل از دیگری بوده است	**قبل از نماز**	باید وضو بگیرد.
			در بین نماز	نماز را رها کند و وضو بگیرد.
			پس از نماز	باید وضو بگیرد و نماز را دوباره بخواند.
	شک در صحّت جزئی از وضو	در بین وضو شک کند که وضوی اجزای قبلی صحیح بوده یا نه		وضو صحیح است.
		پس از وضو در صحیح بودن جزئی از آن شک کند.		
		پس از انجام وضو شک کند که مانعی بر اعضا بوده یا نه		

قانون کلی

اگر انسان شک کند که وضوی او باطل شده یا نه، باید بنا را بر این بگذارد که وضوی او باقی است.

۱. شک دارد وضو گرفته یا نه.

۲. نمی‌داند نمازِ خوانده شده با وضو بوده یا نه.

۳. مثلاً شک دارد مسح سر را انجام داده یا نه.

شک در وجود مانع از رسیدن آب

م . قبل از وضو، در حال وضو یا بعد از آن، در صورت شک در وجود مانع،حالت‌ها و احکامی وجود دارد:

شک در مانع	شک قبل از وضو یا در حال وضو	قبلاً مانع بوده و نمی‌داند برطرف شده یا نه	واجب است وارسی نماید تا اطمینان پیدا کند که مانعی وجود ندارد.	
		قبلاً مانعی نبوده	احتمال وجود مانع منشأ عُقلایی (عقل پسند و قابل قبول) دارد؛ مانند این‌که بعد از گچ‌کاری و سیمان‌کاری باشد.	باید وارسی کند تا اطمینان پیدا کند که مانعی وجود ندارد.
			احتمالِ بودنِ مانع، منشأ عقلایی ندارد.	وارسی کردن لازم نیست.
	شک بعد از وضو	شک دارد که مانعی در اعضای وضو بوده یا نه		وضو صحیح است.
		نمی‌داند این مانع در حال وضو بوده یا پس از وضو پیدا شده. در صورتی که احتمال التفات بدهد.		

کثیرُالشّک در وضو

م . کسی که در کارهای وضو (شستن و مسح کردن) و شرایط آن ـ مانند: پاک بودن و غصبی نبودن آب ـ زیاد شک می‌کند، نباید به شک خود اعتنا کند.

وضوی فرد وسواسی

م . بر فرد وسواسی که حساسیت شدیدی در مورد اعمال دینی دارد .مانند این‌که در کارهای وضو خیلی شک می‌کند یا به مسح و شستن راحت اطمینان پیدا نمی‌کند .واجب است مانند افراد معمولی و متعارف رفتار کند و نباید به شک خود اعتنا نماید.

توجه

وسواس حرام است و شخص وسواسی جایز نیست که به شک خود اعتنا کند (بلکه یقین چنین فردی نیز اگر برخاسته از وسواس باشد، معتبر نیست).

وضوی جَبیره‌ای

م . همان‌طور که اشاره شد، وضو صورت‌های مختلفی دارد:



اگر روی زخم یا شکستگی بسته شده، باید جاهایی را که می‌شود شُست، بشوید و روی چیزی که با آن زخم یا شکستگی را بسته است [جبیره] به جای شستن، دستِ تَر بکشد. به این وضو وضوی جبیره‌ای می‌گویند.

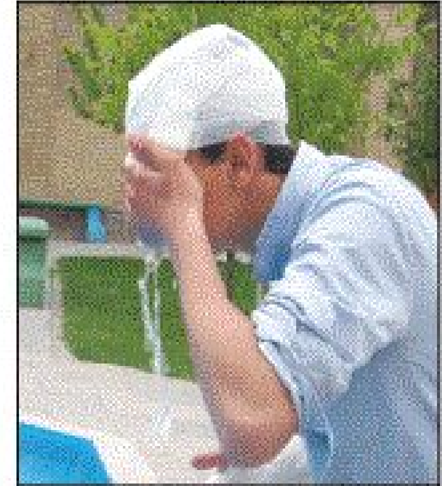
توجه

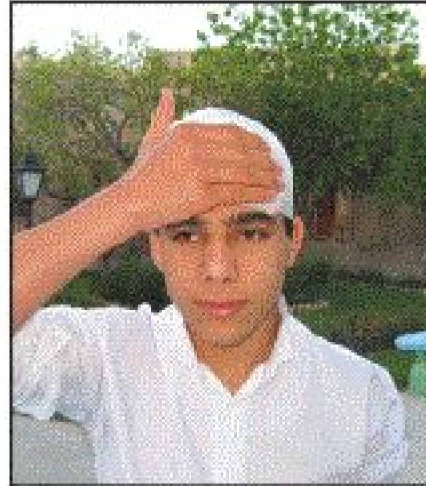
در احکام جبیره، تفاوتی میان وضوی مستحب و واجب نیست و اگر کسی بخواهد وضوی مستحب بگیرد، و شرایط وضوی معمولی را ندارد، باید وضوی جبیره‌ای بگیرد.

انواع جبیره

م . جبیره انواع و حالت‌های مختلفی دارد:

انواع و حالت‌های وضوی جبیره‌ای	اگر جبیره تمام اعضای وضو را گرفته باشد		باید تیمّم نماید.
	اگر جبیره، بیشتر اعضای وضو را گرفته باشد		باید تیمّم کند و بنابر احتیاط، وضوی جبیره‌ای نیز بگیرد.
	اگر جبیره بعضی از اعضای وضو را گرفته باشد (مانند تمام صورت یا تمام یک دست)		وضوی جبیره‌ای کافی است.
	اگر جبیره، بیش از حدّ معمول اطراف زخم را پوشانده باشد	برداشتن مقدار زاید ممکن نیست	باید وضوی جبیره‌ای بگیرد و بنابر احتیاط واجب تیمّم نیز بنماید.
		برداشتن مقدار زاید ممکن است	باید جبیره اضافی را بردارد؛ پس اگر زخم در صورت و دست‌هاست، اطراف آن را بشوید و اگر در سر یا روی پاهاست، اطراف آن را مسح کند و برای جای زخم به دستور جبیره عمل نماید.
	اگر در صورت و دست‌ها چند جبیره است		باید بین آنها را بشوید و اگر جبیره در سر یا روی پا بوده و به اندازه مسح واجب باز باشد، همان جا را مسح کند وگرنه باید بین آنها را مسح نماید و در جاهایی که جبیره است، به دستور جبیره عمل کند.





اگر قسمتی از اعضای وضو باند پیچی شده باشد و نتواند آن را باز کند، کافی است روی باند را با تری دست مسح نماید و باید بقیه‌ی عضو را بشوید.



اگر در اعضای مسح جایی برای مسح باقی نمانده و همه‌ی قسمت‌ها باندپیچی شده باشد باید روی باند را با تری دست مسح نمود.

کسی که وظیفه‌اش را نمی‌داند

م . کسی که نمی‌داند وظیفه‌اش وضوی جبیره‌ای است یا تیمّم، بنابر احتیاط واجب باید هر دو را انجام دهد.

نکته

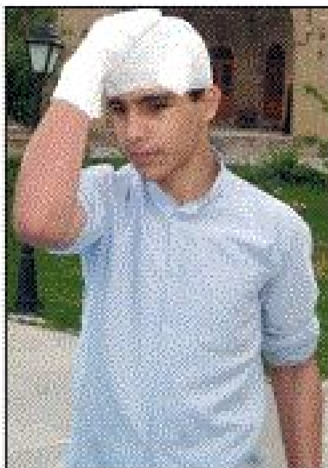
تا زمانی که می‌شود وضوی معمولی (ترتیبی و ارتماسی) گرفت، وضوی جبیره‌ای صحیح نیست و چنانچه مانعی از قبیل چسب یا پانسمان و مانند آن روی اعضا باشد، در صورت امکان و ضرر نداشتن، باید برای وضو برطرف شود؛ حتّی اگر با فرو بردن عضو در آب می‌تواند آب را به آن عضو برساند و ضرری ندارد، باید چنین کند؛ ولی چنان‌چه هیچ چاره‌ای جز وضوی جبیره‌ای نیست، باید جبیره به اندازه‌ی لازم روی زخم باشد .نه بیش از آن .و به هر اندازه از جای شستن یا مسح بدون جبیره است و امکان شستن یا دست کشیدن دارد، باید به‌طور عادی وضو دهد و نباید از جبیره استفاده کند.

م . نمازهایی را که انسان با وضوی جبیره‌ای خوانده، صحیح است و بعداز آن که عُذرش برطرف شد، چنانچه وضویش باطل نشده باشد برای نمازهای بعد هم لازم نیست وضو بگیرد، ولی کسی که نمی‌دانسته تکلیف او وضوی جبیره‌ای است یا تیمّم و هر دو را انجام داده،باید برای نمازهای بعد وضو بگیرد.

توجه

- اگر روی زخم را با پلاستیک بسته‌اند، به‌نحوی که جزو جبیره محسوب شود، لازم نیست هنگام کشیدن دست تر روی آن دقت کنند که تمام نقاط پلاستیک به بدن چسبیده باشد و چین و چروک‌هایش صاف شود، بلکه کشیدن دست روی آن کافی است.
- اگر یکی از دست‌ها داخل باند باشد، می‌توان با دست سالم مسح سر و پاها را انجام داد. مسح با دست باندپیچی شده نیز اشکالی ندارد. البته مسح سر بنابر احتیاط واجب باید با دست راست باشد.





شستن روی زخم

م . اگر در یکی از اعضای وضو شکستگی یا زخمی باشد که خون ندارد (نجس نیست)، چنانچه روی آن باز است و آب برای آن ضرر ندارد، باید به طور معمولی وضو گرفت.

نکته

اگر نجاستی روی زخم است و می‌توان آن را آب کشید باید این کار را کرد و سپس وضو گرفت.

توجه

در حکم جبیره فرقی ندارد که جراحت و زخمی که روی اعضای وضو واقع شده، به اختیار خود شخص ایجاد شده یا بدون اختیار او بوده و در هر صورت اگر شرایط وضوی جبیره‌ای در او باشد، باید وضوی جبیره‌ای بگیرد.

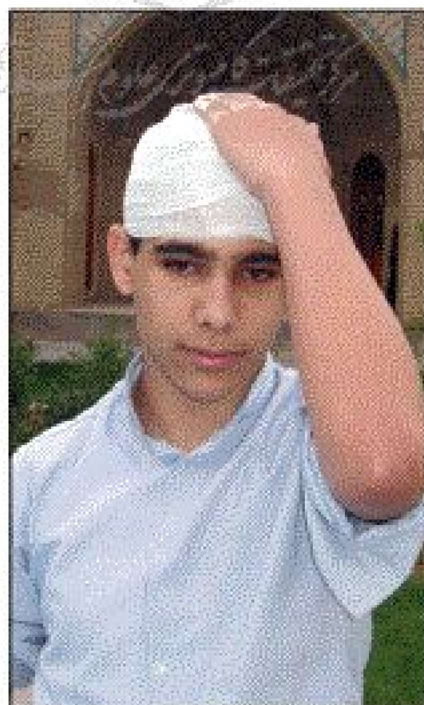
وضو با اعضای مجروح

م . شخصی که بر اعضای وضویش زخم یا شکستگی است، باید به یکی از حالت‌های زیر (که مطابق با شرایط اوست) عمل کند:

جراحت در صورت و دست‌ها	روی زخم یا شکستگی باز است (نجس نیست)			آب ریختن روی آن ضرر ندارد	باید به طور معمول وضو بگیرد.
				آب ریختن روی آن ضرر دارد	باید اطراف آن را بشوید و احتیاط واجب آن است که اگر کشیدن دست تَر بر آن ضرر ندارد، دست تَر بر آن بکشد.
	روی زخم یا شکستگی بسته است	باز کردن آن ممکن است و زحمت و مشقت ندارد و آب هم برای آن ضرر ندارد.			باید به طور معمول وضو بگیرد.
		بازکردن آن مشقت دارد	اگر زخم یا چیزی که زخم را با آن بسته‌اند، پاک است	رساندن آب به زخم ممکن است و ضرر و زحمت ندارد	باید آب را طوری به زخم برساند که شسته شود؛ برای مثال: دست پانسمان شده یا گچ گرفته را زیر شیر آب ببرد تا آب به زخم برسد.
				رساندن آب به زخم ممکن نیست یا ضرر و زحمت دارد	شستن اطراف زخم (جاهایی که باز است) کافی است و روی جبیره مسح کند.
			اگر زخم یا چیزی که زخم را با آن بسته‌اند، نجس است	آب کشیدن زخم و رساندن آب به آن ممکن است و مشقّت ندارد.	باید زخم را آب بکشد و در وضو آب را به زخم برساند.
				آب کشیدن زخم و رساندن آب به آن ممکن نیست و مشقّت دارد.	زخم نجس است، ولی جبیره پاک: اطراف زخم را بشوید و روی جبیره را دست تَر بکشد.
					زخم و جبیره هر دو نجس است: اطراف زخم را بشوید و روی جبیره، پارچه یا چیز پاکی (به طوری که جزو جبیره حساب شود) بگذارد و بر آن دست تَر بکشد.

(محل مسح) زخم یا شکستگی جلو سر یا روی پا است و جایی برای مسح کشیدن نیست (حتی یک انگشت پا هم باز نیست)	روی آن بسته است	باند یا پارچه‌ای که روی زخم بسته نجس نیست		روی همان را مسح نماید.
		باند یا پارچه‌ای که روی زخم بسته نجس است		باید پارچه ی پاکی (یا مانند آن) روی زخم بگذارد و روی پارچه را با تریِ مانده در دست، مسح کند.
	روی آن باز است	نجس نیست و آب هم برای آن ضرر ندارد		باید به طور معمولی وضو بگیرد.
		نمی‌تواند مسح کند	گذاشتن پارچه و مانند آن ممکن است	باید تیمّم کند و بنابراحتیاط واجب وضو با چنین مسحی نیز بگیرد بدین صورت که پارچه‌ی پاکی (یا مانند آن) روی زخم بگذارد و روی پارچه را با تری مانده در دست، مسح کند.
			گذاشتن پارچه و مانند آن ممکن نیست	باید به جای وضو تیمم کند.

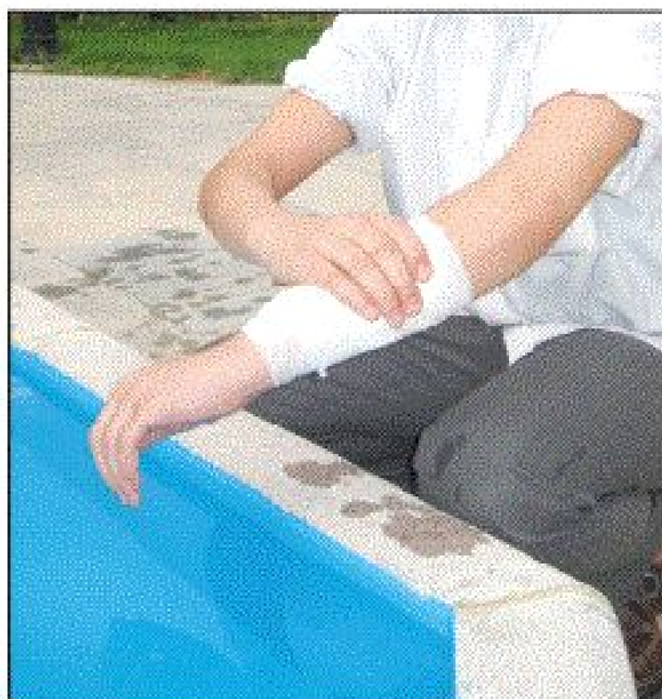

با رطوبت دستی که قسمتی از آن داخل باند است نیز می‌توان مسح سر و پا را انجام داد؛ هر چند مقداری از رطوبت از تریِ باند باشد.


در صورتی که برداشتن جبیره به راحتی امکان داشته باشد و ضرری هم نداشته باشد، نمی‌توان وضوی جبیره‌ای گرفت.


قسمت‌هایی که جبیره ندارد باید شسته شود.



قسمت‌هایی که جبیره ندارد، باید به صورت معمولی شسته شود. البته اگر شستن آن باعث مرطوب شدن باند و برای زخم یا جراحت مضرّ باشد، باید با ریختن مقدار کمی آب (اگر ضرر ندارد) آن را وضو داد و اگر به این مقدار هم ضرر دارد، باید بنابر احتیاط واجب مقدار ممکن را بشوید و سپس روی مقدار باقیمانده، جبیره‌ای قرارداده و برآن مسح کند وتیمم نیزبنماید.



با دست مرطوب روی قسمت‌های دارای جبیره کشیده می‌شود و همین اندازه کافی است.



مسح هر دو پا را می‌توان با دست سالم انجام داد.



مسح پای راست با دست راست باندپیچی شده اشکال ندارد.





در صورتی که روی بعضی از انگشتان پا بسته باشد، می‌توان از سر انگشتی که باز است، مسح کرد و تفاوتی هم ندارد که کدام انگشت باشد.



در صورتی که برداشتن جبیره مشکل باشد، شستن جاهای باز کافی است، ولی در صورت امکان باید روی قسمت‌های بسته شده دستِ تر بکشد.

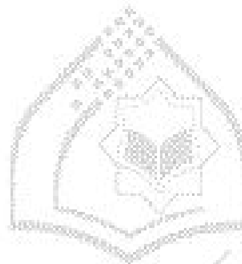


کسی که یک دستش مجروح یا باندپیچی شده است و نیز کسی که یکی از دستانش قطع شده، می‌تواند دست سالم را با بردن زیر شیر آب وضو دهد.

توجه



جبیره در صورت امکان نباید بیش از مقدار لازم را پوشش دهد. با این حال، دقت زیاد برای تعیین محدوده‌ی جبیره لازم نیست و نباید در مورد آن وسواس ورزید. همچنین اگر پزشکِ متخصص و مورد اطمینان تشخیص دهد که برای بهبود بیمار نباید رطوبت به جبیره و اطراف آن برسد، نباید برخلاف نظر او عمل کرد.



وضو با دست مجروح

س . دست کسی مجروح است و باید وضوی جبیره‌ای بگیرد؛ اگر قسمت مجروح را در کیسه‌ی پلاستیکی بگذارد و وضو بگیرد، وضوی او صحیح است؟

اگر طوری بسته شده که جزو جبیره محسوب شود اشکالی ندارد، ولی نباید کیسه‌ی پلاستیکی، قسمت‌های قابل شستن را هم فرا بگیرد و باید با دست دیگر به قصد وضو روی کیسه، دستِ تر بکشد؛ نه آن که آن را مانند قسمت‌های سالم بشوید.

نکته

گاهی هنگام شکستن یک انگشت، برای بهبود آن تمام دست را می‌بندند و باز کردن آن برای وضو زحمت زیادی دارد، در این مواقع باید به احکام وضوی جبیره‌ای مراجعه و عمل شود.

وضو در مواردی که روی اعضا چیزی چسبیده

م . اگر چیزی به اعضای وضو یا غسل چسبیده باشد که برداشتن آن ممکن نباشد یا به قدری زحمت داشته باشد که نتوان آن را تحمّل کرد ـ مانند بعضی از چسب‌های مایع که چسبندگی زیادی دارند ـ باید به دستور جبیره عمل نمود.

نکته

وضو با موی مصنوعی

اگر موی مصنوعی مانند کلاه گیس باشد، برای مسح واجب است آن را بردارد، ولی اگر بر پوست سر کاشته شده باشد و برداشتن آن از جلو سر باعث ضرر و مشقّتی شود که عادتاً قابل تحمّل نیست و نیز با وجود این مو امکان رسیدن رطوبت به پوست سر نباشد، مسح بر روی همین موها کافی است و غسل نیز همین حکم را دارد.



کلاه گیس — موی مصنوعی

وضو با پانسمان روی چشم

س . اگر انسان برای مرضی که در چشم او است، لازم باشد که روی پلک چشم خود را چسب بزند و برداشتن آن هم مشقّت داشته باشد، برای وضو تکلیف او چیست؟

باید وضوی جبیره‌ای بگیرد و بنابر احتیاط تیمّم هم بنماید.

جبیره‌ی روی پا

م . اگر جبیره پهنای روی پا را گرفته، ولی قسمتی از طرف انگشتان یا بالای پا باز است باید در جاهای باز روی پا را و در جاهای دارای جبیره روی جبیره را مسح کند.



قسمتی که باند (جبیره) ندارد، مسح بر روی پوست و قسمتی که جبیره دارد، مسح بر روی جبیره انجام می‌شود.

نکته

مسح کردن عُرفی روی جبیره کافی است و لازم نیست انسان دقّت کند که درون سوراخ‌ها و پرزهای جبیره .که عادتاً رساندن رطوبت به آن قسمت‌ها انسان را دچار مشکل و عُسر و حرج می‌کند؛ مانند میان نخ‌ها و فرو رفتگی‌های ریز باند گچی و پارچه‌ای .هم مسح شود.

نماز با وضو یا غُسل جبیره‌ای

م .کسی که باید با وضو یا غسل جبیره‌ای نماز بخواند، دو صورت دارد:

نماز خواندن با وضو یا غُسل جبیره‌ای	می‌داند که تا آخر وقت نماز، عُذر او برطرف نمی‌شود	می‌تواند نمازش را در اوّل وقت بخواند.
	امید برطرف شدن عُذر تا آخر وقت نماز وجود دارد	بنابر احتیاط واجب باید صبر کند تا اگر عُذر او برطرف نشد، نماز را در آخر وقت با وضو یا غسل جبیره‌ای بخواند.

توجه

امامت جماعت با وضوی جبیره‌ای اشکال ندارد.

فرد ناتوان از وضو، غُسل و تیمّم

م . اگر انسان نتواند برای نماز وضو بگیرد و تیمّم هم ممکن نباشد، وظایفی دارد که در جدول ذیل آمده است:

اگر وضو و تیمّم در وقت نماز ممکن نباشد	بنابر احتیاط واجب باید نماز را در وقت بدون وضو و تیمم بخواند و باید قضای آن را نیز به جا آورد.

- وضو اقسامی دارد: ترتیبی، ارتماسی.
- تفاوت وضوی ترتیبی و ارتماسی فقط در چگونگی شستن صورت و دست‌ها است.
- در وضوی ارتماسی نیز باید ترتیب شستن از بالا به پایین مراعات شود.
- می‌توان در وضو بعضی از اعضا را به صورت ارتماسی و بعضی را غیر ارتماسی شست.
- در شرایط طبیعی نیز می‌توان به جای وضوی ترتیبی، وضو را به صورت ارتماسی انجام داد.
- در وضو به ترتیب، صورت و دست راست و دست چپ شسته می‌شود و سپس سر، پای راست و پای چپ مسح می‌شود.
- لازم نیست نیّت وضو را به زبان جاری کنند، بلکه همین که انسان متوجه باشد وضو می‌گیرد، کافی است.
- در وضو باید صورت از جایی که موی سر روییده تا سر چانه به مقداری که بین شست و انگشت وسط قرار می‌گیرد، شسته شود و دست‌ها نیز از آرنج تا سر انگشتان شسته شود.
- شستن صورت و دست‌ها برای مرتبه‌ی اوّل واجب است و بار دوم جایز و بیش از آن غیرمشروع است.
- سه مرتبه شستن صورت و دست‌ها به قصد وضو مشروع نیست. ولی وضو را باطل نمی‌کند؛ مگر این‌که دست چپ را هم سه مرتبه بشوید که در این صورت وضو را هم باطل می‌کند.
- وضوی زن و مرد در کیفیّت و مقدار واجب آن تفاوتی ندارد.
- اگر در وضو دست‌ها را فقط تا مچ بشویند، وضو باطل است.
- هنگام شستن عضو، اگر آب به بالا حرکت کند، ولی به قصد وضو نباشد، اشکالی ندارد.
- در شستن جاهایی که پوشیده از مو است و زیر آن پیدا نیست، رساندن آب به پوست لازم نیست (شستن ظاهر مو کافی است).
- در صورتی که احتمال عُقلایی در مورد وجود مانع در اعضای وضو دهد، باید قبل از وضو آن را وارسی و برطرف کند.
- رنگ مو، رنگ پوست میوه‌ها و رنگ خودکار اگر جِرم نداشته یا جِرم ضعیفی داشته باشند که مانع رسیدن آب نیست، برای وضو اشکال ندارند.
- وضو با انگشتر یا النگو در صورتی که آب (از بالا به پایین) زیر آنها برود، اشکال ندارد.
- لنز که داخل چشم قرار می‌گیرد، مانع از صحّت وضو و غُسل نیست.
- به مژه نیز باید آب برسد و اگر جِرمی ـ مانند: ریمل ـ روی آن باشد باید برای وضو برطرف شود. (البته در شستن مژه‌ها ـ در شرایط عادی که آرایش ندارند ـ دقت زیاد لازم نیست؛ زیرا آب به راحتی به آن می‌رسد.)
- چربی پماد اگر جِرم دارد و به علت بیماری پوستی، شستن آن برایش مشقّت دارد، باید به دستور جبیره عمل نماید.
- اگر ناخن‌های دست، لاک داشته باشد، وضو صحیح نیست.
- مسح بر موی روغن زده و یا ژل زده در صورتی صحیح است که مانع از رسیدن آب به پوست سر، موها

یا بیخ موها نباشد.

• خال‌کوبی و تاتو (تَتو) که زیر پوست بوده و مانع رسیدن آب به ظاهر پوست نمی‌شود، برای وضو و غسل اشکالی ندارد.
• مسح سر (از درازا و پهنا) به هر اندازه باشد، کافی است.
• مسح پا از سر هر انگشتی باشد، اشکالی ندارد.
• ابتدای محدوده‌ی واجب مسح پا، سر انگشتان است، نه سرناخن‌ها.
• اگر محلّ مسح مرطوب باشد، ولی رطوبت بسیار کم باشد به طوری که معلوم باشد سر یا پا مسح شده است، اشکال ندارد.
• هنگام وضو، تنها لازم است مواضع مسح خشک باشد؛ نه دیگر اعضا.
• در صورت مخلوط شدن تری مسح سر با آب صورت، باید مسح پا را با قسمتی از کف دست که با آب صورت مخلوط نشده، انجام داد.
• بستن شیر آب مرطوب، قبل از شستن دست چپ، اشکال ندارد و بعد از آن اگر آب باقی مانده روی شیر، بر تریِ دست غلبه کند و مسح سر با آن انجام شود، وضو را باطل می‌کند.
• در صورتی که موی سر زیاد بلند نباشد (روی قسمت‌های دیگر سر یا به صورت و شانه‌ها نریزد)، مسح بر موی سر صحیح است.
• کسی که موهای جلو سرش بلند است و آن را بالای سر جمع می‌کند، یا باید بُن موها را مسح کند یا فرق سر را باز کرده، پوست سر را مسح نماید.
• اگر تمام روی پا نجس باشد و نتواند برای مسح، آن را آب بکشد، باید تیمّم کند.
• راه رفتن در بین وضو، در صورتی که جاهای شسته شده‌ی قبلی خشک نشود، اشکالی ندارد.
• بهتر است از کارهایی که حضور قلب را هنگام وضو از بین می‌برد ـ مانند: خوردن و آشامیدن ـ پرهیز شود.
• کمک گرفتن در مقدمات وضو ـ مانند ریختن آب در مشت ـ اشکال ندارد.
• کسی که باید نایب بگیرد، هر کدام از کارهای وضو را که می‌تواند، باید به تنهایی انجام دهد.
• آب وضو باید پاک، مُباح و خالص (مطلق) باشد.
• وضو با آب غصبی باطل است.
• اگر کسی قبل از اذان به قصد قربت و برای این‌که با طهارت باشد، وضو بگیرد، می‌تواند با همان وضو نماز بخواند.
• یک وضو برای کارهای مختلفی که وضو نیاز دارد، کافی است.
• در صورتی که وقت نماز تنگ باشد، اگر برای فردی زمان تیمّم و وضو برابر باشد باید وضو بگیرد.
• اگر زنی در دیدِ نامحرم وضو بگیرد، کار حرامی کرده، ولی وضویش باطل نیست.
• کسی که می‌ترسد اگر وضو بگیرد، تشنه بماند، نباید وضو بگیرد.

- یکی از شرایط صحیح بودن وضو، ضرر نداشتن استفاده از آب است.
- شخصی که سینوزیت دارد، در صورتی که آب گرم برایش ضرری ندارد و تهیه‌ی آن ممکن است باید با آب گرم وضو بگیرد.
- اعضای وضو هنگام شستن و مسح کردن باید پاک باشند.
- به تن داشتن لباس نجس، اگر نجاست آن به اعضای وضو سرایت نکند، برای وضو گرفتن اشکالی ندارد.
- اگر پس از شستن صورت، از دهان یا بینی خون بیاید، وضو صحیح است.
- اگر بعد از وضو، خونی در صورت ببیند و نداند که در بین وضو بوده یا بعداً آمده، وضویش صحیح است.
- اگر بعد از ادرار، استبرا نکند و وضو بگیرد، چنانچه پس از وضو رطوبتی مشکوک از او خارج شود، وضوی او باطل است.
- خارج شدن مذی، وذی و ودی، پس از وضو باطل‌کننده‌ی آن نیست.
- خوابی که به واسطه‌ی آن چشم نبیند و گوش نشنود، وضو را باطل می‌کند.
- چیزهایی که عقل را از بین می‌برد، وضو را باطل می‌کند؛ مانند: مستی، دیوانگی و بیهوشی.
- هر خونی که غیر از حیض، نِفاس، زخم و دُمَل است و از رَحِم زن خارج می‌شود بنابر احتیاط واجب خون استحاضه است.
- مسّ میّت از موجبات غسل است؛ پس وضو را نیز باطل می‌کند.
- مسّ جسد حیوان موجب غسل نمی‌شود؛ از این رو وضو را باطل نمی‌کند.
- برای نمازهای واجب غیر از نماز میّت باید وضو گرفت.
- در نماز میّت، طهارت (وضو یا غسل یا تیمّم بدل از آنها) واجب نیست.
- بنابر احتیاط مستحب، در صورت بُطلان وضو برای سجده‌ی سَهْو وضو گرفته شود.
- برای سجده «آیه‌ی سجده‌دار» وضو و رو به قبله بودن لازم نیست.
- تنها شرط سجده‌ی واجب قرآن این است که بر چیزهایی سجده شود که سجده بر آن صحیح است.
- طواف واجب خانه خدا بدون وضو باطل است.
- مس نمودن نوشته‌ی قرآن بدون وضو حرام است.
- لمس ترجمه‌ی قرآن به هر زبانی اشکال ندارد، مگر ترجمه الله.
- تماس با خط قرآن از روی روکش «یووی» اشکالی ندارد.
- دست زدن به «نوشته‌های قرآنی» روی سنگ قبر، به خط کوفی، نوشته‌ی قرآنی وارونه، کلمات منفی در قرآن ـ مانند: ابلیس ـ و حروف ناخوانای آن ـ مانند: الف در قالوا ـ بدون وضو حرام است.
- چاپ و نشر قرآن و احادیث معصومان علیهم‌السلام در روزنامه‌ها حرام نیست؛ امّا استفاده‌ی نادرست از آنها اشکال دارد.
- سوزاندن آیات قرآن و اسامی مبارک معصومان علیهم‌السلام جایز نیست؛ امّا دفن آنها در جایی که بی‌احترامی

محسوب نشود و در آب انداختن و یا تبدیل آنها به خمیر، برای بازیافت و مانند آن اشکالی ندارد.

- جست‌وجو و بررسی روزنامه‌ها و مجلات و ... برای یافتن آیات و نام‌های مقدّس لازم نیست.
- همراه داشتن انگشتر یا گردن آویزی که روی آن اسامی مبارکه نوشته شده، در دستشویی، اگر بی‌احترامی شمرده نشود، اشکال ندارد.
- کسی که در کارهای وضو زیاد شک می‌کند، نباید به شک خود اعتنا کند.
- اگر انسان شک کند که وضویش باطل شده یا نه، باید بنا را بر این بگذارد که وضوی او باقی است.
- بر فرد وسواسی واجب است مانند افراد عادی و متعارف عمل کند و نباید به شک خود اعتنا نماید.
- اگر بعد از وضو یقین کند که یکی از اعمال وضو را انجام نداده است، در صورتی که مُوالات از بین نرفته، باید محل فراموش شده و بعد از آن را بشوید یا مسح نماید، و اگر مُوالات از بین رفته باید دوباره وضو بگیرد.
- تا زمانی که می‌شود وضوی معمولی گرفت، وضوی جبیره‌ای صحیح نیست.
- شخصی که دستش را گچ گرفته، می‌تواند سر و پاها را با همان رطوبت روی جبیره مسح کند.
- اگر چند جبیره در اعضای وضو باشد، باید بین آنها را شست یا مسح کرد و در قسمت جبیره به دستور آن عمل نمود.
- جبیره نباید بیش از مقدار لازم را بپوشاند.
- کسی که یک دستش مجروح است، می‌تواند دست دیگر را با بردن زیر شیر آب وضو دهد.
- کسی که وظیفه‌اش وضو یا غسل جبیره‌ای است، اگر بداند تا آخر وقت نماز، عُذر او برطرف نمی‌شود، می‌تواند نماز را اوّل وقت بخواند.
- کسی که وظیفه‌اش وضو یا غسل جبیره‌ای است، اگر امید برطرف شدن عُذر تا آخر وقت نماز را دارد، بنابر احتیاط واجب باید صبر کند تا اگر عُذر او برطرف نشد، نماز را در آخر وقت با وضو یا غسل جبیره‌ای بخواند.
- امامت جماعت با وضوی جبیره اشکال ندارد .

غُسل

معنا و اهمیّت غُسل

معنای غُسل

«غسل» در لغت به معنای شستن چیزی برای از بین بردن آلودگی آن است و در اصطلاح احکام عبارت است از: «شستن تمام بدن، از سر تا پا با شرایط و کیفیّت خاص به قصد قربت و اطاعت از فرمان الهی».

اهمیّت غُسل

اسلام برای بهداشت فردی و عمومی و پاکیزه نگه داشتن بدن از آلودگی‌های جسمی و روحی، دستورهایی داده که برخی از آنها مستحب و برخی دیگر واجب است. مسواک زدن، کوتاه کردن ناخن، شستن دست‌ها پیش از غذا، اِستِنشاق، نهی از خوردنی‌های مضرّ و کثیف، پرهیز از پرخوری، نخوردن غذا در بعضی حالات (مانند جنابت)، آداب دست‌شویی، بهداشت مسکن و رعایت نکات بهداشتی در مجامع عمومی، از جمله توصیه‌های بهداشتی اسلام است. در میان این سفارش‌ها دسته‌ای که علاوه بر اقدام شرعی و تعبّدی، جنبه‌ی بهداشتی نیز دارد، واجب شمرده شده است. یکی از این واجبات غسل کردن است.

در بعضی شرایط برای نماز (و هر کاری که نیاز به طهارت دارد) باید غسل کرد. برای مثال: شخصی که جُنُب شده، غسل کردن بر او واجب است. خداوند در قرآن کریم می فرماید: وَإِنْ كُنتُمْ جُنُبًا فَاطَّهَّرُوا.[1] هنگامی که جُنُب شدید، خود را بشویید (غسل دهید).

غسل، عامل طهارت باطنی و ظاهری انسان است و در روایات، فرمان روشن همه‌ی ادیان الهی معرّفی شده است.

در کنار موارد واجب، غسل در شرایطی دیگر، از دستورات مستحب اسلامی است که در برخی زمان‌ها و مکان‌ها یا هنگام انجام عملی خاص توصیه شده است؛ مانند غسل جمعه.

به روشنی پیداست که سفارش به این عمل، با شرایط و احکامی که برای آن وضع شده است، فواید بهداشتی فراوانی دارد و حتی موجب بهبود روابط اجتماعی و ایجاد جامعه‌ای سالم و شاداب می‌شود.

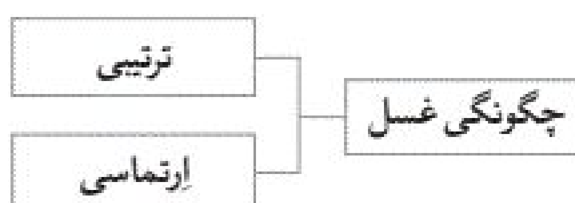
امام صادق علیه السلام درباره‌ی حکمت تشریع غسل جمعه فرمودند: انصار که بر سر چاه‌ها با شتر آب می‌کشیدند و در املاک خود کار می‌کردند، روز جمعه که می‌رسید [برای نماز جمعه] به مسجد می‌آمدند [و بر اثر کثرت کار و عرق‌ریزی] مردم از بوی بدنشان ناراحت می‌شدند؛ آن‌گاه پیامبر صلی الله علیه و آله دستور داد غسل کنند و پس از آن، سنّت اسلام بر این قرار گرفت [که مردم روز جمعه غسل کنند].[2]

۱. مائده(۵): ۶.

۲. بحارالانوار، ج ۷۸، ص ۱۲۴.

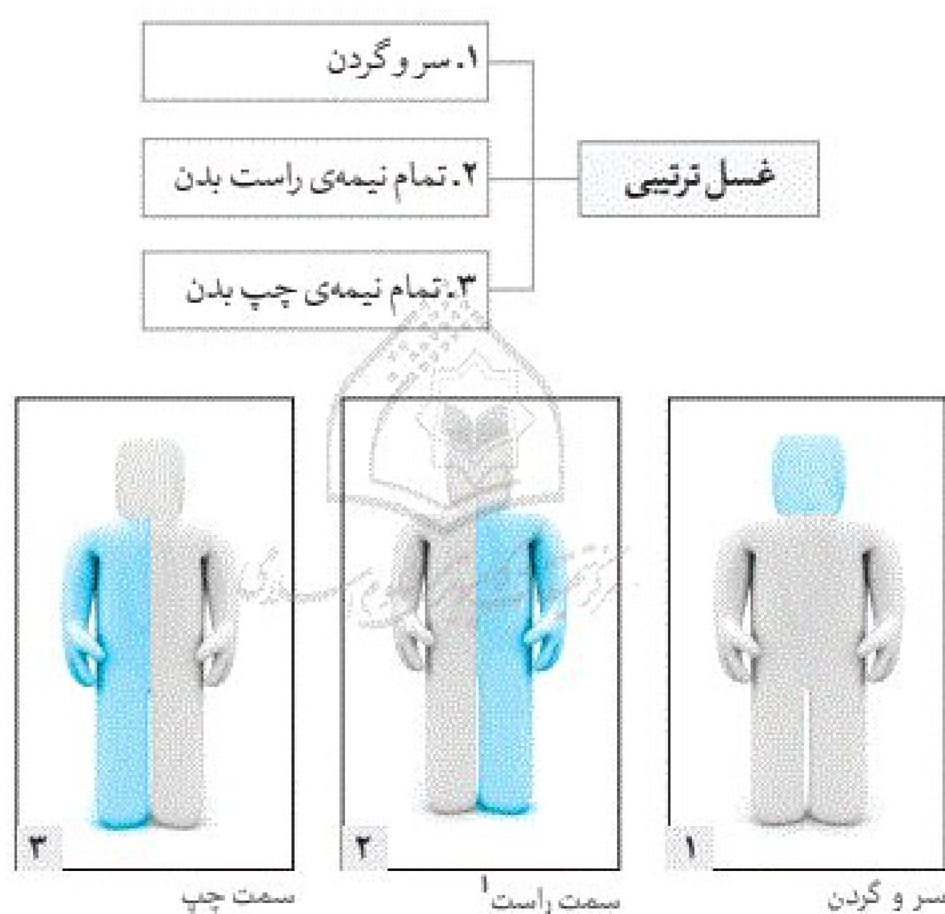
کیفیّت غُسل

م . غسل را به دو گونه می‌توان انجام داد:



غُسل ترتیبی

م . در غسل ترتیبی باید به این ترتیب بدن را شُست:



سر و گردن — سمت راست[1] — سمت چپ

توجه

۱. خیس شدن اعضای دیگر در هنگام غسل اشکالی ندارد. برای مثال اگر هنگام شستن سر و گردن، سمت راست یا چپ بدن، خیس شود، غسل صحیح است.

۲. در غسل ترتیبی بنابر احتیاط واجب بعد از سر و گردن باید اوّل سمت راست بدن را و سپس سمت چپ را به نیّت غسل شُست.

۱. برای سهولت در یادگیری، جهتِ عکس‌ها لحاظ نشده.

غُسل اِرتماسی

۳. غسل ارتماسی به یکی از روش‌های زیر صحیح است:



غسل ارتماسی	
	تمام بدن را یکباره در آب فرو ببرد؛ به طوری که آب به همه جا برسد.
	به تدریج زیر آب برود، که در نهایت تمام بدن در آب قرار گیرد.

نکته

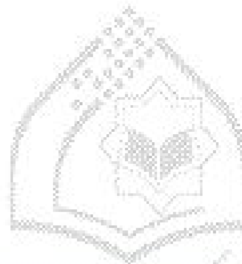




در غسل ارتماسی باید مقدار آب به اندازه‌ای باشد که همه‌ی بدن را فراگیرد؛ از این رو زیر دوشِ حمام نمی‌توان غسل ارتماسی انجام داد.

حتی اگر همه‌ی بدن زیر آب برود، ولی دست‌ها بیرون از آب باشد، غسل ارتماسی باطل است.

دوش گرفتن جای غسل ارتماسی را نمی‌گیرد؛ لذا زیر دوش می‌توان غسل ترتیبی انجام داد.



توجه



بجز مُوالات تمام شرط‌هایی که برای صحیح بودن وضو لازم است (مانند پاک بودن آب، غصبی نبودن آن و مباشرت در وضو) در صحیح بودن غُسل نیز شرط است؛ از این رو برای اطلاع بیشتر، به کتاب رساله‌ی مصوّر عبادات بخش احکام و شرایط وضو مراجعه کنید.

نیّت

اعتبار نیّت در غُسل

م . شرط غسل آن است که به قصد قربت، یعنی برای رضای خدا انجام گیرد و لازم نیست نیّت بر زبان جاری شود یا آن را از قلب بگذراند؛ بلکه تنها باید هنگام غسل توجّه داشته باشد که دارد غسل می‌کند و همین اندازه کافی است که اگر از او بپرسند: «چه می‌کنی؟» بگوید: «دارم غسل می‌کنم».

نیّت چند غُسل با هم

م . کسی‌که چند غسل بر او واجب است، اگر در بین آنها، غسل جنابت باشد و به قصد آن غسل کند، غسل‌های دیگر ساقط می‌شود؛ و در غیر این صورت بنابر احتیاط باید همه‌ی آنها را نیت بکند تا غسلهای دیگر ساقط شود.

فراموش کردن نیّت غُسل

س . کسی که از اوّل، قصد غسل کردن داشته باشد، ولی هنگام شستن، نیّت غسل را فراموش کند و بعد از شستن بدن، نیّت به خاطرش بیاید چه حکمی دارد؟ آیا غسلش صحیح است؟

اگر از نیّت غسل برنگشته باشد، به طوری که هنگام شستن بدن اگر کسی از او می‌پرسید: چه می‌کنی، جواب می‌داد: دارم غسل می‌کنم، غسلش صحیح است.

نکته

غُسل مافی‌الذمّه

اگر بر انسان غسلی واجب شده، ولی عنوان آن را نمی‌داند و یا عنوانش را فراموش کرده است باید به نیّت «آن‌چه بر عهده‌اش آمده» یک غسل انجام دهد که به آن «مافی‌الذمّه» گویند.

تفاوت غُسل با وضو

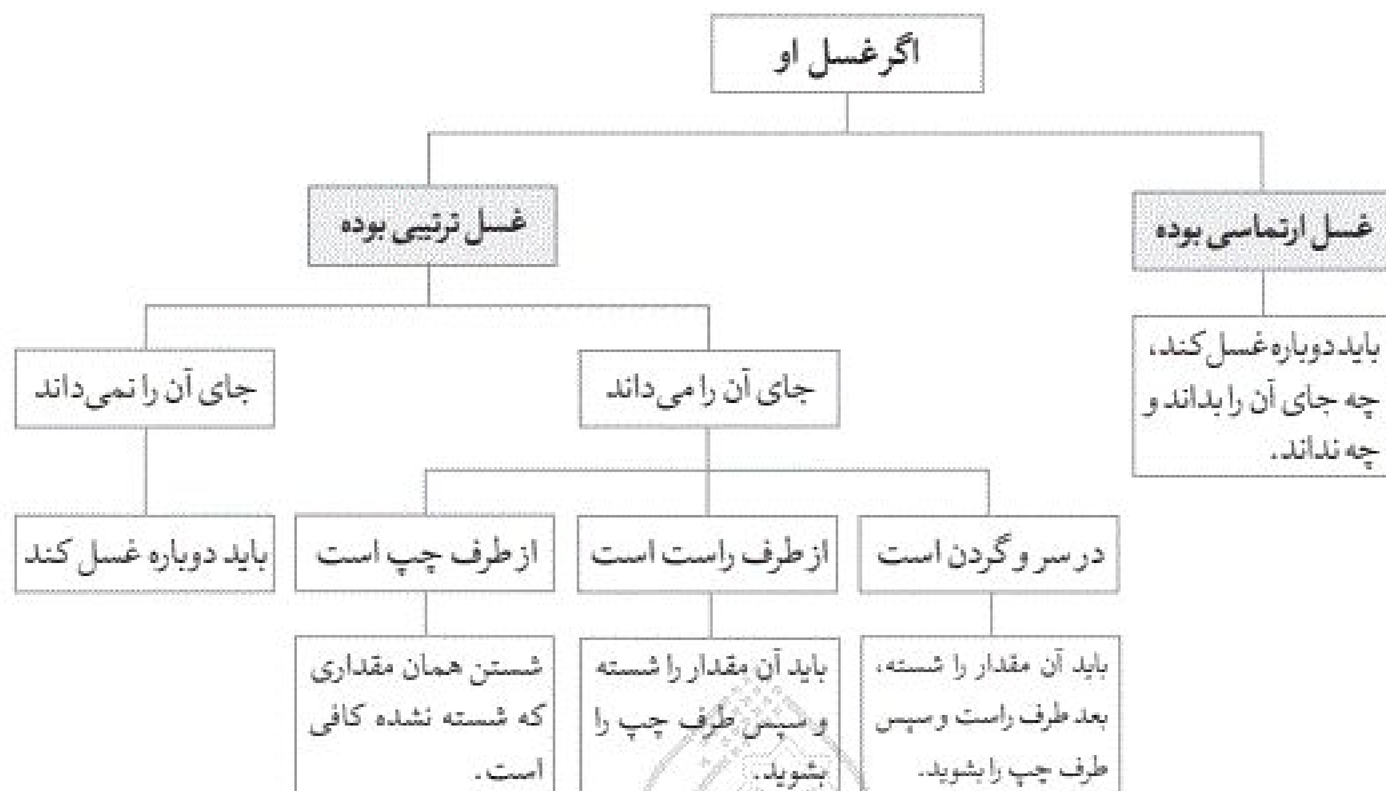
م . در غسل، آب باید به پوست بدن برسد؛ ولی در وضو اگر پوست صورت از لای موها پیدا نباشد، لازم نیست آب به آن برسد.



در غسل، واجب است به پوست زیر موها آب رسانده شود (چه پوست از زیر مو پیدا باشد و یا نباشد).

نرسیدن آب به قسمتی از بدن

م. کسی که بعد از غسل بفهمد آب به قسمتی از بدنش نرسیده، در حالت‌های مختلف وظایفی دارد که در نمودار زیر آمده است:



توجه

اگر مکلّف شک کند در غسل‌هایی که قبلاً انجام داده آب را به کف پاهها رسانده یا خیر چون در هنگام غسلِ طرف چپ و راست بدن، به طور معمولی آب به کف پا نیز می‌رسد؛ از این‌رو در صورت احتمال رسیدن آب به کف پا، غسل‌های گذشته او درست است و لازم نیست نماز و روزه های گذشته را قضا کند.

غُسل با بدن خیس

م. خیس بودن بدن، قبل از غسل اشکالی ندارد و غسل صحیح است.

نکته

هنگام شستن هر یک از قسمت‌های بدن (مانند سر و گردن) لازم نیست طوری آب بریزد یا زیر دوش قرار بگیرد که سایر قسمت‌ها خیس نشود.

رساندن آب به بدن به وسیله‌ی دست

م. برای رساندن آب به بدن، دست کشیدن لازم نیست و آنچه اهمیّت دارد، شستن بدن به هر شکل ممکن است. البته شایسته است از روشی استفاده شود که آبِ کمتری مصرف شود.

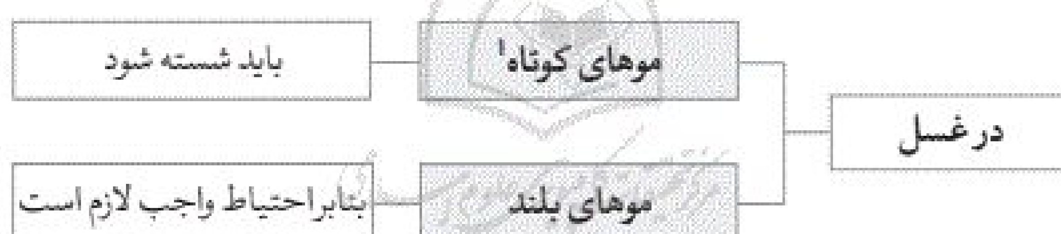
غُسل با پارچه‌ی خیس

م . ملاک، صدق شستن بدن به قصد غسل است و جریان آب بر تمام بدن شرط نیست. [بنابراین اگر کسی برای غسل پارچه‌ای را خیس کند و قدری آب جاری شود و با آن تمام بدنش را به ترتیب، بشوید، کافی است].



شستن موهای بدن

م . در غسل، موهای کوتاه بدن باید شسته شود.



غُسل ارتماسی با لباس

م . غسل ارتماسی معمولاً با لباس مشکل است؛ ولی اگر بدون برهنه کردن بدن، آب به تمام اعضا برسد و شرایطِ غسل ارتماسی رعایت شود، غسل صحیح است.



۱. که جزو بدن حساب می‌شود.

شستن جایی که معلوم نیست از ظاهر است یا باطن

م . شستن جایی از بدن که انسان شک دارد جزو ظاهر بدن است یا باطن بنابر احتیاط لازم است.

وجود مانع

م . چیزی که مانع از رسیدن آب به بدن است، در غسل ارتماسی باید قبل از غسل برطرف شود. و در غسل ترتیبی باید پیش از شستن، مانعِ آن قسمت برطرف شود.

غُسل با انگشتر

م . هنگام غسل اگر انگشتر در دست باشد، درآوردن آن لازم نیست و همین که آب به زیر آن برسد، کافی است.



سختی برطرف کردن مانع

م . اگر در اعضای غسل چیزی چسبیده که برداشتن آن ممکن نیست یا موجب عُسر و حرج است و بر طرف کردن آن، به قدری مشقّت دارد که نمی‌شود تحمّل کرد، باید به دستور جبیره عمل نمود.

نکته

مقصود از «ضرورت» و «عُسر و حَرَج» چیست؟

ضرورت، به معنای ناچاری و نیاز است و موارد آن فرق می‌کند و دارای مراتبی است.

عُسر، به معنای سختی و فشار و دشواری است و درجاتی دارد.

حَرَج، به مفهوم تنگنا و جبر و واداشتن است. «فعل حرجی» یعنی کار طاقت‌فرسا و مشقّت‌دار. حَرَج هم مراتبی دارد. موارد به‌کار بردن این واژه‌ها متفاوت است که باید مورد توجّه قرار گیرد.

غُسل با چرک زیر ناخن

م . اگر ناخن از حدّ معمول بلندتر باشد و زیر همان مقداری که از حدّ معمول بلندتر است، چرکی باشد که مانع رسیدن آب به ناخن است، باید آن را برطرف کند و اگر ناخن بلند نباشد، چرک زیر آن مانعی ندارد.

غُسل با لنز چشمی

م . عینک نامرئی (لنز) که در داخل چشم قرار می‌گیرد، مانع از صحّت وضو و غسل نیست.

شک در وجود مانع

م . اگر پیش از غسل شک کند چیزی مانع از رسیدن آب در بدن او هست یا نه، (چنانچه شک او منشأ عقلایی دارد، مثلاً شغلش نقّاشی یا گچ‌کاری است) باید وارسی کند تا مطمئن شود که مانعی نیست. در غیر این صورت نباید به شک خود اعتنا کند که منجر به وسواس و ارتکاب حرام می‌شود.

خال‌کوبی و غُسل

م . خال‌کوبی اعضا که زیر پوست قرار دارد و مانع رسیدن آب به ظاهر پوست نمی‌شود، برای وضو و غسل اشکالی ندارد.

پاک بودن بدن پیش از غُسل ترتیبی

م . در غسل ترتیبی، پاک بودن تمام بدن قبل از غسل لازم نیست و اگر هر قسمت نجس را پیش از غسل دادن آن آب بکشد، کافی است.

پاک بودن بدن قبل از غُسل ارتماسی

م . در غسل ارتماسی واجب است تمام بدن قبل از غسل پاک باشد.

ترتیب

لزوم رعایت ترتیب در غُسل ترتیبی

م .اگر غسل ترتیبی را برخلاف مراحلی که قبلاً گفته شد، به جا آورد -چه عَمْدی باشد و چه از روی فراموشی و چه به سبب ندانستن مسأله- باطل است.

مُوالات[1]

معتبر نبودن مُوالات در غُسل

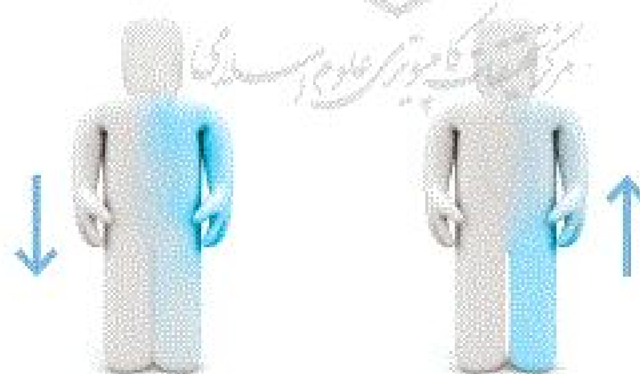
م . در غسل ترتیبی لازم نیست بعد از شستن هر قسمت فوراً قسمت دیگر شسته شود؛ بلکه می‌تواند در بین غسل، مدتی به کار دیگری بپردازد و سپس غسل را از همان جای قبل ادامه دهد.

نکته

حرکت کردن در هنگام غسل اشکالی ندارد.

از بالا به پایین شستن

م . در غسل (برخلاف وضو) شستن بدن از بالا به پایین واجب نیست.



نکته

رو به قبله بودن در غسل واجب نیست.

۱. برای آشنایی با واژگان فقهی به بخش اصطلاح‌نامه رجوع کنید.

حَدَث اصغر در غُسل

م. حدث اصغر (بول کردن یا خروج باد معده) در بین غسل، غسل را باطل نمی‌کند، ولی با آن غسل نمی‌تواند نماز بخواند یا کارهایی انجام دهد که نیاز به وضو دارد؛ بلکه پس از غسل برای این کارها باید وضو بگیرد.

قانون کلی

تمام چیزهایی که غسل را واجب می‌کند، وضو را باطل می‌کند.

نکته

اگر در بین غسل بدن نجس شود، غسل باطل نمی‌شود؛ بلکه فقط باید همان موضع را تطهیر نمود.

شک در غُسل

شک در انجام غُسل یا صحّت آن

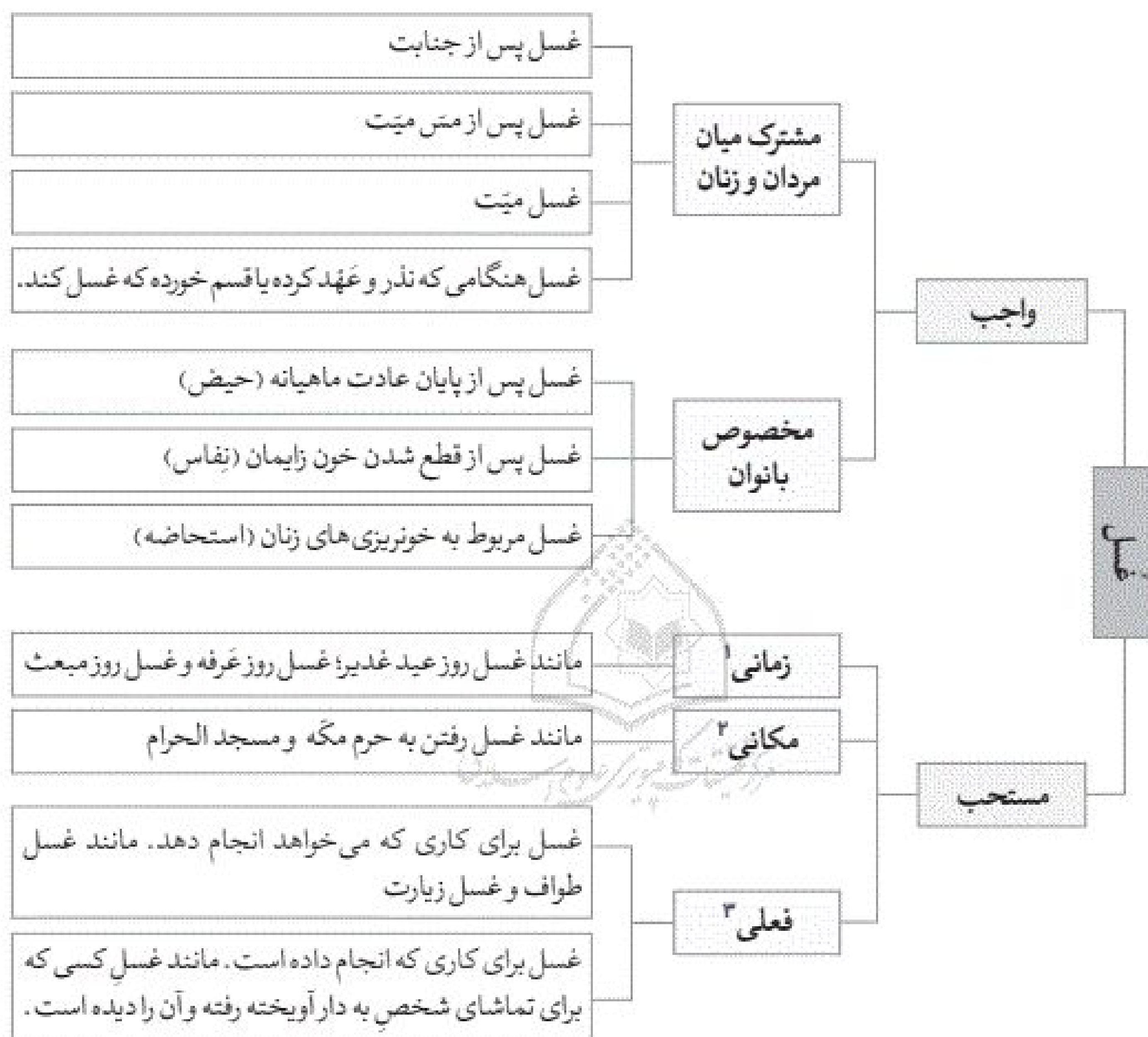
<table dir="rtl">
<tr><td rowspan="7">شک</td><td colspan="2">در انجام غسل[1]</td><td colspan="3">چنان چه نمازی خوانده صحیح است، ولی برای نمازهای بعدی باید غسل کند.</td></tr>
<tr><td rowspan="6">در صحت غسل</td><td>پس از تمام شدن غسل شک کند</td><td>بنا را بر صحت می‌گذارد و به شک اعتنا نمی‌کند.</td><td colspan="2">در صورتی که احتمال می‌دهد غسل را صحیح انجام داده و در وقت غسل متوجّه انجام آنچه که در صحّت غسل معتبر است بوده، به شک خود اعتنا نکند.</td></tr>
<tr><td rowspan="5">در بین غسل شک کند</td><td>در شستن مقداری از طرف چپ شک کند</td><td colspan="2">شستن همان مقدار کافی است.</td></tr>
<tr><td rowspan="2">در شستن مقداری از طرف راست بدن، شک کند</td><td>مشغول شستن طرف چپ شده</td><td>به شک خود اعتنا نکند.</td></tr>
<tr><td>مشغول شستن طرف چپ نشده</td><td>باید آن مقدار را شسته و سپس طرف چپ بدن را بشوید.</td></tr>
<tr><td rowspan="2">در شستن مقداری از سر و گردن، شک کند</td><td>مشغول شستن طرف راست شده</td><td>به شک خود اعتنا نکند.</td></tr>
<tr><td>مشغول شستن طرف راست نشده</td><td>باید آن مقدار را بشوید و سپس طرف راست و چپ بدن را بشوید.</td></tr>
</table>

۱. نمی‌داند غسل کرده یا نه.

اقسام غُسل

غُسل‌های واجب و مستحب

م .غسل‌ها از نظر حکم شرعی به دو دسته تقسیم می‌شوند:



نکته

تعداد غسل‌های مستحب زیاد است و بعضی تا صد غسلِ مستحب شمرده‌اند.

توجه

کیفیّت انجام همه‌ی غسل‌ها، چه واجب باشند و چه مستحب، به یک شکل است و هیچ تفاوتی با هم ندارند، جز در نیّت.

۱. غسلی که برای زمان خاصی مستحب است.
۲. غسلی که به جهت رفتن به مکان معیّنی مستحب می‌شود.
۳. غسلی که برای انجام کار خاصی مستحب است.

غُسل جمعه

م . از میان غسل‌های مستحب، غسل جمعه از مهم‌ترین آنهاست که در بسیاری روایات معصومین علیهم‌السلام بر آن تأکید شده است.

وقت غسل جمعه از اذان صبح است تا ظهر، و بهتر است نزدیک ظهر به‌جا آورده شود و اگر تا ظهر انجام ندهد بهتر است که بدون نیت ادا و قضا تا عصر جمعه به‌جا آورد و اگر در روز جمعه غسل نکند مستحب است از صبح شنبه تا غروب قضای آن را به‌جا آورد.



غُسل جنابت

عوامل وقوع جنابت

م . جُنُب شدن دو عامل دارد:



م . در دو مورد زیر، غسل بر انسان واجب نیست:

۱. اگر مَنی از جای خود حرکت کند، ولی بیرون نیاید.

۲. انسان شک کند که مَنی از او بیرون آمده یا نه.

نکته

۱. غسل جنابت به خودی خود پس از جنابت و بدون در نظر داشتن کارهای مذکور مستحب است و برای خواندن نماز واجب و برخی از اعمال واجب می‌شود؛ لذا واجب فوری نیست.

۲. کسی که غسل جنابت انجام داده، تا زمانی که یکی از مُبطلات وضو رخ ندهد، می‌تواند با آن نماز بخواند.

۳. برای نماز میّت، سجده‌ی شکر و سجده‌های واجب قرآن، غسل جنابت واجب نیست.

آمیزش منجر به غسل

م. اگر انسان نزدیکی کند و به اندازه‌ی ختنه‌گاه یا بیشتر از آن داخل شود، چه در زن باشد یا مرد، در قُبُل (فرج) باشد یا در دُبُر (مخرج)، حتّی اگر مَنی هم خارج نشود، هر دو جُنُب می‌شوند.

توجه

۱. اگر شک کند به مقدار ختنه‌گاه داخل شده است یا نه، غسل بر او واجب نیست.

۲. در انجام معاینات داخلی با وسایل پزشکی، تا زمانی که منی خارج نشود، غسل واجب نیست.

۳. اگر کسی چند بار جُنُب شود و غسل نکند، با انجام یک غسل از همه‌ی آنها پاک می‌شود (لازم نیست به تعداد جنابت‌ها غسل کند).

نزدیکی با وجود ناتوانی از غُسل

م. کسی که نمی‌تواند غسل کند، ولی قادر به تیمّم است، می‌تواند با همسر خود نزدیکی کند؛ خواه بعد از رسیدن وقت نماز باشد یا قبل از آن.

نزدیکی با وجود ناتوانی از تیمّم

م. اگر کسی نمی‌تواند غسل و تیمّم کند، بعد از داخل شدن در وقت نماز نباید با همسر خود نزدیکی کند، مگر آن که بترسد به گناه بیفتد.

نکته

تفاوتی ندارد که منی در خواب بیرون بیاید یا در بیداری، کم باشد یا زیاد، با شهوت باشد یا بدون شهوت، با اختیار باشد یا بی‌اختیار؛ و در هر صورت موجب غسل می‌شود.

اِستمنا

حکم استمنا

م. خودارضایی و برانگیختن شهوت، [چه زن چه مرد]حرام است؛ حتّی اگر به حدّ خروج مَنی نرسد؛ البته در صورتی‌که مَنی خارج نشود، غسل واجب نمی‌شود.

توجه

«استمنا» آن است که انسان با خود یا دیگری کاری کند که از او منی بیرون آید و در هیچ شرایطی جایز نیست.

کسی که شرایط ازدواج برایش فراهم نیست و از نظر غریزه‌ی جنسی در سختی به سر می‌برد، به این بهانه نمی‌تواند دست به «خودارضایی» بزند. بنابراین اگر بر اثر نگاه به نامحرم و مناظر شهوت‌انگیز، دیدن عکس ها و فیلم های مبتذل، خواندن داستان و مطالب جنسی، گوش دادن به موسیقی مبتذل و... شهوت بر او غالب شود، مرتکب گناه بزرگی شده است.

نکته

گاهی پزشکان متخصص برای تشخیص توانایی مرد در تولید مثل یا به منظور لقاح مصنوعی و مانند آن، از بیمار میخواهند که منی خود را با عمل استمنا گرفته و در اختیار آنان قرار دهد تا آزمایش‌هایی بر روی آن انجام دهند. در چنین مواردی نیز واجب است استمنا و خروج منی به وسیله‌ی همسر انجام شود، نه با تحریک اعضا توسط خود شخص.

دانستنی

فلسفه‌ی حُرمَت اِستمنا [حرام بودن استمنا]

از امام صادق ؑ درباره‌ی حرمت استمنا و خودارضایی پرسش شد. حضرت فرمودند: «گناهی بزرگ است و خداوند در کتاب خود از این عمل نهی فرموده است. کسی که به این عمل دست می‌زند، گویی با خود ازدواج کرده است! و اگر از کار وی آگاه شوم، با وی غذا نمی‌خورم.»[1]

حرمت استمنا تنها به سبب آثار و زیان‌های جسمانی آن نیست؛ بلکه حکمت های دیگری نیز دارد که از ما پنهان است.

پاره ای از زیان‌های جسمانی، روانی و اجتماعی استمنا عبارتند از:

۱. خستگی و کوفتگی

۲. عدمِ تمرکز حواس

۳. ضعف حافظه و بینایی

۴. استرس و اضطراب

۵. حساسیت بیش از حدّ و زودرنجی

۶. احساس طرد شدن



۷. کمر درد

۸. ریزش مو

۹. ناتوانی جنسی زودرس در جوانی

۱۰. بی‌خوابی و بدخوابی و مشکلات مشابه

۱۱. اِنزال زودرس و غیرارادی و خروج مَنی به صورت قطره قطره

۱۲. بی‌میلی به همسر و ازدواج، ناتوانی در ارتباط با همسر.

خروج مَنی با دست همسر

س. آیا تحریک با دست همسر، به قصد خارج کردن مَنی جایز است؟
آری، به وسیله‌ی بدن همسر جایز است.

۱. وسایل الشیعه (آل البیت)، ج ۲۸، ص ۳۶۴.

احکام جُنُب

کارهایی که بر جُنُب حرام است

۱. مسّ خط قرآن، اسما و صفات مخصوص ذات باری تعالی	
۲. مسّ نامهای پیامبران و امامان علیهم‌السلام	بنابراحتیاط واجب
۳. عبور از مسجدالحرام و مسجدالنّبی صلی‌الله‌علیه‌وآله	حتی اگر از یک در داخل و از در دیگر خارج شود.
۴. توقف در مساجد یا گذاشتن چیزی در آنها	تکیه‌ها و حسینیه‌ها حکم مسجد را ندارند.
۵. توقف در حرم امامان معصوم علیهم‌السلام (بنابراحتیاط واجب)	حرم امام زادگان علیهم‌السلام اشکالی ندارد.
۶. خواندن خصوص آیات سجده	سایر آیات از این سوره‌ها اشکال ندارد.

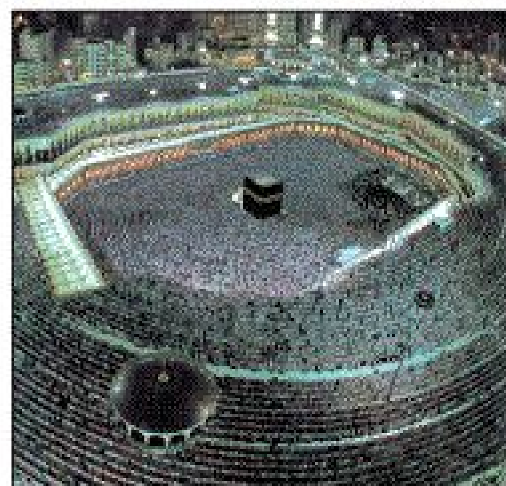
رساندن عضوی از بدن به خطّ قرآن و نام خدا

م .رساندن عضوی از بدن به خطّ قرآن و نام خدای متعال و صفات مخصوص باری تعالی حرام است. اسامی مبارک پیامبران و امامان علیهم‌السلام نیز بنابر احتیاط واجب حکم نام خدای متعال را دارد.



عبور از مسجدالحرام و مسجدالنّبی صلی‌الله‌علیه‌وآله

م . ورود به مسجدالحرام یا مسجدالنّبی صلی‌الله‌علیه‌وآله حتّی اگر از یک در داخل شود و از در دیگر بیرون برود حرام است.





توقف در مساجد یا گذاشتن چیزی در آنها

م. توقف در سایر مساجد و گذاشتن چیزی در آن ها برای جُنُب حرام است، ولی اگر از یک در وارد و از در دیگر خارج شود مانع ندارد.

توجه

تکیه‌ها، حسینیّه‌ها، مهدیّه، نمازخانه و از این قبیل مکان‌ها حکم مسجد را ندارند.

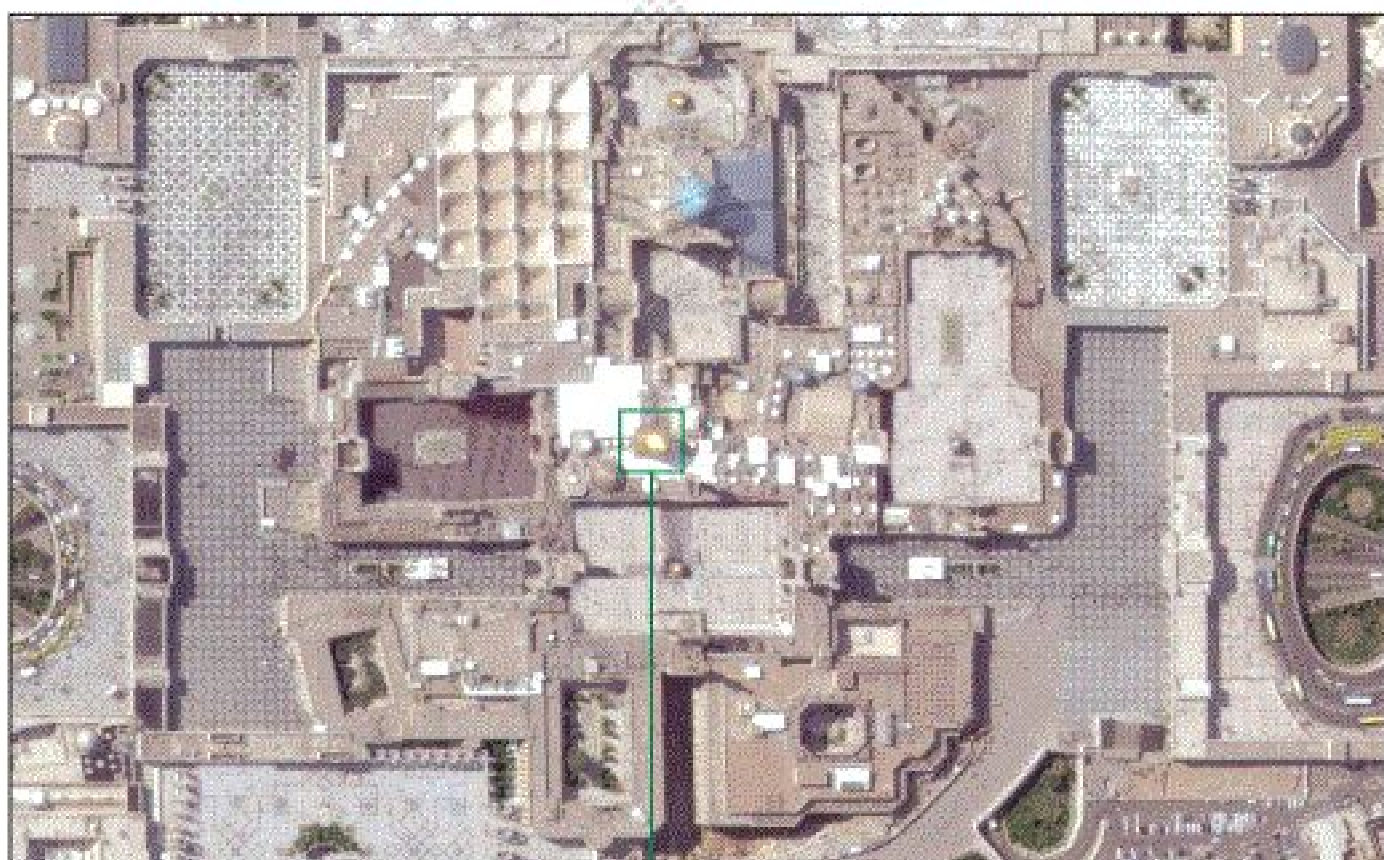
توقف در حرم امامان علیهم‌السلام

م. ایستادن و توقف و مکث کردنِ فرد جُنُب، حایِض و نَفَسا در حرم امامان معصوم علیهم‌السلام بنا بر احتیاط واجب جایز نیست.

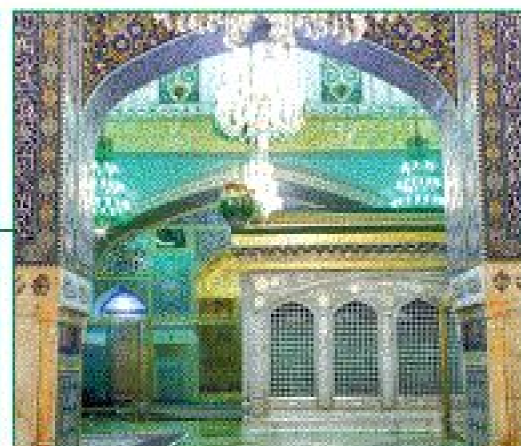
نکته

۱. در بعضی از نقاط اطرافِ حرمِ امامان معصوم علیهم‌السلام مساجدی وجود دارد که به جهت مسجد بودن، توقف جُنُب، حایض و نفَسا در آنها جایز نیست.

۲. مقصود از حرم، زیر گنبد و اطراف ضریح است؛ بنابراین توقف این اشخاص در رواق‌ها اشکالی ندارد.







محدوده‌ی زیر گنبد و اطراف ضریح مطهّر که توقف در آن برای جُنُب، حایض و نفَسا مجاز نیست.

خواندن آیات سجده‌دار

م. از جمله کارهایی که بر جُنُب حرام می‌باشد، خواندن آیاتی است که سجده‌ی واجب دارند، ولی خواندن سایر آیات از این سوره‌ها اشکال ندارد.

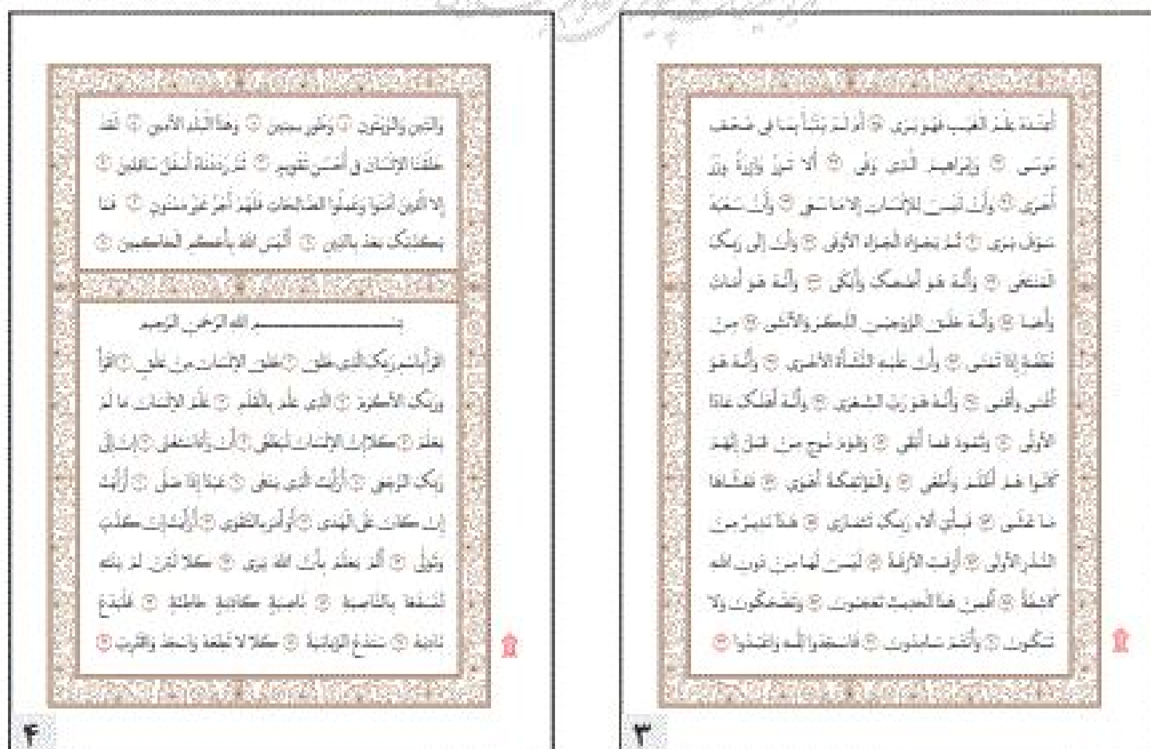
نکته

آیاتی که سجده‌ی واجب دارند:



۱ سوره‌ی سَجده، آیه‌ی ۱۵

۲ سوره‌ی فُصِّلَت، آیه‌ی ۳۷



۳ سوره‌ی نَجم، آیه‌ی ۶۲

۴ سوره‌ی عَلَق، آیه‌ی ۱۹

توجه

در حال جنابت، مجرّد خطور آیات قرآن به ذهن اشکالی ندارد.

کارهای مکروه برای جُنُب

م. ۹ چیز بر شخص جُنُب مکروه است:

کارهای مکروه برای جنب
خوردن [ولی اگر وضو بگیرد، مکروه نیست]
آشامیدن [ولی اگر وضو بگیرد، مکروه نیست]
خوابیدن [ولی اگر وضو بگیرد، مکروه نیست]
همراه داشتن قرآن
مالیدن روغن به بدن
آمیزش (جماع)
خضاب با حنا و مانند آن
تماس بدن با جلد یا حاشیه‌ی قرآن
خواندن بیشتر از هفت آیه

غُسل جنابت برای کارهای نیازمند به وضو

م. غسل جنابت تنها برای نماز و کارهایی که در آن، وضو داشتن (طهارت) شرط است، واجب می‌شود.

م. کسی‌که غسل جنابت کرده نباید برای نماز و سایر کارهایی که نیاز به وضو دارد ـ مانند مسّ قرآن کریم ـ وضو بگیرد.

توجه

اگر کسی بعد از غُسل جنابت، عَمداً برای نماز وضو بگیرد، کار حرامی مرتکب شده، ولی نمازش صحیح است. اگر بعد از تمام شدن غسل، بول خارج شود، غسل صحیح است، ولی برای نماز باید وضو گرفت.

نماز خواندن با سایر غُسل‌ها

م. با غسل‌های دیگر (چه واجب، چه مستحب) نمی‌توان نماز خواند و باید وضو گرفت.

سهل‌انگاری در انجام غُسل‌های واجب

م. اگر مُکَلَّف در انجام غسلی اهمال و سستی نموده، باید نمازها و روزه‌هایش را قضا کند و روزه‌اش علاوه بر آن، کفّاره هم دارد. همچنین اگر در اثر ندانستن مسئله، غسل نکرده، باید نمازهایش را قضا نماید و روزه‌هایش فقط قضا دارد. ولی کسی که اصلاً نمی‌دانسته جنابت چیست و جُنُب کیست (یعنی غافل بوده)، روزه‌هایش صحیح است.

تأخیر غُسل جنابت تا تنگ شدن وقت نماز

م. اگر جُنب نماز خود را به تأخیر اندازد تا وقت تنگ شود، گناه کرده است و در این صورت باید تیمّم کند و نماز خود را بخواند و نمازش صحیح است.

خجالت در غُسل کردن

م. در انجام تکلیف شرعی، حیا و خجالت معنا ندارد و این موضوع عُذر شرعی برای ترک واجب نیست. البته اگر غسل جنابت واقعاً امکان ندارد، وظیفه‌ی مُکَلَّف برای نماز و روزه، تیمم بدل از غسل است.

غُسل جنابت در حال حیض

م. بنابر احتیاط واجب، غسل جنابت در حال حیض صحیح نیست.

غُسل جنابت قبل از وقت نماز

م. انجام غسل جنابت، قبل از داخل شدن وقت نماز مانعی ندارد.

نکته

غسل جنابت، تنها برای نماز و کارهایی که در آن طهارت شرط است، واجب می‌شود و فردی که جُنُب شده، لازم نیست فوراً غسل کند؛ هر چند انجام غسل جنابت به خودی خود مستحب است و بهتر است فردی که جُنُب شده، به این حالت باقی نماند.

اِستبرا قبل از غُسل جنابت

اِستبرا به بول (پیش از غُسل جنابت)

م. مستحب است انسان پس از بیرون آمدن مَنی، بول کند و اگر چنین نکند و بعد از غسل، رطوبتی از او بیرون بیاید که نداند مَنی است یا رطوبتی دیگر، حکم مَنی را دارد. (به این کار در اصطلاح، استبرا به بول گویند) ولی اگر پیش از غسل بول کرده باشد یا از زمان جنابت فاصله زیادی گذشته باشد و رطوبتی بیرون آید که نداند چیست، پاک است و غسل ندارد.

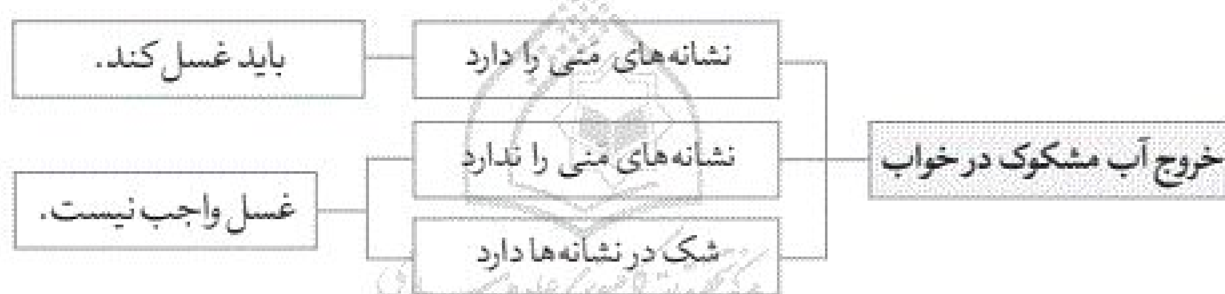
راه تشخیص مَنی

م . رطوبت خارج شده از مرد (سالم) اگر همراه با شهوت، جَستن و سست شدن بدن باشد، حکم مَنی را دارد، و اگر آبی خارج شود که نداند مَنی است یا نه و علایم سه‌گانه یا یکی از آنها را نداشته باشد، حکم مَنی را ندارد.



خروج آب مشکوک در خواب

م . مایعی که در خواب از انسان خارج می‌شود و نداند چیست:



رطوبت‌های بانوان

م . اگر زن به اوج لذّت جنسی برسد و در آن حال، مایعی از او خارج شود، جنابت محقّق شده و غسل بر او واجب می‌شود.

توجه

اگر زن شک کند که جُنُب شده است یا نه، غسل بر او واجب نیست.

رطوبت بر اثر خواندن مطالب یا دیدن تصویر

س . آبی که هنگام خواندن مطالب مهیّج یا دیدن تصاویر تحریک کننده از انسان خارج می‌شود، چه حکمی دارد؟

اگر یقین کند که مَنی است یا نشانه‌های مَنی را داشته باشد، غسل واجب می‌شود؛ و در صورت شک، پاک است و غسل ندارد.

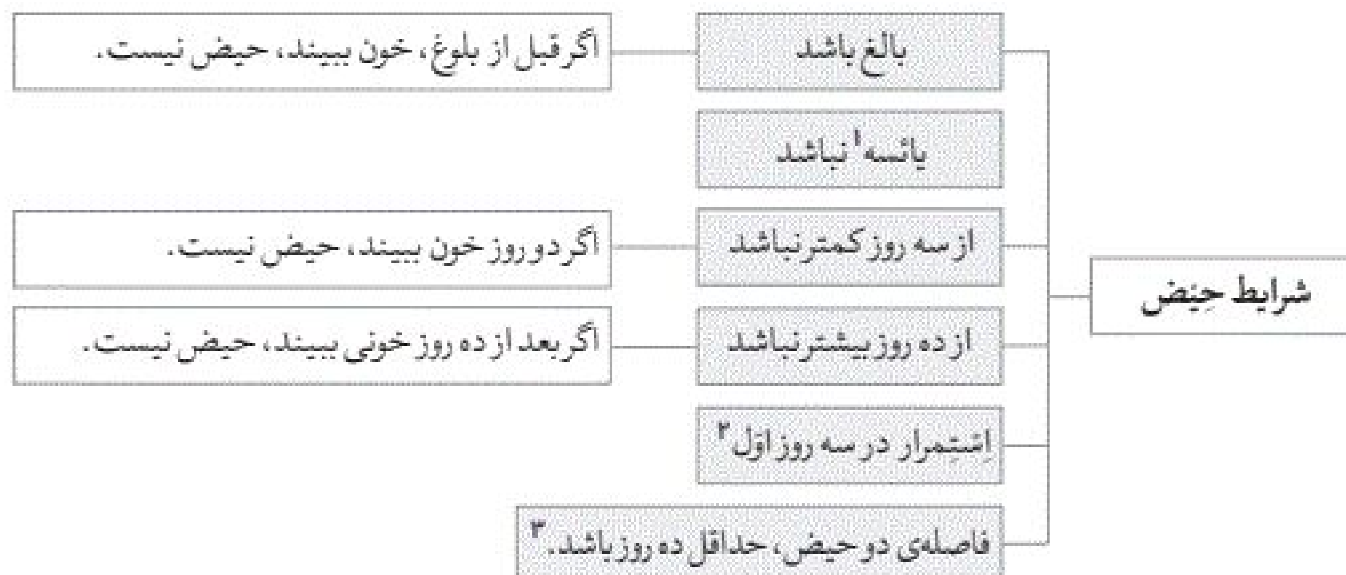
نکته

خواندن داستان‌ها و مطالبی که باعث تحریک شهوت گردد، حرام است.

حِیض

شرایط حیض

م. خونی که زن می‌بیند، با شرایط زیر حیض است و گرنه حیض نیست:



غُسل حیض

م. بعد از آن که زن از خون حیض پاک شد، واجب است برای نماز و عبادت‌های دیگری که باید با طهارت به‌جا آورده شود، غسل کند و دستور آن مثل غسل جنابت است که می‌توان به صورت ترتیبی و ارتماسی انجام داد.[تمام کارهایی که بر جنب حرام است بر زن حایض نیز حرام است].

وارسی

م. اگر زن از خون حیض پاک شود، ولی احتمال دهد که در داخل خون وجود دارد، باید وارسی کند؛ به این صورت که مقداری پنبه و مانند آن را داخل فرج کند و کمی صبر نماید و بیرون آورد. در این صورت چند حالت پیش می‌آید:

الف) اگر پاک بود، غسل کند و عبادتش را به جا آورد.

ب) اگر پاک نبود (هر چند خون کم رنگ وجود داشته باشد) دو صورت دارد:

۱. در حیض عادت ندارد یا عادتش ده روز است؛ باید صبر کند که اگر پیش از ده روز پاک شد، غسل کند و اگر سر ده روز پاک شد یا خون از ده روز گذشت، سر ده روز غسل کند.

۲. عادتش کمتر از ده روز است و می‌داند پیش از ده روز یا سر ده روز پاک می‌شود؛ نباید غسل کند.

توجه

زن حایض برای نماز باید پیش از غسل حیض یا پس از آن، وضو هم بگیرد و اگر پیش از غسل وضو بگیرد، بهتر است.

۱. زنی که سنّش به حدّی رسیده که دیگر عادت ماهیانه نمی‌شود یائسه می‌گویند. [برای آشنایی با واژگان فقهی به بخش اصطلاح‌نامه رجوع کنید].

۲. اگر دو روز خون ببیند و یک روز قطع شود و دوباره یک روز خون ببیند یا صرفاً لکه دیده شود، حیض نیست.

۳. اگر از حیض اول ده روز نگذشته باشد و دوباره خون ببیند، حیض نیست؛ مگر این که خون اول و دوم و پاکی وسط، مجموعاً بیش از ده روز نشود.

غُسل نِفاس

م. وقتی زن از خون نِفاس پاک می‌شود، باید برای کارهایی که نیاز به طهارت دارد غسل کند.

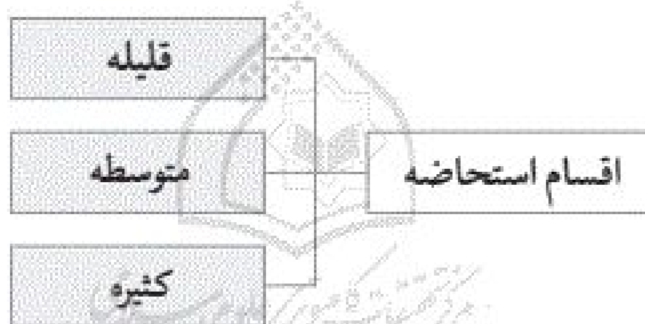
توجه

۱. از وقتی که اوّلین جزء بچه، از شکم مادر بیرون می‌آید، هر خونی که زن می‌بیند، خون نفاس است و زن را در حال نفاس، «نفَسا» می‌گویند.

۲. خون نفاس بیش از ده روز نخواهد بود، لذا اگر خونریزی زایمان قبل از ده روز یا سر ده روز قطع شود، زن باید غسل کند و عبادت‌های خود را بجا آورد و اگر پس از ده روز ادامه پیدا کند، بعد از آن نفاس نیست.

غُسل اِستحاضه

م. اگر زن پیش از نماز یا بین نماز، خون استحاضه‌ی متوسطه یا کثیره ببیند باید برای نماز غسل کند و وضو هم بگیرد؛ و اگر بخواهد پیش از وقت نماز، جایی از بدن خود را به خط قرآن برساند، باید غسل کند و وضو هم بگیرد.



توجه

مستحاضه‌ی متوسطه و کثیره اگر پیش از داخل شدن در وقت نماز برای نماز غسل کند، غسل او باطل است؛ بلکه اگر نزدیک اذان صبح برای نماز شب غسل کند و نماز شب بخواند، احتیاط واجب آن است که بعد از داخل شدن صبح، دوباره برای نماز، غسل و وضو را به جا آورد.

م. اگر در استحاضه‌ی کثیره، بین نمازها فاصله بیندازد، قبل از هر نماز واجب باید غسل کند.

م. اگر پیش از هر نماز، خون مستحاضه‌ی کثیره قطع شود و دوباره بیاید، برای هر نماز باید یک غسل به‌جا آورد، ولی اگر بعد از غسل و پیش از نماز قطع شود، چنان‌چه وقت تنگ باشد که نتواند غسل کند و نماز را در وقت بخواند، با همان غسل می‌تواند نماز را بخواند و حکم وضو نیز همین‌طور است.

غُسل مسّ میّت

م .اگر کسی بدن مرده‌ای را که سرد شده، ولی هنوز غسل داده نشده، لمس کند، یا جایی از دست و پا و صورت و دیگر اعضای خود را به هر جایی از بدن او برساند، باید برای نماز و مانند آن غسل کند. به این عمل، غسل «مسّ میّت» می‌گویند.

نکته

کسی که به بدن میّت، قبل از غسل دادن آن دست بزند، یا لباسش با بدن میّت، تماس بگیرد، اگر دست یا لباسش یا بدن میّت مرطوب (رطوبت سرایت کننده) باشد، نجس می‌شود و باید محل تماس را تطهیر کند.

مواردی که مسّ میّت موجب غُسل نمی‌شود

م . مواردی که مسّ بدن انسان مرده، موجب غسل نمی‌شود:

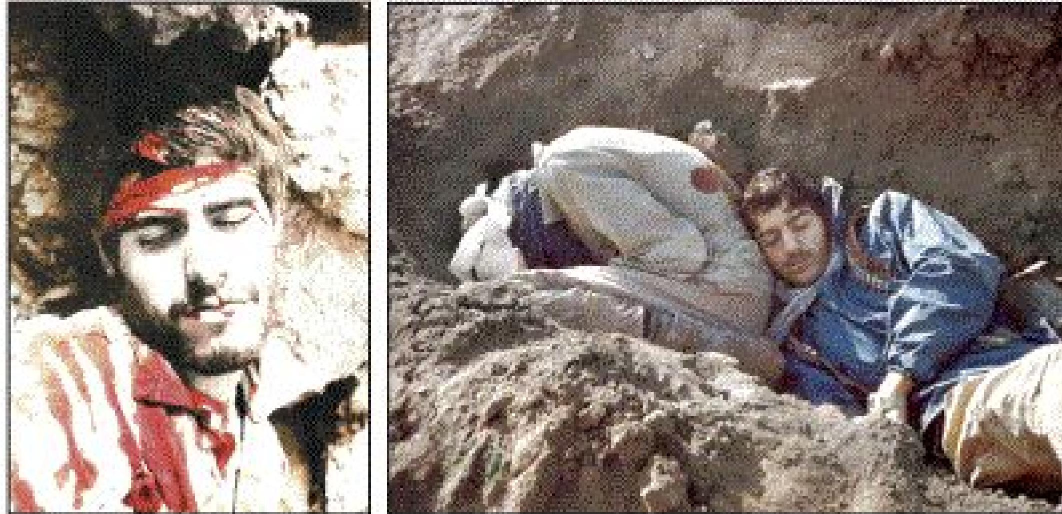
۱. کسی که در میدان جنگ به شهادت رسیده است.
۲. مرده‌ای که هنوز بدنش سرد نشده است.
۳. مرده‌ای که سه غسلش را انجام داده‌اند.
۴. رساندن مو به بدن میّت
۵. رساندن بدن به موی میّت
۶. رساندن مو به موی میّت

مسّ میّت غیر مسلمان

م .غسل مسّ میّت واجب است و فرقی میان میّت مسلمان و غیر مسلمان نیست؛ مگر آن که بدانند میّتِ مسلمانی است که آن را غسل داده اند.

تماس با بدن مبارک شهید

م. شهید معرکه‌ی جنگ، غُسل ندارد و دست زدن به او موجب غسل مسّ میّت نمی‌شود.



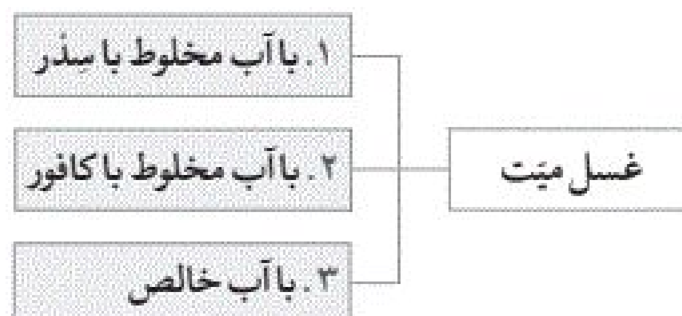
شک در غُسل دادن میّت

م. اگر شک کنیم میّتی را غسل داده‌اند یا نه، با مسّ جسد یا اجزای آن (البته پس از سرد شدن) غسل مسّ میّت واجب می‌شود؛ ولی اگر معلوم شود میّت را غسل داده اند، با تماس، غسل مسّ میّت واجب نمی‌شود؛ حتّی اگر در صحّت غسل آن میّت شک داشته باشیم.

غُسل میّت

حکم غُسل میّت

م. واجب است میّت را به ترتیب، سه غسل بدهند:



توجه

کیفیّت غسل میّت مانند غسل جنابت است؛ ولی بنابر احتیاط واجب، تا غسل ترتیبی ممکن است، میّت را به صورت ارتماسی غسل ندهند.

اجزای جدا شده از میّت

اجزای بدون استخوان

م . جزء جدا شده از بدن انسان مرده، اگر استخوان ندارد (قطعه‌ای گوشت یا عضوی مانند کلیه و...) غسل آن واجب نیست.

لمس استخوان بدون گوشت

م .مسّ استخوانی که از مرده‌ای که غسلش نداده‌اند جدا شده باشد، موجب غسل می‌شود.

رو به قبله نمودن مُحْتَضَر

م . شایسته است که شخص مسلمان را در حال احتضار به پشت و به سمت قبله بخوابانند، بطوری که کف پای او به جانب قبله باشد. بسیاری از فقها این عمل را بر خود محتضر .در صورتی که قادر باشد .و بر دیگران واجب دانسته‌اند و احتیاط در انجام آن ترک نشود.

اِقرار و تلقین مُحْتَضَر



م . مستحب است شهادتین و اقرار به دوازده امام علیهم‌السلام و سایر عقاید حَقّه را به شخص در حال جان دادن طوری تلقین کنند که بفهمد، و مستحب است چیزهایی که گفته شد، تا وقت مرگ تکرار شود.

آن سیّد مرا غُسل بدهد

مرحوم سیّد بحرالعلوم رحمه‌الله در مکّه به کتابخانه‌ی یک قاضی اهل سنّت وارد شد و فرمود: چه کتاب‌هایی در این جا وجود دارد؟

او جواب داد: «فِيهَا مَا تَشْتَهِيهِ الْأَنْفُسُ»[1] [دربهشت آنچه دلها آن را بخواهند هست]

سیّد فرمود: فلان کتاب را دارید؟ وی گفت: خیر. به همین ترتیب برای نقضِ سخنِ او تا هفت کتاب را نام برد و او گفت: ندارم. بعد کتابی را از او خواست و وی آورد.

سیّد کتاب را چند ورق زد و نشانه‌ای لای آن گذاشت و چند ورق دیگر زد و نشانه ی دیگری گذاشت و همین‌طور گویا از آغاز تا پایان کتاب به صفحات آن احاطه داشت.

آن شخص بعد از رفتن سیّد دید در صفحاتی که نشانه گذاشته، روایات و نصوصی است که بر خلافت امیرمؤمنان حضرت علی علیه‌السلام دلالت می‌کند.

سرانجام آن قاضیِ سنّی گفت: «هنگام مرگ، آن سیّد مرا غسل بدهد»؛ یعنی بنا به مَسلَک و مذهب سیّد غسل دهید. از این‌جا معلوم شد که مُستَبصِر (راه یافته به مذهب تشیّع) شده است.[2]

1. زخرف(۴۳): ۷۱.

2. ر.ک: در محضر حضرت آیت‌الله العظمی بهجت، ص ۱۷۸؛ به نقل از معظم له.

غُسل جبیره‌ای

حکم غُسل جبیره

م . اگر یکی از موارد غسل، از کسی‌که در بخشی از بدنش جبیره است، سر بزند (مثلاً کسی‌که قسمتی از بدنش باندپیچی شده، جُنُب شود)، باید غسل جبیره‌ای انجام دهد. و بنابر احتیاط واجب باید به صورت ترتیبی غسل کند، نه ارتماسی.



نکته



۱. کسانی که به دلیل شغلشان، مدام با انواع رنگ‌ها و روغن‌هایی که به دست می‌چسبد سر و کار دارند باید مراقبت کنند، تا مانعی در اعضای وضو و غسل نباشد و اگر وجود داشته باشد تا حدّ امکان باید برطرف کنند امّا اگر شست‌وشوی آن به سختی ممکن است و چه بسا شستن آن با نفت و بنزین مضرّ است باید به وظیفه‌ی جبیره عمل نمایند.

۲. غسل جبیره‌ای مانند وضوی جبیره است، ولی بنا بر احتیاط واجب باید آن را ترتیبی انجام دهند؛ نه ارتماسی.

غُسل با زخم باز

م . چنانچه آب برای بدن ضرر ندارد، باید برای غسل آن را بشویند و اگر شستن مُضِرّ است، باید اطراف آن شسته شود و احتیاط آن است که اگر کشیدن دستِ تَر بر آن ضرر ندارد، دستِ تَر بر آن بکشند؛ و اگر بدن نجس باشد و امکان تَطهیر آن به مقدار خواندن نماز، هرچند در آخر وقت نباشد، چنانچه بتوانند باید چیزی روی زخم بگذارند و غسل را به صورت جبیره‌ای انجام دهند، و اگر غسل جبیره ای هم ممکن نباشد، تیمّم بدل از غسل کنند، نماز را با همان حال بخوانند.

غُسل نیابتی

حکم غُسل نیابتی

م . شخص چنان‌چه بتواند، خودش باید وضو، غسل و تیمّم را انجام دهد، امّا در صورت ناتوان بودن، می‌تواند از شخص دیگری (نایب) کمک بگیرد که به آن وضو، غسل و تیمّمِ «نیابتی» گفته می‌شود.

توجه

اگر انسان به سبب بیماری یا شکستگی اعضای بدن و مانند آن نتواند به تنهایی غسل کند، می‌تواند در این کار از فردی دیگر کمک بگیرد.

چگونگی غُسل نیابتی

م . غسل نیابتی مانند وضوی نیابتی است؛ یعنی بعد از نیّت، به کمک نایب غسل می‌نماید.

نکته

در وضو، غسل و تیمّم نیابتی، رعایت شرایط عمومی وضو، غسل و تیمّم (مانند پاک بودن آب و ترتیب و ...) لازم است.

م . در وضو، غسل و تیمّم نیابتی، در هر مقدار از کارهای آن که خود شخص می‌تواند انجام دهد، نباید از دیگری کمک بگیرد؛ مثلاً کسی‌که می‌تواند سر را مسح کند، ولی پاها را نمی‌تواند، باید خودش سر را مسح کند و برای پاها از نایب کمک بگیرد.

توجه

اگر شخص معذور به جای آن که نایب بگیرد، خودش با عُسر و حَرَج (مشقّت زیاد) وظیفه را انجام دهد، اشکالی ندارد و عمل او صحیح است.

خلاصه‌ی فصل

• غسل را به دو گونه می‌توان انجام داد: ترتیبی و ارتماسی.
• روش غسل کردن مرد و زن تفاوتی ندارد و هر دو باید همه‌ی شرایط غسل را رعایت کنند.
• بجز مُوالات تمام شرط هایی که برای صحیح بودن وضو لازم است (مانند پاک بودن و غصبی نبودن آب و مباشرت در وضو) در صحیح بودن غسل نیز شرط است.
• در غسل، آب باید به پوست بدن برسد، ولی در وضو اگر پوست صورت از لای موها پیدا نباشد، لازم نیست آب به آن برسد.
• خیس بودن بدن، قبل از غسل اشکالی ندارد.
• هنگام شستن هر یک از قسمت های بدن لازم نیست طوری آب بریزد یا زیر دوش قرار بگیرد که سایر قسمت ها خیس نشود.
• برای رساندن آب به بدن، دست کشیدن لازم نیست و آنچه اهمیّت دارد، شستن بدن است.
• غسل ارتماسی معمولاً با لباس مشکل است، ولی اگر بدون برهنه شدن ، آب به تمام بدن برسد، اشکال ندارد.
• در هنگام غسل اگر انگشتر به دست باشد، درآوردن آن لازم نیست و همین که آب زیر آن برسد، کافی است، ولی در تیمّم باید انگشتر را بیرون آورد.
• در غسل ترتیبی لازم نیست بعد از شستن هر قسمت، فوراً قسمت دیگر شسته شود؛ بلکه می‌تواند در وسط غسل، مدتی به کار دیگری بپردازد و سپس غسل را از همان قسمت که مانده است ادامه دهد.
• حرکت کردن در هنگام غسل اشکالی ندارد.
• رو به قبله ایستادن در وقت غسل واجب نیست.
• اگر در بین غسل کردن، بدن نجس شود، غسل باطل نمی‌شود، ولی اگر جایی را که نشُسته نجس شود باید پیش از شُستن آن را تطهیر کند .
• کیفیّت انجام تمام غسل‌ها،به یک شکل است و هیچ تفاوتی با هم ندارند، جز در نیّت.
• غسل جنابت به خودی خود مستحب است و برای خواندن نماز واجب و برخی کارها واجب میشود؛ پس واجبِ فوری نیست.
• برای نماز میّت، سجده‌ی شکر و سجده‌ی واجب قرآن، غسل جنابت واجب نیست.
• خودارضایی (استمنا) حرام است.
• ورود جُنُب به داخل حرم امامزادگان اشکالی ندارد.
• کسی‌که غسل جنابت کرده، نباید برای نماز و سایر کارهای نیازمند وضو، مانند مسّ قرآن کریم، وضو بگیرد.
• خواندن داستان ها و مطالبی که باعث تحریک شهوت گردد، حرام است.
• اگر کسی بدن مرده‌ای را که سرد شده، ولی هنوز غسل داده نشده، لمس کند، باید برای نماز و کارهایی که نیاز به طهارت دارد غسل کند.

خلاصه‌ی فصل

- اگر مسّ میّت با دستکش صورت گیرد، غسل واجب نمی‌شود.
- کسی که به بدن میّت، قبل از غسل دادن آن دست بزند، یا لباسش با بدن میّت تماس بگیرد، اگر دست یا لباسش یا بدن میّت مرطوب (رطوبتِ سرایت کننده) باشد، نجس می‌شود و باید محلّ تماس را تطهیر کند.
- اگر یکی از غسل‌ها، از کسی‌که در بخشی از بدنش جبیره است، واجب شود (مثلاً قسمتی از بدنش باندپیچی شده)، بنابر احتیاط واجب باید به صورت ترتیبی غسل جبیره‌ای انجام دهد؛ نه ارتماسی.
- اگر انسان به سبب بیماری یا شکستگی اعضای بدن و مانند آن نتواند به تنهایی غسل کند، می‌تواند در قسمت هایی که توانایی ندارد از دیگران کمک بگیرد.
- غسل نیابتی همانند وضوی نیابتی است؛ یعنی بعد از نیّت، به کمک نایب غسل می‌کند.
- کسی‌که قسمتی از دست یا پایش قطع شده، باید مقدار باقی مانده از بدن را به صورت ترتیبی یا ارتماسی غسل دهد.




تیمّم



معنا و اهمیّت تَیَمُّم

معنای تیمّم

تیمّم در لغت به معنای «قصد و اراده کردن» است، و در اصطلاح فقه به معنای «عملی که در شرایط خاص، جایگزین وضو و غسل می‌شود.»

اهمیّت و حکمت تیمّم

اسلام تیمّم را برای نماز در صورت اضطرار یا نبودن آب و یا عدم امکان وضو و غسل جبیره‌ای واجب دانسته است؛ چنان‌که امام رضا علیه‌السلام فرمودند:

«أنَّ التَیَمُّمَ غُسْلُ المُضْطَرِّ وَوُضُوءُهُ»[۱]

تیمّم به جای غسل و وضو برای انسان مُضطَرّ است.

در تیمّم، انسان پیشانی خود را که شریف‌ترین عضو بدن است با دستی که بر خاک زده، لمس می‌کند تا فروتنی و تواضع خویش را در پیش‌گاه حضرت حق نشان دهد؛ همان‌طور که در سجده‌ی نماز نیز چنین کاری می‌کند.

در واقع تیمّم بدین معناست که: «خدایا! پیشانی و دست‌های من در برابر تو تا آخرین درجه، خاضع و متواضعند.» بنابراین تیمّم در پرورش روحِ تواضع و بندگی و شکرگزاری اثر می‌گذارد و از این‌رو عبادت شمرده می‌شود.

تیمّم در قرآن کریم

در سوره‌ی نساء آیه‌ی ۴۳ و سوره‌ی مائده آیه‌ی ۶ خدای متعال می‌فرماید:

«فَلَمْ تَجِدُوا مَاءً فَتَيَمَّمُوا صَعِيداً طَيِّباً»؛

اگر آب برای غسل یا وضو نیابید، با خاک پاکی تیمّم کنید.

۱. بحار الأنوار، ج ۸۱، ص ۱۴۸.

حکم تیمّم

م . کسی که نمی‌تواند غسل کند، اگر بخواهد عملی را که غسل برای آن واجب است انجام دهد، باید «تیمّمِ بَدَل از غسل» نماید؛ و اگر نتواند، وضو بگیرد و بخواهد عملی را که وضو برای آن واجب است، انجام دهد، باید «تیمّمِ بَدَل از وضو» نماید.

نکته

انسان به سبب خجالت از نزدیکان خود نمی‌تواند به جای غسلِ جنابت، تیمّم بدل از غسل جنابت انجام دهد (زیرا فقط در موارد جواز تیمّم می‌توان تیمّم بدل از غسل یا وضو انجام داد)؛ ولی اگر غسل جنابت را تا آخر وقت به تأخیر بیاندازد و به خاطر کمبود وقت تیمّم کند، این کار او (تأخیر در غسل یا وضو) حرام، ولی نمازش صحیح است.

توجه

فردی که وضو یا غسل برایش ضرر دارد یا خیلی دشوار است، باید به جای آن تیمّم کند و چنانچه وضو بگیرد یا غسل نماید، صحیح نیست.

اقسام تیمّم



موارد وجوب تیمّم

- تهیه‌ی آب ممکن نباشد. (یا آب وجود ندارد، یا آب هست ولی دسترسی به آن نیست).
- آب برای سلامتی او مضر باشد.
- می‌ترسد اگر آب را مصرف کند، خود یا کسانش یا کسی که حفظ جانش بر او لازم است در تشنگی بمانند.
- بخواهد با آبی که در اختیار دارد بدن یا لباس خود را برای نماز تطهیر کند.
- استعمال آب یا ظرف آن بر او حرام باشد، مثل این که غصبی باشد.
- وقت نماز تنگ باشد و وضو و غسل موجب شود که همه‌ی نماز یا قسمتی از آن در خارج وقت واقع شود.

نبود آب

م . اگر تهیّه‌ی آب برای وضو یا غسل ممکن نباشد، باید تیمّم کند.

در دسترس نبودن آب

م . در صورتی که آب وجود دارد، امّا به سبب پیری و ناتوانی جسمی یا ترس از دزد و جانور و مانند این‌ها یا نداشتن وسیله‌ای که آب را از چاه بکشد، دسترسی به آب نداشته باشد، باید تیمّم کند.

توجه

اگر برای وضو یا غسل آب وجود ندارد، باید برای پیدا کردن آن جستجو کرد. مقدار جستجو برای یافتن آب بدین شرح است:

(۱) در آبادی:

تا وقتی که از پیدا شدن آب ناامید شود.

(۲) در بیابان:

اگر زمین آن پست و بلند است یا به دلیل وجود درخت و مانند آن، عبور از آن مشکل است، باید از هر طرف به اندازه پرتاب یک تیر و کمان (تقریباً دویست گام) دنبال آب برود.

اگر زمین آن پست و بلند نبوده و عبور مشکل نباشد، باید در هر طرف به اندازه‌ی پرتاب دو تیر دنبال آب برود.

و در هر طرفی که یقین دارد آب نیست، جستجو در آن سمت لازم نیست.





زمین پوشیده از درخت



زمین پست و بلند

زیان داشتن و ترس استفاده از آب

م . کسی که آب برای او ضرر دارد و از استعمال آب بر جان خود بترسد، یا بترسد که به واسطه‌ی استعمال آب مرض یا عیبی در او پیدا شود، یا مرضش طول بکشد یا شدّت پیدا کند و یا به سختی معالجه شود، باید تیمّم کند؛ ولی اگر آب گرم برای او ضرر ندارد، باید با آب گرم وضو بگیرد یا غسل کند.

احتمال ضرر

م . لازم نیست انسان یقین کند که آب برایش ضرر دارد؛ بلکه اگر احتمال ضرر هم بدهد (چنانچه احتمال او از نظر مردم [عُرف] بجا باشد و از آن احتمال، ترس برایش پیدا شود)، باید تیمّم کند.

کشف زیان نداشتن آب، بعد از نماز

م . اگر فردی بعد از آن‌که ـ به علت ترس از ضررـ با تیمّم نماز خواند، فهمید که آب برایش ضرر نداشته، بنابر احتیاط واجب باید وضو بگیرد یا غسل کند و دوباره نماز را بجا آورد.

تشنگی

م . هرگاه بترسد که اگر آب را برای وضو یا غسل مصرف کند، خود او یا همسر و فرزند یا دوستش و کسانی که به او مربوطند، از تشنگی بمیرند یا مریض شوند، یا به قدری تشنه شوند که تحمّل آن مشقّت دارد، باید به جای وضو و غسل تیمّم کند.

تطهیر بدن یا لباس

م . کسی‌که بدن یا لباسش نجس است و فقط به قدری آب دارد که اگر با آن وضو بگیرد یا غسل کند، برای آب کشیدنِ بدن یا لباس چیزی نمی‌ماند، باید آن را آب بکشد و با تیمّم نماز بخواند، ولی اگر چیزی نداشته باشد که بر آن تیمّم کند، باید آب را به مصرف وضو یا غسل برساند و با بدن یا لباس نجس (در صورتی که ناچار است با لباس نماز بخواند) نماز بخواند.

غصبی بودن آب یا ظرف

م . اگر غیر از آب یا ظرفی که استعمال آن حرام است، آب یا ظرف دیگری ندارد (مثلاً آب یا ظرفش غصبی است) باید به جای وضو و غسل، تیمّم کند.

تنگی وقت وضو یا غسل

م . هر گاه وقت به قدری تنگ باشد که اگر وضو بگیرد یا غسل کند، تمام نماز یا مقداری از آن بعد از وقت خوانده می‌شود، باید تیمّم کند.

نکته

۱. کسی که شک دارد اگر غسل کند، وقت برای نماز او می‌ماند یا نه، باید تیمّم کند.

۲. شخصی که با حالت احتلام از خواب بیدار می‌شود و به خیال این که وقت تنگ است، تیمّم می‌کند و نماز می‌خواند سپس متوجه می‌شود که برای غسل وقت داشته است؛ دراین صورت تیمّم و نمازش باطل است. باید غسل کند و نماز خوانده را قضا کند.

توجه

تیمّم تنها برای هنگامی است که امکان استفاده از آب وجود ندارد؛ خواه به این دلیل که تهیّه‌ی آب ممکن نیست، یا به‌خاطر این‌که مانعی از استعمال آن وجود دارد.

چیز هایی که تیمّم برآنها صحیح است

تیمّم بر شِن، ریگ و کلوخ

م .تیمّم بر شن، ریگ و کُلوخ ـ اگر پاک باشند ـ صحیح است.



تیمّم بر خاک خیس

م . تیمّم بر خاک نمناک و خیس صحیح است؛ ولی بهتر (احتیاط مستحب) است که با وجود زمین یا خاک خشک، به خاک نمناک تیمّم نکند.

تیمّم بر سنگ

م .تیمّم بر سنگ معمولی، سنگ گچ، سنگ آهک، سنگ مرمر و دیگر سنگ‌ها ـ اگر پاک باشند ـ صحیح است .



نکته

۱. با بودن خاک به سنگ نیز می‌توان تیمّم کرد.

۲. اگر نمای ساختمان و دیوار از چیزهایی باشد که تیمّم بر آن صحیح است، می‌توان بر آن تیمّم کرد و در ضربه زدن مهم برخورد هم‌زمانِ کف دست‌ها با چیزی است که تیمّم بر آن صحیح است.

۳. در مواقعی که به سنگ تیمّم می‌کنیم وجود خاک و غبار روی سنگ لازم نیست ولی مستحب است گردی هم داشته باشد.

۴. تیمّم بر اشیای معدنی که جزو زمین محسوب نمی‌شود ـ مانند طلا و نقره و امثال آن و بر سنگ‌های قیمتی مثل عقیق و فیروزه ـ صحیح نیست، ولی تیمّم بر سنگ‌های مرغوبی که عُرفاً به آن «سنگ معدنی» گفته می‌شود ـ مانند مرمر ـ صحیح است.

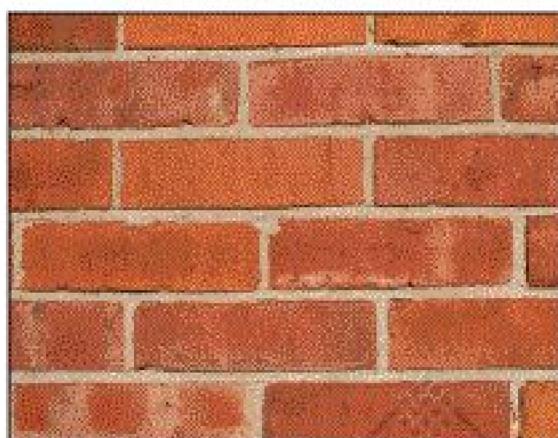
تیمّم بر گچ و آهک پخته

م .تیمّم بر گچِ دیوار صحیح است؛ ولی بنابر احتیاط مستحب، در حال اختیار (با وجود خاک و مانند آن) به گچ و آهک پخته تیمّم ننماید.

تیمّم بر آجر و کوزه

م .تیمّم بر گِل پخته ـ مانند آجر و کوزه ـ صحیح است، ولی بهتر (احتیاط مستحب) است با آن تیمّم نکنند.





تیمّم بر موزاییک و سیمان

م .تیمّم بر موزاییک و سیمان، صحیح است، هر چند احتیاط مستحب، ترک تیمّم بر آنها است.





تیمّم بر چوب

م .تیمّم بر چوب صحیح نیست.





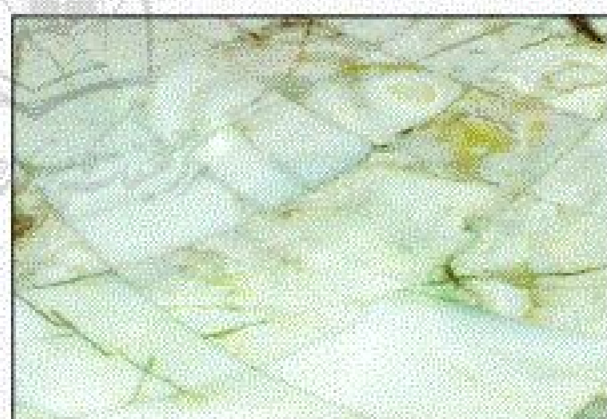
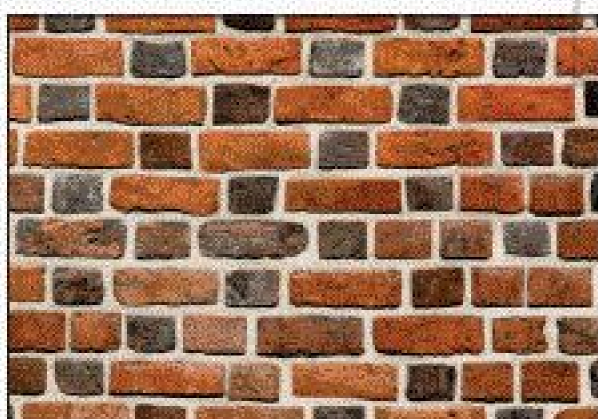




تیمم بر موارد زیر صحیح است:







چگونگی تیمّم

م. مراحل انجام تیمّم:

۱ نیّت (اوّلین واجب از واجبات تیمّم نیّت است)



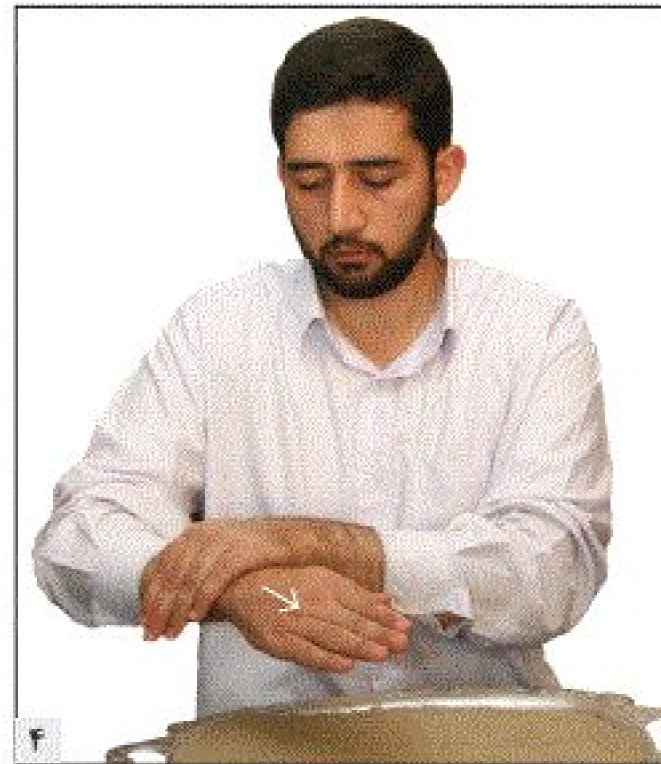
۲

زدن کف دو دست با هم بر چیزی که تیمّم برآن صحیح است.

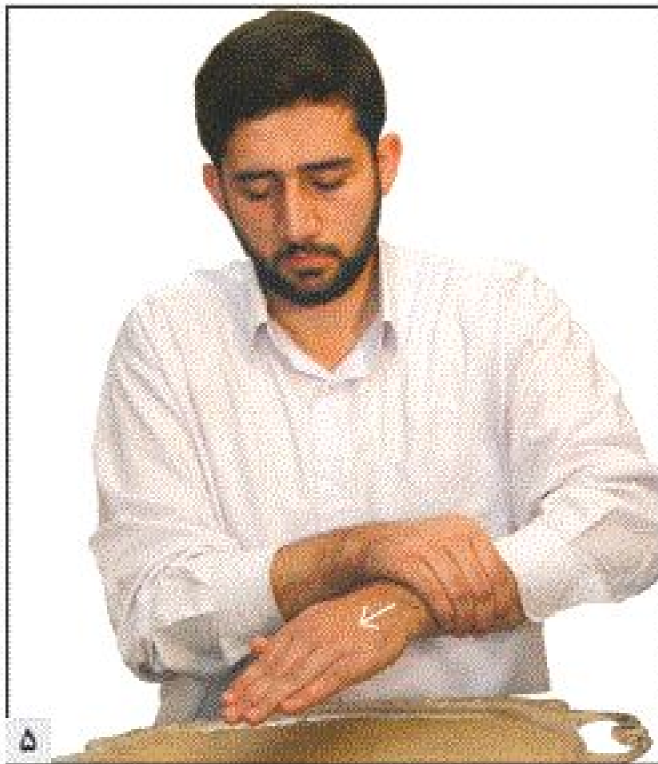


۳

کشیدن کف هر دو دست به تمام پیشانی و دو طرف آن، از جایی که موی سر می‌روید، تا ابروها و بالای بینی. بنابر احتیاط واجب باید دست‌ها روی ابروها هم کشیده شود.



کشیدن کف دست چپ به تمام پشت دست راست



کشیدن کف دست راست به تمام پشت دست چپ

۶ بنابر احتیاط واجب، بار دیگر دست‌ها را به زمین بزنند و سپس کف دست چپ را بر پشت دست راست و کف دست راست را بر پشت دست چپ بکشد.

نکته



در تیمّم لازم نیست روی بینی دست کشیده شود.


[به‌طور کلی در تیمّم، انگشتان جزء کف دست شمرده می‌شود] هنگام کشیدن کف دو دست به پیشانی، انگشتان نیز باید کشیده شود. و همزمان با مسح جلو پیشانی با کف دست‌ها، دو طرف پیشانی نیز به وسیله‌ی شست دو دست باید مسح شود.


لازم است تمام انگشتان دست و نیز شست آن، در حال مسح پشت دست‌ها مسح شود.

شرایط تیمّم

پاک بودن اعضا

م. بهتر (احتیاط مستحب) است در تیمّم پیشانی و کف دست‌ها و پشت دست‌ها پاک باشد.

مسح پیشانی و دست‌ها

م. در تیمّم باید پیشانی و دست‌ها را از بالا به پایین مسح نمود.




مُباح بودن چیزی که بر آن تیمّم می‌کنند

م. چیزی که بر آن تیمّم می‌کند نباید غصبی باشد.

مباشرت

م. انسان باید کارهای تیمّم را در حال اختیار خودش انجام دهد و اگر نمی‌تواند به تنهایی تیمّم کند، باید نایب بگیرد.




ترتیب

م. انسان باید کارهای تیمّم را به ترتیبی که در واجبات تیمّم ذکر شده، انجام دهد.

مُوالات

م. کارهای تیمّم را باید پشت سرهم انجام داد و نباید بین آنها آن‌قدر فاصله بیندازد که از حالت تیمّم کردن خارج شود و گرنه تیمّم باطل می‌شود.

زدن کف دو دست روی زمین

م . برای تیمّم باید هر دو دست را با هم بر زمین بزنند.



نکته

باید برای تیمّم، انگشتر را از دست بیرون آورد.





نبودن مانع در اعضا

م . انسان باید برای تیمّم مانع را از اعضای تیمّم برطرف کند و اگر موی جلوی سر، روی پیشانی افتاده آن را کنار بزند؛ حتی اگر احتمال قابل توجهی دهد که مانعی هست باید جستجو کند.

م . در تیمّم نباید بین دست و پیشانی و کف دست و پشت دست هنگام مسح مانعی باشد.

توجه

اگر پیشانی و پشت دست‌ها مو داشته باشد، اشکالی ندارد و مانع محسوب نمی‌شود.

بلندی ناخن در تیمّم

م . اگر ناخن کمی از حدّ معمول بلندتر باشد تیمّم صحیح است.

تیمّم به خاطر آرایش

م . خانم هایی که برای مجلس عروسی و مانند آن آرایش می‌کنند، نمی توانند به جای وضو تیمّم کنند بلکه باید مانع را برطرف کنند و وضو بگیرند و اگر در وقت نماز برطرف نمی‌شود یا برطرف کردن آن با سختی زیاد همراه است باید وضوی جبیره‌ای بگیرند.

نکته



تیمّم با لباس نجس اشکال ندارد.



در هنگام تیمّم لازم نیست دست‌ها و صورت خشک باشد.

حرکت نکردن محل مسح

م . در تیمّم باید محلّی که برآن دست می‌کشیم بدون حرکت بوده، فقط دستی که با آن مسح داده می‌شود، باید حرکت کند؛ البته حرکت مختصر و کم اشکال ندارد.

تیمّم برای کارهای واجب

م . کسی که به جای وضو یا غسل باید تیمّم کند، تمام کارهای مشروط به طهارت ـمانند نماز و لمس نوشته‌ی قرآن ـرا می‌تواند انجام دهد؛ ولی اگر کسی عُذرش تنگی وقت بوده یا با داشتن آب، برای نماز میّت یا خوابیدن تیمّم کرده، فقط همان کاری که برای آن تیمّم کرده می‌تواند انجام دهد.

توجه

اگر امام جماعت به دلیل عُذری با تیمّم نماز بخواند، می‌شود به او اقتدا کرد.

تیمّم برای کارهای غیر واجب

خواب

م . برای خواب مستحب است انسان وضو بگیرد؛ ولی تیمّم حتّی با وجود داشتن آب و امکان استعمال آن، برای خوابیدن جایز است. اگرچه بهتر است فقط در صورتی اکتفاء به این تیمم کند که پس از ورود به بستر خواب یادش بیاید که وضو نگرفته است.

نماز میّت

م . مستحب است نماز میّت با وضو خوانده شود ولی تیمّم با وجود آب و امکان استعمال آن برای نماز میّت جایز است.

مُبْطِلات تیمّم (باطل کننده‌های تیمّم)

م . مُبْطِلات وضو، تیمّم بدل از وضو را هم باطل می‌کنند و باطل کننده‌های غسل، تیمّم بدل از غسل را هم باطل می‌کنند.

نکته

همه‌ی آثار شرعی غسل، بر تیمّم بدل از غسل نیز مترتّب و جاری می‌شود؛ مگر این‌که تیمّم بدل از غسل به علّت تنگی وقت باشد.

توجه

تیمّم بدل از غُسل ومُبْطِلات آن

کسی که به دلیل عُذری به جای غسل، تیمّم کند تا زمانی که عُذر شرعی مجوّز تیمّم برطرف نشده است، بنابر احتیاط واجب، باید برای اعمال مشروط به طهارت، تیمّم بدل از غسل نماید و وضو هم بگیرد و اگر معذور از وضو باشد باید تیمّم دیگری بدل از آن نماید.

شک در تیمّم

شک در تیمّم	در انجام	در اصل تیمّم	اگر بعد از نماز شک کند که اصلاً تیمّم را انجام داده یا نه	به شک خود اعتنا نکند و تیمّم او صحیح است.
		در جزئی از تیمّم	اگر شک کند که جزء قبلی را انجام داده یا نه	چنانچه از محل آن گذشته، به شک خود اعتنا نکند؛ و اگر نگذشته، باید آن قسمت و آنچه بعد از آن است را به جا آورد.
	در صحت	پس از مسح دست چپ (پس از تمام شدن تیمم)	اگر شک کند که درست تیمّم کرده یا نه	تیمّم او صحیح است.
		در هنگام انجام تیمّم	اگر شک کند که جزء قبلی را درست انجام داده یا نه	به شک خود اعتنا نکند و تیمّم او صحیح است.

شک بین وضوی جبیره و تیمّم

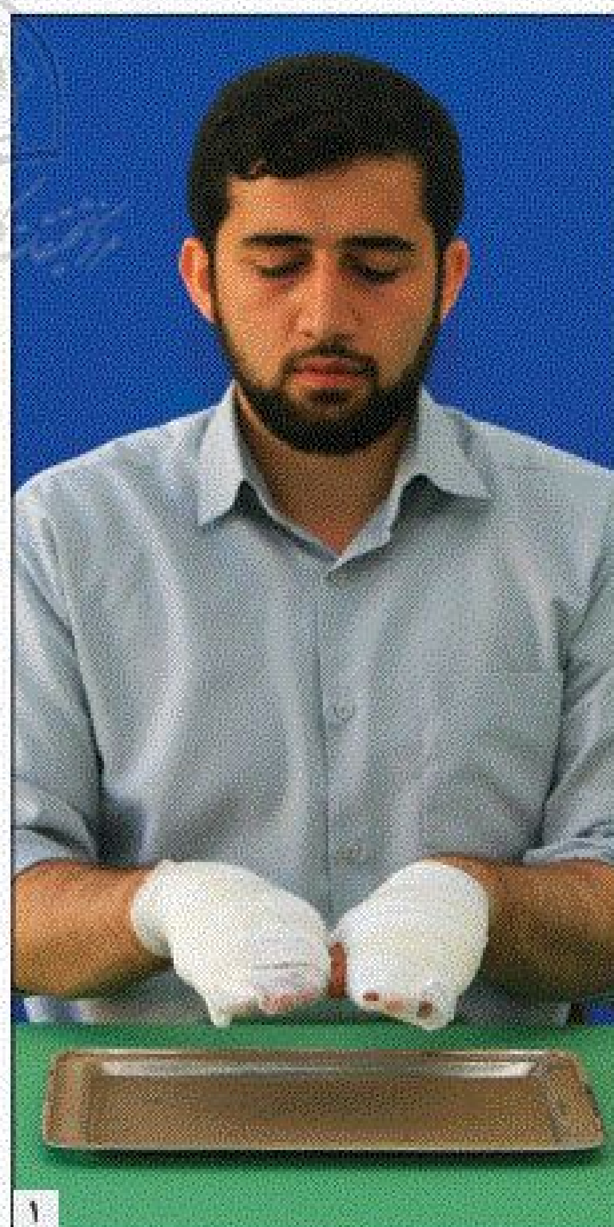
م .کسی که نمی‌داند وظیفه‌اش تیمّم است یا وضوی جبیره، بنابر احتیاط واجب باید هردو را به‌جا آورد.

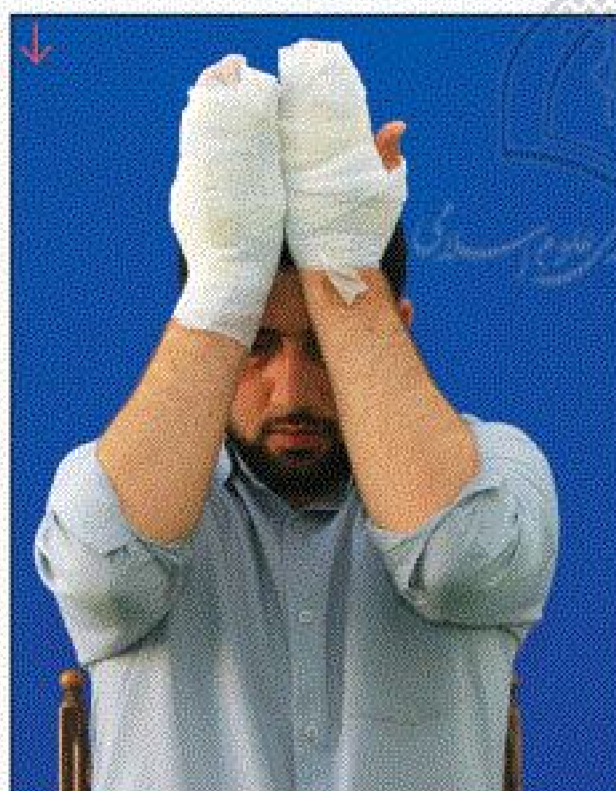
تیمّم جبیره‌ای

م . اگر پیشانی یا پشت دست‌ها زخم است و نمی‌تواند پارچه یا چیز دیگری را که بر آن بسته باز کند (یا ضرر دارد)، باید دست روی آن بکشد. همچنین اگر کف دست زخم است و نتواند پارچه یا چیز دیگری را که بر آن بسته باز کند، باید دست را با همان جبیره به چیزی که تیمّم به آن صحیح است، بزند و بر پیشانی و پشت دست‌ها بکشد.



تیمم با وجود جبیره در دست

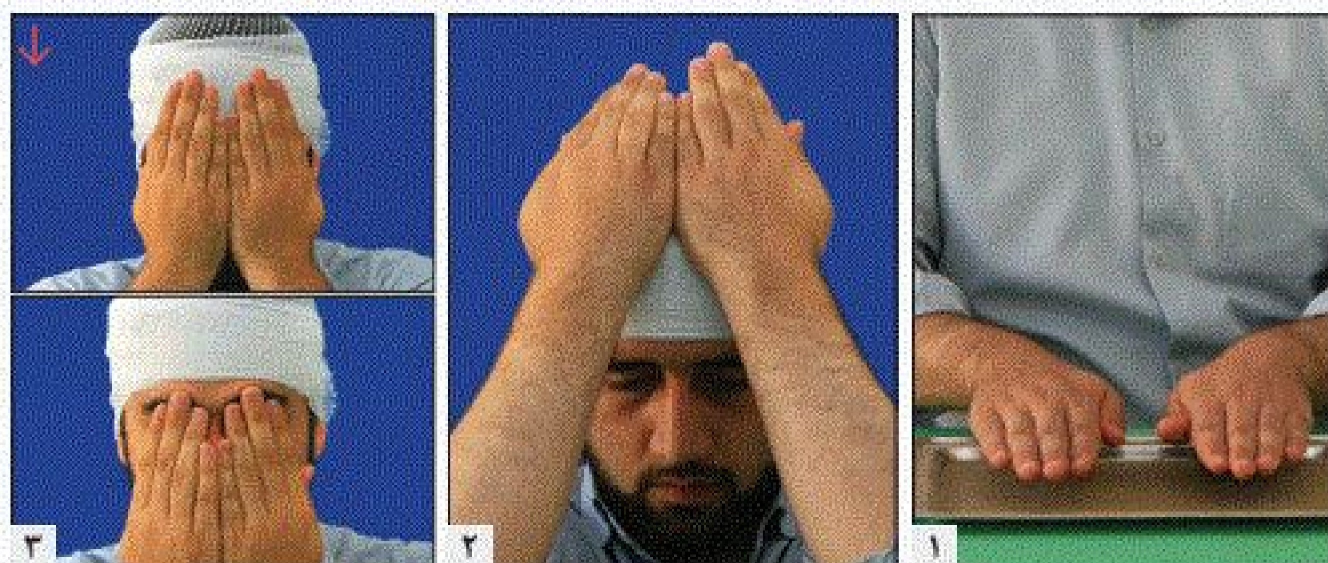

۱




۲



تیمم با وجود جبیره در صورت



توجه

اگر کف دست به سبب شکستگی یا عارضه دیگری طوری در میان گچ باشد که قابل برداشتن نیست، برای تیمّم از دیگران کمک بگیرد.

م .کسی‌که وظیفه‌اش تیمّم است، اگر در بعضی از اعضای تیمّم او، زخم، دُمَل یا شکستگی باشد، باید به دستور وضوی جبیره‌ای، تیمّم جبیره‌ای نماید.

پوشیده شدن تمام اعضای وضو با جبیره

م . اگر جبیره تمام اعضای وضو را گرفته باشد، باید تیمّم کند.

توجه

ـ جبیره نباید غَصبی باشد.

ـ جبیره باید به مقدار متعارف روی زخم را گرفته باشد (مقداری‌که به طور معمول برای بستن جبیره نیاز است) و نباید بیش از آن را بپوشاند.

پوشش عُمْده‌ی اعضای وضو با جبیره

رجوع کنید به صفحه‌ی[۱۴۰].

تیمّم نیابتی

م . هرکسی چنانچه بتواند، باید کارهای وضو، غسل و تیمّم را خود انجام دهد، امّا در صورت عدم توانایی واجب است از شخص دیگری به‌عنوان «نایب» کمک بگیرد.

توجه

اگر شخصی معذور، به جای آن‌که نایب بگیرد، خودش با عُسر و حَرَج (مشقّت) وظیفه را انجام دهد، عمل او صحیح است.



شرایط تیمّم در تیمّم نیابتی

م . در تیمّم نیابتی رعایت شرایط عمومی تیمّم لازم است.

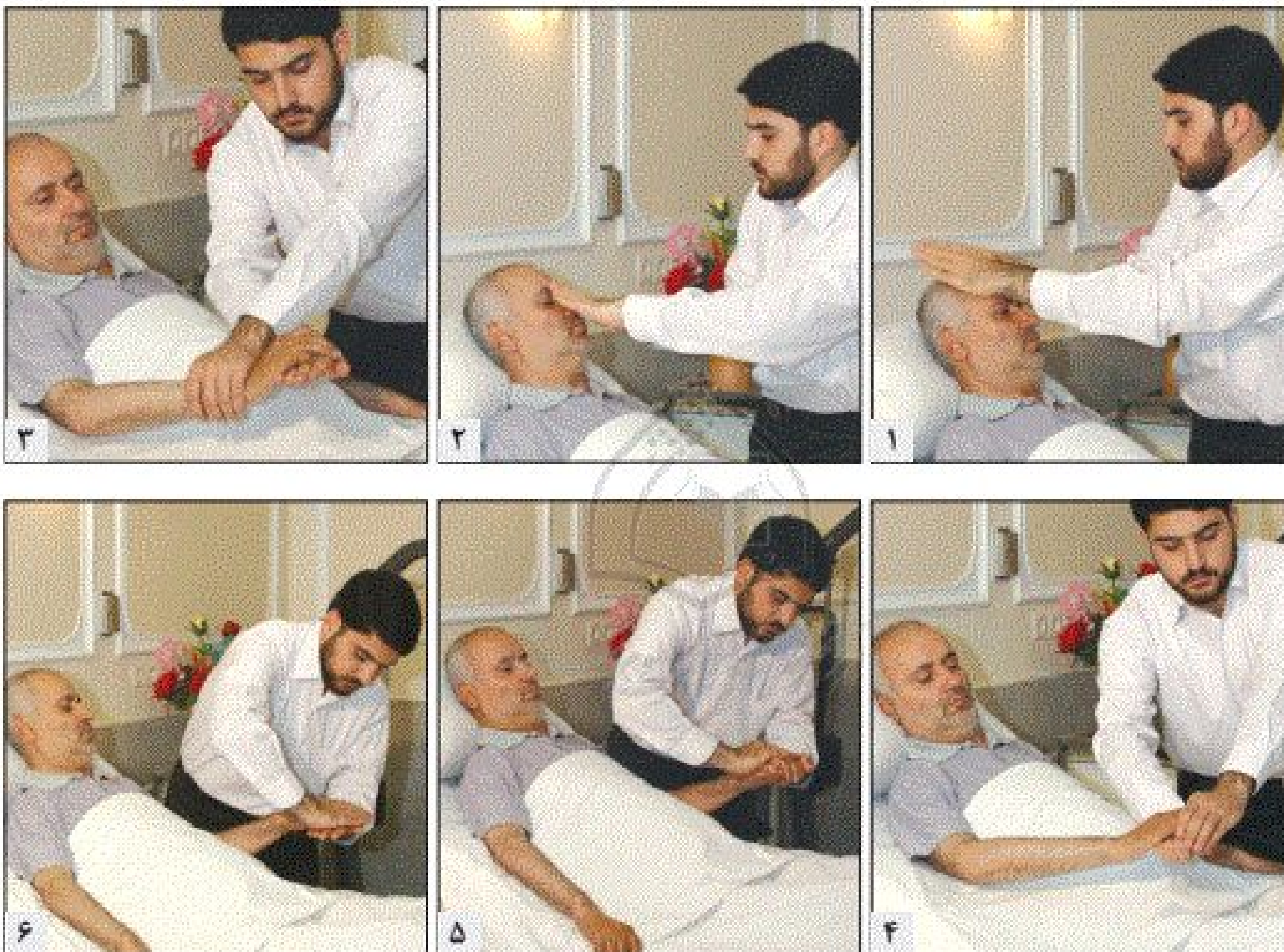
چگونگی تیمّم نیابتی

م . **اوّل:** خودِ مُکَلَّف «نیّت» کند.

دوم:

الف) اگر امکان دارد، نایب با دستِ خود شخصِ ناتوان تیمّم کند؛ بدین‌صورت که دست شخص ناتوان را به زمین زده و با آن پیشانی و پشت دست‌های وی‌را مسح کند.

ب) اگر امکان ندارد که نایب با دستِ خود شخص ناتوان تیمّم کند دست خود را به زمین بزند و بر پیشانی و پشت دست‌های فرد ناتوان بکشد.



نکته

نایب می‌تواند برای تیمّم دادن بیمار، به جای خاک از سنگ های نصب شده بر دیوار یا زمین استفاده کند؛ ولی در هر صورت بهتر است بر روی قسمتی کف دستانش را به زمین بزند که محل رفت و آمد دیگران نبوده و پاکیزه‌تر باشد.

قدرت انجام برخی کارها در تیمّم نیابتی

م . در تیمّم نیابتی، در هر کاری که خود شخص می‌تواند انجام دهد، نباید از دیگری کمک بگیرد.

توجه

وضو و غسل (هرچند جبیره ای یا نیابتی) بر تیمّم مقدّم است.

• تیمّم بر دو قسم است: بَدَل از وضو و بَدَل از غسل.
• تیمّم بَدَل از غسل با بَدَل از وضو (در روش انجام) تفاوتی ندارند.
• فردی که وضو یا غسل برایش ضرر دارد یا خیلی دشوار است، باید به جای آن تیمّم کند.
• اگر از استعمال آب احتمال ضرر بدهد (چنان‌که احتمال او از نظر مردم به‌جا باشد و از آن احتمال، ترس برایش پیدا شود)، باید تیمّم کند.
• کسی که انجام دادن غسل به قدری برایش مشقّت و سختی دارد که معمولاً مردم تحمل آن را ندارند، می‌تواند تیمّم کند.
• تیمّم بر خاک نمناک و خیس صحیح است.
• تیمّم بر اشیای معدنی که جزو زمین محسوب نمی‌شوند، مانند طلا و نقره و امثال آن صحیح نیست.
• در تیمّم لازم نیست روی بینی دست کشیده شود.
• چیزی که بر آن تیمّم می‌کند نباید غصبی باشد.
• باید تیمّم را در حال اختیار خودش انجام دهد و اگر نمی‌تواند به تنهایی تیمّم کند، باید نایب بگیرد.
• کارهای تیمّم را باید پشت سرهم انجام داد و نباید بین آنها آن‌قدر فاصله انداخت که از حالت تیمّم کردن خارج شود و گرنه تیمّم باطل می‌شود.
• باید برای تیمّم، انگشتر را از دست بیرون آورد.
• در تیمّم نباید بین دست و پیشانی و کف دست و پشت آن، هنگام مسح، فاصله و مانعی باشد.
• تیمّم با لباس نجس اشکال ندارد.
• در هنگام تیمّم لازم نیست دست و صورت خشک باشد.
• چیزهایی که وضو را باطل می‌کنند، تیمّم بَدَل از وضو را هم باطل می‌کنند. چیزهایی که موجب غسل می‌شود، تیمّم بَدَل از غسل را هم باطل می‌کنند.
• اگر به واسطه‌ی نداشتن آب تیمّم کند، بعد از یافتن آب تیمّم او باطل می‌شود.
• کسی‌که وظیفه‌اش تیمّم است، اگر در بعضی از جاهای تیمّم او زخم یا دُمَل یا شکستگی باشد، باید به دستور وضوی جبیره‌ای، تیمّم جبیره‌ای نماید.
• تیمّم نیابتی موقعی است که وظیفه اش تیمّم باشد و خودش نتواند بدون کمک نایب تیمّم بگیرد.
• اگر شخصی معذور به‌جای آن‌که نایب بگیرد، خودش با عُسر و حَرَج (مشقّت) وظیفه را انجام دهد، مانعی ندارد و عمل او صحیح است.
• چنانچه نایب برای انجام وضو، غسل یا تیمّم نیابتی، مزد و اجرت درخواست نماید، در صورتی‌که می‌تواند وسختی زیادی برایش ندارد، باید بپردازد.
• در تیمّم نیابتی، در هر مقدار از کارهای آن که خود می‌تواند انجام دهد، نباید از دیگری کمک بگیرد.
• وضو و غسل (هرچند نیابتی) بر تیمّم مقدّم است.
• کسی که وظیفه‌اش تیمّم است، اگر به علت جراحت یا شکستگی یک دست نتواند آن را به پیشانی برساند، باید با دست سالم تیمّم کند.


نماز

معنا و اهمیّت نَماز

معنای نماز

نماز یا «صلاة» در لغت یعنی دعا و در اصطلاحِ احکام، عبادتی است شامل قیام، نیّت، تکبیرةُ الإحرام، قرائت، رکوع، سجود، ذکر، دعا، تشهّد و سلام که با شرایط و شیوه‌ی خاصّی انجام می‌شود.

اهمیّت نماز

بر اساس آیات قرآن مجید و روایات و سفارش‌های پیغمبر اکرم ﷺ و ائمه‌ی هدی علیهم‌السلام نماز مهم‌ترین و ضروری‌ترین تکلیف اسلامی است که بر هر انسان بالغ و عاقلی واجب است؛ به‌طوری که در گرما گرم جنگ، در آتش‌سوزی و حتی هنگام غرق شدن نیز از عهده‌ی مُکَلَّف برداشته نمی‌شود.

اگر کسی نماز را ترک کند، دین خود را خراب کرده و مرتکب گناهی بزرگ شده است.[1]

قرآن کریم می‌فرماید: «در آخرت از برخی مجرمان می‌پرسند: چه چیز شما را به دوزخ کشاند؟ می‌گویند: ما از نمازگزاران نبودیم».[2]

اهمیّت نماز در بین سایر واجبات تا آن‌جا است که پیشوایان معصوم علیهم‌السلام آن را «ستون دین» نامیده‌اند.[3]

آثار و فواید نماز

نماز، پیوند دهنده و رابطِ میان انسان و خداست و مایه‌ی صفای روح، پاکی دل، پیدایش روح تقوا، تربیت انسان و پرهیز از گناهان است. بر اساس روایات کسی که نمازهای پنج‌گانه را بخواند از گناهان پاک می‌شود؛ هم‌چنان که اگر در شبانه‌روز پنج مرتبه در نهر آبی شست‌وشو کند، اثری از آلودگی در بدنش باقی نمی‌ماند.[4]

جایگاه نماز

نماز از «ضروریّات» دین اسلام است و کسی که مُنکر آن شود، چنانچه ضروری بودن آن را بداند و انکار آن به انکار خدا یا توحید و یا نبوّت پیامبر اسلام ﷺ برگردد، مسلمان نیست.

۱. بحارالأنوار، ج ۸۲، ص ۲۰۳ و ۲۰۹؛ وسائل الشیعه، ج ۳، ص ۱۷.

۲. مدثر/ ۴۰-۴۳ [... يَتَسَاءَلُونَ عَنِ الْمُجْرِمِينَ مَا سَلَكَكُمْ فِي سَقَرَ قَالُوا لَمْ نَكُ مِنَ الْمُصَلِّينَ...]

۳. امام باقر علیه‌السلام فرمود: «الصلاةُ عمودُ الدین»؛ نماز ستون دین است؛ و پیامبر ﷺ فرمود: «الصلاةُ عِمادُ الدین»؛ نماز تکیه‌گاه دین است. فروع کافی، ج ۳، ص ۲۶۶؛ کنزالعمال، حدیث ۱۸۸۶۹.

۴. وسائل الشیعه، ج ۳، ص ۷ و ۹.

مقدّمات نماز

اوقات نماز

برای آشنایی با مسائل و احکام وقتِ نماز، ابتدا یادآور می‌شویم که نماز، یا واجب است یا مستحب؛ نمازهای واجب هم دو دسته‌اند: بعضی از آنها تکلیف هر روزه‌اند و در هر شبانه‌روز، در زمان‌های خاصی باید به‌جا آورده شود و برخی دیگر نمازهایی هستند که گاهی از اوقات به سببی خاص واجب می‌شود و برنامه‌ی همیشگی و هر روز نیستند.



۱. نمازهای واجب شبانه‌روز که ۱۷ رکعت است را نمازهای یومیّه می‌گویند.[برای آشنایی با واژگان فقهی به بخش اصطلاح‌نامه رجوع کنید].

وقت نمازهای شبانه‌روز

م . نمازهای واجب و مستحب (نافله)[1] که در طول هر شبانه روز خوانده می‌شود، وقت‌های ویژه‌ای دارد:

وقت نمازهای واجب شبانه روز	صبح	وقت فضیلت	از اذان صبح[2] تا روشن شدن هوا
	ظهر و عصر	وقت فضیلت[3]	ظهر: از اوّل ظهر است تا زمانی که سایه‌ی پدید آمده‌ی شاخص[4] به اندازه‌ی طول خود شاخص افزایش یابد؛ برای مثال: اگر طول شاخص یک متراست و طول سایه‌ی شاخص هنگام ظهر ۲۰ سانتی متر، پایان وقت فضیلت نماز ظهر وقتی است که سایه‌ی شاخص به ۱۲۰ سانتی متر برسد.
			عصر: پس از وقت مخصوص نماز ظهر تا زمانی که سایه‌ی شاخص به دو برابر طول شاخص برسد.
		وقت مخصوص	ظهر: از اوّل اذان ظهر به مقدار خواندن یک نماز ظهر. توجه: اگر نماز عصر در این وقت خوانده شود، باطل است.
			عصر: به اندازه‌ی خواندن نماز عصر به غروب آفتاب مانده باشد. توجه: نباید نماز ظهر را در این وقت خواند.
		وقت مشترک نماز ظهر و عصر	بین وقت مخصوص ظهر و وقت مخصوص عصر می‌توان هر دو نماز را خواند، ولی باید نماز ظهر قبل از عصر خوانده شود.
	مغرب و عشا	وقت فضیلت	مغرب: از اوّل مغرب تا زمانی که سرخی طرف مغرب آسمان از بین برود.
			عشا: از پایان وقت فضیلتِ نماز مغرب تا گذشتن یک سوم از شب. به عبارت دیگر: از هنگام برطرف شدن سرخی طرف مغرب تا گذشتن یک سوم شب
		وقت مخصوص	مغرب: از اوّل مغرب به مقدار خواندن یک نماز سه رکعتی
			عشا: به مقدار خواندن یک نماز عشا قبل از نیمه شب شرعی
		وقت مشترک	بین وقت مخصوص مغرب و وقت مخصوص عشا هر دو نماز را میشود خواند، ولی باید نماز مغرب قبل از عشا خوانده شود.

۱. نافله به کار مستحبّی و کار نیکویی که بر انسان واجب نیست، گفته می‌شود. هم چنین به نوه، غنیمت و عطاء نیز نافله گفته شده است. ولی در اصطلاح احکام، به نمازهای مستحب نافله می‌گویند و بیش‌ترین استعمال نافله نیز در همین مورد است.
امام باقر علیه السلام فرمود: نماز نافله برای آن است که نقص نماز واجب (مانند: عدم حضور قلب) را جبران کند. وسائل الشیعه، ج۴، ص ۳۱.

۲. نزدیک اذان صبح از طرف مشرق سفیده‌ای رو به بالا حرکت می‌کند که آن را فجر اول (فجر کاذب) می‌گویند؛ موقعی که آن سفیده پهن شد، فجر دوم (فجر صادق) و اوّل وقت نماز صبح است.

۳. وقت فضیلت، قسمتی از وقت نماز است که خواندن نماز در آن ثواب بیشتری دارد.

۴. وسیله‌ای که در آفتاب، برای تعیین وقت (مخصوص نماز ظهر و عصر) برروی زمین نصب می‌کنند. برای تعیین ظهر شرعی می‌توان چوب یا چیزی مانند آن‌را به عنوان شاخص و به طور عمودی در زمین صاف و هموار نصب کرد. صبح که خورشید طلوع می‌کند، سایه‌ی چوب به طرف مغرب می‌افتد؛ هر چه آفتاب بالا می‌آید این سایه کم می‌شود، تا هنگام ظهر شرعی که سایه به آخرین حد کوتاهی می‌رسد. ظهر که شد، سایه به طرف مشرق برمی‌گردد و هر چه به طرف مغرب زمان می‌گذرد، سایه‌ی آن بلندتر می‌شود. البته در بعضی مناطق ـ مانند: مکه ـ در برخی ایام سال سایه هنگام ظهر شرعی به کلّی از بین می‌رود و دوباره در طرف مشرق پیدا می‌شود.

نمازهای مستحب شبانه روز و وقت آنها	نافله‌ی شب	یازده رکعت است که هشت رکعت آن به نیّت نافله‌ی شب (که به صورت چهار نماز دو رکعتی خوانده می‌شود)، دو رکعت آن به نیّت نماز شَفْع و یک رکعت آن به نیّت نماز وَتْر خوانده می‌شود و وقت آن از نیمه‌ی شب شرعی تا اذان صبح است و بهتر است نزدیک اذان صبح خوانده شود.
	نافله‌ی صبح	دو رکعت است که پیش از نماز صبح خوانده می‌شود و وقت آن بعد از گذشتن از نصف شب به مقدار خواندن یازده رکعت نماز شب است ولی احتیاط آن است که قبل از فجر اوّل نخوانند مگر بلافاصله بعد از نافله شب، و این وقت ادامه دارد تا دو رکعت مانده به آخر وقت فضیلت صبح. بنابراین، کسی که نماز صبح را پس از گذشتن وقت فضیلت آن می خواند، نمی‌تواند نافله‌ی صبح بخواند. البته می‌تواند پس از نماز صبح، نافله‌ی صبح را به نیّت قضا به جا آورد.
	نافله‌ی ظهر	هشت رکعت است (چهار نماز دو رکعتی) و وقت آن پیش از خواندن نماز ظهر است (از اوّل ظهر شرعی تا موقعی که سایه‌ی شاخص (که بعد از ظهر پیدا می‌شود یا افزایش می‌یابد) به اندازه‌ی دو هفتم آن برسد). برای مثال: اگر بلندی شاخص هفت وجب باشد، هر وقت مقدار سایه‌ای که بعد از ظهر پیدا می‌شود، به دو وجب رسید، آخر وقت نافله‌ی ظهر است.
	نافله‌ی عصر	هشت رکعت است (چهار نماز دو رکعتی) و وقت آن پیش از نماز عصر است تا زمانی که سایه‌ی شاخص به چهار هفتم آن برسد.
	نافله‌ی مغرب	چهار رکعت است (دو نماز دو رکعتی) و وقت آن از تمام شدن نماز مغرب است تا وقتی که سُرخی طرف مغرب ـ که بعد از غروب آفتاب در آسمان پیدا می‌شود ـ از بین برود.
	نافله‌ی عشا	دو رکعت است که به‌صورت نشسته خوانده می‌شود و وقت آن از تمام شدن نماز عشا است تا نیمه شب شرعی، و بهتر است بعد از نماز عشا بلافاصله خوانده شود.

اوقات نمازهای دیگر (غیر شبانه‌روزی)

۱. وقت نماز آیات

وقت نماز آیات	**کُسوف** (خورشید گرفتگی) و **خُسوف** (ماه گرفتگی)	از وقتی که خورشید یا ماه شروع به گرفتن می‌کند، انسان باید نماز آیات را بخواند و بنابر احتیاط واجب باید به قدری تأخیر نیندازد که شروع به باز شدن کند. توجّه: اگر خواندن نماز آیات را به قدری تأخیر بیندازد که آفتاب یا ماه شروع به باز شدن کند، باید نیّت اَدا و قضا نکند؛ ولی اگر بعد از باز شدن تمام آن، نماز بخواند باید نیّت قضا نماید.
	زلزله	موقعی که زلزله اتفاق می‌افتد انسان باید فوراً نماز آیات را بخواند. توجّه: اگر کسی نماز آیات را بلافاصله نخواند، معصیت کرده و خواندن آن تا آخر عُمر بر او واجب است و هر وقت بخواند، اَدا است.
	رعد و برق و بادهای زرد و سرخ و سیاه	موقعی که رعد و برق، بادهای زرد و سرخ و سیاه، آتشفشان و مانند آنکه باعث ترس بیشتر مردم می‌شود، اتفاق می‌افتد، انسان باید فوراً نماز آیات بخواند.



زلزله



آتشفشان هولناک



ماه گرفتگی



خورشید گرفتگی



رعد و برق شدید و خوفناک



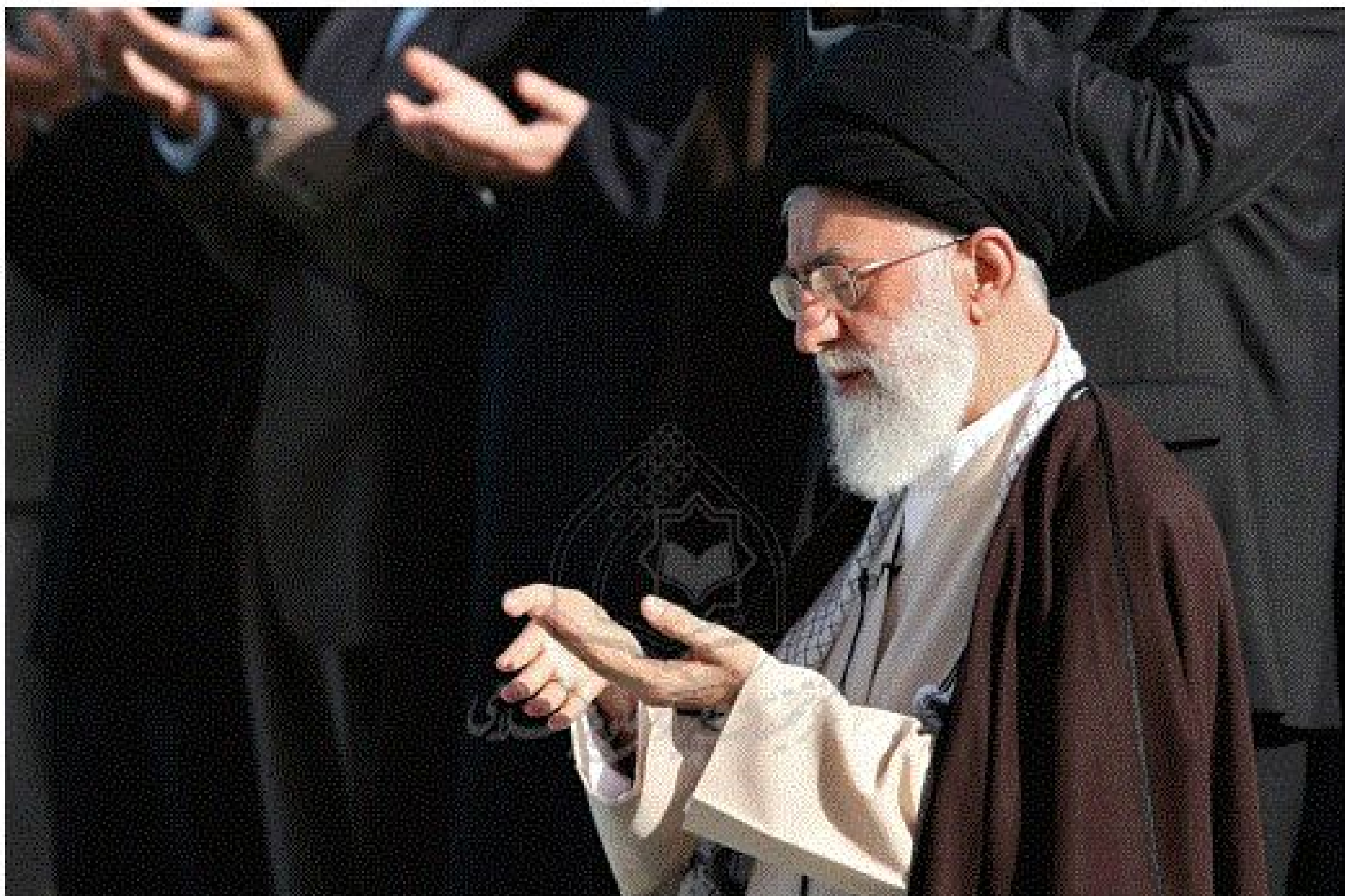
طوفان و گردباد ترسناک

۲. وقت نماز جمعه

رجوع کنید به صفحه‌ی[۲۷۹].

۳. وقت نماز عید فطر و قربان

م . وقت نماز عید از طلوع آفتاب روز عید تا ظهر است، ولی بهتر است در آغاز روز پس از بالا آمدن کامل آفتاب خوانده شود.



احکام وقت نماز

زمان شروع نماز

م . مستحب مؤکّد است که انسان نماز را در اوّل وقت آن بخواند به خصوص نماز صبح که راجع به آن خیلی سفارش شده است و آثار و برکات فراوانی در زندگی انسان دارد و هر چه نماز به اوّل وقت فضیلت نزدیک‌تر باشد بهتر است، مگر آن که تأخیر آن از جهتی بهتر باشد؛ مثلاً برای آنکه نماز را به جماعت بخواند، صبر کند تا جماعت تشکیل شود.

م . موقعی انسان می‌تواند مشغول نماز شود که اطمینان پیدا کند وقت نماز داخل شده یا دو مرد عادل داخل شدن وقت نماز را به او اطلاع دهند.

توجه

اگر انسان از راه‌های دیگر ـ مانند محاسبه‌ی وقت اذان از روی ساعت، رسانه‌ها، تلفن‌گویا، جدول اوقات شرعی و اذان مؤذّنِ محل، به داخل شدن وقت نماز اطمینان پیدا کند، می‌تواند شروع به خواندن نماز کند.





نکته

تعریف فَجْر صادق

فَجْر در لغت به معنای «شکافتن» است و چون سپیده‌ی صبح [فَجْر] پرده‌ی سیاه شب را می‌شکافد، آن‌را فَجر گفته‌اند که در دو وقت اتفاق می‌افتد:

الف) فَجْر کاذب (فَجْر اوّل): سپیده‌ای گسترده و بسیار کم رنگ که در پایان نیمه شب به صورت عمودی در شرق آسمان ظاهر می‌شود و گمان می‌رود که فَجر صادق است، ولی پس از چند لحظه در تاریکی ناپدید می‌گردد تا هنگامی که فَجْر صادق طلوع کند.

ب) فَجْر صادق (فَجْر دوم): سپیده‌ای که کمی بعد از فَجْر کاذب، از همان ابتدا به صورت اُفقی در اُفق گسترش پیدا می‌کند و شفافیّت خاصّی دارد و سپس در تمام آسمان گسترده می‌شود (ابتدای وقت نماز صبح).



تأخیر عَمْدی نماز

م. اگر کسی نماز خود را از روی عَمْد به تأخیر بیندازد تا اینکه نمازش قضا شود، گناه کرده و باید قضای آن نماز را به جا آورد و توبه کند.

نماز اوّل وقت با تیمّم

م. اگر انسان عُذری دارد که اگر بخواهد در اوّل وقت نماز بخواند ناچار است با تیمّم نماز بخواند سه حالت دارد:

۱. اگر بداند عُذر او تا آخر وقت برطرف می‌شود؛ نمی‌تواند در اوّل وقت با تیمّم نماز بخواند، بلکه باید صبر کند و پس از فراهم شدن شرایط، با وضو یا غسل نماز بخواند.

۲. اگر بداند که عُذر او تا آخر وقت باقی است؛ می‌تواند در اوّل وقت با تیمّم نماز بخواند.

۳. اگر شک دارد که عُذر او از بین می‌رود یا خیر و یا احتمال دارد عُذر او برطرف شود امّا یقین ندارد، میتواند با تیمم نمار بخواند ولی مستحب است صبر کند تا عُذرش برطرف شود و چنانچه عُذر او برطرف نشد، در آخر وقت با تیمّم نماز بخواند.

استقبال (رعایت قبله)

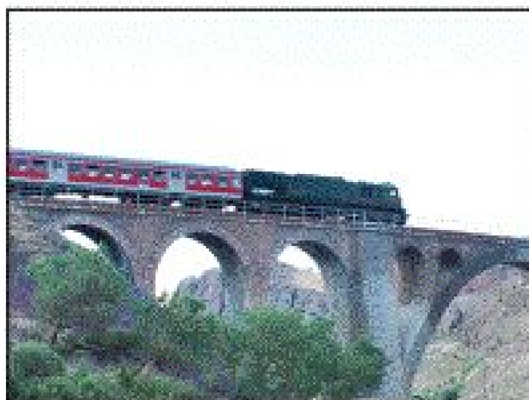
ضرورت رو به کعبه بودن

م. کعبه (که در مسجدالحرام و شهر مکّه قرار دارد) قبله‌ی مسلمانان است و باید به طرف آن نماز خواند؛ ولی کسی که به علّت دوری مسافت، کعبه را نمی‌بیند یا خارج از شهر مکّه است، اگر طوری بایستد که بگویند: رو به قبله نماز می‌خواند، کافی است.

توجه

نماز مستحب (نافله) را می‌شود هنگام راه رفتن یا در مواقعی که سوار ماشین، قطار، کشتی، هواپیما و مانند آن است، بخواند و در این حالات رو به قبله بودن لازم نیست.







تعیینِ قِبله

م. نمازگزار باید به جهت قبله یقین و اطمینان پیدا کند؛ چه با قبله‌نمای صحیح، چه از راه آفتاب و ستارگان و یا اعتماد بر شاخص. در غیر این صورت می‌توان بر اساس مِحراب مساجد و قبور مسلمین جهت قبله را تشخیص داد.



یکی از راه‌های تشخیص قبله، جهت قرار گرفتن قبر مسلمانان است.



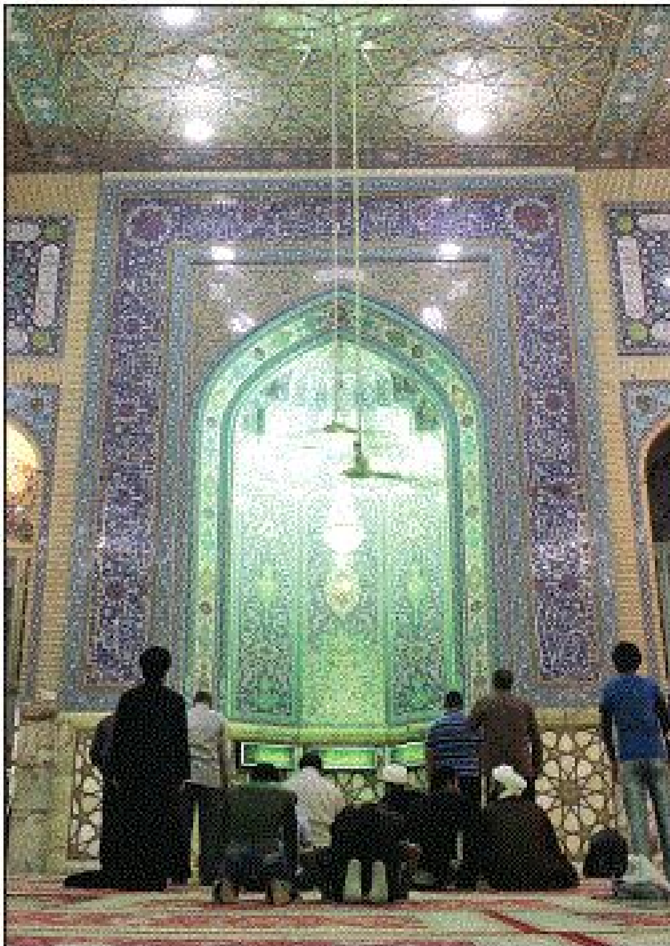
از ساعت‌های عقربه دار می‌توان برای تشخیص جهت قبله کمک گرفت.[1]



به وسیله‌ی قبله‌نما می‌توان جهت قبله را به دست آورد.



از طریق ۷ ستاره از صورت فلکی «دُبِّ اکبر» موقعیت ستاره‌ی قطبی و سپس جهت شمال را تشخیص می‌دهند و آن گاه با توجه به موقعیت جغرافیایی که در آن قرار دارند، جهت قبله را پیدا می‌کنند.

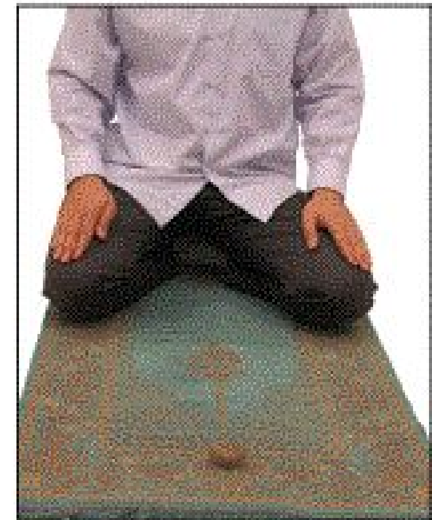


مِحراب مساجد را رو به قبله می‌سازند؛ از این رو در تشخیص قبله می‌توان از جهت مِحراب کمک گرفت.

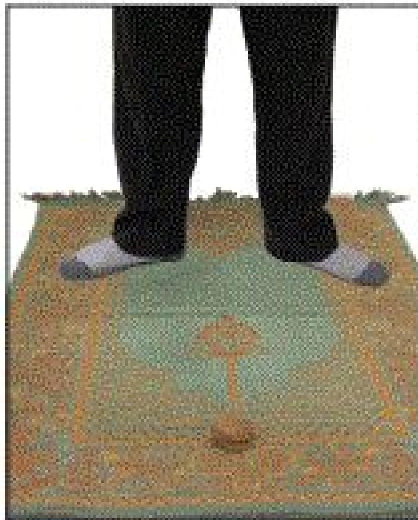
۱. در مناطق شمالی خط استوا مثل کشور ایران اگر عقربه‌ی ساعت شمار را طوری بگیرید که سایه‌ی آن منطبق بر خودش باشد (یعنی درست به سمت خورشید باشد) نیم‌ساز زاویه‌ای که عقربه‌ی ساعت شمار با ساعت ۱۲ می‌سازد، جنوب را به شما نشان می‌دهد. (این در صورتی است که در نیم کره‌ی شمالی باشید.) در این صورت پشت سر شما شمال، سمت چپ شما شرق و سمت راست شما غرب است.
به این ترتیب جهت تقریبی قبله را پیدا کرده‌اید و اگر کمتر از ۱۰ درجه به غرب منحرف شوید، جهت قبله را هم تشخیص می‌دهید.

کیفیّت رعایت قبله

م. کسی که نماز واجب را ایستاده می‌خواند، لازم نیست هنگام ایستادن نوک انگشتان پایش رو به قبله باشد یا موقع نشستن سر زانوهایش به طور دقیق رو به قبله قرار گیرد؛ بلکه همین اندازه که بگویند: رو به قبله ایستاده یا نشسته کفایت می‌کند.







حکم نماز کسی که امکان پیداکردن قبله را ندارد

م. اگر برای پیدا کردن قبله وسیله‌ای نداشتید، یا با این که کوشش کردید، به هیچ طرفی گمان پیدا نکردید، چنانچه وقت وسعت داشت بنابر احتیاط واجب چهار نماز به چهار طرف بخوانید و اگر به اندازه‌ی چهار نماز وقت نداشتید باید هر اندازه که وقت دارید، نماز بخوانید؛ برای مثال: اگر به اندازه‌ی یک نماز وقت داشتید باید یک نماز به هر طرف که خواستید، بخوانید؛ و اگر به عَمد برخلاف وظیفه عمل کردید و بعد متوجّه شدید به طرفی که نماز خوانده بودید اشتباه بوده است، باید بنابر احتیاط واجب نماز را اِعاده کنید.



لزوم دانستن قبله

م . نمازگزار در حال نماز باید علم داشته باشد که رو به قبله نماز می‌خواند یا دو نفر عادل، جهت قبله را به او بگویند. در غیر این صورت، پس از کوشش برای یافتن جهت قبله، به هر طرف که گمان قوی‌تر پیدا کرد نماز بخواند، کافی است.

احکام قبله

اقسام حالات در رابطه با رعایت جهت قبله

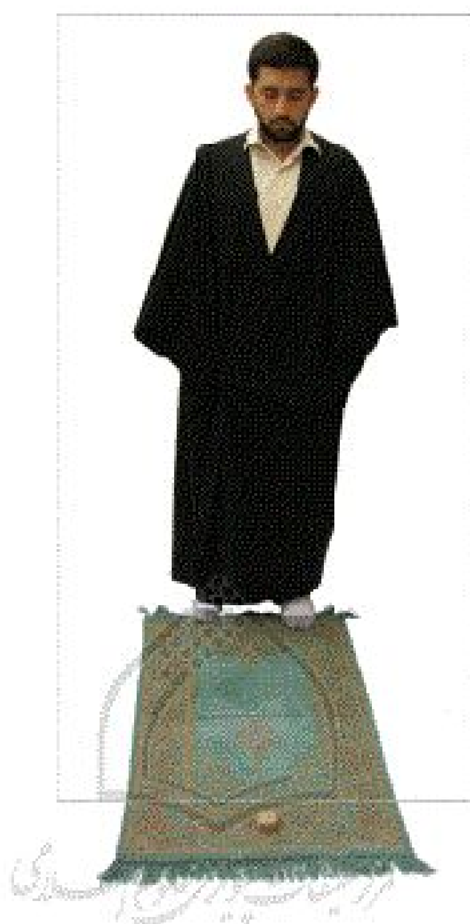


احکام مربوط به انحراف از قبله

انحراف کمتر از ۹۰ درجه به سمت چپ یا راست باشد	بعد از نماز متوجّه انحراف شود		نماز درست است.
	در بین نماز متوجّه شود		باید به سمت قبله برگردد و نماز را ادامه دهد.
انحراف اندازه ۹۰ درجه یا بیشتر باشد	بعد از نماز متوجّه شود	در وقت متوجّه شود (هنوز فرصت دوباره خواندن نماز در وقت را دارد)	باید نماز را اعاده کند.
		پس از وقت متوجّه شود	نماز صحیح است و احتیاط مستحب قضای آن است.
	در بین نماز متوجّه شود	وقت نماز وسعت دارد	باید نماز را به هم بزند و دوباره شروع کند.
		وقت نماز وسعت ندارد	باید به سمت قبله برگردد و نماز را ادامه دهد و احتیاط مستحب قضای آن است.

انحراف از قبله

م. کسی که جهت قبله را می‌داند، نباید به عَمْد از سمت آن منحرف شود؛ ولی اگر قبله را نداند یا فراموش کند و از قبله منحرف شود و نماز بخواند و بعد متوجّه شود، چنان‌چه به حدّ دست راست یا چپ قبله نرسیده باشد (یعنی کمتر از ۹۰ درجه باشد) نمازش صحیح است.



رعایت قبله در نماز نشسته

م. کسی که باید نشسته نماز بخواند، اگر نمی‌تواند به طور معمول بنشیند، و در موقع نشستن کف پاها را به زمین می گذارد باید موقع نماز صورت و سینه او رو به قبله باشد.

قبله در نماز خوابیده

م. جهت قبله برای کسی که به صورت خوابیده نماز می‌خواند، با توجّه به توانایی فرد، به ترتیب زیر است:

۱. باید اگر می‌تواند به پهلوی راست بخوابد و صورت و بدن او رو به قبله باشد.

۲. اگر توانایی خوابیدن به پهلوی راست را نداشت، به پهلوی چپ بخوابد و جلوی بدن او رو به قبله باشد.

۳. اگر توانایی خوابیدن به پهلوی چپ را هم نداشت، به پشت بخوابد و کف پایش رو به قبله باشد.



کسی که نمی‌تواند به صورت نشسته نماز بخواند باید به پهلوی راست بخوابد؛ به گونه‌ای که جلوی بدنش رو به قبله باشد.



کسی که نمی‌تواند به پهلوی راست یا چپ بخوابد، باید به پشت خوابیده و پاهای خود را رو به قبله قرار دهد.

لباس نمازگزار

پوشش

م .به طور کلّی بر هر زن و مردی واجب است در مقابل نامحرم پوشش لازم را مراعات کند و در صورتی که نسبت به رعایت پوششِ واجب، کوتاهی کند، گناه کرده است؛ همچنین پوشیدن برخی از لباس‌ها (و استفاده از برخی زیورها) برای مردان حرام است؛ چه نامحرم حضور داشته باشد یا خیر؛ مانند لباسی که از ابریشم خالص است یا استفاده از انگشتر طلا.

پوشش زن از نامحرم

م .تمام بدن زن به استثنای دست‌ها تا مچ و گردی صورت باید از نامحرم پوشانده شود؛ به شرطی که دست و صورت آرایش و زینت نداشته باشد و گرنه باید قسمت آرایش شده یا زینت‌دار را از نامحرم بپوشاند.

پوشش مرد از نامحرم

م .مرد باید شرمگاه [عَورَتین] خود را از نامحرم بپوشاند و اگر بداند که نامحرم به بدن او نگاه می‌کند، بنابر احتیاط مستحب بدن خود را به استثنای سر، گردن و دست‌ها بپوشاند.



نپوشاندن هر جای بدن به قصد به حرام انداختن نامحرم حرام است. و در صورتی که نامحرم به بدن مرد نگاه می‌کند، بنا بر احتیاط مستحب بپوشاند.

پوشش در نماز

پوشش مرد در نماز

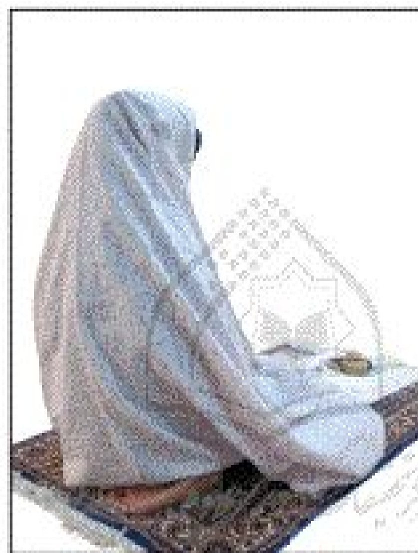
م . مردها در حال نماز باید شرمگاه [عَورَتین] خود را بپوشانند، حتی اگر کسی آنها را نمی‌بیند.

پوشش زن در نماز

م . زن در هنگام نماز باید تمام بدن حتی سر و موی خود را بپوشاند؛ ولی پوشاندن صورت به مقداری که در وضو شسته می‌شود، و دستها تا مچ لازم نیست.[1] همچنین اگر نامحرم او را نبیند، پوشاندن پاها تا مچ لازم نیست، امّا برای آن‌که یقین کند که مقدار واجب را پوشانده، باید مقداری از اطراف صورت و قدری پایین‌تر از مچ را هم بپوشاند.



نماز خواندن با چادر مشکی اشکالی ندارد و مکروه هم نیست.



اگر در مکان زنِ نمازگزار، مردان نامحرم حضور دارند، پوشش کف و روی پا نیز از نامحرم لازم است.



مچ دست‌ها باید از نامحرم پوشانده شود و در نماز نیز پوشاندن آن واجب است، حتی اگر نامحرم در آن‌جا حضور نداشته باشد.

پوشاندن کف پا در نماز

م . پوشاندن کف پا نیز مانند روی پا در نماز واجب نیست؛ به شرطی که نامحرم حضور نداشته باشد؛ لذا اگر نامحرم او را می‌بیند واجب است کف و روی پا را بپوشاند.

صورت آرایش شده در نماز

م . زنی که صورت خود را آرایش کرده و یا در صورت و دستانش زیور آلات دارد، در صورتی که نامحرم او را نمی‌بیند، می‌تواند با همین حالت نماز بخواند؛ البته در صورتی که مواد آرایشی بسیار زیاد باشد و مانع رسیدن پوستِ پیشانی به مُهر شود باید آن را برطرف نماید.

۱. بر زن واجب است گردن و زیر چانه خود را بپوشاند؛ چه در نماز و چه در غیرنماز.

پوشش موهای مصنوعی

س . آیا خانم‌ها باید موهای مصنوعی خود را در نماز بپوشانند؟
پوشاندن موی موصول در نماز واجب نیست.

نماز با مانتو و روسری

م . نماز خواندن با مانتو و روسری، اگر مقدار واجبِ پوشش و شرایط لباس نمازگزار در آن رعایت شود، اشکال ندارد، هر چند نماز با چادر برای رعایت پوشش در نماز، بهتر است.

نماز با بلوز و شلوار

م . اگر خانمی با بلوز و شلوار نماز بخواند، در صورتی که جاهای لازم را بپوشاند، نمازش صحیح است.

نماز با چادر نازک

م . نماز با چادرِ نازک که از پشت آن بدن و موی نمازگزار نمایان باشد، باطل است.

نمایان بودن موها در نماز

س . اگر خانمی در بین نماز متوجّه شود که موهای او از چادر بیرون آمده، وظیفه‌اش چیست؟
باید موهای بیرون آمده را بلافاصله بپوشاند و نماز را ادامه دهد و نمازش صحیح است.

کنار رفتن پوشش زن در نماز

م . اگر در نماز، چند لحظه و بی‌اختیار یکی از اعضای زن دیده شود، نمازش اشکال ندارد، ولی باید فوری آن را بپوشاند.

م . اگر خانمی بعد از نماز بفهمد که موهای او در بین نماز بیرون بوده، نمازش صحیح است و دوباره خواندن لازم نیست.

توجه

دیدن مُهر در نماز لازم نیست؛ بنابراین نماز خانم‌هایی که در نماز چادر خود را روی صورت می‌کشند، اشکالی ندارد. ولی هنگام سجده نباید چادر یا چیز دیگری بین پیشانی و محل سجده مانع شود.



نماز بدون پوشش لازم

م . اگر کسی در نماز پوشش کافی نداشته باشد:

نداشتن پوشش کافی در نماز	اگر از روی عَمد پوشش را رعایت نکند		نماز باطل است.
	اگر بدون عَمد، مقداری از پوشش لازم، رعایت نشود	در بین نماز بفهمد	باید فوری آن را بپوشاند (به شرط این‌که کاری که صورت نماز را به هم می‌زند، به جا نیاورد) و نماز صحیح است.
		بعد از نماز بفهمد	نماز صحیح است.
	به واسطه‌ی ندانستن مسأله، پوشش لازم را رعایت نکند	بنابر احتیاط واجب باید نماز را دوباره بخواند.	

شرایط پوشش

شرایط لباس نمازگزار

م .شرایط لباس و پوشش نمازگزار عبارت است از:



قانون کلی

استفاده از انگشتر طلا و به گردن آویختن زنجیر طلا برای مرد در هر حال حرام است؛ حتی اگر کسی آن را نبیند و در زیر لباس پنهان باشد.

نکته

اگر مویی از حیوان حرام گوشت - مانند: خرگوش یا گربه - به لباس یا بدن نمازگزار چسبیده باشد، نماز خواندن با آن باطل است؛ ولی اگر پس از نماز متوجه شود، نماز خوانده شده صحیح است.



۱. همراه داشتن چیز ابریشمی مانند: دستمال اشکال ندارد.

همراه داشتن اشیای نجس در نماز

م. اگر دستمال نجسی در جیب نمازگزار باشد:

همراه داشتن چیز نجس	اگر به قدری کوچک است که نمی‌توان با آن عورت را پوشاند (مثل دستمال کوچک)	در صورتی که از مُردار یا حیوان نجس العین (سگ و خوک) و حیوان حرام گوشت درست نشده باشد، مانعی ندارد. **توجه:** وسایلی مانند کلید، چاقو، انگشتر و عینک نجس نیز حکمِ دستمال کوچک را دارند؛ از این رو همراه داشتن آنها در نماز با شرایط مذکور مانعی ندارد.
	اگر می‌توان با آن عورت را پوشاند	احتیاط واجب آن است که همراه نمازگزار نباشد.



همراه داشتن جوراب ساقه کوتاه نجس در نماز اشکال ندارد (به شرطی که نجاست به لباس یا بدن نمازگزار سرایت نکند).



وجود دستمال کاغذی نجس در جیب نمازگزار اشکالی ندارد (به شرطی که نجاست به لباس یا بدن وی سرایت نکند).



اگر گوشی [تلفن همراه] نجس باشد، همراه داشتن آن هنگام نماز اشکالی ندارد (به شرطی که نجاست به لباس یا بدن نمازگزار سرایت نکند).

توجه به نجاست لباس در بین نماز

س. نمازگزاری در حال نماز یا بعد از آن متوجّه می‌شود که بخشی از لباس و یا قسمتی از فرش محلّ نمازش نجس است. نمازش چگونه است؟

نجس بودن فرش، ضرری به نماز نمی‌زند؛ مگر در صورتی که فرش و یا بدن یا لباس نمازگزار به حدّی مرطوب باشد که نجاست فرش به بدن یا لباس سرایت کند.

م. حالات و احکام مختلفِ نجاست لباس نمازگزار:

<table dir="rtl">
<tr><th colspan="3">اگر بعد از نماز متوجّه شود که لباسش نجس بوده.</th><td colspan="2">نمازی که خوانده صحیح است.</td></tr>
<tr><th colspan="2" rowspan="3">اگر در بین نماز متوجّه شود که لباسش قبل از شروع نماز نجس بوده</th><td colspan="2">اگر وقت وسعت دارد که بتواند با لباس پاک دوباره نماز بخواند.</td><td>باید نماز را رها کند و دوباره بخواند.</td></tr>
<tr><td rowspan="2">اگر وقت کافی برای دوباره خواندن نماز با لباس پاک را ندارد</td><td>در صورتی که آب کشی یا عوض کردن و یا در آوردن لباس، نماز را به هم نمی‌زند.</td><td>باید چنین کند و نماز را تمام کند.</td></tr>
<tr><td>اگر نتواند لباس را آب بکشد یا عوض کند یا بیرون آوردن لباس، حالت نماز را به هم می‌زند.</td><td>باید با همان لباس نماز بخواند و صحیح است.</td></tr>
<tr><th rowspan="4">اگر در بین نماز لباسش نجس شود</th><td rowspan="2">اگر وقت داشته باشد</td><td>چنانچه آب کشیدن یا عوض کردن و یا بیرون آوردن لباس نجس، حالت نماز را به هم نزند.</td><td colspan="2">باید در بین نماز لباس را آب بکشد یا عوض کند و یا اگر پوشش دیگری دارد که برای نماز کافی است، لباس را بیرون آورد.</td></tr>
<tr><td colspan="2">چنانچه آب کشیدن لباس یا عوض کردن و یا بیرون آوردن آن، حالت نماز را به هم بزند.</td><td>باید نماز را بشکند و با لباس پاک نماز بخواند.</td></tr>
<tr><td rowspan="2">اگر وقت کافی برای دوباره خواندن نماز با لباس پاک را ندارد</td><td colspan="2">در صورتی که آب کشی یا عوض کردن و یا در آوردن لباس، نماز را به هم نمی‌زند.</td><td>باید چنین کند و نماز را تمام کند.</td></tr>
<tr><td colspan="2">اگر نتواند لباس را آب بکشد یا عوض کند یا بیرون آوردن لباس، حالت نماز را به هم می‌زند.</td><td>باید با همان لباس نماز بخواند و صحیح است.</td></tr>
</table>

نماز با فراموشی نجاست بدن و لباس

م . اگر شخصی نجاست لباس یا بدنش را فراموش کرده و با همان حالت نماز خوانده باشد، باید دوباره نماز بخواند و اگر وقت گذشته است، قضا کند.

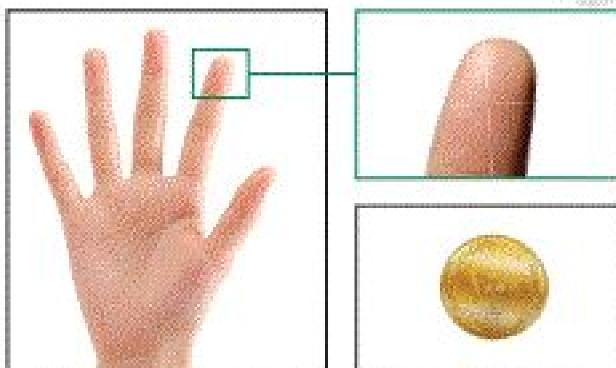
مواردی که می‌توان با بدن و لباس نجس نماز خواند

موارد جواز نماز با بدن ، لباس و اشیای نجس	بدن	۱. ناچار (مُضْطر) باشد با بدن نجس نماز بخواند. ۲. به واسطه‌ی زخم یا جراحت یا دُمَل، بدن خون آلود شده باشد؛ و نتواند آن را تطهیر کند. ۳. خون موجود در بدن کمتر از درهم باشد.
	لباس	۱. ناچار باشد با لباس نجس نماز بخواند. ۲. به واسطه‌ی زخم یا جراحت یا دُمَل، لباس خون آلود شده باشد؛ و نتواند آن را تطهیر کند. ۳. خون موجود در لباس کمتر از درهم باشد. ۴. لباس‌های کوچک نمازگزار که با آنها نمی‌توان عَورَت را پوشاند، نجس باشد؛ مثل جوراب و دستکش؛ به شرطی که از مُردار و حیوان حرام گوشت نباشند. ۵. لباس زنی که پرستار بچه است (با شرایطی که در کتب فقهی آمده است).
	اشیا	اشیا و زیور آلاتی که همراه نمازگزار است؛ مثل: انگشتر، تسبیح و ... .

نکته

اندازه درهم

درهم تقریباً به اندازه‌ی یک بند انگشت اشاره [سَبّابه] است.



این نمونه‌ها، اندازه‌ها و معادل‌های تقریبی درهم شرعی است که قُطر آن حدود ۲۳ میلی‌متر می‌باشد.

اضطرار در طهارت بدن و لباس

م. اگر در بدن یا لباس نمازگزار خون زخم یا جراحت یا دُمَل باشد، و آب کشیدن بدن یا لباس یا عوض کردن لباس برای بیشتر مردم (یا برای خصوص فرد) سخت است، تا وقتی که زخم، جراحت یا دُمَل خوب نشده است، می‌تواند با آن خون نماز بخواند. همچنین است اگر چرکی که با خون بیرون آمده یا دارویی که روی زخم گذاشته، نجس شده و در بدن یا لباس او باشد.

شرایط خون کمتر از دِرهم

م. اگر خون کمتر از درهم در بدن یا لباس نمازگزار باشد، با چند شرط اشکال ندارد:

شرایط خون کمتر از درهم	۱. خون حیض و بنابر احتیاط واجب خون استحاضه و نِفاس نباشد.
	۲. خون سگ، خوک، مُردار و حیوان حرام گوشت نباشد.
	۳. نجاست دیگری به خون اضافه نشود؛ برای مثال: اگر قطره‌ای بول روی خون بریزد نماز خواندن با آن جایز نیست.
	۴. اگر رطوبت با خون مخلوط شود و از بین برود و مجموع آنها بیش از اندازه‌ی مجاز نشود، نماز صحیح است.





اگر لباس نمازگزار به خونِ سگ، خوک و سایر حیوانات حرام گوشت آلوده شود، اگر کمتر از درهم باشد نیز اشکال دارد.

توجه

اگر بدن یا لباس خونی نشود، ولی رطوبت باعث شود لباسی که با خون برخورد کرده، نجس شود، اگر چه مقدار نجس شده کمتر از درهم باشد، نمی‌شود با آن نماز خواند.

م. اگر در بدن یا لباس نمازگزار، خونِ بریدگی یا زخمی باشد که به زودی خوب می‌شود و شستن آن آسان است، در صورتی که از درهم بیشتر باشد، نماز باطل است

نکته

قسمت‌های پُر شده از دندانها اگر به گونه‌ای باشد که جزو دندان طبیعی محسوب شود حکم دندان طبیعی را دارد و در صورت نجس شدن با خون لثه بعد از برطرف کردن خون، آب کشیدن داخل دهان لازم نیست.



خون آمدن از بدن در نماز

م . اگر در بین نماز، از عضوی از بدن خون بیاید در صورتیکه امکان آب کشیدن وجود داشته باشد (طوری که صورت نماز را به هم نزند) باید آن را آب بکشد و گرنه در وسعت وقت باید نماز را قطع نمود و با بدن پاک نماز خواند و اگر وقت تنگ است باید با همان وضعیت نماز را تمام کند و نمازش صحیح است. البته اگر خونی که به بدن یا لباس رسیده کمتر از درهم باشد، نماز صحیح است.



نماز با رطوبت ناشی از زخم

م . اگر جایی از بدن یا لباس که با زخم فاصله دارد به رطوبت زخم نجس شود جایز نیست با آن نماز بخواند؛ ولی اگر مقداری از بدن یا لباس (که نزدیک زخم است و معمولاً به رطوبت آن آلوده می‌شود) نجس شود، نماز خواندن با آن مانعی ندارد.



نماز با زخم‌های نزدیک و پراکنده

م . اگر چند زخم در بدن باشد و آن‌قدر به هم نزدیک باشند که یک زخم حساب شوند، تا وقتی همه خوب نشده‌اند، نماز خواندن با خون آن‌ها اشکال ندارد؛ ولی اگر به قدری از هم دور باشند که هر کدام یک زخم حساب شود، هر کدام که خوب شد باید برای نماز، بدن و لباس را از خون آن آب بکشد.

غَصبی نبودن لباس نمازگزار

م. لباس نمازگزار باید مُباح باشد؛ یعنی غصبی نباشد.

توجه

اگر کسی نداند پوشیدن لباس غصبی حرام است و با آن نماز بخواند، نمازش صحیح است.

فراموشی یا ندانستن غَصبی بودن لباس

م. اگر انسان نداند یا فراموش کند که لباسش غصبی است و با آن نماز بخواند، نمازش صحیح است.

م. کسی که لباسی را غصب کند و بعد فراموش نماید و با آن نماز بخواند، بنابر احتیاط واجب باید نماز را دوباره بخواند.

از جنس مُردار نبودن

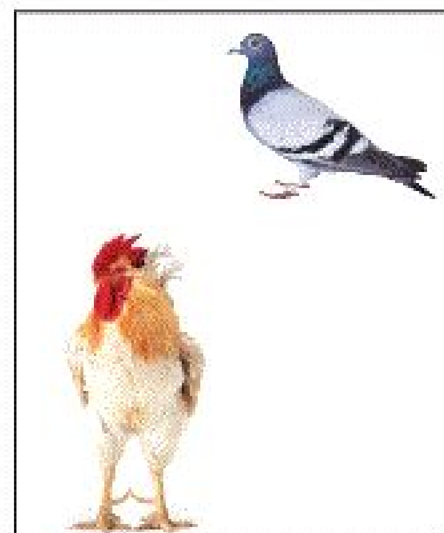
م. لباس نمازگزار نباید از اجزای حیوان مُرده‌ی دارای خون جَهَنده باشد؛ بلکه بنابر احتیاط واجب از پوست حیوان مرده‌ای که خون جهنده ندارد - مانند: ماهی و مار - نیز باید اجتناب کرد.

از اجزای حیوان حرام گوشت نبودن

م. لباس نمازگزار نباید از اجزای حیوان حرام گوشت باشد.

لباس ساخته از پَر

م. در صورتی که روی لباس نمازگزار پَر پرنده‌ی حرام گوشت باشد یا خودِ لباس از پَر چنین پرنده‌ای (مانند عقاب) تهیه شده باشد، همراه داشتن آن در نماز موجب باطل شدن نماز است.



حلال گوشت



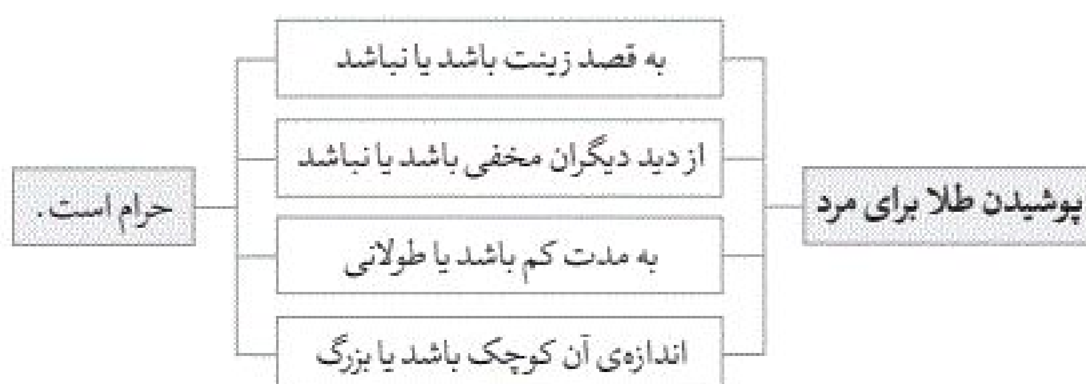
حرام گوشت

لباس طلابافت و ابریشمین

م . پوشیدن لباس طلا بافت و ابریشم خالص برای مرد حرام است (چه در نماز و چه در غیر نماز) و نماز با آن باطل است.

نماز با زنجیر و انگشتر طلا

م . نماز مرد با زنجیر، دست‌بند، گردن‌بند و انگشتر طلا بنابر احتیاط واجب باطل است.



طلای سفید در نماز

س . بنده هنگام ازدواج به تصوّر آن‌که منظور از طلای سفید همان پلاتین است (که اشکال ندارد) به جای طلای زرد حلقه‌ی طلای سفید در دست کردم و حدود یک سال نیز هنگام نماز در دست من بود. پس از تحقیق متوجّه شدم که طلای سفید[1] با پلاتین فرق دارد و برای مرد حرام است. حال باید قضای نمازهای گذشته را بخوانم یا نه؟

اِعاده لازم نیست.

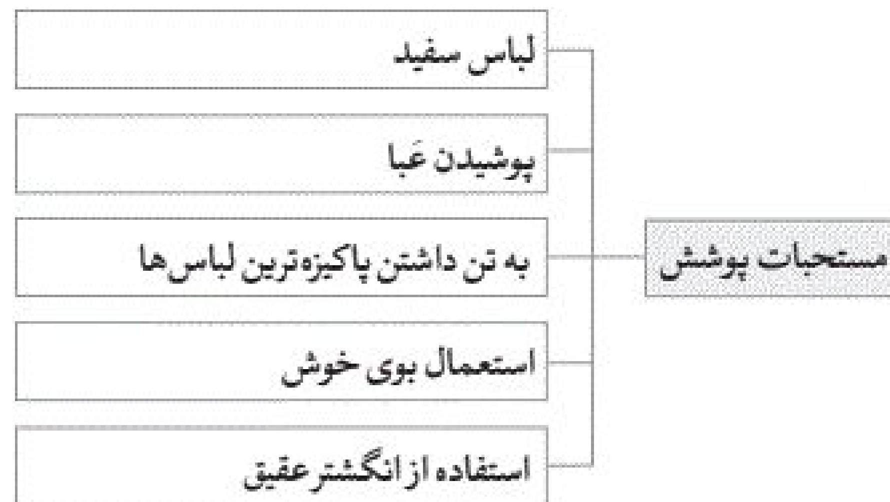
لباس طلا و ابریشم زنان

م . پوشیدن لباس طلا بافت برای زن در نماز و غیر نماز اشکال ندارد.

۱. آن چه که طلا باشد پوشیدن آن بر مرد حرام است خواه طلای زرد باشد یا سرخ یا سفید. و اگر چیزی که طلای سفید نامیده می‌شود همان طلای زرد است که بر اثر مخلوط کردن ماده‌ای، رنگ آن سفید شده، حرام است ولی اگر عنصر طلا در آن به قدری کم باشد که عرفاً به آن طلا نمی‌گویند مانع ندارد. و باید توجه داشت که پلاتین طلا نیست و اشکال ندارد.

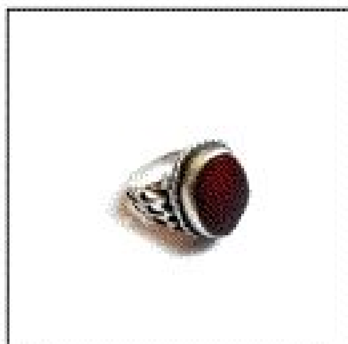
مستحبّات پوشش نمازگزار

م .چند چیز در لباس و پوشش نمازگزار مستحب است:









مَکروهات پوششِ نمازگزار

م .پوشش‌های زیر در نماز مَکروه است:



مکان نمازگزار

شرایط مکان نمازگزار

بی‌حرکت باشد	طوری که نمازگزار بتواند با آرامش و بدون تکان، نماز بخواند.
مُباح باشد	یعنی غصبی نباشد.
محل سجده پاک باشد	مُهر یا جایی که پیشانی را روی آن می‌گذارد، پاک باشد.
موجب نجاست بدن و لباس نمازگزار نشود	یا نجاست به گونه ای تَر نباشد که به نمازگزار سرایت کند.[1]
جلوتر از قبر پیغمبر ﷺ و امام ؑ نایستد	ولی مساوی قبر اشکال ندارد.
از جاهایی نباشد که توقف در آن حرام است	مانند جایی که جان انسان در خطر جدّی است.
میان زن و مرد حداقل یک وجب فاصله باشد	بنابر احتیاط واجب
هم‌سطح باشد	جای پیشانی نمازگزار، از جای زانوها و سر انگشتانِ پای او، بیش از چهار انگشت بسته بلندتر و یا پایین‌تر نباشد.



محل زانوها و سر انگشتان بزرگ پا نباید از جای سجده بیش از چهار انگشت بسته بالاتر یا پایین‌تر باشد. (به صفحه ۲۲۵ رجوع کنید).



اگر اطراف مُهر (محلّی که بر آن سجده می‌کند) نجس باشد، اشکال ندارد؛ ولی نباید رطوبت آن به لباس یا بدنش برسد.



اگر محلّی که پیشانی را برای سجده روی آن می‌گذارد(مُهر)، نجس باشد، نماز باطل است، حتی اگر خشک باشد.



نماز واجب را باید در جایی بخوانند که حرکت نداشته باشد.



ایستادن نمازگزار روی روزنامه‌ای که آیات قرآن و اسامی مقدّس دارد، حرام است.



نماز خواندن کنار کوهی که در حال ریزش است یا احتمال دارد ریزش کند، اشکال دارد.

مُباح بودن مکان نماز

م. مکانی که انسان در آن‌جا نماز می‌خواند باید مُباح باشد (غصبی نباشد).

۱. اگر نجاستِ محل خشک شده باشد، اشکالی ندارد. البته نجاستِ محل سجده (مُهر) اگر خشک هم باشد، اشکال دارد.

نماز در جای دیگران

م. مکان نمازگزار باید مُباح باشد؛ از این رو کسی که در مسجد نشسته، اگر دیگری او را بیرون کند یا جای او را با قرار دادن رحل قرآن یا سجاده و مانند آن بگیرد و سپس آن‌جا نماز بخواند، بنابر احتیاط واجب باید دوباره نماز را در محلّ دیگری بخواند.

نکته

گرفتن جا در مسجد برای نماز خواندن اشکال ندارد.

بی‌حرکت بودن مکان نماز

م. مکان نمازگزار باید بی‌حرکت باشد و اگر به واسطه‌ی تنگی وقت یا علت دیگری ناچار باشد در جایی که حرکت دارد - مانند: اتوبوس، قطار، کشتی و هواپیما - نماز بخواند، در صورت امکان باید استقرار و جهت قبله را مراعات کند و اگر آن وسیله‌ی نقلیه تغییر جهت بدهد، نمازگزار باید به طرف قبله برگردد (البته در حال چرخیدن به سمت قبله نباید چیزی بگوید) و اگر نمی‌تواند جهت قبله را مراعات کند، در همان حال نماز بخواند.

توجه

اگر کشتی در کنار ساحل یا لنگرگاه ایستاده و تکانی جزئی دارد یا در سفر دریایی است و امکان پیاده شدن از کشتی نیست، حتی در حال اختیار (با رعایت جهت قبله) می‌توان نماز خواند؛ چه وقت وسیع باشد یا تنگ.



نماز دو نامحرم در جای خلوت

م. اگر مرد و زن نامحرم در اتاق یا محل خلوتی باشند که کسی نمی‌تواند وارد آن شود و آنان بترسند که به حرام بیفتند، ماندنشان در آن‌جا حرام است و بنابر احتیاط مستحب نباید آن‌جا نماز بخوانند؛ لیکن اگر نماز خواندند، باطل نیست.

توجه

اگر کسی در محل خلوتی مشغول نماز باشد و فرد نامحرم وارد آن‌جا شود، نماز او اشکال ندارد.

مقدار فاصله بین زن و مرد

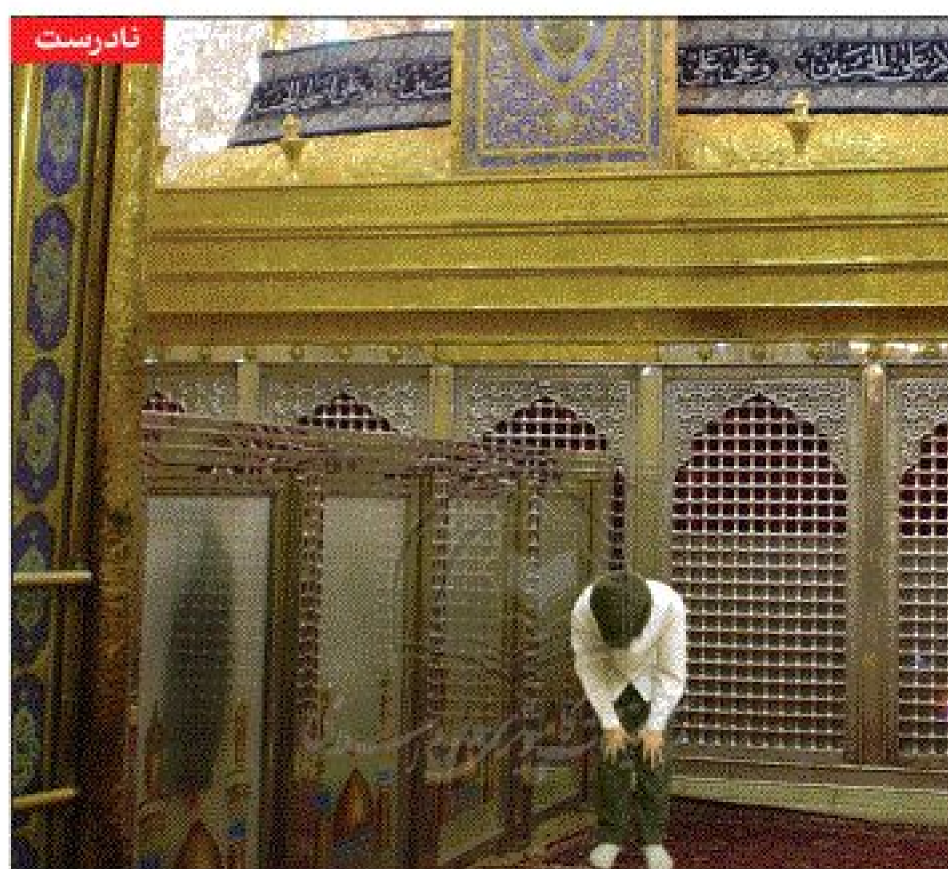
م. لازم است میان زن و مرد در حال نماز حداقل یک وجب فاصله باشد و در این صورت اگر زن و مرد محاذی یکدیگر بایستند یا زن جلوتر از مرد بایستد، نماز هر دو صحیح است این حکم بنابر احتیاط واجب است.

جلوتر بودن نمازخانه‌ی خانم‌ها

م ،درصورتی که مکان نماز خانه‌ی خانم‌ها جلوتر از آقایان باشد بهتر است بین آنها دیوار یا پرده یا چیز دیگری باشد که یکدیگر را نبینند.

مقدّم نشدن بر مقبره‌ی معصومان علیهم السلام

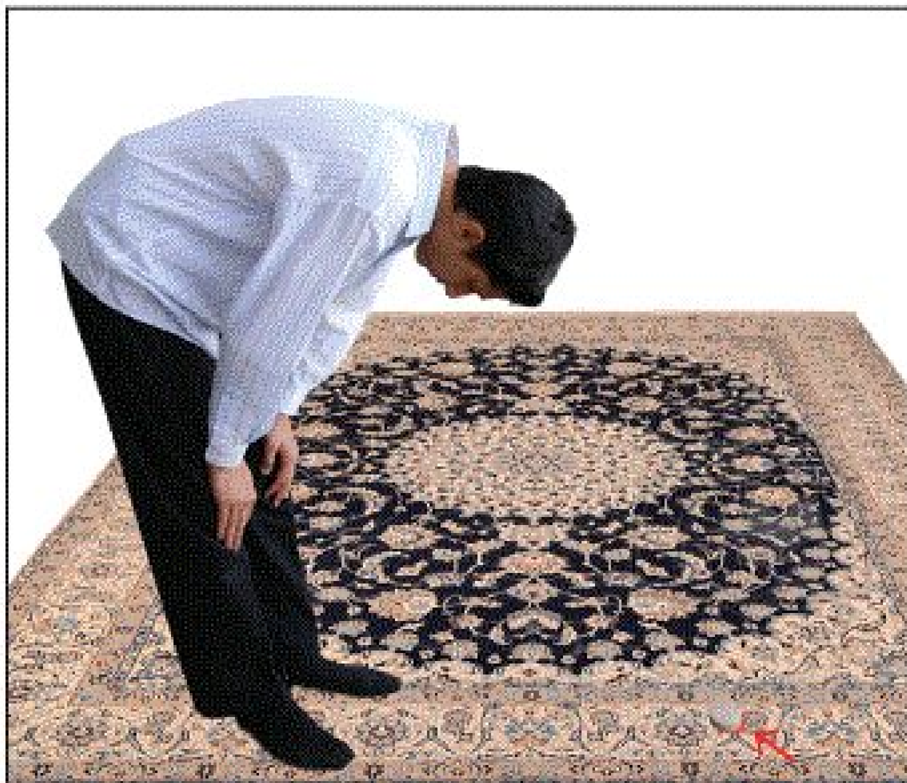
رجوع کنید به صفحه‌ی[۳۳۷].



شرایط محلّ سجده

پاکیِ محلّ سجده

م. مُهر یا چیز دیگری که بر آن سجده می‌کند باید پاک باشد؛ ولی اگر مُهر را روی فرش نجس بگذارد یا یک طرف مُهر نجس باشد و پیشانی را برطرف دیگر بگذارد، اشکالی ندارد. به شرطی که نجاست به پیشانی سرایت نکند.



اگر فرش زیر مُهر نجس باشد، برای نماز اشکالی ندارد؛ ولی نباید نجاست به بدن یا لباس نمازگزار سرایت کند.



بر مُهر نجس نمی‌شود سجده کرد؛ مگر این‌که روی آن به اندازه‌ی لازم برای سجده قسمت پاک وجود داشته باشد و نجاست خشک باشد و به پیشانی هم سرایت نکند.

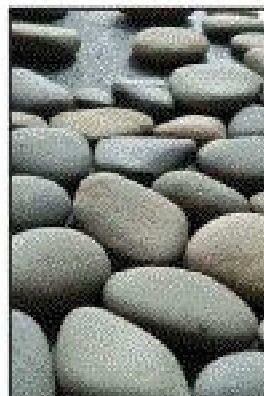
پیشانی نهادن بر چیز صحیح

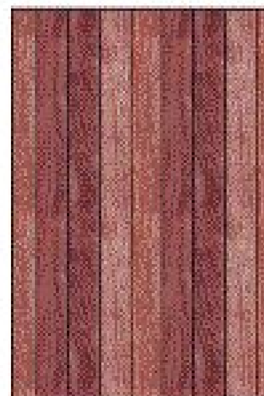
م. در سجده باید پیشانی روی چیزی قرار گیرد که سجده بر آن صحیح است. برای اطلاع بیشتر به صفحه‌ی[۲۵۶] رجوع کنید.

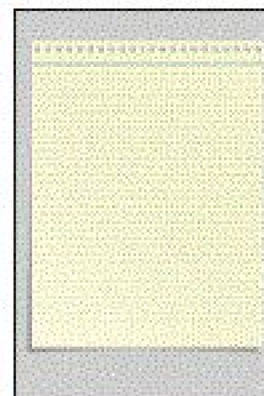












بی‌حرکتی سجده‌گاه

م. سجده بر چیزی که پیشانی روی آن آرام نمی‌گیرد و حرکت دارد، باطل است؛ ولی اگر روی تشک یا چیز دیگری که بعد از سرگذاشتن مقداری پایین رفته و سپس آرام می‌گیرد سجده کند اشکال ندارد.

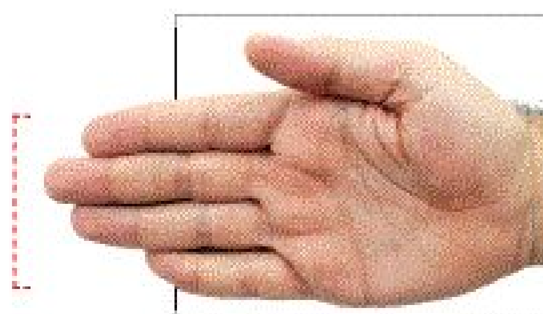




هم سطحی سجده‌گاه با زانو و سرانگشت

م. جای پیشانی نمازگزار نباید از جای زانوهای او بیشتر از چهار انگشتِ بسته‌ی دست، «پایین‌تر» یا «بالاتر» باشد.

م. جای پیشانی نمازگزار نباید از سر انگشتان پا بیشتر از چهار انگشتِ بسته‌ی دست، «پایین‌تر» یا «بالاتر» باشد.



مانع میانِ مُهر و پیشانی

م. اگر مُهر به قدری کثیف باشد که پیشانی به خودِ مُهر نرسد، سجده باطل است؛ امّا اگر فقط رنگ مُهر تغییر کرده است، اشکال ندارد.

نکته

بیشتر اوقات رنگ مُهر به علّت رطوبت یا چربی روی پیشانی تغییر می‌کند. این تغییر رنگ مانع از سجده بر مُهر نیست و اشکالی ندارد. و جرمی که در اثر استفاده زیاد از مُهر، مانع از سجده است در زمان طولانی ممکن است پدید آید.

نماز بر روزنامه‌ی دارای نام خدا

س. اگر در نماز از روزنامه‌ای که اسم خدا در آن نوشته شده به عنوان زیرانداز استفاده کنیم، حکم نماز چیست؟

به طور کلّی نباید روی چیزی که ایستادن و نشستن روی آن حرام است، (مثل روزنامه یا فرشی که اسم خدا بر آن نوشته شده است) نماز خواند ولی اگر خواند، نماز صحیح است، اگر چه گناه کرده است.



نماز روبه‌روی آینه

م. اگر صورت خود را در آن می‌بیند و ذهنش مشغول می‌شود، بهتر است آن را بردارد یا روی آن را بپوشاند.

نکته

نماز خواندن در محلّی که عکس نصب شده، کراهت دارد.

اذان و اقامه

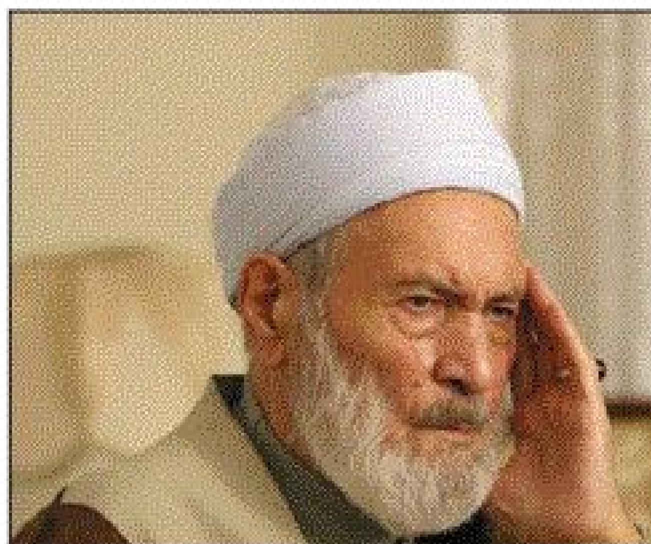
معنای اذان و اقامه

«اذان» در لغت یعنی «اعلام کردن» و در اصطلاحِ احکام، الفاظ و کلمات مخصوصی است که هنگام فرا رسیدن وقت نماز گفته می‌شود. از آن‌جا که با این کلمات، وقت نماز یا آمادگی برای ورود به آن اعلام می‌شود، به آن «اذان» می‌گویند.

«اقامه» در لغت یعنی «بر پا داشتن» و در اصطلاحِ احکام، همان الفاظ و کلمات اذان است با کمی تفاوت که آن را پس از اذان می‌خوانند. چون این کلمات، نشان‌گر نزدیکی برپایی نماز است، به آن «اقامه» می‌گویند.

حکم اذان و اقامه

م. برای نمازگزار (مرد و زن) مستحب است پیش از نمازهای واجب شبانه‌روز اذان و اقامه بگوید و بهتر است ترک نشود؛ به خصوص اقامه؛ ولی سایر نمازها اذان و اقامه ندارند.



توجه

نمازهای مستحب اذان و اقامه ندارند.

شرایط اذان و اقامه

م. اذان و اقامه شرایطی دارند که در جدول زیر مشاهده می‌کنید:

۱. بعد از داخل شدن وقت نماز باشد.	اگر قبل از وقت بگوید، صحیح نیست.
۲. به عربی صحیح باشد.	اگر به عربی غلط بگوید یا ترجمه آنها را به فارسی یا زبان دیگری بگوید صحیح نیست.
۳. میان جمله‌های اذان و اقامه زیاد فاصله نشود.	اگر میان آنها بیش از معمول فاصله بیندازد باید دوباره آن را از سر بگیرد.
۴. به صورت غنا[1] (آواز خواندنی که مناسب مجالس لهو و لعب است) نباشد.	اگر به صورت غنا بگوید، حرام و باطل است.
۵. در نماز جماعتی که مردان و زنان یا فقط مردان شرکت دارند، باید مرد اذان و اقامه بگوید.	در جماعت زنان اگر زن اذان و اقامه بگوید، کافی است.
۶. میان اذان و اقامه زیاد فاصله نشود.	اگر فاصله به قدری باشد که اقامه مربوط به آن اذان محسوب نشود، دوباره اذان و اقامه را بگوید. همچنین بین اذان و اقامه نباید با نماز زیاد فاصله شود و گرنه برای درک ثواب استحباب باید اذان و اقامه را دوباره بخواند.
۷. اقامه بعد از اذان گفته شود.	

رعایت ترتیب اذان و اقامه

م. گفتن اذان و اقامه قبل از نماز مستحب است و می‌تواند فقط اقامه را بگوید؛ ولی اگر می‌خواهد هر دو را بگوید، باید اذان، قبل از اقامه باشد.

اذان و اقامه در نماز جماعت

م. اگر برای نماز جماعتی اذان و اقامه گفته باشند، کسی که با آن جماعت نماز می‌خواند نباید برای نماز خود اذان و اقامه بگوید.

اذان و اقامه در نماز فُرادا

م. مستحب است پیش از نمازهای واجب شبانه‌روزی، اذان و اقامه بگویند و این استحباب در مورد نمازهای صبح و مغرب و به ویژه در نماز جماعت، مورد تأکید است. در دیگر نمازهای واجب، مانند نماز آیات، اذان و اقامه وارد نشده است.

۱. صدای زیبا یا زیبا خواندن به تنهایی غنا محسوب نمی‌شود؛ بلکه غنا عبارت است از: کشیدن صدا همراه با ترجیع [چهچهه] و با کیفیتی مخصوص که متناسب و شبیه به آوازه خوانی در مجالس فساد، گناه و لَهو و لَعِب است.

کیفیّت نماز

واجبات نماز

رُکْن و غیررُکْن

م . واجبات نماز به دو بخش رُکن و غیر رُکن تقسیم می‌شود که هر کدام احکام جداگانه‌ای دارند:



نکته

فرق رُکن و غیررُکن

بعضی از واجبات نماز رُکن هستند؛ یعنی اگر انسان آن‌ها را به جا نیاورد یا در نماز اضافه کند، عَمْدی باشد یا اشتباهی، نماز باطل می‌شود. بعضی دیگر رُکن نیستند؛ یعنی اگر به عَمْد کم یا زیاد شوند، نماز باطل می‌شود؛ ولی اگر به اشتباه کم یا زیاد گردند، باطل نمی‌شود.

نیّت

معنای نیّت

م .نیّت در لغت به معنای «قصد و اراده» است و در اصطلاحِ احکام، قصد انجام یک عبادت معیّن برای اطاعت از فرمان خداوند می‌باشد.

توضیح: انسان باید نماز را «قربةً إلی الله» یعنی «برای انجام فرمان خدای متعال» به جا آورد؛ ولی لازم نیست نیّت را از قلب خود بگذراند یا به زبان بگوید که چهار رکعت نماز ظهر می‌خوانم «قُربةً إلی الله»؛ بلکه همین مقدار که بداند چه عملی انجام می‌دهد و برای رضای خدا نماز را به جا می‌آورد، کافی است. به طوری که اگر سؤال کنند چه می‌کنی، جواب بدهد: که برای خدا نماز می‌خوانم.

حکم نیّت



م .«نیّت» از واجبات و ارکان نماز است و اگر به عَمد یا به اشتباه و فراموشی ترک شود، نماز باطل است.

واجبات نیّت

تعیین نماز

م .موقع «نیّت» باید قصد کند که نماز ظهر می‌خواند یا عصر یا نمازهای دیگر و اگر فقط نیّت کند چهار رکعت نماز می‌خوانم، ولی در نیّت نداشته باشد که چه نمازی می‌خواند، کافی نیست؛ بلکه باید نمازی را که می‌خواند در نیّت خود معیّن کند و واجب است قضا و ادا بودن آن‌را نیز مشخص نماید.

استمرار نیّت در نماز

م .انسان باید از اوّل تا آخر نماز به نیّت خود باقی باشد؛ پس اگر در بین نماز به گونه‌ای از نماز غافل شود که اگر (به فرض) از او بپرسند چه می‌کنی، نداند چه بگوید، نمازش باطل است.

توجه

در بعضی از موارد برگرداندن نیّت از یک نماز به نماز دیگر اشکال ندارد - مانند: برگرداندن نیّت از جماعت به فُرادا و از ادا به قضا - در بعضی موارد برگرداندن نیّت صحیح نیست؛ مانند: برگرداندن نیّت از نماز مستحب به واجب.

قصد قُربت و خلوص

م . در نیّت نماز «قصد قربت» و «خلوص» لازم است؛ یعنی باید تنها به قصد اطاعت از فرمان خدا نماز بخواند. بنابراین اگر برای «ریا» یعنی نشان دادن به مردم نماز بخواند یا اگر خدا و مردم هر دو را در نظر بگیرد نمازش باطل است.

برگرداندن نیّت نماز به نمازی دیگر

م . حالت‌ها و شرایط عدول و برگشتن از نیّت:

الف: عدول در موارد زیر واجب است:

۱- از نماز عصر به نماز ظهر، در صورتی که در بین نماز عصر متوجه شود که نماز ظهر را نخوانده است.

۲- از نماز عشا به نماز مغرب اگر در بین نماز عشا متوجه شود که نماز مغرب را نخوانده است و از محل عدول هم تجاوز نکرده باشد، یعنی در صورتی می‌تواند نیّت را به نماز مغرب برگرداند که وارد رکوع رکعت چهارم نشده باشد.

۳- اگر دو نماز قضایی که در اَدای آنها ترتیب معتبر است، برعهده‌ی او باشد و بر اثر فراموشی قبل از اَدای نماز اول به خواندن نماز دوم مشغول شود.

ب: عدول در موارد زیر مستحب است:

۱- از نماز ادا به نماز قضای واجب، در صورتی که بر اثر آن وقت فضیلت ادا فوت نشود.

۲- از نماز واجب به نماز مستحب، در صورتی که برای درک ثواب نماز جماعت باشد.

۳- از نماز واجب به نماز نافله در ظهر روز جمعه برای کسی که قرائت سوره‌ی جمعه را فراموش کرده و به جای آن سوره‌ی دیگری را خوانده و به نصف رسیده است یا از آن گذشته است. البته در این مورد اگرچه عدول برای درک ثواب قرائت سوره‌ی جمعه موافق احتیاط استحبابی است لکن می‌تواند آن سوره را رها کند و سوره جمعه را بخواند.

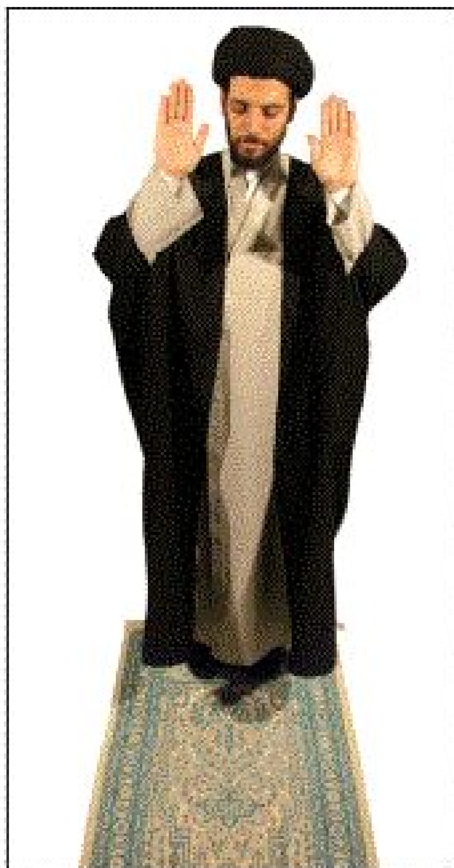
تَکبیرةُ الاِحرام

معنای تکبیرةُ الاحرام

م . اوّلین جزء نماز «اللهُ اَکبَرُ» است که آن را «تَکْبیرَةُ الاِحْرام» می‌گویند. چون پس از گفتن «اللهُ اَکبَر» در آغاز نماز، برخی از اعمال که انجام آن قبل از نماز جایز بود، بر نمازگزار حرام می‌شود، به آن تکبیرة الاحرام می‌گویند، برای مثال: خندیدن با صدای بلند، پشت به قبله کردن و غذا خوردن در حال نماز حرام است.

حکم تکبیرةُ الاحرام

م . تکبیرة الاحرام از ارکان نماز محسوب می‌شود و گفتن آن در اوّل هر نماز واجب است و ترک آن، خواه از روی عَمْد باشد یا اشتباه، نماز را باطل می‌کند؛ تکرار کردن تکبیرة الاحرام با همان نیّت قبلی نیز موجب باطل شدن نماز می‌شود و فرقی نیست میان این‌که زیاده گویی عَمْدی باشد و یا اشتباهی.





حرکت دادنِ دست‌ها و تا کنار گوش بالا بردن آنها در تکبیرة الاحرام واجب نیست و فقط تلفّظ و گفتن تکبیر واجب است.

نکته

۱. مستحب است نمازگزار در هنگام تکبیرة‌الاحرام و دیگر تکبیرهای نماز، دست‌ها را تا مقابل گوش‌ها بالا ببرد و بهتر است وقتی دست‌ها را به سمت گوش بالا می‌برد، تکبیر را شروع کند و وقتی به کنار گوش می‌رسد، تکبیر پایان یابد.

۲. مستحب است هنگام بالا آوردن دست‌ها تا مقابل گوش، انگشتان دست بسته باشد و کف دست رو به قبله قرار گیرد.

واجبات تکبیرةُ الاحرام

واجبات تکبیرةُ الاِحْرام
به زبان آوردن تکبیرة الاحرام [تلفظ]
دنبال هم و به عربی صحیح بودن تکبیر
آرامش بدن هنگام گفتن تکبیر

به زبان آوردن تکبیرةُ الاحرام

م. تکبیر را باید طوری بخواند که تلفّظ و به زبان آوردنِ آن محسوب شود، و نشانه‌ی آن این است که خودش بتواند آنچه را می‌خواند و بر زبان جاری می‌کند ـ اگر دچار سنگینی گوش یا سر و صدای محیط نیست ـ بشنود.

دنبال هم و به عربی صحیح بودن

م. تکبیر باید دنبال هم و به عربی صحیح باشد (باید حروف «الله» و حروف «اکبر» و دو کلمه‌ی «اللهُ اَکبَر» را پشت سر هم بگوید). و اگر به عربی غلط بگوید. مثلاً های «الله» را با فتحه بگوید. یا ترجمه فارسی آن را بگوید باطل است.

آرامش بدن هنگام تکبیرةُ الاحرام

م. موقع گفتن تکبیرةالاحرام باید بدن آرام باشد و اگر به عَمْد و با اختیار، در حالی که بدنش حرکت دارد، تکبیرة الاحرام بگوید، نماز باطل است.

م. موقع گفتن تکبیرةالاحرام چنانچه نمازگزار به طور اشتباهی و ناخواسته حرکت کند، بنابر احتیاط واجب باید اوّل، عملی که نماز را باطل می‌کند، انجام دهد و دوباره تکبیر بگوید.

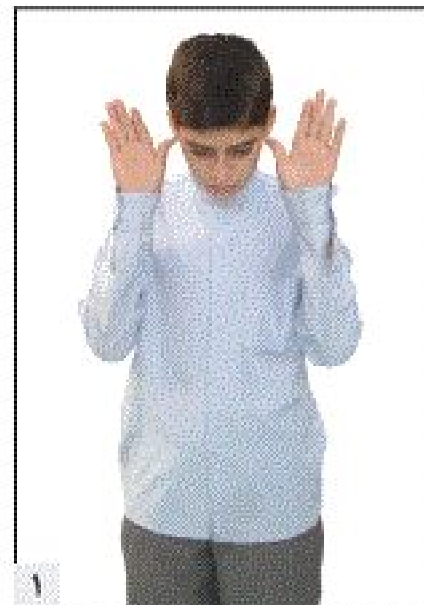
قیام

معنای قیام

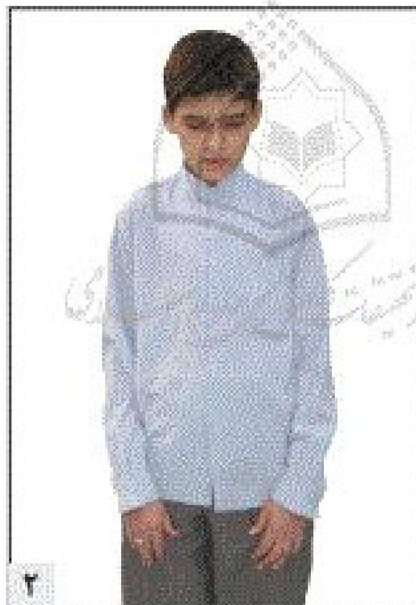
«قیام» در نماز به همان معنای لغوی خود یعنی ایستادن است.

اقسام قیام

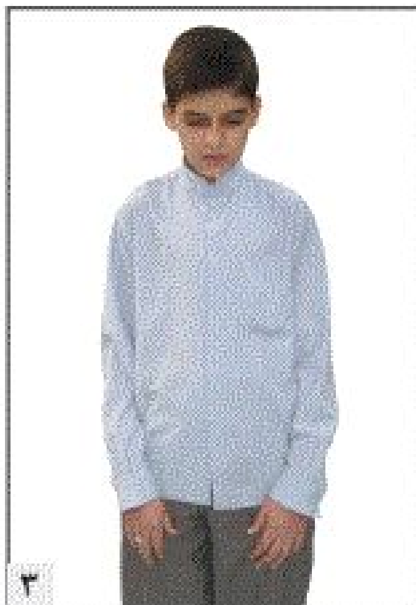




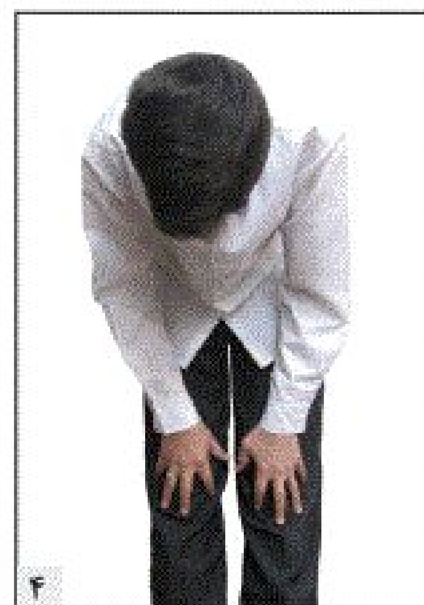
قیام هنگام تکبیرة الاحرام.



قیام در حال قرائت



قیام پیش از رکوع



رکوع



قیام بعد از رکوع

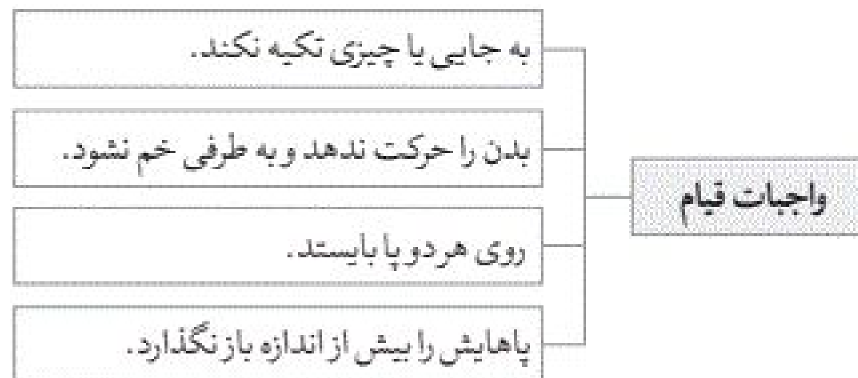
قیامِ در حالِ قرائت همان قیام پیش از رکوع است و در دو جای خاص باید مورد توجّه قرار گیرد:

۱. وقتی که امام جماعت در رکوع است و مأموم می‌خواهد به او اقتدا کند، باید بایستد و در حال قیام تکبیرة الاحرام را بگوید و سپس به رکوع رود.

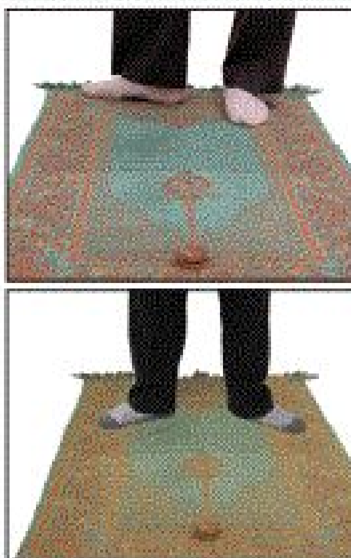
۲. وقتی نمازگزار رکوع را فراموش کند و بنشیند و قبل از سجده یادش بیاید که رکوع نکرده، باید بایستد و از حال قیام به رکوع رود.

واجبات قیام

م . در حالت قیام واجب است موارد زیر رعایت شود:



نکته



- باید هر دو پا روی زمین باشد، ولی لازم نیست سنگینی بدن را به طور مساوی روی هر دو پا قرار دهد.
- نباید پاها را بیش از اندازه باز بگذارد به طوری که از شکل ایستادن خارج شود، مگر اینکه ناچار باشد.
- لازم نیست سر انگشتان پا روبه قبله باشد.
- موقعی که نمازگزار بخواهد کمی جلو یا عقب برود باید ذکری را که مشغول خواندنش است در حال این حرکت، قطع کند.

مستحبّات قیام

م . برخی از اعمال مستحب در حالت قیام عبارتند از:



مسائل قیام

قیام بعد از رکوع

م . بعد از تمام شدن ذکر رکوع، نمازگزار باید راست بایستد و وقتی بدن آرام گرفت، به سجده رود و اگر به عَمْد، پیش از ایستادن یا پیش از آرام گرفتن بدن، به سجده برود، نمازش باطل است.

وظیفه‌ی افراد ناتوان

م .کسی که نمی‌تواند تمام نماز را ایستاده بخواند، هر مقدار را که می‌تواند، ایستاده و بقیه‌ی اعمال را نشسته بخواند و اگر به صورت نشسته هم نتوانست، خوابیده انجام دهد.







نماز ایستاده با ترس از ضرر

م . کسی که می‌تواند بایستد، اگر بترسد که به واسطه‌ی ایستادن بیمار شود یا ضرری به او برسد، می‌تواند نشسته نماز بخواند؛ بلکه اگر ایستادن او ضرر قابل توجّهی داشته باشد باید نشسته نماز بخواند و اگر از ضرر نشستن هم بترسد، باید خوابیده نماز بخواند.

ترتیب قیام

م . تا انسان می‌تواند ایستاده نماز بخواند نباید بنشیند؛ بنابراین کسی که موقع ایستادن، بدنش حرکت می‌کند یا ناچار است به چیزی تکیه دهد یا بدنش را کج کند یا خم شود و یا پاها را بیش از معمول باز بگذارد، باید هر طور که می‌تواند ایستاده نماز بخواند و اگر به هیچ وجه، حتی مثل حالت رکوع، نتواند بایستد باید راست بنشیند و نشسته نماز بخواند.

نکته

نماز خواندن با عصا

اگرمُکَلَّف بدون تکیه بر عصا و نشستن روی صندلی نتواند نماز بخواند، کمک گرفتن از این وسایل اشکال ندارد.

قرائت

معنای قرائت

«قرائت» در لغت یعنی خواندن، و در احکام نماز به معنای خواندن حمد، سوره و تسبیحات است، با کیفیّتی خاص.

حکم قرائت

قرائت در رکعت اوّل و دوم

م . در رکعت اوّل و دوم نمازهای واجب شبانه‌روز قرائت واجب است. نمازگزار باید ابتدا حمد و بعد از آن بنابر احتیاط واجب یک سوره‌ی کامل (به‌جز سوره‌های سجده دار) را بخواند.

توجه

دو سوره‌ی «والضّحی و الَم نَشرَح» و همچنین «فیل و قُریش» در نماز یک سوره محسوب می‌شوند؛ بنابراین نمی‌توان به یکی از آنها به عنوان سوره‌ی واجب در نماز اکتفا کرد.

قرائت در رکعت سوم و چهارم

م . در رکعت سوم و چهارم نمازهای واجب شبانه‌روزی، نمازگزار می‌تواند فقط یک بار سوره‌ی حمد را بخواند یا سه مرتبه تسبیحات أربعه را بگوید، یعنی سه بار بگوید: سُبحَانَ اللهِ وَ الْحَمْدُلِلهِ وَ لا اِلهَ اِلاَّ اللهُ وَاللهُ اَکْبَرُ.

م . قرائت و تسبیحات و ذکرهای نماز باید به عربی صحیح خوانده شود و خواندن ترجمه‌ی آنها کفایت نمی‌کند.

تسبیحات در رکعت سوم، حمد در رکعت چهارم و بر عکس

م . در یکی از رکعت‌های سوم و چهارم می‌توان حمد و در رکعت دیگر تسبیحات را خواند.

واجبات قرائت

م . هنگام قرائت نماز واجب است موارد زیر رعایت شود:

۱. طوری باشد که تلفّظ محسوب شود و نشانه‌ی آن این است که بتواند خودش آنچه را می‌خواند و بر زبان جاری می‌کند ـ اگر دچار سنگینی گوش یا سر و صدای محیط نیست ـ بشنود.

۲. دنبال هم و به عربی صحیح باشد.

۳. در حال استقرار و آرامش بدن باشد.

حرکت بی‌اختیار در حال قرائت

م. اگر نمازگزار در حال خواندن «حمد و سوره» بی اختیار قدری حرکت کند، ولی از حال نمازگزار خارج نشود، نمازش باطل نیست؛ ولی ذکری را که در حال حرکت خوانده است، بنابر احتیاط واجب دوباره در حال آرامش بدن تکرار کند.

مسائل قرائت

بلند و آهسته خواندن قرائت

م. بر مردان واجب است حمد و سوره‌ی نماز صبح و مغرب و عشا را بلند بخوانند و بر مردان و زنان واجب است حمد و سوره‌ی نماز ظهر و عصر جز «بِسمِ اللهِ الرَّحمٰنِ الرَّحیم» آن را آهسته بخوانند.

نکته

زنان نیز می‌توانند در نمازهای ظهر و عصر به‌جز تسبیحات أربعه و حمد و سوره، بقیه‌ی نماز را بلند بخوانند و همچنین در نمازهای صبح و مغرب و عشا به‌جز تسبیحات أربعه تمام نماز را بلند بخوانند، به شرطی که نامحرم صدای آنان را نشنود. و اگر نامحرم صدای آنها را بشنود، بهتر است آهسته بخوانند.

نماز	نمازگزار	حکم
ظهر و عصر	مرد و زن	باید حمد و سوره را آهسته بخوانند.
مغرب، عشا و صبح	مرد	باید حمد و سوره را بلند بخواند.
	زن	اگر نامحرم صدای او را نمی‌شنود، می‌تواند بلند بخواند و اگر می‌شنود، بهتر است آهسته بخواند.

معیار بلندی صدا در نماز

م. ملاکِ إخفات (آهسته خواندن)، نبود جوهر صدا نیست، بلکه ملاک آشکار نکردن آن است و در مقابل، جَهر آشکار کردن جوهر صدا است. و اگر در خواندن حمد و سوره بیشتر از معمول صدا را بلند کند (مثل این‌که با فریاد بخواند) نمازش باطل است.

بلند یا آهسته خواندن عَمْدی

م. اگر نمازگزار در جایی که باید نماز را بلند بخواند، به عَمْد آهسته بخواند یا در جایی که باید آهسته بخواند، به عَمْد بلند بخواند، نمازش باطل است؛ ولی اگر از روی فراموشی یا ندانستن مسأله باشد، نماز صحیح است و اگر در بین خواندن حمد و سوره بفهمد اشتباه کرده، لازم نیست مقدار خوانده شده را دوباره بخواند.

توجه

فهماندن مقصود به دیگری در نماز

گاهی برخی از افراد در بین نماز برای این‌که مطلبی را به دیگری بفهمانند یا - برای مثال - کودکی را از خطر دور کنند، ذکری را با صدای بلند می‌گویند؛ مانند: «اَللّٰهُ اَکْبَرُ»؛ دراین صورت صحیح آن است که کلمه یا ذکرهای خودِ نماز را به قصدِ ذکر، بلندتر بگویند یا با دست زدن به دیوار یا پای خود و مانند آن، موضوع را به دیگری بفهمانند.

شنیدن قرائت و ذکر توسط نمازگزار

م . نمازگزار باید تکبیرة الاحرام، قرائت حمد و سوره و ذکر و دعا را طوری بخواند که خودش بشنود. از این رو واجب است کلمات به گونه‌ای تلفّظ شوند که قرائت برآن‌ها صدق کند. پس قرائت قلبی (گذراندن کلمات در قلب بدون تلفّظ) که عنوان قرائت بر آن صدق نمی‌کند، کافی نیست. البته اگر به واسطه‌ی کم‌شنوایی یا ناشنوایی و یا سر و صدای زیاد، صدای خود را نمی‌شنود، همین که طوری بگوید که اگر مانعی نبود می‌شنید، کافی است.

نکته

خواندن حمد به جای تسبیحات

اگر کسی به جای تسبیحات أربعه حمد را بخواند، در صورتی که با قصد و اراده حمد را انتخاب کند و بخواند، اشکال ندارد، ولی اگر فراموش کرد و به جای تسبیحات أربعه حمد را خواند و در رکوع یا پس از آن یادش آمد، نمازش صحیح است و اگر قبل از رکوع یادش آمد باید دوباره حمد یا تسبیحات أربعه را بخواند، و در صورت انتخاب حمد نباید سوره را بخواند.



سوره‌ی سجده‌دار در قرائت

م . اگر در نماز واجب، یکی از چهار سوره‌ی دارای آیه‌ی سجده را بخواند عَمْدی باشد یا سَهْوی. همین که آیه‌ی سجده را بخواند باید بنابر احتیاط واجب، سجده‌ی تلاوت را به جا آورد و برخیزد و اگر سوره تمام نشده، آن را تمام کند و نماز را به آخر برساند و سپس نماز را اِعاده کند. اگر قبل از رسیدن به آیه‌ی سجده متوجه شد، احتیاط واجب رها کردن سوره و خواندن سوره‌ی دیگری است، سپس نماز را تمام کند و آن را اعاده نماید.

ناتوانی در یادگیری و حفظ حمد و سوره

م .کسی که نمی‌تواند حمد و سوره یا قنوت نماز را از حفظ بخواند یا بیاموزد و یا آنچه فرا می‌گیرد، به سرعت فراموش می‌کند، می‌تواند از روی نوشته بخواند. همچنین جایز است که دیگری کلمه به کلمه برای او بخواند و او تکرار کند.

ناتوانی در یادگیری نماز

م . انسان باید نماز را یاد بگیرد که غلط نخواند و کسی که به هیچ روشی نمی‌تواند نماز را به طور صحیح یاد بگیرد، باید هر طور که می‌تواند، بخواند و احتیاط مستحب آن است که نماز را به جماعت به جا آورد.

سوره در نماز مستحب

م . خواندن سوره در نمازهای مستحب لازم نیست. البته در بعضی از نمازهای مستحب که سوره یا آیه‌ی مخصوص دارند (مثل نماز غُفیلَه یا نماز لیلةُالدفن) اگر بخواهند به دستور آن نماز عمل کنند، باید همان سوره یا آیه را بخوانند.

شک در صحت تلفّظ قرائت و سایر اذکار

م . اگر شک کند که آیه یا کلمه‌ای را درست گفته یا نه، لازم نیست تکرار کند.

نکته

- اگر کسی نماز خود را اشتباه بخواند، لازم نیست به او اطلاع بدهیم. ولی اگر اشتباه او ناشی از [جهل به حکم] ندانستن مسأله باشد، ارشاد و راهنمایی وی واجب است.
- تلفّظ اشتباه کلمات، معانی آنها را تغییر می‌دهد.

تلفظ صحیح	تلفظ اشتباه	
الحَمْد [ستایش]	الهَمْد [ضعف و پوسیدگی]	
اَلعالَمین [جهانیان]	اَلعالِمین [دانندگان]	
نَعْبُدُ [می پرستیم]	نَأبُدُ [اقامت می‌کنیم]	
الضّالّین [گمراهان]	الزالّین [کسانی که لغزیده و بر زمین خوردند]	الظالّین [سایه افکندگان]
عَظیم [با عظمت]	عَزیم [تصمیم بر کاری]	أزیم [نام کوهی در بیابان]
الصَمَد [بی‌نیاز]	الثَمَد [زمین گودی که آب در آن جمع می‌شود]	السَمَد [دائمی]
عَلیٰ [بر]	اَلا [هان!]	
صَلِّ [درود بفرست]	سَلِّ [شمشیر بکش]	

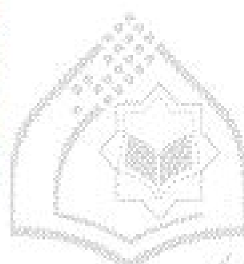
رکوع

معنای رکوع

م .«رکوع» در لغت یعنی «خم شدن» و در اصطلاحِ احکام، عبارت است از خم شدن در نماز از روی خضوع به اندازه‌ای که بتوان دست‌ها را بر زانو گذاشت.



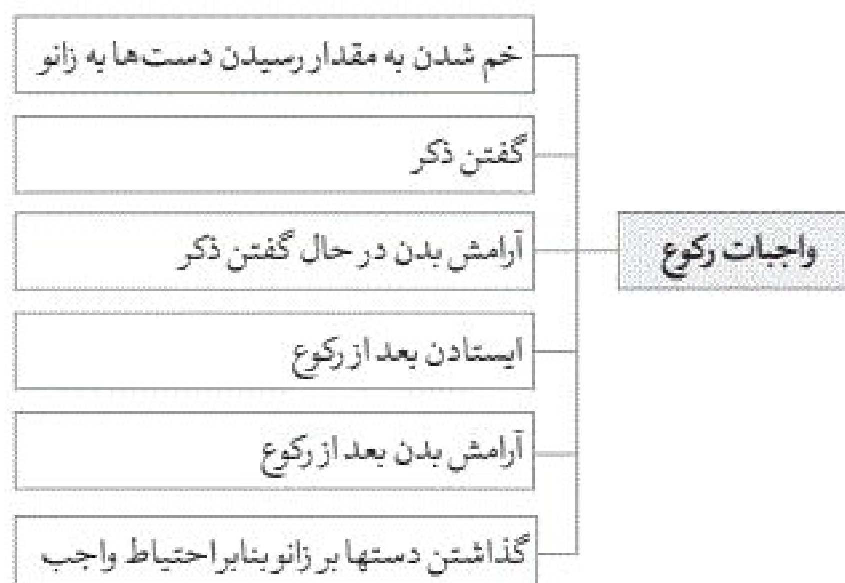




حکم رکوع

م . در هر رکعت از نماز بعد از قرائت یک رکوع واجب است.

واجبات رکوع



خم شدن به قصد رکوع

م .در رکوع باید خم شدن به قصد رکوع باشد؛ بنابراین اگر بدون قصد آن -مثلاً برای کشتن جانوری یا برداشتن چیزی- خم شود، نمی‌تواند آن را رکوع حساب کند، بلکه باید بایستد و به قصد رکوع خم شود و به واسطه‌ی خم شدنی که به قصد رکوع نبوده، رُکن زیاد نشده و نماز باطل نمی‌شود.

خم شدن به طور معمول

م . در رکوع باید خم شدن به طور معمول باشد؛ بنابراین اگر رکوع را به طور غیر معمول به‌جا آورد - برای مثال: به چپ یا راست خم شود - هرچند دست‌هایش به زانو برسد، صحیح نیست.

رسیدن دست‌ها به زانو

م . در رکوع باید به اندازه‌ای خم شود که بتواند دست را بر زانو بگذارد و اگر سرانگشتها هم به زانو برسد کافی است.

م . احتیاط واجب آن است که دست







آرامش بدن در رکوع

م . در رکوع باید به مقداری که ذکر واجب را می‌گوید، بدن آرام باشد.

م . در ذکر مستحبّی هم اگر آن را به قصد «ذکری که برای رکوع دستور داده‌اند» بگوید، بنابر احتیاط واجب باید بدن آرام باشد.

گفتن ذکر قبل از خم شدن

م . اگر قبل از آن‌که به مقدار رکوع خم شود و بدن آرام بگیرد، به عَمد ذکر رکوع را بگوید، نمازش باطل است.



اگر نمازگزار به عَمد قبل از رسیدن به رکوع ذکر رکوع را بگوید، نمازش باطل است

ذکر رکوع

م . ذکر رکوع عبارت است از یک بار گفتن «سُبحانَ رَبِّیَ الْعَظیمِ وَ بِحَمْدِهِ» یا سه بار گفتن «سُبحانَ اللهِ». گفتن هر ذکری در رکوع کافی است، ولی باید به همین مقدار یا بیشتر باشد.

آرام ایستادن پس از رکوع

م . بعد از تمام شدن ذکر رکوع نمازگزار باید راست بایستد و بعد از آرام گرفتن بدن، به سجده برود و اگر به عَمْد، این کار را ترک کند (پیش از ایستادن یا قبل از آرام گرفتن بدن به سجده برود) نمازش باطل است.

رکوع و سجود در صورت عُذر

م . اگر خم شدن برای رکوع و سجود برای نمازگزار امکان ندارد، باید با سر اشاره کند (سرش را کمی خم کند) و اشاره برای سجده را بیشتر از اشاره برای رکوع قرار دهد (کمی بیش از رکوع سر را خم کند). اگر این کار را نیز نمی‌تواند انجام دهد، باید با بستن چشم‌ها رکوع و سجده کند و بنابر احتیاط مستحب چشم‌ها را در موقع سجده بیشتر از موقع رکوع ببندد.

فراموشی رکوع

م . اگر در حال سجده اول یا بعد از آن و پیش از آنکه وارد سجده‌ی دوم شود یادش بیاید که رکوع نکرده است، باید برخیزد و بایستد و رکوع کند و پس از آن دو سجده را بجا آورد و نماز را تمام کند. و بعد از نماز احتیاطاً دو سجده‌ی سهو برای سجده‌ی زیادی بگزارد.

سجده

معنای سجده

«سجده» در لغت یعنی «پیشانی را از روی خضوع بر زمین نهادن» و در اصطلاحِ احکام نیز همین است.

نکته

دو سجده با هم یک رُکن است که اگر ترک شود، خواه عَمْدی باشد یا از روی اشتباه و فراموشی، نماز باطل است.

حکم سجده

م . نمازگزار باید در هر رکعت از نمازهای واجب و مستحب بعد از رکوع سجده کند. سجده آن است که پیشانی، کف دست‌ها، سر زانوها و سر انگشتان بزرگ پا را بر زمین بگذارد.



توجه



از محلّ روییدن مو تا بالای ابروها و بین دو گیجگاه را پیشانی گویند.

واجبات سجده

واجبات سجده
- گذاشتن هفت عضو از بدن بر زمین
- گفتن ذکر
- آرامش بدن در حال ذکر سجده
- در هنگام گفتن ذکر، اعضای هفتگانه بر زمین باشند.
- سربرداشتن و نشستن و آرامش بین دو سجده
- مساوی بودن جاهای سجده (مگر به اندازه‌ی چهار انگشت بسته)
- پاک بودن جایی که پیشانی را برآن می‌گذارد.
- حایل نبودن چیزی بین پیشانی و آنچه برآن سجده می‌کند.
- گذاشتن پیشانی بر چیزی که سجده برآن صحیح است.
- نشستن بعد از سجده‌ی دوم در رکعاتی که تشهد ندارد. (بنابراحتیاط واجب)

گذاشتن هفت عضو بر زمین

م . در سجده باید هفت قسمت از بدن بر زمین قرار گیرد:

اعضای هفتگانه

سر انگشت بزرگ پاها	سر زانوها	کف دو دست	پیشانی
۶ ـ ۷	۴ ـ ۵	۲ ـ ۳	۱


گذاشتن دست تا آرنج روی زمین اشکال ندارد، هر چند برای مرد مستحب است آرنج‌ها را از زمین جدا نگهدارد.


اگر همراه انگشتان شست پا، انگشتان دیگر هم بر زمین باشد، مانعی ندارد.

توجه

۱. یک سجده رُکن نیست؛ بلکه دو سجده با هم یک رُکن است.
۲. ملاک رُکن بودنِ سجده، قرار گرفتن پیشانی بر مُهر است؛ پس کم و زیاد شدن سجده به قرار گرفتنِ پیشانی روی محلّ سجده بستگی دارد و اگر پیشانی بر مُهر قرار گرفت، ولی سایر اعضا بر روی زمین نبود، سجده‌ی زیادی صورت گرفته است. همچنین اگر سایر اعضا روی زمین باشد، ولی پیشانی بر زمین نباشد، زیادی سجده واقع نشده است.

م . وقتی نمازگزار ذکر سجده را می‌گوید باید اعضای هفت‌گانه‌اش روی زمین باشد؛ ولی هنگامی که مشغول ذکر نیست، می‌تواند بعضی از این اعضا را جز پیشانی از زمین بردارد یا جابه‌جا کند.

آرامش بدن به مقدار ذکر

م . در سجده باید به مقدار ذکرِ واجب، بدن آرام باشد و نمازگزار نباید بدن خود را به اختیار طوری حرکت دهد که از حال آرام بودن خارج شود؛ موقع گفتنِ ذکر مستحب نیز اگر آن را به قصد «ذکر دستور داده شده برای سجده» بگوید، بنابر احتیاط واجب آرام بودن بدن لازم است.

ذکر سجده

م .ذکر سجده عبارت است از یک بار گفتن «سُبْحَانَ رَبِّیَ الاَعْلَی وَ بِحَمْدِهِ» یا سه بار «سُبْحانَ اللّهِ». گفتن هر ذکری در سجده کافی است؛ امّا از نظر مقدار باید به همین مقدار یا بیشتر باشد.

نکته



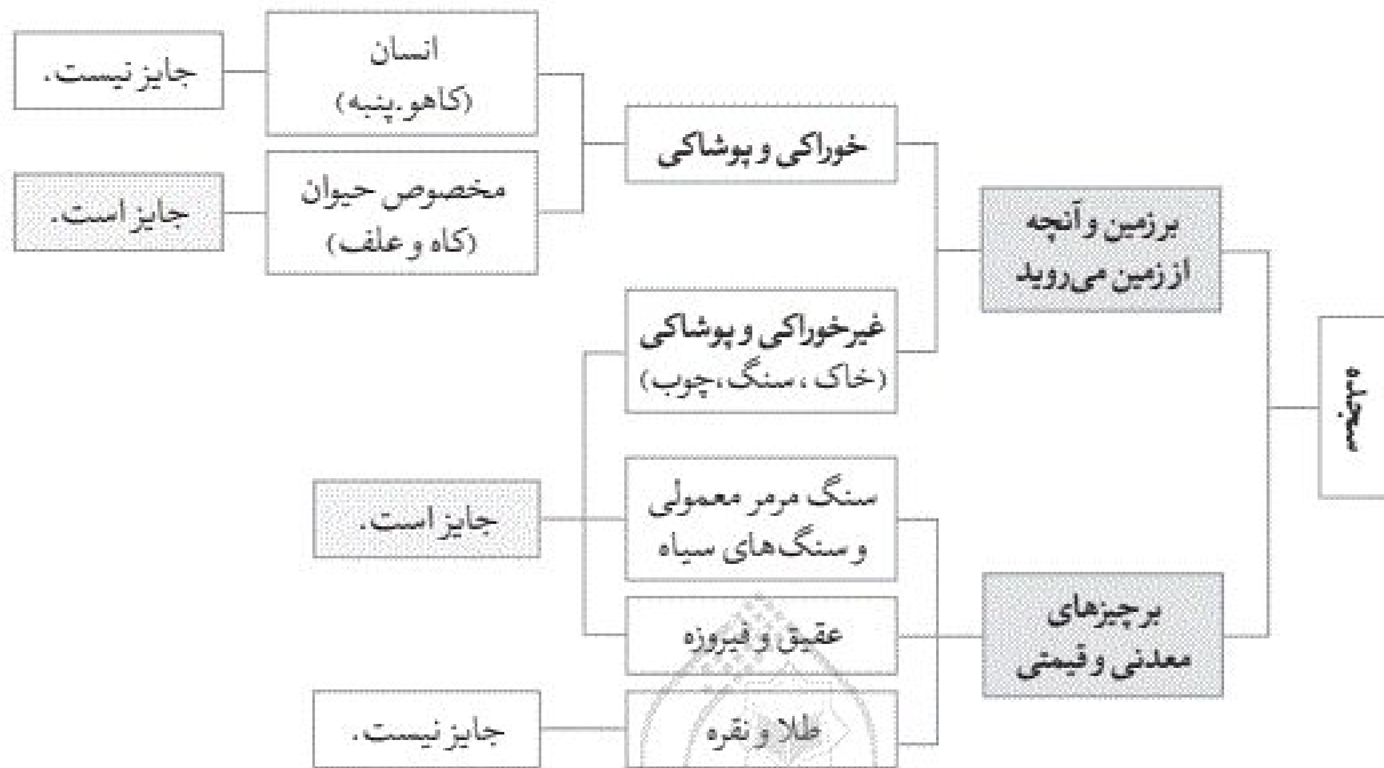
آرام نشستن بین دو سجده

نمازگزار پس از تمام شدن ذکر سجده، اوّل باید بنشیند تا بدن آرام بگیرد، بعد دوباره به سجده رود.

مسائل سجده

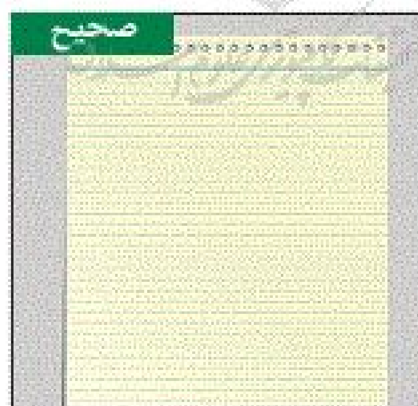
آنچه سجده بر آن صحیح است

م. در سجده باید پیشانی را بر زمین یا آنچه از زمین می‌روید و خوراکی و پوشاکی انسان نیست، قرار دهد:





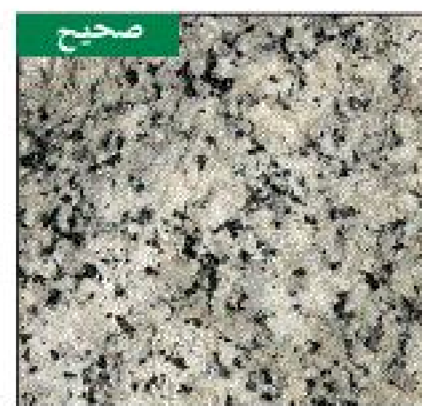
برای سجده بهتر از هر چیز تربت مبارک امام حسین علیه‌السلام است و بعد از آن خاک و سنگ و گیاه.



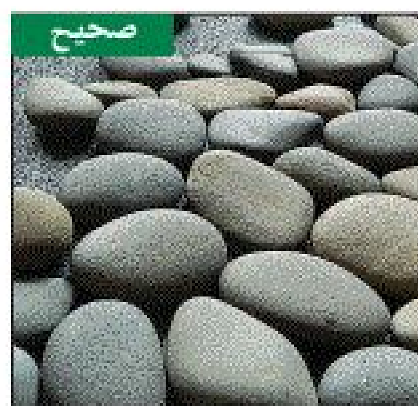
سجده بر کاغذی که از چوب و گیاه (غیر از پنبه و کتان) تهیه شده، صحیح است.



سجده بر کاه اشکال ندارد.



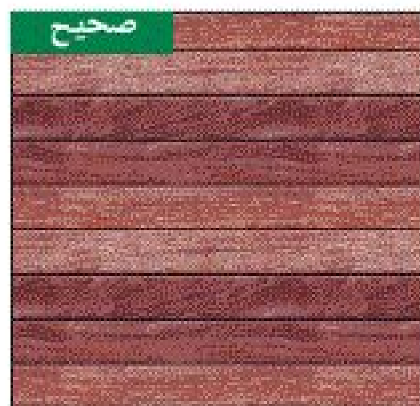
سجده بر سنگ گرانیت (معدنی) اشکال ندارد.



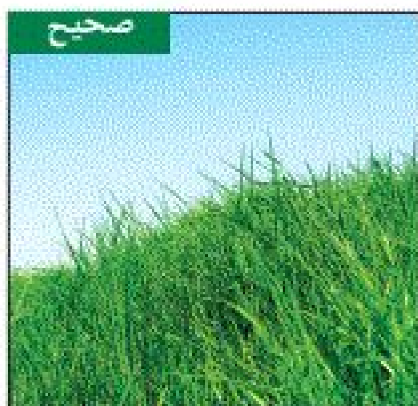
سجده بر سنگ معمولی اشکال ندارد.



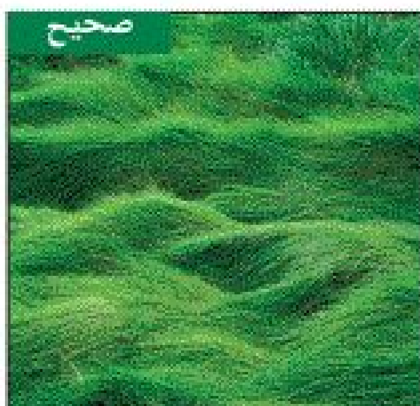
سجده بر سنگ مرمر (معدنی) اشکال ندارد.



سجده بر چوب اشکال ندارد.



سجده بر علف اشکال ندارد.



سجده برزمین چمن اشکال ندارد.



سجده بر سنگ عقیق جایز است



سجده بر کاهو و گیاهانی که خوراک انسان است، جایز نیست.



سجده برسکه‌ی طلا (به‌طور کلّی طلا و نقره) جایز نیست.

نکته

سجده بر آجر صحیح است. البته ارتفاع آجر نباید بیش از چهار انگشت بسته از زانو و شست پای نمازگزار بالاتر باشد.

سجده بر پشت دست

م. اگر چیزی که سجده بر آن صحیح است ندارد یا اگر هست، به‌واسطه‌ی سرما یا گرمای زیاد و مانند آن نمی‌تواند بر آن سجده کند و به اندازه‌ی کافی هم وقت ندارد که به دنبال چیزی صحیح برود و یا خود را به جایی برساند که از سرما و گرما در امان باشد، باید به ترتیب زیر عمل کند:

۱. چنانچه لباس او از جنس پنبه یا کتان است یا چیزی از جنس پنبه و کتان دارد باید بر آن سجده کند و احتیاط واجب آن است که تا سجده بر لباسی که از جنس پنبه و کتان باشد ممکن است بر غیر آن سجده نکند.

۲. اگر لباسی از پنبه و کتان ندارد بنابر احتیاط واجب بر پشت دست سجده کند.

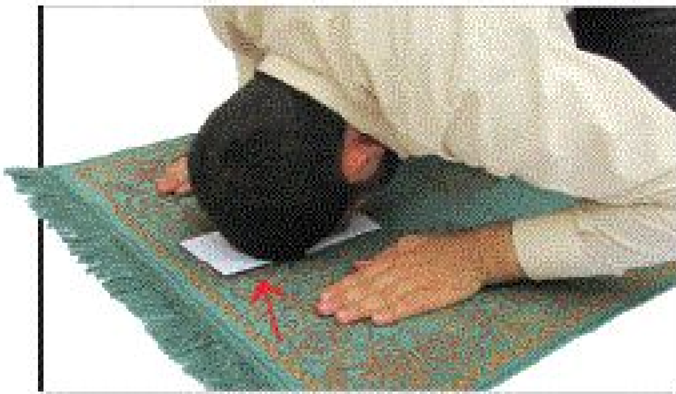




نکته

سجده بر دستمال کاغذی

اگر کاغذ یا دستمال کاغذی از چوب و گیاهان (جز پنبه و کتان) یا چیزی تهیه شده که سجده بر آن جایز است، اشکالی ندارد.



گم شدن مُهر هنگام نماز

م . اگر در حال نماز، مُهر یا چیزی که سجده بر آن صحیح است گم شود یا کودکی مُهر را بردارد و از دسترس خارج شود:



اگر در حال نماز مُهر گم شود	اگر چیزی که سجده بر آن صحیح است (مانند خاک و سنگ و چوب) در دسترس باشد		باید بر همان سجده کند.
	اگر چیزی که سجده بر آن صحیح است، در دسترس نباشد	اگر وقت وسعت دارد	نماز را بشکند و دوباره با چیزی که می‌توان بر آن سجده کرد، نماز بخواند.
		اگر وقت تنگ است و نماز قضا می‌شود	باید به ترتیب مسأله‌ی قبل (با عنوان: سجده برپشت دست) گذشت عمل نماید.

پاکی محل سجده

رجوع کنید به صفحه‌ی[۲۳۴].

محبّت به کودک در حال نماز

روزی پیامبر صلی الله علیه و آله نماز جماعت می‌خواند و جمعی به ایشان اقتدا کرده بودند. امام حسین علیه السلام که کودکِ خردسالی بود؛ هر وقت رسول‌خدا صلی الله علیه و آله به سجده می‌رفت، بر پشت پیامبر صلی الله علیه و آله سوار می‌شد، پاهایش را حرکت می‌داد و می‌گفت: «حَل ... حَل!»[1]
هنگامی که رسول‌خدا صلی الله علیه و آله می‌خواست سر از سجده بردارد، حسین را می‌گرفت و آرام به زمین می‌گذاشت و بلند می‌شد و وقتی به سجده می‌رفت، باز حسین می‌آمد و بر پشت رسول خدا صلی الله علیه و آله سوار می‌شد و پاهایش را حرکت می‌داد و ... .
این موضوع تا آخر نماز تکرار شد. یک نفر یهودی که این صحنه را می‌دید، به عنوان اعتراض نزد رسول خدا صلی الله علیه و آله آمد و گفت: «ای محمد! شما با کودکان به گونه‌ای رفتار می‌کنید، که ما چنین رفتاری نمی‌کنیم».
پیامبر صلی الله علیه و آله فرمود: «اگر شما به خدا و رسولش ایمان داشته باشید، به کودکان خود مهربانی می‌کنید و با مهربانی و نوازش با آنها رفتار می‌نمایید».
یهودی از روش تربیتی مهرآمیز اسلام و بلند نظری پیامبر صلی الله علیه و آله مجذوب شد و همان لحظه به آیین اسلام روی آورد.[2]

۱. عرب‌ها شتر را با تکرار این واژه می‌رانند.
۲. مناقب، ج ۴، ص ۷۲ و ۷۳.

کمترین مقدار سجده‌گاه

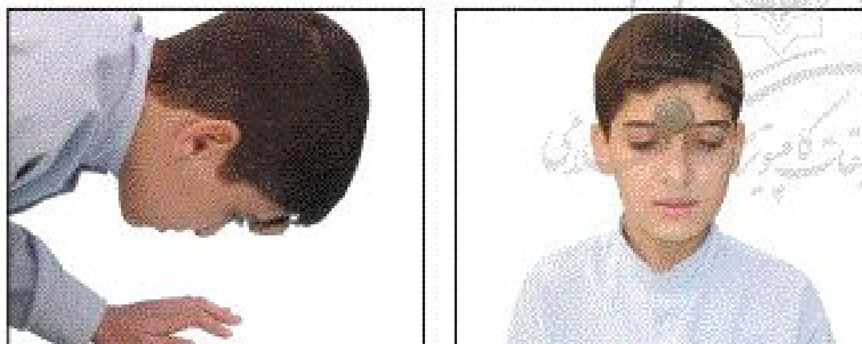
م . واجب نیست همه‌ی پیشانی به محل سجده برسد و همین که گفته شود: پیشانی را به سجده گذاشت، کفایت می‌کند. از این رو اگر به مقدار سر انگشت سَبّابِه با زمین (یا هر چیزی که سجده بر آن صحیح است) تماس حاصل شود، کافی است.

سجده روی برجستگی مُهر

م . اگر مقدار لازم برای سجده رعایت شود، سجده بر طرف برجسته‌ی مُهر (دارای نوشته) اشکالی ندارد.



نکته



اگر مُهر در سجده‌ی اوّل به پیشانی نمازگزار بچسبد و بخواهد به سجده‌ی دوم برود، باید آن را از روی پیشانی برداشته و برزمین گذارد و سپس روی آن سجده کند.

اگر در هنگام سجده، پیشانی به محلّ سجده بخورد و بی‌اختیار از زمین بلند شود باید دوباره پیشانی را بر زمین بگذارد و ذکر سجود را بگوید، و یک سجده به حساب می‌آید.

توجه

شک بین سجده‌ی اوّل و دوم

اگر بعد از سر برداشتن از سجده شک کند که یک بار سجده کرده یا دو بار، (اگر کثیرالشّک نباشد) باید یک سجده‌ی دیگر به‌جا آورد؛ یعنی بنا بر سجده‌ی اوّل بگذارد و سجده‌ی دوم را به‌جا آورد.

آمدن خون از پیشانی هنگام سجده

س . اگر در بین نماز هنگام تماس پیشانی با مُهر از پیشانی قدری خون بیاید و مُهر را خونی نماید نماز صحیح است یا خیر؟

اگر تمام قسمتی که پیشانی روی آن قرار گرفته، آلوده به خون نشده و مقدار خون پیشانی هم کمتر از درهم (کمتر از بند انگشت سَبّابِه) باشد و در ضمن، قسمت پاک پیشانی بر روی قسمت پاک مُهر قرار گیرد (طوری که قسمت پاکِ مُهر به اندازه‌ی لازم برای سجده باشد) نماز صحیح است.

سجده‌ی سَهْو

م . سجده‌ی سَهْو سجده‌ای است که بر اثر سَهْو (اشتباه یا فراموشی) در نماز، بر نمازگزار واجب می‌شود.

کیفیّت سجده‌ی سَهْو

م . بعد از سلام نماز باید بلافاصله نیّت سجده‌ی سَهْو نموده و پیشانی را بر چیزی که سجده بر آن صحیح است بگذارد و بهتر است بگوید: «بِسْمِ اللّٰهِ وَ بِاللّٰهِ اَلسَّلامُ عَلَیْکَ اَیُّهَا النَّبِیُّ وَ رَحْمَةُ اللّٰهِ وَ بَرَکَاتُهُ» و بعد بنشیند و دوباره به سجده برود و همین ذکر را بگوید و بنشیند و بعد از خواندن تشهّد، سلام دهد.

توجه

در سجده‌ی سَهْو تکبیر واجب نیست؛ ولی باید نیّت سجده‌ی سَهْو داشته باشد.

سجده‌ی قرآن

م . در چهار سوره از قرآن کریم، آیه‌ای وجود دارد که اگر کسی آن را گوش دهد یا خودش بخواند، بعد از تمام شدن آیه باید فوراً و بدون فاصله سجده کند و کوتاهی در سجده کردن حرام است؛ و اگر آن را فراموش کند، هر وقت یادش آمد باید سجده را به جا آورد.

نکته

آیات سجده‌دار در قرآن کریم عبارتند از:

آیه‌ی ۱۵ سوره‌ی سَجْدِه ـ آیه‌ی ۳۷ سوره‌ی فُصِّلَت ـ آیه‌ی ۶۲ سوره‌ی نَجْم ـ آیه‌ی ۱۹ سوره‌ی عَلَق.

خواندن قسمتی از آیه‌ی سجده‌دار

م .با خواندن یا شنیدن تمام آیه، سجده واجب می‌شود؛ بنابراین اگر قسمتی از آیه -حتی کلمه سجده -را بخواند یا بشنود، سجده بر او واجب نیست.

واجبات سجده‌ی قرآن

م .هرگاه در سجده‌ی واجب قرآن پیشانی را به قصد سجده بر زمین بگذارد، کافی است -اگرچه ذکری نگوید- و گفتن ذکر، مستحب است؛ همچنین روبه قبله بودن و وضو داشتن نیز لازم نیست.

نکته

اگر آیه‌ی سجده دار به گوش بخورد، سجده واجب نیست بلکه اگر مُکَلَّف باتوجه و اختیار به آیه گوش بدهد سجده واجب می‌شود.

خواندن و گوش‌دادن هم‌زمان آیه‌ی سجده‌دار

م .اگر انسان موقعی که آیه‌ی سجده دار را می‌خواند، از دیگری هم بشنود، چنانچه با توجّه بوده و با اختیار به آیه گوش داده، باید دو سجده نماید و اگر بی‌اختیار به گوشش خورده است، یک سجده کافی است.

نکته

اگر انسان چند بار آیه‌ی سجده دار را شنید یا خودش قرائت کرد باید برای هر قرائت یا شنیدن آیه، سجده کند.

شنیدن آیه‌ی سجده‌دار از ضبط صوت

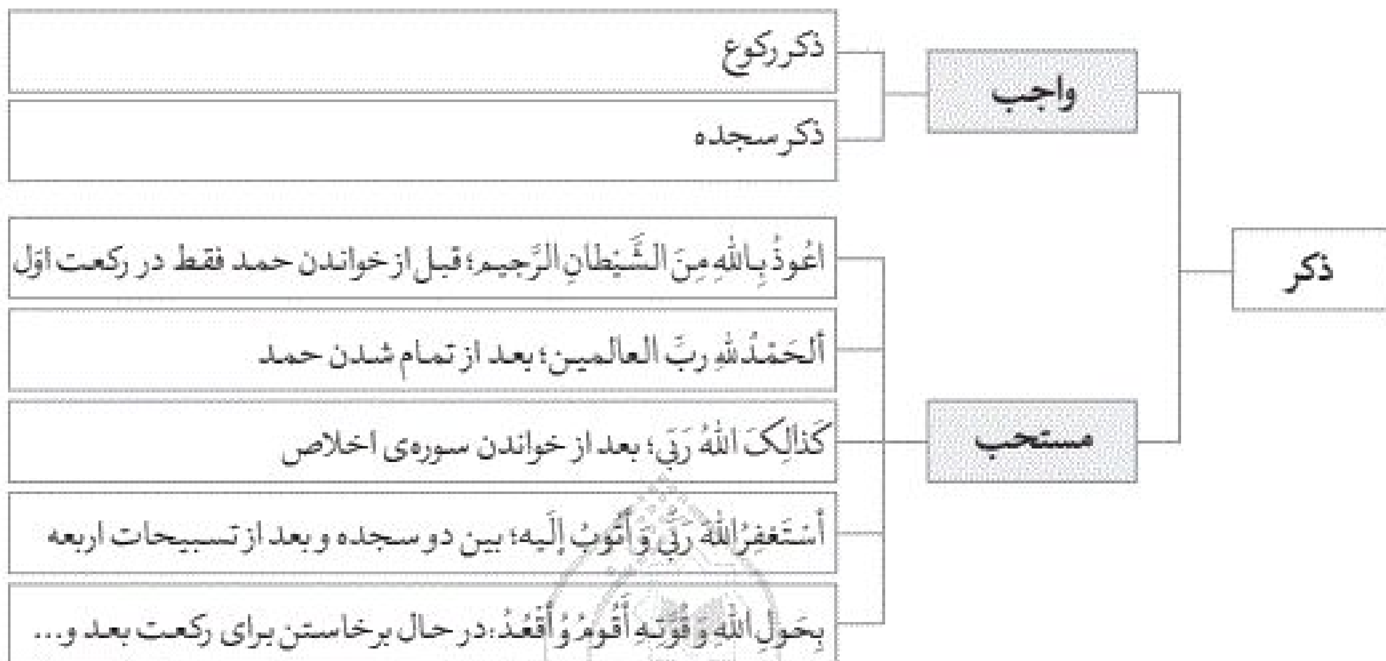
م . به‌طور کلّی اگر شخصی به آیه‌ی سجده‌داری گوش دهد که از رادیو یا تلویزیون یا ضبط صوت و مانند آن پخش می‌شود، سجده واجب است.



ذکـر

معنای ذکر

ذکر یعنی یاد کردن و در اصطلاح احکام به معنای هر عبارتی است که در بردارنده‌ی یاد خدای متعال باشد، مانند: «اَللّٰهُ اَکبَرُ» و «اَلحَمدُلِلّٰهِ». از آن جا که در ذکر، خداوند با الفاظ و عبارات خاص یاد می‌شود، به آن «ذکر» گفته‌اند.



واجبات ذکر

واجبات ذکر
به زبان آوردن ذکر
پی در پی و به عربی صحیح بودن ذکر
استقرار و آرامش در حال گفتن ذکر

به زبان آوردن ذکر

م .ذکر را باید طوری گفت که تلفّظ و به زبان آوردنِ آن محسوب شود، و نشانه‌ی آن این است که خودش بتواند آنچه را می‌خواند و بر زبان جاری می‌کند .اگر دچار سنگینی گوش نباشد یا سر و صدا زیاد نباشد .بشنود. اگر دچار سنگینی گوش باشد یا سر و صدای محیط اطرافش زیاد است، باید ذکر را به گونه‌ای بگوید که اگر گوشش سنگین نبود یا سر و صدا زیاد نبود، آن را می‌شنید.

پی‌درپی و به عربیِ صحیح بودن ذکر

م .ذکرهای نماز باید دنبال هم و به عربی صحیح باشد و اگر به زبان دیگری یا به عربیِ غلط بگوید، باطل است.

تکرار ذکرهای نماز

م .تکرار ذکرها و عبارت‌های نماز اشکالی ندارد اما اگر به حدّ وسواس برسد و باز هم تکرار کند، بنابر احتیاط واجب نمازش باطل می‌شود و باید دوباره نماز بخواند.

استقرار و آرامش در حال ذکر

استقرار و آرامش در حال ذکر	**ذکر واجب:** باید در حالت آرامش گفته شود؛ مانند: ذکر سجده و رکوع. **توجه:** قرائت نماز نیز در حکمِ ذکرهای واجب نماز است.
	ذکر مستحب: الف) اگر ذکر مستحب را به قصد ذکرِ جای خاصّی از نماز می‌گوید (مثل «سَمِعَ اللهُ لِمَنْ حَمِدَهُ» پس از برخاستن از رکوع) بنابر احتیاط واجب باید در حالت آرامش گفته شود و اگر در حالت آرامش گفته نشود باید نماز را دوباره بخواند. ب) اگر ذکر مستحب را به قصد مطلقِ ذکر بگوید (نه به قصد ذکری که در جای خاصّی از نماز دستور داده شده)؛ حتی در صورتی که در حالت آرامش گفته نشود، نماز صحیح است؛ برای مثال: چون ذکر خدا در هر جای نماز خوب است، تکبیر بگوید؛ نه آن تکبیر مخصوصی که قبل از سجده در حال ایستادن گفته می‌شود. **توجه:** ذکر «بِحَولِ اللهِ وَ قُوَّتِهِ أقُومُ وَ أقْعُدُ» را باید در حال برخاستن و حرکت گفت؛ بنابراین از قاعده‌ی اذکار مستحب استثنا شده است.

حرکت بی‌اختیارِ بدن در ذکر واجب

م .اگر نمازگزار موقعی که ذکر واجب (مانند ذکر رکوع) را می‌گوید بی‌اختیار به قدری حرکت کند که بدن از حال آرامش خارج شود، باید بعد از آرام گرفتنِ بدن دوباره ذکر را بگوید؛ ولی حرکت‌های ناچیز و کمی که بدن را از حال آرام بودن خارج نکند (مانند: حرکت دادن انگشتان یا مشت کردن دست) اشکال ندارد.



حرکت‌های مختصر دست و پای نمازگزار اشکالی ندارد. برای مثال پا به پا شدن و مشت کردن دست‌ها اگر به دفعاتِ زیاد و طولانی نباشد و صورت نماز را به هم نزند، مانعی ندارد؛ هرچند بهتر است از هر عملی که با خضوع و خشوع نماز منافات دارد، اجتناب شود.

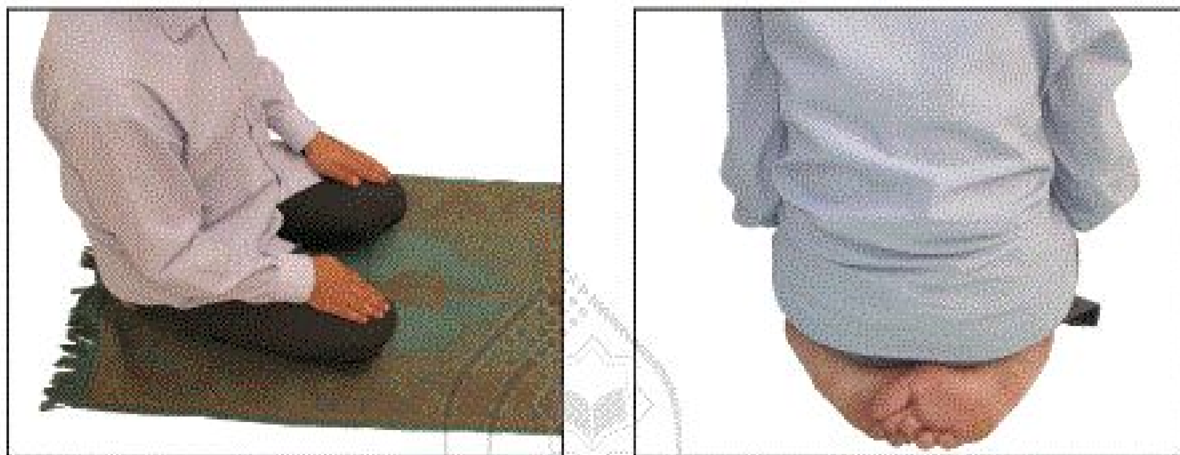
تَشَهُّد

معنای تشهّد

تَشَهُّد در لغت یعنی «گفتن شهادتین» و در نماز گفتن شهادتین و صلوات با ترتیب و کیفیّت خاص است. از آن‌جا که این عمل مشتمل بر شهادتین است، به آن «تشهّد» می‌گویند.

حکم تشهّد

م. نمازگزار باید در رکعت دوم و آخرِ تمام نمازهای واجب، بعد از سجده‌ی دوم بنشیند و پس از آرام گرفتن بدن تشهّد را بخواند.



واجبات تشهّد

م. در حالت تشهّد واجب است موارد زیر رعایت شود:

۱. گفتن شهادتین: «أشهَدُ أنْ لا إلهَ إلّا اللهُ وَحدَهُ لا شَریکَ لَهُ وَأشهَدُ أنَّ مُحَمَّداً عَبدُهُ وَرَسُولُهُ»
۲. صلوات بر محمد و آل محمد: «اَللّهُمَّ صَلِّ عَلیٰ مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ»[۲]
۳. نشستن به اندازه‌ی کلمات تشهّد بعد از سجده‌ی دوم
۴. آرامش بدن در حال گفتن تشهّد
۵. خواندن آن به زبان عربیِ صحیح
۶. ترتیب
۷. مُوالات

نکته



گفتن «الحَمدُلِلّه» یا «بِسمِ اللهِ وَ بِاللهِ و الحمدُلِلّهِ وَ خَیرُ الأسماءِ لِلّه» در ابتدای تشهّد و گفتن «وَ تَقَبَّل شَفاعَتَهُ فی اُمَّتِهِ وَارفَع دَرَجَتَهُ» بعد از صلوات مستحب است؛ نه واجب.
همچنین در حال تشهّد، نشستن روی ران پای چپ و گذاشتنِ روی پای راست بر کف پای چپ (تَوَرُّک) مستحب است.

فراموشی تشهّد

فراموشی تشهّد	اگر پیش از رکوع رکعت بعد یادش بیاید	باید بنشیند و تشهّد را بخواند و دوباره بایستد و آنچه باید در آن رکعت خوانده شود بخواند و نماز را مطابق معمول تمام کند.
	اگر در رکوع یا بعد از آن یادش بیاید	اگر تشهد را فراموش کند و در هنگامی که به رکوع رکعت سوم رفته یا بعد از آن یادش بیاید، باید نماز را تمام کند و بعد از سلام، برای تشهدِ فراموش شده دو سجده‌ی سهو بجا آورد. و احتیاط آن است که پیش از سجده‌ی سهو، تشهدِ فراموش شده را قضا کند.

سلام

معنای سلام

«سلام» در لغت یعنی «درود فرستادن و تَحِیَّت» و در نماز، آخرین جزء نماز است که با انجام آن نماز پایان می‌یابد و عبارت است از گفتن سلام با ترتیب و کیفیّت خاص، و ازآن جا که در این عمل عبارتِ سلام به کار رفته است به آن «سلام» گفته‌اند.

حکم سلام

م . سلام در رکعت آخر تمام نمازها بعد از تشهّد واجب است، ولی رُکن نیست. بنابراین اگر به خاطر فراموشی یا اشتباه، سلام را کم یا زیاد کند، نمازش باطل نمی‌شود.

واجبات سلام

م . در حالت سلام واجب است موارد زیر رعایت شود:

۱. گفتن یکی از دو عبارتِ سلام؛ یعنی: «اَلسَّلامُ عَلَینَا وَ عَلی عِبَادِ اللهِ الصَّالِحِینَ» و «اَلسَّلامُ عَلَیکُم» و در صورتی که عبارت دوّم را انتخاب کند بهتر است اضافه کند: «وَ رَحمَةُ اللهِ وَ بَرَکَاتُهُ».

۲. نشستن به اندازه‌ی عبارتِ سلام بعد از تشهّد

۳. آرامش بدن در حال گفتن عبارتِ سلام

۴. خواندن عبارت سلام به زبان عربی صحیح

۵. ترتیب

۶. مُوالات



پس از سلام نماز، تکبیر (الله‌اکبر) گفتن و بلند کردن دست‌ها مستحب است؛ نه واجب.

ترتیب

معنای ترتیب

«ترتیب» در لغت یعنی «هر چیزی را در رتبه و جای خود قراردادن» و در نماز به معنای به‌جا آوردن هر یک از اجزای آن، در رتبه و محل خاص خود است.

حکم ترتیب

م .نمازگزار باید کارهای نماز را به ترتیب انجام دهد و هر یک از اجزای آن را در جای خود به جا آورد. پس اگر از روی عَمْد و با اختیار این ترتیب را به هم بزند (برای مثال: سوره را پیش از حمد بخواند یا سجده را پیش از رکوع به‌جا آورد) نمازش باطل است.

به هم خوردن ترتیب نماز

به هم خوردن ترتیب نماز	عَمدی	در رُکن		نماز باطل می‌شود.
		در غیر رُکن		
	سَهوی	رُکن را فراموش کرده	مشغول رُکن بعد شده است	نماز باطل است.
			مشغول جزء غیررُکن بعد از آن شده	نماز صحیح است و باید رُکن را به جا آورد و آنچه را به اشتباه پیش از آن خوانده، دوباره بخواند.
		غیررُکن را فراموش کرده	مشغول رُکن بعدی شده	نماز صحیح است.
			به رُکن بعد وارد نشده	نماز صحیح است، ولی آنچه را فراموش کرده باید بخواند و بعد جزئی را که به اشتباه پیش از آن خوانده، دوباره بخواند.

مُوالات

معنای مُوالات

«مُوالات» در لغت یعنی «کاری را پی‌درپی و پشت سرهم انجام دادن» و در نماز نیز همان معنا را دارد: اجزای نماز را پی‌درپی و پشت سرهم و بدون فاصله انجام دادن.

حکم مُوالات

م. نمازگزار باید «مُوالات» و پیوستگی نماز را رعایت کند؛ بنابراین باید کارهای نماز ـ مانند: رکوع و سجود و تشهّد ـ را پشت سر هم به جا آورد و چیزهایی را که در نماز می‌خواند، به طور معمول پشت سر هم بخواند. حال اگر به قدری بین آنها فاصله بیندازد که از صورت و شکل نماز خارج شود و نگویند: نماز می‌خواند، نمازش باطل است.

توجه

طولانی شدن رکوع و سجود و خواندن سوره‌های بزرگ، مُوالات را به هم نمی‌زند؛ بلکه در روایات به طول دادن سجده توصیه نیز شده است؛ ولی اگر باعث شود قسمتی از نماز به خارج وقت بیفتد، جایز نیست.

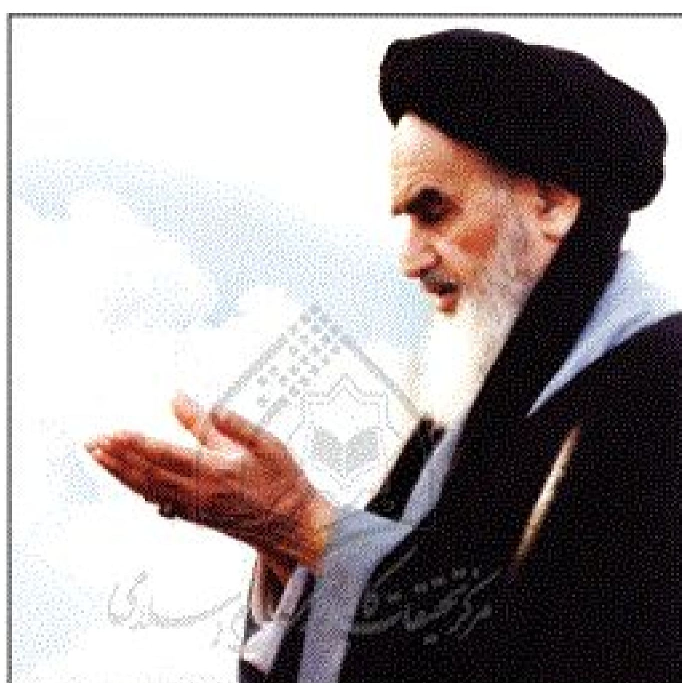


مستحبّات نماز

قُنوت

معنای قنوت

«قنوت» در لغت یعنی «خضوع و فروتنی» و در نماز عبارت است از: هر نوع ذکر و دعایی که در پایان حمد و سوره‌ی رکعت دوم و پیش از رکوع می‌خوانند و معمولاً همراه آن کف دست‌ها را به موازات صورت رو به آسمان می‌گیرند. از آن‌جا که این عمل نوعی خضوع و فروتنی در برابر خدای متعال به شمار می‌رود، به آن «قنوت» می‌گویند.



حکم قنوت

م . در قنوت مستحب است انسان دست‌ها را تا مقابل صورت بالا آورد و کف دست‌ها رو به آسمان باشد؛ انگشتان را به‌جز شست به هم بچسباند، هر دو دست را کنار هم (متصل به هم) قرار دهد و نگاهش به کف دست‌ها باشد.

توجه

نگاه به انگشتر در قنوت

نگاه به انگشتر مستحب نیست؛ بلکه وجاهت (نیکو بودن) چنین عملی از نظر شرعی ثابت نیست.

نکته

دعای فارسی در قنوت

خواندن دعا در قنوت به زبان غیرعربی، مانعی ندارد.



شروط نماز

وقت نماز

رجوع کنید به صفحه‌ی[۲۰۸].

رو به قبله بودن

رجوع کنید به صفحه‌ی[۲۱۳].

پوشاندن بدن (مرد یا زن)

رجوع کنید به صفحه‌ی[۲۲۰].

رعایت شرایط لباس

رجوع کنید به صفحه‌ی[۲۲۲].

رعایت شرایط مکان

رجوع کنید به صفحه‌ی[۲۳۱].

سکون و آرامش

م .نمازگزار موقعی که برای تکبیرة الاحرام یا قرائت ایستاده است، با توجّه و به‌طور عَمْدی نباید به طرفی خم شود و باید بدن را حرکت ندهد و به جایی تکیه نکند؛ امّا اگر از روی ناچاری این کار را انجام دهد یا در حال خم شدن برای رکوع پاها را کمی حرکت دهد، یا جابه جا کند اشکال ندارد.

توجه

موقع گفتن تکبیرة الاحرام، چنانچه بی‌اختیار و به اشتباه حرکت کند، بنابر احتیاط واجب باید اوّل عملی که نماز را باطل می‌کند (مانند رو برگرداندن از قبله) انجام دهد و دوباره تکبیر بگوید.

نماز در ماشین، هواپیما، قطار و کشتی

نماز خواندن در هواپیما، قطار، کشتی و مانند آن	در حال توقف	اشکال ندارد.
	در حال حرکت	به واسطه ی تنگی وقت یا ضرورت دیگر: جایز است؛ امّا باید استقرار و قبله را در حدّ ممکن رعایت کند و در حال چرخش به طرف قبله چیزی نخواند.
		در وسعت وقت (یعنی فرصت پیدا می‌کند که قبل از گذشتنِ وقتِ نماز، آن را خارج از هواپیما، قطار و مانند آن بخواند): لازم است نماز را تأخیر بیندازد و در حال حرکت جایز نیست.







نماز مستحب در حرکت

م . نماز مستحب را می‌شود در حال راه رفتن و سوار بودن، خواند و رو به قبله بودن لازم نیست، ولی اگر در منزل یا محل کار، در حال انجام کاری است که بدن ساکن است و استقرار دارد، مراعات قبله لازم است. همچنین در حال استقرار و اختیار نمی‌توان رکوع و سجود نماز مستحب را با اشاره انجام داد.

روشِ نماز مستحب در حرکت

م . در حال حرکت، به نیّت وارد شدن به نماز، تکبیرة الاحرام گفته می‌شود و پس از قرائت حمد و سوره، به نیّت رکوع با اشاره‌ی سر یا چشم ذکر رکوع گفته می‌شود و برای سجده نیز مقداری بیش از رکوع سر را خم کرده، ذکر را می‌گوییم؛ البته لازم نیست خم کردنِ سر، زیاد باشد؛ بلکه همین مقدار که تفاوتی بین رکوع و سجود باشد کافی است.

پاکی از چیزهایی که وضو و غُسل را باطل می‌کند

م .نمازگزار باید برای نماز طهارت داشته باشد؛ یعنی اگر وظیفه‌اش غسل کردن است، غسل کند و اگر باید وضو بگیرد یا تیمّم کند، این کار را انجام دهد و سپس وارد نماز شود. اگر یکی از چیزهایی که وضو یا غسل را باطل می‌کند، در بین نماز برایش پیش بیاید (عَمْدی باشد یا غیر عَمْدی) نماز باطل می‌شود.

معنای فاقدُ الطّهورَیْن

م . به کسی که قدرت بر انجام وضو، غسل یا تیمّم را ندارد یا آن‌که آب یا آنچه تیمّم بر آن صحیح است ندارد و نیز نمی‌تواند از دیگری کمک بگیرد و یا کسی نیست که او را کمک کند «فاقدالطهورین» می‌گویند.

وظیفه‌ی فاقدُ الطّهورَیْن

م .اگر انسان نتواند برای نماز وضو بگیرد، و نیز غسل و تیمّم هم برایش ممکن نباشد، بنابر احتیاط واجب نماز را در وقت بدون وضو، غسل و تیمّم بخواند و بنابر احتیاط واجب بعد از برطرف شدن عُذر قضای آن را به جا آورد.



مُبْطِلات نماز (باطل کننده‌های نماز)

م . کارهایی که موجب باطل شدن نماز می‌شوند، عبارتند از:

مُبطلات نماز
۱. از بین رفتن یکی از شرط‌هایی که باید درحال نماز رعایت شود.
۲. پیش آمدن چیزی که وضو یا غسل را باطل می‌کند.
۳. برگرداندن کاملِ تمام بدن از قبله (پشت به قبله نماز خواندن)
۴. خنده‌ی عَمْدی با صدا
۵. گریستن برای دنیا با صدا
۶. کاری که صورت نماز را به هم بزند.
۷. خوردن و آشامیدن
۸. کم و زیاد کردن عَمْدی یا اشتباهیِ رُکْن
۹. کم و زیاد کردن عَمْدیِ سایر واجبات (غیررُکْن)
۱۰. پیش آمدن یکی از شک‌هایی که نماز را باطل می‌کند.[1]
۱۱. حرف زدن (سخن گفتن)
۱۲. گذاشتن دست‌ها برهم (تَکَتُّف)
۱۳. آمین گفتن بعد از خواندن حمد

از بین رفتن یکی از شروط

م . اگر در بین نماز یکی از شرط‌های آن از بین برود (برای مثال: بفهمد مکانش غصبی است یا پوشش لازم یا طهارت ندارد) نمازش باطل است.

کاری که صورت نماز را به هم بزند

م . اگر در هنگام نماز کاری کند که صورت نماز را به هم بزند (مثل به هوا پریدن و دست زدن) هر چند از روی فراموشی باشد، نمازش باطل است.

توجه



خاموش کردن گوشی همراه یا در آوردن آن از جیب هنگام نماز اگر به حدّی نباشد که بگویند: فرد مشغول نماز نیست، اشکالی ندارد؛ ولی با خضوع و خشوع در نماز منافات دارد. پس بهتر است گوشی هنگام نماز خاموش یا درحال سکوت باشد.

۱. برای توضیح بیشتر به صفحه‌ی ۲۷۷ مراجعه شود.

شیر دادن بچه هنگام نماز

م .اگر صورت نماز را به هم نزند و لباس و بدن بچه هم نجس نباشد، اشکال ندارد و در صورت نجس بودن بدن یا لباس او، در آغوش گرفتنش در حال نماز در حکم همراه داشتن چیز نجس است.

پرداخت بدهی در نماز

م . اگر کسی مشغول نماز باشد و در همین حال طلبکار بیاید و طلب خود را از او بخواهد، چنانچه بتواند در بین نماز طلب او را بدهد (و صورت نماز به هم نمی‌خورد) باید در همان حال طلب را بپردازد؛ برای مثال: اگر پولی به مقدار بدهی‌اش دارد، آن را از جیب بیرون آورد و به او بدهد یا در کنار خود بگذارد تا او بردارد. امّا اگر بدون شکستن نماز، دادن طلب ممکن نیست، باید نماز را بشکند و طلب را بدهد و بعد نماز را بخواند؛ به شرطی که وقت برای دوباره خواندن نماز داشته باشد.





دست روی دست گذاشتن (تَکَتُّف)

م . از کارهایی که نماز را باطل می‌کند، قرار دادن دست‌ها بر روی هم در حال نماز است.



آمین گفتن پس از حمد

م . از کارهایی که موجب باطل شدن نماز است، این است که نمازگزار بعد از خواندن حمد «آمین» بگوید؛ ولی اگر از روی اشتباه یا تقیّه بگوید، اشکال ندارد.

رو گردانی از قبله

م . اگر به عَمد صورت و بدن خود را با هم یا به‌تنهایی از قبله برگرداند، به‌طوری که به حدّ دست راست یا دست چپِ قبله منحرف شده باشد، نمازش باطل است. و اگر سَهواً هم این کار را بکند بنابر احتیاط واجب نمازش باطل است.



حرف زدن عَمْدی

م . اگر در نماز به عَمد حرف بزند، حتی اگر یک کلمه باشد، نمازش باطل است.

سلام کردن و جواب سلام در نماز

م . اگر در حال نماز کسی به نمازگزار سلام کند، واجب است جواب سلام او را بدهد.

جواب سلامِ کودکان ممیز

م . جواب سلامِ کودکان ممیزِ دختر یا پسر مانند جواب سلام زنان و مردان واجب است.

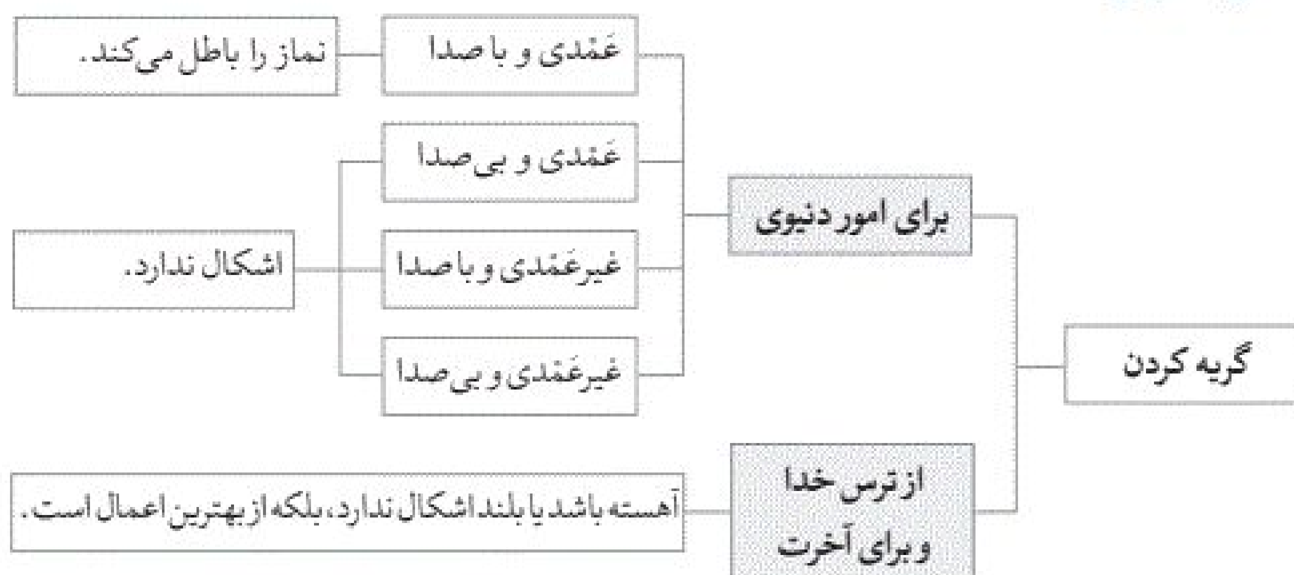
سلام کردن غلط به نمازگزار

م . اگر کسی به نمازگزار به صورت غلط سلام کند، ولی طوری باشد که در عُرف بگویند: سلام کرد، واجب است جواب او را با «سَلامٌ عَلیکُم» بدهد.

آه کشیدن، سُرفه و آروغ‌زدن در نماز

م . سرفه کردن، آروغ زدن و آه کشیدن در نماز اشکال ندارد، ولی گفتن کلمه‌های آخ، آه و مانند این‌ها (که دو حرف است) اگر عَمْدی باشد، نماز را باطل می‌کند و اگر غیر عَمْد باشد سجده‌ی سَهْو واجب می‌شود؛ البته اگر به عنوان ذکر و یاد خدا بگوید: «آه مِن ذنوبی» اشکال ندارد.

گریه کردن



خوردن و آشامیدن

م. یکی از کارهایی که نماز را باطل می‌کند خوردن و آشامیدن است.

فرو بردن غذای بین دندان‌ها

م. فرو بردن ذرّات غذا که لای دندان‌ها مانده است، موجب بُطلان نماز نمی‌شود.

خندیدن در نماز

خنده‌ی عَمْدی

م. خندیدن با صدا و عَمْدی نماز را باطل می‌کند؛ امّا لبخند زدن و خنده‌ی بی‌صدا نماز را باطل نمی‌کند.

خنده‌ی غیر عَمْدی

م. خندیدن غیرعَمْدی نماز را باطل نمی‌کند؛ هرچند با صدا باشد.

نکته

برخی از مکروهات نماز:

- بستن چشم‌ها (بر هم گذاشتن چشم‌ها)
- مالیدن دست‌ها به صورت بعد از قنوت
- بازی کردن با انگشتان و دست‌ها
- هر کاری که خضوع و خشوع را از بین ببرد.

شک‌های باطل‌کننده‌ی نماز

م .شک‌های باطل‌کننده‌ی نماز عبارتند از:

۱. شک در شماره‌ی رکعت‌های نماز دو رکعتی مانند: نماز صبح و نماز مسافر
۲. شک در شماره‌ی رکعت‌های نماز مغرب
۳. شک در نماز چه ار رکعتی در صورتی که شک کند یک رکعت خوانده یا بیشتر
۴. شک در نماز چهار رکعتی پیش از تمام شدن سجده‌ی دوم در صورتی که شک کند دو رکعت خوانده یا بیشتر
۵. شک در تعداد رکعت‌های نماز، که نداند چند رکعت خوانده.
۶. شک بین دو و پنج رکعت یا دو و بیشتر از پنج
۷. شک بین سه و شش رکعت یا سه و بیشتر از شش
۸. شک بین چهار و شش رکعت یا چهار و بیشتر از شش، چه پیش از تمام شدن سجده‌ی دوم باشد یا پس از آن.

توجه

اگر یکی از شک‌های باطل‌کننده برای نمازگزار پیش آید، نمی‌تواند نماز را به‌هم بزند؛ بلکه باید اوّل مقداری فکر کند و اگر شک از بین نرفت و ادامه یافت، نماز باطل خواهد شد.

کم و زیاد کردن رُکْن

رجوع کنید به صفحه‌ی[۲۶۷].

کم و زیاد کردن عَمْدی غیر رُکْن

رجوع کنید به صفحه‌ی[۲۶۷].

قطع کردن [شکستنِ] نماز

م . برهم زدنِ نمازِ واجب از روی اختیار حرام است؛ امّا برای جلوگیری از ضرر بدنی یا مالی اشکالی ندارد. اگر حفظ جان نمازگزار یا کسی که حفظ جان او واجب است یا حفظ مالی که نگهداری آن واجب می‌باشد (مانند مالی که به امانت نزد او گذاشته شده) بدون به‌هم زدن نماز ممکن نباشد، باید نماز را به‌هم بزند.

اقسام نماز

انواع نمازهای واجب

نمازهای واجب
نمازهای یومیه (صبح، ظهر، عصر، مغرب و عشا)
نماز آیات
نماز میّت
نماز قضای پدر و بنا بر احتیاط واجب مادر بر پسر بزرگتر
نماز طواف خانه‌ی کعبه
نمازی که به سبب اجاره، نذر، عهد و قسم واجب می‌شود.

توجه

در واقع، نمازهایی که به واسطه‌ی اجاره، نذر، قسم و عهد واجب می‌شود، خودبه‌خود واجب نیستند، بلکه به خاطر وفا به عقد اجاره، نذر، قسم و وفای به عهد واجب می‌شوند.

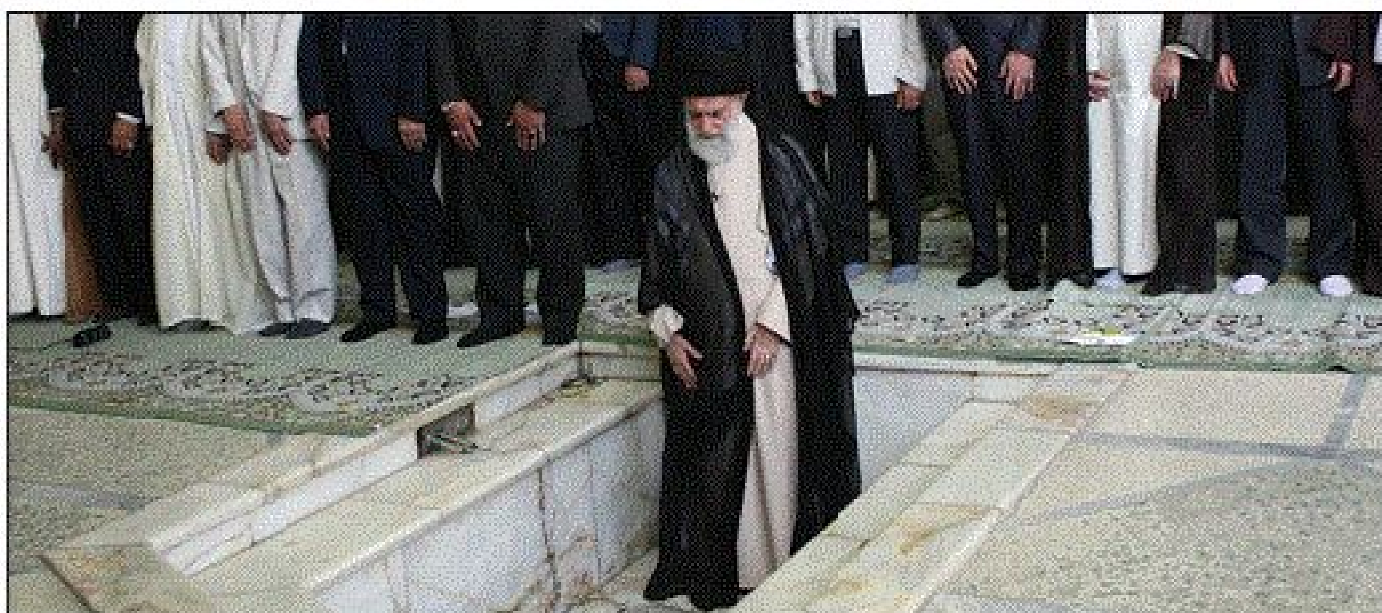
نمازهای پنج‌گانه‌ی شبانه‌روز

م . نمازهای شبانه‌روزی - که در پنج نوبت خوانده می‌شوند - از واجبات بسیار مهم دین است و ترک یا سبک شمردن آنها حرام و موجب استحقاق عذاب می‌باشد.

نماز جُمعه

حکم نماز جمعه

م . نماز جمعه در زمان ما (در دورانِ غیبت امام معصوم عليه السلام) واجبِ تخییری است؛ یعنی مُکَلَّف بینِ خواندن نماز جمعه یا نماز ظهر می‌تواند یکی را انتخاب کند.



نخستین نماز جمعه در اسلام

رسول گرامی اسلام ﷺ پس از هجرت از مکّه به مدینه، روز دوشنبه (دوازدهم ربیع الاوّل) به محله‌ای نزدیک مدینه به نام «قُبا» وارد شدند. به منظور آن‌که حضرت علی علیه‌السلام به ایشان ملحق شود، چهار روز در آن مکان ماندند و به شایستگی مورد استقبال مردم قرار گرفتند. در این مدّت، به دستور پیامبر ﷺ طرح بنای «مسجد قُبا» ریخته شد. آن‌گاه در روز جمعه به سوی مدینه حرکت کردند و هنگام نماز ظهر به محله «بنی‌سالم» رسیدند و همان‌جا مراسم نماز جمعه را برپا کردند. این اوّلین نماز جمعه‌ای بود که رسول خدا ﷺ اقامه نمودند و خطبه‌ی این نماز نیز اوّلین خطبه‌ی رسول اکرم ﷺ در مدینه بود.[1]

۱. تفسیر نمونه، ج۲۴، ص ۱۳۱

شرایط نماز جمعه

م. در این زمان که حکومت عدل اسلامی در ایران برپا است احتیاط مستحب آن است که حتی المقدور نماز جمعه ترک نشود. با این حال شرایط نماز جمعه عبارت است از:



وقت نماز جمعه

م. احتیاط واجب آن است که از اوایل عُرفی زوال (ظهر شرعی) در حدود یکی - دو ساعت بیشتر به تأخیر نیفتد و اگر بیش از دو ساعت تأخیر بیفتد، احتیاط واجب در به‌جا آوردن نماز ظهر است.

کیفیّت نماز جمعه

م. نماز جمعه دو رکعت است مانند نماز صبح، ولی دو خطبه دارد که توسط امام جمعه قبل از نماز ایراد می‌شود. مستحب است در رکعت اوّل «سوره‌ی جمعه» و در رکعت دوم «سوره‌ی منافقون» خوانده شود. همچنین مستحب است خواندن دو قنوت: یکی در رکعت اوّل پیش از رکوع و دیگری در رکعت دوم پس از رکوع.

نماز آیات

حکم نماز آیات و اسباب آن

م . یکی از نمازهای واجب «نماز آیات» است که به سبب برخی حوادث آسمانی یا زمینی واجب می‌شود و عبارتند از:

۱. **خورشید گرفتگی** [کُسوف] (اگرچه مقدار کمی از آن گرفته شود).	
۲. **ماه گرفتگی** [خُسوف] (اگرچه مقدار کمی از آن گرفته شود).	
۳. **زلزله**	
۴. **آیات آسمانی**؛ مانند: رعد و برق، باد سیاه، سرخ و زرد و	در صورتی که موجب ترس غالب مردم شود.
۵. **حوادث و آیات زمینی بنابر احتیاط واجب**؛ مانند: فرو رفتگی و رانش زمین، شکافته شدن آن و	

وقت نماز آیات

رجوع کنید به صفحه‌ی[۲۱۰].

توجه

اگر کسی از طریق اخبار رسانه‌ها اطمینان پیدا کند که در ساعت معیّنی خورشیدگرفتگی یا ماه‌گرفتگی اتفاق می‌افتد اگر در آن محل نیز قابل مشاهده باشد نماز آیات بر او واجب است.

کیفیّت نماز آیات

م . نماز آیات دو رکعت است و در هر رکعت پنج رکوع دارد و به دو صورت می‌توان آن را به‌جا آورد:

۱. بعد از نیّت، تکبیرة الاحرام بگوید و حمد و یک سوره‌ی کامل بخواند و به رکوع رود و سر از رکوع بردارد، دوباره یک حمد و یک سوره بخواند و باز به رکوع رود تا پنج مرتبه و بعد از بلند شدن از رکوع پنجم دو سجده نماید و برخیزد و رکعت دوم را هم مثل رکعت اوّل به جا آورد و تشهّد بخواند و سلام دهد (که در نتیجه در دو رکعت ده حمد و ده سوره و ده رکوع انجام داده است).

۲. یک سوره را پنج قسمت کرده و قبل از رکوعِ اوّل پس از حمد یک قسمت از آن و قبل از رکوع‌های بعدی بدون خواندن حمد، یک قسمت دیگر از آن را بخواند که در این صورت در دو رکعت، دو حمد و دو سوره خوانده می‌شود.

نکته

بنابر احتیاط واجب «بسم الله الرحمن الرحیم» را نمی‌توان یک قسمت از سوره به حساب آورد و با آن رکوع کرد.

نماز میّت

م. پس از غسل دادن، حُنوط و کفن کردنِ میّت باید بر او نماز بخوانند و سپس او را دفن کنند. نماز میّت حمد و سوره ندارد و به این ترتیب خوانده می‌شود:

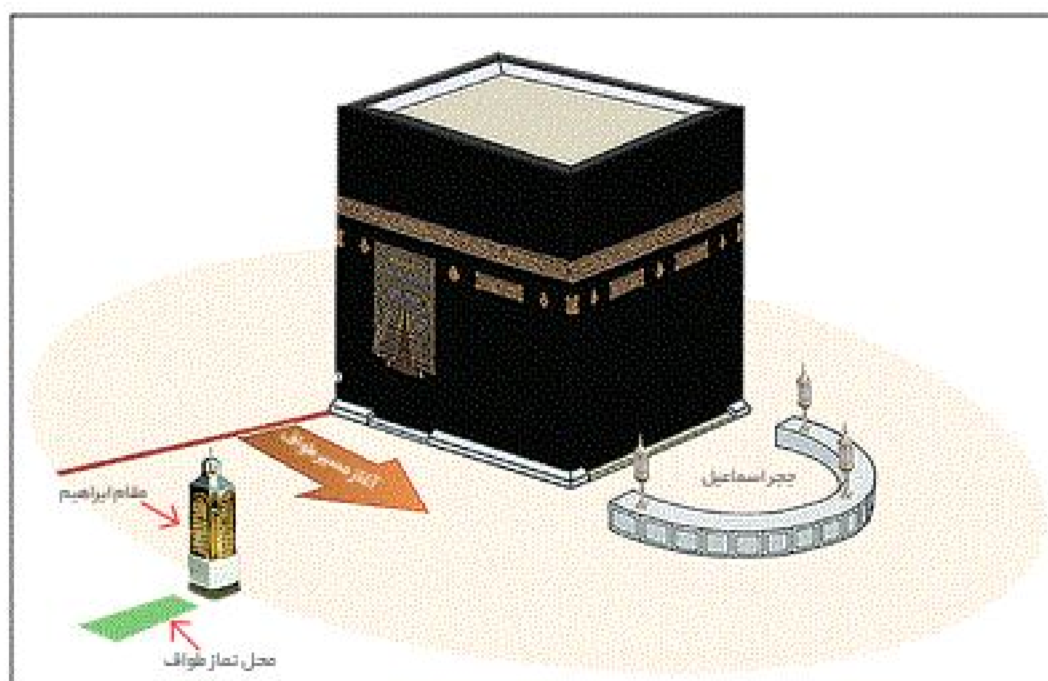
بعد از نیّت و گفتن تکبیر اوّل بگوید: «اَشْهَدُ اَنْ لا اِلٰهَ اِلَّا اللّٰهُ وَ اَنَّ مُحَمَّداً رَسولُ اللّٰهِ»، بعد از تکبیر دوم بگوید: «اَللّٰهُمَّ صَلِّ عَلیٰ مُحَمَّدٍ وَ آلِ مُحَمَّدٍ»، بعد از تکبیر سوم بگوید: «اَللّٰهُمَّ اغْفِرْ لِلْمُؤْمِنینَ وَ الْمُؤْمِناتِ»، بعد از تکبیر چهارم، اگر میّت مرد است، بگوید: «اَللّٰهُمَّ اغْفِرْ لِهٰذَا الْمَیِّتِ» و اگر زن است، بگوید: «اَللّٰهُمَّ اغْفِرْ لِهٰذِهِ الْمَیِّتِ» و بعد تکبیر پنجم را بگوید. (پس از تکبیر پنجم نماز تمام می‌شود.)



نماز طواف

م. پس از طواف کعبه ـ که از اعمال عُمره و حج است ـ باید دو رکعت نماز به نیّت نماز طواف بخوانند (مانند نماز صبح). در نماز طواف جایز است حمد و سوره را بلند یا آهسته بخوانند، نماز طواف را باید در مسجد الحرام نزد مقام ابراهیم بخوانند و باید پشتِ مقام به‌جا آورند؛ به‌طوری که مقام، بین نمازگزار و خانه کعبه واقع شود.

نماز طواف باید پشت مقام ابراهیم خوانده شود، مشروط بر این‌که برای دیگران مزاحمت نداشته باشد. در صورتی که به خاطر ازدحام یا کثرت طواف کنندگان امکان اقامه‌ی نماز نزدیک مقام نباشد، می‌توان نماز طواف را در مکان‌های دورتر پشت مقام به جا آورد.



نماز اِستیجاری

م . بعد از مرگِ انسان می‌شود برای نماز و عبادت‌های دیگر او که در زندگی به جا نیاورده، دیگری را اجیر کنند؛ یعنی به او مُزد بدهند که آنها را به جا آورد؛ بر کسی که برای خواندن نماز قضای میّت اجیر شده خواندن آن نماز واجب می‌شود و اگر کسی بدون مزد آنها را انجام دهد، صحیح است و در این صورت، بر وصیّ یا ولی، اجیر گرفتن لازم نیست.

هم‌جنس بودن اَجیر در نماز

س . آیا نماز و روزه‌ی قضای مردی که از دنیا رفته، زن هم می‌تواند آن‌را به جا آورد؟
زن می‌تواند نماز و روزه‌ی میّت ـ خواه مرد باشد یا زن ـ را قضا کند و از جهت جَهْر و إخْفات (بلند و آهسته خواندن) هم باید به تکلیف خود عمل کند.

نماز قضای پدر بر پسر بزرگ‌تر

م . بر پسر بزرگ‌تر واجب است نمازهایی را که از پدر فوت شده و از روی سرکشی و نافرمانی نبوده، بعد از مرگ آنها به جا آورد؛ بلکه اگر از روی سرکشی و نافرمانی هم ترک کرده باشند، بنابر احتیاط مستحب باید همین طور عمل کند.

توجه

قضای نمازهایی که از مادر فوت شده، بنابر احتیاط واجب بر پسر بزرگتر لازم است.

واجب شدن نماز با نذر، قسم و عَهْد

م . یکی از نمازهای واجب، نمازی است که به واسطه‌ی نذر یا عَهد یا قسم واجب می‌شود.

نمازهای مستحب

س . نمازهای مستحب کدامند؟

۱. نماز عید فِطر
۲. نماز عید قربان
۳. نماز شب
۴. نماز وحشت
۵. نماز جعفر طَیّار
۶. نماز غُفیلَه
۷. نماز اوّل هر ماه قمری
۸. نافله‌های شبانه‌روزی (یومیّه)
۹. نماز زیارت
۱۰. نماز تَحِیَّت مسجد
۱۱. نماز باران
۱۲. نماز برآورده شدن حاجت
۱۳. نماز طلب رزق
۱۴. نماز اِحرام

و نمازهای فراوانی که در کتابهای مفصل فقهی با کیفیّت‌های مختلفی ذکر شده است.

احکام نماز

شکستن نماز

رجوع کنید به صفحه‌ی[۲۷۷].

دوباره خواندن نماز

س . آیا نماز واجبی را که با حضور قلب خوانده نشده است، می‌توان دوباره خواند؟
اگر اجزا و شرایط را به طور صحیح رعایت کرده، نمی‌تواند دوباره بخواند.

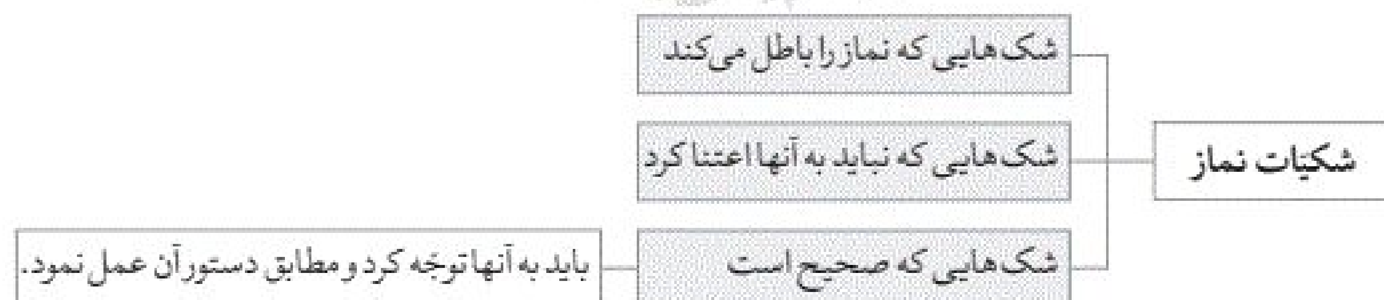
شک در نماز

معنای شک

م .شک به معنای «دودلی و تردید» است و در اصطلاح احکام، به حالتی گفته می‌شود که انسان دو احتمال درباره‌ی واقع شدن یا واقع نشدن چیزی یا کاری می‌دهد، بدون آن که بتواند یکی را بر دیگری ترجیح دهد.

اقسام شک در نماز

م .شک‌های نماز سه نوع است:



شک‌های باطل کننده‌ی نماز

رجوع کنید به صفحه‌ی[۲۷۷].

شک در به جا آوردن نماز

م .اگر کسی در به جا آوردن نماز شک کند:
اگر قبل از گذشتن وقت باشد: باید نماز را بخواند.
اگر بعد از گذشتن وقت باشد: لازم نیست آن نماز را بخواند.

شک در کارهای نماز

شک در نماز دو رکعتی

م .اگر کسی در شماره‌ی رکعت‌های نماز دو رکعتی (مثل نماز صبح و نماز مسافر) شک کند و یقین یا گمان به هیچ طرفی (رکعت اوّل یا دوم بودن) پیدا نکند، نمازش باطل می‌شود.

توجه

شک در شماره‌ی رکعت‌های نماز مستحب دو رکعتی و بعضی از نمازهای احتیاط نماز را باطل نمی‌کند.

شک در نماز سه رکعتی

م .شک در شماره‌ی نمازهای سه رکعتی، نماز را باطل می‌کند.



شک در نماز چهار رکعتی

م .اگر نمازگزار، در شماره‌ی رکعت‌های نماز «چهار رکعتی» شک کند باید بلافاصله فکر کند و اگر یقین یا گمان به یک طرف پیدا کرد، همان طرف را بگیرد و نماز را تمام کند و گرنه باید به دستوری که در جدول ذیل آمده است، عمل کند و نمازش صحیح است:

شک	در حال قیام	در رکوع	بعد از رکوع	در سجده	بعد از سجده‌ی دوم	وظیفه‌ی نمازگزار در مواردی که نماز صحیح می‌باشد.
شک بین ۲ و ۳	مُبطِل	مُبطِل	مُبطِل	مُبطِل	غیرمُبطِل	بنا را بر سه گذاشته و یک رکعت دیگر می‌خواند و پس از سلام، یک رکعت نماز احتیاطِ ایستاده یا دو رکعت نشسته می‌خواند.
شک بین ۲ و ۴	مُبطل	مُبطل	مُبطل	مُبطل	غیرمُبطل	بنا را بر چهار می‌گذارد و نماز را تمام می‌کند و بعد از نماز، دو رکعت نماز احتیاطِ ایستاده می‌خواند.
شک بین ۲ و ۳ و ۴	مُبطل	مُبطل	مُبطل	مُبطل	غیرمُبطل	بنا را بر چهار می‌گذارد و نماز را تمام می‌کند و بعد از نماز، دو رکعت نماز احتیاطِ ایستاده و دو رکعت نشسته به جا می‌آورد.
شک بین ۳ و ۴	غیرمُبطل	غیرمُبطل	غیرمُبطل	غیرمُبطل	غیرمُبطل	بنا را بر چهار می‌گذارد و نماز را تمام می‌کند و بعد از نماز، یک رکعت نماز احتیاطِ ایستاده یا دو رکعت نشسته به جا می‌آورد.
شک بین ۳ و ۴ و ۵	غیرمُبطل	مُبطل	مُبطل	مُبطل	مُبطل	اگر در حال قیام، شک پیش آمده، بدون رکوع می‌نشیند. و بنا را بر چهار گذاشته و نماز را تمام می‌کند و بعد از نماز، دو رکعت نماز احتیاطِ ایستاده و دو رکعت نشسته به جا می‌آورد.
شک بین ۴ و ۵	غیرمُبطل	مُبطل	مُبطل	مُبطل	غیرمُبطل	اگر در حال قیام، شک پیش آمده، بدون رکوع می‌نشیند و نماز را تمام می‌کند و یک رکعت نماز احتیاطِ ایستاده یا دو رکعت نشسته می‌خواند. و اگر در حالت نشسته پیش آمده، بنا را بر چهار می‌گذارد و نماز را تمام می‌کند و بعد از نماز دو سجده‌ی سَهْو به جا می‌آورد.

به جز مواردی که در جدول آمده، موارد دیگری نیز هست که کمتر اتفاق می‌افتد و حکم آنها از آنچه بیان شد و قواعد آینده، روشن می‌شود.

قانون کلی

۱. اگر یکی از شک‌های غیرِ مُبطل پیش آید، نمازگزار نباید نماز را بشکند، بلکه باید مطابق وظیفه‌اش عمل کند، و اگر نماز را به هم بزند، معصیت کرده است.

۲. اگر یکی از شک‌های غیرِ مُبطل پیش آید، باید اندکی فکر کند، سپس اگر یقین یا گمان به یک طرف پیدا کرد، همان طرف را بگیرد و نماز را تمام کند، وگرنه به دستورهایی که گفته شد، عمل کند.

۳. در شک‌های غیرِ مُبطل باید بنا را بر بیشتر گذاشت، مگر آن‌که یکی از اطراف شک از چهار گذشته باشد؛ برای مثال: در شک بین ۴ و ۵ بنا بر ۴ گذاشته می‌شود.

۴. نماز احتیاط برای جبران کمبود احتمالی نماز است؛ بنابراین در شک بین ۳ و ۴ که احتمال کمبود، یک رکعت است، یک رکعت نماز احتیاط لازم است و در شک بین ۲ و ۴ دو رکعت نماز احتیاط خوانده می‌شود.

۵. سجده‌ی سَهْو، در موارد احتمال زیادیِ سَهْوی است. پس در شک بین ۴ و ۵ بعد از سجده‌ی دوم و شک بین ۵ و ۶ در حالت ایستاده، سجده‌ی سَهْو لازم است.

۶. در مواردی که یک رکعت نماز احتیاط واجب است، می‌توان به جای آن، دو رکعت نشسته خواند.

۷. در مواردی که دو رکعت نماز احتیاط واجب است، نمی‌توان به جای آن چهار رکعت نشسته یا دو رکعت نشسته خواند.

۸. اگر برای نمازگزار در حالت ایستاده، یکی از شک‌های غیرِ مُبطل پیش آید، به‌جز شک ۳ و ۴، باید بدون رکوع بنشیند و پس از نشستن، از هر طرف شک یک عدد کم می‌شود؛ مثلاً در شک بین ۴ و ۵ در حال ایستاده، پس از نشستن، به شک ۳ و ۴ برمی‌گردد و همان وظیفه را باید انجام دهد.

شک در نماز مستحب

س. شک کردن در نماز مستحب چه حکمی دارد؟

نباید اعتنا کند و اگر در شماره‌ی رکعت‌های نماز مستحب شک کند، چنانچه طرف بیشترِ شک، نماز را باطل می‌کند، باید بنا را بر کمتر بگذارد؛ برای مثال: اگر در نافله‌ی صبح شک کند که دو رکعت خوانده یا سه رکعت، باید بنا بگذارد که دو رکعت خوانده است؛ و اگر طرف بیشترِ شک نماز را باطل نمی‌کند (برای مثال شک کند که دو رکعت خوانده یا یک رکعت) به هر طرفِ شک عمل کند، نمازش صحیح است.

شک‌های بی‌اعتبار

م. شک‌هایی که نباید به آن‌ها اعتنا کرد، عبارتند از:

۱. شک در چیزی که محل به جا آوردن آن گذشته است.

۲. شک بعد از سلام نماز

۳. شک بعد از گذشتن وقت نماز

۴. شک کثیرُ الشَّک

۵. شک در نماز مستحب

۶. شک امام یا مأموم (در شماره‌ی رکعت‌ها)

توضیح: شک امام در شماره‌ی رکعت‌های نماز در صورتی که مأموم شماره‌ی آن‌ها را بداند و همچنین شک مأموم در صورتی که امام شماره‌ی رکعت‌ها را بداند.

۱. شک بعد از محل

شک در خواندن حمد هنگام رکوع

م . اگر کسی هنگام رکوع شک کند که حمد را خوانده یا نه، نباید به شک خود اعتنا کند و باید نماز را ادامه دهد.

شک در انجام رکوع هنگام سجده

م . کسی که به سجده می‌رود، اگر شک کند رکوع کرده یا نه، و یا شک کند که بعد از رکوع ایستاده یا نه، نباید به شک خود اعتنا کند.

۲. شک بعد از سلام نماز

شک در گفتن سلام

م .کسی که شک کند سلام نماز را گفته یا نه، چنان‌چه مشغول کار باطل کننده‌ی نماز شده، نباید به شک خود اعتنا کند و اگر مشغول چنین کاری نشده، باید سلام را بگوید.

شک در صحّت نماز

م . اگر بعد از سلام نماز شک کند که نمازش صحیح بوده یا نه (برای مثال: شک کند رکوع کرده یا نه، یا بعد از سلام نمازِ چهار رکعتی، شک کند که چهار رکعت خوانده یا پنج رکعت) نباید به شک خود اعتنا کند.

نکته

اگر هر دو طرف شک او باطل باشد (برای مثال: بعد از سلام نمازِ چهار رکعتی شک کند که سه رکعت خوانده یا پنج رکعت) نمازش باطل است.

شک در انجام مُبطِلات [باطل کننده‌ها] بعد از نماز

م . اگر بعد از نماز شک کند که در بین نماز کار باطل‌کننده‌ی آن انجام داده یا نه، نمازش صحیح است.

۳. شک بعد از وقت نماز

شک در صحّت نماز بعد از وقت نماز

م . اگر بعد از گذشتن وقت نماز، شک کند که نماز را درست خوانده یا نه، نباید به شک خود اعتنا کند.

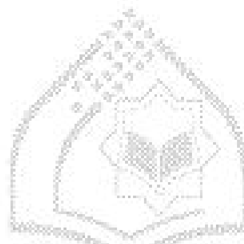
شک در خواندن نماز پس از وقت

م . اگر بعد از گذشتن وقت نماز، شک کند که نماز خوانده یا نه، یا گمان کند که نخوانده، خواندن آن نماز لازم نیست.

شک در خواندن نماز قبل از گذشتن وقت

م . اگر پیش از گذشتن وقت، شک کند که نماز خوانده یا نه، یا گمان کند که خوانده، باید آن نماز را بخواند.

۴. شک کثیرُالشّک



معنای کثیرُالشّک

م . اگر کسی در یک نماز، سه مرتبه شک کند یا در سه نماز پشت سر هم شک کند (برای مثال: در نماز صبح، ظهر و عصر) کثیرالشّک است.

وظیفه‌ی کثیرُالشّک

م . اگر شخص کثیرالشّک در رکعت‌های نماز و یا در کارهای آن شک کند، چنانچه به‌جا آوردنِ آن، نماز را باطل نمی‌کند باید بنا بگذارد که آن را به‌جا آورده است؛ برای مثال: اگر شک کند که رکوع کرده یا نه، باید بنا بگذارد که آن را انجام داده است. و اگر انجام آن نماز را باطل می‌کند، باید بنا بگذارد که آن‌را انجام نداده است؛ برای مثال: اگر شک کند که یک بار رکوع کرده یا بیشتر، چون زیاد شدن رکوع، نماز را باطل می‌کند، باید بنا بگذارد که بیش از یک رکوع نکرده است.

قانون کلی

در هر موردی که انسان زیاد دچار شک شود، نباید اعتنا کند.

کثیرالشّک با وجود گمان

م .کثیر الشّک اگر ظنّ قوی پیدا کند، باید به ظنّ خود عمل کند.

محدوده‌ی حکم کثیرالشّک

م .کسی که در یکی از اعمال نماز زیاد شک می‌کند، چنانچه در اعمال دیگر آن شک کند باید به دستور شک عمل نماید؛ برای مثال: کسی که زیاد شک می‌کند که سجده را انجام داده یا خیر، اگر در به جا آوردن رکوع شک کند .چون در رکوع کثیرالشّک نیست .باید به دستور شک رفتار کند؛ یعنی اگر ایستاده، رکوع را به‌جا آورد و اگر به سجده رفته، اعتنا نکند.

شک کثیرالشّک در رُکْن نماز

م .اگر کثیرالشّک شک کند که رُکنی را به‌جا آورده یا نه و اعتنا نکند، بعد یادش بیاید که به‌جا نیاورده، چنان‌چه مشغول رُکن بعدی نشده، باید آن را به‌جا آورد و اگر مشغول رُکن بعد شده، نمازش باطل است.

شک کثیرالشّک در غیر رُکْن

م .اگر کثیرالشّک شک کند غیر رُکن را به‌جا آورده یا نه و اعتنا نکند و بعد یادش بیاید که آن را به جا نیاورده چنانچه از محل به جا آوردن آن نگذشته، باید آن را به جا آورد و اگر از محل آن گذشته نمازش صحیح است؛ برای مثال: اگر شک کند که حمد خوانده یا نه و اعتنا نکند، چنان‌چه در قنوت یادش بیاید که حمد نخوانده باید بخواند و اگر در رکوع یادش بیاید، نماز او صحیح است.

معیارِ بر طرف شدن حالت کثیرالشّک

م .کثیرالشّک تا وقتی یقین نکند به حالت عادی [حال معمولی مردم] برگشته، نباید به شک خود اعتنا کند.

۵. شک در نماز مستحب (نافله)

رجوع کنید به صفحه‌ی[۲۸۷].

۶. شک امام یا مأموم

شک امام

م . اگر امام جماعت شک کند، ولی کسی که به او إقتدا کرده، شک نداشته باشد (گمان یا یقین داشته باشد) و با گفتن «اللّه اکبر» و مانند آن، امام را متوجّه اشتباهش کند، امام جماعت نباید به شک خود اعتنا کند.

شک مأموم

م. اگر مأموم شک کند، باید همان‌گونه که امام جماعت نماز می‌خواند، عمل کند و نمازش صحیح است.

سجده‌ی سَهْو

کیفیّت سجده‌ی سَهْو

رجوع کنید به صفحه‌ی[۲۶۱].

موارد سجده‌ی سَهْو

موارد سجده‌ی سهو
در بین نماز به اشتباه حرف بزند.
یک سجده را فراموش کند.
در نماز چهار رکعتی شک کند ۴ رکعت خوانده یا ۵ رکعت
سلام بی جا؛ برای مثال: در رکعت سوم نمازِ چهار رکعتی به اشتباه سلام بدهد. (بنابر احتیاط واجب)
تشهّد را فراموش کند.
یک سجده سهواً اضافه کند. (بنابر احتیاط واجب)

نماز احتیاط

کیفیّت نماز احتیاط

م. نماز احتیاط به این ترتیب است که بعد از سلامِ نماز باید بلافاصله نیّت نماز احتیاط کند و سپس «الله اکبر» بگوید و حمد را بخواند و به رکوع رود و دو سجده نماید؛ اگر نماز احتیاطِ او یک رکعت است، بعد از دو سجده تشهّد بخواند و سلام دهد و اگر دو رکعت است، بعد از دو سجده یک رکعت دیگر مثل رکعت اوّل به جا آورد و بعد از تشهّد سلام دهد.

نکته

۱. نماز احتیاط اذان، اقامه، سوره و قنوت ندارد.

۲. نباید نیّت آن به زبان آورده شود.

۳. بنابر احتیاط واجب حمد باید آهسته خوانده شود.

۴. بنابر احتیاط واجب باید «بسم الله الرحمن الرحیم» آن‌را نیز آهسته خواند.

۵. بین اصل نماز و نمازِ احتیاط، کار مُبطل نماز انجام نشود.

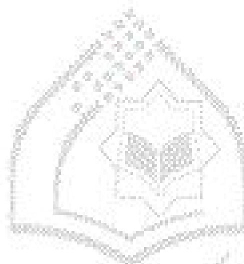
موارد نماز احتیاط

م . نماز احتیاط برای جبران رکعت‌های مورد شک در موارد خاص (شک‌های صحیح در نماز چهار رکعتی) واجب می‌شود. از آن‌جا که این نماز، نوعی احتیاط در مورد رکعت‌های مشکوک به شمار می‌رود، آن را «نماز احتیاط» گفته‌اند؛ برای مثال: اگر در نماز چهار رکعتی، بعد از سر برداشتن از سجده‌ی دوم شک کند دو رکعت خوانده یا سه رکعت، باید بنا بگذارد که سه رکعت خوانده و یک رکعت دیگر بخواند و نماز را تمام کند و بعد از نماز، یک رکعت نماز احتیاط ایستاده یا دو رکعت نشسته به جا آورد.

فراموش کردن نماز احتیاط

س . در نماز ظهر بین رکعت سوم و چهارم شک کردم و یک رکعت نماز احتیاط بر من واجب شد؛ امّا فراموش کردم آن را بخوانم و در رکعت چهارمِ نماز عصر متوجّه آن شدم، تکلیف من چیست؟

وظیفه‌ی شما آن است که نماز عصر را قطع کنید و نماز احتیاط را به جا آورید و احتیاطاً دوباره نماز ظهر را بخوانید.



قضای نماز

حکم قضای نماز واجب

م .کسی که به علّتی نتوانسته است در وقت معیّن نماز، وظیفه‌ی خود را انجام دهد (نماز بخواند) باید بعد از وقت قضای آن را انجام دهد.

توجه

زن در حال حیض یا نفاس باید نماز را ترک کند و لازم نیست نمازهایی را که در این ایام در تمام وقت حائض یا نفساء بوده و ترک کرده، قضا کند. همین طور کسی که در تمام وقت بی‌هوش بوده، لازم نیست نمازهای اوقات بی‌هوشی را قضا نماید (مگر آنکه به اختیار خودش بی‌هوش شده باشد که بنابر احتیاط واجب قضا دارد) و غیر مسلمانی که مسلمان شده نیز نمازهای زمان قبل از اسلام، قضا ندارد.

قضای اجزای نماز

م .اگر هنگامی که به رکوع رکعت سوم رفته یا بعد از آن یادش بیاید که تشهّد را فراموش کرده، باید نماز را تمام کند و بعد از سلام، برای تشهّد فراموش شده، دو سجده‌ی سَهو به‌جا آورد و به احتیاط واجب پیش از سجده‌ی سَهو، تشهّد فراموش شده را قضا کند.

قضای سجده‌ی فراموش شده

م .اگر در رکوع یا بعد از آن یادش بیاید که یک سجده را از رکعت پیش فراموش کرده، باید بعد از سلام نماز، سجده را قضا نماید، و بعد از آن دو سجده‌ی سَهو به جا آورد.

عوامل قضای نماز

م . عواملی که موجب قضا شدن نماز می‌شوند، عبارتند از:

۱. نخواندن نماز؛ حتی اگر بر اثر خواب یا فراموشی باشد.
۲. باطل خواندن نماز؛ حتی اگر پس از مدتها متوجه شود.

احکام قضای نماز واجب

وصیّت نمازهای قضا

م . اگر فردِ مُکَلَّف نتوانست نمازهای قضا شده را به جا آورد، باید وصیّت کند که آنها را به نیّت او بخوانند.

ندانستن تعداد و ترتیب نمازهای قضا

س . بنده در بسیاری از روزها بر اثر شدّت بیماری نتوانسته‌ام نمازهای واجب شبانه‌روزی‌ام را بخوانم و اکنون خیلی نماز قضا دارم و ترتیب قضا شدن آن‌ها را نیز نمی‌دانم. وظیفه‌ام را بفرمایید؟

هر مقدار از نمازها را که یقین دارید به جا نیاورده‌اید باید قضا نمایید و ترتیب واجب نیست، مگر بین ظهر و عصر و مغرب و عشا از یک روز، که باید ظهر قبل از عصر و مغرب قبل از عشا خوانده شود.



خواندن نماز مستحب با وجود نماز قضا

س . آیا جایز است کسی که نماز قضا دارد، نماز مستحبّی بخواند؟
اشکالی ندارد.

نشسته خواندن نماز قضا

س . آیا شخص معذور نماز قضا را می‌تواند نشسته بخواند؟

اگر امکان ایستادن در آینده برایش فراهم باشد یا به خوب شدن در آینده امیدوار باشد، احتیاط واجب آن است که نماز قضا را تأخیر بیندازد تا پس از خوب شدن آن را به صورت ایستاده انجام دهد؛ مگر این‌که بداند عُذرش تا آخر عُمر باقی می‌ماند یا خوف داشته باشد که به طور ناگهانی بمیرد.

نماز جماعت

رجوع کنید به صفحه‌ی[۳۱۰] به بعد.

نماز مسافر

حکم نماز مسافر

م . مسافر باید نمازهای چهار رکعتی (ظهر، عصر و عشا) را با شرایطی که خواهد آمد، شکسته به‌جا آورد؛ یعنی دو رکعت بخواند.

شرایط شکسته شدن نماز مسافر

م . مسافر با شرایطی نمازش شکسته می‌شود:

۱. مجموع سفر او کمتر از هشت فَرْسَخ شرعی نباشد؛ مشروط به اینکه رفتن او کمتر از چهار فرسخ نباشد.

۲. از اوّل مسافرت قصد پیمودن هشت فرسخ را داشته باشد.

۳. در بین راه از قصد خود بر نگردد. بنابراین، اگر پیش از رسیدن به چهار فرسخ از قصد خود برگردد یا مردّد شود باید نماز را تمام (چهار رکعت) بخواند؛ هرچند نمازهایی که قبل از برگشتن از قصد خود به صورت شکسته خوانده، صحیح است.

۴. نخواهد پیش از رسیدن به هشت فرسخ، از وطن یا جایی که می‌خواهد ده روز یا بیشتر در آن بماند، عبور کند.

۵. برای کار حرام (مانند دزدی) سفر نکند. همچنین خودِ سفر، حرام نباشد؛ مثل سفری که ضرر دارد یا سفر غیر واجبِ زن بدون اجازه‌ی شوهر.

۶. از کسانی که خانه به دوش هستند نباشد؛ مانند: بعضی از صحرانشینان که محل زندگی ثابتی ندارند، بلکه در بیابان‌ها گردش می‌کنند و هر جا که شرایط مناسب برای زندگی مهیّا باشد می‌مانند.

۷. کسی که شغل او در سفر است یا شغل او مسافرت است یا برای شغل خود زیاد مسافرت میکند؛ مانند: راننده‌ی بین شهری، مَلوان، خلبان، تاجر و کسی که فاصله‌ی محل سکونت و محل کارش به اندازه‌ی مسافت شرعی است و برای کار خود چند روز یک بار (در فاصله‌ی کمتر از ۱۰ روز) رفت و آمد می‌کند.

۸. به حدّ تَرَخُّص برسد.

اقسام قطع‌کننده‌های سفر

رجوع کنید به صفحه‌ی[۳۹۲].

شرایط صحیح نبودن روزه‌ی مسافر

رجوع کنید به صفحه‌ی[۳۸۸].

مواردی که نماز، تمام [چهار رکعتی] است

م. در این مکان‌ها نماز ظهر، عصر و عشا به صورت تمام (چهار رکعتی) خوانده می‌شود (شکسته نیست)؛

۱. وطن

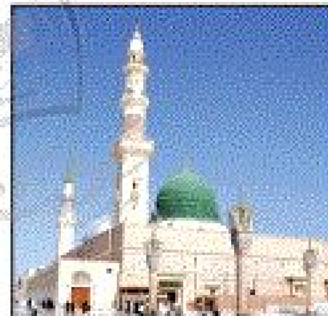
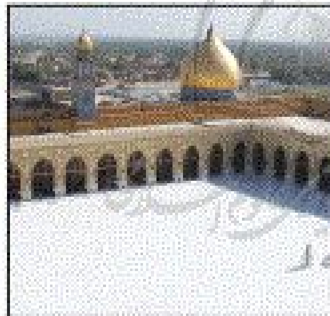
۲. جایی که می‌داند ده روز می‌ماند یا تصمیم دارد که ده روز بماند.

۳. جایی که سی روز با تردید مانده است (معلوم نبوده که می‌ماند یا می‌رود). اگر تا سی روز به همین حالت مانده و در این مدت به جای دیگری هم نرفته، باید بعد از سی روز نماز را تمام بخواند.

۴. جایی که ابتدا قصد داشته حداقل ده روز در آن‌جا بماند و یک نماز واجب چهار رکعتی هم خوانده و سپس از ماندن منصرف شده است.

مواردی که مسافر بین شکسته و تمام خواندن نماز اختیار دارد

م. مسافر می‌تواند در شهر مکّه، شهر مدینه و مسجد کوفه و حرم حضرت امام حسین (ع) نمازش را تمام یا شکسته بخواند. امّا کسی که مسافر نیست باید کامل بخواند.


توجه

مباحث و مسائل مربوط به مسافر در پایان احکام روزه (روزه‌ی مسافر) به طور مفصّل ذکر شده است.

• نماز یکی از مهم‌ترین و ضروری‌ترین تکالیف اسلامی است که بر هر انسان بالغ و عاقلی واجب می‌باشد.
• نمازهای واجب و مستحبّ که در طول هر شبانه‌روز خوانده می‌شود، وقت‌های مخصوصی دارد.
• وقت نماز عید از طلوع آفتاب روز عید تا ظهر همان روز است.
• مستحب مؤکّد است که انسان نماز را در اوّل وقت بخواند.
• اگر انسان به داخل شدن وقتِ نماز اطمینان پیدا کند، می‌تواند شروع به نماز کند.
• ابتدای وقت نماز صبح، طلوع فَجرِ صادق است.
• اگر کسی نماز خود را از روی عَمد به تأخیر بیندازد تا این‌که قضا شود، گناه کرده است.
• خانه‌ی کعبه که در شهر مکّه قرار دارد، قبله‌ی مسلمانان است و باید به سمت آن نماز خواند.
• نماز مستحب را می‌شود هنگام راه رفتن بخوانند و در این حالت رو به قبله بودن لازم نیست.
• مرد در حال نماز باید شرم‌گاه (عَورَتین) خود را بپوشاند، حتی اگر کسی او را نمی‌بیند.
• زن در هنگام نماز باید موی سر و بدن خود را (جز صورت و دست‌ها) بپوشاند، حتی اگر کسی او را نمی‌بیند.
• پوشاندن کف پا و روی آن در نماز واجب نیست؛ به شرطی که نامحرم حضور نداشته باشد.
• زنی که صورت خود را آرایش کرده، در صورتی که نامحرم او را نمی‌بیند، می‌تواند با همین حالت نماز بخواند.
• نماز خواندن با مانتو و روسری، اگر مقدار واجب پوشش و شرایط لباس نمازگزار در آن رعایت شود، اشکال ندارد.
• نماز با چادرِ نازک که از پشت آن بدن و موی نمازگزار نمایان باشد، باطل است.
• اگر خانمی بعد از نماز بفهمد که موهای او در بین نماز از چادر بیرون آمده، نمازی که خوانده صحیح است.
• استفاده از انگشتر طلا و به گردن آویختن زنجیر طلا برای مردان حرام است؛ حتی اگر کسی آن را نبیند و در زیر لباس پنهان باشد.
• اگر مرد لباسی از جنس ابریشم خالص یا طلابافت بپوشد، نمازش باطل است.
• پوشیدن لباس ابریشم خالص برای زنان اشکالی ندارد.
• اگر بدانیم لباس کسی نجس است و ممکن است با آن نماز بخواند، لازم نیست به او بگوییم.
• اگر کسی بعد از نماز متوجّه شود که لباس یا بدنش نجس بوده، نمازی که خوانده صحیح است.
• خون داخل بینی که بیرون نمی‌آید، برای نماز اشکال ندارد.
• در صورتی که روی لباس نمازگزار پَر پرنده حرام گوشت باشد، همراه داشتن آن در نماز، موجب باطل شدن نماز است.
• در صورتی که لباس نمازگزار از پَر پرندگان حرام گوشت (مانند عُقاب) تهیه شده باشد، نماز باطل است.
• نماز مرد با زنجیر یا انگشتر طلا بنابر احتیاط واجب باطل است.
• نماز خواندن زن با چادر مشکی مکروه نیست.

• مکانی که انسان در آن‌جا نماز می‌خواند باید مُباح (غیرغصبی) باشد.
• نماز خواندن در کشتی در صورتی که کنار ساحل یا در لنگرگاه ایستاده و حرکتی ندارد (با رعایت جهت قبله) جایز است.
• نماز خواندن در حرم امامان علیهم‌السلام مستحب است.
• در سجده باید پیشانی روی چیزی قرار گیرد که سجده بر آن صحیح است.
• سجده بر چیزی که بدن روی آن آرام نمی‌گیرد و حرکت دارد، باطل است.
• جای پیشانی نمازگزار نباید از جای زانوها و سرِ انگشتان پای او بیشتر از چهار انگشتِ بسته‌ی دست، «پایین‌تر» یا «بالاتر» باشد.
• باید بین پیشانی و مُهر (یا هر چیزی که سجده بر آن صحیح است) مانعی وجود نداشته باشد.
• نباید روی چیزی که ایستادن و نشستن بر آن حرام است (مثل روزنامه‌ای که اسم خدا بر آن نوشته شده) نماز خواند.
• نمازهای مستحبّی اذان و اقامه ندارند.
• واجبات نماز به دو بخش رُکن و غیر رُکن تقسیم می‌شود.
• بعضی از واجبات نماز رُکن هستند؛ یعنی اگر انسان آن‌ها را به جا نیاورد، یا در نماز اضافه کند، عَمدی باشد یا اشتباهی، نماز باطل می‌شود.
• انسان باید نماز را «قربةً الی الله» یعنی برای انجام فرمان خدای متعال به جا آورد.
• «نیّت» از ارکان نماز است و اگر به عَمد یا اشتباه و فراموشی ترک شود، نماز باطل می‌شود.
• در نیّت نماز «قصد قربت» و «خلوص» لازم است؛ یعنی باید تنها به قصد اطاعت از فرمان خداوند عالم نماز بخواند.
• اوّلین جزء نماز «الله اکبر» است که آن را «تکبیرة الاحرام» می‌گویند.
• موقع گفتن تکبیرة الاحرام باید بدن آرام باشد.
• تا انسان می‌تواند ایستاده نماز بخواند نباید نشسته نماز بخواند.
• اگر کسی در نماز بدون تکیه‌کردن نتواند بایستد، نماز با عصا اشکال ندارد.
• در رکعت اوّل و دوم نمازهای واجب شبانه‌روزی، نمازگزار باید ابتدا حمد و بعد از آن بنابر احتیاط واجب یک سوره‌ی کامل را بخواند (به‌جز سوره‌ی سجده دار).
• در رکعت سوم و چهارم می‌توان در یک رکعت حمد و در رکعت دیگر تسبیحات اربعه را خواند، ولی بهتر است در هر دو رکعت تسبیحات خوانده شود.
• بر مرد واجب است حمد و سوره‌ی نماز صبح و مغرب و عشا را بلند بخواند.
• بر مرد و زن واجب است حمد و سوره‌ی نماز ظهر و عصر غیر از «بسم الله الرحمن الرحیم» آنها را آهسته بخوانند.
• اگر نمازگزار در جایی که باید نماز را بلند بخواند، به عَمد آهسته بخواند، یا در جایی که باید آهسته بخواند، به عَمد بلند بخواند، نمازش باطل است.

خلاصه‌ی فصل

- نمازگزار باید تکبیرةالاحرام، حمد و سوره و ذکر و دعا را طوری بخواند که خودش بشنود.
- انسان می‌تواند حمد و سوره‌ی نماز و دعاها و اذکار آن را از روی نوشته بخواند؛ پس کسی که نمی‌تواند حمد و سوره یا قنوت نماز را از حفظ بخواند یا بیاموزد و یا آنچه فرا می‌گیرد، به سرعت فراموش می‌کند، می‌تواند از روی نوشته بخواند.
- خواندن سوره در نمازهای مستحب لازم نیست.
- در رکوع باید به مقدار ذکر واجب، بدن آرام باشد.
- نمازگزار باید در هر رکعت از نمازهای واجب و مستحب بعد از رکوع دو سجده کند.
- سجده آن است که پیشانی، کف دو دست، سر زانوها و سر انگشتان بزرگ پا را بر زمین بگذارد.
- نماز خواندن با دستکش اشکال ندارد.
- سجده‌ی سَهْو تکبیر ندارد، امّا نیّت دارد.
- در چهار سوره از قرآن کریم، آیه‌ای وجود دارد که اگر کسی آن را گوش دهد یا خودش بخواند، بعد از تمام شدن آن آیه، باید فوری و بدون فاصله سجده کند.
- آیات سجده در قرآن کریم عبارتند از: آیه‌ی ۱۵ سوره‌ی سَجْده، آیه‌ی ۳۷ سوره‌ی فُصِّلَت، آیه‌ی ۶۲ سوره‌ی نَجْم و آیه‌ی ۱۹ سوره‌ی عَلَق.
- با خواندن یا شنیدن تمام آیه است که سجده واجب می‌شود؛ بنابراین اگر قسمتی از آیه (مثل کلمه سجده) را بخواند یا بشنود، سجده بر او واجب نیست.
- ذکر را باید طوری گفت که تلفّظ و به زبان آوردنِ آن محسوب شود، و نشانه‌ی آن این است که خود نمازگزار بتواند آنچه می‌خواند و بر زبان جاری می‌کند بشنود.
- ذکرهای نماز باید دنبال هم و به عربی صحیح باشد و اگر به عربی غلط بگوید، باطل است.
- نمازگزار باید در رکعت دومِ تمام نمازهای واجب، رکعت سوم نماز مغرب و رکعت چهارم نماز ظهر و عصر و عشا، بعد از سجده‌ی دوم بنشیند و پس از این‌که بدنش آرام گرفت، ذکر تشهّد را بگوید.
- سلام در رکعت آخر تمام نمازها بعد از تشهّد واجب است، ولی رُکْن نیست.
- نمازگزار باید «مُوالات» و پیوستگی نماز را رعایت کند.
- طولانی شدن رکوع و سجود و خواندن سوره‌های بزرگ، مُوالات را به هم نمی‌زند.
- نمازگزار باید برای نماز طهارت داشته باشد؛ یعنی اگر وظیفه‌اش غسل است، غسل کند و اگر باید وضو بگیرد یا تیمّم کند، این کار را انجام دهد و سپس وارد نماز شود.
- اگر در بین نماز یکی از شرط‌های آن از بین برود - برای مثال: در حال نماز بفهمد مکانش غصبی است یا پوشش واجب و یا طهارت ندارد - نماز باطل است.
- اگر در هنگام نماز، نمازگزار کاری کند که صورت نماز را به هم بزند - مثل به هوا پریدن و دست زدن - هر چند از روی فراموشی باشد، چون صورت نماز را به هم زده است، نمازش باطل است.
- اگر نمازگزار از روی عَمْد یا فراموشی پشت به قبله کند، نمازش باطل می‌شود.

• گریه کردن عَمَدی و با صدا نماز را باطل می‌کند.
• یکی از کارهایی که نماز را باطل می‌کند، خوردن و آشامیدن است و اگر کسی در نماز به گونه‌ای بخورد یا بیاشامد که نگویند: نماز می‌خواند، نمازش باطل است.
• خندیدن با صدا و عَمَدی نماز را باطل می‌کند؛ امّا لبخند زدن و خنده‌ی بی‌صدا نماز را باطل نمی‌کند.
• شکستن نمازِ واجب از روی اختیار (بدون مُجوّز شرعی) حرام است.
• نمازهای شبانه‌روز که در پنج نوبت خوانده می‌شود، از واجبات بسیار مهم و بلکه ستون دین است و ترک یا سبک (بی‌ارزش) شمردن آن حرام و موجب استحقاق عقاب می‌باشد.
• نماز جمعه در زمان ما (دورانِ غیبت امام معصوم علیه السلام) واجبِ تخییری است.
• زن می‌تواند نماز و روزه قضای میّت را ـ خواه مرد باشد یا زن ـ به‌جا آورد.
• یکی از نمازهای واجب، نمازی است که به واسطه‌ی نذر یا عهد و یا قسم واجب می‌شود.
• اگر کسی در شماره‌ی رکعت‌های نماز دو رکعتی (مثل نماز صبح و نماز مسافر) شک کند و یقین یا گمان به هیچ طرفی (رکعت اوّل یا دوم بودن) پیدا نکند، نمازش باطل می‌شود.
• شک در شماره‌ی نمازهای سه رکعتی، نماز را باطل می‌کند.
• اگر کسی هنگام رکوع شک کند که حمد را خوانده یا نه، نباید به شک خود اعتنا کند و باید نماز را ادامه دهد.
• اگر بعد از نماز شک کند که در بین نماز کار باطل‌کننده‌ی نماز انجام داده یا نه، نمازش صحیح است.
• اگر بعد از گذشتن وقت نماز شک کند که نماز را درست خوانده یا نه، نباید به شک خود اعتنا کند.
• اگر بعد از گذشتن وقت نماز شک کند که نماز خوانده یا نه، یا گمان کند که نخوانده، خواندن آن نماز لازم نیست.
• اگر پیش از گذشتن وقت نماز، شک کند که نماز خوانده یا نه، یا گمان کند که خوانده، باید آن نماز را بخواند.
• کثیرالشّک تا وقتی یقین نکند به حالت عادی برگشته، باید به شک خود اعتنا نکند.
• اگر امام جماعت شک کند، ولی کسی که به او اقتدا کرده، شک نداشته باشد و با گفتن «الله اکبر» و مانند آن، امام را متوجّه‌ی اشتباهش کند، امام جماعت نباید به شک خود اعتنا کند.
• اگر مأموم شک کند، باید همان‌گونه که امام جماعت نماز می‌خواند، عمل کند و نمازش صحیح است.
• کسی که به علّتی نتوانسته است در وقت معیّنِ نماز، نماز بخواند، باید بعد از وقت، قضای آن‌را به جا آورد.
• نمازهایی که بعد از بلوغ فوت شده، واجب است قضا شود و نمازهای قبل از بلوغ به جای قضای واجب محسوب نمی‌شود.
• اگر فرد مُکلّف نتوانست نمازهای قضا شده‌اش را به جا آورد، باید وصیّت کند که آنها را به نیّت او بخوانند.
• مسافر باید نمازهای چهار رکعتی را با شرایطی شکسته به‌جا آورد؛ یعنی دو رکعت بخواند.


مسجد

معنا و اهمیّت مَسْجِد

معنای مسجد

مسجد مکانی است که در آنجا سجده می‌کنند و در اصطلاحِ احکام نیز به محلی گفته می‌شود که مسلمانان برای برپا داشتن اجتماع عبادی - سیاسی خود و نماز جماعت، در آن جمع می‌شوند.

اهمیّت مسجد

مسجد، مهم‌ترین پایگاه شعائر دینی و اصلی‌ترین مرکز تداوم ارزش‌های اسلامی در جامعه و به عبارتی قلب جامعه اسلامی است و از این رو نقش مؤثری در تحکیم اساس نظام اسلامی دارد. مسجد، جایگاه پیوند انسان با خدا و مرکز ارتباط انسان‌های مؤمن است و قدمتی به اندازه‌ی خود اسلام دارد و پس از گذشت ۱۴ قرن، هنوز محکم‌ترین مقرّ دینی به شمار می‌رود.

آثار و فواید مسجد

امیرالمؤمنین علی علیه‌السلام در مقام بیان برخی از آثار سازنده رفت و آمد به مسجد می‌فرمایند:

«مَن اخْتَلَفَ إِلَی الْمَسْجِدِ اَصابَ إِحدَی الثَّمانِ: اَخاً مُسْتَفاداً فِی اللهِ، اَوْ عِلْماً مُسْتَطْرَفاً، اَوْ آیَةً مُحْکَمَةً، اَوْ یَسْمَعُ کَلِمَةً تَدُلُّ عَلی هُدیً، اَوْ رَحْمَةً مُنتَظِرَةً، اَوْ کَلِمَةً تَرُدُّهُ عَن رِدی، اَوْ یَترُکُ ذَنباً خَشْیَةً، اَوْ حَیاءً»[1]

«انسانی که به مسجد رفت و آمد می‌کند (دست کم) یکی از امور هشت‌گانه ذیل نصیب او می‌شود: اوّل: برادری ایمانی می‌یابد که در مسیر خداوند از او استفاده کند. دوم: علم و دانشی نو و تازه می‌آموزد. سوّم: فهم و درک آیه‌ای از آیات قرآن را فرا می‌گیرد. چهارم: سخنی می‌شنود که او را به هدایت رهنمون می‌سازد. پنجم: رحمتی که انتظار آن را از جانب خداوند می‌کشد نصیبش می‌شود. ششم: سخنی که او را از گمراهی و هلاکت باز دارد می‌شنود. هفتم: به سبب روحِ خَشیّت و خدا ترسی که در سایه آمد و رفت به مسجد به قلب او وارد شده، ترک گناه می‌کند. هشتم: به خاطر حیا از برادران ایمانی خود که در مسجد با آنان آشنا شده است، از گناه دور می‌شود.»

۱. من لا یحضره الفقیه، ج ۱، باب فضل المساجد و حرمتها، ص ۲۳۷، حدیث ۷۱۳.

احکام مسجد

زمین مسجد

م . خراب کردن مسجد، آن را از مسجد بودن خارج نمی‌کند و از این رو آثار شرعی مسجد را خواهد داشت، مگر مسجدی که خراب و متروک شده و به جای آن بنای دیگر ساخته شده، یا به خاطر متروک ماندن، آثار مسجد بودن از آن محو گردیده و امیدی هم به بازسازی دوباره آن نیست.

توجه

مساجد تمام گروه‌های مسلمان، اعم از شیعه و غیر آن در احکامی که برای مسجد گفته می‌شود، فرقی ندارند.

معلوم نبودن اصل وقف

س . اگر اصل وقف مشخص نباشد؛ آیا آن مکان حکم مسجد را دارد یا خیر؟

تا عنوان مسجد بودن در وقف معلوم نشود، حکم مسجد را ندارد.

تبدیل حسینیه به مسجد

س . شخص خیّری در کنار مسجد، زمینی را به نیّت حسینیه در اختیار مؤمنین قرار داده است، بعد از مدتی هیئت اُمنای مسجد، آن زمین را با اجازه‌ی صاحب آن جزو مسجد قرار داده‌اند، آیا احکام مسجد بر آن جاری است یا خیر؟

اگر به عنوان حسینیه وقف شده، ولو به این نحو که به قصد حسینیه تحویل داده باشد، مسجد نمی‌شود، و احکام مسجد بر آن جاری نیست.

تغییر اسم مسجد

م . صِرف تغییر اسم مسجد مثلاً از نام مبارک امام زمان ﷺ به مسجد جامع، در جایی که معلوم نیست اسم اوّل در صیغه‌ی وقف[1] مسجد ذکر شده باشد مانعی ندارد.

اموال و مخارج مسجد

موقوفات

م . اگر چیزی را برای مسجد وقف کنند، و مصرفی برای آن مشخّص نکرده باشند، منافع آن در تعمیر، روشنایی، فرش مسجد و اجرت خادم، مصرف می‌شود، -و اگر چیزی اضافه آمد به امام جماعت مسجد داده می‌شود.

۱. صیغه‌ی وقف: «وَقَفْتُها مَسجِداً قُربَةً إلی الله» یعنی این زمین یا ساختمان را برای رضای خداوند وقف کردم برای آنکه مسجد باشد.

فروش مصالح ساختمانی مسجد

م . فروختن در و پنجره و چیزهای دیگر مسجد حرام است و اگر مسجد خراب شود باید به ترتیب زیر عمل کند:

مرحله‌ی اوّل: آنها را در تعمیر و بازسازی همان مسجد به کار ببرند.

مرحله‌ی دوم: اگر در آن مسجد قابل استفاده نباشد باید در مسجد دیگر مصرف شود.

مرحله‌ی سوم: اگر به درد مسجدهای دیگر هم نخورد می‌توانند آن را بفروشند و پول آن را اگر ممکن است در تعمیر همان مسجد وگرنه در مسجد دیگر صرف کنند.

استفاده از مصالح مسجد

م . بردن مصالح ساختمانی، حتّی خاک و ریگ از مسجد جایز نیست، مگر خاک‌های اضافی.



فروش لوازم داخل مسجد

س . تبدیل قرآن و کتب وقف شده در مساجد به قرآن‌های نو و کتاب‌های بهتر و مفیدتر، چه حکمی دارد؟

تا موقعی که قابل استفاده است، فروش و تبدیل آن جایز نیست. قرآن‌ها را تعمیر کنید و از آن در همان جهت وقف استفاده نمایید.

صرف هدایای نقدی برای سایر امور خیر

س. عدّه‌ای از افراد خیّر، برای خرید اجناس مورد احتیاج مسجد مبالغی را به هیأت امنای مسجد داده‌اند، آیا می‌توان از آن اجناس برای کارهای خیر در خارج از مسجد استفاده نمود؟

استفاده از امکانات مسجد به چگونگی و کیفیّت وقف یا نذرِ آن امکانات بستگی دارد؛ لذا اگر برای خصوصِ همان مسجد وقف کرده‌اند یا چیزی خریداری کرده‌اند، استفاده از آن اشیا و امکانات در غیر احتیاجات همان مسجد جایز نیست؛ و در صورتی هم که واقف به عمومیّت استفاده از آن اموال تصریح کرده باشد باید تحت نظر مُتَوَلّیِ شرعی از آنها استفاده شود.

فروش اجناس فاسد شدنی

س. اجناسی مانند قند و چای را که در مساجد و حسنیه‌ها زیاد می‌آید و در اثر گذشت ایام احتمال فاسد شدن آنها وجود دارد، آیا می‌توان فروخت و پول آن را خرج همان مسجد کرد، یا باید به مسجد دیگری برد؟

اگر بشود از عین آن در مساجد دیگر و یا در وقت دیگر استفاده کنند این امر تقدّم دارد.

استفاده از برق مسجد

س. آیا می‌توان برای ضبطِ سخنرانی، شارژ تلفن همراه و باطری دوربین از برق مسجد استفاده کرد؟

جواز استفاده از امکانات مسجد بستگی به کیفیّت وقف و نذر آن امکانات برای مسجد دارد (و در صورت استفاده بر خلاف آن باید بهای برق مصرف شده را بدهد).



استفاده از آب مسجد

م. وضو گرفتن با آب مسجد شرایطی دارد که در جدول زیر می‌آید:

کسی که نمی‌خواهد در مسجدی نماز بخواند	اگر نداند حوض یا وضوخانه آن را برای همه‌ی مردم وقف کرده‌اند یا برای کسانی که در آنجا نماز می‌خوانند.	نمی‌تواند از حوض یا وضوخانه آن مسجد استفاده کند.
	اگر به طور معمول کسانی هم که نمی‌خواهند در آن جا نماز بخوانند از آب آن جا استفاده می‌کنند؛ یعنی از عمل افراد متدین بفهمد که وقف آن عمومی است.	می‌تواند از آب مسجد استفاده کند.

توجه

وضو گرفتن از آب سردکن‌ها و مخزن‌هایی که مخصوص نوشیدن است، جایز نیست و وضو باطل است؛ ولی اگر شخصی نداند آبی مخصوص نوشیدن است و با آن وضو بگیرد و نماز بخواند، وضو و نمازش صحیح است.

بیرون بردن لوازم مسجد

س. آیا جایز است لوازم مسجد مانند کولر، بلندگو، فرش، قرآن و ظروف جهت استفاده‌ی شخصی یا مراسم فاتحه و عروسی از مسجد خارج شود؟

اگر برای استفاده در مسجد وقف شده، بیرون بردن از مسجد جایز نیست و باید در همان جهتی که برای آن وقف شده و زیر نظر متولّی شرعی وقف استفاده شود.

نکته

بردن فرش مسجد قدیم به مسجد جدیدی که متّصل به آن ساخته شده و جزو مسجد قدیم محسوب می‌شود جایز است.

بیرون بردن مُهر

س. مُهر مسجد را اشتباهی به خانه آوردم، آیا می‌توانم آن را در مسجدی دیگر بگذارم؟

قرار دادن آن در جای دیگر جایز نیست و باید آن را به جای اوّل برگردانید، مگر آنکه یقین کنید برای مسجد خاصّی وقف یا هدیه نشده است.

بیرون بردن قرآن

م. خارج کردن قرآن از مسجد بدون توجه به شرایط وقف حرام است.

برداشتن قرآن‌های مسجدالحرام

س. بر روی بعضی از قرآن‌های مسجدالحرام نوشته شده که وقف است، ولی بعضی دیگر این نوشته را ندارد، شایع شده قرآن‌هایی را که کلمه‌ی وقف یا عبارتی شبیه به این ندارد، جایز است بردارند، آیا این کار را تأیید می‌فرمایید؟

برداشتن آنها بدون اینکه از متصدّی مربوطه (مسئول رسیدگی به امور مسجدالحرام) اجازه بگیرند جایز نیست.

اسامی مبارکه بر فرش مسجد

س. اسامی مبارکه‌ی خدای متعال، مثل «الله» که روی فرش‌ها یا زیلوهای مسجد نوشته شده، و مردم بدون توجّه بر روی آن پا می‌گذارند، یا دست بی‌وضو به آن می‌کشند، از بین بردن آن لازم است یا نه، و محو کردن آن با وقف منافات دارد یا نه؟

با فرض عدم هتک و بی‌احترامی، نماز خواندن روی آنها اشکال ندارد و در صورتی که می‌توانند، آنها را جایی که زیر پای نمازگزاران نباشد قرار دهند و در غیر این صورت اگر بخواهند اسامی مبارکه را از روی زیلو محو کنند، باید با اجازه‌ی متولّی باشد.

معماری مسجد

تزیین مسجد با طلا

م. زینت کردن مسجد به طلا اگر اسراف محسوب شود حرام است و در غیر این صورت هم مکروه است.

نکته

نوشتن قرآن و حدیث در مسجد اشکالی ندارد.



تصویرسازی در مسجد

م. بنابر احتیاط واجب، نباید تصویر چیزهایی که مثل انسان و حیوان روح دارد در مسجد ترسیم و نقاشی شود، و نقاشی چیزهایی که روح ندارد، مثل گل و بوته، مکروه است.

نصب عکس در مسجد

س. آیا نصب عکس به دیوارهای مسجد اشکال دارد؟

نصب عکس به خودی خود اشکالی ندارد؛ لکن اگر در شبستان مسجد باشد بهتر است هنگام نماز، روی آن پوشیده شود.

س. امروزه در بعضی از مساجد یا مکان‌هایی که نماز جمعه اقامه می‌شود، عکس‌ها و پوسترهایی روبه‌روی نمازگزاران نصب می‌شود، آیا نماز خواندن در این مکان‌ها اشکال دارد؟

اگر عکس و پوستر جلوی شخص نمازگزار نباشد، کراهت ندارد.

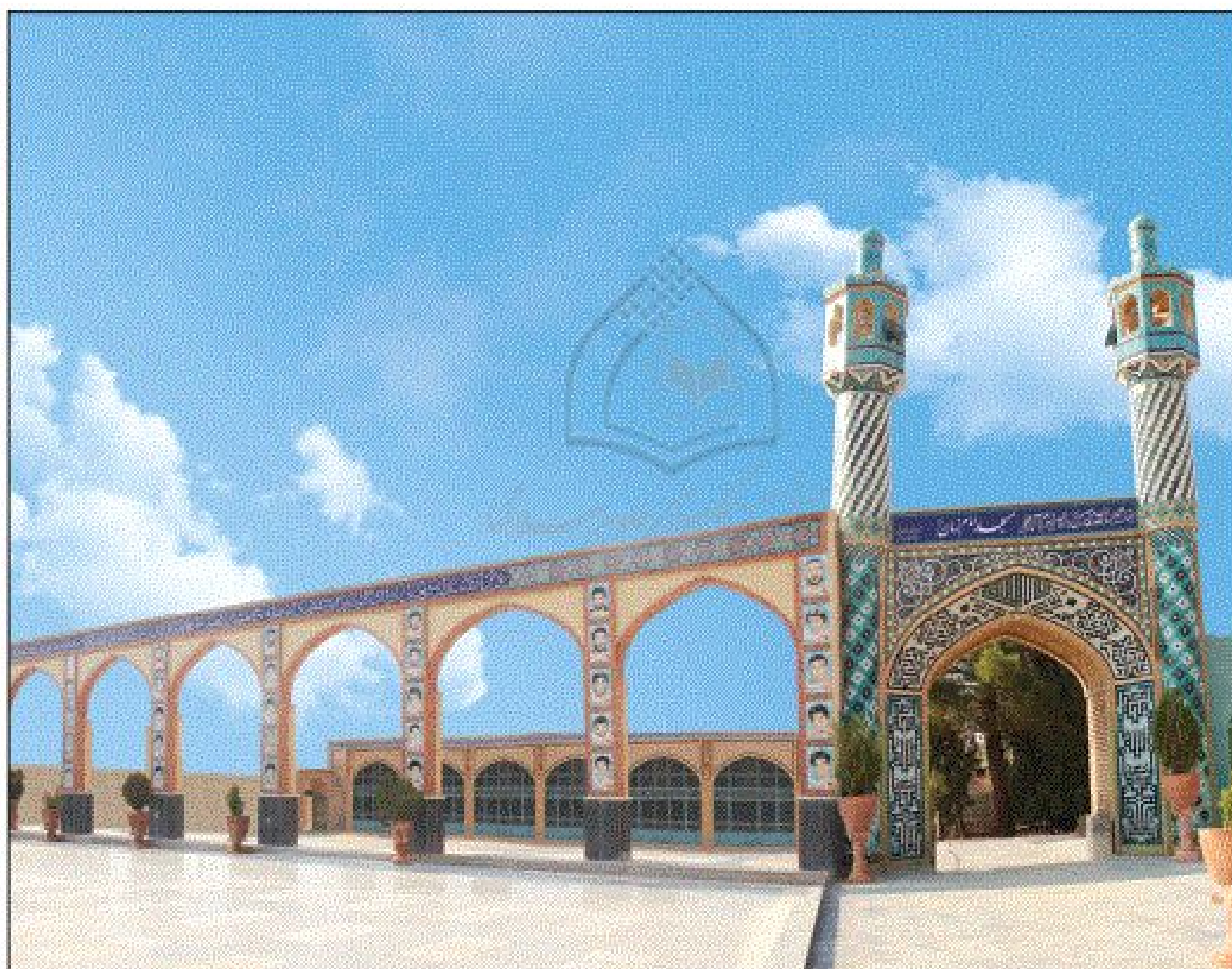
عبادت در مسجد

نماز تَحیّت

م . وقتی انسان وارد مسجدی می‌شود، مستحب است دو رکعت نماز به قصد تَحیّت و احترام مسجد بخواند، و اگر نمازِ واجب یا مستحب دیگری هم بخواند، کافی است.

نماز خواندن در مسجد

م . نماز خواندن در مسجد مستحب است؛ بلکه حاضر نشدن در مسجد، به خصوص برای همسایگان مسجد، در صورتی که عُذری نداشته باشند مکروه است.



زیاد رفتن به مسجد مستحب است

ثواب نماز در برخی مساجد

م . نماز خواندن در بعضی از مساجد ثواب بیشتری دارد که ترتیب فضیلت نماز در مساجد بدین شرح است:

مسجدالحرام، مسجد النّبی، مسجد جامع کوفه، مسجدالأقصی، مسجد جامع هر شهر، مسجد محلّه و مسجد بازار هر شهر.

نماز در مساجد مختلف

م . مستحب است انسان نمازش را در مکان‌های مختلف و مساجد متعددی بخواند؛ زیرا طبق روایات در قیامت همه‌ی آن اماکن و مساجد به نفع او شهادت می‌دهند.

پیشگیری از تعطیلی مسجد

م . تعطیل کردن مسجد مکروه است و مستحب است انسان نماز را در مسجدی بخواند که نمازگزار ندارد، تا تعطیل نشود.

حضور زنان در مسجد

م . برای زنان بهتر است در جایی نماز بخوانند که از دیگر جاها در محفوظ بودن از نامحرم مناسب‌تر باشد؛ ولی اگر بتوانند خود را به طور کامل از نامحرم حفظ کنند، بهتر است در مسجد نماز بخوانند و فضیلت نماز خواندن در مسجد مختصّ مردان نیست.

جا گرفتن برای نماز

م . اگر کسی جای نمازگزار دیگری را در مسجد غصب[1] کند و در آنجا نماز بخواند، بنابر احتیاط واجب باید دوباره نمازش را در محل دیگری بخواند.

نماز در جای دیگران

رجوع کنید به صفحه‌ی[۲۳۲].

مکان‌های مُجاز در نماز شکسته یا تمام خواندن

رجوع کنید به صفحه‌ی[۲۹۵].

۱. برای آشنایی با واژگان فقهی به بخش اصطلاح‌نامه رجوع کنید.

نماز جماعت

تعریف نماز جَماعت

نماز جماعت نمازی است که دو نفر یا بیشتر با شرایط و کیفیّتی خاص به‌جا می‌آورند. جماعت یعنی «گروه» و از آن‌جا که این نماز به طور جمعی و گروهی برپا می‌شود، به آن نماز جماعت می‌گویند.

اهمیّت نماز جماعت

نماز جماعت از مهم‌ترین مستحبّات و بزرگ‌ترین شعائر اسلامی است و در روایات، فوق العاده بر آن تکیه شده است؛ به ویژه به همسایه‌ی مسجد یا کسی که صدای اذان آن را می‌شنود، بیشتر سفارش گردیده است. سزاوار است انسان تا می‌تواند نماز را به جماعت بخواند.

در روایتی آمده است: اگر یک نفر به امام جماعت اقتدا کند، هر رکعت از نماز آنان ثواب صد و پنجاه نماز دارد و اگر دو نفر اقتدا کنند، هر رکعتی ثواب ششصد نماز دارد. هر قدر عدد نمازگزاران بیشتر شود، ثواب نمازشان بیشتر خواهد شد و چنان‌چه شمار آنان از ده نفر بگذرد، اگر تمام آسمان‌ها کاغذ، دریاها مرکب، درخت‌ها قلم و ملائکه و انس و جن نویسنده شوند، نمی‌توانند ثواب یک رکعت آن را بنویسند.

م . در مورد نماز جماعت، احکام و اجر و پاداش بسیاری وارد شده است که در این‌جا به برخی از آنها اشاره می‌کنیم:

۱. مستحب است نمازهای واجب، به خصوص نمازهای شبانه‌روز را به جماعت بخوانند.

۲. شرکت در نماز جماعت برای همه مستحب است؛ به ویژه برای همسایه‌ی مسجد.

۳. مستحب است انسان صبر کند که نماز را به جماعت بخواند.

۴. نماز جماعت هرچند اوّل وقت خوانده نشود، از نماز فرادای اوّل وقت بهتر است (ثواب بیشتری دارد).

۵. نماز جماعتی که مختصر خوانده می‌شود، از نماز فرادای طولانی بهتر است.

۶. سزاوار نیست انسان بدون عِذر نماز جماعت را ترک کند.

۷. حاضر نشدن در نماز جماعت از روی بی‌اعتنایی به آن جایز نیست.

۸. وقتی که جماعت برپا می‌شود، مستحب است کسی که نمازش را فرادا خوانده، دوباره به جماعت بخواند.

۹. نمازی که فرادا خوانده می‌تواند با اقتداء به امام جماعتی اعاده نماید یا برای جماعتی، امام شود و نمازی را که برای جماعتی امامت کرده می‌تواند یکبار دیگر برای جماعت دیگر امامت کند در غیر این دو صورت اعاده وجهی ندارد هرچند جماعت دوّم دارای رجحانی باشد.

نماز با حضور قلب یا نماز جماعت

س . اگر کسی در نماز جماعت توجه کافی نداشته باشد، ولی در منزل و به طور فُرادا نمازش از توجه بیشتری برخوردار باشد، آیا بهتر نیست که در منزل نماز بخواند ؟

نماز در منزل اشکال ندارد، ولی نماز جماعت اَفضل است.

شکستن نماز مستحب برای نماز جماعت

س . اگر کسی مشغول نماز مستحب باشد و نماز جماعت برگزار شود، آیا می‌تواند نماز مستحب را قطع کند تا به جماعت برسد؟

اشکال ندارد.[1]

جماعت در نماز واجب شبانه‌روز

م . مستحب است نمازهای واجب، خصوصاً نمازهای یومیّه را به جماعت بخوانند و در مورد نماز صبح و مغرب و عشا -به‌خصوص برای همسایه مسجد و کسی که صدای اذان آن‌را می‌شنود- بیشتر سفارش شده است. وحاضر نشدن در نماز جماعت از روی بی‌اعتنایی جایز نیست.

نمازها و حالت‌های مختلف اقتدا در نماز جماعت

	نماز امام جماعت	نماز مأموم	توضیح
۱	ادای یومیّه ۲	ادای یومیّه	هرکدام از نمازهای شبانه‌روزی را می‌توان به دیگری اقتدا کرد؛ برای مثال: نماز ظهر را به عصر.
۲	قضای یومیّه	قضای یومیّه	هرچند هماهنگ نباشند؛ برای مثال: امام جماعت قضای ظهر را می‌خواند و مأموم قضای صبح را.
۳	ادای یومیّه	قضای یومیّه	هرکدام از قضای یومیّه را می‌توان به نماز ادا اقتدا کرد؛ برای مثال: نماز قضای صبح را به ادای ظهر.
۴	قضای یومیّه	ادای یومیّه	هرکدام که باشد، هرچند هماهنگ نباشند.
۵	آیات	آیات	هرچند سبب نماز یکی نباشد؛ برای مثال: یکی برای زلزله‌ی نماز می‌خواند و دیگری برای صاعقه.
۶	عیدین	عیدین	اگرتوسط ولی فقیه یانماینده ایشان برگزار نشود به قصد رجاء انجام گیرد.
۷	تمام	شکسته	صحیح، ولی مکروه است؛ یعنی ثوابش کمتر است.
۸	شکسته	تمام	صحیح، ولی مکروه است؛ یعنی ثوابش کمتر است.
۹	میّت	میّت	صحیح است.

۱. هرچند برای درک رکعت اول باشد.

۲. اگر نماز در وقت شرعی خود خوانده شود، در اصطلاح احکام می‌گویند: نماز «ادا» است و اگر بعد از گذشتن وقت خوانده شود، می‌گویند: نماز «قضا» است.

آداب نماز جماعت

بهترین جای جماعت

م. مستحب است امام جماعت وسط صف بایستد و اهل علم و کمال و تقوا در صف اوّل بایستند.

نظم صف‌ها

م. مستحب است صف‌های جماعت منظم باشد و بین کسانی که در یک صف ایستاده‌اند، فاصله نبوده و شانه‌ی آنان هم ردیف یکدیگر باشد.



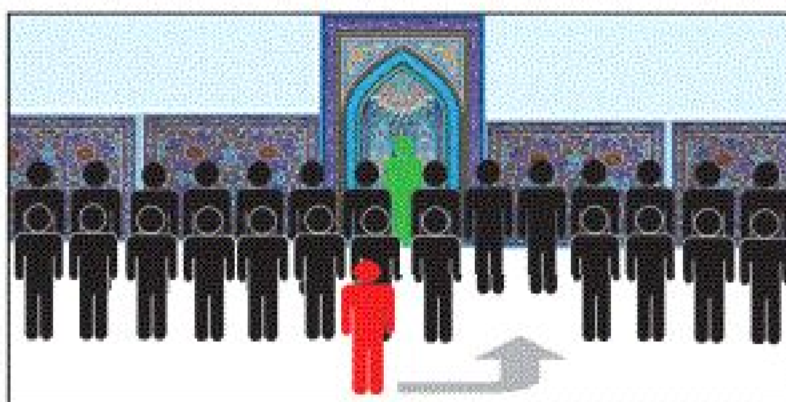


جای خالی میان صف‌ها

م. اگر در صف‌های جماعت جا باشد، مکروه است انسان تنها بایستد.

نکته

البته منظور از کراهت در این‌جا کمتر شدن ثواب است و گرنه نماز جماعت در هر صورت ثواب زیادی دارد.



زمان برخاستن مأمومین

م . مستحب است بعد از گفتن «قَدْ قامَتِ الصَّلاة» مأمومین برای نماز برخیزند.

رعایت حال مأمومین

م . مستحب است امام جماعت حال مأمومی را که از دیگران ضعیف‌تر است رعایت کند و عجله نکند تا افراد ضعیف برسند و نیز قنوت و رکوع و سجود را طول ندهد، مگر آن که بداند همه‌ی کسانی که به او اقتدا کرده‌اند، به طولانی شدن نماز مایلند.

توضیح: منظور از رعایت حال ضعیف‌ترین مأموم این است که او را به سختی نیندازد. اگر رعایت حال ضعیف‌ترین افراد، سریع نخواندن نماز است، خوب است نماز را سریع نخواند و اگر طول ندادن نماز است، نماز را طول ندهد.

ذکر گفتن مأموم با صدای بلند

م . مکروه است مأموم ذکرهای نماز را طوری بگوید که امام بشنود.



جماعت در نمازهای مختلف

جماعت در نماز جمعه

م . نماز جمعه باید به جماعت برگزار شود و نمی‌توان آن را به طور فُرادا به جا آورد

جماعت در قضای نماز

م . مستحب است نمازهای واجب (چه نماز ادا و چه قضا) به جماعت خوانده شود.

جماعت در نماز آیات

م . مستحب است نماز آیات به جماعت خوانده شود.

جماعت در نمازهای مستحب

م . نماز مستحب را نمی‌شود به جماعت خواند؛ مگر:

۱.نماز «اِستِسقا» که برای آمدن باران می‌خوانند.

۲.نماز عید فطر و قربان.

شرایط نماز جماعت

م . در نماز جماعت چند چیز باید رعایت شود:

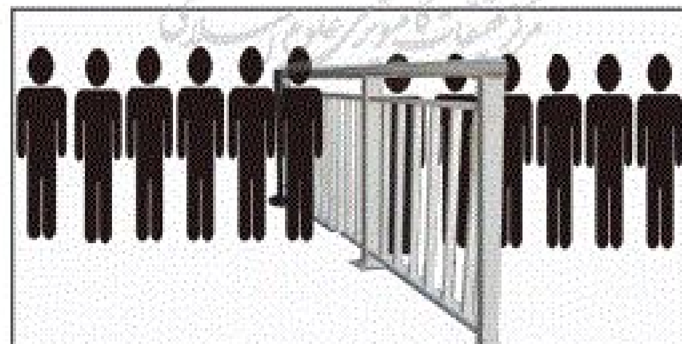
شرایط نماز جماعت
بین امام و مأموم و همچنین بین صف‌ها مانعی [حایل] نباشد.[۱]
محلّ ایستادن امام از مأموم بلندتر نباشد.[۲]
فاصله‌ی امام و مأموم و فاصله‌ی صف‌ها زیاد نباشد.
مأموم جلوتر از امام نایستد و بنابر احتیاط واجب باید کمی عقب‌تر از امام بایستد.

مانع میان صفوف جماعت

م . نباید بین امام و مأمومین و همچنین بین صف‌ها چیزی باشد که مانع از اتصال شود، ولی اگر مانعی مانند پرده میان مأمومین زن و مرد باشد اشکالی ندارد.

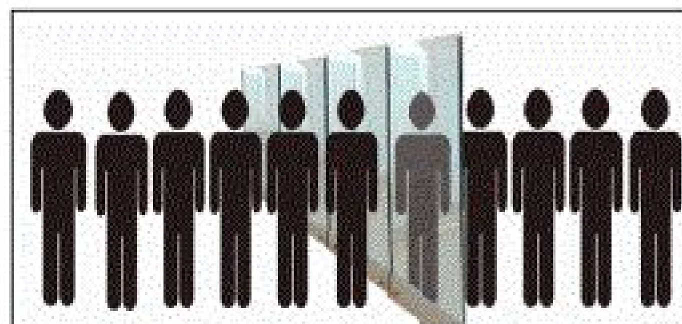
نرده‌ی بین صفوف جماعت

م . نرده‌ها و شبکه‌هایی که مانع دیدن افراد صف جلویی نیست اشکالی ندارد؛ مگر آن‌که سوراخ‌های بین آن به قدری ریز باشد که نرده، همانند دیوار یا پرده، مانع دید باشد.



شیشه‌ی میان صفوف جماعت

م . شیشه‌ای که طرف دیگرش پیداست (مشجّر نیست) و مانع مشاهده نیست، مانع از نماز جماعت و اتصال صفوف نمی‌باشد (هرچند احتیاط مستحب این است که شیشه هم بین صفوف نباشد).



۱. ولی نصب پرده بین صف مردان و زنان اشکال ندارد.

۲. مگر این‌که زمین شیب کمی داشته باشد که در این صورت اشکال ندارد.

نکته

وجود حایل شیشه‌ای میان مأمومین زن و مرد اشکال ندارد.

ستون‌های مسجد

م . گاهی ستون‌های مسجد که عرض زیادی دارند، مانع از اتّصال صفوف نمازگزاران می‌شود. از این رو بهتر است ستون‌ها و دیوارهای بین شبستان‌ها به گونه‌ای ساخته شود که مانع اتّصال صفوف نباشد.

اقتدا پشت ستون‌ها

م . کسی که پشت ستون ایستاده، اگر از سمت راست یا چپ به واسطه‌ی مأمومی دیگر به امام متّصل نباشد، نمی‌تواند اقتدا کند؛ بلکه اگر از دو طرف هم متّصل باشد، ولی از صف جلو حتی یک نفر را هم نمی‌بیند، جماعتش اشکال دارد.

مانع در صف اوّل

م . اگر نمازگزار در صف اوّل ایستاده، نباید روبه‌روی او مانعی باشد که نتواند امام جماعت را ببیند. پس اگر امام جماعت داخل مِحراب باشد، اقتدای کسانی که دو طرف مِحراب و پشت دیوار می‌ایستند و امام جماعت را نمی‌بینند، اشکال دارد؛ ولی اگر مانعی در کار نباشد و به جهت طولانی بودن صف، امام جماعت را نبینند، اشکالی ندارد.



اگر امام جماعت داخل مِحراب ایستاده، مأمومین صف اوّل نباید در جایی بایستند که امام جماعت دیده نمی‌شود.

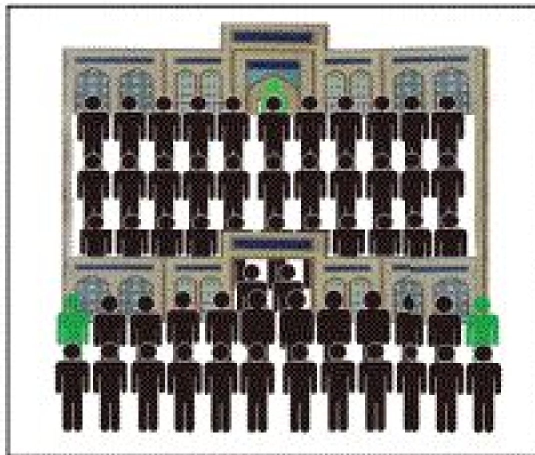
بلندتر بودن جای مأموم از امام

م . اگر جای مأموم بلندتر از امام باشد، درصورتی که بلندی آن به مقدار متعارف باشد، اشکال ندارد.

اقتدا در طبقات مختلف

م . در صورتی که طبقات مسجد نسبت به یکدیگر ارتفاع زیادی نداشته باشند (با جماعتی که در پایین برقرار است یک جماعت حساب شود) و کسی که در صف اوّل هر طبقه می‌ایستد (چه زن باشد یا مرد) از صف قبل از خود در طبقه‌ی قبل حداقل یک نفر را ببینند، نماز صحیح است.

اقتدا در صف‌های طولانی



س . آیا نماز جماعت در صف‌هایی که به علّت طولانی بودن، کسی از صف جلوتر دیده نمی‌شود، صحیح است؟
اتصال از طریق یکی از سه طرف (راست، چپ و جلو) به جماعت کافی است و دیدن صف جلو لازم نیست.

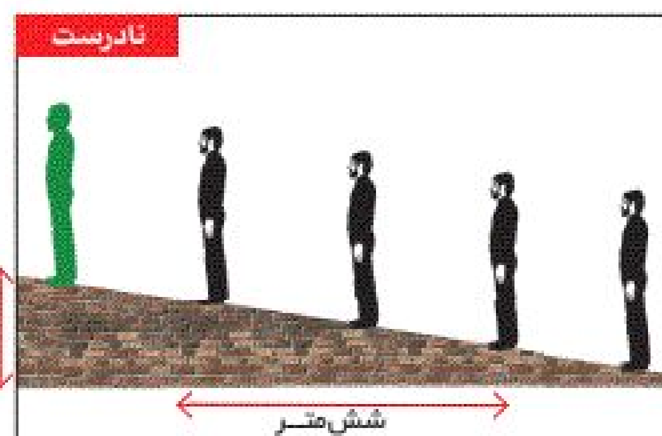
نماز جماعت دایره‌وار در مسجدالحرام

س . نماز جماعت دایره‌وار در مسجدالحرام صحیح است یا خیر؟
نماز کسانی که پشت سر یا اطراف امام ایستاده‌اند، صحیح است؛ لکن نماز افرادی که رو به روی امام قرار دارند، صحیح نیست.

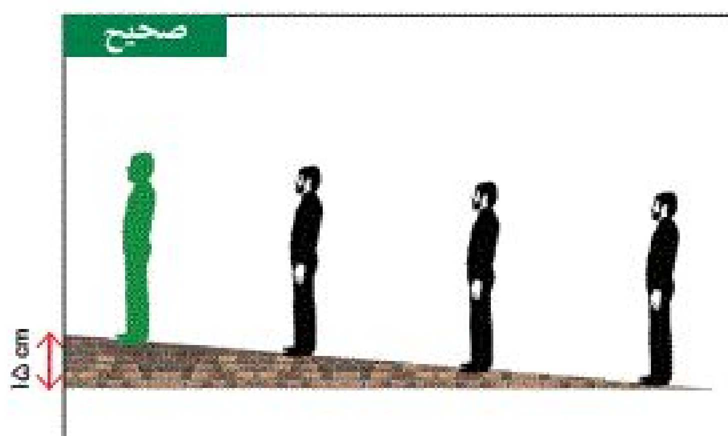


نماز جماعت در مکان شیب‌دار

م . اگر زمین مسجد شیب‌دار باشد، به گونه‌ای که مکان ایستادنِ امام جماعت به صورت تدریجی از مأمومین بالاتر باشد، در صورتی که سراشیبی آن منافاتی با هموار بودن زمین نداشته باشد (آن قدر زیاد نباشد که دیگر به آن زمین مُسَطَّح گفته نشود) اشکال ندارد.



نمونه‌ای از شیب زیاد در نماز جماعت

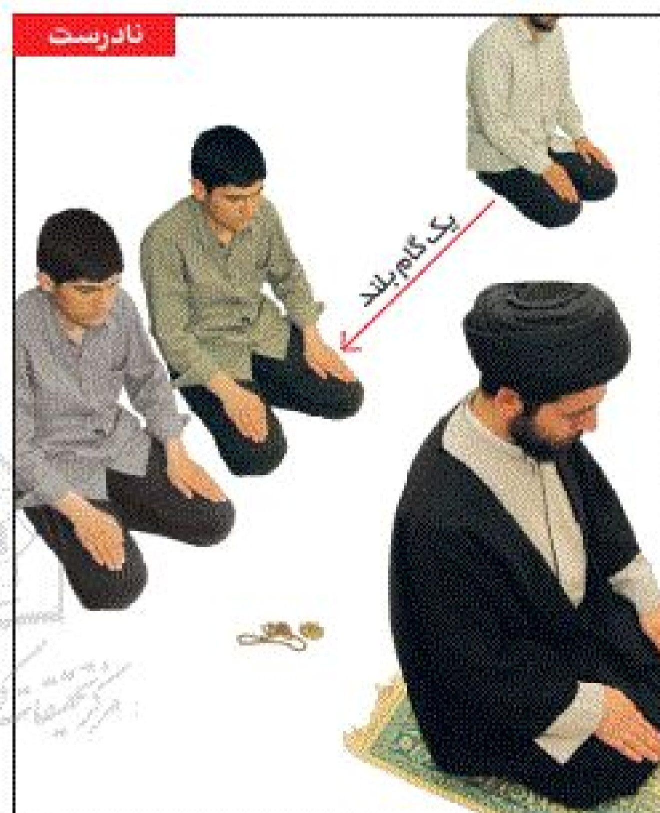


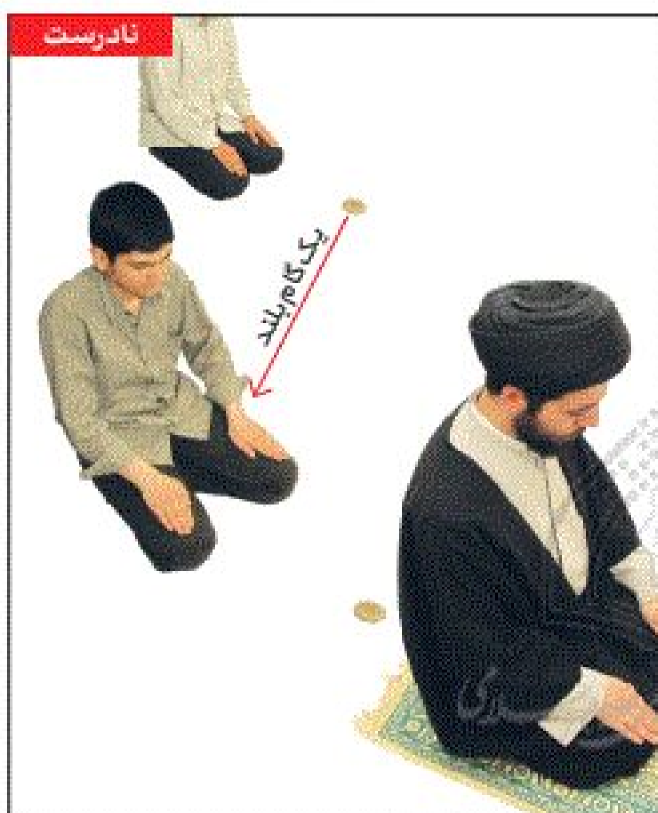
نمونه‌ای از شیب کم در نماز جماعت

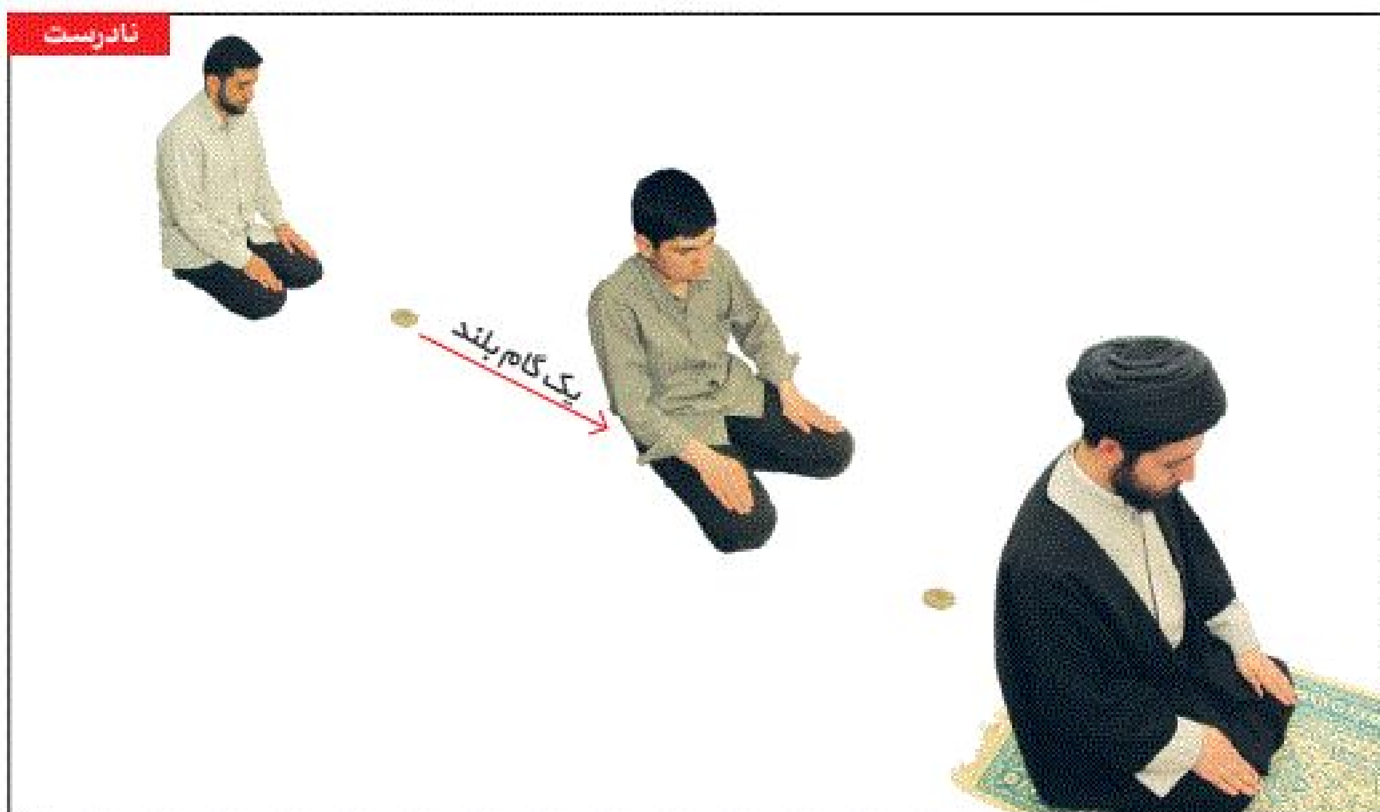
فاصله در جماعت

س . فاصله‌ی میان مأموم و امام و مأمومین با یکدیگر باید تا چه اندازه‌ای باشد؟

مأمومین باید با امام جماعت مرتبط باشند. از این رو فاصله‌ی جای سجده‌ی مأموم و جای ایستادن امام نباید بیشتر از یک گام بلند باشد و نیز اگر بین انسان با مأمومی که جلو او ایستاده (و به وسیله‌ی او به امام متصل است) به همین مقدار فاصله باشد، نمازش اشکال ندارد. و اگر مأموم فقط به واسطه‌ی کسی که در طرف راست یا چپ او به امام اقتدا کرده، به امام متصل باشد باید با آن فرد بیش از حدّ مُجازی که ذکر شد، فاصله نداشته باشد.







اگر فاصله‌ی بین مأمومین یا مأموم و امام به بیش از یک گام بلند برسد، جماعت برقرار نمی‌شود.

به هم خوردن اتّصال صفوف

س . اگر در بین نماز، اتّصال جماعت قطع شود (برای مثال: کسانی که در سمت راست و چپ و جلو هستند نمازشان شکسته باشد و در رکعت دوم سلام دهند) آیا نماز بقیه به جماعت صحیح است؟

اگر نماز همه‌ی کسانی که در صف جلو هستند، تمام شود، در صورتی که فاصله بیش از حدّ مُجاز نباشد، نماز صف بعد به طور جماعت صحیح است و اگر بیشتر باشد (که معمولاً چنین است) چنانچه افراد صف جلو بعد از خواندن دو رکعت نماز فوراً برای خواندن دو رکعت بعدی اقتدا کنند نماز افراد صف‌های بعدی اشکال ندارد.

توجه

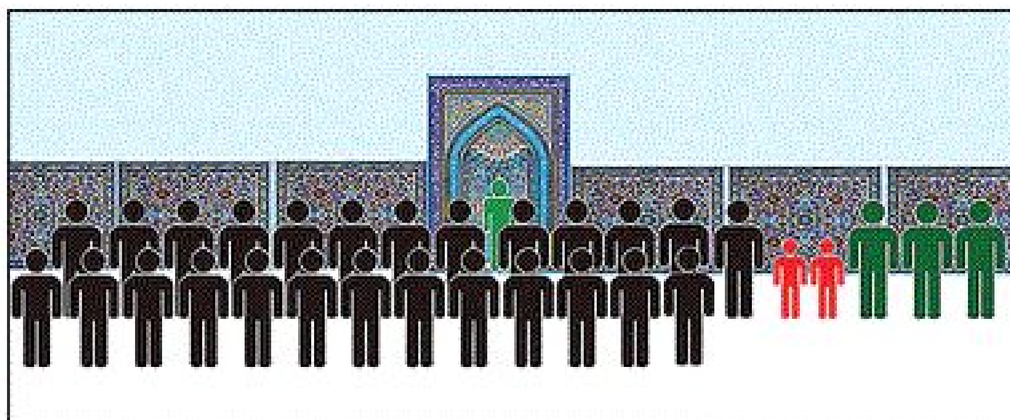
۱. اتصال به نماز جماعت یا از صف جلو است یا از مأموم سمت راست و یا از مأموم سمت چپ و نباید فاصله با این سه طرف به اندازه یک متر برسد. [نباید بیش تر از یک گام باشد].

۲. اگر از یک طرف اتّصال بر قرار باشد، کافی است.

کودک نابالغ در صف اوّل

س . اگر در صف اوّل نماز جماعت دو بچه ممیز و نابالغ اقتدا کنند، به طوری که فاصله‌ی بین نمازگزاران بیش از اندازه مُجاز (نباید بیشتر از یک گام باشد)شود، آیا اتّصال نماز به هم می‌خورد؟

اگر علم به بُطلان نماز آنها نداشته باشید، اتّصال به هم نمی‌خورد؛ و اگر فقط یک کودک مُمَیّز بین صفوف نمازگزاران باشد، فاصله شدنِ او اشکال ندارد، هرچند نماز آن کودک هم باطل باشد، مگر این‌که نمازگزاران با فاصله‌ی زیادی از کودک ایستاده باشند؛ به‌طوری که بین هر یک از ایشان (که در طرف راست یا چپ کودک هستند) و کودک، حدود نیم متر فاصله باشد.



اگر ندانیم نماز دو کودکی که بین ما و سایر مأمومین ایستاده‌اند، باطل است یا نه، نماز ما به جماعت صحیح است.

چگونگی اقتدا به امام

زمان اقتدا

س . پس از تکبیر امام جماعت، در حالی که هنوز صف‌های جلو تکبیر نگفته‌اند، کسی که در صف‌های بعدی تکبیرة الإحرام می‌گوید، نمازش چه حکمی دارد؟

بعد از تکبیر امام، اگر صف‌های جلو آماده نمازند و تکبیر گفتنِ آنها نزدیک است، افراد در صف‌های بعدی می‌توانند «تکبیرة الإحرام» بگویند و وارد نماز شوند؛ ولی احتیاط مستحب آن است که صبر کنند تا تکبیر صف جلو تمام شود.

تکبیر گفتن هم‌زمان با امام

س . آیا می‌شود هم زمان با امام تکبیرةُ الإحرام گفت؟

ماموم نباید تکبیرةُ الإحرام را پیش از امام بگوید، بلکه احتیاط واجب آن است که تا تکبیر امام تمام نشده، تکبیر نگوید.

حالت‌های پیوستن به جماعت (اقتدا کردن)



رکعت اوّل

۱. در بین قرائت:

مأموم حمد و سوره را نمی‌خواند و بقیه‌ی اعمال را با امام جماعت به جا می‌آورد.

۲. در رکوع:

رکوع و بقیه‌ی اعمال را با امام جماعت به جا می‌آورد.

رکعت دوّم

۱. در بین قرائت:

مأموم حمد و سوره را نمی‌خواند و با امام، قنوت و رکوع و سجده را به جا می‌آورد و وقتی امام جماعت تشهّد می‌خواند، بنابر احتیاط واجب باید به صورت نیم‌خیز (تَجافی) بنشیند و خواندن تشهّد مستحب است. اگر نماز دو رکعتی، است یک رکعت دیگر به تنهایی بخواند و نماز را تمام کند و اگر سه یا چهار رکعتی است، در رکعت دوم (که رکعت سوم امام است) حمد و سوره را بخواند (هر چند امام جماعت تسبیحات بخواند) و آن‌گاه که امام جماعت رکعت سوم را تمام می‌کند و برای رکعت چهارم برمی‌خیزد، مأموم باید پس از دو سجده، تشهّد بخواند و برخیزد و حمد یا تسبیحات را بخواند و در رکعت آخر نماز که امام جماعت با تشهّد و سلام، نماز را به پایان می‌برد، یک رکعت دیگر می‌خواند.

نکته



تَجافی یا نیم خیز نشستن

مأمومی که به رکعت اوّل نماز جماعت نرسیده، هنگام تشهّد خواندن امام جماعت، بنابر احتیاط واجب به حالت تَجافی می‌نشیند.

۲. در رکوع:

رکوع را با امام جماعت به جا می‌آورد و بقیّه‌ی نماز را همان گونه که گفته شد، انجام می‌دهد.

۳. در قنوت:

قنوت را با امام جماعت می‌خواند و همانند آنچه برای اقتدا در بین قرائت گفته شد، عمل می‌کند.

رکعت سوم

۱. در بین حمد یا تسبیحات:

چنان‌چه می‌داند که اگر اقتدا کند، برای خواندن حمد و سوره یا حمد تنها وقت دارد، می‌تواند اقتدا کند و باید حمد و سوره یا حمد را بخواند. و اگر می‌داند فرصت ندارد، بنابر احتیاط واجب باید صبر کند تا امام جماعت به رکوع رود، سپس به او اقتدا کند.

۲. در رکوع:

چنانچه در رکوع اقتدا کند، رکوع را با امام به‌جا می‌آورد و حمد و سوره برای آن رکعت ساقط است و بقیه‌ی نماز را همان‌گونه که بیان شد، به جا می‌آورد.

رکعت چهارم

۱. در بین حمد یا تسبیحات:

حکم اقتدا در رکعت سوم را دارد، و آن‌گاه که امام جماعت در رکعت آخر نماز برای تَشهّد و سلام می‌نشیند، مأموم می‌تواند برخیزد و نمازش را به تنهایی ادامه دهد و می‌تواند نیم‌خیز [تَجافی] بنشیند تا تشهّد و سلام امام تمام شود و سپس برخیزد.

۲. در رکوع:

رکوع و سجده‌ها را با امام به‌جا می‌آورد (اکنون رکعت چهارم امام و رکعت اوّل مأموم است) و بقیّه‌ی نماز را همان‌گونه که گذشت، انجام می‌دهد.

اقتدا در رکعت چهارم

س. آیا می‌توان در رکعت چهارم نماز که امام تسبیحات أربعه می‌خواند، اقتدا کرد؟

اگر امام در رکعت سوم یا چهارم باشد و مأموم بداند که اگر اقتدا کند و حمد را بخواند، به رکوع امام نمی‌رسد، بنابر احتیاط واجب باید صبر کند تا امام به رکوع برود، بعد اقتدا نماید و در رکوع به امام برسد.

اقتدا به امام با ندانستن شماره‌ی رکعت نماز امام

س. اگر مأموم نداند امام در رکعت چندم است، آیا می‌تواند اقتدا کند؟

می‌تواند اقتدا کند، ولی چنانچه پیش از رکوع اقتدا کند باید حمد و سوره را به قصد قربت بخواند و اگر بعد بفهمد که امام در رکعت اوّل یا دوم بوده، نمازش صحیح است.

اقتدا در رکوع

س. اگر موقعی که امام در رکوع است، شخصی اقتدا کند و به رکوع رود و شک کند که به رکوع امام رسیده یا نه، نمازش صحیح است یا خیر؟

نمازش صحیح است و فُرادا می‌شود.



نرسیدن به رکوع پس از اقتدا

س. اگر شخصی موقعی که امام در رکوع است، اقتدا کند و به اندازه‌ی رکوع خم شود، ولی به رکوع امام نرسد، نمازش صحیح است یا باطل؟

اگر موقعی که امام در رکوع است، اقتدا کند و به رکوع امام برسد، اگر چه امام ذکر رکوع را گفته باشد، نمازش به طور جماعت صحیح است و یک رکعت حساب می‌شود؛ اما اگر به مقدار رکوع خم شود و به رکوع امام نرسد نمازش به طور فرادا صحیح می‌باشد و باید آن را تمام نماید.

اقتدا در تشهّد

س. در تشهّد آخر نماز می‌شود اقتدا کرد؟

اگر موقعی برسد که امام مشغول خواندن تشهّد آخر نماز است، چنانچه بخواهد به ثواب جماعت برسد باید بعد از نیّت و گفتن تکبیرة الاحرام بنشیند و تشهّد را با امام بخواند؛ ولی نباید سلام را بگوید و باید صبر کند تا امام سلام نماز را بدهد و بعد بایستد و بدون آن‌که دوباره نیّت کند و تکبیرة الإحرام بگوید، حمد و سوره را بخواند و آن را رکعت اوّل نماز خود حساب کند.

توجه

کسانی که نمازشان شکسته است و در رکعت دوم نماز جماعت، سلام می‌دهند، اگر بخواهند در رکعت‌های باقی‌مانده، نمازی را به امام جماعت اقتدا کنند، می‌توانند صبر کنند تا امام به رکوع رود و اقتدا کنند که یک رکعت حساب می‌شود؛ ولی اگر بخواهند موقعی که امام تسبیحات أربعه را می‌خواند اقتدا کنند، چنان‌چه می‌دانند آن قدر فرصت هست که حَمد را بخوانند، می‌توانند اقتدا کنند و اگر بدانند که فرصت ندارند بنابر احتیاط واجب صبر کنند تا امام به رکوع رود؛ بنابراین اگر می‌خواهند قبل از رکوع رفتنِ امام جماعت اقتدا کنند باید زمانی اقتدا کنند که بتوانند حَمد را بخوانند.

توضیح: هنگامی که امام جماعت برای رکعت سوم برمی‌خیزد، کسانی که نمازشان شکسته است می‌توانند:

۱. سلام که دادند، بنشینند و نماز دیگری را به جماعت اقتدا نکنند.

۲. به امام جماعت اقتدا کنند و دو رکعت نماز قضا (مانند نماز صبح یا نماز ظهری که در سفر قضا شده) بخوانند.

۳. به امام جماعت اقتدا کنند و نماز بعدی را به همین جماعت إقتدا کنند؛ برای مثال: اگر نماز بعدی، عصر است، نماز عصرشان را ـ که دو رکعتی است ـ به امام جماعت إقتدا کنند.

۴. می‌توانند در دو رکعت آخر به امام جماعت اقتدا کنند و یک نماز قضای سه یا چهار رکعتی بخوانند که در این صورت دو رکعت آن با جماعت است و بقیه را خودشان بعد از سلام امام، فُرادا ادامه دهند.

س. اگر شخصی در رکعت سوم یا چهارمِ امام جماعت به او اقتدا کند و گمان کند رکعت اوّل یا دوم است؛ و حمد و سوره را نخواند، نمازش صحیح است یا نه؟

اگر به خیال این که امام در رکعت اوّل یا دوم است، حمد و سوره را نخواند و بعد از رکوع بفهمد که در رکعت سوم و چهارم بوده، نمازش صحیح است؛ ولی اگر پیش از رکوع بفهمد باید حمد و سوره را بخواند و اگر وقت ندارد، فقط حمد را بخواند.

تمام نکردن حمد قبل از رکوع امام

س. اگر کسی در رکعت سوم یا چهارم اقتدا کند، ولی قبل از این که حمد و سوره را بخواند، امام به رکوع برود، تکلیف چیست؟

باید حمد و سوره را بخواند و اگر برای سوره وقت ندارد، حمد را تمام کند و در رکوع یا سجده، خود را به امام برساند.

چگونگی پیروی مأموم از امام جماعت

م. **۱-** در اقوال مانند ذکر رکوع، سجده، تسبیحات اربعه یا تشهّد؛ **جلو افتادن از امام یا عقب افتادن از او اشکال ندارد، مگر در تکبیرة الإحرام.**

۲- در اعمال مانند رکوع یا سر برداشتن از رکوع و سجده، **پیش افتادن جایز نیست؛ پس اگر عمداً قبل از امام به رکوع برود یا از رکوع برخیزد یا به سجده برود معصیت کرده، اگر چه نمازش صحیح است، ولی عقب افتادن از امام جماعت اگر زیاد نباشد اشکال ندارد.**

امامت جماعت

شرایط امام جماعت

م . امام جماعت باید بالغ، عاقل، شیعه‌ی دوازده امامی، عادل و حلال زاده باشد و نماز را به طور صحیح بخواند.

عدالت امام جماعت

م . امام جماعت باید عادل باشد، و عدالت عبارت است از حالتی که باعث می‌شود انسان از روی عَمْد، مرتکب گناه کبیره نشود و نسبت به انجام واجبات و ترک مُحرّمات مراقبت داشته باشد؛ بنابراین اقتدا به فرد فاسق و کسی که عدالتش معلوم نشده، جایز نیست.

اقتدا به امام جماعت فصیح‌تر

س . آیا مأمومی که قرائتش فصیح‌تر از امام جماعت است، می‌تواند به آن امام اقتدا کند؟
اقتدا صحیح است.

امامت مرد

م . اگر همه‌ی مأمومین مرد باشند یا زن و مرد باشند، امام جماعت باید مرد باشد.





مرد نمی‌تواند به امام جماعت زن اقتدا کند (چه محرم او باشد یا نامحرم).

امامت زن برای زنان

س. آیا زن می‌تواند امام جماعت زنان باشد؟
اشکال ندارد.

امامت غیر روحانی

م. اگر به روحانی[1] دسترسی نباشد، فرد غیر روحانی با وجود سایر شرایط می‌تواند امام جماعت شود.

اقتدا به امام جماعت ناشناس

س. آیا بدون دانستن نام امام جماعت یا دیدن چهره‌ی او می‌توان به او اقتدا کرد؟
دانستن نام و دیدن امام جماعت لازم نیست؛ بلکه اگر قرائت امام جماعت صحیح باشد[2] و عدالت او معلوم و مُحْرَز شود، کافی است؛ و در صورتی که از اقتدا کردن افراد عاملِ به احکام شرعی، به عدالت امام جماعت اطمینان پیدا کند، کافی است.

حفظ احترام امام جماعت

س. شخصی در یک مسجد که نماز جماعت برگزار شده و امام جماعت نیز عادل و مورد تأیید است، فرادا نماز می‌خواند، به قصد این که به دیگران بفهماند امام عادل نیست یا بدون این قصد عملش طوری است که مردم چنین فکر می‌کنند. آیا نماز او باطل است؟
اگر این عمل تضعیف نماز جماعت و اهانت و بی‌احترامی به امام جماعتی محسوب شود که مردم به عدالت او اعتماد دارند، جایز نیست.

توجه

در صورتی که عدالت امام جماعت برای شخصی معلوم نشده است، ولی دیگران او را عادل می‌دانند، نمی‌تواند طوری نماز بخواند که موجب بی‌احترامی به امام جماعت شود.

۱. منظور از روحانی کسی است که علاوه بر صلاحیت‌های لازم، لباس مقدس روحانیت نیز به تن داشته باشد.
۲. اگر قرائت امام جماعت به گونه‌ای نباشد که بگویند: کلمات را غلط می‌خواند، هرچند قواعد تجوید را به‌طور کامل رعایت نکند، کافی است.

امامت کسی که با تیمّم نماز می‌خواند

س. اقتدا به امام جماعتی که به علت عُذر شرعی تیمّم بدل از غسل کرده است، چه حکمی دارد؟
اشکال ندارد.

س. آیا با وضوی جبیره‌ای، مثلاً با مسح پای جبیره‌ای می‌توان به عنوان امام جماعت نماز خواند؟
اشکال ندارد.

اقتدای مسافر به غیر مسافر

س. اینکه گفته می‌شود که اقتدای مسافر به غیر مسافر و برعکس مکروه است؛ آیا مقصود این است که در این صورت فُرادا از جماعت بهتر است یا به معنای ثوابِ کمتر برای این جماعت است؟
در این صورت نیز نماز جماعت اَفضل است ولی ثوابِ نمازش کمتر از نماز جماعتی است که هم نماز امام چهار رکعتی است و هم نماز مأموم یا نماز امام و مأموم، هر دو شکسته است.

امامت کسی که یکی از مواضع سجده‌اش گچ گرفته شده

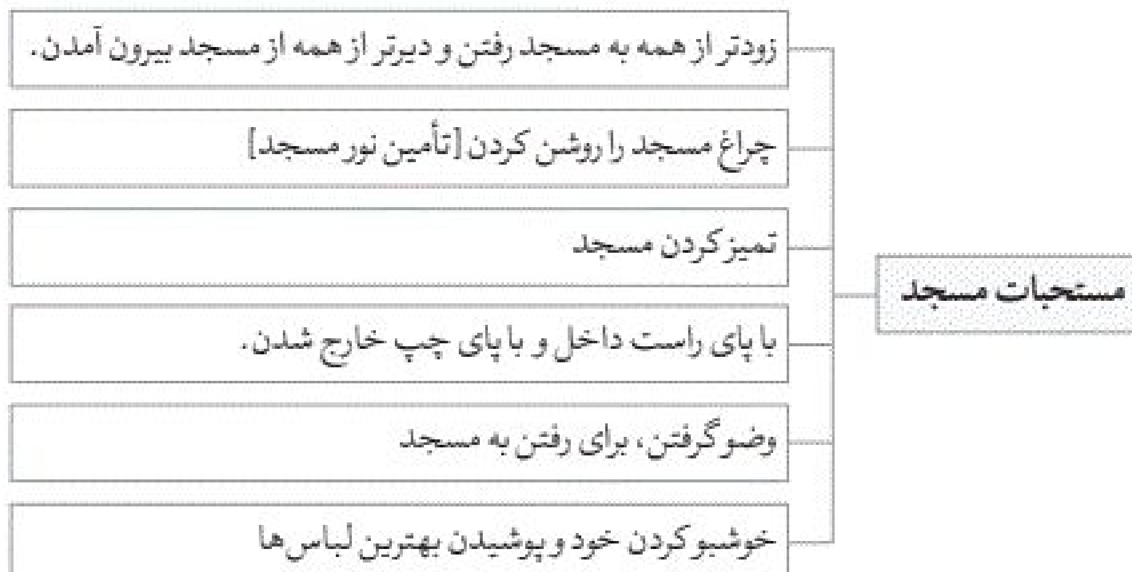
س. کسی یک یا چند موضع از مواضع هفت‌گانه‌اش، که هنگام سجده باید بر زمین قرار گیرد، باندپیچی شده یا گچ گرفته شده باشد، می‌تواند امام جماعت باشد؟
به طور کلّی اگر استقرار و آرامش در قیام طبیعی وجود داشته باشد و بتواند آن را در حال قرائت حمد و سوره و ذکرهای نماز و انجام افعال آن حفظ کند و قدرت بر رکوع و سجده داشته باشد و بتواند وضوی صحیح بگیرد، اقتدای دیگران به او در نماز بعد از اِحراز سایر شرائط امامت جماعت صحیح است و در غیر این صورت محل اشکال است.

امامت کسی که با لباس نجس نماز می‌خواند

م. اگر امام جماعت به واسطه‌ی عُذری با لباس نجس نماز می‌خواند بنابر احتیاط واجب نباید به او اقتدا کرد.

مستحبّات مسجد

م . کارهای زیر درباره‌ی مسجد مستحب است:



مکروهات مسجد

م . این کارها درباره‌ی مسجد مکروه است:

۱. استفاده از مسجد، به عنوان محل عبور، بدون آنکه در آنجا نماز بخواند.

۲. خوابیدن در مسجد، مگر در حال ناچاری

۳. فریاد زدن در مسجد و صدا را بلند کردن، مگر برای اذان

۴. سخن گفتن از امور دنیا در مسجد

۵. انداختن آب دهان و بینی در مسجد [در برخی موارد انداختن آب دهان در مسجد حرام است - مثل اینکه سبب یا نشانه‌ی هتک حرمت و بی‌احترامی باشد].

۶. رفتن به مسجد برای کسی که سیر یا پیاز خورده و بوی دهانش مردم را آزار می‌دهد.



خرید و فروش و معاملات اقتصادی در مسجد، مکروه است.

توجه

این مطلب را نیز باید اضافه کرد که رفتن به مسجد با پایی که بوی عرق می‌دهد و موجب آزار دیگران می‌گردد نیز کار ناپسندی است.





اعتکاف در مسجد

م. یکی از کارهای مستحب، اعتکاف است و عبارت است از ماندن در مسجد به قصد عبادت، با شرایطی که در کتاب‌های فقهی آمده است.

مساجد اعتکاف

م. اعتکاف در این مساجد صحیح است:

مساجد اعتکاف
مسجد الحرام در مکّه‌ی مکرّمه
مسجد النّبی در مدینه‌ی منوّره
مسجد جامع کوفه
مسجد جامع بصره

نکته

علاوه بر مساجد فوق اعتکاف در هر مسجدی نیز به قصد رجاء اشکال ندارد.



مسجد جامع

تعریف مسجد جامع

س. مسجد جامع به چه مسجدی می‌گویند؟

مسجدی که برای اجتماع زیادی از مردم آن شهر ساخته شده و اختصاص به گروه و محله‌ای خاص نداشته باشد.

وجود دو مسجد جامع در شهر

س . مسجد جامعی در شهر ما وجود داشت؛ ولی به تازگی مسجد بسیار بزرگ‌تری ساخته‌اند که آن نیز به مسجد جامع معروف شده است. اعتکاف در کدام یک از این دو مسجد جایز است؟

اعتکاف در هر مسجدی (حتی غیر از مسجدهای چهارگانه) تا هنگامی که بر آن مکان اسم مسجد صِدْق کند جایز است مشروط به اینکه به قصد رَجا باشد یعنی به امید اینکه مطلوب خداوند واقع شود.

حفظ حُرمت مسجد

نجس کردن مسجد

م . نجس کردن زمین و سقف و بام و قسمت داخلی دیوار مسجد حرام است.

نجس کردن طرفِ بیرون دیوار مسجد

م . نجس کردن زمین، سقف، دیوار و بام مسجد حرام است و اگر نجس شد واجب است بلافاصله آن را تطهیر کنند.



نجس کردن فرش مسجد

م . نجس کردن فرش مسجد بنابر احتیاط واجب حرام است.

م . اگر مسجدی را غَصْب کنند و به جای آن، خانه و مانند آن بسازند که دیگر به آن مسجد نگویند و امیدی هم به دوباره سازی آن نباشد، نجس کردن آن حرام نیست اگر چه احتیاطِ مستحب آن است که نجس نکنند.

بردن عِین نجس به مسجد

م . بردن عینِ نجس به مسجد، مانند خون و چیزی که نجس شده، مانند لباس نجس، در صورتی که نجاست آنها به مسجد سرایت کند یا موجب بی احترامی به مسجد باشد حرام است.

تطهیر مسجد

م . برطرف کردن نجاست از مسجد واجب است و فرقی در این مسأله بین داخل، سقف و پشت بام و حتی طرف داخل دیوار مسجد نیست؛ یعنی هر جای مسجد نجس شود باید نجاست برطرف گردد.

لزوم تطهیر فوری

م . هنگامی که انسان از نجاست مسجد مُطّلع شد، بلافاصله باید آن را تطهیر کند، بنابراین نباید به قدری مُعطّل کند که عُرفاً بگویند تأخیر انداخته است.

تطهیر مسجد، واجب کفایی

م . برطرف کردن نجاست از مسجد، واجب کفایی است و اختصاص به کسی که مسجد را نجس کرده یا سبب نجس شدن آن شده ندارد؛ بلکه بر همه‌ی افرادی که می‌توانند مسجد را تطهیر کنند، واجب است.

خسارت هنگام تطهیر فرش

م . اگر فرش مسجد نجس شود،باید بنابر احتیاط واجب آن را تطهیر کنند؛ ولی چنانچه به واسطه‌ی آب کشیدن خراب می‌شود و بریدن یا تراشیدن جای نجس بهتر است، بنابر احتیاط واجب باید محل نجس را بتراشند یا ببرند، و کسی که آن را نجس کرده، باید آن را اصلاح و تعمیر کند (هزینه‌ی خسارت وارده را بپردازد).

نماز قبل از تطهیر مسجد

م . اگر انسان در وقت نماز و قبل از شروع آن متوجه شود جایی از مسجد نجس است؛ مثلاً ببیند چند قطره‌ی خون بر فرش مسجد ریخته است:

اگر وقت نماز وسعت دارد: تطهیر مسجد بر خواندن نماز مقدّم است.

اگر وقت نماز تنگ است: نماز خواندن بر تطهیر مسجد مقدّم است.[1]

حکم نماز قبل از تطهیر

م . کسی که باید اوّل مسجد را تطهیر کند، اگر اوّل نماز بخواند، هرچند به جهت ترک تطهیر مسجد گناه کرده است، ولی نمازش باطل نیست.

فراموشی نجاست مسجد

م . اگر نجس بودن مسجد را فراموش کرد و نماز را خواند و پس از نماز یادش آمد، نمازش صحیح است.

۱. یعنی اگر بخواهد مسجد را تطهیر کند و بعد از آن نماز بخواند، تمام نماز یا قسمتی از آن پس از وقت خوانده می‌شود.

جُنُب و حایض در مسجد

از جمله‌ی مسائلی که حاکی از قداست و حفظ احترام مسجد است، پرهیز از رفتن به مسجد در حال جنابت و در ایام عادت (قاعدگی) است؛ نمونه‌ای از احکام این موضوع بدین شرح است:

توقّف در مساجد

م . توقّف در مساجد و گذاشتن چیزی در مسجد برای جُنُب و حایض[1] و نَفسا[2] حرام است؛ ولی اگر از یک در وارد و از در دیگر خارج شود، مانع ندارد.

عبور جُنُب، حایض و نَفْسا از مسجدالحرام و مسجدالنّبی ﷺ

م . جُنُب و زن حایض یا نَفْسا نباید به مسجدالحرام و مسجدالنّبی ﷺ وارد شوند، هرچند از یک در داخل شوند و از در دیگر بیرون روند، یعنی حتی عبور از مسجد برای چنین افرادی جایز نیست.

بردن کودکان به مسجد

م . راه دادن کودکان و دیوانگان به مسجد مکروه است.[3]

نکته

به طور کلّی اگر بردن کودک به مسجد موجب بی‌احترامی به مسجد و جماعت شود یا برای نمازگزاران مزاحمت ایجاد کند، بهتر است آنها را به مسجد نبرند؛ امّا اگر به نحوی این مشکلات را برطرف کنند، بردن کودکان به مسجد ایرادی ندارد؛ بلکه باعث آشنایی و اُنس آنها با کانون عبادی مسجد می‌گردد.

ورود غیرمسلمان به مسجد

س . آیا ورود غیرمسلمانان به مساجد مسلمین جایز است، هرچند برای مشاهده‌ی آثار تاریخی باشد؟

ورود کفّار به مسجد مسلمانان جایز نیست، هرچند برای مشاهده‌ی آثار تاریخی باشد خواه مسجد الحرام باشد یا سایر مساجد و خواه ورود آنان هتک و بی‌حرمتی مسجد شمرده شود یا نه.

۱. حیض خونی است که غالباً در هرماه چند روز از رحم زن خارج می‌شود. زن را هنگام دیدن این خون «حایض» می‌گویند. [برای آشنایی با واژگان فقهی به بخش اصطلاح‌نامه رجوع کنید].

۲. خونی که هنگام زایمان (از وقتی که اوّلین جزء بچّه از شکم مادر بیرون می‌آید،) از رحم زن خارج می‌شود اگر پیش از ده روز یا آخر ده روز قطع شود، خون «نِفاس» است و زن را در وقت دیدن خون نِفاس، «نَفسا» می‌گویند.

۳. منظور کودکانی است که احترام مسجد را نگه نمی‌دارند، یا مزاحم نمازگزاران هستند، یا ممکن است سبب نجس شدن مسجد شوند؛ ولی کودکانی که برای نماز خواندن می‌آیند مکروه نیست.

نماز میّت در مسجد

م . از آداب نماز میّت این است که در مسجد اقامه نشود، به جز مسجد الحرام که اشکالی ندارد.

مسجد و مجلس سوگواری

م . اگر مسجد را برای عزاداری چادر -خیمه- بزنند و فرش کنند و پارچه‌ی سیاه نصب کنند، و وسائل چای و پذیرایی به مسجد ببرند، در صورتی که این کارها به مسجد ضرر نرساند و با جهتِ وقف منافات نداشته باشد و نیز مانع نماز خواندن نشود، اشکال ندارد.







کف زدن در مسجد

س . در ایّام ولادت حضرات معصومین علیهم‌السلام در برخی مساجد، مجالسی برپا می‌شود و ضمن مداحی، مردم کف می‌زنند، آیا این کار در مسجد اشکال دارد؟

بهتر است فضای مجالس دینی به خصوص مراسمی که در مساجد و حسینیه‌ها و نمازخانه‌ها برگزار می‌شود به ذکر صلوات و تکبیر مُعطّر گردد تا انسان به ثواب آنها برسد.

استفاده‌ی غیرعبادی از مسجد

خوابیدن در مسجد

م . خوابیدن در مسجد مکروه است، مگر در حال ناچاری.

مجالس شادی

س . اینجانب قصد دارم طبق سُنّت صدر اسلام مجلس عروسی و ولیمه‌ی ازدواج پسرم را با حفظ تمام شعائر مذهبی در مسجد برگزار نمایم. خواهشمندم نظر شریفتان را در این مورد مرقوم فرمایید.

غذا دادن به میهمانان در مسجد، به خودی خود اشکال ندارد؛ ولی برپا کردن مجالس عروسی در مساجد، مخالف جایگاه اسلامی مسجد است و جایز نیست، و ارتکاب کارهای حرام از قبیل غنا و موسیقی لهوی مُطرب، به طور مطلق حرام است (چه در مسجد باشد یا غیر مسجد).

موسیقی در مسجد

س . آیا پخش موسیقی شاد به مناسبت میلاد ائمه‌ی معصومین علیهم‌السلام در مسجد اشکال دارد؟

روشن است که برای مسجد، جایگاه شرعی خاصی است، و چنانچه پخش موسیقی در مسجد مناسب جایگاه و احترام مسجد نباشد، حرام است، حتی اگر موسیقی غیر مطرب باشد.



شعر خوانی

م . خواندن شعری که نصیحت و مانند آن نباشد، در مسجد مکروه است.

توجه

خواندن شعر با مضامینی مانند مدح و مرثیه‌ی اهل بیت علیهم‌السلام، موعظه و مناجات با خداوند اشکال ندارد.

ورزش

س . آیا تمرینات ورزشی یا برخی بازی‌ها مانند کبدی[زو]، در مسجد محله یا مساجد دیگر جایز است؟

مسجد جای ورزش و تمرین ورزشی نیست (و اجرای این برنامه‌ها در مساجد ممکن است سبب گریز مردم از مسجد شود)؛ قصد و انگیزه‌ی اصلی از برپایی مسجد عبادت و اقامه‌ی نماز است؛ علاوه بر اینکه استفاده از وقف در غیر آن چیزی که مورد نظر واقف بوده جایز نیست.

نمایش فیلم

س . آیا نمایش فیلم‌های سینمایی که از سوی وزارت ارشاد اسلامی مجوّز دارد، در مسجد برای کسانی که در جلسات قرآن شرکت می‌کنند، اشکال دارد؟

جایز نیست مسجد را به مکان نمایش فیلم‌های سینمایی تبدیل کنند، ولی نمایش فیلم مذهبی و انقلابی دارای محتوای مفید و آموزنده به مناسبت خاصی در وقت نیاز، با هماهنگی امام جماعت مسجد مانع ندارد.

کتابخانه و کانون فرهنگی

س . اشغال کردن مسجد به اینکه مقداری از مسجد را کتابخانه کنند، یا اینکه برای غیر نماز اجتماع کنند، به طوری که مزاحم نمازگزاران باشند، چه صورت دارد؟

این امور تابع کیفیّت وقف مسجد است و اگر در غیر عنوان وقف اجرا شود حرام است و باید از امام جماعت و هیأت امنای مسجد در این باره نظر خواهی کرد.

جلسه‌ی شورای محل

س . آیا می‌شود یکی از اتاق‌های مسجد را که هیچگونه استفاده‌ای از آن نمی‌شود برای جلسات متفرقه‌ی اهالی محل یا شورای روستا اختصاص داد؟

این امور تابع کیفیّت وقف مسجد است و باید از امام جماعت و هیأت امنای مسجد در این باره نظر خواهی شود.

درس و بحث

س . آیا از صحن و ایوان مسجد می‌توان برای مباحث فکری، فرهنگی و اعتقادی و دروس نظامی به جوانان استفاده کرد، با توجه به اینکه جا برای این امور، کم است و از ایوان مسجد هم استفاده دیگری نمی‌شود؟

این امور تابع کیفیّت وقف صحن و ایوان مسجد است، و در این خصوص لازم است نظر امام جماعت و هیئت امنای مسجد را جویا شوید. یادآوری می‌شود که راهنمایی جوانان و تشکیل کلاس‌های دروس دینی با موافقت امام جماعت و هیئت امنای مسجد، امری است مطلوب و پسندیده.

قانون کلی

باید در مساجد از کارهایی که با شأن و منزلت مسجد منافات دارد یا مزاحم نمازگزاران است پرهیز شود.

اولیای مسجد

واقف و بانی مسجد

س . زمینی در بیش از بیست سال قبل برای مسجد داده شده و با پول مردم، مسجد ساخته شده، آیا صاحب قبلی زمین یا وارث آن می‌تواند بگوید: من راضی نیستم کسی در این مسجد نماز بخواند یا خیر؟

بعد از ساختن مسجد و تحویل به نمازگزاران، نمی‌تواند رجوع کند و رضایت او معتبر نیست.

مُؤَذِّن

شرایط مؤذّن

م . مستحب است کسی را که برای گفتن اذان مُعَیَّن می‌کنند، عادل، وقت‌شناس و صدایش بلند باشد.

وظیفه‌ی مؤذّن

م . برای کسی که اذان می‌گوید، مستحب است هنگام اذان گفتن اینگونه باشد:

- رو به قبله
- ایستاده
- با طهارت (با وضو یا غسل)
- در اذانی که برای اعلام داخل شدن وقت نماز است، در جای بلند بایستد و اذان بگوید.[1]
- دست‌ها را به گوش بگذارد.

و اینگونه اذان بگوید:

- با صدای بلند و کشیده اذان بگوید.
- بین جملات اذان، کمی فاصله دهد.
- آخر جملات وقف کند.
- در جملاتی که کلمه‌ی مبارک «الله» قرار دارد، «الف» و «ه» را به روشنی ادا کند.

وقت اذان و اقامه

م . اذان و اقامه در صورتی مستحب است که بعد از داخل شدن وقت باشد.

۱. برای آنکه مردم صدای او را بشنوند، و این مسأله اکنون با بلندگو حاصل می‌شود.

بلند کردن صدای بلندگوی مسجد برای پخش اذان

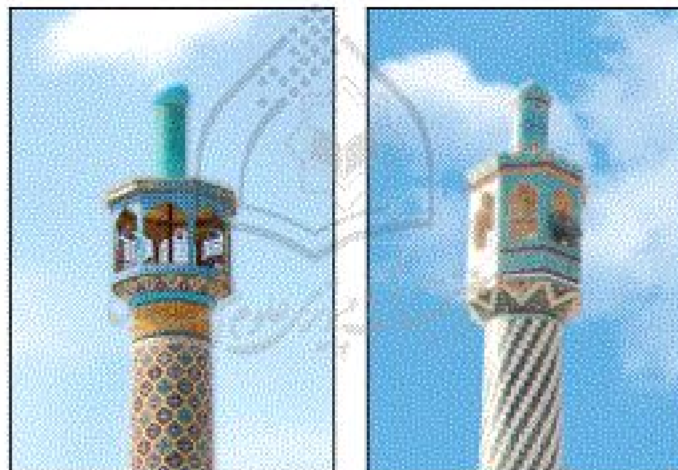
س. آیا بلند کردن صدای اذان از مسجد، مخصوصاً اذان صبح، در صورتی که همسایگان مسجد اعتراض می‌کنند و اظهار می‌کنند که صدای اذان موجبِ اذیت و آزار آنها می‌شود، جایز است یا نه؟

پخش اذان به نحو مُتعارف برای اعلام داخل شدن وقت نماز صبح به وسیله‌ی بلندگو اشکال ندارد.

صدای بلندگوی مسجد

س. در بعضی از مساجد معمول است هنگام مجالس ختم و فاتحه صدای بلندگو در فضای بیرون مسجد پخش می‌شود، با توجه به اینکه چه بسا بیماران و سالخوردگانی از صدای بلندگو اذیت می‌شوند، آیا این عمل جایز است؟

پخش آیات قرآنی، دعا و غیرآن از بلندگوی مسجد، اگر موجب اذیّت همسایگان شود، توجیه شرعی ندارد و بلکه دارای اشکال است.

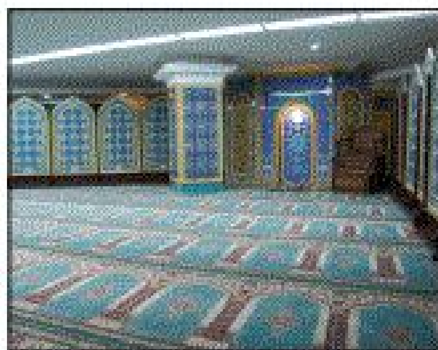


سایر اماکن مقدس

نمازخانه و مُصَلّا

س . آیا مُصلّاها یا اتاق‌هایی که در پاسگاه‌ها و بعضی از ادارات به نام نمازخانه از آن نام برده می‌شود، حکم مسجد را دارند؟ مثلاً موقع جنابت نمی‌شود داخل آن شد؟ یا اینکه احترام دارد ولی حکم مسجد را ندارد؟

تا معلوم نشود که به عنوان مسجد بودن وقف شده، احکام مسجد را ندارد.







مشاهد مشرّفه

م . از جمله مواضع مستحب و با فضیلت برای نماز خواندن، مشاهد مشرّفه‌ی انبیا و اوصیای آنان و امامان علیهم‌السلام است؛ بلکه نماز در این مکان‌ها بهتر از مسجد است. و تشرّف به حرم مطهّر و زیارت قبور ائمّه علیهم‌السلام و اولیای دین، احکام و آداب مستحبّیِ بسیاری دارد که بیشتر در کتاب‌های دعا آمده است.



نماز خواندن جلوتر از مقبره‌ی امام علیه السلام

م . نمازگزار نباید در هنگام نماز جلوتر از قبر پیغمبر صلی الله علیه و آله و امام علیه السلام بایستد؛ ولی مساوی قبر اشکال ندارد.



نماز خواندن جلوتر از قبر امام علیه السلام در صورتی که بی‌احترامی محسوب شود حرام است.



اگر بین ضریح و نمازگزار پرده یا دیواری فاصله شود، نماز خواندن جلوتر از قبر امام علیه السلام اشکالی ندارد.

افراد معذور در حرم امامان علیهم السلام

م . ایستادن و توقف کردن شخص جُنُب، حایض و نَفسا در حرم امامان معصوم علیهم السلام بنابر احتیاط واجب جایز نیست.

توجه

- تکیه‌ها و حسینیّه‌ها حکم مسجد را ندارد؛ ولی بی‌احترامی و هتک حرمت این اماکن نیز حرام است.
- توقف جُنُب، حایض و نفَسا به داخل حرم امام‌زادگان اشکالی ندارد.

محدوده‌ی حرم

س . مقصود از حرم اهل بیت علیهم السلام کدام قسمت است؟ زیر گنبد یا همه‌ی اطراف حرم و رواق‌ها را هم شامل می‌شود؟

مقصود از حرم همان زیر گنبد و اطراف ضریح است؛ و لذا توقف اشخاص جُنُب، حایِض و نَفَسا در رواق‌ها اشکال ندارد.

معبد و کلیسا

احترام معابد مسیحیان و یهودیان

م . هر چند معابد یهودیان و کلیساهای مسیحیان تمام احکام مسجد را ندارند؛ ولی محترمند و بنابر احتیاط واجب نجس کردن آنها جایز نیست.

- مسجد در لغت به معنای محلی است که در آنجا سجده می‌کنند.
- مسجد نخستین نهاد عبادی- سیاسی در جامعه‌ی اسلامی و بزرگ‌ترین پایگاه دینی است.
- مساجد تمام گروه‌های مسلمان، در احکامی که برای مسجد گفته می‌شود، فرقی ندارد.
- تا عنوان مسجد بودن در وقف برای مکانی معلوم نشود، آن مکان حکم مسجد را ندارد.
- بردن مصالح ساختمانی، حتّی خاک و ریگ از مسجد جایز نیست، مگر خاک‌های اضافی.
- استفاده از کلیه امکانات مسجد به چگونگی و کیفیّت وقف یا نذرِ آن امکانات بستگی دارد.
- وضو گرفتن از آب سردکن‌ها و مخزن‌هایی که مخصوص نوشیدن است، جایز نیست.
- وقتی انسان وارد مسجدی می‌شود، مستحب است دو رکعت نماز به قصد تَحیّت بخواند.
- زیاد رفتن به مسجد مستحب است.
- نماز جماعت از مهم‌ترین مستحبّات و از بزرگ‌ترین شعایر اسلامی است.
- نماز جماعتِ مختصر از نماز فُرادای طولانی بهتر است.
- نماز جمعه باید به جماعت برگزار شود و نمی‌توان آن را به طور فرادا به جا آورد.
- مستحب است نمازهای واجب (چه نماز اَدا و چه قضا) به جماعت خوانده شود.
- مستحب است نمازهای واجب را به جماعت بخوانند، که از آن جمله نماز آیات است.
- ماموم نباید تکبیرة الإحرام را پیش از امام بگوید.
- مأموم باید غیر از ذکرها و عباراتی که در نماز خوانده می‌شود، کارهای دیگر مانند رکوع و سجود را با امام یا کمی بعد از امام به جا آورد.
- عدالت در امام جماعت عبارت از حالتی است که باعث می‌شود انسان از روی عَمْد، مرتکب گناه نشود و نسبت به انجام واجبات و ترک محرّمات مراقبت داشته باشد.
- اگر مأمومین مرد باشند یا هم زن و هم مرد باشند، امام جماعت باید مرد باشد.
- دانستن نام و دیدن امام جماعت لازم نیست؛ بلکه اگر قرائت امام جماعت صحیح باشد و عدالت او معلوم و مُحرز شود کافی است.
- نجس کردن زمین و سقف و بام و قسمت داخلی دیوار مسجد حرام است.
- نجس کردن فرش مسجد بنابر احتیاط واجب حرام است.
- برطرف کردن نجاست از مسجد واجب فوری است.
- برطرف کردن نجاست از مسجد، واجب کفایی است.
- کسی که باید اوّل مسجد را تطهیر کند، اگر اوّل نماز بخواند، هرچند به جهت ترک تطهیر مسجد گناه کرده است، ولی نمازش باطل نیست.
- اگر نجس بودن مسجد را فراموش کرد و نماز را خواند و پس از نماز یادش آمد، نمازش صحیح است.
- توقّف در مساجد و گذاشتن چیزی در مسجد برای جُنُب و حایض و نَفْسا حرام است؛ ولی اگر از یک در وارد و از در دیگر خارج شود، مانع ندارد.

خلاصه‌ی فصل

- جُنُب و زن حایض یا نَفسا نباید به مسجد الحرام و مسجد النبی ﷺ وارد شوند، هرچند از یک در داخل شود و از در دیگر بیرون روند، یعنی حتی عبور از این مساجد برای چنین افرادی جایز نیست.
- خوابیدن در مسجد مکروه است، مگر در حال ناچاری.
- خواندن شعری که نصیحت و مانند آن نباشد، در مسجد مکروه است.
- به طور کلی باید در مساجد از کارهایی که با شأن و منزلت مسجد منافات دارد یا مزاحم نمازگزاران است پرهیز شود.
- ایستادن و توقف شخص جُنُب، حایض و نَفسا حتی برای زیارت، زیر گنبدی که بر فراز ضریح است و اطراف ضریح مطهر امامان معصوم علیهم‌السلام بنابر احتیاط واجب جایز نیست.
- تکیه‌ها و حسینیّه‌ها حکم مسجد را ندارد؛ ولی بی‌احترامی و هتک حرمت این اماکن نیز حرام است.



روزه

معنا و اهمیّت روزه

معنای روزه

«صَوْم» (روزه): در لغت به معنای اِمساک و خودداری است و در اصطلاح احکام عبارت است از: « خودداری از موارد ۹ گانه[1]، از اذان صبح تا اذان مغرب، به قصد انجام فرمان خداوند».

اهمیّت روزه

رسول خدا ﷺ فرمود:

«... وَ فیهِ صَفاءُ الْقَلْبِ»؛[2]

روزه دل را صفا و نورانیّت می‌بخشد.

«... وَ حَبْلُ الالْتِجاءِ اِلَی اللهِ»؛[3]

روزه سبب توجه بیشتر و پناه بردن به خدای بزرگ می‌گردد.

«فَالصَّومُ یُمیتُ مُرادَ النَّفْسِ وَ شَهْوَةَ الطَّبعِ الْحیوانی»؛[4]

روزه میل‌های نفسانی را می‌میراند و نیروی شهوت را فرو می‌نشاند و آن را مهار می‌کند.

«یا مَعْشَرَ الشَّبابِ عَلَیکُمْ بِالْباهِ. فَاِنْ لَمْ تَسْطیعوهُ فَعَلَیْکُمْ بِالصِّیامِ فَاِنَّهُ وَجاءُهُ»؛[5]

ای جوانان! بر شما واجب و لازم است که ازدواج کنید و اگر نتوانستید، روزه بگیرد؛ زیرا روزه باعث مهار شهوت و اجتناب از گناهان خواهد شد.

حضرت علی علیه‌السلام فرمود: «... اِذْهاباً لِلْخُیَلاءِ عَنْهُمْ »[6]

روزه تکبر و خودبینی را از بین می‌برد.

امام صادق علیه‌السلام فرمود: «اِنَّما فَرَضَ اللهُ الصِّیامَ لِیستوی بِهِ الغَنیّ و الفَقیر»؛[7]

خداوند روزه را واجب کرده تا دارا و ندار (غنی و فقیر) مساوی گردند.

امام رضا علیه‌السلام فرمود: «اِنَّما اُمِرُوا بِالصَّومِ لِکَی یعرفوا اَلَمَ الجوعِ و العطشِ فَیستَدلّوا عَلَی فَقرِالآخرة»؛[8]

مردم به روزه امر شده‌اند تا درد گرسنگی و تشنگی را بفهمند و به واسطه‌ی آن فقر و بیچارگی آخرت را دریابند.

۱. موارد نه گانه: ۱- خوردن و آشامیدن ۲- آمیزش ۳- اِستمنا ۴- دروغ بستن بر خدا و پیغمبر و جانشینان او ۵- رساندن غبار غلیظ به حلق ۶- فرو بردن تمام سر در آب ۷- باقی ماندن بر جنابت، حیض و نفاس تا اذان صبح ۸- اِماله کردن با چیز روان ۹- قی کردن. [برای آشنایی با واژگان فقهی به بخش اصطلاح‌نامه رجوع کنید].

۲. بحارالانوار، ج ۹۶، ص ۲۵۴.

۳. همان.

۴. بحارالانوار، ج ۹۳، ص ۲۵۴، ح۴.

۵. وسائل‌الشیعة، ج ۱۰، ص ۴۱۰، ح۱.

۶. نهج‌البلاغه، خطبه ۱۹۲.

۷. من لایحضره‌الفقیه، ج ۲، ص ۴۳، ح ۱.

۸. وسائل‌الشیعة، ج ۱۰، ص ۹، ح ۵.

حکمت و فواید روزه

روزه حکمت‌ها و آثار فراوانی در بردارد که مهم‌ترین آن‌ها از این قرار است:

۱. آدمی را در مسیر تقوا و پرهیزگاری کمک می کند.[۱]

۲. برقراری مساوات میان نیازمندان و اغنیا، تا افراد با چشیدن طعم گرسنگی، به یاد فقیران و محرومان بیفتند و حق آنان را ادا کنند.[۲]

۳. آرام بخش دل‌هاست.[۳]

۴. آثار بهداشتی و درمانی فراوانی دارد و موجب تندرستی جسم می‌گردد.[۴]

معنای رمضان

رَمَضان در لغت از ماده (رَمَضَ) به معنای شدّت گرما و تابش آفتاب بر سنگ و شن است. با توجه به این که ماه رمضان، هنگام تحمّل سختی و عطش و گرسنگی است، به این عنوان، نام گرفته است. این ماه، نُهمین ماه قمری و یگانه ماهی است که نامش در قرآن آمده و نیز یکی از نام‌های خداوند است. از این رو در روایات آمده که کلمه‌ی «ماه» به «رمضان» اضافه گردد و به هیچ وجه به تنهایی گفته نشود. ماه رمضان بر همه‌ی ماه‌ها برتری دارد؛ زیرا همه‌ی کتاب‌های آسمانی (صُحُف، زَبور، تورات، اِنجیل، قرآن) در این ماه نازل شده است. شب قدر در این ماه قرار گرفته و شاید به دلیل همین ویژگی‌هاست که این ماه برای روزه‌داری انتخاب شده است.[۵]

روزه‌ی کامل و حقیقی

گرچه با پرهیز از کارهایی که روزه را باطل می‌کند، تکلیف از عهده‌ی انسان برداشته می‌شود و روزه صحیح است، ولی روزه‌ی کامل و حقیقی تنها به نخوردن و نیاشامیدن نیست، بلکه حقیقت روزه یعنی خودداری و پرهیز از آنچه ما را از خدا دور می‌کند.

۱. بقره/ ۱۸۳.

۲. احادیث بسیاری در این زمینه آمده است؛ ر.ک: من لایحضره‌الفقیه، ج۲، ح۱۷۶۶-۱۷۶۹.

۳. امام باقر(ع) می‌فرمایند: «الصیامُ والحجُّ تسکین القلوب»؛ بحار الأنوار، ج۷۸، ص۱۸۳.

۴. رسول خدا(ص): «صوموا تصحّوا»؛ روزه بگیرید تا سالم شوید.

۵. تفسیر نمونه، ج۱، ص۶۳۴؛ لسان العرب؛ مجمع البحرین؛ من لا یحضره الفقیه، ج۲، باب النوادر، ص۱۶۹.

اقسام روزه



روزه‌های واجب

س. روزه‌های واجب کدامند؟

۱. روزه‌ی ماه رمضان[1]

۲. روزه‌ی قضا

۳. روزه‌ی کفّاره

۴. روزه‌ی نذر، عَهْد و قَسَم

۵. روزه‌ی اِستیجاری

۶. روزه‌ی روز سوم اعتکاف

۷. روزه‌ی جایگزین قربانی در حج تمتّع

روزه‌های حرام

س. روزه‌های حرام کدامند؟

۱. روزه‌ی عید فطر[2]

۲. روزه‌ی عید قربان[3]

۳. روزه‌ی سکوت[4]

۴. روزه‌ی وصال[5]

۵. روزه‌ی مستحبّ زن، در موردی که با حق شوهر منافات دارد.[6] (بنابر احتیاط واجب)

۶. روزه‌ی مستحبّ فرزند، آن جا که باعث آزار پدر و مادر شود.

۷. روزه‌ی فردی که روزه برایش ضرر دارد.

۸. روزه‌ی مسافر (به جز مواردی که استثنا شده است).

۹. روزه‌ی ایّام تشریق[7] برای کسی که در منا است.

۱۰. روزه‌ی یوم الشّک به نیّت روزه‌ی ماه رمضان.

۱. وجوب روزه از ضروریات دین است و مُنکر آن مُرتد و کشتن او به دستور حاکم شرع واجب است.

۲. روز اوّل شوال عید فِطر است.

۳. روز دهم ذی‌حجّه عید قربان است.

۴. به این معنا که نیّت سکوت و حرف نزدن داشته باشد، هرچند در قسمتی از روز.

۵. به نیّت ادامه‌ی روزه، بعد از افطار نیز چیزی نخورد، ولی اگر بدون نیّت، افطار را تا سحر یا شب بعد تأخیر بیندازد، اشکالی ندارد.

۶. حق شوهر، تمکین همسر در هر زمانی است و در بعضی موارد با روزه گرفتن زن این حق زیر پا گذاشته می‌شود.

۷. یازدهم، دوازدهم و سیزدهم ذی‌حجّه «ایام تشریق» است.

روزه‌های مستحب

م. روزه‌ی تمام روزهای سال غیر از روزه‌های حرام و مکروه، مستحب است، ولی در مورد برخی از روزه‌ها، بیشتر سفارش شده است.

روزه‌های مستحب سفارش شده عبارتند از:

۱. عید سعید غدیرخم (هجدهم ذی‌حَجّه)

۲. میلاد پیغمبراکرم ﷺ (هفدهم ربیع‌الاوّل)

۳. روز مبعث حضرت رسول‌اکرم ﷺ (بیست و هفتم رَجب)

۴. پنج شنبه‌ی اوّل و آخر هر ماه قمری

۵. چهارشنبه‌ی اوّلِ بعد از روز دهم ماه قمری

۶. سیزدهم، چهاردهم و پانزدهم هر ماه قمری

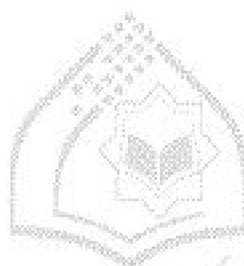
۷. نوروز

۸. تمام ماه رجب و شعبان، یا بخشی از این دو ماه

۹. روز بیست و پنجم و بیست و نهم ذی‌قَعده

۱۰. روز اوّل تا نهم ذی‌حَجّه

۱۱. روز اوّل و سوم مُحرّم



روزه‌های مکروه

س. روزه‌های مکروه کدامند؟

۱. روزه‌ی روز عاشورا

۲. روزه‌ی روز عَرَفه اگر او را از خواندن دعا باز دارد.

۳. روزه‌ی مستحبّی میهمان بدون اجازه‌ی میزبان

۴. روزه‌ی مستحبّی فرزند بدون اجازه‌ی پدر و مادر[1]

۱. اگر روزه موجب اذیّت پدر و مادر شود، حرام است.

نیّت

کیفیّت نیّت در روزه‌های مختلف

م . روزه‌داری در اسلام، اعتصاب غذا برای رسیدن به هدف‌های مادّی نیست؛ بلکه این عمل پیوندی با پروردگار جهان دارد و چون عبادت است، باید به قصد انجام فرمان او باشد.

نیّت «روزه» یعنی شخص تصمیم داشته باشد که برای انجام فرمان خداوند، از اذان صبح تا مغرب، کاری که روزه را باطل می‌کند، انجام ندهد و لازم نیست آن را از قلب خود بگذراند و یا بر زبان جاری کند.

وقت نیّت

م . وقت نیّت برای روزه‌ی ماه رمضان و نذر معیّن، از اوّل شب تا اذان صبح و برای روزه‌ی غیرمعیّن (مانند روزه‌ی قضا و نذر مطلق) از اوّل شب تا ظهر روز بعد است. زمان نیّت روزه‌ی مستحبّی از اوّل شب شروع شده و تمام روز تا موقعی که به اندازه‌ی نیّت کردن به مغرب وقت مانده باشد ادامه دارد؛ از این رو کسی که تا آن زمان از مُفَطرات پرهیز کرده، می‌تواند نیّت کند و برایش ثواب روزه‌داری نوشته می‌شود.

نکته

نذر دو نوع است:

۱. نذر مشروط

۲. نذر مُطلق

نذر مشروط آن است که شخص انجام عمل نیک یا اجتناب از کار ناشایست، را بر خود واجب می‌کند تا در نتیجه‌ی آن خدای متعال حاجتش را برآورد؛ برای مثال می‌گوید: برای خدا برعهده‌ی من است که اگر بیمارم شفا یافت، یک روز روزه بگیرم.

نذر مطلق نذری است که بدون هیچ قید و شرطی بگوید: برای خدا برعهده ی من است که فلان کار را انجام دهم.

نیّت روزه‌ی ماه رمضان

م . انسان می‌تواند در هر شب از ماه رمضان برای روزه‌ی فردای آن نیّت کند و علاوه بر این، بهتر است که شب اوّل ماه روزه‌ی همه‌ی ماه را هم، نیّت نماید.

نیّت نکردن تا طلوع آفتاب

س . شب قصد روزه گرفتن داشتم، اما سحر بیدار نشدم تا نیّت کنم و نزدیک طلوع آفتاب بیدار شدم؛ آیا روزه صحیح است؟

انسان می‌تواند در هر شب از ماه رمضان، برای روزه‌ی فردای آن نیّت کند. در نتیجه لازم نیست حتماً سحر بیدار شوید و نیّت روزه کنید.

فراموش کردن نیّت روزه

س . اگر شب اوّل ماه رمضان، نیّت روزه را فراموش کند و پیش از ظهر یادش بیاید، تکلیف روزه‌ی او چیست؟

اگر مُبطِلات روزه را مرتکب نشده، بنابر احتیاط واجب باید نیّت روزه کند و روزه بگیرد و بعداً نیز روزه‌ی آن روز را قضا کند.

عدول [برگشتن] از نیّت روزه

س . آیا برگشتن از نیّت در روزه امکان‌پذیر است؟

تا ظهر عدول از مستحبّی به واجب صحیح است.

نیّت روزه‌ی یوم‌الشّک

م . در روزی که انسان شک دارد آخرِ شعبان است یا اوّلِ ماه رمضان(یوم الشّک) واجب نیست روزه بگیرد، اگر بخواهد روزه بگیرد نمی‌تواند نیّت روزه‌ی رمضان کند، بلکه می‌تواند قصد روزه‌ی مستحبّیِ آخر شعبان یا روزه‌ی قضا و مانند آن کند و اگر بعداً معلوم شود که ماه رمضان بوده از رمضان حساب می‌شود و قضای آن روز لازم نیست. و اگر در اثنای روز بفهمد که ماه رمضان است باید از همان لحظه نیّت روزه‌ی رمضان کند.



وقت روزه

زمان روزه‌داری

م . شروع پرهیز از مُبطِلات روزه، طلوع فَجْر صادق (وقت اذان صبح) است؛ پس اگر با شنیدن اذان، به طلوع فَجْر اطمینان پیدا کند، نباید مُبطلی انجام دهد، پس اگر لقمه‌ای در دهان وارد شد، نباید فرو برد. امّا اگر اطمینان به دُخول وقت ندارد، می‌تواند چیزی بخورد.

توجه

گرچه احتیاط در این مورد خوب است. لازم است مؤمنین جهت رعایت احتیاط در مورد اِمساک[1] روزه و وقت نماز صبح، هم زمان با شروع اذان صبح از رسانه‌ها برای روزه اِمساک نمایند و حدود پنج، شش دقیقه بعد از اذان شروع به ادای فریضه‌ی صبح نمایند.

۱. خودداری؛ پرهیز از غذا خوردن و سایر مواردی که باعث باطل شدن روزه می‌شود.

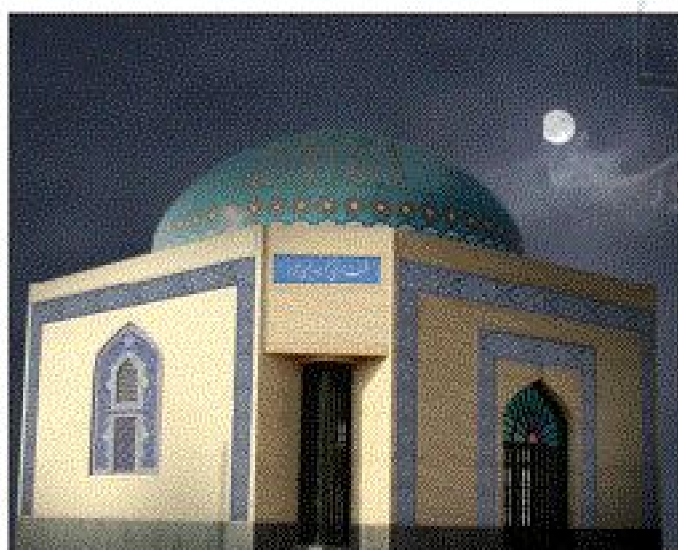
زمان اِفطار

س. آیا با شروع اذان مغرب افطار جایز است؟

اگر یقین حاصل شود که وقت داخل شده، اشکال ندارد و اگر شک یا گمان دارد، افطار جایز نیست.



نکته



میان غروب و مغرب تفاوت وجود دارد.

«غروب» آن است که قرص خورشید از افق محو شود، ولی مغرب آن است که سرخی بعد از غروب آفتاب که از طرف مشرق بالا می‌آید، زایل شود.

فاصله‌ی زمانی میان غروب و مغرب در فصل‌های مختلف سال تفاوت می کند.

برای افطار

امام باقر علیه‌السلام : در ماه رمضان ابتدا نماز بخوان، سپس افطار کن. مگر این‌که همراه عده‌ای بودی که منتظر افطار بودند. اگر قرار بود تو نیز با آنان افطار کنی، با ایشان مخالفت نکن و ابتدا افطار کن و در غیر این صورت ابتدا نماز بخوان. راوی پرسید: چرا این کار را کنم و ابتدا نماز بخوانم؟
فرمود: چون دو وظیفه برای تو پیش آمده است: افطار و نماز؛ پس با چیزی شروع کن که بر دیگری برتری دارد و آن نماز است. سپس فرمود: و تو روزه‌داری؛ پس اگر نمازت را با حالت روزه به‌جا آوری و روزه را پایان دهی، برای من دوست داشتنی‌تر است.[1] و نیز فرمودند:
با چیز شیرین (مانند خرما) افطار کن و اگر چیز شیرینی نیافتی با آب افطار کن که آب پاک است.[2]
امام صادق علیه‌السلام:
هرکس روزه‌داری را افطار دهد، پاداش او هم مانند پاداش فرد روزه‌دار است.[3]

۱. وسائل الشیعة، ج۱۰، ص ۱۵۰، ح۲.
۲. وسائل الشیعة، ج۱۰، ص ۱۶۰، ح۱۶.
۳. کافی، ج ۴ ص ۶۸، ح ۱.

کسانی که روزه بر آنها واجب نیست

س. بر چه کسانی روزه واجب نیست؟

۱. کسی که به جهت ضعف بُنْیِه، روزه‌داری برایش مشقّت فراوان و غیر قابل تحمّل دارد. البته چنین افرادی باید روزه بگیرند، اگر ضعف به حدّ طاقت‌فرسا رسید آن وقت مجازند افطار نمایند.

۲. پیرمرد و پیرزنی که روزه برای آنان مشقت دارد، یا اصلاً نمی‌توانند روزه بگیرند.[1]

۳. کسی که بیماری‌اش تشنگی زیاد است و نمی‌تواند آن را تحمّل کند.[2]

۴. زن باردار یا زن شیردهی که روزه برای خود یا بچه‌اش ضرر دارد.[3]

۵. زنی که خون حیض و نِفاس می‌بیند.[4]

۶. مسافری که قصد اقامت ده روز ندارد.

۷. بیماری که روزه برایش ضرر دارد.

۸. نابالغ

۹. دیوانگان

۱۰. فرد بیهوش یا کسی که در کُما به سر می‌برد.



روزه و طول کشیدن بیماری

س. اگر روزه باعث شود بیماری دیرتر بهبود یابد، تکلیف چیست؟

روزه حرام است.

۱. میزان پیری وابسته به نظر عُرف است. یعنی توده‌ی مردم به فردی پیرمرد یا پیرزن بگویند. چنین کسی اگر روزه برای او مشقت دارد باید برای هر روز یک مُد طعام به فقیر بدهد.

۲. این افراد پس از برطرف شدن عُذر باید قضای روزه را به‌جا آورند و برای هر روز یک مُد طعام هم به فقیر بدهند.

۳. در صورتی که برای بچه ضرر دارد پس از برطرف شدن عذر باید برای هر روز یک مُد طعام به فقیر بدهد و قضای روزه را بجا آورد و در صورتی که برای خودش ضرر داشته باشد حکم افراد بیمار را دارد.

۴. بر زن حایض و نفسا روزه واجب نیست، و اگر روزه هم بگیرد صحیح نمی‌باشد. (اگرچه قضای آن را باید به‌جا آورد).

روزه با اعتقاد به ضرر آن

س. اگر بیمار با اعتقاد به این که روزه برایش ضرر دارد، روزه بگیرد، حکمش چیست؟
اگر روزه بگیرد، صحیح نیست و باید پس از ماه رمضان در هنگام سلامت آن را قضا کند.

احتمال زخم معده و سنگ مثانه

س. کسی که می‌داند یا احتمال قوی می‌دهد که مثلاً اگر روزه بگیرد، به زخم معده دچار می‌شود، آیا روزه بر او واجب است؟
اگر احتمال عُقلایی می‌دهد، روزه بر او واجب نیست.

کلیه و آشامیدن مایعات

س. کسی که بیماری کلیه دارد و باید برای جلوگیری از آن در طول روز چندین بار از آب و مایعات استفاده کند، حکم روزه او چه می‌شود؟
روزه گرفتن بر او واجب نیست.

احتمال ضرر برای چشم

س. چشم من ضعیف است و می‌ترسم روزه برایم ضرر داشته باشد؛ تکلیف من چیست؟
اگر ترسِ ضرر عُقَلایی باشد، روزه بر شما واجب نیست و اگر تا ماه رمضان سال بعد بیماری ادامه یافت، قضا هم ندارد و تنها برای هر روز یک مُد طعام به عنوان کفّاره به فقیر بدهید.

س. با روزه گرفتن قدرت بینایی‌ام کم می‌شود؛ آیا می‌توانم روزه بگیرم؟
کم‌شدن قدرت بینایی اگر به معنای ضعیف شدن چشم یا شدت یافتن بیماری باشد، روزه واجب نیست، و اگر موقّت است و پس از مدتی یا بعد از ماه رمضان برطرف می‌شود، روزه واجب است.

توجه

صرف «احتمال ضرر» مجوّز ترک روزه نیست؛ بلکه لازم است احتمال به حدّی برسد که برای انسان «ترس از ضرر» به وجود آید.

مرجع تشخیص ضرر روزه

س. آیا ملاک در ضرر، تشخیص خودم است یا پزشک؟
تشخیص خودِ شما ملاک است و همین اندازه که ترس شما در مورد ضرر عقلایی باشد، کافی است. البته ترس از ضرر گاهی از قول متخصّص، زمانی از تجربه‌ی بیمارهای مشابه و گاهی از تجربه‌ی خود انسان به دست می‌آید.

احتمال ضرر، مجوّز ترک روزه

س . آیا احتمال ضرر هم مجوّز ترک روزه می‌شود، یا اطمینان به آن لازم است؟ میزان در مقدار ضرر چیست؟

آنچه مجوّز افطار روزه می‌شود، ترس از ضرری است که منشأ عقلایی داشته باشد و میزان در مقدار آن، عُرف عُقلا است؛ به گونه‌ای که اثر ناشی از روزه را ضرر بدانند.

شک مُکَلّف و منع پزشک

س . اگر انسان شک داشته باشد که روزه برایش ضرر دارد یا نه، ولی پزشک او را از روزه گرفتن منع کند، تکلیف چیست؟

اگر از گفته‌ی پزشک برای او ترس پیدا شود و احتمال عقلایی بدهد که روزه برایش ضرر دارد، نباید روزه بگیرد.

نظر پزشک غیرمُتدیّن

س . پزشکی مرا از روزه گرفتن منع کرده است؛ با توجه به این که او نسبت به مسائل شرعی آگاهی ندارد، آیا باید به تشخیص وی عمل کنم؟

چنانچه از گفته و تشخیص پزشک (حتی اگر غیر مسلمان باشد) اطمینان یا ترس از ضرر برای شما پیدا شود،[1] نباید روزه بگیرید.

ملاک در تشخیص ضرر

س .پزشک مرا از روزه گرفتن منع کرده، ولی می‌دانم روزه برایم ضرر ندارد؛ وظیفه‌ام چیست؟

اگر می‌دانید ضرر ندارد و از گفته‌ی پزشک هم برای شما ترس و احتمال عُقلایی ضرر پیدا نمی‌شود، باید روزه بگیرید.

وظیفه‌ی بیمار در مورد روزه

س . به دستور پزشک از روزه گرفتن منع شده‌ام و این باعث ناراحتی من شده است و دوست دارم مانند دیگران روزه بگیرم؛ آیا این کار برایم اشکالی دارد؟

روزه با وجود بیماری باطل است[2] و شما نباید روزه بگیرید،[3] ولی اگر قبل از ماه رمضان سال آینده بهبود پیدا کردید، روزه‌ها را قضا کنید. در صورتی هم که تا سال بعد بهبود نیافتید، وظیفه‌ای برای روزه ندارید و باید به جای آن برای هر روز یک مُد[4] طعام به فقیر بدهید.

۱. اگر از گفته پزشک یا منشأ عقلائی دیگری برای او ترس ضرر پیش بیاید، روزه حرام است.

۲. چون ضرر دارد، حرام هم است.

۳ . توجه داشته باشید که آن چه مهم است، بندگی خدا و اطاعت از فرمان‌های اوست.

۴. ۷۵۰ گرم، معادل ده سیر طعام از قبیل برنج، آرد، گندم، خرما و کشمش می‌باشد.

گمان به ضرر و کشف خلاف

س . بیماری گمان دارد روزه برایش مُضرّ است، ولی روزه می‌گیرد و بعد از افطار متوجه می‌شود که ضرری نداشته است؛ آیا روزه‌اش صحیح بوده است؟

با فرض این که ترس از ضرر داشته و منشأ آن هم عقلایی بوده، روزه‌اش باطل و قضای آن بر او واجب است.

م . اگر کسی اطمینان پیدا کند که روزه برایش ضرر ندارد، ولی پس از اذان مغرب متوجه شود که ضرر داشته است، روزه‌اش صحیح نیست و باید قضای آن را به جا آورد.

م . کسی که می‌داند روزه برایش ضرر قابل توجهی ندارد، اگر چه پزشک بگوید ضرر دارد، باید روزه بگیرد و کسی که خودش اطمینان یا گمان دارد که روزه برایش ضرر دارد، هر چند دکتر بگوید ضرر ندارد، باید روزه نگیرد و اگر روزه بگیرد، صحیح نیست؛ بلکه حرام هم است.

دشواری روزه گرفتن

روزه‌ی دانش آموزان

س . اگر امتحانات آخر سال دانش آموزی هم زمان با ماه رمضان باشد و او نتواند هم درس بخواند و هم روزه بگیرد، آیا می‌تواند برای هدر نرفتن تلاش یک سالش، چند روز از روزه‌هایش را افطار کند؟

باید روزه بگیرد و تا سختی زیادی پیش نیامده، نمی‌تواند افطار کند. البته می‌تواند به سفر برود و افطار نماید[1] و بعد از بازگشت در آن روز لازم نیست اِمساک کند.



۱. این شخص می‌تواند پس از اذان صبح به قصد سفر از شهر خارج شود و پس از حدّ ترخُّص مجاز به افطار روزه است، ولی حداقل باید ۲۲/۵ کیلومتر از شهر دور شود و دوباره برگردد تا مسافت شرعی محقق شود.

روزه‌ی کارگران

س . اینجانب کارگر شاغل در شرایط بسیار بد آب و هوایی (گرمای ۴۵ درجه) و کار سنگینم که روزه گرفتن برایم بسیار مشکل است؛ به طوری که کارم را تحت تأثیر قرار می‌دهد و ممکن است به اخراجم منجر شود؛ لطفاً مرا راهنمایی کنید؟

اگر مرخّصی و اشتغال موقت به شغل دیگری که با روزه گرفتن منافاتی ندارد و یا مسافرت در ابتدای هر روز برای شما امکان ندارد، باید روزه بگیرید و اگر در بین روز، روزه برای شما ضرر یا مشقّت زیاد داشته باشد، افطار برای شما جایز است و بعداً[1] باید آن را قضا کنید؛ ولی در غیر این صورت، ترک آن به جهت برخی عُذرها جایز نیست.

روزه‌ی کشاورزان و دامداران

س . آیا بر کشاورزان و دامدارانی که به کشاورزی یا چوپانی مشغولند، روزه گرفتن واجب است؟

بلی، واجب است، ولی اگر در بین روز ادامه‌ی روزه با سختی زیاد(حَرَجی) باشد، می‌تواند افطار کند.

س . اوج کار ما کشاورزان (مانند درو گندم و جو) در فصل تابستان و گاهی هم زمان با ماه رمضان است و نمی‌توانیم آن را تعطیل کنیم؛ زیرا محصول از بین می‌رود. از طرفی اگر روزه بگیریم، به علت تشنگی زیاد در گرمای شدید نمی‌توانیم به کارمان برسیم و کار عقب می‌ماند؛ وظیفه ما چیست؟

در صورتی که بتوانید روزه بگیرید ـ هر چند برای کار کمک بگیرید یا شب کار کنید - باید روزه بگیرید و اگر ممکن نباشد، می‌توانید بعد از اذان صبح به قصد مسافرت شرعی از محل خود بیرون بروید و افطار کنید و سپس برگردید. اگر این هم ممکن نبود باید روزه بگیرید، ولی در بین روز - که روزه برایتان بسیار سخت می‌شود-به دلیل مشقّت و ضعفِ شدید، می‌توانید افطار کنید و قضای آن را در فصلی دیگر تا قبل از ماه رمضان سال بعد بگیرید.





۱. یعنی تا ماه رمضان سال آینده فرصت دارید که آن روزه‌ها را قضا کنید.

س. به دستور پزشک باید هر یک ساعت مقداری مایعات بنوشم؛ وظیفه‌ام برای روزه چیست؟
روزه واجب نیست، و اگر پس از ماه رمضان در طول سال توان روزه گرفتن پیدا کردید، قضا واجب است؛ و در صورتی که بیماری شما تا سال آینده ادامه داشت قضا لازم نیست و باید برای هر روز یک مُدّ طعام بدهید.

قانون کلی

اگر کسی به دلیل بیماری روزه ماه رمضان را نگیرد، در صورتی که بیماری‌اش تا سال آینده ادامه یابد، قضای روزه‌ها بر او واجب نیست و تنها باید برای هر روز یک مدّ طعام به فقیر بدهد.

س. آیا بیماری‌ها و اختلالات روحی و روانی باعث ساقط شدن تکلیف نماز و روزه می‌شود؟
اگر بیماری فرد به گونه‌ای باشد که نتواند وقت نماز را تشخیص دهد یا تا او را به کاری وادار نکنند، نمی‌تواند آن را انجام دهد، تکلیف از او ساقط می‌شود.

بی‌هوشی در حال روزه

م. اگر شخصی پیش از اذان صبح نیّت روزه کند و بی‌هوش شود و در بین روز به هوش بیاید، بنابر احتیاط واجب باید روزه آن روز را تمام کند و اگر تمام نکرد، قضای آن را به جا آورد.

زن باردار

س. روزه گرفتن برای زن باردار -که نمی‌داند روزه برای جنین ضرر دارد یا نه- چه حکمی دارد؟
اگر بر اثر روزه، ترس از ضرر برای جنین داشته باشد، نباید روزه بگیرد.

زن شیرده

س. وظیفه‌ی زنی که شیر می‌دهد، در مورد روزه چیست؟
مسأله دو صورت دارد اگر روزه باعث کمی شیر او و موجب ضرر برای بچه شود، روزه بر او واجب نیست و باید برای هر روز یک مُد طعام به فقیر بدهد و بعداً روزه را قضا کند و اگر روزه برای خودش ضرر داشته باشد حکم افراد بیمار را دارد.

س. مادری که به نوزاد دو ماهه‌اش شیر می‌دهد، با توجه به بودن شیر خشک در بازار آیا می‌تواند روزه نگیرد؟
اگر استفاده از شیر خشک برای تغذیه‌ی نوزاد ضرر و مشکلی ندارد بنا بر احتیاط واجب روزه بگیرد.

روزه‌ی حایض

س. اگر زن حایض در ماه رمضان، پیش از اذان صبح از حیض پاک شود، تکلیف او چیست؟

اگر برای غسل وقت دارد، باید غسل کند و چنانچه وقت تنگ است، تیمّم کند و روزه‌اش صحیح است؛ و در صورتی که از روی عَمد، غسل یا تیمّم نکند، روزه‌اش باطل است و باید کفّاره بدهد.

نکته

کفّاره از مادّه‌ی «کفر» و به معنای «پوشاننده» است و در اصطلاح دینی، عبارت است از:
«پرداخت صدقه، قربانی یا انجام عمل شرعی و مانند آن به جهت گناه یا قصوری که صورت گرفته است.» از آن جا که چنین کاری آثار گناه را محو یا آن قصور را جبران می‌کند و آن‌را از انسان می‌پوشاند، «کفّاره» می‌گویند. «کافر» نیز از آن جهت که حقایقی چون وجود خداوند، قیامت و نبوّت را انکار کرده و آن را می‌پوشاند، این نام را یافته است. [برای آشنایی با واژگان فقهی به بخش اصطلاح‌نامه رجوع کنید].

خون حیض در بین روز

س. اگر زن روزه دار در روز، خون حیض ببیند، تکلیفش چیست؟

روزه‌اش باطل می‌شود و باید بعد از ماه رمضان آن را قضا کند.

وظیفه‌ی زن پس از پاک شدن

م. بعد از آن که زن از خون حیض پاک شد، واجب است برای نماز، روزه و عبادت‌های دیگری که باید با طهارت به جا آورده شود، غسل کند و دستور آن مثل غسل جنابت است.

<table dir="rtl">
<tr><td rowspan="4">قبل از اذان صبح از خون پاک شود</td><td colspan="2">۱. عَمداً تا اذان صبح غسل نکند یا اگر وظیفه‌اش تیمّم است، تیمّم نکند در روزه‌ی ماه رمضان و قضای آن</td><td colspan="2">روزه‌اش باطل است.</td></tr>
<tr><td rowspan="2">۲. برای غسل وقت ندارد</td><td>روزه‌ی ماه رمضان و قضای آن است</td><td colspan="2">باید تیمّم کند و روزه‌اش صحیح است.</td></tr>
<tr><td>روزه‌ی او مستحب یا واجب مثل روزه کفاره یا نذر است.</td><td colspan="2">احتیاط مستحب است که تیمم بکند.</td></tr>
<tr><td colspan="2">۳. در غسل کردن کوتاهی نکرده، ولی مثلاً برای استفاده از حمام منتظر مانده و وقت تنگ شده</td><td colspan="2">با تیمّم روزه‌اش صحیح است.</td></tr>
<tr><td colspan="3">نزدیک اذان صبح پاک شود و برای غسل یا تیمّم وقت نداشته باشد</td><td rowspan="2">روزه‌اش صحیح است.</td><td rowspan="2">ولی اگر در وسعت وقت قضای رمضان را گرفته صحیح بودن آن محل اشکال است.</td></tr>
<tr><td colspan="3">بعد از اذان صبح بفهمد که قبل از اذان پاک شده</td></tr>
<tr><td>بعد از اذان پاک شود</td><td colspan="4">روزه‌اش صحیح نیست.</td></tr>
<tr><td colspan="4">غسل را فراموش کند و پس از یک یا چند روز یادش بیاید</td><td>روزه‌هایی که با این حال گرفته، صحیح است.</td></tr>
</table>

مُبْطِلات روزه (باطل کننده‌های روزه)

م . روزه‌دار باید از اذان صبح تا مغرب از برخی کارها بپرهیزد و اگر یکی از آنها را انجام دهد، روزه‌اش باطل می‌شود. به این کارها «مُبطِلات روزه» می‌گویند:



خوردن و آشامیدن

م . اگر روزه‌دار به عَمْد چیزی بخورد یا بیاشامد، روزه‌اش باطل می‌شود؛ چه آن چیز خوردنش معمول باشد- مانند نان و آب - چه غیر معمول - مثل خاک و شیره‌ی درخت - و چه کم باشد یا زیاد؛ اما اگر سَهْواً چیزی بخورد یا بیاشامد، روزه‌اش باطل نمی‌شود.

چشیدن غذا

س . آیا چشیدن غذا روزه را باطل می‌کند؟
اگر آن را فرو نبرد، اشکالی ندارد.

لقمه‌ی داخل دهان

م. اگر در حال سحری خوردن بفهمد اذان صبح شده، باید لقمه را از دهان بیرون آورد و چنانچه به عَمْد آن را فرو برد، روزه‌اش باطل است و به دستوری که خواهد آمد، کفّاره هم بر او واجب می‌شود.

غذای لای دندان

م. اگر روزه دار چیزی را که لای دندان مانده به اشتباه فرو ببرد، روزه‌اش باطل نمی‌شود، ولی اگر بداند که در روز غذای لای دندان فرو می‌رود باید پیش از اذان صبح خلال کند و چنانچه خلال نکند و در روز فرو برود، روزه‌اش باطل است، و کفّاره هم بر او واجب می‌شود و اگر می‌دانسته در روز فرو می‌رود، هر چند فرو نرود بنابر احتیاط واجب باید قضای آن روز را بگیرد.

طعم و بوی غذا در دهان

س .گاهی بعد از سحر طعم و بوی بعضی از غذاها یا خمیر دندان تا مدتی در دهان می‌ماند. حال اگر پس از گرداندن آب در دهان، باز طعم و بویی باقی بماند، تکلیف چیست؟

اگر دهان شسته شود و اجزای غذا باقی نماند، اشکالی ندارد.

تر کردن لب

س . آیا ترکردن لب با زبان، روزه را باطل می‌کند؟

خیر، باطل نمی‌کند.

تذکر به روزه‌داری که نادانسته افطار می‌کند

س . اگر شخص روزه‌دار در اثر فراموشی چیزی بخورد، آیا تذکر دادن به او واجب است؟

خیر، واجب نیست.

غرغره کردن

م . اگر هنگام غرغره کردن، آب از گلو پایین برود، روزه باطل می‌شود.

مضمضه‌ی آب برای رفع عطش

س . اگر روزه‌دار آب را به قصد رفع عطش در دهان گردانده و بیرون بریزد - به طوری که اندکی از آن هم پایین نرود- چه حکمی دارد؟

اشکالی ندارد.



توجه

۱. فرو بردن آب دهان روزه را باطل نمی‌کند، هر چند زیاد باشد.

۲. فرو بردن اخلاط سر و سینه، اگر به فضای دهان نرسیده باشد، حرام نیست؛ ولی در حال روزه اگر به فضای دهان رسیده باید بنابر احتیاط واجب آن را فرو نبرد، و اگر به عَمد فرو برد، بنابر احتیاط، قضا و کفّاره بر او واجب می‌شود.

جویدن آدامس

س . آدامس جویدن و مَکیدن کُندر[1] برای روزه دار چه حکمی دارد؟

هرگاه طعم یا ذراتِ چیزهایی مانند آدامس پس از جویدن یا مَکیدن وارد حلق شود، روزه را باطل می‌کند؛ اما اگر ذراتی از آن جدا نمی‌شود یا در صورت جدا شدن آن را بیرون می‌ریزد، اشکال ندارد. ولی مکیدن کُندر روزه را باطل می‌کند .

نکته

اجزای آدامس و مانند آن به تدریج در دهان جدا می‌شود و ممکن است از گلو فرو رود؛ از این رو این کار برای روزه‌دار پسندیده نیست و گاهی تظاهر به آن، سبک شمردن روزه محسوب می‌شود.

روزه‌دار و دندانپزشکی

م . پُر کردن، کشیدن یا جِرم گیری دندان برای روزه‌دار زمانی جایز است که اطمینان به فرورفتن خون یا آبی که با دستگاه وارد فضای دهان می‌شود نداشته باشد ولی اگر فرورفت روزه باطل می‌شود.



روزه و خون‌ریزی دهان

س . من روز قبل دندانم را پُر کرده‌ام و امروز که روزه‌ام، کمی خون ریزی دارد؛ آیا فرو بردن آب دهان در این حالت (که با خون دندان مخلوط است) جایز است؟ روزه‌ام چه حکمی دارد؟

خونی که از لثه بیرون می آید تا آن را فرو نبرده است روزه باطل نمی‌شود و چنانچه در آب دهان مُسْتَهْلَک شود (و از بین برود) محکوم به طهارت است و بلعیدن آن اشکال ندارد و مُبْطل روزه نخواهد بود .

فرو بردن سَهْوی خون دهان

س . به جهت بیماری لثه، در روز چندین بار از آن خون می‌آید و گاهی بدون توجه فرو می‌رود؛ آیا روزه باطل می‌شود؟

اگر بدون توجّه و اختیار فرو رود، روزه صحیح است.

1. کُندُر (Olibanum) گیاهی دارویی است از راسته‌ی ناترک‌سانان (Sapindales) که از صمغ آن به عنوان خوشبو کننده استفاده می‌شود. صمغ کُندر را معمولاً با اسپندداته می‌سوزانند. جویدن کُندر مانند آدامس لثه را محکم می‌کند و بوی دهان را می‌زداید.

س. گاهی از لثه‌ام خون می‌آید و در آب دهان از بین می‌رود؛ اگر آن را فرو برم، روزه باطل می‌شود؟
فرو بردن آن روزه را باطل نمی‌کند.

وسایل دندانپزشکی در دهان

س. آیا بردن وسایل غیر خوراکی مثل وسایل دندانپزشکی و ابزار معاینه به دهان باعث ابطال روزه می‌شود؟

خیر، مگر این که رطوبت دهان روی آن بماند و بعد آن را به دهان برگرداند و به اندازه‌ای باشد که در آب دهان از بین نرود و آن را فرو برد که در این صورت روزه‌اش باطل می‌شود.

مسواک زدن

م. مسواک زدن با خمیر دندان درحال روزه اشکال ندارد، ولی باید از فرو رفتن آب دهان جلوگیری شود و دهان را بعد از آن بشوید.

نخ دندان

م. استفاده روزه دار از نخ دندان-که مادّه‌ی فلوراید و طعم نعنا دارد- اگر آب دهان را فرو نبرد، اشکال ندارد.

رژ لب

م. استفاده از رژلب هنگام روزه‌داری آن را باطل نمی‌کند، مگر آن که وارد دهان شده و فرو داده شود.



پماد لب

س. زدن پماد «مثل ویتامین آ» روی لب‌ها (برای جلوگیری از ترک خوردن) برای روزه‌دار چه حکمی دارد؟

چنانچه با آب دهان مخلوط نشود و از گلو پایین نرود، اشکال ندارد.

عطر و شامپو

م . استفاده از شامپو و کِرم مُعَطَّر در حال روزه آن را باطل نمی‌کند. استعمال عطر نیز برای روزه‌دار مستحب است، ولی بوییدن گیاهان مُعَطّر کراهت دارد.

اهدای خون

م . اهدای خون از سوی فرد روزه‌دار، اگر باعث ضعف شود، مکروه است.



ریختن داروی چشم



س . آیا ریختن دارو به چشم (مانند قطره‌ی استریل چشمی) روزه را باطل می‌کند؟
روزه را باطل نمی‌کند.

شستشوی معده با دستگاه

س . آیا شست وشوی معده با سُوند[1] باعث باطل شدن روزه می‌شود؟
بله، باطل کننده است و باید روزه را قضا کند.

توجه

اگر شست‌وشوی معده بعد از افطار ممکن باشد و در طول روز ضرورتی نباشد، باطل کردن روزه حرام است.

آندوسکوپی

س . آیا آندوسکوپی روزه را باطل می‌کند؟
تا چیزی همراه آن وارد حلق نشود، روزه را باطل نمی‌کند.

توجه

اگر روزه‌ی ماه مبارک رمضان را باطل کند، امساک تا اذان مغرب لازم است.

۱. شست‌وشوی معده با مایعات به وسیله‌ی «سوند» انجام می‌گیرد و مایع وارد شده دوباره از طریق سوند به بیرون کشیده می‌شود.

داروی ضدّعرق

س . فرآورده‌های ضدّ عرق حاوی ماده‌ای هستند که جذب غدد عرق شده، مانع عرق‌ریزی می‌شود. آیا استفاده از این فرآورده‌ها -که نقش تغذیه‌ای ندارند و مانند دارویند - روزه را باطل می‌کند؟

اشکالی ندارد.

نیاز به چند قرص در روز

س . در طول روز به خوردن چند قرص نیاز دارم و با مصرف آنها روزه برایم ضرر ندارد؛ آیا می‌توانم روزه بگیرم؟

خیر، خوردن قرص روزه را باطل می‌کند و در صورتی که بدون مصرف آن روزه برایتان ضرر دارد، روزه بر شما واجب نیست.

اعتیاد به نِسْوار

س . ماده‌ای به نام «نسوار»[1] را در دهان می‌گذارند که تا حدودی سبب بی‌حالی و سستی می‌شود؛ استفاده از آن برای روزه دار چه حکمی دارد؟

احتیاط واجب آن است که روز دار از مواد مخدّری که از راه بینی یا زیر زبان جذب می‌شود، خودداری کند.

تهیه‌ی غذا

س . آیا می‌توانم برای فرزندان یا خویشان روزه‌خوارم در ماه مبارک رمضان غذا تهیّه کنم؟

اگر عُذری برای روزه نگرفتن ندارند، همکاری با آنان در روزه خواری حرام است.



۱. ناس یا نسوار، نام گیاهی سبزرنگ و اعتیادآور است. مصرف نسوار عوارض فراوانی دارد که در دفعات اوّل عبارت است از احساس سرگیجه، سردرد و تهوّع، و استفاده طولانی آن باعث از دست‌دادن تعادل حرکتی و رفتاری، حرکات غیرطبیعی چشم، تغییر محسوس در فشار خون، افزایش ضربان قلب، دندان قروچه، رعشه و لرزش، اختلال در خواب، وابستگی روانی، بیماری‌های لثه و سرطان آن، سرطان حنجره و روده بزرگ و ازعوامل موثر درسرطان مری و دهان و نارسایی کلیه است.

تزریقات

تزریق آب مُقَطّر

س. در دانشگاه برای آموزش تزریقات به دانشجویان از آب مُقَطّر استفاده می‌شود؛ آیا این کار روزه را باطل می‌کند؟ در صورت باطل شدن آن کفّاره هم دارد؟

اگر به عضله تزریق می‌شود، اشکالی ندارد؛ ولی اگر در رگ تزریق شود بنابر احتیاط واجب پرهیز کنند.

تزریق آمپول

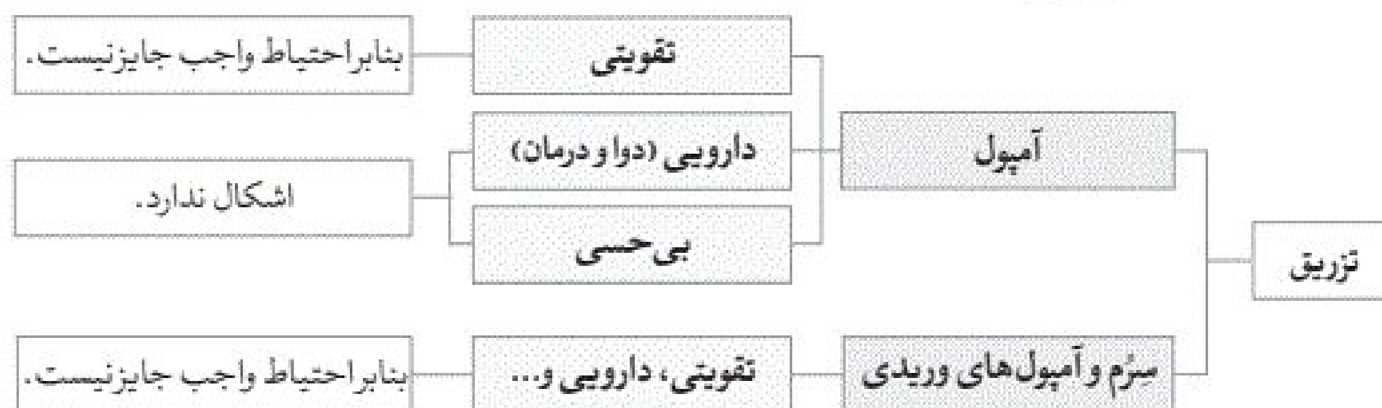
س. حکم تزریق آمپول در حال روزه‌ی ماه رمضان چیست؟

احتیاط واجب آن است که روزه‌دار از آمپول‌های مُغذّی یا مُقوّی و هر آمپولی که در رگ تزریق می‌شود خودداری کند؛ لکن آمپول دارویی که در عضله تزریق می‌شود و نیز آمپول‌هایی که برای بی‌حس کردن به کار می‌رود، مانعی ندارد.

تزریق سرم

س. حکم تزریق سرم در حال روزه‌ی ماه رمضان چیست؟

بنابراحتیاط واجب، باید از تزریق سِرُم خودداری کرد؛ خواه جنبه‌ی غذایی و تقویتی داشته باشد، یا جنبه‌ی دارویی و مانند آن.



تزریق خون

س. آیا تزریق خون روزه را باطل می‌کند؟

بنابراحتیاط واجب روزه را باطل می‌کند.

واکسن‌های زیر پوستی

س. آیا تزریق واکسن هپاتیت که در عضله یا زیر پوست تزریق می‌شود؛ روزه را باطل می‌کند؟

خیر، باطل نمی‌کند.

استفاده از دارو در شب برای روزه

س . در صورتی می‌توانم روزه بگیرم که در شب از آمپول و داروی مخصوصی استفاده کنم؛ آیا روزه گرفتن بر من واجب است؟

اگر بدون تزریق آمپول یا استفاده از داروی مخصوص نمی‌توانید روزه بگیرید و برای تهیه ی آمپول یا دارو دچار ضرر مالی یا اذیّت جسمی قابل توجهی می‌شوید، روزه بر شما واجب نیست، ولی اگر در این حدّ نباشد، واجب است آمپول یا دارو را تهیه و استفاده کنید و روزه بگیرید؛ در ضمن اگر آمپول در رگ تزریق نمی‌شود و تقویتی یا تغذیه ای نباشد، زیانی برای روزه ندارد و می‌توانید در طول روز آمپول را تزریق کنید.

تنقیه[1] مایعات [اماله]

س . روزه‌ی بیماری که تنقیه می‌کند، ولی مایع فقط به نشیمنگاه او وارد می‌شود نه شکم چه حکمی دارد؟

تنقیه با چیز روان، هرچند از روی ضرورت و برای معالجه باشد، روزه را باطل می‌کند.



شیافِ درمانی

م . استعمال شیاف‌های درمانی اشکالی ندارد.



قِی کردن [تهوع]

م . اگر روزه‌دار به جهت حالت تهوع، بی‌اختیار استفراغ کند، اشکالی ندارد؛ ولی اگر به طور عَمْدی باشد، روزه‌اش باطل می‌شود و کفّاره هم بر او واجب می‌شود.

ورود چیزی از معده به دهان

س . گاهی انسان ترش می‌کند و چیزی از معده‌ی او به فضای دهانش می‌آید. حال، اگر روزه‌داری آن چیز را سَهْواً یا به عَمْد فرو ببرد، روزه‌اش چه حکمی دارد؟

اگر پس از رسیدن به فضای دهان، به طور عَمْدی و با اختیار فرو برد، روزه‌اش باطل می‌شود، ولی سَهْواً روزه را باطل نمی‌کند.

---

۱. تنقیه یا اماله عبارت است از وارد کردن ماده‌ی اسهال‌آور یا مسکّن و نظایر آن به وسیله‌ی ابزار مخصوص از طریق مقعد. [برای آشنایی با واژگان فقهی به بخش اصطلاح‌نامه رجوع کنید].

رساندن غبار غلیظ به حلق

م . اگر روزه‌دار غُبار غَلیظی به حلق برساند، بنابر احتیاط واجب روزه‌اش باطل می‌شود؛ چه غبار خوراکی‌ها باشد (مانند آرد) یا غیر خوراکی (مانند خاک).

توجه

در این موارد روزه باطل نمی‌شود:

۱. غبار غلیظ نباشد.

۲. اگر غلیظ باشد:

الف) به حلق نرسد. (فقط به داخل دهان برسد)

ب) بی‌اختیار به حلق برسد و بیرون آوردن آن ممکن نباشد.

ج) فراموش کند که روزه است.

د) شک کند غبار غلیظ به حلق رسیده یا نه.

استفاده از دستگاه بخور

س . آیا استفاده از دستگاه بخور جهت معالجه، روزه را باطل می‌کند؟

فرو بردن بخار غلیظ که در دهان به صورت ذرّات آب درمی‌آید موجب باطل شدن روزه می‌شود و در غیر این صورت اشکال ندارد.

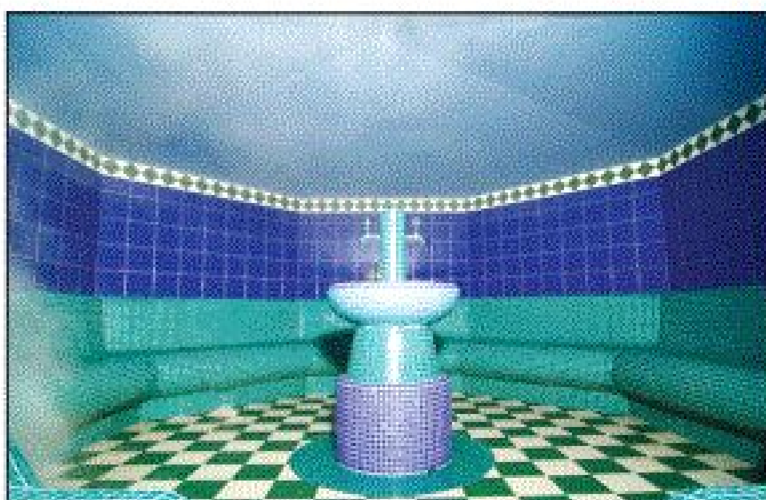
نکته

مقصود از بخار غلیظ، بخار غیر متعارف است؛ مانند بخاری که هنگام برداشتن در دیگ از آن بیرون می‌آید و در دهان به صورت ذرّات آب در می‌آید.



بخار حمام و سونا

م . بخار آبی که در حمام یا سونا ایجاد می‌شود، روزه را باطل نمی‌کند، مگر این که آن قدر غلیظ باشد که در دهان به صورت آب در آید و فرو رود.



سیگار کشیدن

م. احتیاط واجب آن است که روزه‌دار از ورود اختیاری دود سیگار و تنباکو به حلق خودداری کند.





دود وسیله‌ی نقلیه

س. گاهی فرد روزه‌دار در کنار وسیله‌ی نقلیه قرار می‌گیرد و دود آن به حلق او می‌رسد، آیا روزه‌اش باطل می‌شود؟

اگر با این اعتقاد که دود غلیظ به حلقش نمی‌رسد، آن جا بایستد و به طور اتفاقی دود به حلق او برسد یا دود غلیظ نباشد، روزه‌اش باطل نمی‌شود.





اسپری تنگی نفس

س. تنگی نفس شدیدی دارم و روزانه باید چند بار از اسپری مخصوصی که پودر گاز را از راه دهان به ریه‌ها وارد می‌کند استفاده کنم؛ آیا با این حالت می‌توانم روزه‌دار هم باشم؟

وسیله‌ی مذکور اگر صرفاً برای باز کردن راه تنفّس استفاده می‌شود، مُبطل روزه نیست.



گاز اکسیژن

س. آیا گاز اکسیژن که برای تنفس مصنوعی وارد ریه میشود، روزه را باطل می‌کند؟

در فرض مرقوم مبطل روزه نیست.



داروی رفع گرفتگی بینی

س. اگر هنگام روزه، داروی ویکس (بازکننده‌ی مجرای تنفس) را اِستِنشاق[1] کنیم، آیا روزه باطل می‌شود؟

صرفِ اِستِنشاق آن، روزه را باطل نمی‌کند.

۱. استنشاق: هوا را در بینی و ریه فرو بردن؛ آب یا مایع دیگر به بینی کشیدن.

فرو بردن تمام سر در آب

م. اگر روزه دار به طور عَمْدی تمام سر را در آب مطلق فرو برد، بنابر احتیاط واجب روزه‌اش باطل می‌شود.

شستن سر زیر دوش

س. شستن سر زیر شیر یا دوش آب در حال روزه چه حکمی دارد؟

آنچه روزه را باطل می‌کند، فرو بردن سر در آب است؛ به طوری‌که آب، همه‌ی سر را فرا گیرد؛ اما شستن سر زیر شیر و دوش، اشکالی ندارد.

نکته

در این موارد، فرو بردن سر در آب روزه را باطل نمی‌کند:

سَهْواً سر را زیر آب ببرد ـ قسمتی از سر را زیر آب ببرد ـ نیمی از سر را در یک مرحله و نصف دیگر را در مرحله‌ی بعد در آب فرو برد ـ بی اختیار در آب بیفتد یا دیگری به زور سرش را زیر آب ببرد ـ شک کند تمام سر زیر آب رفته است یا نه.

آب ریختن بر تمام سر

س. اگر روزه دار آب را طوری یکباره بر سر بریزد که تمام سر را فرا گیرد، حکم فرو بردن سر در زیر آب را دارد؟

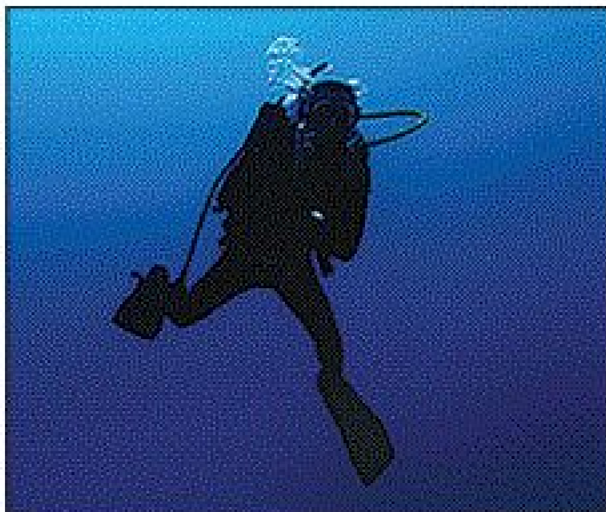
خیر، در این صورت روزه باطل نمی‌شود.

روزه‌ی غواصان

س. اگر کسی با کلاه مخصوص غواصی (که به سر می‌چسبد) در آب فرو رود، روزه‌اش چه حکمی دارد؟

زیر آب رفتن با لباس غواصی بنابر احتیاط واجب روزه را باطل می‌کند. البته هرگاه کسی داخل زیردریایی باشد و زیر آب برود، روزه‌اش باطل نمی‌شود.





کلاه شنا

س . آیا در ماه رمضان می‌توان با گذاشتن کلاه یا عینک شنا مانع رسیدن آب به بخشی از سر شد و زیر آب شنا کرد؟

بنابر احتیاط واجب روزه را باطل می‌کند.



توجه

شنا کردن در حال روزه اشکال ندارد، ولی روزه‌دار باید از رسیدن آب به حلق یا بنابر احتیاط واجب فرو بردن تمام سر در آب خودداری کند.

بردن سر در آب مضاف

س . آیا فرو بردن سر در آب مضاف مُبطِل روزه است؟

خیر، باطل نمی‌کند، مگر در گلاب که بنابر احتیاط واجب نباید سر را در آن فرو برد.

توجه

باطل شدن روزه به‌خاطر باقی ماندن عمدی بر جنابت، حیض و نفاس، مخصوص روزه‌ی ماه رمضان و قضای آن است و در روزه‌های دیگر موجب بطلان نمی‌شود.

باقی ماندن بر جنابت

م . اگر شخص جُنُب یا حایض و نَفْسا (پس از پاک شدن) در روزه ماه رمضان و قضای آن به عَمْد تا اذان صبح غسل نکنند یا اگر وظیفه‌شان تیمّم است، عَمْداً تیمّم ننمایند، روزه‌شان باطل است.

بیدار شدن جُنُب بعد از اذان صبح

س . در ماه رمضان بعد از اذان صبح با حالت جنابت بیدار شدم، ولی می‌دانم پیش از اذان مُحْتَلِم‌شده‌ام؛ تکلیفم چیست؟

روزه صحیح است.

عدم دسترسی جُنُب به آب

س . شخص جُنُب که در ماه رمضان قبل از اذان صبح به آب دسترسی ندارد، وظیفه‌اش چیست؟

اگر تا پیش از اذان صبح به آب دسترسی ندارد، تیمّم بدل از غسل کند و روزه‌اش صحیح است. بعد از اذان در صورت دسترسی به آب، برای نماز صبح غسل کند و گرنه با همان تیمّم نماز صبح را بخواند.

غُسل یا خوردن سحری

م . اگر شخصی در ماه رمضان پیش از اذان صبح مُحْتَلِم‌شده و چنانچه بخواهد غسل کند، وقت برای خوردن سحری باقی نمی‌ماند، در صورتی که می‌تواند بدون سحری روزه بگیرد، باید غسل کند و اگر بدون آن نمی‌تواند و ترس از ضرر دارد، سحری بخورد و پیش از اذان تیمّم کند.

تلاقیِ غُسل با اذان صبح

م . اگر در ماه رمضان با اعتقاد به این که برای غسل جنابت وقت دارد، مشغول غسل شود و در این بین بفهمد که مقداری از غسل با اذان صبح همراه شده، روزه‌اش صحیح است.

تأخیر عَمْدی غُسل

س . کسی که پیش از اذان صبح با حالت احتلام از خواب بیدار شده، آیا می‌تواند تا نزدیک اذان غسل نکند و برای روزه تیمّم کند؟

اگر غسل را تأخیر بیندازد تا وقت تنگ شود، گناه کرده است و در این صورت باید پیش از اذان صبح تیمّم کند و روزه‌اش صحیح است.

خوابیدن جُنُب با علم به خواب ماندن

م . کسی که شب ماه مبارک رمضان جُنُب شده و می‌داند اگر بخوابد تا قبل از اذان صبح بیدار نمی‌شود، باید پیش از خواب غسل کند و اگر بدون غسل بخوابد و بعد از اذان بیدار شود، روزه‌اش باطل است و باید علاوه بر قضای آن، کفّاره‌ی هم بدهد.

خوابیدن جُنُب با احتمال بیداری

م . کسی که در شب ماه رمضان جُنُب است و می‌داند یا احتمال می‌دهد که اگر بخوابد، پیش از اذان صبح بیدار می‌شود، چنانچه تصمیم داشته باشد که پس از بیداری غسل کند و با این تصمیم بخوابد، ولی تا اذان خواب بماند، روزه‌اش صحیح است.

م . شخص جُنُب در شب ماه رمضان اگر می‌داند یا احتمال می‌دهد که در صورت خوابیدن پیش از اذان صبح بیدار می‌شود، چنانچه غفلت داشته باشد که بعد از بیداری باید غسل کند، در صورتی که بخوابد و تا اذان صبح خواب بماند، روزه‌اش صحیح است.

م . شخص جُنُب در شب ماه رمضان، در صورتی که می‌داند یا احتمال می‌دهد که اگر بخوابد پیش از اذان صبح بیدار می‌شود، چنانچه نخواهد یا تردید دارد که بعد از بیداری غسل کند، در صورتی که بخوابد و بیدار نشود، روزه‌اش باطل است.

چند بار خوابیدن جُنُب با احتمال بیداری

م . اگر جُنُب در شب ماه رمضان بخوابد و بیدار شود و بداند یا احتمال دهد که اگر دوباره بخوابد، پیش از اذان صبح بیدار می‌شود و تصمیم هم داشته باشد که پس از بیداری غسل کند، چنانچه دوباره بخوابد و تا اذان صبح بیدار نشود، باید روزه‌ی آن روز را قضا کند؛ همچنین است اگر از خواب دوم بیدار شود و برای بار سوم بخوابد، کفّاره بر او واجب نمی‌شود.

توجه

خوابی را که در آن مُحتَلم شده نباید خواب اوّل حساب کرد، بلکه اگر پس از آن دوباره بخوابد، خواب اوّل شمرده می‌شود.

معیار بیدار شدن

س . آیا در بیدار شدن جُنُب در شب ماه رمضان اندکی بیداری کافی است (مثلاً ساعت زنگ زده و شخص غرق خواب بوده است، فوری زنگ ساعت را خاموش کرده و باز خوابیده است)؟

این مقدار کافی نیست.

خوابیدن روزه‌دار با علم به جنابت

م . کسی که می‌داند اگر در طول روز بخوابد، مُحْتَلِم می‌شود، می‌تواند بخوابد و روزه‌اش نیز صحیح است.

تأخیر غُسل تا اذان مغرب

س . اگر شخصی بعد از نماز صبح مُحْتَلِم شود و تا غروب غسل نکند، آیا روزه‌اش اشکالی پیدا می‌کند؟

روزه‌ی او صحیح است؛ ولی اگر برای نماز ظهر غسل نکند، کار حرامی مرتکب شده است.

روزه با ناآگاهی از جنابت

س . اگر کسی بعد از چند روز متوجه شود که روزه و نمازش را با حالت جنابت خوانده و از این موضوع هم اطلاعی نداشته است، وظیفه‌اش چیست؟

روزه‌هایش صحیح است، ولی باید نمازها را قضا کند.

روزه با فراموشی غُسل

م . اگر کسی غسل جنابت را در ماه رمضان فراموش کند و پس از چند روز به یاد آورد باید روزه و نمازهای آن چند روز را قضا کند، ولی روزه‌هایش کفّاره ندارد.

س . اگر کسی شب جُنُب شود، ولی غسل را فراموش کند و در روز به یادش بیاید، آیا روزه‌اش باطل است؟

آری، روزه باطل می‌شود، و باید تا افطار از خوردن، آشامیدن و مُبطِلات دیگر پرهیز کند و بعداً قضای آن را به جا آورد، ولی کفّاره بر او واجب نیست.

روزه با غُسل نادرست

س . فردی که نمی‌دانسته شستن کف پا در غسل لازم است و مدتی به این شکل غسل کرده، در مورد نماز و روزه‌های گذشته چه تکلیفی دارد؟

چون به صورت طبیعی، هنگام‌شستن طرف راست و چپ بدن، آب به کف پا نیز می‌رسد، تنها در صورت یقین به نرسیدن آب به کف پا قضای نمازها واجب است و در هر صورت، روزه‌ها قضا ندارد.

عدم آگاهی از علایم بلوغ

س . من قبل از سن چهارده سالگی مُحْتَلِم می‌شدم، ولی نمی‌دانستم که احتلام نشانه بلوغ است؛ از این رو تا پانزده سالگی روزه نگرفتم؛ آیا تنها قضای روزه کفایت می‌کند یا کفّاره هم دارد؟

قضای روزه و همچنین کفاره تأخیر واجب است.

اِسْتِمْنا [خودارضایی]

م. استمنا آن است که انسان با خود کاری کند که مَنی از او بیرون بیاید. این عمل حرام است، و در صورت خروج مَنی، غسل جنابت بر او واجب می‌شود.

خودارضایی به بهانه نداشتن شرایط ازدواج

م. کسی که شرایط ازدواج برایش فراهم نیست و از نظر غریزه‌ی جنسی در سختی به سر می‌برد، به این بهانه نمی‌تواند دست به «خودارضایی» بزند. بنابراین اگر بر اثر نگاه به نامحرم و مناظر شهوت‌انگیز، دیدن عکس‌ها و فیلم‌های مبتذل، خواندن داستان‌ها و مطالب جنسی و ... شهوت بر او غالب شود و کاری کند که مَنی از او بیرون آید، مرتکب این گناه بزرگ شده است.

خود ارضایی بدون قصد خروج مَنی

س. کسی که بدون قصد بیرون آمدن مَنی در ماه رمضان با خود بازی کند و ناخودآگاه از او مَنی خارج شود، آیا روزه‌اش باطل می‌شود؟

اگر خروج مَنی بر اثر این کار، جزو عادت های او نبوده و بی‌اختیار خارج شده، روزه باطل نمی‌شود؛ ولی اگر می‌دانسته در صورت بازی با خود جُنُب می‌شود یا عادت او بر این بوده و در عین حال این کار را کرده است، حکم «جنابت عَمْدی» را دارد؛ یعنی هم قضا و هم کفّاره بر او واجب می‌شود.



اِستمنای عَمْدی

س. آیا کسی که روزه‌ی خود را در ماه رمضان، به عَمْد با استمنا باطل کرده، باید کفّاره‌ی جمع بدهد؟

کفّاره دارد، ولی پرداخت کفّاره‌ی جمع بنابر احتیاط مستحب است.

نگاه به نامحرم

م. نگاه حرام، روزه را باطل نمی‌کند، ولی از ثواب و ارزش آن می‌کاهد.

م. اگر برای کسی فکر و خیال شهوانی پیش آید، ولی از بیرون آمدن مَنی جلوگیری کند، روزه‌اش باطل نمی‌شود. البته اگر با این کار قصد بیرون آمدن مَنی را داشته باشد، هر چند مرتکب آن نشود، صحّت روزه او محل اشکال است و احتیاط واجب آن است که روزه را تمام کند و بعداً آن را قضا نماید.

م. اگر کسی روزه‌ی خود را به طور عَمْدی با استمنا باطل کند، علاوه بر قضا، کفّاره نیز بر او واجب می‌شود و احتیاط مستحب است کفّاره‌ی جمع بپردازد.

آمیزش [جِماع]

م . آمیزش (جماع) روزه را باطل می‌کند، اگر چه فقط به مقدار ختنه گاه داخل شود و مَنی هم بیرون نیاید.

م . مردی که نمی‌تواند روزه بگیرد، حرام است همسر روزه‌دار خود را مجبور به نزدیکی کند و اگر او را مجبور کند، بنابر احتیاط واجب باید کفّاره‌ی همسرش را بدهد، هر چند روزه‌ی همسرش در صورتی که در تمام مدت بی‌اختیار بوده باطل نمی‌شود.

م . مسافری که در ماه رمضان نمازش شکسته است، آمیزش برایش حرام نیست، ولی کراهت دارد.

دروغ بستن به خدا و پیغمبر ﷺ

م . دروغ گناه بزرگی است و در برخی موارد روزه را نیز باطل می‌کند:
دروغ بستن به خدا، پیغمبر اسلام یا جانشینان او (دوازده امام علیهم السلام) و نیز دروغ بستن به حضرت زهرا علیها السلام و سایر پیامبران علیهم السلام: بنابر احتیاط واجب روزه را باطل می‌کند.

دروغ نوشتن

س . اگر کسی با نوشتن چیزی، دروغی را به پیامبر اکرم ﷺ یا امامان علیهم السلام نسبت دهد، آیا روزه‌اش باطل می‌شود؟
آری، بنابر احتیاط واجب روزه‌اش باطل می‌شود؛ هرچند با نوشتار باشد.

نکته

۱. در نسبت دادن دروغ تفاوتی ندارد که با گفتن نسبت دروغ بدهد یا نوشتن و یا حتی اشاره.
۲. پس از دروغ بستن، هرچند شخص بلافاصله بگوید: «دروغ گفتم» یا توبه کند، باز حکم آن تغییر نمی‌کند.
۳. اگر چیزی را به اعتقاد راست بودن، از قول خدا و پیغمبر ﷺ نقل کند و سپس بفهمد دروغ بوده، روزه‌اش باطل نمی‌شود.

نقل دروغ دیگران

م . اگر دروغی را که دیگری ساخته، از قول کسی نقل کند که آن را ساخته است، روزه باطل نمی‌شود.



نسبت دروغ به فُقَها و راویان حدیث

س. اگر روزه دار به مجتهدان و راویان حدیث، حرفی را به دروغ نسبت دهد، آیا روزه‌اش باطل می‌شود؟

اگر چه کار حرامی مرتکب شده است، ولی روزه‌اش باطل نمی‌شود، مگر این‌که نسبت دروغ به آنان، به دروغ بستن بر خدا و رسول ﷺ یا جانشینان ایشان منتهی شود که در این صورت بنابر احتیاط واجب روزه را باطل می‌کند.

غلط خواندن قرآن

م. اگر کسی در ماه رمضان آیه‌ی قرآن یا حدیثی را به اشتباه، غلط بخواند، روزه‌اش باطل نمی‌شود.

توجه

۱. اگر نماز شخص روزه‌دار از روی عمد قضا شود، روزه‌اش صحیح است، ولی گناه کرده و باید نماز را قضا کند.

۲. کسی‌که جایی از بدن خود را به بدن میّت رسانده، می‌تواند بدون غسل مسّ میّت روزه بگیرد و اگر در حال روزه هم میّت را مسّ نماید، روزه‌اش باطل نمی‌شود، ولی برای نماز و کارهایی که نیاز به طهارت دارد باید غسل کند.

قانون کلی

هیچ کدام از باطل کننده‌های روزه اگر سهواً انجام شود، روزه را باطل نمی‌کند.



قصد باطل کردن روزه

م. اگر کسی قصد انجام یکی از باطل‌کننده‌های روزه‌ی واجب معیّنی (مانند روزه‌ی ماه رمضان و روزه‌ی نذر معیّن[1]) را داشته باشد، هر چند مرتکب آن نشود، صحّت روزه‌ی او محل اشکال است و احتیاط واجب آن است که روزه را تمام کند و بعداً آن را قضا نماید.

روزه و موسیقی

س. آیا گوش دادن به موسیقی روزه را باطل می‌کند؟

خیر، ولی به هر حال گوش دادن به موسیقیِ حرام، جایز نیست.

۱. روزه‌ی نذر معیّن؛ یعنی نذر روزه در زمانی مخصوص که همانندی ندارد، مانند نذر روزه‌ی نخستین جمعه از ماه محرّم در سال جاری و یا نذر روزه‌ی روز جمعه یا پنجشنبه‌ی هر ماه.

قضا و کفّاره

م . اگر کسی روزه‌ی ماه رمضان را نگیرد باید به جای آن روزه‌ی دیگری بگیرد، که «روزه‌ی قضا» نام دارد. و اگر شخص به عَمَد روزه‌ی ماه رمضان را نگیرد یا مُبَطل آن را انجام دهد، در صورتی که بداند آن کار روزه را باطل می‌کند، قضا و کفّاره نیز بر او واجب می‌شود؛ به جز در موارد اندکی که کفاره واجب نیست.

نکته

تظاهر به روزه‌خواری در معابر و اماکن عمومی، حتّی برای مسافر حرام است و مرتکب آن، چون یکی از ارزش‌های اسلامی را نادیده گرفته و حریم جامعه‌ی مسلمانان را شکسته، تعزیر و تنبیه می‌شود.

پی‌در پی بودن قضا و کفّاره

س . آیا قضای روزه‌ی ماه رمضان و کفّاره‌ی آن باید پی‌در پی انجام شوند؟

لازم نیست قضای روزه‌ها پی‌درپی باشد، ولی در کفّاره - چنانچه دو ماه روزه گرفتن را اختیار کند- باید سی و یک روز اوّل را بگیرد و بنابر احتیاط واجب پی‌درپی باشد.

فراموشی تعداد روزه‌های قضا

س . در ماه رمضان مدتی روزه‌هایم قضا شده، ولی تعداد آن را فراموش کرده‌ام؛ وظیفه‌ام چیست؟

هر مقدار از روزه‌ها را که به آن اطمینان دارید، باید قضا کنید و بیش از آن لازم نیست.

باطل کردن روزه‌ی قضا

م . افطار روزه‌ی قضا تا پیش از ظهر اشکال ندارد، به شرطی که وقت برای قضای روزه تنگ نباشد؛ ولی بعد از ظهر جایز نیست و اگر کسی چنین کند، باید به ده فقیر[1]، هر کدام یک مُد طعام، کفّاره بدهد و اگر نمی‌تواند، سه روز روزه بگیرد و بنا بر احتیاط واجب پی در پی باشد.

قضای روزه‌ی پدر و مادر

م . اگر پدر و نیز بنابر احتیاط واجب مادر، روزه‌ی خود را به خاطر عُذری ـ غیر از سفر ـ بجای نیاورده و با اینکه می‌توانسته آن را قضا کند، قضا نیز نکرده است بر پسر بزرگ‌ترِ آنان واجب است که پس از مرگ آنان خودش یا به وسیله‌ی اجیر، قضای آن روزه را بجا بیاورد. و امّا آنچه به خاطر سفر بجا نیاورده‌اند واجب است حتّی در صورتی که فرصت و امکان قضا را هم نیافته‌اند، آن را قضا کند. روزه‌هایی را که پدر و مادر عمداً بجا نیاورده‌اند بنابر احتیاط باید به وسیله‌ی پسر بزرگ‌تر ـ شخصاً یا با اجیر گرفتن ـ قضا شود.

۱. کسی‌که نمی‌تواند مخارج سال خود و خانواده‌اش را در حدّ معمول و متعارف تأمین کند، فقیر است؛ ولی کسی که کار یا ملک و یا سرمایه‌ای دارد که می‌تواند با آن مخارج سال خود و آنان را بگذراند، فقیر نیست.

عدم آگاهی از روزه‌های قضای پدر

س . اگر پسر بزرگ‌تر شک داشته باشد که از پدرش روزه‌ی قضا مانده یا خیر، تکلیف او چیست؟

در صورتی که شک دارد، چیزی بر عهده‌ی او نیست.

پسر دوم و قضای روزه‌ی پدر

س . اگر پسرِ ارشد خانواده پس از پدر از دنیا برود، آیا روزه‌های قضای پدر بر عهده‌ی پسر دوم است؟

خیر، بر سایر پسران تکلیفی نیست.

استفاده از دارایی پدر برای روزه‌های قضا

س . اگر پسر بزرگ‌تر بخواهد برای روزه‌های پدر از دنیا رفته‌اش کسی را اجیر کند، آیا می‌تواند از دارایی او خرج کند؟

خیر، پسر بزرگ‌تر باید خودش روزه‌های پدر را به‌جا آورد یا از اموال خود کسی را اجیر کند و حق ندارد که از باقی مانده‌ی دارایی میّت چیزی خرج کند، مگر آن‌که پدر وصیّت کرده باشد یا ورثه اجازه بدهند.

روزه‌ی مستحبّی کسی که روزه‌ی قضا دارد

س . آیا کسی‌که روزه‌ی قضا بر گردن اوست، می‌تواند روزه‌ی مستحبّی بگیرد؟

نمی‌تواند روزه‌ی مستحبّی بگیرد.

روزه‌ی استیجاری

اجیرگرفتن برای روزه‌های فرد زنده

م . اجیرکردن دیگری برای قضای روزه، در حالی که خودِ شخص زنده است، جایز نیست و خودِ او باید هر زمان توانایی پیدا کرد، آن را به‌جا آورد. ولی اگر موفق به قضای روزه نشد، می‌تواند وصیّت کند که پس از مرگ کسی را برای آن اَجیر کنند.

روزه‌ی استیجاری با وجود روزه‌ی قضا

م . کسی که روزه‌ی قضا دارد، می‌تواند به جای دیگری روزه‌ی استیجاری بگیرد.

کفّاره‌ی افراد دارای سرپرست

س . اگر بر فرد نابالغی که با پدرش زندگی می‌کند کفّاره واجب شود، پرداخت آن بر عهده‌ی کیست؟
بر فرد نابالغ کفّاره واجب نیست، ولی اگر بعد از بلوغ، کفّاره به عهده‌ی او آمده، باید خودش بپردازد.

کفّاره‌ی افطار عَمْدی و کفّاره‌ی بیمار

س . تفاوت کفّاره‌ی افطار عَمْدی روزه، با کفّاره‌ی افطار به سبب بیماری چیست؟
تفاوت کفّاره‌ی افطار عَمْدی با کفّاره‌ی افطار به سبب بیماری:

در مقدار	کفّاره‌ی افطار عَمْدی	باید برای هر روز شصت فقیر را سیر کند یا دو ماه روزه بگیرد.	
	کفّاره‌ی افطار به سبب بیماری	اگر بیماری تا ماه رمضان سال بعد ادامه داشته باشد	قضای روزه بر او واجب نیست. باید برای هر روز یک مُد طعام به فقیر بدهد.
		اگر بیماری تا ماه رمضان سال بعد ادامه نداشته باشد	فقط روزه را قضا کند. ولی اگر تا رمضان آینده عَمْداً روزه نگیرد باید روزه را قضا کند و برای هر روز یک مُد طعام به فقیر بدهد.
در مصرف	کفّاره‌ی افطار عَمْدی	اگر به شصت فقیر دسترسی دارد، نمی‌تواند به هرکدام از آن‌ها بیش از یک مُد طعام بدهد.	
	کفّاره‌ی افطار به سبب بیماری	می‌تواند به یک فقیر بیشتر از یک مُد طعام بدهد (برای مثال: می‌تواند پنج مُد طعام را به یک فقیر بدهد.)	

کفّاره‌ی انواع روزه

س . کفّاره‌ی انواع روزه را بیان کنید؟
۱. روزه‌خواری عَمْدی در ماه رمضان:
الف: اِفْطار به چیز حرام: یک کفّاره کافی است ولی احتیاط مستحب آن است که کفّاره‌ی جمع بدهد.
ب: افطار به غیرحرام: آزاد کردن بنده یا دو ماه روزه گرفتن و یا اطعام شصت فقیر.
۲. خوردنِ عَمْدی روزه‌ی قضای ماه رمضان بعد از ظهر: اِطْعام ۱۰ فقیر و در صورت عدم امکان، سه روز روزه که بنا بر احتیاط واجب پی‌درپی باشد.
۳. روزه‌ی نذر معیّن: آزاد کردن یک بنده یا اطعام ده فقیر و یا پوشاندن ایشان و در صورت عدم امکان، سه روز پی در پی روزه گرفتن.
۴. روزه‌ی اعتکاف[1]: کفّاره‌ی روزه‌خواری عَمْدی در ماه مبارک رمضان.

۱. علت وجوب کفّاره در روزه‌ی اعتکاف، باطل کردن اصل اعتکاف است.

پرسش

پرسش: کفّاره‌ی جمع چیست؟

پاسخ: کفّاره‌ی جمع عبارت است از: «آزاد کردن یک بنده[1]، دو ماه روزه‌داری و اطعام ۶۰ فقیر». این کفّاره در دو مورد است: یکی این‌که انسان روزه‌ی خود را با چیز حرام باطل کند؛ دیگر این‌که – نعوذ بالله – فرد مسلمانی را بی‌گناه و از روی عَمد به قتل برساند.

کفّاره‌ی جمع در مورد افطار با چیز حرام، بنابراحتیاط مستحب است و برای قتل عمد، واجب است.

کفّاره‌ی روزه‌ی همسر

س. کفّاره‌ی عَمْدی روزه‌ی زن بر عهده‌ی مرد است یا زن؟

بر عهده‌ی زن است.

مصرف کفّاره

پرداخت کفّاره به واجبُ‌النَّفَقِه

م. کفّاره‌ی روزه را نمی‌توان به واجب النّفقه (کسی که پرداخت هزینه‌های متعارف او بر مُکَلَّف واجب است، مانند همسر و فرزند) داد؛ ولی پرداخت آن به سایر خویشاوندان اشکالی ندارد.

پرداخت پول کفّاره به فقیر

س. آیا پول کفّاره‌ی روزه را می‌توان به فقیر داد؟

دادن پول کفّاره به فقیر کفایت نمی‌کند، مگر این‌که اطمینان داشته باشد آن فقیر از طرف او طعام می‌خرد.

پرداخت پول کفّاره به نهاد خیریّه

س. آیا پرداخت پول کفّاره به نهادهایی مانند بهزیستی و کمیته‌ی امداد کفایت می‌کند؟

می‌توانید آن را به مؤسسات خیریه، بهزیستی، کمیته‌ی امداد یا هرکسی بدهید که اطمینان دارید با آن طعام تهیه می‌کند و به فقرا می‌دهد.

مصرف کفّاره در امور فرهنگی

س. آیا کفّاره‌ی روزه را می‌توان در امور فرهنگی، جشن ازدواج و مانند آن صرف کرد؟

خیر، هزینه‌ی آن در این موارد جایز نیست و باید با آن به نیازمندان طعام[2] داده شود.

۱. با توجه به این که در حال حاضر آزاد کردن بنده امکان ندارد اگر کفاره‌ی جمع به عهده‌ی اوست باید دو مورد دیگر را انجام دهد و اگر کفاره‌ی غیر جمع است یکی از دو مورد بعدی را انجام دهد.

۲. مانند: برنج، آرد، نان، گندم، جو، خرما، کشمش.

پرداختن کفّاره به سیّد

س . آیا غیر سیّد می‌تواند کفّاره‌ی روزه را به سیّد بدهد؟

آری، اشکال ندارد، ولی بهتر (احتیاط مستحب) است به سیّد ندهد.

کیفیّت ادای کفّاره

س . آیا کفّاره‌ی روزه باید فوری ادا شود یا می‌توان در طول زمان آن‌را به‌جا آورد؟

انسان نباید در به جا آوردن کفّاره کوتاهی کند، ولی لازم نیست ـ چه کفّاره‌ی مالی باشد یا روزه ـ فوراً آن را انجام دهد.

تأخیر در ادای کفّاره

س . کسی‌که کفّاره‌ی روزه را تا چند سال به تأخیر اندازد، آیا چیزی بر مقدار آن افزوده می‌شود؟

خیر، چیزی بر آن افزوده نمی‌شود.

قضا و کفّاره‌ی بیمار

س . کسی که به دلیل بیماری نتوانسته روزه‌های ماه رمضان را بگیرد، اگر چند سال قضای آن را به تأخیر اندازد، تکلیف چیست؟

اگر بیماری او در بین سال خوب شد، باید روزه‌ها را قضا کند و چنان‌چه به سال بعد انداخت، گناه کرده و علاوه بر قضای روزه، باید برای هر روز یک مُد طعام به فقیر بدهد؛ امّا اگر بیماری‌اش تا سال بعد ادامه یافت، به طوری‌که نمی‌توانست قضا کند، فقط باید برای هر روز، یک مُدّ[1] طعام به فقیر بدهد و قضای روزه‌ها از او ساقط می‌شود.

کفّاره‌ی بیماری دایمی

س . از پنج سالگی به رُماتیسم مُبْتلا هستم و به طور دایم دارو می‌خورم. به همین علت هیچ سالی روزه نگرفته‌ام؛ آیا باید کفّاره بدهم؟

اگر به علت بیماری روزه نگرفته‌اید و بیماری شما تا ماه رمضان آینده استمرار داشته است، روزه‌هایتان قضا ندارد، ولی برای هر روز باید یک مُدّ طعام به فقیر بدهید.

س . بر اثر سکته‌ی مغزی چهار سال است که نیمی از بدن پدرم فلج شده و دیگر نمی‌تواند روزه بگیرد؛ تکلیف ایشان چیست؟

باید خودش یا خانواده‌اش از طرف او برای هر روز یک مُدّ طعام به فقیر بدهند و قضای روزه‌های نگرفته بر او واجب نیست.

۱. ۷۵۰ گرم و معادل ده سیر است.

قضای روزه‌ی فرد ناتوان

س . دختری ۹ ساله است که توان روزه گرفتن ندارد؛ آیا وقتی که توانایی پیدا کرد، قضای روزه‌های گذشته واجب است یا نه؟

دختر یا پسری که تازه بالغ شده است، ولی به علت ضعف جسمانی[1] نمی‌تواند همه‌ی ماه رمضان را روزه بگیرد، باید همان روزهایی که توانایی دارد، روزه بگیرد و بقیّه را در طول سال به تدریج قضا کند. و اگر تا سال بعد هم به علت ضعف جسمانی نتواند قضا کند: قضای این روزه‌ها در صورتی که ضعف به نحوی بوده که روزه برای او ضرر داشته است واجب نیست، ولی باید برای هر روز یک مُدّ طعام، کفّاره به فقیر بدهد.

پرداخت کفّاره برای ناتوان مالی و جسمی

س . اگر پرداخت کفّاره روزه برای شخصی که روزه‌اش را به عَمْد افطار کرده، ممکن نباشد (به دلیل بیماری نمی‌تواند روزه بگیرد و از نظر مالی هم توانایی ندارد) تکلیفش چیست؟

باید هر چند مُد که می‌تواند، به نیازمندان غذا بدهد و اگر از آن هم ناتوان باشد بنابر احتیاط واجب باید استغفار کند یعنی با دل و زبان خود بگوید استغفر الله، اگرچه یک مرتبه باشد و احتیاط مستحب آن است که بعد از استغفار هر وقت توانایی یافت، کفّاره را بدهد.



۱. پیدا شدن «ضعف» موجب نمی‌شود که شخص مُکَلّف روزه نگیرد، مگر به حدّی باشد که عادتاً قابل تحمل نیست. در این صورت هر روزی که ادامه‌ی روزه‌داری مشقّت داشته باشد، افطار اشکال ندارد، ولی قبل از ناتوان شدن از ادامه‌ی روزه، نمی‌تواند روزه را افطار کند.

احکام روزه‌ی مسافر

سفر در ماه رمضان

م. سفر در ماه رمضان احکامی دارد که در زیر می‌آید:

۱. قبل از ظهر مسافرت برود:

وقتی به حدّ تَرَخُّص رسید: می‌تواند افطار کند.

اگر قبل از آن روزه را باطل کند: باید کفّاره بدهد.

۲. بعد از ظهر به مسافرت برود:

روزه صحیح است و نباید آن را باطل کند.

برگشتن از سفر:

۱. قبل از ظهر به وطن یا جایی که می‌خواهد ده روز بماند برسد:

الف: کاری که روزه را باطل می‌کند، انجام نداده است:

باید نیّت روزه نموده و روزه‌ی آن روز را تمام کند و صحیح است.

ب: کاری که روزه را باطل می‌کند، انجام داده است:

روزه‌ی آن روز بر او واجب نیست و باید قضایش را بگیرد.

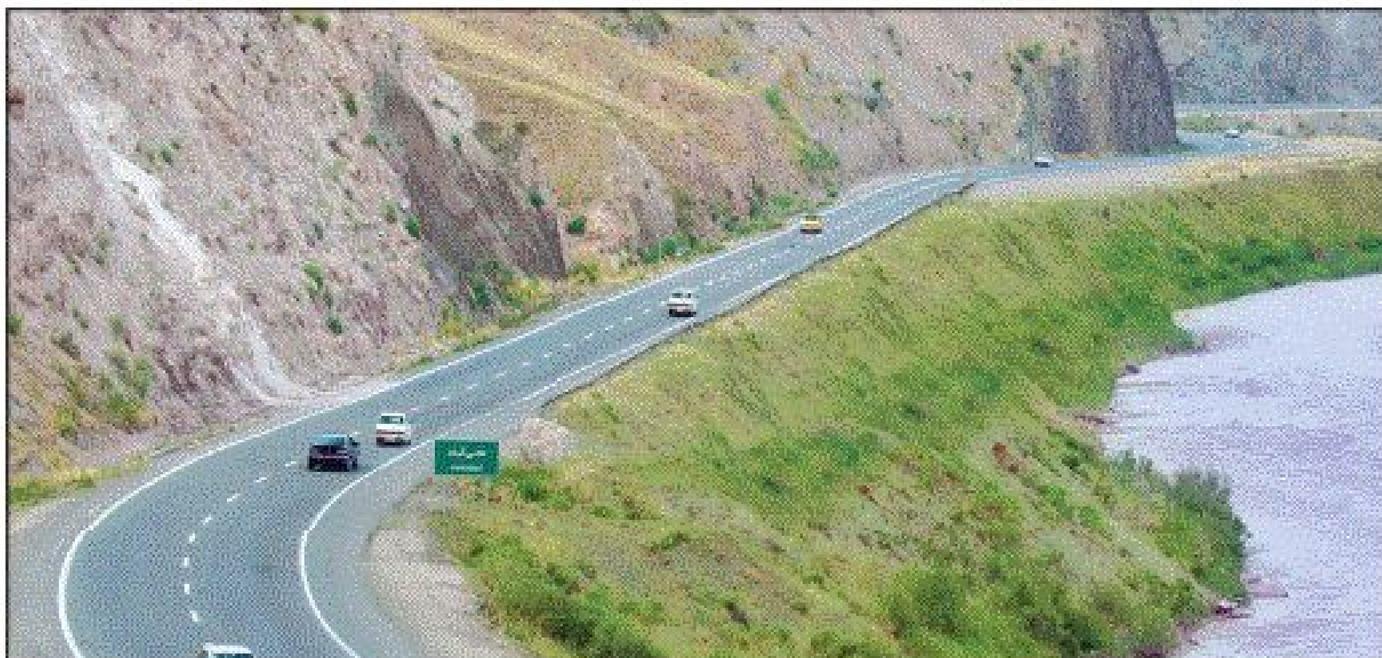
۲. بعد از ظهر برسد:

روزه‌اش باطل است و باید قضای آن را بگیرد.



حکم روزه‌ی مسافر

م. به طور کلّی مسافری که باید نمازهای چهار رکعتی را در سفر دو رکعت بخواند، نباید روزه بگیرد و مسافری که نماز تمام[1] می‌خواند - مانند کسی که شغلش مسافرت یا سفرش معصیت است - باید در سفر روزه بگیرد.



۱. به نماز چهار رکعتی «نماز تمام» گفته می‌شود، در مقابل «نماز شکسته» که دو رکعتی است.

مواردی که روزه در سفر صحیح است

م. برخی از مواردی که روزه در سفر صحیح است:

۱. نذر کند که روز معیّنی در سفر روزه بگیرد.
۲. نذر کند که روز معیّنی را، چه مسافر باشد،چه نباشد، روزه بگیرد.
۳. مسافری که نداند روزه‌ی مسافر باطل است و جهلش تا مغرب باقی باشد.
۴. روزه‌داری که بعد از ظهر مسافرت کند.
۵. کسی که برای شغلش زیاد مسافرت می‌کند.
۶. در سفر معصیت.
۷. کسی که در سفر قصد اقامه ده روزه نماید.

نکته

مورد ۱ و ۲ در مورد ماه رمضان و قضای آن استثنا است؛ یعنی اگر کسی در وطن نذر کند که روزه‌ی ماه رمضان یا قضای آن را در سفر به‌جا آورد، این نذر صحیح نیست و همچنین بنابر احتیاط واجب نذر گرفتن روزه در سفر باید قبل از شروع سفر باشد.

روزه‌ی قضا در سفر

س. آیا روزه‌ی قضا گرفتن در سفر صحیح است؟

خیر، جایز نیست، مگر این‌که قصد اقامت ده روز کرده باشد.

روزه‌ی مستحب برای مسافر

س. آیا مسافر می‌تواند روزه‌ی مستحبّی بگیرد؟

خیر، روزه‌ی مستحبّی در سفر جایز نیست؛ مگر در مدینه‌ی منوّره که برای برآورده شدن حاجت می‌تواند سه روز روزه ی مستحبّی بگیرد و بنابر احتیاط واجب لازم است روزهای چهارشنبه، پنج‌شنبه و جمعه باشد.

موارد اختیار مسافر بین شکسته و تمام‌خواندن

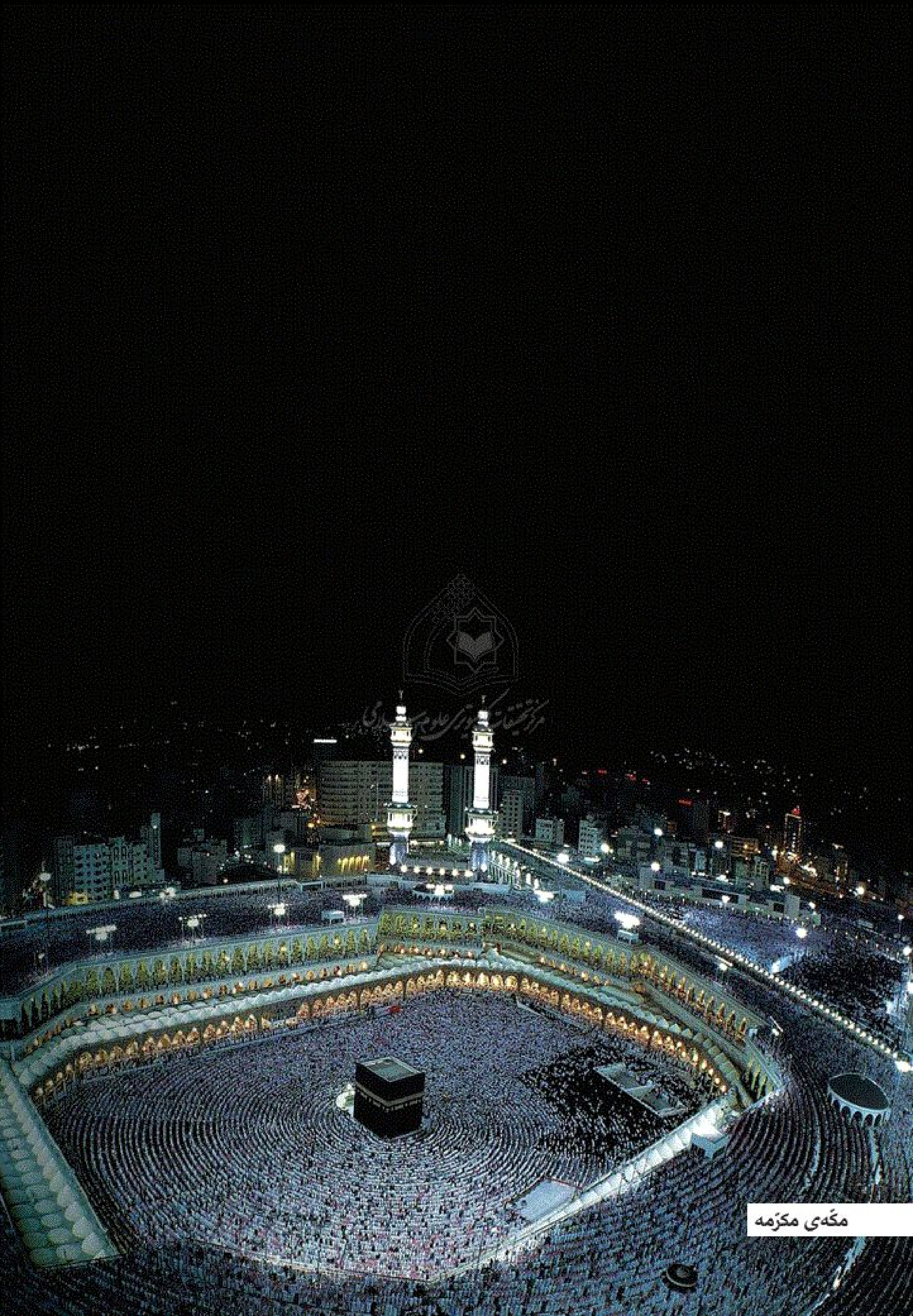
م. مسافر می‌تواند در دو شهر مکّه و مدینه و مسجد کوفه و حرم[1] حضرت سیدالشهدا علیه‌السلام نمازش را تمام یا شکسته بخواند.

روزه در مکان‌های مقدّسی که نماز تمام است

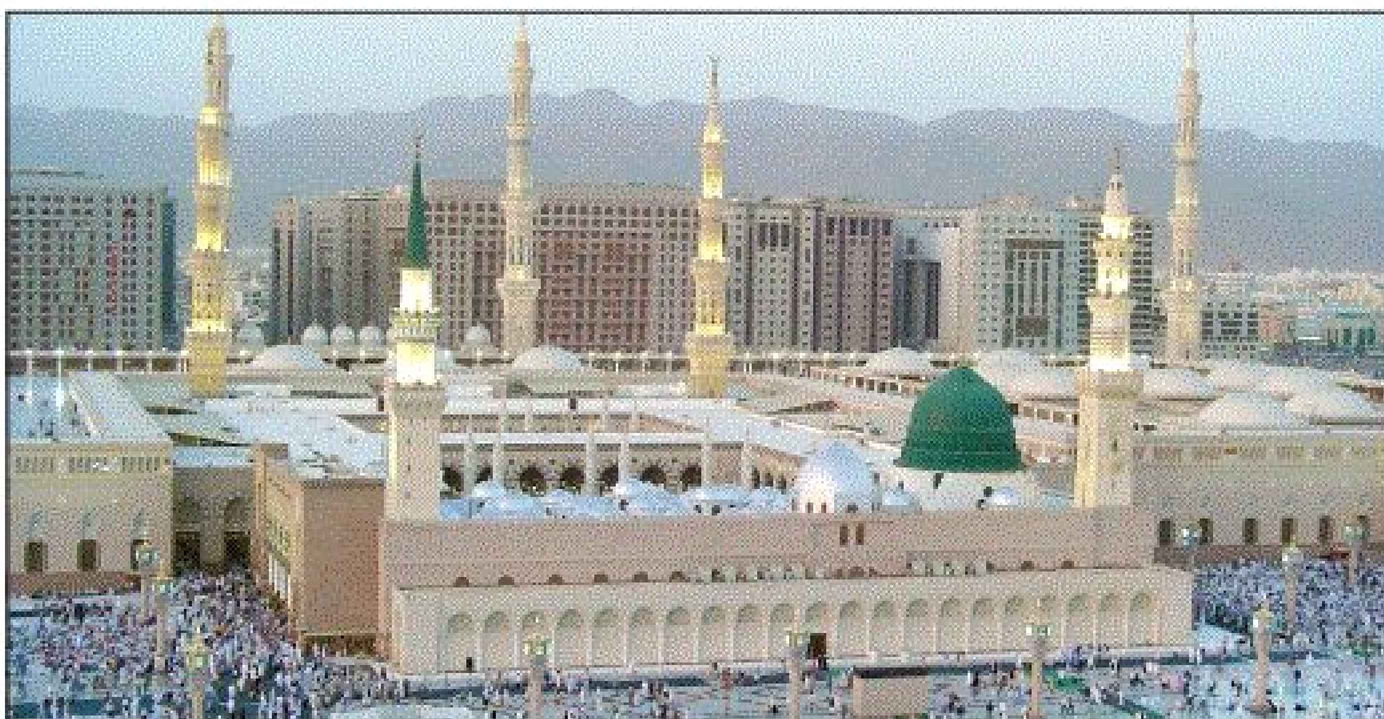
س. آیا این که مسافر می‌تواند در چهار مکان مقدس (مسجدالحرام، مسجدالنّبی صلی‌الله‌علیه‌وآله، مسجد کوفه و حرم حضرت سیدالشهدا علیه‌السلام)، نماز را تمام بخواند، شامل روزه هم می‌شود؟ برای مثال: می‌تواند در مسجد کوفه بدون قصد ده روز روزه بگیرد؟

خیر، شامل روزه نمی‌شود؛ مگر در مدینه‌ی منوّره که برای خواستن حاجت می‌تواند سه روز روزه‌ی مستحب بگیرد.

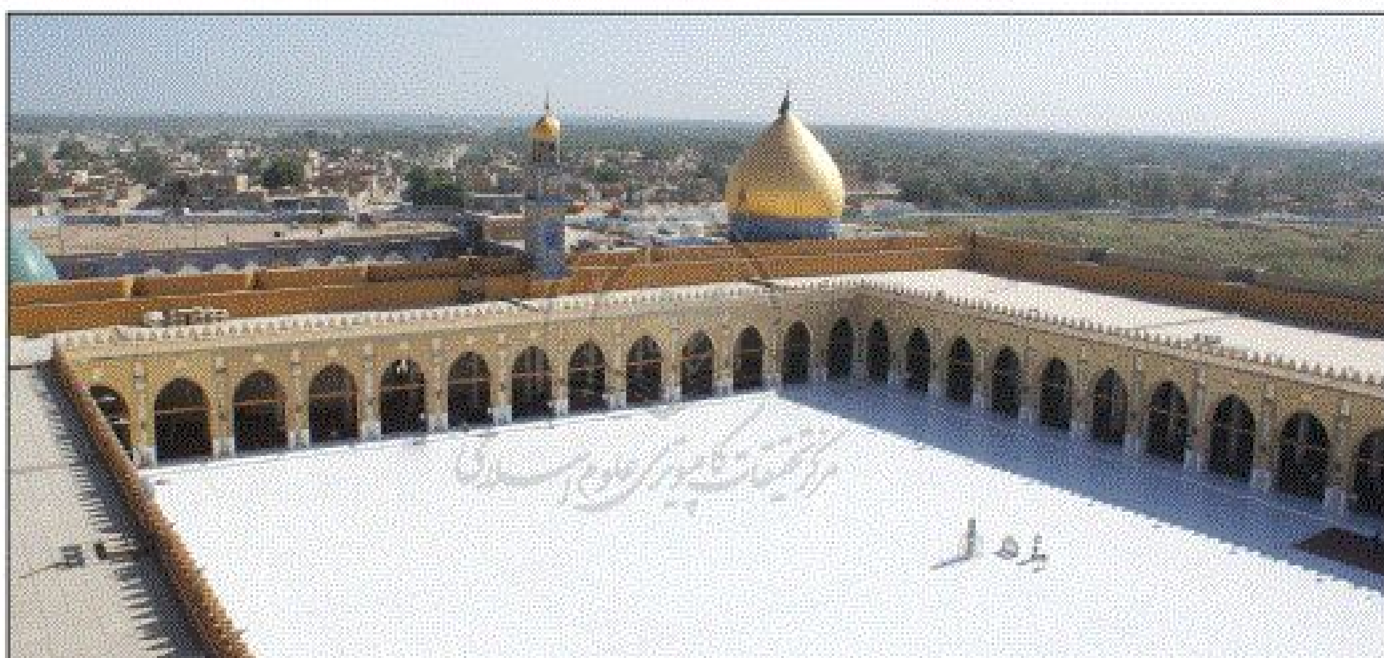
۱. مسافر می‌تواند در حرم و رواق حضرت سیدالشهدا علیه‌السلام بلکه در مسجد متصل به حرم نماز را تمام بخواند.



مکّەی مکرّمە



مدینه‌ی منوّره



مسجد کوفه



حرم سیّدالشهداء

جهل به باطل بودن روزه‌ی مسافر

م . کسی که نمی‌داند روزه‌ی مسافر باطل است و در سفر روزه بگیرد:
اگر در بین روز مسأله را بفهمد: روزه‌اش باطل می‌شود.
اگر بعد از اذان مغرب[1] مسأله را بفهمد: روزه‌اش صحیح است.

فراموشی موضوع یا حکم روزه‌ی مسافر

م . اگر کسی فراموش کند که مسافر است یا روزه ی مسافر باطل است و در سفر روزه بگیرد، روزه‌اش باطل است.

مسافرت در حال روزه

م . مسافرت در ماه رمضان اشکالی ندارد.

س . آیا می‌توان در ماه رمضان برای فرار از روزه مسافرت کرد؟
بهتر است در ماه رمضان به سفر نرود، مگر این‌که برای کار نیکو یا لازمی باشد.

قضای روزه‌ی مسافر

س . کسی که در ماه رمضان مسافرت کرده، آیا علاوه بر قضا باید کفّاره هم بدهد؟
خیر، تنها قضای روزه‌ها واجب است و کفّاره ندارد، ولی اگر قضای روزه‌ها را تا ماه رمضان سال بعد به تأخیر اندازد، کار حرامی مرتکب شده و به جهت تأخیر، باید برای هر روز یک مُد طعام کفّاره بدهد.

مسافرت در روزه غیر ماه‌رمضان

م . شخصی که روزه‌ی معینی بر عهده‌ی او می‌باشد و یا اینکه چند روز روزه قضا دارد و وقت آن ضیق شده، رفتن به سفر برای او اشکال ندارد و اگر در سفر است لازم نیست مراجعت کند که آن روز یا چند روز را روزه بگیرد؛ چون کسی که در سفر است، روزه از او برداشته شده است همانند ماه مبارک، و تفاوتی هم بین اقسام روزه نیست.

۱. منظور از اذان مغرب، به محض شروع اذان است.

مسافرت برای فرار از کفّاره

م . اگر روزه‌دار به عَمد مُفطِری انجام دهد، سپس سفر کند، چه سفرش قبل از ظهر باشد یا بعد از ظهر، به قصد فرار باشد یا بدون این قصد، باید کفّاره بدهد.

مسافرت بعد از اذان ظهر

م . اگر روزه‌دار بعد از ظهر مسافرت کند، روزه‌اش صحیح است و باید روزه‌اش را تمام کند.

رسیدن به وطن پیش از اذان ظهر

م . اگر مسافر پیش از ظهر به وطنش یا جایی برسد که ده روز در آن‌جا می‌ماند:

اگر مُفَطِری انجام نداده: باید آن روز را روزه بگیرد.

اگر مُفَطِری انجام داده: روزه‌ی آن روز بر او واجب نیست، ولی بعداً باید قضا کند.

توجه

مسافر و کسی که برای روزه گرفتن عُذر دارد، مکروه است در روزهای ماه رمضان با همسرش آمیزش داشته باشد یا در خوردن و آشامیدن خود را به طور کامل سیر کند.

رسیدن به وطن بعد از اذان ظهر

م . اگر مسافر بعد از ظهر به وطنش یا جایی برسد که ده روز در آن جا می‌ماند، نباید آن روز را روزه بگیرد.

باطل کردن روزه‌ی پیش از حدّ تَرَخُّص

م . اگر روزه‌دار پیش از ظهر مسافرت کند، چنانچه پیش از رسیدن به حدّ تَرَخُّص[1] از روی علم و عمد مبطلی انجام دهد، علاوه بر قضا بنابر احتیاط واجب کفاره نیز باید بدهد لکن اگر از حکم مسأله غافل بوده کفاره ندارد.



توجه

اگر پیش از ظهر از وطن اوّل به وطن دوم (یا جایی که می‌خواهد ده روز در آن‌جا بماند) مسافرت کند، چنانچه در بین راه یکی از مُبطلات روزه را انجام نداده و قبل از اذان ظهر هم برسد، باید نیّت روزه کند.

۱ . «حدّ تَرَخُّص» مکانی است که در آنجا اذان شهر شنیده نمی‌شود. و طبق تحقیق که انجام گرفت، حدود فاصله ۱۳۵۰ متری از دیوارهای شهر، حدّ تَرَخُّص می‌باشد. [برای آشنایی با واژگان فقهی به بخش اصطلاح‌نامه رجوع کنید].

شرایط صحیح نبودن روزه‌ی مسافر

م . مسافر با دارا بودن شرایط زیر نمی‌تواند روزه بگیرد:

شرایط صحیح نبودن روزه‌ی مسافر
۱. کمتر از مسافت شرعی نبودن
۲. قصد مسافت شرعی
۳. استمرار قصد
۴. عدم قصد یکی از قواطع سفر[1]
۵. حرام نبودن سفر (مُباح بودن آن)
۶. خانه به دوش نبودن
۷. شغل نبودن سفر

پیمودن مسافت شرعی

م . شرط اوّلِ صحیح نبودن روزه‌ی مسافر آن است که سفرش کمتر از مسافت شرعی نباشد. اگر فاصله‌ی محلی که قصد رفتن به آن جا را دارد، کمتر از مسافت شرعی باشد، نمی‌تواند روزه را بشکند.

مقدار مسافت

س . مسافت شرعی چقدر است؟
مسافت شرعی هشت فرسخ[2] [چهار فرسخ رفت و چهار فرسخ برگشت] است.

ملاک مسافت

م . کسی که رفت و برگشت او هشت فرسخ است، اگر رفت و برگشتش هیچ‌کدام کمتر از چهار فرسخ نباشد، نباید روزه بگیرد، ولی اگر رفت او کمتر از چهار فرسخ باشد، نمازش تمام است و باید روزه بگیرد. برای مثال: رفت سه فرسخ و برگشتن پنج فرسخ باشد.

۱. یعنی تصمیم نداشته باشد از سفر خود دست بکشد.
۲. فرسخ یا فرسنگ: واحد مسافت است. کسی که قصد دارد بیشتر از هشت فرسنگ مسافرت نماید، باید نمازش را پس از گذشتن از حدّ تَرَخُّص، شکسته بخواند و کسی که از مسافرت باز می‌گردد، وقتی به حدّ تَرَخُّص وطن خود رسید، باید نماز را تمام بخواند. (توجه: در قدیم اطراف شهرها دیوار می‌کشیدند؛ ولی در حال حاضر که شهرها دیوار ندارند، ملاک و میزان، دیوار خانه‌های آخر شهر است).
شنیده نشدن اذان برای تعیین حدّ تَرَخُّص کافی است؛ ولی احتیاط مستحب، رعایت هر دو علامت است و تعیین آخر شهر موکول به نظر عُرف است. اگر در نظر عُرف کارخانه‌ها و شهرک‌های پراکنده اطراف شهر جزو شهر نباشد، مسافت را از آخر خانه‌های شهر باید حساب نمود.

پرسش

پرسش: تفاوت حدّ شرعی با حد تَرَخُّص چیست؟

پاسخ: «حدّ شرعی» همان «مسافت شرعی» است؛ یعنی هشت فرسخ رفت و برگشت.

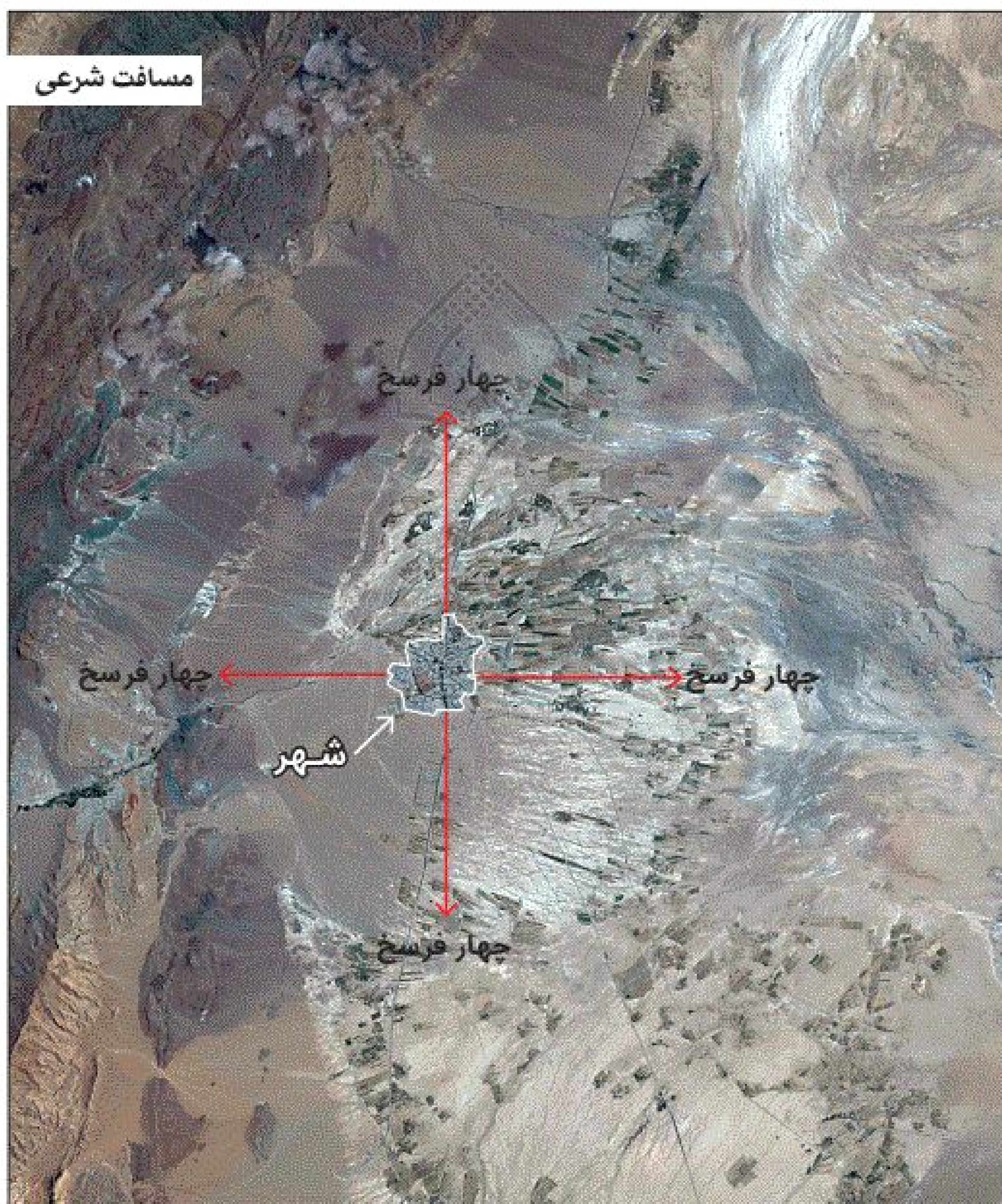
«حدّ تَرَخُّص» مکانی است که در آنجا اذان شهر شنیده نمی‌شود.

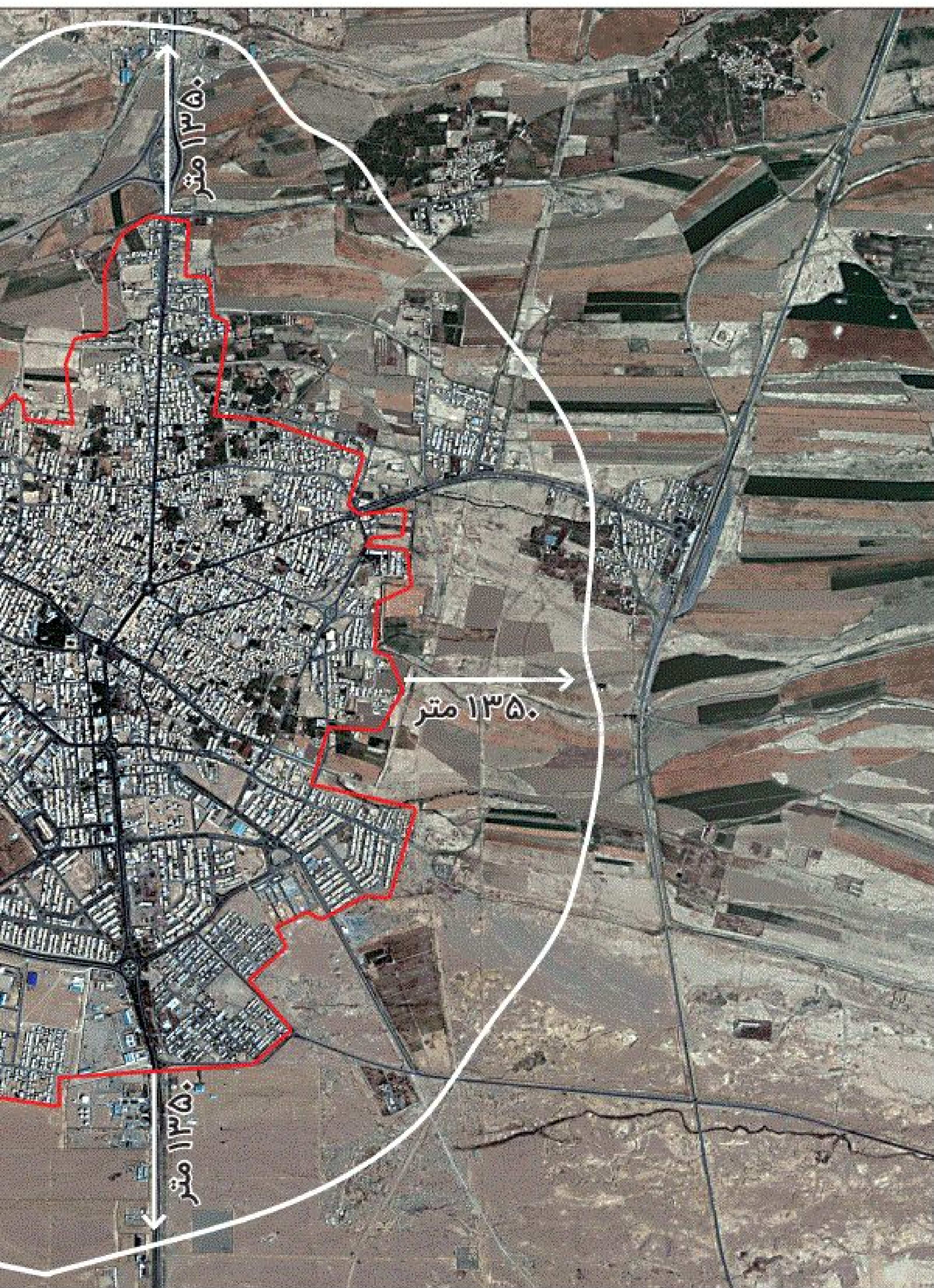
نکته

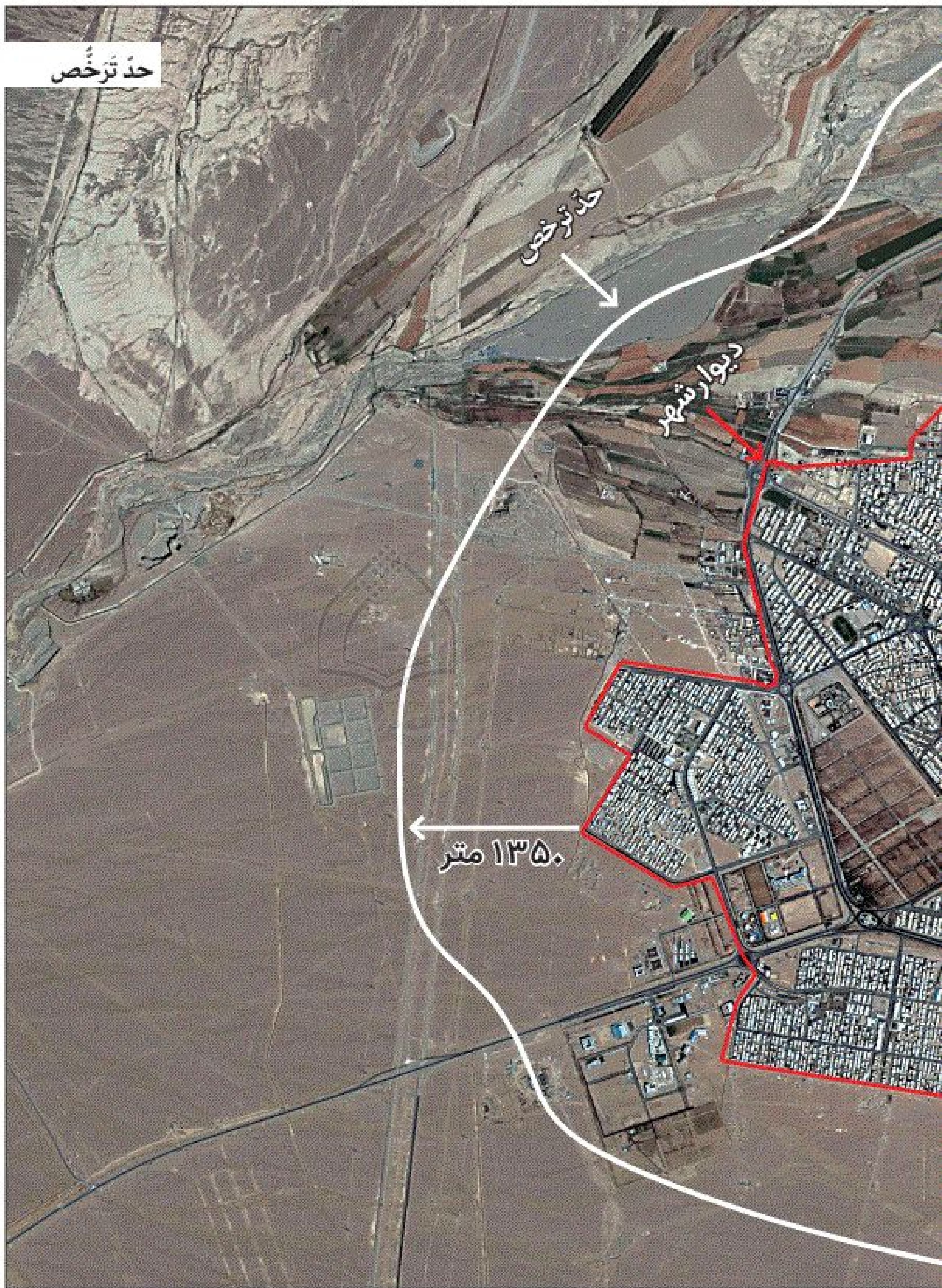
چند نکته درباره‌ی تعیین حدّ تَرَخُّص:

در اطراف شخص چیزی که مانع شنیدن است مثل سر و صدا، وجود نداشته باشد.

(طبق تحقیقی که انجام گرفت، حدود فاصله‌ی ۱۳۵۰ متری از دیوارهای شهر، حدّ تَرَخُّص می‌باشد).




۱۳۵۰ متر
۱۳۵۰ متر
۱۳۵۰ متر



حدّ تَرَخُّص
حدّ ترخص
دیوار شهر
۱۳۵۰ متر

قصد مسافت

م . شرط دوم آن است که از اوّل مسافرت، قصد پیمودن مسافت شرعی را داشته باشد. بنابراین اگر از ابتدا می‌خواهد به محلّی با فاصله‌ی کمتر از هشت فرسخ برود و در وسط راه یا پس از رسیدن به آن مقصد، قصد کند مسافرت را ادامه دهد، به طوری که مجموع سفرش هشت فرسخ شود، چون از اوّل قصد نداشته، نمی‌تواند روزه را بشکند.



استمرار قصدِ مسافرت

م . شرط سوم این است که قصد مسافرت او تا آخر سفر ادامه داشته باشد (در بین راه از قصد خود برنگردد.) بنابراین اگر پیش از رسیدن به چهار فرسخ از قصد خود برگردد یا مردّد شود و تا آن هنگام روزه را نشکسته باشد، روزه‌ی آن روز را باید تمام کند.

عدم قصد یکی از قَواطِع سفر

تعریف قواطع سفر

م . شرط چهارم آن است که در بین سفر، قصد «قواطع سفر» نداشته باشد؛ یعنی تصمیم نداشته باشد که مسافرت خود را قطع کند و دست از سفر بکشد. بنابراین کسی که می‌خواهد پیش از پیمودن هشت فرسخ، از وطنش بگذرد یا در جایی ده روز بماند باید روزه‌اش را بگیرد.

اقسام قطع‌کننده‌های سفر

م . در سفر نماز شکسته است و روزه صحیح نیست، ولی چنانچه مسافر به وطن یا زادگاهش برسد یا قصد اقامت ده روزه در محلّی داشته باشد و یا سی روز بدون قصد اقامت (به حالت تردید در توقف) جایی بماند، در این صورت سفرش قطع شده و دیگر احکام نماز و روزه مسافر را ندارد، از این رو باید نماز را تمام بخواند و روزه بگیرد.

نکته

نمازهای شکسته دو رکعتی خوانده می‌شود و تنها شامل سه نماز می‌شود: نماز ظهر، عصر و عشا؛ پس نماز صبح دو رکعتی و نماز مغرب سه رکعتی خوانده می‌شود.

رسیدن به وطن

نخستین قطع‌کننده‌ی سفر «وطن» است که برخی از احکام آن در زیر می‌آید:

س. اگر مسافر در طول سفر از وطن خود عبور کند، حکم روزه‌اش چیست؟

اگر قبل از ظهر از وطن عبور کرده و تا آن زمان باطل‌کننده روزه انجام نداده باشد، در صورتی که ادامه‌ی مسافرت (بعد از وطن) کمتر از هشت فرسخ باشد باید نیّت روزه کند و روزه بگیرد؛ و چنانچه ادامه‌ی مسافرت (بعد از وطن) هشت فرسخ یا بیشتر باشد، بعد از وطن، روزه‌اش صحیح نیست. و اگر بعد از ظهر از وطن عبور کرده، روزه‌اش صحیح نیست، هرچند ادامه‌ی سفر از هشت فرسخ کمتر باشد.

توجه

رسیدن به وطن موجب اتمام سفر می‌شود و تفاوتی نیست میان این که در وطن توقف کند یا از آن عبور نماید.

تعریف وطن و احکام آن

م. جایی که انسان برای زندگی اختیار کرده و قصد دارد همیشه آن‌جا بماند، وطن شمرده می‌شود، مثلاً یک شهر یا روستا، خواه در آن‌جا به دنیا آمده و وطن پدر و مادرش باشد یا خود آنجا را برای زندگی اختیار کرده باشد.

کسی که در دو محل زندگی می‌کند مثلاً شش ماه در شهری و شش ماه در شهر دیگر می‌ماند و هر دو را برای زندگی همیشگی اختیار کرده است، هر دو وطن اوست. اگر بیشتر از دو محل (وطن اتخاذی) را برای زندگی خود اختیار کرده باشد منوط به صدق عرفی است والّا محل اشکال است.

اگر انسان بدون قصد ماندن همیشگی در جایی، بنا دارد مدت هفت، هشت سال در آنجا بماند، حکم وطن برای او دارد.

استقلال در انتخاب وطن

س. زن در انتخاب وطن مستقل است یا تابع همسرش؟

زن در تصمیم‌گیری مستقل است و می‌تواند در انتخاب وطن و قصد اقامت تابع شوهرش نباشد، ولی اگر تابع تصمیم همسرش باشد - که معمولاً چنین است - قصد شوهر برایش کافی است. پس اگر مرد محلّی را برای خود، وطن انتخاب کند، زن نیز از نظر وطن تابع شوهر است.

اختیار وطن بدون قصد

س. آیا ممکن است بدون قصد توطّن جایی وطن کسی شود؟

اگر بدون قصد آن‌قدر بماند که در نظر عُرف وطن او محسوب شود یا حداقل قصد زندگی برای هفت، هشت سال در جایی داشته باشد، حکم وطن را دارد.

قصد اقامت ده روز

م. هرگاه مسافری بخواهد ده روز پی‌درپی در محلی بماند یا می‌داند که ناچار است در آن‌جا ده روز توقف کند باید نماز را تمام خوانده و روزه بگیرد.

نکته

تلفیق کسریِ روز اوّل با روز آخر نیز کافی است؛ به‌طور مثال: اگر از ظهر روز اوّل قصد کند و تا ظهر روز یازدهم بماند، کافی است و باید نمازش را تمام بخواند.

تحقق قصد اقامت ده روز

م. مقصود از اقامت، ماندن ده روز است، نه ده شبانه‌روز. بنابراین ماندن شب قبل از آن (شب اوّل) و شب بعد از آن (شب یازدهم) لزومی ندارد. پس اگر تصمیم دارد از اذان صبح روز اوّل تا غروب روز دهم بماند (ده روز و نه شب) باید نماز را تمام بخواند.

قصد ده روزه و سفر به کمتر از مسافت

س. قصد اقامت ده روزه در قم دارم و می‌خواهم در این مدّت، به خارج از حدّ تَرَخُّص و فاصله‌ی کمتر از پانزده کیلومتری سفر کنم؛ حکم نماز و روزه‌ام چگونه است؟

اگر در مجموعِ ده روز، قصدِ بیرون رفتن بیشتر از هفت ساعت را نداشته باشید، اشکالی ندارد.

توجه

وقتی مسافر قصد اقامت ده روز کُند، چنانچه پیش از خواندن یک نماز چهار رکعتی از ماندن منصرف شود یا مردّد شود که در آن‌جا می‌ماند یا به جای دیگر می‌رود، نمازش شکسته است و نمی‌تواند روزه بگیرد؛ ولی اگر بعد از خواندن یک نماز چهار رکعتی از ماندن منصرف شود، یا مردّد گردد، تا وقتی که آن‌جا هست باید نماز را تمام بخواند و روزه بگیرد.

توقف یک‌ماهه بدون قصد

م. هرگاه در محلّی توقف کند، ولی نداند مدت توقفش چند روز خواهد بود، در آن‌جا نمازش شکسته است و نمی‌تواند روزه بگیرد؛ اما پس از گذشتن سی روز باید نماز را کامل بخواند و روزه صحیح است، اگر چه فقط یک روز بعد از آن، آن‌جا بماند.

توجه

مسافری که در محلّی سی روز مردّد بوده که می‌ماند یا می‌رود، در صورتی باید روزه بگیرد که سی روز در همان مکان بماند. بنابراین اگر بعضی روزها را آن‌جا و مقداری را در جایی دیگر مانده بعد از سی روز هم باید نماز را شکسته بخواند و نباید روزه بگیرد.

حرام نبودن سفر

م . شرط پنجمِ صحیح نبودن روزه‌ی مسافر آن است که سفر او حرام نباشد. اگر مسافرت او گناه و حرام باشد باید در آن سفر روزه بگیرد و روزه‌اش صحیح است.

اقسام سفر حرام :

۱.خودش حرام است؛ مانند فرار از جبهه‌ی جهاد یا سفر زن بدون اجازه‌ی شوهر.

۲. مقدمه‌ی کار حرام است؛ یعنی خود سفر حرام نیست، ولی هدف از آن، کارِ حرام است؛ مانند سفر برای دزدی.

خانه به دوش نبودن در سفر

م . شرط ششم آن است که از افراد خانه به دوش نباشند؛ مانند صحرانشینانی که محل زندگی ثابتی ندارند، در بیابان‌ها گردش می‌کنند و هرجا آب و چراگاه پیدا کنند، می‌مانند. چنین اشخاصی باید نماز را کامل بخواند و در مسافرت‌ها روزه‌شان صحیح است.

شغل نبودن سفر

م . شرط هفتم آن است که مسافرت شغل او نباشد. راننده‌ها، خلبان‌ها، کشتیران‌ها و افرادی مانند ایشان که مسافرت، شغل آنها است، در سفر اوّل و دوّم، هرچند طول بکشد روزه گرفتن برایشان صحیح نیست، اما در غیر سفر اوّل و دوّم نماز کامل و روزه صحیح است.

نکته

اگر افرادی که شغلشان سفر است، برای کار دیگری - مثلاً زیارت - مسافرت کنند، روزه‌ی آنها صحیح نیست.







معیار در تحقق کثیرُالسَّفر

س. کثیرالسّفر به چه کسی می‌گویند؟

کثیرالسّفر به کسی می‌گویند که برای انجام شغلش زیاد سفر می‌کند. این شخص در سفر سوم نمازش تمام است و روزه هایش را باید بگیرد؛ هر چند شغل او دو سه ماهه باشد.

روزه‌ی دانشجو و کارمند

س. دانشجو یا کارمندی که محل تحصیل یا کارش غیروطنش است و فاصله‌ی آنجا تا وطنش کمتر از مسافت شرعی است، در صورتی که هر روز آن جا برود و برگردد، تکلیف روزه‌ی او چیست؟

باید روزه بگیرد.

س. دانشجو یا کارمندی که محل تحصیل یا کارش غیر وطنش است و فاصله آن‌جا تا وطنش بیشتر از مسافت شرعی است، در صورتی که بعد از تحقّق کثیرالسّفر هر روز آن‌جا برود و به وطن برگردد، تکلیف روزه او چیست؟

در فرض سؤال کارمند، استاد و کسی که مأمور به تحصیل (بورسیه) است، در سفر اوّل و دوم نباید روزه بگیرند. و از سفر سوّم به بعد روزه‌شان صحیح است، ولی سایر دانشجویان و دانش‌آموزان بنابر احتیاط واجب،[1] نماز را هم شکسته و هم تمام بخوانند و روزه بگیرند و بعد قضا نمایند.

س. دانشجو و کارمندی که محل تحصیل یا کارش در غیر وطن است و فاصله‌ی محل درس یا کارش تا وطن بیش از مسافت شرعی می‌باشد، در صورتی که ده روز یا بیشتر آن‌جا می‌ماند و به وطن برمی‌گردد، تکلیف روزه او چیست؟

در محل تحصیل و کار با قصد ماندن ده روز یا بیش از آن، نماز تمام است و باید روزه بگیرد.



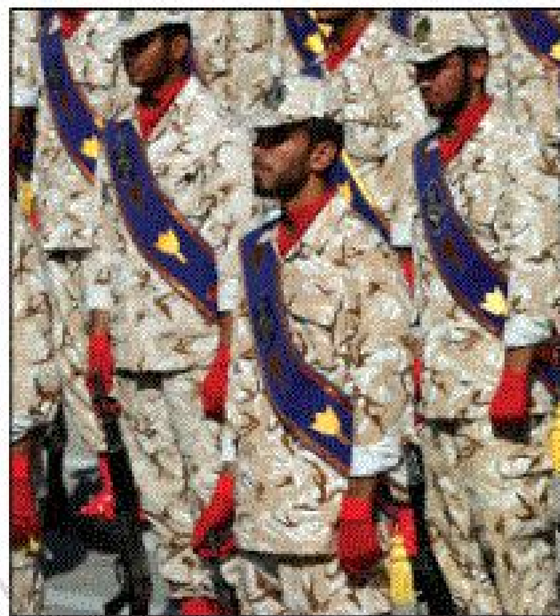


۱. البته مقلدین مقام معظم رهبری(مدّظلّه العالی) می‌توانند در این مسأله به مجتهد جامع الشرائط بعدی مراجعه نمایند.

روزه‌ی سرباز

س. نماز و روزه‌ی سربازها چگونه است؟

در دوران آموزشی باید احتیاط کند و نماز را هم تمام و هم شکسته بخواند[1] و اگر پس از آن متصدّی کاری است و حداقل هر ده روز یک بار برای آن کار سفر می‌کند، در غیر از سفر اوّل و دوم نمازش تمام و روزه‌اش صحیح است؛ و در غیر این صورت باید در محل سربازی قصد ده روز کند.





روزه‌ی کثیرالسّفر در بین راه

س. آیا در مواردی که عنوان «کثیرالسّفر» یا «دائم السّفر» بر کسی صدق می‌کند و روزه‌اش در سفر صحیح است، در بین مسیر هم می‌تواند روزه بگیرد؟

بله، در بین راه هم صحیح است.

رسیدن به حدّ تَرَخُّص

م. کسی که عازم سفر است، تا به حدّ تَرَخُّص نرسیده، نمی‌تواند روزه‌اش را افطار کند.

توجه

اگر مسافر پیش از رسیدن به حدّ ترخُّص از روی علم و عمد روزه‌اش را افطار کند، علاوه بر قضا بنابر احتیاط واجب کفّاره هم بدهد.



۱. البته مقلدین مقام معظّم رهبری (مدّظلّه العالی) می‌توانند در این مسأله به مجتهد جامع‌الشرائط بعدی مراجعه نمایند.

نذر روزه‌ی ماه رمضان در سفر

م . کسی که در ماه رمضان در سفر است، جایز نیست نذر کند که روزه بگیرد.

س . آیا می‌توانیم در وطن نذر کنیم که روزه‌ی ماه رمضان یا قضای آن را در سفر به جا آوریم؟

خیر، این نذر صحیح نیست.

قضای روزه‌ی مسافر

س . کسی که در ماه رمضان مسافرت کرده، آیا علاوه بر قضا باید کفّاره هم بدهد؟

خیر، تنها قضای روزه واجب است و کفّاره ندارد؛ ولی اگر قضای روزه را تا ماه رمضان سال بعد به طور عَمْدی به تأخیر اندازد، به جهت تأخیر، باید برای هر روز یک مُدّ طعام کفّاره بدهد.

روزه‌ی مافِی‌الذّمه

م . کسی که نمی‌داند قضای روزه دارد یا نه، چیزی بر او واجب نیست، ولی می‌تواند روزه‌ی «ما فِی الذمّه» بگیرد؛ یعنی نیّت کند که اگر روزه‌ی قضا داشته باشد، به‌جای آن باشد و گر نه به عنوان روزه‌ی مستحبّی حساب شود.

کارهایی که برای روزه‌دار مکروه است

م . برخی از کارهایی که برای روزه‌دار مکروه است عبارتند از:

مکروهات روزه	
سُرمه کشیدن	و دارو ریختن به چشم در صورتی که مزّه یا بوی آن به حلق برسد.
استعمال اَنفیه[1]	البته اگر نداند که به گلو می‌رسد.
بوییدن گلها	گیاهان مُعَطَّر
مرطوب کردن لباس	لباسی که به تن دارد.
کشیدن دندان	و هر کاری که به واسطه‌ی آن از دهان خون بیاید.
تحریک شَهوت	هر کاری که شهوت را تحریک کند.
کاری که باعث ضعف شود	مانند خون گرفتن.
نشستن زن در آب	
مسواک زدن با چوب تَر	
استعمال شِیاف	

1. انفیه، گردی است که از گیاهان و داروهای معطر و عطسه‌آور درست شده و با بینی استشمام می‌شود. گاهی آن را وارد بینی می‌کنند تا مجاری تنفسی باز شود و در مواردی برای ایجاد عطسه یا جلوگیری از آن استعمال می‌شود.

رؤیت هلال

ماه رمضان با رؤیت هلال اوّل ماه آغاز می‌شود و با رؤیت هلال اوّل ماه (شوال) به پایان می‌رسد. چون ماه رمضان، قمری است، گاهی سی و گاهی بیست و نه روز است؛ از طرف دیگر چون روزی را که انسان نمی‌داند آخر شعبان است یا اوّل رمضان، اگر به نیّت اوّل رمضان روزه بگیرد، حرام است و همچنین روزه‌ی اوّل شوال (عید فطر) حرام است، لذا «راه ثابت شدن اوّل ماه» اهمیّت می‌یابد. زیرا ممکن است انسان روزه‌ی حرامی بگیرد؛ البته دلایل دیگری همچون اصل انجام وظیفه نسبت به روزه‌داری تمام ماه مبارک رمضان و شبهای قدر و مناسبت‌های دیگر این ماه نیز اهمیّت راه ثابت شدن اوّل ماه را بیشتر می‌کند.

راه‌های ثبوت اوّل ماه

س. راه‌های ثبوت اوّل ماه را بیان کنید؟



راه‌های دیگر

رؤیت هلال با تلسکوپ

س. آیا رؤیت ماه با تلسکوپ و وسایل نجومی اعتبار شرعی دارد؟
رؤیت هلال با تلسکوپ و مانند آن نیز معتبر است.





رؤیت هلال از طریق شِیاع (شیوع پیدا کردن)

م. اگر عده‌ای که از گفته‌ی آنان یقین پیدا می‌شود، بگویند ماه را دیده‌ایم، اوّل ماه ثابت می‌شود.

۱. مثلاً عده‌ای که از گفته‌ی آنان یقین پیدا شود بگویند: ماه را دیده‌ایم.

اعلام رؤیت هلال از طریق رسانه‌ها

س . آیا دریافت خبر رؤیت هلال از طریق رسانه‌ها (رادیو، تلویزیون،روزنامه و سایت) برای ثبوت هلال، کافی و قابل اعتماد است؟

هر چیزی که با آن یقین و اطمینان به ثبوت هلال حاصل شود، کافی است.




شهادت بر شهادت در رؤیت هلال

س . با توجه به این‌که برای اثبات هلال ماه شهادت دو نفر عادل کافی است، آیا اعلام عید از سوی چند مرجع، به اندازه‌ی دو نفر عادل نیست؟

آنچه به عنوان یکی از راه‌های اثبات هلال ماه گفته شده، شهادت دو نفر عادل، به این است که خودشان ماه را دیده‌اند، به همین دلیل اگر شهادت دو نفر عادل به رؤیت هلال با اطمینان به گفته‌ی دیگران حاصل شده باشد. این «شهادت بر شهادت» توسط دو نفر عادل اعتبار شرعی ندارد؛ مگر آن که از گفته‌ی ایشان، اطمینان به رؤیت هلال پیدا شود.

اوّل ماه بر اساس تقویم

م . اوّل ماه براساس تقویم کارشناسان نجوم ثابت نمی‌شود، مگر این‌که انسان از گفته‌ی آنان اطمینان پیدا کند.

رؤیت هلال در عربستان

س . اگر هلال ماه شوال در عربستان دیده شود، آیا برای ایران نیز اوّل ماه ثابت می‌شود؟

خیر، ثابت نمی‌شود.

رؤیت ماه در کشورهای شرقی

س. اگر ماه در کشورهای شرقی رؤیت شود، آیا برای کشورهای غربی خود به خود ثابت می‌شود یا خیر؟

گرچه رؤیت در کشور شرقی غالباً ملازم با امکان رؤیت در کشور غربی است، لیکن گاهی به ملاحظه اختلاف زیاد طول جغرافیایی، چنین ملازمه‌ای منتفی است و معیار کلّی ملازمه‌ی بین دو کشور در امکان رؤیت هلال است.

پرسش

پرسش: منظور از هم اُفق بودن چند مکان چیست؟

پاسخ: منظور از «هم اُفق» مکانی است که از لحاظ امکان یا عدم امکان رؤیت، با شهر مورد نظر همسان باشد.

شهادت دو مرد عادل

اطلاع از رؤیت ماه با واسطه

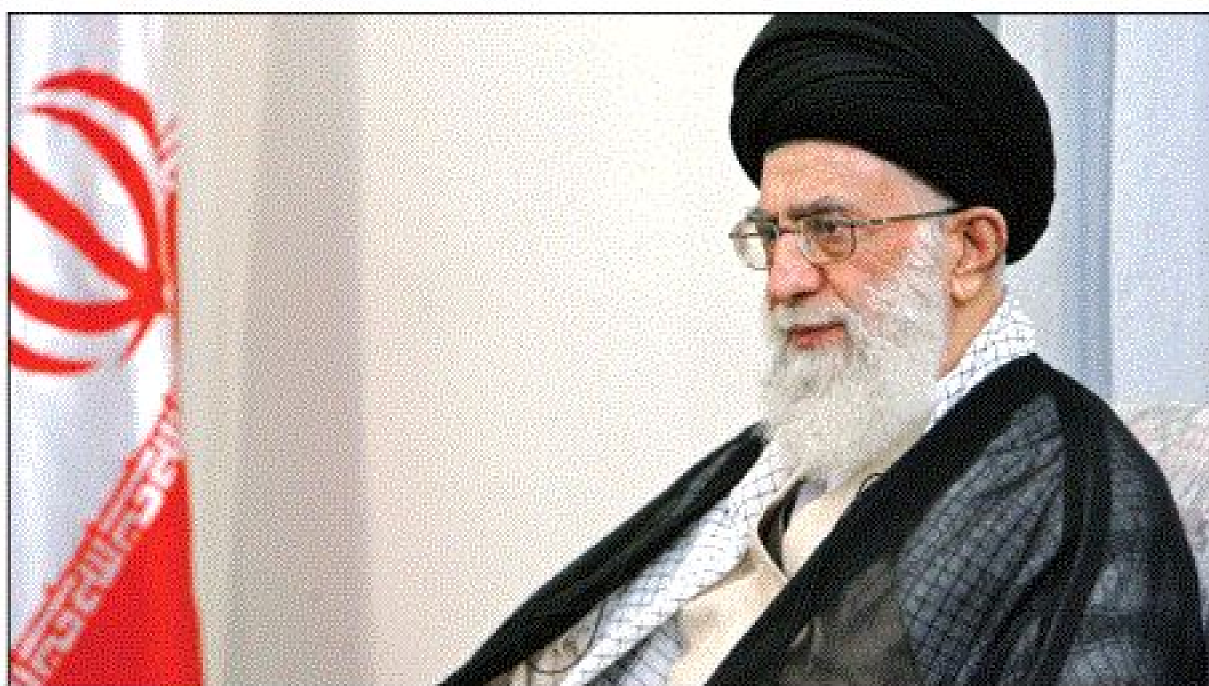
س. اگر چند نفر عادل شهادت بدهند که دو نفر عادل ماه را دیده‌اند، اوّل شوّال ثابت می‌شود؟

خیر، باید دو نفر عادل خود برای انسان شهادت دهند که ماه را دیده‌اند و اگر رؤیت ماه را باواسطه نقل کنند، کافی نیست؛ مگر آن‌که از گفته‌ی آنان اطمینان به رؤیت هلال پیدا شود.

حکم حاکم

س. این‌که گفته می‌شود: «مجتهد باید در مورد رؤیت هلال حکم دهد تا برای همگان لازم‌الاجرا باشد» منظور چیست؟ و شامل چه کسانی می‌شود؟

مقصود، اظهار نظر و صدور رأی در مورد اوّل ماه است و صِرف ثبوت ماه نزد وی حکم نیست. و منظور از حاکم، مجتهد جامع‌الشّرایط و در درجه‌ی اوّل ولیّ امر مسلمین است.



تقلید در ثبوت اوّل ماه

م . رؤیت هلال «حکم شرعی» نیست تا نیاز به تقلید داشته باشد، بلکه «تشخیصِ موضوع» است که باید برای مُکَلَّف ثابت شود و از قول هرکس برای انسان ثابت شد، می‌تواند طبق آن عمل کند؛ بنابراین اگر برای کسی از اعلام نظر یکی از مراجع تقلید، اطمینان به رؤیت ماه پیدا شد، باید روزه‌ی خود را افطار کند و اگر شک داشته باشد، باید آن روز را روزه بگیرد.

تفاوت نظر مراجع در عیدفطر

س . اگر بین مراجع تقلید، در ثبوت عید فطر تفاوت نظر وجود داشته باشد، وظیفه‌ی مُکَلَّف چیست؟ آیا هرکس به نظر مرجع تقلید خود مراجعه کند؟

در اثبات اوّل ماه، تقلید راه ندارد و ملاک، علم یا اطمینان خود مُکَلَّف است؛ در نتیجه اگر شخص از گفته و اعلام نظر مرجع تقلید، به رؤیت ماه اطمینان یابد، باید روزه‌ی خود را افطار کند و اگر شک داشته باشد و از راه شرعی دیگری هم اوّل شوال معلوم نشود، باید آن روز را روزه بگیرد.

تشخیص شب قدر با اختلاف در اوّل رمضان

س . با توجّه به این‌که در برخی از سال‌ها در ثبوت اوّل ماه رمضان اختلاف پیش می‌آید، تکلیف شب قدر چه می‌شود؟

برای انجام اعمال شب قدر طبق حکم حاکـم و یا اطمینان شخصی عمل کند

علم به حلول ماه رمضان در بین روز

س . اگر پیش از ظهر اعلام کردند که امروز اوّل ماه رمضان است، تکلیف روزه‌ی آن روز چه می‌شود؟

اگر مُبْطِلات روزه را مرتکب نشده، بنابر احتیاط واجب باید نیّت کند و روزه بگیرد و بعداً نیز آن روز را قضا کند، و اگر یکی از آن‌ها را مرتکب شده، روزه‌ی او باطل است؛ ولی (به احترام ماه رمضان) باید تا اذان مغرب از باطل‌کننده های روزه خودداری نماید و بعد از ماه رمضان آن روز را قضا کند.

اِفْطار با گمان به حُلول شَوّال

س . اگر از گفته‌ی عدّه‌ای حدس بزنیم که فردا عید فطر است، می‌توانیم روزه را افطار کنیم؟

اگر اطمینان پیدا نشود که فردا عید فطر (اوّل شوّال) است، نمی‌توان روزه را افطار کرد.

زکات فِطْره

علت نام‌گذاری زکات فطره

م . زکات فطره، یعنی زکات بدن؛ از آن رو که بدن را از مرگ (زودرس) حفظ می‌کند یا آن‌را از پلیدی اموال برکنار می‌دارد، «زکات بدن» می‌نامند؛ و چون روز عید فطر پرداختش واجب است، به «زکات فطره» معروف است.

شرایط وجوب زکات فطره

م . بر کسی که هنگام غروبِ شب عید فطر دارای شرایط زیر باشد، واجب است زکات فطره‌ی خود و هر کسی که نان‌خورِ اوست، پرداخت نماید:

۱. بالغ باشد.	۲. عاقل و هوشیار باشد.	۳. بی‌هوش نباشد.	۴. آزاد باشد.	۵. فقیر نباشد.

مشمولان زکات فطره

زکات خود

م . همان‌طور که از مسأله‌ی قبل روشن شد، هرکسی که شرایط پرداخت زکات فطره را دارد و مخارجش به عهده‌ی دیگری نیست، هنگام غروبِ شبِ عید فطر زکات فطره بر او واجب می‌شود.

زکاتِ نان خور

تعریف نان‌خور

س . به چه کسی نان‌خور گفته می‌شود؟

کسی که هزینه‌ی تغذیه‌ی او -هر چند برای مدتی کم- به عهده‌ی انسان باشد؛ مانند افراد تحت سرپرستی شخص (زن، فرزند، خدمتکار) و نیز میهمان (با وجود شرایطی).

شرایط نان‌خور

م . در وجوبِ پرداخت فطره فرقی نمی‌کند که نان‌خورهای فرد کوچک[1] باشند یا بزرگ، مسلمان باشند یا کافر، دادن خرج آنان بر او واجب باشد[2] یا نه[3] و در شهر دیگر[4] باشند یا در شهر خود او.

۱. مانند طفل شیرخوار.

۲. مانند همسر.

۳. مانند فردی که مدتی در منزل او میهمان است.

۴. مانند فرزند انسان که در شهر دیگری مشغول به تحصیل است.

زکات فطره‌ی دانشجویان

س. آیا زکات فطره بر دانشجویی که در خوابگاه سکونت دارد، واجب است؟

اگر مخارج او را پدر و مادرش می‌دهند و نان خور آنان محسوب می‌شود، بر عهده‌ی آنها است، و اگر مستقل است و فقیر هم نیست، بر عهده‌ی خودش می‌باشد.

فطره‌ی نامزد شرعی

س. فطره‌ی دختر عقدکرده، بر عهده‌ی کیست؟

اگر نان‌خور پدرش باشد، بر عهده‌ی اوست.

وظیفه‌ی میزبان در شب عیدفطر

س. شب آخر ماه رمضان افرادی قبل از غروب و تنها برای افطار و صرف شام به منزل ما می‌آیند. گاهی همان شب اعلام می‌کنند که فردا عید فطر است. فطریه‌ی این میهمانان بر عهده کیست؟

فطریه‌ی میهمانِ یک شبه بر عهده‌ی میزبان نیست.

میهمان چند ساعته

س. فطریه‌ی میهمانی که پیش از غروب شب عید فطر به خانه انسان می‌آید و یکی- دو ساعت پس از صرف افطاری می‌رود، بر عهده‌ی کیست؟

فطریه‌ی میهمانِ یک شبه بر میزبان نیست.

میهمان بعد از غروب شب عید

م. فطریه‌ی میهمانی که بعد از غروب شب عید فطر وارد می‌شود، بر صاحبخانه واجب نیست، هر چند پیش از غروب او را دعوت کرده باشد و در خانه‌ی او هم افطار نماید.

پرداخت فطریه توسط میهمان

س. اگر میهمان فطریه‌ی خود را بدهد، آیا از عهده صاحبخانه ساقط می‌شود؟

خیر، ولی اگر با اجازه‌ی صاحبخانه از طرف او فطریه‌ی خود را بدهد، صحیح است.

بی‌اطلاعی از عید و ورود میهمان

س. اگر انسان شب عید فطر میهمان داشته باشد و صبح متوجه شود که عید بوده، آیا فطریه میهمان بر او واجب است؟

انسان باید فطریه‌ی کسانی را بدهد که هنگام غروبِ شب عید فطر نان‌خور او محسوب می‌شوند؛ مانند کسی که چند روز قبل به خانه او آمده و قصد دارد تا عید فطر بماند یا غروبِ شب عید فطر آمده و می‌خواهد چند روز پیش او بماند.

فِطریّه‌ی کارگران

س . کارگرانی که مدیر عامل شرکت علاوه بر حقوق ماهیانه غذایشان را هم می‌دهد، آیا زکات فطریه‌ی آنها با مدیر عامل است؟

با توجه به این که تغذیه در این گونه موارد بخشی از حقوق آنها محسوب می‌شود، در فرض سوال کارگران نان خور او محسوب نمی‌شوند و زکات فطره بر عهده خود آنهاست.

فطریه‌ی بیماران بستری در بیمارستان

س . فطریه‌ی بیماری که در شب عید فطر در بیمارستان بستری است به عهده‌ی کیست؟

اگر بیمار فقیر است، زکات فطره بر او واجب نیست و اگر فقیر نیست و غذای بیمارستان نیز از هزینه‌هایی است که از بیمار دریافت خواهد شد، حتی اگر به جهت بیماری روزه هم نگرفته باشد باید زکات فطره را پرداخت کند، مگر آن که مخارج او به عهده‌ی دیگری باشد؛ مانند: زنی که نفقه اش به عهده‌ی شوهر است.

مصرف زکات فِطره

م . اگر زکات فطره را به یکی از مصارف زیر برسانند، کافی است:

۱. فَقیر

۲. مِسْکین[1]

۳. کسی که از طرف امام علیه‌السلام یا نایب امام، مأمور است که زکات را جمع آوری و نگهداری نماید و به حساب آن رسیدگی کند و آن را به امام علیه‌السلام یا نایب ایشان و یا فقرا برساند.

۴. کافرانی که اگر به آنان زکات بدهند، به دین اسلام متمایل می‌شوند یا در جنگ به مسلمانان کمک می‌کنند.

۵. خریداری بنده‌ها و آزاد کردن آنان.

۶. بدهکاری که نمی‌تواند قرض خود را بدهد.

۷. مصرف در راه خدا؛ مانند ساختن مسجد که منفعت عمومی دینی دارد یا ساختن پُل و ساخت و توسعه راه‌هایی که بهره آن به عموم مسلمانان می‌رسد و آنچه برای اسلام سود دارد، به هر شکلی که باشد.

۸. مسافری که در سفر درمانده و بی‌پول شده است (اِبنُ السَّبیل).

نکته

۱. در دادن زکات فطره، مستحب است خویشان فقیر خود را بر دیگران مقدم بدارد، بعد همسایگان فقیر وسپس اهل علم فقیر را؛ امّا اگر دیگران از جهتی برتری داشته باشند، مستحب است آنها را مقدم کند.

۲. احتیاط مستحب است زکات فطره را به فقیر مؤمن بدهند.

۱. برای آشنایی با واژگان فقهی به بخش اصطلاح‌نامه رجوع کنید.

زکات فطره‌ی فقیر

س. آیا پرداخت زکات فطره بر کسی که توان مالی ندارد، واجب است؟

کسی‌که مخارج سالانه خود و افراد خانواده‌اش (کسانی که مخارجشان شرعاً به عهده اوست) را ندارد، فقیر است و پرداخت زکات فطره بر او واجب نیست.

اثبات فقر

م. کسی که باید فطریه بدهد، اگر می‌داند شخصی در گذشته فقیر بوده یا اطمینان دارد و یا از حالت ظاهری‌اش گمان می‌یابد که او در حال حاضر فقیر است می‌تواند به او بپردازد. در غیر این صورت جایز نیست.

پرداخت فِطریّه به بدهکار

س. آیا جایز است که زکات فطره به فرد بدهکار داده شود؟

اگر بدهکار توانایی دادن بدهی خود را ندارد، جایز است و لازم نیست فقیر باشد.

فِطریّه به عنوان هدیه

س. آیا جایز است زکات فطره را به عنوان هدیه به خویشاوندان آبرومند و مستحق بدهیم؟

لازم نیست به فقیر بگوید که زکات است، بلکه اگر آن فرد خجالت می‌کشد، مستحب است آن را به او داده و زکات بودنش را به زبان نیاورد، ولی خودش باید قصد زکات نماید.

بردن زکات فطره به شهر دیگر

س. آیا می‌توان زکات فطره را به خویشاوندان فقیری پرداخت که در شهری دیگر سکونت دارند؟

اگر در شهر خودش فرد نیازمند وجود دارد، احتیاط واجب آن است که فطره را به شهر دیگر نبرد.

مصرف فطریه در امور فرهنگی

س. آیا جایز است زکات فطره را در امور دینی، مانند هزینه‌ی کلاس‌های قرآن یا انتشار و اهدای کتاب‌های مذهبی صرف کرد؟

مصرف زکات فطره، همان مصرف زکات مال است، ولی احتیاط مستحب آن است که به فقرای شیعه بدهد.

شرایط مصرف کنندگان زکات

عدالت فقیر

م . فقیری که به او فطریه می‌دهند، لازم نیست عادل باشد؛ ولی احتیاط واجب آن است که به شراب‌خوار و کسی که آشکارا گناه کبیره انجام می‌دهد، فطره ندهند.

واجبُ‌النَّفَقِه نبودن

پرداختن فطره به واجب‌النفقه

س . آیا می‌توان زکات فطره را به کسی که تأمین مخارجش بر انسان واجب است، پرداخت کرد؟
انسان نمی‌تواند مخارج کسی (فقیری) را که مانند زن و فرزند خرجش بر او واجب است، از زکات بدهد، ولی دیگران می‌توانند به چنین کسی زکات بدهند.

پرداختن فطریه به پدر و مادر

س . آیا می‌توان زکات فطره را به پدر و مادر خود- در صورت مستحق بودن- داد؟
اگر پدر و مادر فقیر باشند، فرزند باید مخارج واجب آنان را بپردازد و در این صورت (که نفقه‌ی آنها واجب شده) دیگر نمی‌توان چیزی از زکات فطره به آنان داد، ولی دیگران می‌توانند به آنان زکات بدهند.

پرداختن فطریه پیش از عید

س . کسی از من پول درخواست کرده و می‌دانم فقیر و مستحق است؛ آیا جایز است پیش از ماه رمضان فطره را به او بدهم؟
دادن فطره پیش از ماه رمضان صحیح نیست، ولی اگر به عنوان قرض به فقیر بدهد و شب عید فطر طلبِ خود را بابت فطره حساب کند، اشکالی ندارد.
دادن فطریه در ماه رمضان بنابر احتیاط واجب صحیح نیست، ولی اگر به عنوان قرض به فقیر بدهد و شب عید فطر طلبِ خود را بابت فطریه حساب کند، مانعی ندارد.

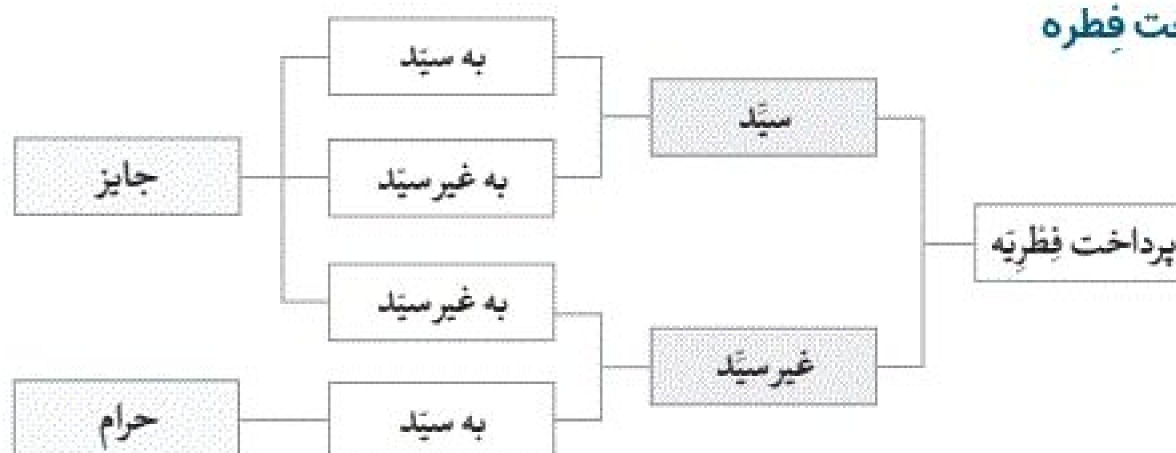
سیّد نبودن زکات‌گیرنده

س . کسی که سیّد نیست، آیا می‌تواند فطره را به سیّد بدهد؟
خیر، جایز نیست.

فطریه‌ی سیّدی که همسرش غیر سیّد است

س . آیا سیدی که زنش غیر سیّد است، جایز است زکات فطره همسرش را به سیّد پرداخت کند؟
اشکالی ندارد.

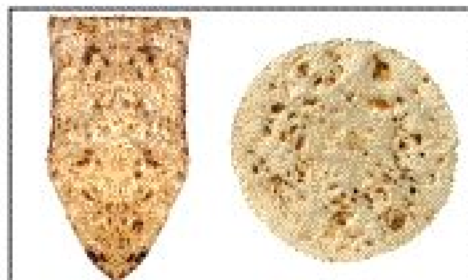
پرداختِ فِطره



مقدار و جنس زکات فطریه

م . زکات فطره به ازای هر نفر، یک صاع (تقریباً سه کیلوگرم) گندم یا آرد و یا سایر مواد غذایی معمول در تغذیه‌ی مردم و یا پول [1] این‌ها است.





مقدار فطره برای هر فقیر

م . احتیاط واجب آن است که به یک فقیر بیشتر از مخارج سالش و کمتر از سه کیلوگرم فطره ندهند.

زمان ادای زکات فطره

م . کسی که نماز عید فطر می‌خواند، بنابر احتیاط واجب باید فطریه را پیش از نماز عید بدهد یا کنار بگذارد، ولی اگر نماز عید نمی‌خواند، می‌تواند پرداخت یا کنار گذاشتن فطریه را تا ظهر تأخیر بیندازد و اگر به فقیر دسترسی ندارد، می‌تواند آن را کنار بگذارد تا به فقیر مورد نظرش یا هر فقیری بدهد (تأخیر باید مقصود عقلایی داشته باشد) و بنابر احتیاط واجب باید هر وقت آن را می‌دهد، نیّت فطریه کند. البته نباید در رساندن آن به فقرا کوتاهی کند. همچنین اگر در نگهداری آن کوتاهی کند و تلف شود، ضامن است.

توجه

زکات فطره بر تمام کسانی که دارای شرایط باشند واجب است و فرقی نمی‌کند که ماه رمضان را روزه گرفته باشند یا نگرفته باشند.

۱. برخی از متدیّنین به جای پرداخت پول طعام، حواله‌های خرید نان به فقرا می‌دهند.

نیّت زکات فطره

م . انسان باید زکات فطره را به قصد قربت، یعنی برای انجام فرمان خداوند بپردازد و زمانی که آن زکات را می‌پردازد، نیّتِ دادنِ فطریه نماید.

فطریه از مال حرام

م . زکات فطره باید از مال حلال باشد.

استفاده از فطره‌ی کنارگذاشته

س . اگر شخصی فطریه را کنار بگذارد، آیا می‌تواند از آن استفاده کند و سپس به جای آن مال یا پول دیگری بگذارد؟

خیر، نمی‌تواند.

تبدیل فطریه‌ی کنارگذاشته

س . پول فطریه را کنار گذاشته‌ام، ولی چون به پول خرد نیاز دارم، آیا می‌توانم فطریه را بردارم و به جای آن پول دیگری بگذارم؟

با کنار گذاشتن فطریه، دیگر نمی‌توانید آن را عوض کنید و باید همان پول را به فقیر بدهید.



نپرداختن فطریه

س . اگر کسی زکات فطره را ندهد و کنار هم نگذارد، تکلیفش چیست؟

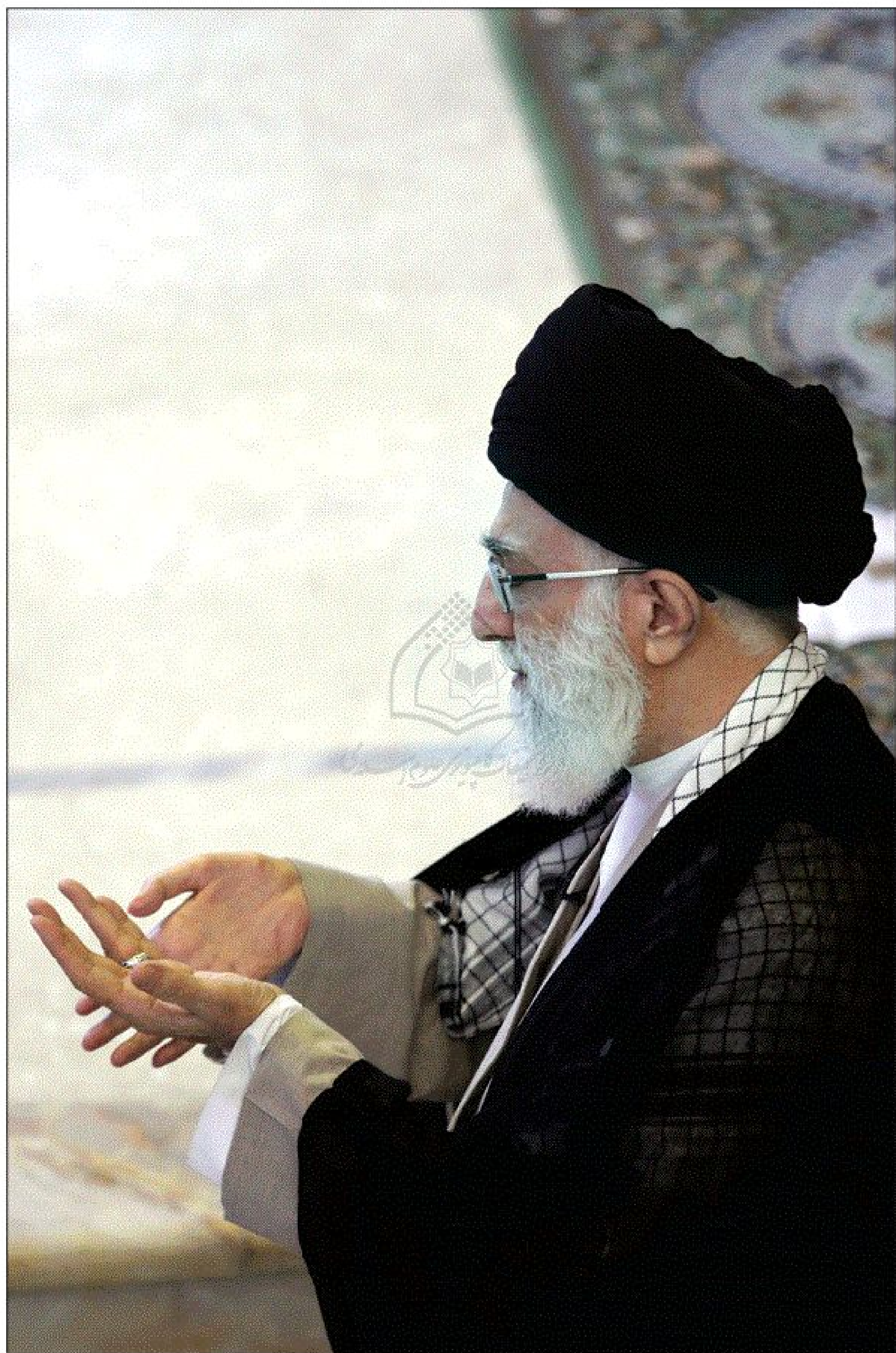
اگر کوتاهی کرده و به عَمْد نپرداخته یا حتی کنار نگذاشته، کار حرامی مرتکب شده است و بنابر احتیاط واجب باید بعداً - بدون نیّت ادا و قضا - فطریه را بدهد.

نپرداختن فطریه توسط مسئول خانوار

م . اگر فطریه‌ی انسان بر کسی واجب باشد و او آن را ندهد، بر خود انسان واجب نمی‌شود.

تحقیق در ادای زکات فطره

م . در صورتی که پرداخت زکات فطریه‌ی کسی بر عهده‌ی شخصی دیگر باشد، لازم نیست جست‌وجو کند که آن شخص پرداخت‌کرده است یا نه؛ ولی اگر یقین پیدا کند که پرداخت نکرده، احتیاط مستحب آن است که خودش بپردازد.



نماز عید فطر

حکم نماز عید

م . نماز عید فطر در هنگام حضور امام معصوم علیه‌السلام واجب است و باید به جماعت خوانده شود و در زمان غیبت ولیّ عصر عجل‌الله‌فرجه مستحب می‌باشد و جایز است نمایندگان ولیّ فقیه که از سوی وی مجاز به اقامه نماز عیدند و همچنین ائمه‌ی جمعه‌ی منصوب از طرف او نماز عید را به جماعت بخوانند. و احتیاط واجب آن است که غیر آنان نماز را فرادا بخوانند و به جماعت خواندنشان به قصد رجا نیز اشکالی ندارد؛ بله، اگر مصلحت اِقْتِضا کند که یک نماز عید در شهر برگزار شود بهتر است که غیر از امام جمعه‌ی مَنصوب از طرف ولیّ فقیه، کسی مُتَصَدّی اِقامه‌ی آن نشود.

وقت نماز عید

م . وقت نماز عید فطر از طلوع آفتاب روز عید است تا ظهر؛ و مستحب است بعد از بالا آمدن خورشید از اُفق غذا بخورند و بنا بر احتیاط واجب زکات فطره را هم بدهند یا کنار بگذارند، بعد نماز عید را بخوانند.

روش نماز عید

م . نماز عید فطر دو رکعت است و ۹ قنوت دارد و این‌گونه خوانده می‌شود:

- در رکعت اوّل پس از حمد و سوره باید پنج تکبیر گفته شود و بعد از هر تکبیر یک قنوت بخواند و بعد از قنوت پنجم، تکبیر دیگری و سپس به رکوع رفته و دو سجده را انجام دهد.
- در رکعت دوم پس از حمد و سوره چهار تکبیر گفته شود و بعد از هر تکبیر یک قنوت بخواند و بعد از قنوت چهارم تکبیر دیگری بگوید و سپس رکوع و دو سجده را انجام دهد و تشهّد و سلام بگوید.

قنوت نماز عید

م . در قنوت نماز عید فطر هر دعا و ذکری بخوانند، کافی است، ولی بهتر است دعای زیر را به قصد رَجاء [امید ثواب از پروردگار] بخوانند:

اَللّٰهُمَّ اَهْلَ الْكِبْرِياءِ وَ الْعَظَمَةِ وَ اَهْلَ الْجُودِ وَ الْجَبَرُوتِ و اَهْلَ الْعَفْوِ وَ الرَّحْمَةِ و اَهْلَ التَّقْوىٰ وَ الْمَغْفِرَةِ اَسْئَلُكَ بِحَقِّ هٰذَا الْيَومِ الَّذِى جَعَلْتَهُ لِلْمُسْلِمينَ عِيداً وَ لِمُحَمَّدٍ صَلَّى اللّٰهُ عَلَيْهِ و آلِهِ ذُخْراً وَ شَرَفاً وَ كَرَامَةً و مَزيداً، اَنْ تُصَلِّيَ عَلَى مُحَمَّدٍ و آلِ مُحَمَّدٍ وَ اَنْ تُدْخِلَنِي فِي كُلِّ خَيْرٍ اَدْخَلْتَ فيهِ مُحَمَّداً و آلَ مُحَمَّدٍ و اَنْ تُخْرِجَنِي مِنْ كُلِّ سُوءٍ اَخْرَجْتَ مِنْهُ مُحَمَّداً و آلَ مُحَمَّدٍ، صَلَواتُكَ عَلَيْهِ و عَلَيْهِمْ اَللّٰهُمَّ اِنِّى أَسْئَلُكَ خَيْرَ مَا سَئَلَكَ مِنْهُ عِبادُكَ الصَّالِحُونَ وَ اَعُوذُبِكَ مِمَّا اسْتَعاذَ مِنْهُ عِبادُكَ الْمُخْلَصُونَ.

مستحبّات نماز عید

م . مستحب است در نماز عید فطر موارد زیر رعایت شود:

۱. قرائت نماز عید را بلند بخواند.

۲. بعد از نماز مانند خطبه‌های نماز جمعه دو خطبه بخواند؛ با این تفاوت که در نماز جمعه قبل از نماز و در نماز عید بعد از آن خوانده می‌شود (خطبه خواندن در صورتی است که نماز به جماعت خوانده شود.)

۳. در این نماز سوره‌ی خاصّی شرط نیست، ولی بهتر است در رکعت اوّل سوره‌ی «اَعْلیٰ» و در رکعت دوم سوره‌ی «شَمْس» بخواند.

۴. هنگام گفتن تکبیرها دست‌ها را بلند کند.

۵. بعد از نماز مغرب و عشا در شب عید فطر، پس از نماز صبح و ظهر و عصر روز عید و نیز بعد از نماز عید فطر این ذکرها را بگوید: «اَللّٰهُ اَکْبَرُ، اَللّٰهُ اَکْبَرُ، لا اِلٰهَ اِلا اللّٰهُ وَاللّٰهُ اَکْبَرُ، اَللّٰهُ اَکْبَرُ وَ لِلّٰهِ الْحَمْدُ، اَللّٰهُ اَکْبَرُ عَلٰی ما هَدانا».

۶. نماز عید زیر آسمان خوانده شود.

شک در شمارش تکبیرها و قنوت‌ها

م . اگر در شمارش تکبیرها و قنوت‌های نماز شک کند، چنانچه از محل آن نگذشته باشد، بنا را بر کمتر بگذارد و اگر بعد معلوم شود که آن را گفته بوده، اشکال ندارد و اگر از محل آن گذشته، اعتنا نکند؛ برای مثال: اگر در حال رکوع رکعت اول شک کند که چهار تکبیر گفته یا پنج تا، نباید به این شک اعتنا کند.



فراموشی رُکْن‌های نماز عید

م . اگر در نماز عید، رکوع یا دو سجده یا تکبیرة‌الإحرام را فراموش کند، نمازش باطل می‌شود.

فراموشی یک سجده و تشهّد

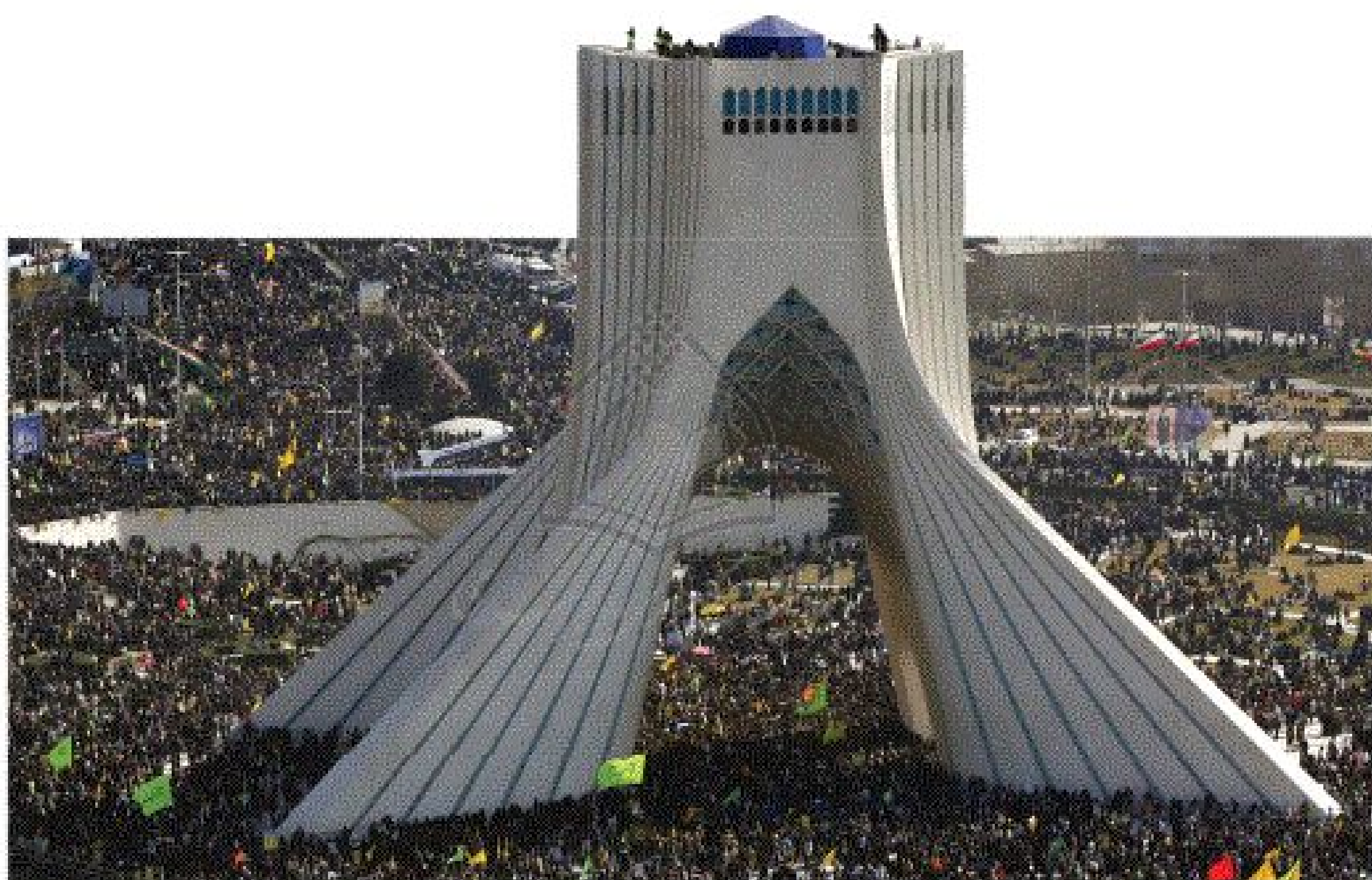
م . اگر در نماز عید یک سجده یا تشهّد را فراموش کند، احتیاط مستحب است که بعد از نماز آن را به امید ثواب به جا آورد. و اگر کاری کند که برای آن در نمازهای شبانه‌روزی سجده‌ی سَهْو لازم است، احتیاط مستحب است که در نماز عید نیز بعد از نماز به قصد رجاء دو سجده‌ی سَهْو به جا آورد.

فراموشی قرائت، تکبیر یا قنوت‌ها

م . اگر در نماز عید، قرائت، تکبیرها -جز تکبیرةالإحرام - یا قنوت‌ها را فراموش کند و به جا نیاورد، نمازش صحیح است.

شرکت در راهپیمایی روز قدس

م . شرکت در راهپیمائی روز قدس از مصادیق تعظیم شعایر دینی و سبب قدرت و قوّت مبارزان مظلوم فلسطینی می‌باشد و به دلیل این‌که مصداق امر به معروف و نهی از مُنکر است و به جلوگیری از ظلم کمک می‌کند، یک تکلیف عقلی و شرعی برای مصلحت جامعه‌ی اسلامی است.[1]





۱. با استفاده از سخنرانی مقام معظّم رهبری در جمع مردم مشهد ۱۳۷۰/۱/۲۹ و مصاحبه در روز قدس ۱۳۷۱/۱۲/۲۷ و دیدار با اعضای کنفرانس اسلامی فلسطین ۱۳۶۹/۹/۱۳.

خلاصه‌ی فصل

- روزه در لغت به معنای اِمساک و خودداری می‌باشد و در اصطلاح عبارت است از، خودداری از موارد ۹ گانه، از اذان صبح تا اذان مغرب به قصد انجام فرمان خداوند.
- روزه دل را صفا و نورانیت می‌بخشد؛ و میل های نفسانی را می‌میراند و نیروی شهوت را فرو می‌نشاند. روزه تکبر و خودبینی را از بین می‌برید و آرام بخش دلها است.
- حقیقت روزه یعنی خودداری از آنچه ما را از خدا دور می‌کند.
- نیّت روزه یعنی شخص تصمیم داشته باشد برای انجام فرمان خداوند، کاری که روزه را باطل میکند انجام ندهد.
- وقت نیّت برای روزه‌ی ماه رمضان و نذر معیّن، از اوّل شب تا اذان صبح است.
- وقت نیّت برای روزه‌ی غیر معیّن (مانند روزه قضا و نذر مطلق) از اوّل شب تا ظهر روز بعد است.
- وقت نیّت روزه‌ی مستحبّی از اوّل شب شروع شده و تمام روز تا موقعی که به اندازه نیّت کردن به مغرب وقت مانده باشد ادامه دارد.
- انسان می‌تواند در هر شب از ماه رمضان برای روزه‌ی فردای آن نیّت کند.
- عدول از روزه‌ی مستحبّی به واجب، تا ظهر صحیح است.
- شروع پرهیز از مُبطِلات روزه، از اذان صبح است.
- اگر در هنگام سحر اطمینان به دخول وقت (اذان صبح) ندارد می‌تواند چیزی بخورد.
- با وجود شک یا گمان به دخول وقت، افطار جایز نیست.
- اگر روزه سبب دیرتر شدن بهبودی بیماری شود، حرام است.
- روزه گرفتن با وجود اعتقاد به مضر بودن آن، صحیح نیست و باید قضا شود.
- اگر احتمال عقلایی دهد که روزه سبب زخم معده یا سنگ مثانه می‌شود، روزه برای او واجب نیست.
- اگر بیماری تا ماه رمضان سال بعد ادامه یابد و روزه ضرر داشته باشد، قضا ندارد.
- ملاک در تشخیص ضرر، خود شخص است.
- میزان در ترس عُقلایی از ضرر، عُرف عقلا است به گونه ای که اثر ناشی از روزه را ضرر بدانند.
- زن باردار اگر ترس از ضرر برای خود یا جنین داشته باشد، نباید روزه بگیرد.
- چشیدن غذا در حال روزه، اگر چیزی از آن را فرو نبرد اشکالی ندارد.
- اگر هنگام غرغره کردن، آب از گلو پایین برود، روزه باطل است.
- مسواک زدن با خمیر دندان در حال روزه اشکال ندارد مگر اینکه چیزی را فرود بدهد.
- استعمال عطر برای روزه دار مستحب است ولی بوییدن گیاهان مُعطّر کراهت دارد.
- روزه دار بنابر احتیاط واجب باید از آمپول هایی که در رگ تزریق می‌شود- وریدی- و مغذّی و مقوّی اجتناب کند.
- آمپول دارویی که در عضله تزریق میشود یا برای بی‌حسی است، مانعی ندارد.
- روزه دار بنابر احتیاط واجب باید از انواع سرم و تزریق خون اجتناب کند.
- رساندن غبار غلیظ به حلق بنابر احتیاط واجب روزه را باطل می‌کند.

• اگر جُنُب تا قبل از اذان صبح به آب دسترسی ندارد، تیمّم بدل از غسل کند و روزه اش صحیح است.
• اگر جُنُب غسل را تاخیر اندازد تا وقت تنگ شود گناه کرده ولی باید تا پیش از اذان صبح تیمّم کند و روزه بگیرد.
• قصد انجام یکی از مُبْطِلات در روزه واجب معیّن، (اگر چه مرتکب آنها نشود) صحّت روزه را دچار اشکال می‌کند.
• دروغ بستن به خدا و پیامبر اسلام ﷺ یا جانشینان او (دوازده امام ﷺ) بنابر احتیاط واجب روزه را باطل می‌کند.
• انجام سَهْوی هیچ یک از باطل کننده‌های روزه، آن را باطل نمی‌کند.
• تظاهر به روزه خواری در معابر و اماکن عمومی، حتی برای مسافر حرام است.
• در صورت فراموشی تعداد روزه‌های قضا، هر مقدار را که به آن اطمینان دارد باید قضا کند.
• کسی که روزه‌ی قضای ماه رمضان بر گردن اوست نمی‌تواند روزه‌ی مستحبّی بگیرد.
• دادن پول کفّاره به فقیر کفایت نمی‌کند مگر این که اطمینان داشته باشد که به وکالت از طرف او طعام می‌خرد.
• مصرف کفّاره در امور فرهنگی جایز نیست.
• پرداخت کفّاره توسط غیر سیّد به سیّد، اشکال ندارد ولی بهتر است ترک شود.
• مسافری که باید نمازهای چهار رکعتی را در سفر دو رکعتی بخواند، نباید روزه بگیرد و مسافری که باید نماز را تمام بخواند باید روزه بگیرید.
• اگر کسی برای شغلش دائمُ‌السَّفر یا کثیرُالسَّفر باشد، روزه‌اش در سفر صحیح است.
• بنابر احتیاط واجب نذْرِ گرفتن روزه در سفر باید قبل از شروع سفر باشد.
• رویت هلال، حکم شرعی نیست تا نیاز به تقلید داشته باشد.
• اگر در شهر، شخص فقیر وجود دارد بنابر احتیاط واجب نباید فِطریه را به شهر دیگری ببرد.

اصطلاح نامه

(فرهنگ اصطلاحات و لغات)

الف

آب جاری: آبی است که از زمین بجوشد و جریان داشته باشد؛ مانند آب چشمه و قنات.

آب راکِد: آب ثابت، آب ایستاده. آبی که نه جوشش دارد و نه جریان؛ مانند آب حوض.

آب قَلیل: آبی است که از کُر کمتر باشد و از زمین هم نجوشد.

آب کُر: مقدار مُعَیّنی از آب است که اگر در ظرفی به درازا و پهنا و گودیِ سه وجب و نیم بریزند، آن ظرف را پُر کند.

آب مُضاف: آبی است که از چیزی گرفته شده (مانند آب انار، آب لیمو) یا با چیزی مخلوط شده باشد؛ به‌طوری که دیگر به آن، آب نگویند. (مانند شربت)

آب مُطلَق: آبی است که از چیزی گرفته نشده و با چیزی هم مخلوط نشده و اگر هم مخلوط شده، به حدّی نیست که به آن آب نگویند.

اِبنُ‌السَّبیل: مسافری که هزینه‌ی سفرش پایان یافته یا از بین رفته و اکنون درمانده است، هرچند در وطن خود بی‌نیاز باشد.

اتحاد اُفق: قرار گرفتن دو یا چند مکان در یک طول جغرافیایی (نصف النهار)

اَتقی: با تقواتر

اِتمام: کامل خواندن نمازهای چهار رکعتی در غیر سفر.

اِثنا: وسط، میانه، حین

اجزا و شرایط: هر آنچه که نبودنش به اصل یک چیز لطمه وارد کند، جزء آن محسوب می‌شود و هر امری که نبودنش صفت یا حالت مطلوب چیزی را تغییر دهد، شرط آن به شمار می‌رود؛ برای مثال: رکوع نکردن به اصل نماز لطمه می‌زند، ولی طهارت نداشتن، وصف صحّت نماز را از بین می‌برد؛ یعنی نماز صحیح نیست.

اِحتِلام: خروج مَنی در حال خواب ← بلوغ.

احتیاط: گاهی در مقابل «اجتهاد» و «تقلید» به کار می‌رود و به عنوان روش سوم در عمل کردن به احکام است؛ به گونه‌ای که مُکَلَّف یقین داشته باشد به وظیفه‌اش عمل کرده است. و گاه در خصوص فتوا و حکم یک مسئله به کار می‌رود و آن رعایت نمودن همه‌ی جوانب آن مسئله است؛ به طوری که مُکَلَّف با انجام آن، یقین پیدا کند که وظیفه‌اش را انجام داده است و به عهده‌اش چیزی نیست.

یادآور می‌شود که شیوه‌ی عمل در هر دو مورد یکی است؛ لکن محدوده‌ی احتیاط در مورد اوّل، کل احکام را شامل می‌شود؛ ولی در مورد دوم، نسبت به همان مسئله‌ی مورد نظر کاربرد دارد.

احتیاط لازم: احتیاطی که مجتهد، لزوم رعایت آن را از طریق دلایل عقلی یافته و عمل به آن واجب است.

احتیاط مستحب: احتیاطی است همراه با فتوای صریح مجتهد که رعایت آن خوب است، ولی واجب نیست و مُقَلِّد نمی‌تواند در آن مسئله، به مجتهد دیگر رجوع کند.

احتیاط واجب: احتیاطی است که همراه با فتوای قطعی و صریح در مسأله نمی‌آید. در این مورد، مُقَلِّد یا باید به احتیاط عمل کند و یا به فتوای مجتهد دیگری که پس از مرجع تقلیدش، از دیگران اعلم است، مراجعه کند.

احتیاطاً: از روی احتیاط. ← احتیاط.

احتیاط را ترک نکند: اشاره به احتیاط واجب است.

اِحراز: به دست آوردن، یقین پیدا کردن به چیزی، دریافتن.

احکام حکومتی: تصمیماتی که ولیّ‌فقیه بر اساس ضوابط شرعی و رعایت مصالح عمومی یا حکومت، اتخاذ و طبق آنها حکم می‌کند.

احکام خَمسه: احکام پنج گانه‌ای که وظیفه‌ی مُکَلَّف را نسبت به اعمال او مشخص می‌کند: وجوب، حُرمَت، اِستِحباب، کراهت و إباحه.

اَحوَط: کاری که مطابق با احتیاط است. ← احتیاط.

اَجیر: فردی که برای به جا آوردن نماز و روزه‌ی میّت و یا کارهای دیگر در مقابل مزدی به کار گرفته می‌شود.

اِرتماس: فرو رفتن در آب برای غسل، فرو بردن صورت و دستها در آب برای وضو.

اَرجَح: پسندیده‌تر.

اِزاله: برطرف کردن؛ از بین بردن.

اِستِبراء[استبرا]: در لغت به معنای برائت جُستن از پلیدی، نجاست و عیب؛ و در فقه در سه مورد به کار رفته: استبراء از بول؛ استبراء از مَنی؛ استبرای حیوانِ نجاست‌خوار.

اِستِحاضه: نام یکی از سه نوع خونی است که زن می‌بیند. این خون اگر زیاد باشد، استحاضه‌ی کثیره و اگر کم باشد، استحاضه‌ی قَلیله و در غیر این دو صورت، استحاضه‌ی متوسطه است.

اِستِشفاء[استشفا]: شفا خواستن، بهبود خواستن.

اِستِفتاء[استفتا]: درخواست فتوا، پرسیدن و کسب نظر مجتهد درباره‌ی حکم شرعی یک مسئله.

اِستِقبال: روبه قبله بودن.

اِستِقصاء[استقصا]: دقّت و تَفَحُّص کامل؛ پی‌جویی کردن.

اِسْتِمْناء[استمنا]: انسان با خود یا به وسیله‌ی دیگری کاری کند که مَنی از او بیرون بیاید.

اِسْتِنْباط احکام: به دست آوردن حکم خدا از منابع صحیح و معتبر.

اِسْتِنْجاء[استنجا]: تطهیر مخرجِ ادرار و مدفوع (به آب استفاده شده در تطهیر مخرجِ ادرار و مدفوع، آب استنجاء می‌گویند).

اِستیلاء: احاطه پیداکردن آب بر چیز نجس.

اسراف: زیاده‌روی کردن؛ از حدّ اعتدال خارج شدن ← تبذیر

اسلام: تسلیم و سرسپاری در برابر دین خاتم که گاه به معنای اقرار به توحید و رسالت پیامبر اکرم ﷺ نیز می‌باشد. ← ایمان

اسمای مبارکه: نام‌های مقدّسی که حفظ احترام آنها لازم است و لمس آنها بدون طهارت (وضو یا غسل) جایز نیست.

اِسْتِهْلال: جست‌وجو برای دیدن هلال ماه.

اشکال‌دارد: یعنی چنین کاری موجب ساقط شدن تکلیف نیست و نمی‌شود به آن اکتفا کرد؛ ولی در این مورد می‌توان به فتوای مجتهدی که از جهت علمی در رتبه‌ی بعدی است، رجوع کرد. ← احتیاط واجب.

اِسْتِنْشاق: هوا را در بینی و ریه فرو بردن؛ آب یا مایع دیگر به بینی کشیدن.



اصول دین[ارکان دین]: توحید، نبوّت، معاد، اِمامت و عدل.

اضطرار: ناچاری، ناگزیری.

اَظْهَر: ظاهرتر، روشن‌تر (فتوا است)؛ أظهر این است: فتوا این است.

اِعاده: تکرار عمل.

اَعْدَل: عادل‌تر ← عادل.

اِعْراض: روی گرداندن.

اعراض از وطن: روی گردانی از وطن؛ به‌طوری که انسان تصمیم داشته باشد برای زندگی به آن‌جا باز نگردد. / اعراض از مال: چشم پوشی مالک از مال یا حق خود.

أعلم: داناتر/ مجتهدی که نسبت به سایر مراجع، قدرت بیشتری در استنباط احکام الهی داشته باشد.

اِفطار: به پایان رساندن روزه / باطل کردن روزه.

اِقامه: به‌پا داشتن؛ انجام دادن/ آنچه پس از اذان و هنگام آماده شدن برای نماز گفته می‌شود.

اَقویٰ این است: نظر قوی این است؛ فتوای صریح است و باید طبق آن عمل شود.

اِکراه: وادار کردن شخص به کاری که مایل به انجام آن نیست.

اِلتفات: توجه داشتن.

الکل صنعتی: الکل متیلیک که از تقطیر چوب به دست می‌آید و قابل شرب نیست و در صنعت به کار می‌رود.

اِماله: وارد کردن داروی مایع به بدن از طریق مخرج مدفوع.

اِمْساک: امتناع کردن، خود را از انجام کاری بازداشتن، پرهیز از مواردی همچون مُبْطِلات روزه، ← مُبطلات.

آندوسکوپی: عکس‌برداری و نمونه‌برداری از داخل بدن.

اِنزال: بیرون آمدن مَنی.

اِنشا: آغاز کردن/ ایجاد یک اعتبار یا خواسته و مانند آن با لفظ یا غیر آن.

انصراف: برگشتن؛ پشیمان شدن؛ بازگشتن.

اَنفیه: نوعی داروی اِسْتِنْشاقی که از راه بینی استعمال می‌شود.

اهل کتاب: فرد غیر مسلمانی که به یکی از ادیان الهی معتقد باشد و خود را تابع یکی از پیامبرانِ صاحب کتاب بداند؛ مانند یهودی و مسیحی.

اِهمال: عمل نکردن از روی بی تفاوتی.

اَورَع: باتقواتر؛ کسی که نه تنها گناه نمی‌کند، بلکه به ترک مکروهات و اعمال قبیح نیز اهمیّت می‌دهد.

ایمان: اِقرار و اعتقاد به اسلام (یعنی توحید، نبوت پیامبر اکرم ﷺ و معاد) همراه با اعتقاد به امامت و ولایت ائمه‌ی اطهار علیهم‌السلام.

ب، پ

باطل: مقابلِ حق/ عملِ باطل: کاری که برخی از اجزا یا شرایط لازم آن، مفقود است.
بالغ: کسی که به سنّ بلوغ رسیده است و با ظهور یکی از علایم سه‌گانه، تکلیف شرعی به عهده‌ی او می‌آید. ← علایم بلوغ
بِدْعَت: ایجاد سُنَّت یا اعتقاد خلاف شرع و اسلام.
بَدَل: جایگزین؛ جانشین.
بدل از غُسل: تیمّمی که جایگزین غسل می‌شود.
بدل از وضو: تیمّمی که جایگزین وضو می‌شود.
بلوغ: رسیدن به حدّ تکلیف که با پدید آمدن یکی از علایم سه گانه، آن مشخص می‌شود ← علایم بلوغ.
بدیهی: روشن و آشکار؛ آنچه معنایش سریع به ذهن آید.
بَرِیءُ الذِّمه: کسی که چیزی بر گردن او نیست.
برائت ذمّه: فارغ شدن انسان از آنچه بر عهده‌ی او بوده است.
بَشَره: پوست.
بعید است: این تعبیر در حکم فتواست.
بعید نیست: این تعبیر در حکم فتواست.
بُلوغ: رسیدن به حدّ تکلیف که با پدید آمدن یکی از علایم سه گانه‌ی آن مشخص می‌شود.
بنابر اَظْهَر و بنابر اَقْرَب: به معنای فتوای صریح می‌باشد و لازم است به آن عمل شود.
بُول: ادرار.
به نحو متعارف: به طور معمول؛ مطابق نظر عُرف.

ت، ث

تبذیر: تلف؛ تباهی؛ بیهوده خرج کردن.
تَجَرّی: اقدام به انجام یا ترک کاری با نیّت معصیت.
تجَسُّس: تفحص و جست‌وجو کردن/ جاسوسی کردن.
تَخَلّی: ادرار و مدفوع کردن.
تَذْکیه: ذبح شرعی.
تذکیه شده: حیوانی که به روش شرعی ذبح شده باشد.
تسبیحات اربعه: سبحان الله و الحمدلله و لا إله الا الله و الله أکبر.
تسبیحات فاطمه‌ی زهرا ﷺ: ۳۴ مرتبه الله اکبر، ۳۳ مرتبه الحمدلله و ۳۳ مرتبه سبحان الله.
تطهیر: پاک کردن چیز نجس شده با یکی از پاک‌کننده‌های شرعی.
تعزیر: مجازاتی که اندازه و چگونگی آن از سوی حاکم شرع مشخص می‌شود.
تعقیب نماز: خواندن قرآن، دعاها و ذکرهای مخصوص پس از اتمام نماز.
تَعَمّد: از روی عَمْد و با جدیّت کاری را انجام دادن.
تَفْریط: کوتاهی کردن؛ مسامحه نمودن (در مقابل افراط).
تقْصیر: کوتاه کردن مقداری از ناخن و موی سر در اعمال حج و عمره.
تقلید: تبعیت از فتوای مجتهد و عمل نمودن به دستور وی.
تقلید ابتدایی: تقلید برای اولین بار.
بقا بر تقلید میّت: ادامه‌ی تقلید از مرجعی که از دنیا رفته است.
تبعیض در تقلید: تقلید از چند مجتهد در مسائل متفاوت فقه.
تقیّه: هماهنگ شدن با عقاید کفّار یا مخالفین در گفتار یا کردار از روی ناچاری.
تقیّه مُداراتی: تقیّه به منظور حفظ وحدت مسلمین.
تکبیرةُ الإحرام: ذکر «الله اکبر» به قصد شروع نماز.
تَکَتُّف: قرار دادن دست‌ها بر روی هم در حال نماز.
تلقین: خواندن شهادت بر خدا و چهارده معصوم ﷺ در موقع دفن میّت.
تَنْقیه: وارد کردن داروی مایع با ابزار مخصوص از طریق مَخْرج مدفوع به روده‌ی بزرگ.
تُوبه: بازگشت و پشیمانی از گناه و ترک آن.
تَوْقیع: در لغت به معنای فرمان، دستخط، امضا و در کتب شیعی به معنای نامه‌ها و فرمان‌هایی است که از طرف امام زمان ﷺ می‌رسیده.
تَیَمُّم [بَدَل از وضو یا غُسل]: زدن کف دست‌ها به خاک، سنگ و مانند آن و مسح پیشانی و پشت دست‌ها با ترتیب خاص.

ج، چ

جاهل: نادان، بی اطلاع.
جاهل قاصر: کسی که احتمال نمی‌داده کارش اشتباه است و یا امکان سؤال و دسترسی برای جواب نداشته.
جاهل مقصّر: کسی که متوجّه جهل خود بوده و راه‌های رفع جهالت خود را هم می‌داند، ولی در آموختن تکالیف شرعی کوتاهی می‌کند.
جاهل به حکم: کسی که حکم مسئله را نمی‌داند؛ مثل کسی که نمی‌داند خونِ مرغ خانگی نجس است یا پاک.
جاهل به موضوع: کسی که از موضوع حکم بی‌اطلاع است؛ مثل کسی که نمی‌داند این لکّه‌ی قرمز بر اثر خون ایجاد شده یا چیز دیگری است.
جایز: عملی که انجام آن حرام نیست.
جَبیره: چیزی که با آن زخم و شکستگی را می‌بندند / پارچه یا دوایی که روی زخم و مانند آن می‌گذارند.
جِماع: مقاربت، آمیزش جنسی
جنابت: حالتی است که بعد از آمیزش جنسی یا خروج مَنی ایجاد می‌شود. ⟵ جُنُب.
جُنُب: کسی که جِماع (آمیزش) کرده یا مَنی از او خارج شده است.
جَهْر: با صدای بلند (با جوهر) قرائت کردن (در مقابل اخفات) / سخن گفتن به طور عمومی (در مقابل سِرّ) / انجام دادن عمل به صورت آشکار (در مقابل خفا)
نماز جهری: نمازی که در آن، حمد و سوره باید با صدای بلند خوانده شود (نمازهای صبح، مغرب و عشا).

ح، خ

حائر [حایِر]: روضه‌ی مشرّفه‌ی حرم امام حسین علیه‌السلام (محدوده‌ای از حرم امام حسین علیه‌السلام).
حائض [حایِض]: زنی که در عادت ماهیانه (حیض) باشد.
حاکم اسلامی: حاکم شرع، کسی که از نظر دین اسلام زمامدار مسلمین است.
حاکم شرع: مجتهد جامع الشرایط / ولی فقیه و رهبر مسلمین / مجتهدی که از دیدگاه شرع، حقّ حکم کردن داشته باشد.
حجّت شرعی: دلیل شرعی.
حجّ: زیارت خانه خدا و اعمال مربوط به آن.
حجّ بذلی: حجّی که با بخشیدن هزینه‌ی سفر (از سوی دیگری) واجب می‌گردد.
حجّ نیابی: حجّی که به نیابت از دیگری انجام شود؛ انجام مناسک حجّ به نیابت از دیگری.
حِجامَت: گرفتن خون از بدن با روش مخصوص.
حَدَثِ اَصغر: هر چیزی که وضو را باطل کند؛ مانند: خروج ادرار، مدفوع و بادمعده.
حَدَث اَکبر: هر چیزی که باعث وجوب غسل شود؛ مانند: احتلام و آمیزش.
حدِّ تَرَخُّص: مکانی که در آنجا آخرین خانه‌های شهر دیده نمی‌شود و اذان آن هم به گوش نمی‌رسد. / (حدود ۱۳۵۰ متری از دیوارهای شهر).
حَرام: ممنوع؛ آنچه اسلام آن را منع کرده و ارتکاب آن گناه است.
حَرَج: مشقّت، سختی و دشواری؛ به حدّی که به طور معمول قابل تحمّل نباشد.
حَقُّ‌الله: تکلیفی که در صورت سرپیچی از آن، مُکَلَّف در برابر خداوند مسئول است؛ مانند نماز و روزه.
حقّ‌النّاس: حقّ اشخاص دیگر که در اثر تلف کردن و ضرر زدن به اموال و حقوق آنان، به صورت دین و مانند آن به عهده‌ی مُکَلَّف می‌آید، و رضایت صاحب حق باعث ساقط شدن آن می‌شود.
حُکْم: دستور شرع / حکم قاضی در موارد نزاع و مانند آن / امر و دستور ولی فقیه در مسائل مربوط به اداره کشور اسلامی و اموری که به عموم مسلمین ارتباط دارد (در مقابل فَتوا).
حکم تکلیفی: حکمی که بدون واسطه به اعمال مُکَلَّف مربوط می‌شود و وظیفه‌ی وی را در انجام دادن یا ندادن آن مشخص می‌کند؛ مانند وجوب و حرمت.



حکم وَضعی: حکمی که با واسطه به اعمال مُکَلَّف مربوط می‌شود؛ مانند: زوجیّت، طهارت و نجاست، صِحّت و بطلان که به اشخاص و اشیا تعلق می‌گیرد.

حکم ثانوی: حکمی که در شرایط خاص ـمانند: اضطرار، بیماری، عُسر و حَرَج...ـ برای مُکَلَّف جَعل می‌شود.

حِیض: قاعدگی، عادت ماهانه‌ی زنان.

خالی از اشکال نیست: اگر جایز بودن چیزی مورد اشکال بود (خالی از اشکال نیست)، احتیاط واجب در ترک کردن عملِ مذکور در مسئله است.

خالی از قوّت نیست: این تعبیر در حکم فتوا است.

خالی از وجه نیست: این تعبیر در حکم فتوا است.

خُبره: کارشناس.

خبیث: ناخوشایند؛ پلید.

خضاب: رنگ کردن.

خُسُوف: ماه گرفتگی.

خوف: ترس، هراس، واهمه.

خوف ضرر: احتمال زیان و خسارت مالی یا جانی.

خون جَهَنده: خون حیوانی است که وقتی رگ آن را بِبُرند، خون از آن بپاشد.

د، ذ

دُبُر: پشت (کنایه از نشیمن‌گاه است).

دِرهم شرعی: سکه نقره به وزن تقریبی ۲/۵۲ گرم.

دُمَل: کُورک؛ جوش چرکی؛ زخمی که روی پوست بدن پدید می‌آید و از آن خونابه و چرک بیرون می‌آید.

دینار شرعی: سکه طلا به وزن یک مثقال شرعی (۳/۶ گرم).

ذِبح: سر بریدن حیوان.

ذبح شرعی: کشتن حیوانِ دارای خونِ جهنده با رعایت ضوابط شرعی.

ذِراع: بخشی از دست انسان (از آرنج تا نوک انگشتان). نوعی واحد اندازه‌گیری مسافت، به طول تقریبی ۴۸ سانتیمتر.

ذِکر: هر آنچه انسان را به یاد خدا بیاندازد.

ذکر نماز: آنچه در رکوع، سجده، قنوت و...گفته می‌شود.

ر. ز. ژ

راتب: ثابت، همیشگی.

امام راتب: امام جماعت ثابتِ مسجد.

راجِح: پسندیده، بهتر (در مقابل مرجوح).

راکِد: ثابت، ایستاده، بی‌حرکت ⟵ آب راکد.

رُجحان: برتری.

رشد: درجه‌ای از فهم و شعور که سبب می‌شود انسان از اتلاف و نابودی مالش جلوگیری کرده و آن را در راه‌های عقلایی مصرف کند.

رشد در ازدواج: مرحله‌ای است که فرد تفاوت‌های زن و مرد و مسائل زناشویی را بداند.

رشید: کسی که به مرحله رشد رسیده باشد. ⟵ رشد.

رفع ضرورت: برطرف شدن حالت اضطرار و ناچاری.

رُکنِ نماز: اساسی‌ترین جزء نماز که هر نوع اخلال در آن (هر چند سَهْوی باشد) سبب باطل‌شدن عبادت می‌شود.

رَواق: مکان‌هایی که به صورت شبستان از هر چهار طرف، ضریح أئمه علیهم‌السلام را احاطه کرده است.

روضه: محدوده‌ی ضریح معصومین علیهم‌السلام. آنچه میانِ قبر و منبر حضرت رسول اکرم صلی‌الله‌علیه‌وآله در مسجد النّبی قرار دارد.

رؤیت هلال: دیدن ماه شب اوّل.

ریا: انجام دادن کار خیر و عبادت، برای غیر خدا و به منظور خودنمایی و کسب شأن و منزلت در میانِ مردم؛ تظاهر به نیکوکاری.

ریبه: نگاه با ریبه: نگاه شهوت برانگیز به دیگری؛ به گونه‌ای که ترس آن باشد که به دنبال آن گناهی انجام گیرد.

زوال عین نجس: برداشتن و از بین بردن نجاست.

زکات: درصد معیّنی از بعضی اموال (مانند طلا، نقره، گندم، جو و...) که در صورت رسیدن به حدّ نِصاب باید در موارد مشخص مصرف شود.

زکات فطره: زکات خاصی که در روز عید فطر پرداخت می‌شود.

زینت: زیور و آرایش.

س. ش

ساعد: از آرنج تا مچ دست.

ساقط: افتادن، ازبین رفتن.

سَبّابه: انگشت اشاره.

سِتر: پوشش، حجاب، آنچه بدن را بپوشاند.

سجده: پیشانی برزمین نهادن به منظور عبادت و تعظیم خداوند.

سجده‌ی نماز: بر زمین گذاردن پیشانی، کف دست‌ها، سر زانوها و سر دو انگشت بزرگ پاها در نماز.

سجده‌ی سَهْو: سجده‌ای که نمازگزار به خاطر فراموشی یا اشتباهی که در نماز از او سر زده، بعد از نماز باید انجام دهد.

سجده ی شکر: پیشانی بر زمین نهادن به منظور سپاس‌گزاری از نعمت‌های خداوند.

سجده‌ی تلاوت: سجده‌ای که به سبب خواندن یا شنیدن آیات سجده‌دارِ قرآن بر انسان واجب یا مستحب می‌شود.

سفر: سفر شرعی: سفری با شرائط خاص که در آن، نمازهای چهار رکعتی را باید دو رکعتی خواند.

سفر معصیت: سفری که به خودی خود حرام باشد (مانند: سفر زن بدون اجازه شوهر) یا به قصد گناه کردن انجام گیرد (مانند: سفر به قصد دزدی).

سقط شده: جنین نارس یا مرده که قبل از زمانِ تولّد، از رحم خارج شده است.

سَلَس بول: نوعی بیماری که شخص را از نگه‌داری ادرار عاجز می‌کند.

سَماع: شنیدن (غیرارادی).

سُنّت: آنچه از معصوم علیه‌السلام صادر شده باشد؛ گفتار، رفتار و تقریرِ معصوم.

سیّد: کسانی که از نسل هاشم (جدّ اعلای پیامبراکرم صلی‌الله‌علیه‌وآله) هستند، یعنی افرادی که نسبتشان به حضرت هاشم برسد که به آنان هاشمی نیز می‌گویند.

سَهل: آسان.

شاخِص: شاخه، میله و مانند آن، که برای تعیین وقت ظهر در زمین نصب می‌کنند.

شارع مقدس: بنیان‌گذار شریعت (خدا و پیامبر اکرم صلی‌الله‌علیه‌وآله).

شاهد: گواه.

شُبهه: اشتباه، شک و تردید در امری.

شهادت: کشته شدن در راه خدا/ گواهی دادن.

شهوت: خواهش نفس/ میل جنسی.

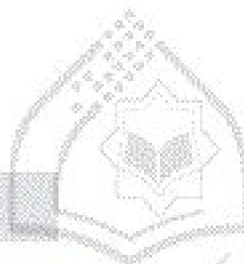
شَهادتین: شهادت به یگانگی خداوند و رسالت رسول‌الله صلی الله علیه و آله.

شَهید: کسی که به فرمانِ امام معصوم علیه السلام یا نایبش، در جهاد کشته شود.

شیعه: کسانی که معتقد به امامت و خلافت بلافصلِ حضرت علی علیه السلام هستند.

شیوع: رواج یافتن، پراکنده شدن.

شیاف: داروی جامدی که از محل خروج مدفوع استعمال می‌شود.



ص ، ض

صاع: پیمانه‌ای دارای گنجایشی حدود سه کیلوگرم.

صحّت: درستی، سلامتی.

صدقات واجبه: مالی که مُکلَّف باید در موارد معیّن بپردازد؛ مانند خمس و زکات.

صدقه: آنچه که به‌خاطر ثواب و پاداش الهی به دیگران بخشیده شود.

صَرْع: نوعی بیماری عصبی است که با لرزش اندام و گاهی بی‌هوشی و بی‌حسّی بدن، توأم است.

صروره: کسی که تاکنون حج به جا نیاورده است.

صَوْم: روزه

صیغه: کلماتی که به وسیله‌ی آن عقد یا إیقاع محقّق می‌شود/ ازدواج موقّت.

ضامن: عهده‌دار، بر عهده گیرنده.

ضرر: خسارت، اعم از جانی، مالی و آبرویی. ← مفسده.

ضرورت: ناچاری.

ضروری دین: آنچه همه مسلمانان آن را جزء دین می‌دانند؛ مانند: نماز و روزه.

ضعف مُفرط: ضعف شدیدی که از حد بگذرد.

ط ـ ظ

طفل: کودک نابالغ.

طلای سفید: طلایی است که به‌خاطر مخلوط شدن با مواد دیگر، رنگ آن سفید است.

طُمأنینه: آرامش/ سکون بدن.

طهارت: پاکی/ وضو، غسل و تیمم بدل از آن دو.

طهارت ظاهری: حکم به پاکی چیزی به حسب ظاهر، در جایی که وضعیت واقعی آن چیز (از نظر نجاست و طهارت) مشکوک باشد. به پاکی از نجاسات نیز گفته می‌شود.

طواف: یکی از اعمال عُمره و حج که عبارت است از دور زدن و گشتن دور کعبه.

طواف نساء: آخرین طواف حج و عُمره مفرده است که ترک آن باعث می‌شود حرمت التذاذ جنسی (که از ناحیه احرام به وجود آمده) همچنان باقی بماند.

ظاهر این است: فتوا است (مگر این که قرینه‌ای بر خلاف آن باشد).

ظنّ: گمان، غلبه یک مورد در بین موارد مشکوک.

ظهر شرعی: وقت اذان ظهر که سایه‌ی شاخص محو می‌شود یا به کمترین حدّ خود می‌رسد و پس از آن رو به فزونی می‌گذارد.

ع ـ غ

عادت: عادت ماهیانه؛ حیض، قاعدگی، پریود.

عادت وقتیّه: عادت ماهیانه ی زنی است که وقتِ عادت او ثابت است، ولی تعداد روزهای عادتش کم و زیاد می‌شود.

عادت عددیّه: عادت ماهیانه ی زنی است که تعداد روزهایِ عادتش کم و زیاد نمی‌شود، ولی وقتِ ثابتی ندارد.

عادت وقتیّه و عددیّه: عادت ماهیانه ی زنی است که وقت و تعدادِ روزهایِ عادت او تغییر نمی‌کند.

عادل: کسی است که دارای ملکه‌ی عدالت باشد ← عدالت.

عاریه: امانت گرفتن چیزی که بعد از استفاده از آن به صاحب آن برگردانده شود.

عَجز: ناتوانی از انجام کار.

عدالت: ملکه و حالت درونی و نفسانی‌ای که انسان را به تقوا وا می‌دارد؛ به طوری که از روی عَمد گناهی را انجام نمی‌دهد.

عُدول: به معنای رجوع کردن، بازگشتن/ جمع عادل ← عادل.

عدول کردن: برگشتن؛ بازگشتن؛ إعراض کردن.

عُذر شرعی: عُذری که از دیدگاه شرع قابل قبول است.

عُرف: آنچه توده‌ی مردم عادیِ متدیّن به طبع خود پذیرفته‌اند.

عرق جُنُب از حرام: عرقی که پس از آمیزشِ نامشروع یا اِستمنا از بدن خارج گردد.

عُسر و حَرَج: مشقت، سختی و دشواری؛ به‌طوری که به طور معمول قابل تحمل نباشد.

عِفّت عمومی: سلامت اخلاقی و رفتاری جامعه.

علایم بلوغ: ۱. روییدن موهای خش بر روی عانه (اطراف آلت تناسلی) ۲. احتلام ۳. گذشتن از سن ۱۵ سال قمری برای پسران و ۹ سال قمری برای دختران.

علی الأحوط: بنابر احتیاط.

علی الظاهر: آنچه از ظاهر دلیل شرعی فهمیده می‌شود. این تعبیر در مقام اظهار نظر، حکم فتوا را دارد.

عَمد: کاری را از روی قصد انجام دادن.

عَمداً: از روی قصد.

عُمره: زیارت خانه خدا و اعمال مخصوص به آن (که کمتر از اعمال حج است).

عُمره‌ی مفرده: عمره‌ای که جدای از حج انجام می‌گیرد و علاوه بر اعمال آن، طواف نساء و نماز آن را نیز در بردارد.

عُمره‌ی تمتّع: عمره‌ای است که قبل از حج تمتّع انجام می‌شود.

عَورَت: شرمگاه ، آنچه انسان از ظاهر کردنش حیا می‌کند؛ (کنایه از عضو جنسی انسان است).
عمل به احتیاط: رعایت همه ی جوانب احتمالی تکلیف؛ به‌طوری که یقین حاصل شود به وظیفه‌ی واقعی عمل شده است.
عیال: همسر، نان‌خور
عیب: خرابی، نقص.
عید فِطر: نخستین روز ماه شوال که یکی از اعیاد بزرگ اسلامی است.
عید قربان: دهمین روز ماه ذی‌حجّه که از اعیاد بزرگ اسلامی است.
عین نجس: چیزی که اصالتاً نجس است؛ مانند خون (که خود نجس است؛ نه این که به واسطه‌ی برخورد با نجاست نجس شده باشد).
غایِط [غائط]: مدفوع.
غُدَد: غدّه‌ها، توده‌های به هم فشرده‌ی چربی در بعضی نقاط بدن.
غرض عُقلایی: هدفی که از نظر عُقلا قابل قبول و پسندیده باشد.
غُساله: آبی که معمولاً پس از شستن چیزی خود به خود یا با فشار از آن خارج می‌شود.
غُسل: شست‌وشوی بدن با کیفیتِ مخصوص و قصدِ قربت.
غسل ارتماسی: به‌قصد قربت، تمام بدن را یک‌باره در آب فرو بردن؛ به طوری که آب به همه‌ی جای بدن برسد.
غسل ترتیبی: اوّل سر و گردن، بعد طرف راست و سپس طرف چپ را شستن.
غسل جبیره‌ای: غسلی است که با وجود جبیره (بر روی بعضی از اعضای بدن) انجام می‌گیرد.
غسل مستحب: هر غسلی که به مناسبت روزها و شب‌های خاص یا عبادات و زیارات مخصوص و یا ورود به اماکن متبرکه وارد شده است؛ مانند: غسل جمعه، غسل شب‌های احیا و غسل ورود به مکّه‌ی معظّمه.
غسل واجب: غسلی که انجام دادن آن به سبب عواملی چون جنابت، حیض و ... برای نماز و برخی واجبات دیگر واجب است.
غَصب: تسلّط نامشروع بر مال یا حق دیگران.
غیر مُبطِل: آنچه باعث باطل‌شدن عمل نمی‌شود؛ مانند: شک در این که آیا رکعت سوم است یا چهارم (در نماز چهار رکعتی).
غیر مَشروع: آنچه مخالف شرع است.

ف ـ ق

فاجِر: گناهکار، تباهکار، زناکار.
فاحِش: غیر متعارف، ناپسند.
فاقِدُالطَّهورَین: کسی که برای غسل، وضو یا تیمّم، به آب و خاک دسترسی ندارد یا این‌که استعمال آنها برایش ضرر دارد.
فَالْاَعْلَم: کسی که بعد از مجتهد اعلم از دیگران اعلم است.
فَتْوا [فتویٰ]: اظهار نظر نهایی مجتهد در مسائل شرعی.
فَجْر: سپیده‌ی صبح.
فَجْر اوّل و دوّم: نزدیکِ اذان صبح، از طرف مشرق سفیدی ظاهر می‌شود که رو به بالا حرکت می‌کند و آن را فَجْر اوّل (فَجْر کاذب) می‌گویند؛ زمانی که آن سفیده از بین رفت، سفیده‌ی دیگری سر می‌زند که نور آن در پهنای اُفق گسترده و لحظه به لحظه زیادتر می‌شود و این را فَجْر دوم (فَجْر صادق) می‌گویند.
فَجْر کاذب و صادق: منظور فَجْر اوّل و دوم است.
فِدْیه: یک مُد طعام که در مواردی خاص به عنوان کفّاره‌ی روزه به نیازمند پرداخت می‌شود. (هر مُد ۷۵۰ گرم است.)
فُرادا: برگزارکردن نماز به طور انفرادی (در مقابل نماز جماعت).
فِسق: ارتکاب گناه، خروج از اطاعت خداوند.
فُسوق: گفتار حرام؛ مانند: دروغ، فحش و...
فضیلت: مزیّت، برتری ← وقت فضیلت.
فطریه: ← زکات فطره.
فُقّاع: آب‌جو (شرابی که جو گرفته می‌شود).
فقیر: کسی که مخارج سالِ خود و خانواده‌اش را به اندازه‌ی کافی ندارد و نمی‌تواند به دست هم بیاورد.
فِقْه: علم به احکام دین از روی دلایل شرعی/ مجموعه احکام دین.
فِی‌الْجُمله: به‌طور اجمالی؛ در بعضی موارد.
فی‌حدّنفسه (فی‌نفسه): در حدّ خود، به‌خودی خود/حکم اولیه یک مسئله، بدون در نظر گرفتن عوامل و شرایط دیگر (بدون ملاحظه‌ی جهات دیگر).
فی سبیل الله: در راه خدا؛ هر عمل خالصی که با آن، قرب به خداوند حاصل شود. / مصالح عموم اسلام و مسلمین؛ مانند: ساختن مساجد و مدارس.
قاصر: ← جاهل.
قاعدگی: عادت ماهیانه زنان؛ پریُود.
قُبُل: جلو (کنایه از عضو جنسی که در جلو بدن قرار دارد).
قِبله: جهتی که نمازگزار باید به آن سمت نماز بخواند (جهت

قِبله: جهتی که نمازگزار باید به آن سمت نماز بخواند (جهت کعبه در تمام نقاط).

قِی[قَی]: تهوع، استفراغ؛ بیرون ریختن محتویات معده از راه رهان.

قصد اقامت: تصمیم مسافر به اقامت ده روز یا بیشتر در یک محل.

قُروح: زخم‌هایی که بر اثر سلاح عارض شده است/ دانه‌های ریزی که نشانه‌های چرک و فساد در آنها نمایان شده است.

قَرینه: علامت، نشانه.

قصد رَجا: قصد انجام یا ترک عملی به احتمال اینکه مورد امر یا نهی خدای متعال باشد.

قصد قُربَت: قصد تقرّب به خدای متعال و نزدیک شدن به او.

قصد ورود: قصد اینکه یک عمل به عنوان مستحب در روایات وارد شده است.

قصور: کوتاهی در انجام وظیفه.

قَضاء[قضا]: قضاوت کردن/ انجام عبادتی که وقت آن گذشته است (در مقابل اَدا).

قضای حاجت: تخلّی؛ ادرار و مدفوع کردن.

ک. گ

کافر: کسی که به اسلام معتقد نیست.

کافر شامل چهار دسته می‌شود:

۱. کسانی که وجود خداوند را قبول ندارند

۲. کسانی که یگانگی خداوند را قبول ندارند

۳. کسانی که پیامبری رسول اکرم ﷺ را قبول ندارند

۴. کسانی که مُنکر یکی از ضروریّات دین هستند و انکار آن به انکار توحید یا رسالت بر می‌گردد ⟵ ضروری دین.

کافر حَربی: کافری که با مسلمین پیمان ترک مخاصمه ندارد و یا در حال جنگ است.

کافر ذمّی: اهل کتابی که در سرزمین اسلامی با شرایط مخصوص در پناه حکومت اسلامی زندگی می‌کند.

کبایر: گناهان کبیره ⟵ گناه کبیره

کتابی (کتابیه): اهل کتاب؛ پیرو یکی از پیامبرانی که دارای کتاب آسمانی بوده‌اند.

کثیرُالشَّک: کسی که زیاد شک می‌کند.

کُر: واحدی در اندازه گیری معادل حجم ۳/۵ وجب در ۳/۵ وجب در ۳/۵ وجب و یا به مقدار تقریبی ۳۸۴ لیتر.

کِراهَت: حکمِ کاری که انجام ندادن آن بهتر است و ترک آن ثواب دارد، ولی اگر انجام شود، گناه نیست.

کُسوف: خورشید گرفتگی.

کَفّاره: کاری که مُکَلَّف باید به عنوان جریمه برای اشتباهی که مرتکب شده انجام دهد. (تاوان تخلّف از اوامر شرع). مثلاً کفاره‌ی روزه، ۶۰ روز روزه گرفتن یا اطعام ۶۰ فقیر است.

کفّاره‌ی جمع: همه‌ی کفاره‌ها؛ مثلاً کفاره‌ی جمع برای روزه، ۶۰ روز روزه گرفتن و اطعام ۶۰ فقیر است.

کَفَن: لباس مخصوص میّت که دارای ۳ قطعه است.

کَفَّین: دو دست (از مچ تا نوک انگشتان).

کلّی: عام، غیر معیّن.

گناه کبیره: گناهی که در آیات و روایات بر آن وعده‌ی عذاب و آتش داده شده است.

گواه: شاهد.

ل ، م

ماءُالشَّعیر: نوشابه‌ی گازدارِ غیرالکُلی که از عصاره‌ی جوانه‌ی جو می‌سازند.
مؤمن: شیعه‌ی دوازده امامی.
ما فی الذمّه: آنچه برعهده‌ی مُکَلَّف است، هرچند به آن علم نداشته باشد.
مَأموم: پیرو، کسی که در نماز به امام جماعت اقتدا کرده است.
ماه شمسی: منظور یک «برج» است که بیشتر از ۳۱ روز نمی‌شود.
ماه قمری: مدت زمان یک دور گردش ماه به دور زمین که برابر با ۲۹ یا ۳۰ روز است.
مُباح: آنچه حرام نیست/ عملی که در نظر شرع، نه ناپسند محسوب می‌شود و نه پسندیده.
مباحات عامه: چیزهایی مانند کوه‌ها، دریاها و پرندگان که تصرف در آن در صورتی که منع ولایی (از جانب ولیّ‌فقیه) نداشته باشد، جایز است.
مُباشِر: آنکه کاری را شخصاً و به طور مستقیم انجام می‌دهد.
مباشرت: با دست خود و به طور مستقیم کاری را انجام دادن.
مُبتَذَل: پَست، غیرمجاز.
مُبتلا بِه: مورد ابتلا، در معرض پیشامد.
مُبطِلات: اموری که باطل‌کننده‌ی عمل هستند، مانند غذا خوردن که باطل کننده‌ی روزه است.
مَبطون: کسی که به خاطر بیماری، از نگه‌داری مدفوع یا باد معده عاجز است.
مَبعَث: زمان برانگیخته شدن حضرت محمد ﷺ به پیامبری (۲۷ رجب).
مُتَخَلِّف: آنکه از شرع و یا قانون تخلّف کرده است.
متداول: مرسوم.
مُتَشَرِّع: کسی که به قوانین شرع پای‌بندی و اهتمام دارد.
مُتَضَرِّر: کسی که متحمّل ضرر شده است.
مُتَنَجِّس: نجس شده؛ چیزی که به طور ذاتی پاک است؛ ولی با یکی از نجاسات (هر چند با واسطه) به گونه‌ای تماس پیدا کرده است که رطوبت یکی به دیگری انتقال پیدا کرده است.
مثقال شرعی: سه چهارمِ مثقال بازاری، دینار، معادل ۳/۶ گرم.
مجتهد: کسی که در مراتب علمی به درجه‌ای رسیده است که می‌تواند احکام اسلام را از اَدلّه‌ی شرعی استنباط کند.
مجتهد جامع الشرائط: مجتهدی که شرایط لازم برای مرجعیت را دارا است.

مُجزی: عملی که در ادای تکلیف، کافی است.
مُجزی است: کافی است (ساقط کننده‌ی تکلیف است).
مجوّز شرعی: چیزی که از نظر احکام شرعی تجویز کننده‌ی عملی باشد؛ دلیلی که به استناد آن بتوان عملی را از نظر قانون اسلام روا و جایز دانست.
مَحارِم: جمع مَحْرَم ← مَحرم.
مُحْتَضَر: کسی که در حال جان دادن است.
مُحتَلِم: کسی که در خواب از او منی خارج شده است ← احتلام.
مُحتمل الاعلمیه: مجتهدی که احتمال دارد اعلم از دیگران باشد.
مَحذور: ممنوع/ در فقه به معنای «مانع» به‌کار می‌رود.
مُحْرَز: آشکار، معلوم، قطعی.
مُحرَّم: چیزی که حرام شده است/ نخستین ماه از سال قمری.
مَحْرَم: کسی که از نظر نگاه و تماس با او محدودیتی که با دیگران وجود دارد نیست مانند مادر، خواهر و همسر.
مَحرم نسبی: آن که محرمیتش به واسطه ی نسبت خویشاوندی و تولّد است؛ مانند: عمه، خاله، عمو و دایی.
مَحرم سببی: آن که محرمیت او به واسطه ی ازدواج حاصل شده باشد؛ مانند: پدر شوهر، مادر زن، عروس و داماد.
مَحرم رضاعی: آن که محرمیت او به واسطه‌ی شیر خوردن (با شرایط خاص) حاصل شده باشد؛ مانند: برادر و خواهر رضاعی.
مَحظور: ممنوع.
محکوم به...است: نوعی فتوا (مثلاً محکوم به حلیّت است، یعنی به حلال بودنش حکم می‌شود).
محکوم به بطلان: باطل است.
محل اشکال است: اشکال دارد؛ نمی‌توان به آن فتوا داد (مُقَلِّد می‌تواند در این مسئله به مجتهد بعد، از نظر رتبه‌ی علمی مراجعه کند) ←احتیاط واجب.
مخرج بول و غایط: محل طبیعی خروج ادرار و مدفوع.
مُخَیَّر: صاحب اختیار.
مُخَیَّر است: مُقَلِّد باید یکی از راه‌های مذکور در مسئله را انتخاب کند (این تعبیر، حکمِ فتوا دارد).
مُدّ: ۷۵۰ گرم است.
مُدّ (از طعام): ده سیر طعام؛ مانند: برنج، آرد، گندم، خرما و کشمش.
مُدَّعی: کسی که ضدّ دیگری اِقامه‌ی دعوا کرده است.
مذموم: قبیح، ناخوشایند.
مَذْی: رطوبتی که پس از مُلاعبه (شوخی و بازی شهواتی با دیگری) از انسان خارج می‌شود.

مُراودت: رفت و آمد، معاشرت.
مُرتد: مسلمانی است که خدا یا رسول اکرم ﷺ را انکار کند و یا به طوری مُنکر یکی از ضروریات دین شود که انکار او به انکار رسالت برگردد.
مُرتَدّ فطری: کسی که هنگام انعقاد نطفه‌ی او پدر یا مادرش مسلمان بوده‌اند و خودش پس از بلوغ مُرتد شده است.
مُرتَدّ ملّی: کسی که هنگام انعقاد نطفه‌ی او پدر و مادرش کافر بوده‌اند و خود نیز پس از بلوغ «اظهار کُفر» نموده، بعد مسلمان شده و سپس مُرتَد گشته است.
مُرجّح: آنچه باعث برتری امری یا کسی بر دیگری می‌شود.
مرجع تقلید: کسی که مُکَلَّف، در احکام شرعیِ خود به او رجوع و از وی تقلید می‌کند.
مرجوح: کم ارزش‌تر ⟵ راجِح
مُردار: حیوانی که یا خود مرده یا در هنگام کشتنش شرایط لازم تذکیه رعایت نشده است. ⟵ ذبح.
مَرمر: نوعی سنگ.
مُساعدت: یاری، همکاری.
مُستَبْصِر: راه یافته به مذهب تشیع، صاحب بصیرت.
مُستَحاضه: زنی که خون استحاضه می‌بیند.
مستحب: کاری که شریعت به آن امر کرده، ولی ترک آن را اجازه داده است.
مُستَلْزِم: موجب، سبب.
مُستَهْلَک: نابود شده، از بین رفته؛مخلوط شده با چیز دیگر، به‌طوری‌که گویا دیگر وجود ندارد؛ مانند خون لثه که در اثر مخلوط شدن با آب دهان مُستَهْلَک می‌شود.
مَسْح: دست کشیدن بر چیزی.
مسح اعضایِ وضو: دست کشیدن بر جلوی سر و روی پاها با رطوبت باقی مانده از شست‌وشوی دست و صورت.
مَسّ: تماس مستقیم بدنی با یک چیز.
مَسّ میّت: تماس بدنی با جسد میّت.
مِسکین: به معنای درمانده، به گونه‌ای که هیچ چیز نداشته و حال او از فقیر سخت‌تر و شدیدتر است.
مَسلَک: راه، روش، آیین.
مَسلوس: کسی که به خاطر بیماری از نگه‌داری ادرار عاجز است.
مَشاهد مشرّفه: حرم پیامبر ﷺ ائمه‌ی معصومین ﷺ.
مشروع: جایز؛ آنچه موافق شرع باشد.
مَشِقَّت: دشواری؛ گرفتاری؛ رنج.
مشکوک: مورد شک؛ مردود.

مصلحت: آن‌چه صلاح و نفع در آن باشد.
مُضْطَرّ: کسی که ناگزیر به ترک واجب و یا ارتکاب حرام شده است/ درمانده؛ کسی که چاره‌ای ندارد/ تهیدست، بینوا.
مَضْمَضه: چرخاندن آب در دهان.
مَضیقه: تنگنا؛ شرایط سخت و دشوار.
مُطْرِب: به طَرَب آورنده؛ شادی‌بخش.
مُطَهِّرات: پاک‌کننده‌ها، چیز نجس شده را پاک می‌کنند.
مُعْتَدٌّ بِه: قابل توجه.
مُعْتَنابِه: قابل اِعتناء؛ قابل ملاحظه.
مَعْصِیَت: نافرمانی، گناه، حرام.
مَفْسَده: تباهی و فساد؛ آنچه باعث ضرر و خسران دنیوی یا اُخروی می‌گردد.
مقام ابراهیم: قدمگاهِ حضرت ابراهیم ﷺ در فاصله ۱۳ متری کعبه.
مقدمه‌ی واجب: آن‌چه صحّت عمل واجب، وابسته به انجام آن است؛ مانند: طهارت برای نماز.
مُقَصِّر: جاهل
مَکروه: ناپسند؛ کاری که شریعت آن را نهی کرده، ولی ارتکاب آن را اجازه داده است. ⟵ احکام خَمسه.
مُکَلَّف: کسی که به حدّ تکلیف و بلوغ رسیده، انسانی که بالغ و عاقل است.
مُلاقی: آنچه با چیزی دیگر برخورد و تماس دارد.
مُمیِّز: کودک نابالغی که قدرت تشخیص - برای مثال: خوبی و بدی - داشته باشد. معیار ممیّز بودن در هر مورد، تشخیص وی نسبت به همان مورد است.
منشأ عُقلایی: غرض و انگیزه عقلایی.
مُنکَر: کار زشت، اعم از حرام و مکروه.
مُنکِر: انکار کننده.
مَنُوبٌ عَنْه: کسی که عملی به نیابت از او انجام می‌گیرد.
مَنی: مایع غلیظی که از غدد تناسلی به‌وسیله آمیزش یا احتلام و یا اِستمنا خارج می‌شود.
مُهَیِّج: تحریک کننده.
مواضع سبعه: اعضای هفت‌گانه بدن که در هنگام سجده باید روی زمین قرار گیرند: پیشانی،کف دو دست، سر دو زانو، نوک انگشتان شست پا.
مُوالات: پشت سر هم، پی در پی انجام دادن.
مُوَثَّق: مورد اطمینان، امین.
مورد اشکال است: محل اشکال است؛ اشکال بر آن وارد است.
میّت: جسد بی‌جان انسان.

ن ، و

نافله: نماز مستحب ← نوافل یومیّه.

نان‌خور: ← عیال

نایب: کسی که عملی را به‌جای دیگری انجام دهد.

نجاست عَرَضی: نجاستی که در اصلِ جسم نیست، بلکه برآن عارض می‌شود؛ مانند: نجاست آب.

نجس: هرچیزی که به طور ذاتی پاک نیست و قابل تطهیرهم نباشد؛ مانند: ادرار، مدفوع، خون، منی، مردار، سگ و خوک.

نجس العین: چیزی که اصالتاً نجس باشد؛ مانند: سگ و خوک ← عین نجس.

نخود: یکی از واحدهای وزن که به طور تقریبی معادل یک بیست و چهارمِ مثقال و ۰/۱۵ گرم است.

نذر: ملزم کردن خود با صیغه مخصوص برکاری که از نظر شرع مطلوب است.

نظر به ریبه: نگاه کردن همراه با شهوت ← ریبه.

نِفاس: خونی است که همراه زایمان یا پس از آن از رحم زن خارج می‌شود.

نَفْساء [نفسا]: زنی که خون نفاس می‌بیند ← نفاس.

نماز: عملی است با ارکان و شرایط مخصوص که از جانب خدا بر مُکَلَّفین واجب شده است و دارای اقسامی است.

نماز آیات: نمازی است دو رکعتی و با کیفیت مخصوص که هنگام پیش‌آمدن حوادثی نظیر زلزله، کُسوف و خُسوف واجب می‌شود.

نماز احتیاط: نمازی که برای جبران رکعات مورد شک به جا آورده می‌شود.

نمازاِستِسْقاء [استسقا]: نمازی که برای طلب باران خوانده می‌شود.

نماز جمعه: دو رکعت نماز است که در ظهر روز جمعه به جای نماز ظهر و به جماعت برگزار می‌شود و با کمتر از ۵ نفر انجام پذیر نیست.

نماز خوف: نمازی است که در حال جنگ و با کیفیت مخصوص به جا آورده می‌شود.

نماز شَفْع: دو رکعت نماز مستحبی است که پس از هشت رکعت نافله نماز شب خوانده می‌شود.

نماز شب: یازده رکعت نماز مستحبی است که به صورت چهار نماز دو رکعتی (نافله‌ی شب) و دو رکعت نماز شَفْع و یک رکعت نماز وَتْر، بعد از نیمه‌ی شب به جا آورده می‌شود.

نماز طواف: دو رکعت نماز که باید پس از طواف خانه خدا به جا آورده شود.

نماز عید: دو رکعت نماز که در روز عید فطر و قربان خوانده می‌شود.

نماز غُفیلَه: دو رکعت نماز که مستحب است پس از نماز مغرب خوانده شود.

نماز قَصر: منظور نمازهای چهار رکعتی است که در سفر دو رکعت خوانده می‌شود و به آن «نماز شکسته» می‌گویند.

نماز قضا: نمازی که به جبران نمازهای فوت شده خوانده می‌شود.

نماز مسافر: ← نماز قصر.

نماز مَیِّت: نمازی با کیفیّت مخصوص که بر جنازه‌ی مسلمان خوانده می‌شود.

نماز وَتْر: یک رکعت نماز مستحبی است که در نماز شب، پس از نماز شَفْع خوانده می‌شود.

نماز وحشت: دو رکعت نماز با کیفیت مخصوص که در شب اوّل قبر برای مُرده خوانده می‌شود.

نوافل یومیّه: نمازهای واجب شبانه‌روز که ۱۷ رکعت است.

نیابت: انجام دادن یک عمل برای شخص دیگر.

نیَّت: قصد؛ تصمیم به انجام عمل.

واجب: آن چه شرع به آن فرمان داده و ترک آن را حرام شمرده است.

واجب فوری: عمل واجبی که باید هر چه زودتر انجام دهیم.

وسواس: شک و شبهه زیاد در عبادات و احکام مذهبی؛ به ویژه در طهارت و نجاست.

وسواسی: شخصی که زیاد شک می‌کند و به درستی عمل خود اطمینان ندارد.

وصیّت: سفارش‌های انسان به انجام عبادات، پرداخت بدهی، دریافت مطالبات و... پس از مرگش.

وصیّ: کسی که عهده‌دار انجام وصیتی شده است.

وضو: شستن صورت و دست‌ها و مسح سر و پاها به کیفیت مخصوص و با قصد تقرّب و نزدیکی به خداوند.

وضوی ارتماسی: وضویی است که با فرو بردن صورت و دست‌ها در آب صورت گیرد.

وضوی ترتیبی: وضویی است که با ریختن آب به روی صورت و دست‌ها انجام گیرد.

وضوی جبیره‌ای: وضویی است که روی بعضی از اعضای آن جبیره باشد ← جبیره.



وطن: محل زندگی انسان.

وطن اصلی: محلی که انسان در آن به دنیا آمده و بزرگ شده.

وطن جدید (مُستَجد): محلی به جز وطن اصلی که انسان برای زندگی انتخاب کرده و یا آن قدر در آنجا مانده که در نظر عُرف، وطن وی محسوب می‌شود.

وقت فضیلت: زمانی است که اگر نماز در آن وقت خوانده شود، ثواب بیشتری دارد.

وَقْف: جدا کردن مال یا ملکی از اموال خود و اختصاص دادن منافع آن برای افراد خاص یا اُمور خیر.

ولایت: سرپرستی، صاحب اختیار بودن ⟵ ولی.

ولایت فقیه: حکومت و اداره ی جامعه اسلامی توسط فقیه جامع الشرایط.

ولیّ: سرپرست؛ کسی که از نظر شرع سرپرست دیگری است؛ مانند پدر، جدّ پدری و حاکم شرع.

ولیّ دَم: کسی که بر اساس شریعت، حق قصاص گرفتن دیه در اختیار اوست؛ مانند پدر مقتول(ورثه‌ی مقتول).

ولیّ فقیه: فقیه جامع الشرائطی که در زمان غیبت معصوم ﷺ، حکومت و اداره‌ی جامعه‌ی اسلامی بر عهده‌ی اوست. ⟵ ولایت.

هـ . ی

هتک: بی‌حرمتی؛ اهانت.

یائسه: زنی که سنّش به حدّی رسیده که دیگر عادت ماهیانه نمی‌شود.

یتیم: کودکی که پدر خود را از دست داده است.

یقین: علم صددرصد که احتمال خلاف در آن داده نشود.

یوم‌الشّک: روزی که مشخص نیست آخر ماه گذشته است یا اوّل ماه جدید.

یومیّه: روزانه؛شبانه روزی.